

تذکر این کتاب توسط مؤسسه فرهنگی - اسلامی شبکه الامامین الحسنین علیهما السلام بصورت الکترونیکی  
برای مخاطبین گرامی منتشر شده است.

لازم به ذکر است تصحیح اشتباهات تایپی احتمالی، روی این کتاب انجام گردیده است.



اهدا

به چهارده معصوم پاک ﷺ

که دوازده ماه سال را بر گرد نور وجودشان در طوافیم؛

و خورشید و ماه و ستاره ما آنانند؛

و لحظه ها و ساعات و روزها و هفته ها و ماه ها و سالهای خود را، به یاد آن ستارگان تابناک وجود

سپری می کنیم؛

در سرور آنان شادیم، و در حزن آنان اندوهناک؛

و این چنین حرمت ماه های الهی را به نمایش می گذاریم.

عبدالحسین



آنچه حیات شیعه را با ارزش می کند

«شِيعَتُنَا جُزْءٌ مِّمَّا خُلِقُوا مِنْ فَضْلِ طَيْبَتِنَا، يَسُوُّهُمْ مَا يَسُوُّنَا وَيَسُرُّهُمْ مَا يَسُرُّنَا». امام صادق عليه السلام می فرماید:  
«شیعیان ما جزئی از ما هستند، که از اضافه طینت ما خلق شده اند. آنچه ما را ناراحت کند آنان را ناراحت می کند و آنچه ما را مسرور کند آنان را مسرور می نماید».<sup>(1)</sup>

عمر ما شیعیان را با محاسبه ساعاتی که در یاد اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم باشیم می توان محاسبه کرد. برای به دست آوردن ارزش و بهای حقیقی سال و ماه و روزمان، لحظاتی را باید محاسبه کنیم که نام مقدس محمد و علی و فاطمه و یازده امام از فرزندانشان علیهم السلام در آنها درخشیده است، و باید ساعاتی را به شماره آوریم که نام حسین علیه السلام به آنها جان داده است. و باید روزهایی را به حساب آوریم که با یاد مهدی صاحب الزمان علیه السلام سپری کرده ایم.

سرور و غم در شادی و حزن اهل بیت علیهم السلام

در اعتقاد ما دین جز حب و بغض نیست،<sup>(2)</sup> و این محبت است که نمی گذارد روزهای شیرین و تلخ در رابطه با ولایت و برائت از خاطره ها محو شود. در ولادت

---

1. بحار الانوار، ج 65، ص 24. امالی شیخ طوسی: ص 299. بشارة المصطفی صلی الله علیه و آله و سلم: ص 196. غایة المرام: ج 16 ص 72. ارشاد القلوب: ج 2 ص 257.

2. کافی: ج 2 ص 125. محاسن: ج 1 ص 262. بحار النوار: ج 65 ص 63، ج 66 ص 241.

پیامبر ﷺ تبسمی روح انگیز بر لب می نشانیم و در رحلت او مظلومیت علی و فاطمه ﷺ را در دل تازه می کنیم. در ولادت علی ﷺ با جمع بهشتیان به استقبال او در کعبه می رویم، و در شهادت او خون دل سی ساله علی ﷺ از ظلم سقیفه را با تمام وجود احساس می کنیم.

در ولادت زهراء ﷺ با لبخند پیامبر و خدیجه ﷺ، غنچه روحمان می شکفت و بی اختیار متبسم می شویم، و در شهادت او ضربه در را بر پهلوی خود احساس می کنیم، و به یاد آن سیلی صورت خود را سرخ می کنیم. بر جود حسن ﷺ می بالیم و بر تنهایی مظلومانه او می نالیم. در غدیر اوج سرور را در می نورسیم و تابلوی بزرگترین عید الهی را بر بلندترین قله جهان نصب می نمائیم. در عاشورا از قله غم قصه عظیم ترین غصه را مرور می کنیم و اشک می ریزیم و از خود بی خبر می شویم.

شیعه جنازه مقدس پیامبرش را رها نمی کند و به سقیفه نمی رود. شیعه فاطمه ﷺ را در پشت در و علی ﷺ را طناب بر گردن تنها نمی گذارد. شیعه با خاموش شدن چراغ خیمه ها در شب عاشورا خود را در تاریکی شب گم نمی کند. شیعه با لبیک دائمی خود ندای «هل من ناصر» حسین ﷺ را پاسخ مثبت می دهد. شیعه سم اسبها را بر سینه خود احساس می کند. شیعه به یاد خیمه های سوخته در آتش می دود و «یا حسین» می گوید.

شیعه کنار محمل زینب ﷺ سر می شکند. شیعه به یاد کودکان در بیابان دویده کربلا در روز عاشورا پابرهنه می گردد. شیعه چشمان اشکبار خاندان حسین ﷺ را کنار سر بریده تنها نمی گذارد. شیعه مانند زینب و رباب ﷺ با مشاهده چوب خیزران طاقت از کف می دهد. شیعه هنوز برای رقیه سه ساله ﷺ در خرابه مرهم می برد.

شیعه همچنان اربعین را در کربلا حاضر است. شیعه با زینب بر حسین می گیرد، و با سکینه بر علی اکبر اشک می ریزد، و با رباب برای علی اصغر سینه داغ می کند، و با اطفال حرم «یا اباالفضل» می گوید. شیعه همراه کاروان اسیران حسینی و زینبی از کربلا تا کوفه و از کوفه تا شام و از شام تا کربلا و از کربلا تا مدینه

می رود. شیعه بر امامان مظلومی که به دست میراث خواران سقیفه محبوس و مسموم شدند می سوزد. و این گونه اشک شیعه در سوگ اهل بیت علیهم السلام است و سرورش در شادی آنان!! شیعه از امامش این درس ابدی را گرفته است که «إِنَّ سَرَّكَ أَنْ تَكُونَ مَعْنَا فِي دَرَجَاتِ الْعُلَى فِي الْجَنَانِ فَاحْزَنَ لِحَزْنِنَا وَافْرَحَ لِفَرَحِنَا»: «اگر دوست داری در درجات عالی بهشت با ما باشی برای حزن ما محزون باش و برای شادی ما شاد باش».<sup>(1)</sup>

ای کاش تاریخ دقیقی از لحظه به لحظه و ساعت به ساعت زندگی اهل بیت علیهم السلام در دست داشتیم، و می توانستیم همه لحظات زندگی خود را با یاد شادی و احزان آل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ منطبق نماییم؛ و این گونه تمام همه عمرمان «يَفْرَحُونَ لِفَرَحِنَا وَ يَحْزَنُونَ لِحَزْنِنَا» را به تصویر می کشید. افسوس که دشمنان چنین فرصتی را از ما گرفتند و بسیاری از سرور و احزان چهارده معصوم علیهم السلام بر ما پوشیده ماند، تا روزی که مهدی موعود علیه السلام بیاید و پرده از تلخ و شیرین هزار و چهارصد ساله بردارد.

### دوازده ماه در قرآن

خداوند در قرآن می فرماید: (إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرْمٌ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِنَّ أَنْفُسَكُمْ...)

«عدد ماهها نزد خدا در کتاب الهی از روزی که آسمانها و زمین را آفریده دوازده ماه، است که چهار ماه از آنها حرام است. این است دین ثابت و پابرجا، پس در این چهار ماه به خود ستم نکنید...».<sup>(2)</sup>

از امام باقر علیه السلام در باره معنای این کلام خداوند پرسیدند که می فرماید: «إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا...». حضرت فرمود: منظور از سال جدم پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است، و

1. بحار الانوار، ج 98، ص 103، ج 44 ص 285. از امام رضا علیه السلام، عیون اخبار الرضا علیه السلام : ج 1 ص 234-233. امالی صدوق: ص 193. اقبال الاعمال: ج 3 ص 29. وسائل الشیعة: ج 14 ص 503.

2. سوره توبه: آیه 36.

ماه های آن دوازده تاست که عبارتند از امیر المؤمنین، امام حسن، امام حسین، امام علی بن الحسین، خود من (یعنی امام باقر)، و بعد از من پسر جعفر، و پسر او موسی، و پسر او علی، و پسر او محمد، و پسر او علی، و پسر او حسن، و پسر او مهدی علیه السلام، که دوازده امام اند، و حجت‌های خدا در خلق او و امینانش بر وحی و علم هستند.

چهار ماه که خدا آنها را ماههای حرام و محترم شمرده و دین محکم الهی هستند، چهار امام اند که نام آنها علی است: علی امیر المؤمنین، پدرم علی بن الحسین، علی بن موسی و علی بن محمد علیه السلام. اقرار به این امامان دین محکم است. به امامت همه آنان معتقد باشید تا هدایت یابید. <sup>(1)</sup>

### روش تنظیم کتاب حاضر

در تنظیم کتاب حاضر نکات زیر در نظر گرفته شده است:

1. تقسیم اصلی کتاب بر اساس ماه های دوازده گانه قمری در 12 بخش است. در هر بخش روزهای هر ماه عنوان اصلی قرار داده شده، و وقایع هر روز با شماره گذاری و عنوان فرعی آورده شده است.
2. در پایان روزهای هر ماه، به ذکر وقایعی می پردازیم که در آن ماه رخ داده ولی روز آن تعیین نشده است.
3. در اکثر ولادت ها و شهادتها قولهای نادر و خلاف مشهور وجود دارد، که ما با انتخاب قول اقوی بقیه اقوال را در ذیل آنها یادآور شدیم. در مواردی مانند شهادت حضرت زهرا علیها السلام که چند روز در سال رسماً مطرح است همه آنها ذکر می شود.
4. وقایع مذکور در این تقویم از ولادت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تا آغاز غیبت کبری است.

---

1. بحار الانوار، ج 24، ص 240. الهدایة الكبرى: ص 377. مناقب آل ابی طالب علیه السلام: ج 1 ص 346. الغیبة (شیخ طوسی): ص 149.



5. همچنین وقایع تاریخی بسیاری با سند و مدرک وجود دارد، که به خاطر ربط نداشتن به معصومین علیهم السلام ذکر نشده است.

6. در برخی موارد با توجه به اهمیت آنها تفصیل بیشتری داده شده است.

7. در آغاز هر بخش خلاصه ای از وقایع آن ماه و دورنمایی از آنها ذکر شده است.

ویرایش دوم

طی پنج سالی که از چاپ اول کتاب حاضر در سال 1424 ق - 1382 ش می گذرد و تاکنون شش بار تجدید چاپ شده، مطالب مناسبی برای بخش های مختلف آن جمع آوری شده است. این استدراکات در ترجمه عربی در جای خود قرار داده شد، و اینک در چاپ هشتم متن فارسی اضافه می شود و به عنوان ویرایش دوم کتاب تقدیم می گردد.

امید است این تقویم، به پیوند زندگی هایمان با اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام تحکیم بیشتری ببخشد، و با تذکر روزهای غم آنان اندوهناک و با یاد روزهای خوش آنان شاد باشیم. در اعتقاد ما لذت بردن از زندگی این گونه است، و معنادار بودن زندگی جز این نیست.

عبدالحسین نیشابوری

قم، محرم 1430، فروردین 1388



1. محرم الحرام



ماه محرم ماه پر حادثه ای است که اعظم آنها شهادت سید الشهداء علیه السلام است. در روزهای 1، 2، 3، 4، 6، 7، 8، 9، 10، 11، 12، 13، 15، 19، 20، 23، 25، 26، 28 و 29 این ماه وقایعی رخ داده که اکثر آنها مربوط به واقعه کربلاست.

نزدیک شدن امام حسین علیه السلام به کربلا، ورود حضرت به این سرزمین و نامه برای اهل کوفه، ورود عمر بن سعد به کربلا، فتوای شریح قاضی به قتل امام حسین علیه السلام و تراکم لشکر یزید، ملاقات امام حسین علیه السلام با ابن سعد، منع آب از امام حسین علیه السلام، محاصره خیمه ها در کربلا، آندن امان نامه برای فرزندان ام البنین علیه السلام، درخواست تأخیر جنگ، آمدن لشکر تازه نفس به کربلا، خطابه امام حسین علیه السلام برای اصحابش، سخنان امام حسین علیه السلام با اهل بیتش، سخنان زینب کبری علیه السلام با امام حسین علیه السلام، همه اینها مراحل از واقعه کربلاست که قبل از شهادت امام حسین علیه السلام در ماه محرم بوقوع پیوسته است.

شهادت سید الشهداء امام حسین علیه السلام، شهادت قمر بنی هاشم حضرت عباس علیه السلام، شهادت حضرت علی اکبر علیه السلام، شهادت قاسم بن حسن علیه السلام، شهادت باب الحوائج علی اصغر علیه السلام، شهادت عبدالله بن حسن علیه السلام شهادت حبیب بن مظاهر اسدی و مسلم بن عوسجه، شهادت حر بن یزید ریاحی و جون غلام ابی ذر غفاری، و شهادت اصحاب با وفای امام حسین علیه السلام، شهادت زوجه و هب به دست غلام شمر، جلوه های بزرگترین پرونده شهادت است که در ماه محرم تحقق یافته است. آمدن ذوالجناح با یال خونین به خیمه فاطمیات، ماتم و ناله و گریه پردگیان حرم بر سید الشهداء علیه السلام و اولاد او، غارت اموال از خیام امام

حسین علیه السلام، غارت لباس و زره از بدن مطهر شهدای کربلا، به آتش کشیدن خیمه های آل الله، فرار فاطمیات و علویات در بیابانها، شهادت دختران کوچک در کنار خیمه ها، جدا شدن سرهای مطهر امام حسین علیه السلام و اهل بیت و اصحاب، وقایعی است که پس از شهادت امام حسین علیه السلام بوقوع پیوسته، و همه در ماه محرم بوده است.

رأس مطهر امام حسین علیه السلام در تنور خولی در کوفه، حرکت کاروان اسرا از کربلا، حرکت اهل بیت امام حسین علیه السلام به سوی کوفه، دفن شهدای کربلا، ورود اهل بیت علیهم السلام به کوفه، اسرای اهل بیت علیهم السلام در مجلس ابن زیاد، اسرای اهل بیت علیهم السلام در زندان کوفه، خبر شهادت امام حسین علیه السلام در مدینه و شام،

شهادت عبدالله بن عقیف، وقایعی است که در ماه محرم کوفه به خود دیده است و سپس اهل بیت علیهم السلام در شهرهای عراق و شام گردانده شدند و در همین ماه بود که به شام رسیدند.

وقایع دیگری در ماه محرم اتفاق افتاده که برخی قبل و بعضی دیگر بعد از واقعه کربلا بوده است. ماجرای شعب ابی طالب علیه السلام جنگ ذات الرقاع، اولین جمع آوری زکات، نوشتن صحیفه ملعونه، وفات حذیفه بن یمان قبل از ماجرای کربلا در ماه محرم بوقوع پیوسته است.

قیام مردم مدینه بر علیه یزید پس از شهادت امام حسین علیه السلام، قتل ابن زیاد، وفات ام سلمه و ماریه قبطیه دو همسر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، شهادت حضرت سجاد علیه السلام، خروج زید بن علی بن حسین علیه السلام، کلام عاشورائی امام رضا علیه السلام، تبعید امام جواد علیه السلام، وقایعی است که پس از شهادت امام حسین علیه السلام در ماه محرم اتفاق افتاده و انشاء الله قیام حضرت مهدی نیز در ماه محرم و در روز عاشورا خواهد بود.

اینها خلاصه وقایعی بود که در ماه محرم الحرام رخ داده، که در این بخش به تفصیل آنها خواهیم پرداخت.

## 1 محرم

### 1. آغاز ایام حسینی

اولین روز از ماه حزن و اندوه آل محمد علیهم السلام است، که همه انبیاء و ملائکه و شیعیان و دوستان اهل بیت علیهم السلام محزون اند. باید گفت: کاه حزن و اندوه تمام عالم است، چرا که همه ساله از اول محرم تا روز عاشورا پیراهن پاره پاره سید الشهداء علیه السلام را از عرش خدا به رو به زمین می آویزند و حزن و اندوه عالم را فرا می گیرد. (1)

همچنین آغاز مجالس عزاداری حضرت اباعبدالله است، که مردم را به امور اعتقادی خویش آشنا می کند، و دستورات دین خود را از حسینیه ها و تکایا و مساجد به خانه های فکر و دل خود به ارمغان می برند. شرکت در مراسم عزاداری امام حسین علیه السلام و اشک بر آن حضرت، از وظائف ما در زمان غیبت امام زمان علیه السلام است.

### 2 - ماجرای شعب ابی طالب علیه السلام (2)

در پی بالا گرفتن قدرت اسلام پس از بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، قریش پیمان نامه ای نوشتند و طی آن قرار گذاشتند با بنی هاشم تکلم نکنند و با آنان هم سفره و همنشین نشوند و معامله ننمایند، و آنان را به گونه ای در فشار قرار دهند که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را به قریش تحویل دهند تا آن حضرت را به قتل برسانند. حضرت ابوطالب علیه السلام بنی هاشم را به دره ای که منتسب به آن حضرت بود برد، و اطراف آن را محکم کرده و برای حفظ جان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شبانه روز کمر همت بست.

1. خصائص الزینبیه: ص 49 (131)، خصیصه نوزدهم. درباره سابقه این پیراهن به ص؟؟ کتاب مراجعه شود.

2. الغدیر: ج 7 ص 363. قلائد النور: ج محرم و صفر، ص 9. عیون الاثر: ج 1 ص 168. طبقات الکبری: ج 1 ص 208. سبل الهدی و الرشاد: ج 10 ص 59.

آن حضرت شب ها با شمشیر پروانه وار گرد شمع وجود پیامبر ﷺ می گردید و می فرمود: «تا زنده ام دست از یاری او بر نمی دارم. او در هر شب چند بار محل خواب پیامبر ﷺ را تغییر می داد و عزیزترین فرزند خود یعنی امیر المؤمنین را به جای آن حضرت می خوابانید، و روز فرزندان خود و فرزندان برادرانش را به حفاظت از آن حضرت می گماشت. در مدتی که در شعب بودند بر آن حضرت و مسلمانان بسیار سخت گذشت، تا آنجا که شبها صدای گریه اطفال گرسنه بنی هاشم را ساکنین اطراف شعب می شنیدند. پس از دو سال و چند ماه خداوند موریانه ای را مأمور کرد، و پیمان نامه آنان را از بین برد بجز اسماء الهی که در آن بود. حضرت ابوطالب رضی الله عنه این خبر را به کفار داد، و آنان با دیدن چنین معجزه ای دست از تصمیم خود برداشتند و بنی هاشم به خانه های خود بازگشتند.<sup>(1)</sup>

### 3 - جنگ ذات الرقاع

در سال چهارم هجرت به تحریک کفار قریش بین مسلمانان و قبائلی که اطراف مدینه زندگی می کردند و قصد محاصره مدینه را داشتند جنگی در گرفت. پیامبر ﷺ با 400 یا 790 نفر از مدینه بیرون رفتند. در این غزوه حضرت نماز خوف خواندند و جنگ تا سه روز طول کشید تا شر آنان دفع شد.<sup>(2)</sup> این واقعه به قولی در 15 جمادی الاولی بوده است.<sup>(3)</sup>

---

1. مناقب آل ابی طالب رضی الله عنهم: ج 1 ص 97. الغدير: ج 7 ص 365-362. بحار النوار: ج 19 ص 20 - 1، ج 35 ص 98-91. حلیة الابرار: ج 1 ص 105-95. الدرجات الرفیعة: 42-48. الصحيح من السیرة: ج 3 ص 201 - 193. فلتات النحور: جلد محرم و صفر ص 13-9. السیرة النبویة: ج 2 ص 50-43. سبل الهدی و الرشاد: ج 2 ص 377. عیون الاثر: ج 1 ص 168-165. شرح نهج البلاغة: ج 13 ص 256.  
2. الوقایع و الحوادث، ج 2، ص 45. توضیح المقاصد: ص 3 - 2. وقایع المشهور: ص 6. فتح الباری: ج 7 ص 321.  
3. وقایع الشهور: 98.



#### 4. اولین جمع آوری زکات

در روز اول محرم پیامبر ﷺ برای اولین بار مأمورانی را برای جمع آوری زکات و صدقات به اطراف مدینه فرستاد. (1)

#### 5. منازل امام حسین علیه السلام تا کربلا: 21 «قصر مقاتل»

در این روز که چهارشنبه بود امام حسین علیه السلام به قصر بنی مقاتل نزول اجلال فرمودند. (2) مشهور است که در این منزل امام حسین علیه السلام با عبیدالله بن حر جعفی ملاقات نمودند، و دعوت به یاری نمودند، ولی او اجابت نکرد و بعداً پشیمان شد. (3)

#### 6. کلام عاشورایی امام رضا علیه السلام (4)

در روز اول محرم ریّان بن شیبب خدمت امام رضا علیه السلام رسید. حضرت به او فرمود: ای پسر شیبب، مردم عرب در زمان جاهلیت جنگ را در ایام محرم حرام می دانستند؛ ولی این امت احترام این ماه را از بین بردند و حرمت پیامبر ﷺ را رعایت نکردند. در این ماه خون ما را حلال دانستند، و هتک حرمت ما کردند و فرزندان و زنان ما را اسیر نمودند، و سرپرده ما را آتش زدند و اموال ما را غارت کردند و رعایت احترام رسول خدا ﷺ را در باره ما ننمودند.

همانا روز شهادت حسین علیه السلام پلک چشمان ما را مجروح کرد و اشکهای ما را روان ساخت و دل ما را سوزاند؛ و عزیز ما را در زمین کربلا ذلیل کرد و نزد ما محنت و بلا را

---

1. مکاتب الرسول ﷺ: ج 1 ص 8. الوقایع و الحوادث: ج 2 ص 42. قلاند النور: ج محرم و صفر، ص 15. الطبقات الكبرى: ج 2 ص 160. تاریخ دمشق: ج 18 ص 23، ج 40 ص 79.

2. الامام الحسین علیه السلام و اصحابه: ج 1 ص 186. ارشاد: ج 2 ص 81. بحار الانوار: ج 44 ص 379. اخبار الطوال: ص 250.

3. ارشاد: ج 2 ص 81. نفس المهموم: ص 197 - 196. معالی السبطين: ج 1 ص 279 - 278.

4. بحار النوار ج 98 ص 102، ج 14 ص 164، ج 44 ص 283. امالی صدوق: ص 191. اقبال: ج 3 ص 28. عیون اخبار الرضا علیه السلام: ج 1 ص 233.

تا روز جزا به ارث گذارد. پس گریه کنندگان باید بر حسین علیه السلام بگریند، زیرا که گریه بر او گناهان بزرگ را از بین می برد.

ای پسر شیبیب، اگر خواستی بر چیزی گریه کنی بر حسین بن علی علیه السلام گریه کن، چه اینکه آن حضرت را کشتند چنانچه گوشفند را می کشند، و با آن حضرت 18 نفر از اهل بیت او کشته شدند که روی زمین شبیه و نظیری نداشتند. آسمان های هفتگانه و زمین ها در شهادت آن حضرت گریستند. چهار هزار ملک روز عاشورا برای نصرت آن حضرت آمده بودند و دیدند حضرت شهید شده است. لذا پریشان و غبارآلود به مجاورت آن قبر مطهر مأمور شدند، تا حضرت قائم علیه السلام ظهور کند و از یاران او باشند و شعارشان «یا لشارات الحسین» است.

ای پسر شیبیب، اگر دوست داری که با ما در درجات عالی بهشت باشی محزون باش برای حزن ما و شاد باش در شادی ما؛ و بر تو باد به ولایت ما که اگر کسی سنگی را دوست داشته باشد خداوند متعال او را با همان سنگ محشور می کند...

## 2 محرم

### 1. ورود امام حسین علیه السلام به کربلا

بنابر مشهور در این روز در سال 61 ه آقا و مولایمان حضرت اباعبدالله الحسین سید الشهداء علیه السلام با اهل بیت و اصحابشان وارد کربلائی معلی شدند. <sup>(1)</sup>

در آنجا اسب حضرت حرکت نکرد. امام علیه السلام پرسیدند: نام این زمین چیست؟ گفتند: «غاضریه». نام دیگرش را پرسیدند گفتند: «شاطی الفرات». فرمودند: اسم دیگری هم

---

1. ارشاد: ج 2، ص 84. مناقب آل ابی طالب علیه السلام: ج 4 ص 105. بحار الانوار: ج 44 ص 382. نفس المهموم: ص 209. مثير الاحزان: ص 35. لهوف: ص 139. جلاء العیون: ص 379. معالی السبطين: ج 1 ص 285. قلائد النحور: ج محرم و صفر، ص 24. الوقایع و الحوادث: ج 2 ص 89. تاریخ طبری ج 4 ص 309.

دارد؟ گفتند: «کربلا» هم می گویند. در این هنگام حضرت آهی از دل کشیدند و گریه شدیدی نمودند و فرمودند: «اللَّهُمَّ اِنِّیْ اَعُوْذُ بِکَ مِنَ الْکَرْبِ وَ الْبَلَاءِ». به خدا قسم زمین کربلا همین است. بخدا اینجا مردان ما را می کشند! بخدا قسم اینجا زنان و کودکان ما را به اسیری می برند! بخدا قسم اینجا پرده حرمت ما دریده می شود. ای جوانمردان، فرود آید که محل قبرهای ما اینجا است»<sup>(1)</sup>.

## 2. نامه امام حسین علیه السلام برای اهل کوفه

در این روز امام حسین علیه السلام برای بزرگان کوفه نامه ای نوشتند و آن را به قیس بن مسهر صیداوی دادند که به کوفه برساند. مأمورین در بین راه قیس را گرفتند، و پس از آنکه او بر ضد یزید و ابن زیاد سخن گفت، او را به شهادت رساندند.

هنگامی که خبر شهادت قیس به امام حسین رسید آن حضرت گریستند و فرمودند: اللهم اجعل لنا و لشيعتنا عندک منزلاً کریماً، و اجمع بیننا و بینهم فی مستقرٍّ من رحمتک انک علی کل شیء قدير.<sup>(2)</sup>

## 3 محرم

### 1. ورود عمر بن سعد به کربلا

در این روز عمر بن سعد با چهار<sup>(3)</sup> یا شش یا نه هزار سوار برای قتل پسر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم وارد کربلا شد و در مقابل آن حضرت لشکرگاه ساخت و خیمه برافراخت.<sup>(4)</sup> ورود ابن

---

1. کلمات الامام الحسین علیه السلام: ص 374-376. لهوف: ص 139. الامام الحسین علیه السلام و اصحابه: ج 1 ص 199. معالی السبطين: ج 1 ص 285. نور العین: ص 32. از مدینه تا مدینه: ص 326. فیض العلام: ص 142.  
2. بحار الانوار: ج 44 ص 382. نفس المهموم: ص 207. قلائد النحور: ج محرم و صفر، ص 41.  
3. ارشاد: ج 2 ص 84. بحار الانوار: ج 44 ص 384. نفس المهموم: ص 212. مقتل الحسین علیه السلام: ص 94.  
4. معالی السبطين: ج 1 ص 301. نور العین: ص 34. قلائد النحور: ج محرم و صفر، ص 40. از مدینه تا مدینه: ص 343. فیض العلام: ص 143.

سعد به کربلا در روز چهارم هم نقل شده است.<sup>(1)</sup>

#### 4 محرم

##### 1. فتوای شریح قاضی به قتل امام حسین علیه السلام

در این روز از سال 61 ه ابن زیاد با استناد به فتوایی که از شریح قاضی گرفته بود، در مسجد کوفه خطبه خواند و مردم را به کشتن امام حسین علیه السلام تحریص کرد.<sup>(2)</sup>

#### 5 محرم

##### 1. ورود حصین بن نمیر به کربلا

در این روز حصین بن نمیر به دستور عبدالله بن زیاد با چهار هزار سواره وارد کربلا شدند.<sup>(3)</sup>

#### 6 محرم

##### 1 - یاری طلبیدن حبیب بن مظاهر از بنی اسد

در شب ششم جناب حبیب بن مظاهر اسدی با اذن امام حسین علیه السلام برای آوردن یاور و کمک، به قبیله بنی اسد رفت. اسدیان پذیرفتند و حرکت کردند، ولی جاسوسان به عمر سعد خبر دادند و او عده ای را فرستاد تا مانع آنها شوند. لذا درگیری

---

1. فلائد النحور: ج محرم و صفر، ص 48.

2. الوقایع و الحوادث: ج 2، ص 124.

3. وسیلة الدارین فی انصار الحسین علیه السلام: ص 77.

رخ داد که در این میان جمعی از بنی اسد شهید و زخمی و بقیه ناگزیر به فرار شدند و حبیب به خدمت حضرت آمد و جریان را عرض کرد.<sup>(1)</sup>

## 2. بازار آهنگران کوفه

از روز ششم محرم بازار آهنگران کوفه محل رفت و آمد و خرید و فروش زیادی بوده است. هر کسی را می دیدی یا شمشیر یا نیزه و یا تیری می خرید و یا آنها را نزد آهنگران تیز می کرد و به سم آغشته میکرد؛ برای ریختن خون جگر گوشه رسول خدا و علی مرتضی و فاطمه الزهرا علیها السلام و تمام تیرها مسموم بود، و بعضی از تیرها یک شعبه و بعضی سه شعبه بود.<sup>(2)</sup>

## 3. تراکم لشکر یزید در کربلا

در این روز لشکر زیادی برای جنگ با حضرت اباعبدالله علیه السلام جمع شدند.<sup>(3)</sup>

## 7 محرم

### 1. ملاقات امام حسین علیه السلام با ابن سعد

در شب هفتم امام حسین علیه السلام با عمر سعد ملعون ملاقات و گفتگو کردند. خولی بن یزید اصبحی چون عداوت شدیدی با امام علیه السلام داشت ماجرا را به ابن زیاد گزارش داد و آن ملعون نامه ای برای عمر سعد نوشت و او را از این ملاقاتها بر حذر داشت و دستور منع آب را صادر کرد.<sup>(4)</sup>

- 
1. بحار الانوار: ج 45 ص 386. کلمات الامام الحسین علیه السلام: ص 237. الوقایع و الحوادث: ج 2 ص 149. الوقایع و الحوادث: ج 2، ص 149. از مدینه تا مدینه: ص 368 - 370. مقتل الحسین علیه السلام (خوارزمی): ج 1 ص 345.
  2. وسیلة الدارین فی انصار الحسین علیه السلام: ص 79. معالی السبطين: ج 1 ص 345.
  3. لهوف: ص 145. معالی السبطين: ج 1 ص 311. الوقایع و الحوادث: ج 2، ص 153.
  4. کلمات الامام الحسین علیه السلام: ص 387. بحار الانوار: ج 44 ص 389. معالی السبطين: ج 1 ص 315. قلائد النحور: ج محرم و صفر، ص 63. الوقایع و الحوادث: ج 2 ص 150.

## 2. منع آب از امام حسین علیه السلام

در این روز آب را بر اهل بیت سید الشهداء علیه السلام بستند، چه اینکه نامه ابن زیاد بدین مضمون رسید که نگذارید حتی یک قطره آب هم به آنها برسد. عمرو بن حجاج زبیدی با چهار هزار تیرانداز مأمور منع آب فرات شدند، که به هیچ وجه آبی به خیمه گاه پسر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برده نشود. <sup>(1)</sup>

## 8 محرم

### 1. قحط آب در خیمه های حسینی

در این روز آب در خیمه های سید الشهداء علیه السلام نایاب شد. <sup>(2)</sup>

## 9 محرم (تاسوعا)

### 1. محاصره خیمه ها در کربلا

امام صادق علیه السلام فرمودند: تاسوعا روزی بود که حسین علیه السلام و اصحابش را در کربلا محاصره کردند و سپاه شام بر قتال آن حضرت اجتماع نمودند و پسر مرجانه و عمر سعد به خاطر کثرت سپاه و لشکری که برای آنها جمع شده بود خوشحال شدند، و آن حضرت و اصحابش را ضعیف شمردند و یقین کردند که یاوری از برای او نخواهد آمد و اهل عراق حضرتش را مدد نخواهند نمود. <sup>(3)</sup>

1. الوقایع و الحوادث: ج 2، ص 153. فیض العلام: ص 146.

2. لهعوف: ص 145. معالی السبطين: ج 1 ص 319. قلاند النحور: ج محرم و صفر، ص 81. الوقایع و الحوادث: ج 2، ص 154.

3. کافی: ج 4، ص 147. بحار الانوار: ج 45 ص 95. الامام الحسين علیه السلام فی احادیث الفریقین: ص 21.

## 2 - آمدن امان نامه برای فرزندان امّ البنین علیها السلام

در این روز شمر ملعون برای حضرت عباس علیه السلام و برادرانش امان نامه آورد. آن لعین خود را نزدیک خیام با جلالت حضرت اباعبدالله علیه السلام رسانید و بانگ برآورد: «این بنو اختنا»: «پسران خواهر ما کجایند؟» ولی آن بزرگواران جواب ندادند. امام حسین علیه السلام فرمود: جواب او را بدهید اگرچه فاسق است. حضرت عباس علیه السلام در جواب فرمودند: چه می گوئی؟ شمر گفت: من از جانب امیر برای شما امان نامه آورده ام. شما خود را به خاطر حسین علیه السلام به کشتن ندهید. حضرت عباس علیه السلام با صدای بلند فرمود: «لعنت خدا بر تو و بر امیر تو (و بر امان تو) بد. ما را امان می دهید در حالیکه پسر رسول خدا را امان نباشد؟!»<sup>(1)</sup>

## 3 - درخواست تأخیر جنگ از سوی امام حسین علیه السلام

در عصر تاسوعا امام علیه السلام برای به تعویق انداختن جنگ یک شب دیگر مهلت گرفتند. چون عمر سعد لشکر را آماده جنگ با امام علیه السلام نمود و معلوم شد که قصد جنگ دارند، حضرت به برادرش عباس علیه السلام فرمود تا یک شب دیگر مهلت بگیرد. آنها در ابتدا قبول نکردند، ولی بعد قبول نمودند که شبی را صبر کنند.<sup>(2)</sup>

## 4 - آمدن لشکر تازه نفس به کربلا

در این روز لشکر مجهزی به دستور ابن زیاد از کوفه وارد کربلا شد،<sup>(3)</sup> و شمر نامه ابن زیاد را آورد.<sup>(4)</sup>

---

1. امالی صدوق: ص 220. ارشاد: ج 2 ص 89. لهوف: ص 150. مناقب آل ابی طالب علیهم السلام: ج 4 ص 107. اعلام الوری: ج 1، ص 455. فیض العلام: ص 146. بحار الانوار: ج 44، ص 361. کلمات الامام الحسین علیه السلام: ص 391 - 390. از مدینه تا مدینه: ص 382 - 377. تاریخ طبری: ج 4 ص 315. البداية و النهاية: ج 8 ص 190. مقتل الحسین (خوارزمی): ج 1 ص 354-349.  
2. همان.

3. امالی صدوق: ص 220. بحار النوار: ج 44 ص 315. از مدینه تا مدینه: ص 378.

4. امالی صدوق: ص 220. ارشاد: ج 2 ص 89. بحار النوار: ج 4 ص 316، 319. لهوف: ص 150. اعلام الوری: ج 1، ص 455. فیض العلام: ص 146. تاریخ طبری: ج 4 ص 315. البداية و النهاية: ج 8 ص 190.

## 5. خطابه امام حسین علیه السلام برای اصحابش

در عصر این روز امام حسین علیه السلام در جمع یاران خطبه ای قرائت فرمودند، و اصحاب اعلام وفاداری نمودند. (1)

### شب عاشورا

#### 1. سخنان امام علیه السلام با اهل بیت و اصحابش

در این شب امام حسین علیه السلام اصحاب و اهل بیت خود را جمع نمودند و کلماتی را به آنان فرمودند. خلاصه کلمات حضرت این بود که من بیعت خود را از شما برداشتم و شما را به اختیار خود گذاشتم تا به هر جا که می خواهید کوچ کنید. پس از فرمایشات حضرت اهل بیت علیهم السلام و اصحاب کلماتی در وفاداری و جان نثاری خود نسبت به آن حضرت ابراز داشتند. (2)

#### 2. سخنان زینب کبری علیها السلام با امام حسین علیه السلام

در این شب بود که زینب کبری علیها السلام اشعار «یا دهر اف لک من خلیل...» را از زبان برادرش امام حسین علیه السلام شنید و هنگامی که متوجه شد فردا روز شهادت حضرت است فرمود: «ای کاش مرگ مرا نابود ساخته بود و این روز را ندیده بودم». سپس سیلی به صورت زد و بیهوش شد. امام علیه السلام خواهر عزیز و مکرمه خود را به هوش آوردند و مطالبی فرمودند. (3)

---

1. همان. و مناقب آل ابی طالب علیهم السلام: ج 4، ص 107. مثير الاحزان: ص 38. روضة الواعظین: ص 182. مقتل الحسين علیه السلام (ابی مخنف): ص 107. ینایع المودة: ج 3 ص 65. مقاتل الطالبیین: ص 74.  
2. همان. و فیض العلام: ص 147. وسیلة الدارین: ص 298 - 299.  
3. مثير الاحزان: ص 35. لهوف: ص 140. بحار الانوار: ج 45 ص 2. ارشاد: ج 2 ص 93. کلمات الامام الحسن علیه السلام: ص 404. فیض العلام: ص 149. وسیلة الدارین: ص 302-303. ینایع المودة: ج 3 ص 64. تاریخ طبری: ج 4 ص 319. تاریخ یعقوبی: ج 2 ص 244. جواهر المطالب: ج 2 ص 283. البداية و النهایة: ج 8 ص 191. مقاتل الطالبیین: ص 75. سبل الهدی و الرشاد: ج 11 ص 77.



## 10 محرم (عاشورا)

### 1. شهادت امام حسین علیه السلام

در این روز در سال 61 هـ<sup>(1)</sup> که روز شنبه<sup>(2)</sup> یا جمعه<sup>(3)</sup> بوده، آقا و مولایمان حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام در سن 58 سالگی (و یا 56 و یا 57 سالگی) بعد از نماز ظهر، مظلومانه و با حالت تشنگی و گرسنگی در زمین کربلا به شهادت رسیدند.<sup>(4)</sup> این روز، روز باریدن خون از آسمان است، و روزی است که شهادت اهل بیت و اصحاب امام حسین علیه السلام در آن به وقوع پیوسته است.<sup>(5)</sup>

1. بعضی از مصادر مخالفین: مستدرک حاکم، سنن کبری بیهقی، مجمع الزوائد، فتح الباری، تحفة الحوذی، عون المعبود، المصنّف ابن ابی شیبة، الآحاد و المنانی، المعجم الکبیر، نظم درر السمطین، الطبقات و تاریخ خلیفة بن خیاط، معرفة الثقات، اخبار الطول، مشاهیر علماء الامصار، الثقات ابن حبان، تاریخ بغداد، التعدیل، و الترجیح، اسد الغابة، تهذیب الكمال، تاریخ دمشق، جواهر المطالب فی مناقب الامام علی علیه السلام، سیر اعلام النبلاء، لسان المیزان، تقریب التهذیب، الاصابة، انساب سمعانی، البداية و النهایة، سبل الهدی و الرشاد، ینابیع المودة، الذریة الطاهرة، رجال مسلم، تعجیل المنفعة، الاستیعاب، تاریخ طبری، مقاتل الطالبیین، فیض التقدیر، مولد العلماء و وفیاتهم، معرفة الثقات، رجال صحیح بخاری، صفوة الصفوة، تهذیب الاسماء، تلخیص الحبیر، تذکرة الخواص، مقتل الحسین علیه السلام (خوارزمی).
2. مناقب آل ابی طالب علیه السلام: ج 3 ص 231. تهذیب الاحکام: ج 4 ص 333. کامل الزیارات: ص 153. الهدیة الكبرى: ص 201، 203. مقتل الحسین علیه السلام: ص 113. ارشاد: ج 2، ص 379، 133. عیون المعجزات: ص 61. تاج الموالید: ص 30. الخرائج و الجرائح: ج 3 ص 1159. عدد القویة: ص 65. وسائل الشیعة: ج 13 ص 248. بحار الانوار: ج 44 ص 198، 331، ج 45 ص 87، ج 52 ص 285، 290. لهوف: ص 129. روضة الواعظین: ص 263. الغیبة طوسی: ص 453. حدائق الناضرة: ج 17 ص 434. اعلام الوری: ج 1، ص 420.
3. تاریخ موالید الائمة علیه السلام: ص 20. عیون المعجزات: ص 61. بحار الانوار: ج 44 ص 199. تاریخ دمشق: ج 14 ص 250. مستدرک حاکم: ج 3 ص 177.
4. کافی: ج 1 ص 463. ارشاد: ج 2 ص 133. اعلام الوری: ج 1 ص 420. کشف الغمة: ج 2 ص 40. توضیح المقاصد: ص 3. مسار الشیعة: ص 24. تهذیب شیخ طوسی: ج 6 ص 42. زاد المعاد: ص 306. معالی السبطين: ج 2 ص 5. مصباح کفعمی: ج 2 ص 594. مصباح المتجهّد: ص 712. مقاتل الطالبیین: ص 78.
5. زاد المعاد: ص 306-307.

چهار هزار ملک در این روز به زمین کربلا برای نصرت آن حضرت آمدند، و چون اجازه نیافتند تا ظهور حضرت مهدی علیه السلام گریه کنان نزد قبر آن حضرت ماندگارند. <sup>(1)</sup> در این روز ترک خوردن و آشامیدن بخصوص از غذاهای لذیذ مناسب است. <sup>(2)</sup>

2. شهادت حبيب بن مظاهر اسدی کوفی. <sup>(3)</sup>

3. شهادت مسلم بن عوسجه. <sup>(4)</sup>

4. شهادت حر بن یزید ریاحی.

5. شهادت جون مولی ابی ذر الغفاری. <sup>(5)</sup>

6. شهادت همسر وهب، به دست رستم غلام شمر. <sup>(6)</sup>

7. شهادت شبیه ترین مردم به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، علی اکبر علیه السلام فرزند بزرگ سید الشهداء علیه السلام عموی و الامقام حضرت صاحب الامر علیه السلام.

- 
1. کامل الزیارت: ص 234، 235. کمال الدین: ص 672. مستدرک الوسائل: ج 10 ص 245. بحار الانوار: ج 45 ص 226، ج 52 ص 326.
  2. توضیح المقاصد: ص 3. مسار الشیعة: ص 25.
  3. مثير الاحزان: ص 32. بحار الانوار: ج 45 ص 26-27، 71، 74-65، ج 98 ص 274-269. ابصار العین: ص 56، 61. وسیلة الدارین: ص 119، 126. فرسان الهیجاء: ج 1 ص 87، 101. اعیان الشیعة: ج 4 ص 555. رجال البرقی: ص 34، 41. مزار ابن مشهدی: ص 496 - 486. رجال شیخ طوسی: ص 60، 93، 100. نفس المهموم: ص 270. الاصابه: ج 2 ص 142. الاعلام زرکلی: ج 2 ص 166.
  4. بحار الانوار: ج 45 ص 22، 23، 71. مثير الاحزان: ص 33. اعیان الشیعة: ج 4 ص 297. فرسان الهیجاء: ج 1 ص 78. نفس المهموم: 290. ابصار العین: ص 105. وسیلة الدارین فی انصار الحسین علیه السلام: ص 108. الاعلام زرکلی: ج 7 ص 222.
  5. بحار الانوار: ج 45 ص 22، 23، 71. مثير الاحزان: ص 33. اعیان الشیعة: ج 4 ص 297. فرسان الهیجاء: ج 1 ص 78. نفس المهموم: 290. ابصار العین: ص 105. وسیلة الدارین فی انصار الحسین علیه السلام: ص 115. مستدرکات علم رجال الحدیث: ج 2 ص 246.
  6. مقتل الحسین علیه السلام (ابی مخنف): ص 141. لواعج الاشنان: ص 139. منتخب التواریخ: ص 288. تاریخ طبری: ج 4 ص 334. مثير الاحزان: ص 32. ابصار العین انصار الحسین علیه السلام: ص 106، 107. فرسان الهیجاء: ج 1 ص 142، ج 2 ص 136-138. بحار الانوار: ج 45 ص 16-17.

8. شهادت قاسم بن الحسن علیه السلام.<sup>(1)</sup>
9. شهادت عبدالله بن الحسن علیه السلام.
10. شهادت قمر منیر بنی هاشم حضرت عباس بن علی بن ابی طالب علیه السلام.
11. شهادت مولانا الرضیع باب الحوائج علی اصغر علیه السلام.
12. آمدن ذوالجناح با یال و کاکل خونین  
به سوی خیمه فاطمیات برای آوردن خبر شهادت آن حضرت.
13. ماتم و ناله و گریه پردگیان حرم  
بر سید الشهداء علیه السلام و اولاد و بستگان و اصحاب آن حضرت.
14. غارت اموال از خیمام امام حسین علیه السلام.
15. فرار فاطمیات و علویات در بیابانها  
بعد از شهادت آقا و سرورشان اباعبدالله علیه السلام.
16. غارت کردن لباس و زره و... از بدن مطهر شهدای کربلا.
17. جدا شدن سرهای مطهر امام حسین علیه السلام و اهل بیت و اصحاب آن حضرت.
18. به آتش کشیدن خیمه های آل الله، فرزندان رسول خدا و علی مرتضی و فاطمه زهراء علیها السلام.
19. شهادت دختران کوچک در کنار خیمه ها.
20. گریه و ماتم بر سید الشهداء علیه السلام  
و عزای زمین و زمان، عرش و آسمان، جن و انس و ملک و وحوش بر آن حضرت.

---

1. ارشاد: ج 2 ص 107، 108. منیر الاحزان: ص 36. بحار الانوار: ج 45 ص 34، 36، 68، 69. ابصار العین: ص 36، 37. وسیلة الدارین: ص 251، 253. فرسان الهیجاء: ج 2 ص 26، 30.

در این روز ملکی ندا کرد: ای امت ظالمی که عترت پیامبر خود را کشتید، خداوند شما را موفق به درک عید فطر و قربان نفرماید. (1)

## 21. رأس مطهر امام حسین علیه السلام در کوفه

عصر عاشورا رأس مطهر و نورانی امام حسین علیه السلام را توسط خولی بن یزید اصبحی ملعون و حمید بن مسلم ازدی به کوفه فرستادند. (2)

22. خونین شدن ریشه هر گیاهی که از زمین می کشیدند، از مصیبت عظمای آن روز. (3)

## 23. قتل ابن زیاد

ابن زیاد در روز عاشورای سال 67 ه به فرمان مختار به جزای ظاهری اعمالش رسید و کشته شد. حصین بن نمیر و جمعی از قتله امام حسین علیه السلام نیز همراه ابن زیاد به قتل رسیدند. (4)

ابن زیاد ملعون به دست ابراهیم پسر مالک اشتر نخعی کشته شد، و سر نحسش را برای مختار فرستادند. مختار هم سر او را برای امام زین العابدین علیه السلام فرستاد. هنگام وارد کردن سر ابن زیاد حضرت مشغول غذا خوردن بود. لذا سجده شکر به جای آورده

---

1. کافی: ج 4 ص 170. بحار الانوار: ج 45، ص 217، 218. وسائل الشیعه: ج 10، ص 296. من لا یحضره الفقیه: ج 2 ص 89، 175. مستدرک الوسائل: ج 6 ص 152.

2. بحار الانوار: ج 45 ص 62، 107. ارشاد: ج 2 ص 113. مقتل الحسین علیه السلام (ابی مخنف): ص 203. اعلام الوری: ج 1 ص 470. منتهی الآمال: ج 1 ص 401. فیض العلام: ص 155. تاریخ طبری: ج 5 ص 348.

3. کامل الزیارات: ص 159. بحار الانوار: ج 45 ص 89، 204، 216، 305. مدینه المعاجز: ج 4 ص 105، 116، 187. شرح احقاق الحق: ج 11 ص 481-483. ترجمه الامام الحسین علیه السلام من طبقات ابن سعد: ص 90. ینابیع الموده: ج 3 ص 15، 20، 102. تاریخ دمشق: ج 14 ص 230. الصواعق المحرقة: ص 116، 192. تفسیر ابن کثیر: ج 4 ص 154. تذکره الخواص: ص 246. نظم درر السمطین: ص 221.

4. بحار الانوار: ج 45 ص 383، 385. تنمه المنتهی: ص 90. قلائد النحور: ج ذی الحجّه، ص 424. مستدرک سفینه البحار: ج 5، ص 215. وقائع الشهور: ص 227. لطائف المعارف: ص 145. استیعاب: ج 1، ص 396. البدايه و النهايه: ج 8، ص 310. التاريخ الصغير: ج 1 ص 155.

فرمودند: «روزی که ما را بر این زیاد وارد کردند غذا می خورد. من از خدا خواستم که از دنیا نروم تا سر او را در مجلس غذای خود مشاهده کنم، همچنان که سر پدر بزرگوام مقابل او بود و غذا می خورد. خداوند به مختار جزای خیر دهد که خونخواهی ما را نمود». سپس حضرت به اصحاب خود فرمود: همه شکر کنید.»<sup>(1)</sup>

## 24. قیام حضرت مهدی عجل الله فرجه

به روایتی حضرت بقیه الله الاعظم حجه بن الحسن العسكري ارواحنا له الفداه در این روز قیام خواهند کرد.<sup>(2)</sup>

## 25. وفات امّ سلمه

در این روز در سال 62-63 ه امّ سلمه همسر پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم از دنیا رحلت فرمود.<sup>(3)</sup> نام او هند، پدرش ابی امیّه، مادرش عاتکه دختر عبدالمطلب بود. شوهر اول او پسر خاله اش ابوسلمه بن عبدالاسد بن مغیره بود. چون به شرف اسلام مشرف شد با همسرش امّ سلمه به حبشه مهاجرت کردند. پس از بازگشت از حبشه بر اثر زخمی که در جنگ احد بر او وارد شده بود، بعد از مدتی شهید شد.<sup>(4)</sup>

سلمه، عمر، زینب و درّه، فرزندان او بودند، و عمر در جمیع جنگهای امیر المؤمنین عجل الله فرجه شرکت کرد و مدتی از طرف آن حضرت والی بحرین بود.<sup>(5)</sup>

- 
1. ذوب النضار: ص 144. بحار الانوار: ج 45 ص 336، 342، 386. امالی طوسی: ص 243. مدینه المعاجز: ج 4 ص 328.
  2. الغیبة (نعمانی): ص 282. تهذیب الاحکام: ج 4 ص 323. کمال الدین: ص 654. اعلام الوری: ج 2 ص 286. بحار الانوار: ج 52 ص 297، ج 95 ص 190. عدد القویة ص 65. کشف الغمة: ج 2 ص 462، 534.
  3. مستدرک سفینه البحار: ج 5، ص 215. تاریخ دمشق: ج 3 ص 211.
  4. بحار الانوار: ج 20 ص 143، 185. سفینه البحار: ج 2 ص 691. الصحیح من السیرة: ج 7 ص 73. ذخائر العقبی: ص 253. طبقات الکبری: ج 3 ص 240. البداية و النهایة: ج 4 ص 71.
  5. بحار الانوار: ج 32 ص 169-168. الدجات الرفیعة: ص 198. سفینه البحار: ج 3 ص 648. مستدرکات علم رجال الحدیث: ج 6 ص 74. شرح نهج البلاغة: ج 6 ص 219. استعیاب: ج 3 ص 1160.

بعد از اینکه عده ام سلمه در وفات شوهرش سر آمد، ابوبکر و عمر جداگانه به خواستگاری او رفتند، ولی ام سلمه اجابت نکرد. سپس پیامبر ﷺ از او خواستگاری کرد و ام سلمه قبول کرد،<sup>(1)</sup> و به فرزند خود عمر بن ابی سلمه گفت: عقد را جاری کن.<sup>(2)</sup>

عایشه وقتی دید پیامبر ﷺ ام سلمه را به عقد خویش در آورده بسیار ناراحت شد، چه اینکه ام سلمه در جمال کم نظیر بود. عایشه به حفصه گفت: ام سلمه چقدر زیباست! او باور نکرد تا اینکه ام سلمه را دید. از همین جهت حسادت این دو با ام سلمه بسیار زیاد بود.<sup>(3)</sup>

ام سلمه فضائلی دارد که او را از دیگر همسران پیامبر ﷺ به جز خدیجه کبری علیها السلام ممتاز کرده است:

1. بارها ام سلمه عایشه را نصیحت می کرد در پیروی از علی بن ابی طالب علیه السلام، ولی او نمی پذیرفت. فضائل و مناقب آن حضرت را برای عایشه می گفت ولی او قبول نمی کرد،<sup>(4)</sup> او تا لحظه ای که زنده بود با عایشه سخن نگفت چون مردم را برای جنگ با علی بن ابی طالب علیه السلام در جنگ جمل جمع کرد.<sup>(5)</sup>
2. ام سلمه شهادت داد که عایشه دشمن امیر المؤمنین علیه السلام است.<sup>(6)</sup>

- 
1. الصحيح من السيرة: ج 5 ص 245. مسند احمد: ج 6 ص 313. سير اعلام النبلاء: ج 1 ص 152. طبقات الكبرى: ج 8 ص 89.
  2. بحار الانوار: ج 22 ص 203، 224. سفينة البحار: ج 2 ص 692. مستدرک حاکم: ج 4 ص 17. سير اعلام النبلاء: ج 2 ص 204.
  3. الصحيح من السيرة: ج 3 ص 249، ج 5 ص 246. موسوعة التاريخ الاسلامی: ج 2 ص 445. طبقات الكبرى: ج 8 ص 94. سير اعلام النبلاء: ج 2 ص 209. الاصابة: ج 8 ص 343، 406.
  4. بحار الانوار: ج 32 ص 170-149. احتجاج: ج 1 ص 241. معانی الاخبار: ص 375. الجمل شيخ مفيد: ص 125. مجمع النورين: ص 264. الجمل ابن شدقم: ص 28. بلاغات النساء: ص 7. العقد الفريد: ج 2 ص 277. الامامة و السياسة: ج 1 ص 76. جواهر المطالب في مناقب الامام علي عليه السلام: ج 2 ص 10.
  5. الصحيح من السيرة ج 5 ص 247. شرح الاخبار: ج 1 ص 396. المحاسن و المساوي: ج 1 ص 481.
  6. الهداية الكبرى: ص 197. مدينة المعاجز: ج 3 ص 412.

3. امّ سلمه شنید که یکی از آزاد شده هایش امیر المؤمنین علیه السلام را ناسزا گفته است. آن شخص را فرا خواند و آنقدر از فضائل و مناقب علی علیه السلام که از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شنیده بود برای آن شخص بازگو کرد، تا او توبه کند.<sup>(1)</sup>

4. امّ سلمه حدیث «نحن معاشر الانبياء لانورث...» را که ابوبکر آن را به دروغ به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نسبت داد تکذیب کرد.<sup>(2)</sup>

5. هنگامی که امیر المؤمنین علیه السلام برای جنگ جمل حرکت کردند، امّ سلمه پسرش عمر بن ابی سلمه را برای یاری آن حضرت فرستاد، و به آن حضرت پیغام داد: «اگر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم همسرانش را به ملازمت خانه ها امر نفرموده بود می آمدم و در نصرت و یاری شما کوتاهی نمی کردم».<sup>(3)</sup>

6 بعد از رحلت خدیجه کبری علیها السلام مراقبت حضرت زهراء علیها السلام با فاطمه بنت اسد علیها السلام بود. بعد از رحلت فاطمه بنت اسد این مهم از طرف پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به امّ سلمه سپرده شد، و عایشه از این ماجرا بسیار خشمناک بود. امّ سلمه می گفت: «مردم گمان می کنند من آموزگار فاطمه علیها السلام هستم! بخدا قسم که آن حضرت آموزگار من است».

7 روزی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پوست گوسفندی را طلبیدند و مطالبی را فرمودند و امیر المؤمنین علیه السلام نوشتند. بعد آن پوست را به امّ سلمه دادند و فرمودند: «هرکس بعد از من فلان و فلان نشانه را به تو داد، این پوست را به او تسلیم کن».<sup>(4)</sup> آن سه نفر آن نشانه ها را نداشتند، و امّ سلمه آن پوست را در خلافت ظاهری امیر المؤمنین علیه السلام به آن حضرت - که

---

1. امالی صدوق: ص 462. امالی طوسی: ص 425. بشارة المصطفى صلى الله عليه وآله وسلم: ص 58. كشف الغمة: ج 1 ص 296.  
سفينة البحار: ج 2 ص 692. بحار الانوار: ج 22 ص 221، ج 38 ص 309. كشف اليقين: ص 468. ينابيع المودة: ج 1 ص 242.  
2. دلائل الامامة: ص 124. سفينة البحار: ج 2 ص 693. بيت الاحزان: ص 153، از «الدرّ النظيم».  
3. بحار الانوار: ج 32 ص 168. سفينة البحار: ج 3 ص 684. الدجات الرفيعة: ص 198. مستدركات علم رجال الحديث: ج 6 ص 74. شرح نهج البلاغة: ج 6 ص 219. استيعاب: ج 3 ص 1160. الميعار و الموازنة: ص 30. تذكرة الخواص: ص 67.  
4. دلائل الامامة: ص 82. بحار الانوار: ج 43 ص 10. مجمع النورين: ص 52. اللمعة البيضاء: ص 234.

همه نشانه ها را دارا بود تسلیم نمود. (1)

8 هنگام حرکت امام حسین علیه السلام از مدینه به مکه امّ سلمه آمد و خبر شهادت آن حضرت را که از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شنیده بود با اندوهی

فراوان بازگو کرد. امام حسین علیه السلام محل شهادت و موضع دفن خود و اصحابشان و... را به معجزه نشان دادند. سپس مقداری از خاک آن بقعه طیبیه را به امّ سلمه دادند و در نزد آن حضرت بود تا روز عاشورا که امّ سلمه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را با حالتی گردآلود و ژولیده مو در خواب دید، و عرض کرد: یا رسول الله، این چه حالت است که در شما می نگرم؟ فرمودند: «ای امّ سلمه، حسین مرا کشتند و دیشب برای او و اصحاب او قبر می کندم».

وقتی از خواب بیدار شد خاکی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امام حسین علیه السلام به او داده بودند به خون تازه تبدیل شده است. (2)

## شب یازدهم محرم

### 1. شام غریبان کربلا

نخستین شب عزا و سوگ خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پس از شهادت سید الشهداء علیه السلام است. شبی تیره تر از سیاهی! شبی جانسوز که در آن تلخترین لحظات بر خاندان امام حسین علیه السلام گذشت.

---

1. بصائر الدرجات: ص 183. الامامة و التبصرة من الحيرة: ص 45. بحار الانوار: ج 22 ص 224، ج 26 ص 49، ج 38 ص 132. مدینه المعاجز: ج 2 ص 248.

2. بحار الانوار: ج 44 ص 225، 241، ج 45 ص 89، 230. امالی صدوق: ص 203. امالی طوسی: ص 315. کلمات الامام الحسین علیه السلام: ص 292. مدینه المعاجز: ج 4 ص 192. رباحین الشرعیة: ج 2 ص 305 - 283. ذخائر العقبی: ص 148. ینابیع المودة: ج 3 ص 12. تاریخ یعقوبی: ج 2 ص 246. مجمع الزوائد: ج 9 ص 189. المعجم الكبير: ج 3 ص 108. تاریخ دمشق: ج 14 ص 193. تهذیب الکمال: ج 6 ص 409. تهذیب التهذیب: ج 2 ص 301.



آیا می شود رنج و سوز و مصیبت بازماندگان حضرت را در آن شب بیان کرد و یا حتی تصور نمود؟ آیا کسی درک می کند که دیدگان خونفشان عمه امام زمان علیه السلام و اهل بیت چقدر و چگونه بر آن حضرت گریستند؟ آیا می تواند تصویر کند که آه و ناله سوزناک آن عزیزان چگونه بوده است؟

با چه زبانی و با چه لفظی می توان دل‌های شکسته، قلب‌های جریحه دار، ناله و نوای بلبلان بال و پر سوخته گلستان نبوی و علوی، و سوز دل یتیمان و بانوان حسینی را بیان کرد؟

شام غریبان است! کودکان یتیم که دیشب پدر داشتند، و بانوان بی سرپرست که دیشب سرپرست و کاشانه داشتند، امشب با آشیانه سوخته و دل‌های داغدار، بدون سرورشان حضرت اباعبدالله چه می کنند؟

تفاوت بین این دو شب چقدر است: شب عاشورا و شب یازدهم؟ دیشب چه سالاری داشتند؟ دیشب چه کسی از خیمه‌ها محافظت می کرد؟ دیشب چه کسانی در خیمه‌ها بودند؟ امروز اما بدن مبارکشان بدون سر روی زمین است! آن شب چه کسی سرپرستی علویات و فاطمیات را بر عهده داشت؟ زینب کبری علیها السلام آن شب چه حالی داشت؟ از یک سو مراقبت از حجّت خدا زین العابدین علیه السلام و همسران و یتیمان برادر، و از سوی دیگر به دنبال دختران گمشده!! همه اینها در سرزمینی که بدن برادرش و عزیزانش با آن وضع روی زمین افتاده باشند!

آه چه شبی بود آن شب و چه حالی داشت دختر امیر المؤمنین علیه السلام. «سلام علی قلب زینب الصبور و لسانها الشکور».<sup>(1)</sup>

## 2. سر امام حسین علیه السلام در تنور خولی

شب یازدهم شبی است که سر مطهر امام حسین علیه السلام در تنور منزل خولی بود در

---

1. از زیارت حضرت زینب علیها السلام

حالیکه نورانیت آن سر فضا را روشن نموده بود. (1)

## 11 محرم

### 1. حرکت کاروان اسرا از کربلا

عمر سعد ملعون روز یازدهم تا وقت ظهر در کربلا ماند، و بر کشتگان سپاه خود نماز گذارد و آنان را به خاک سپرد. وقتی روز از نیمه گذشت فرمان داد تا دختران پیامبر ﷺ را بر شتران بی جهاز سوار کردند (2) و سید سجاد علیه السلام را نیز با غل جامعه بر شتر سوار کردند. هنگامی که آنان را از قتلگاه عبور دادند و نظر بانوان بر جسم مبارک امام حسین علیه السلام افتاد، لطمه ها بر صورت زدند و صدا به صیحه و ندبه برداشتند. (3)

### 2. تشکیل مجلس ابن زیاد

روز یازدهم عمر سعد به کوفه آمد. ابن زیاد اذن عمومی داد تا مردم در مجلس حاضر شوند. سپس رأس مطهر امام حسین علیه السلام را نزد او گذاشتند و او نگاه می کرد و تبسم می نمود و با چوبی که در دست داشت جسارت می نمود. (4)

### 3. حرکت اهل بیت امام حسین علیه السلام به سوی کوفه

عصر روز یازدهم اهل بیت علیهم السلام را با حالت اسارت به کوفه بردند. نزدیک

- 
1. مقتل الحسين علیه السلام (مقرّم): ص 304. از مدینه تا مدینه: ص 770. فیض العلام: ص 156-155. در بعضی از مصادر به جای تنور خولی، زیر ظرف خمیر آمده است: مناقب آل ابی طالب علیهم السلام: ج 4 ص 68. بحار الانوار: ج 45 ص 126. مثير الاحزان: ص 66. مدینة المعاجز: ج 4 ص 114. تاریخ طبری: ج 4 ص 348.
  2. ارشاد: ج 2 ص 114. اعلام الوری: ج 1 ص 470. لهوف: ص 189. بحار الانوار: ج 45 ص 07.
  3. مقتل الحسين علیه السلام (ابی مخنف): ص 203. مثير الاحزان: ص 64. معالی السبطين: ج 2 ص 90. قلائد النحور: ص 184. فیض العلام: ص 156. تاریخ طبری: ج 4 ص 348. البدایة و النهایة: ج 8 ص 210.
  4. اعلام الوری: ج 1 ص 471.
  5. ارشاد: ج 2 ص 114. مثير الاحزان: ص 64. بحار الانوار: ج 45 ص 62. اعلام الوری: ج 1 ص 471. لهوف: ص 189.

غروب حرکت کردند و شبانه به کوفه رسیدند. لذا آن بزرگواران داغدار و مصیبت زده را تا صبح پشت دروازه های کوفه نگه داشتند. هنگام صبح عمر سعد ملعون از کوفه خارج شد، و بسان فرماندهی که از فتوحات خویش خوشحال است همراه اسرای وارد کوفه شد.<sup>(1)</sup>

## 12 محرم

### 1. دفن شهدای کربلا

روز دفن بدنه ای مطهر سیّد الشهداء علیه السلام و اهل بیت و اصحاب آن حضرت،<sup>(2)</sup> توسط امام سجّاد علیه السلام به یاری جمعی از بنی اسد است.<sup>(3)</sup> و بنا بر قولی دفن شهدای کربلا در سیزدهم محرم بوده است.<sup>(4)</sup>

### 2. ورود اهل بیت علیهم السلام به کوفه

روز دوازدهم روز ورود اهل بیت علیهم السلام با حالت اسارت به کوفه است.<sup>(5)</sup> در این روز ابن زیاد فرمان داد که احدی حق ندارد با اسلحه از خانه بیرون آید، و ده هزار سوار و پیاده بر تمام کوچه ها و بازارها موکل گردانید، که احدی از شیعیان امیرالمؤمنین علیه السلام حرکتی نکند. سپس فرمان داد سرهایی را که در کوفه بود برگردانند و در پیش روی اهل بیت علیهم السلام حرکت دهند، و با هم وارد شهر کرده در کوی و بازار بگردانند.

1. قلائد النحور: ج محرم و صفر، ص 204.

2. ارشاد: ج 2 ص 114. اعلام الوری: ج 1، ص 470. بحار الانوار: ج 45 ص 108. مشیر الاحزان: ص 65.

3. تذکرة الشهداء (مترجم): ص 447-445. الوقایع و الحوادث: ج 6 ص 61-59. وقایع الایام: تتمه محرم، ص 132. علی الاکبر علیه السلام (مقرّم): ص 94.

4. علی الاکبر علیه السلام: ص 94. تذکرة الشهداء (مترجم): ص 445.

5. ارشاد: ج 2 ص 114. اعلام الوری: ج 1 ص 471. درجات الرفیعة: ص 451. قلائد النحور: ج محرم و صفر، ص 204. الوقایع و الحوادث: ج 4 ص 25.

مردم با دیدن حالت زار ذریه ی پیامبر ﷺ و سرهای بر نیزه و بانوان و مخدرات در هودجهای بدون پوشش، صدا به گریه بلند نمودند. زینب کبری، ام کلثوم، فاطمه بنت الحسین و امام زینالعابدین علیه السلام به ترتیب با جگرهای سوزان و قلوب دردناک ایراد خطبه نمودند، که عده ای از لشکر با دیدن این اوضاع از کرده خود پشیمان شدند، اما هنگامی که خیلی دیر شده بود!!<sup>(1)</sup>

### 3. روز شهادت حضرت سجاد علیه السلام

شهادت امام زین العابدین علیه السلام بنا بر قولی در این روز<sup>(2)</sup> در سال 94 هجری در سن 57 سالگی واقع شده است، و قول دیگر 25 محرم است که خواهد آمد.

## 13 محرم

### 1. اسرای اهل بیت علیهم السلام در مجلس ابن زیاد<sup>(3)</sup>

پس از آنکه اسرا و سرهای مقدس شهدا را در کوفه گردانیدند، ابن زیاد در کاخ خود نشست و دستور داد سر مطهر امام حسین علیه السلام را در برابرش گذاشتند. آنگاه زنان و کودکان آن حضرت را به همراه امام سجاد علیه السلام در حالیکه به طناب بسته بودند وارد مجلس نموده، در برابر تخت آن ملعون ایستاده نگه داشتند. در این حال درباریان آن ملعون به تماشا ایستاده بودند.<sup>(4)</sup>

1. مشیر الاحزان: ص 66. لهوف: ص 200. بحار الانوار: ج 45 ص 114. قمقام زخار: ص 515. قلائد النحور: ج محرم و صفر، ص 205.

2. توضیح المقاصد: ص 3. الدروس: ج 2 ص 12. وصول الاختیار: ص 42. منتهی الآمال: ج 2 ص 38.

3. امالی صدوق: ص 229. روضة الواعظین: ص 190. بحار الانوار: ج 45 ص 154.

4. الوقایع و الحوادث: ج 4 ص 63-62. وقایع الایام: تتمه محرم، ص 256.

## 2. اسرای اهل بیت علیهم السلام در زندان کوفه

پس از مجلس شوم ابن زیاد، اهل بیت علیهم السلام را با غل و زنجیر وارد زندان کوفه نمودند. (1)

## 3. خبر شهادت امام حسین علیه السلام در مدینه و شام

ابن زیاد به مدینه و شام نامه نوشت و خبر شهادت امام حسین علیه السلام را منتشر ساخت. (2)

## 4. شهادت عبدالله بن عقیف

عبدالله بن عقیف ازدی بزرگواری از اصحاب امیر المؤمنین علیه السلام بود و در جنگهای جمل و صفین دو چشم خویش را از دست داده بود. لذا مشغول عبادت بود.

او هنگامی که شنید پسر زیاد ملعون به امیر المؤمنین و امام حسین علیه السلام نسبت کذب می دهد، از میان جمعیت برخاست و گفت: ساکت باش ای پسر مرجانه، دروغگو تویی و پدر تو که به تو این مقام را داد. ای دشمن خدا! فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را می کشی و در منابر مؤمنین این چنین سخن می گویی؟ مأموران خواستند متعرض او شوند که با کمک قبیله اش به خانه رفت، ولی بعد آمدند و خانه او را محاصره کردند. پس از رشادتهای او و دخترش دستگیر شد و همانطور که از خدا خواسته بود به دست بدترین خلق یعنی ابن زیاد به شهادت رسید. (3)

---

1. امالی صدوق: ص 229. روضة الواعظین: ص 190. بحار النوار: ج 45 ص 154. الوقایع و الحوادث: ج 4 ص 89. وقایع الایام: تتمه محرم، ص 263.

2. لهوف: ص 207. الوقایع و الحوادث: ج محرم، ص 96. وقایع الایام: تتمه محرم، ص 264.

3. ارشاد: ج 2 ص 117. مشیر الاحزان: ص 72. لهوف: ص 203. مقتل الحسین علیه السلام (ابی مخنف): ص 207. بحار النوار: ج 45 ص 119. سفینه البحار: ج 3 ص 342. الوقایع و الحوادث: ج 4 ص 80، 87 - 88. تاریخ طبری: ج 4 ص 351.

## 15 محرم

### 1. فرستادن سرهای مطهر شهدا به سوی شام

بنابر بعضی اقوال، در این روز سرهای مطهر اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام را به سوی شام حرکت دادند.  
(1) البته بعداً اهل بیت علیهم السلام سرهای مطهر را به بدنها ملحق کردند. (2)

## 19 محرم

### 1. حرکت کاروان کربلا به سوی شام

در این روز اهل بیت سید الشهداء علیهم السلام را از کوفه به سوی شام حرکت دادند. (3) زندهای غیر هاشمیه از انصار امام حسین علیهم السلام که در کربلا اسیر شدند با شفاعت اقوام و قبایلشان نزد ابن زیاد از قید اسیری خلاص شدند، و فقط زندهای هاشمیات برای اسارت به شام برده شدند. (4)

## 20 محرم

### 1. دفن بدن جون در کربلا

بعد از ده روز از واقعه عاشورا جمعی از بنی اسد بدن شریف جون غلام ابی ذر غفاری

- 
1. ارشاد: ج 2 ص 118. کشف الغمة: ج 2 ص 67. وقایع الایام: تتمه محرم، ص 281. البداية و النهایة: ج 8 ص 208. تذکرة الخواص: ص 234.
  2. امالی صدوق: ص 232. روضة الواعظین ص 192. بحار النوار: ج 45 ص 140.
  3. الوقایع و الحوادث: ج 4، ص 114.
  4. ابصار العین فی انصار الحسین علیهم السلام: ص 133.

را پیدا کردند در حالی که صورتش نورانی و بدنش معطر بود و سپس او را دفن کردند.<sup>(1)</sup>

چون کسی بود که امیر المؤمنین علیه السلام او را به 150 دینار خرید و به ابوذر بخشید. هنگامی که ابوذر را به ربه تبعید کردند این غلام برای کمک به او به ربه رفت و بعد از رحلت جناب ابوذر به مدینه مراجعت کرد و در خدمت امیر المؤمنین علیه السلام بود تا بعد از شهادت آن حضرت به خدمت امام مجتبی علیه السلام و سپس به خدمت امام حسین علیه السلام رسید و همراه آن حضرت از مدینه به مکه و از مکه به کربلا آمد.

هنگامی که جنگ در روز عاشورا شدت گرفت او خدمت امام حسین علیه السلام آمد و برای میدان رفتن و دفاع از حریم ولایت و امامت اجازه خواست. حضرت فرمودند: در این سفر به امید عافیت و سلامتی همراه ما بودی! اکنون خویشتن را به خاطر ما مبتلا مساز.

چون خود را بر قدمهای مبارک امام حسین علیه السلام انداخت و بوسید و گفت: ای پسر رسول خدا، هنگامی که شما در راحتی و آسایش بودید من کاسه لبس شما بودم، و حال که به بلا گرفتار هستید شما را رها کنم؟ چون با خود فکر کرد: من کجا و این خاندان کجا؟ لذا عرضه داشت: آقای من، بوی من بد است و شرافت خانوادگی هم ندارم و نیز رنگ من سیاه است. یا ابا عبدالله، لطف فرموده مرا بهشتی نمائید تا بویم خوش گردد و شرافت خانوادگی به دست آورم و روسفید شوم. نه آقای من، از شما جدا نمی شوم تا خون سیاه من با خون شما خانواده مخلوط گردد. چون می گفت و گریه می کرد به حدی که امام حسین علیه السلام گریستند و اجازه دادند.

با آنکه چون پیرمردی 90 ساله بود، ولی بچه ها در حرم با او انس فراوانی داشتند. او به کنار خیمه ها برای خداحافظی و طلب حلالیت آمد، که صدای گریه اطفال بلند شد

1. بحار الانوار: ج 45 ص 22، 71. وسیلة الدارین: ص 115. منتخب التواریخ: ص 291، 311.

و اطراف او را گرفتند. هریک را به زبانی ساکت کرد و به خیمه ها فرستاد و مانند شیری غضبناک روی به آن قوم ناپاک کرد. او جنگ نمایانی کرد، تا آنکه اطراف او را گرفتند و زخمهای فراوانی به او وارد کردند. هنگامی که روی زمین افتاد، امام حسین علیه السلام سر او را به دامن گرفت و بلند بلند گریست، و دست مبارک بر سر و صورت جون کشید و فرمود: «اللهم بیض وجهه و طیب ریحہ و احشره مع محمد و آل محمد علیهم السلام: بار الها رویش را سفید و بویش را خوش فرما و با خاندان عصمت علیهم السلام محشورش نما. از برکت دعای حضرت روی غلام مانند ماه تمام درخشیدن گرفت و بوی عطر از وی به مشام رسید. چنانکه وقتی بدن او را بعد از ده روز پیدا کردند صورتش منور و بویش معطر بود. (1)

(وسیله الدارین فی انصار الحسین علیه السلام: ص 115)

## 23 محرم

### 1. ویران نمودن حرم عسکرین علیه السلام

در روز چهارشنبه 23 محرم 1427 در ساعت 6/45 یا 7 صبح، به وقت محلی شهر بغداد عده ای از دشمنان قسم خورده اهل بیت علیهم السلام، حرم عسکرین علیه السلام را خراب کردند. آنها با پوشیدن لباس پلیس عراق وارد حرم مطهر شدند، اسلحه نگهبانان را گرفته همراه با خدام مرقد شریف - که حدود 7 تا 10 گفته اند - در یکی از غرفه های صحن مطهر عسکرین علیه السلام با دست و پای بسته زندانی نمودند و اطراف حرم شریف و روضه منوره را با مواد منفجره - که نزدیک به 200 کیلو گرم می شد - منفجر کردند.

در پی این حادثه عراق و ایران یک هفته عزای عمومی اعلان شد و دروس حوزه های علمیه تعطیل شد و بازارها در اکثر شهر های بزرگ بسته شد و دسته جات

1. وسیله الدارین فی انصار الحسین: علیه السلام ص 115.



عزا از حسینیه ها و مساجد در حاتی که به سر و صورت و سینه می زدند و بعضی با پای برهنه و در پیشاپیش بعضی دسته جات مراجع به خیابان ها آمدند و به ساحت مقدس حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف عرض تسلیت نمودند.

عاشقان اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام با جمع آوری نقدینه و هدیه طلا و جواهرات و ثبت نام عده زیادی از مهندسین و معماران و کارگران، آمادگی خود را برای تجدید بنای حرم عسکریین علیهم السلام اعلان نمودند.

مخفی نماند که حرم مطهر فعلی سامراء منزل شخصی امام هادی علیه السلام است که هنگام ورود به این شهر خریداری نمودند. این مکان شریف مدفن حضرت هادی و امام حسن عسکری علیهم السلام و محل ولادت آقا و مولایمان حضرت صاحب الزمان علیه السلام و مدفن جناب حکیمه خاتون دختر امام جواد علیه السلام و حضرت نرجس خاتون همسر امام عسکری علیه السلام و والده ماجده امام عصر علیه السلام و مدفن سید حسین پسر امام هادی علیه السلام است.

این حرم شریف تا این زمان که به دست ناصبیان تخریب شد 13 بار تجدید بنا شده است،<sup>(1)</sup> و اکنون که سال 1429 ه است در حال ساخت بنای جدید حرم مطهر می باشند.

## 25 محرم

### 1. شهادت امام سجّاد علیه السلام

در سال 94 بنابر مشهور یا 95 ه<sup>(2)</sup>، امام زین العابدین علیه السلام در سن 57 سالگی با زهری

1. تاریخ سامراء: ج 2 ص 298-300.

2. کافی: ج 1 ص 466، 468. مسار الشیعه: ص 26. العدد القویه: ص 315. زاد المعاد: ص 328. مصباح کفعمی: ج 2، ص 594. مصباح المتهدج: ص 729. عیون المعجزات: ص 65. فیض العلام: ص 165. بحار الانوار: ج 59، ص 199. اختیارات: ص 33. تقویم المحسنین: ص 15. قلائد النحور: ج محرم و صفر، ص 315. تذکره الخواص: ص 298.

که ولید بن عبدالملک یا هشام لعنهما الله به آن حضرت دادند به شهادت رسیدند. این در حالی بود که 34 یا 35 سال بعد از واقعه کربلا در مصائب جان گداز شهادت پدر و برادران و عمو و بستگان و اسارت عمه ها و خواهرانش، گریان بودند.

امام باقر علیه السلام آن حضرت را تجهیز نمودند و در بقیع کنار قبر عموی مظلومش حضرت مجتبی علیه السلام به خاک سپردند. سال شهادت آن حضرت را به خاطر کثرت فوت فقهاء و علماء «سنه الفقهاء» گفتند. در شهادت آن حضرت اقوال دیگری نیز وجود دارد: 12 محرم،<sup>(1)</sup> 18 محرم،<sup>(2)</sup> 19 محرم،<sup>(3)</sup> 1 صفر.<sup>(4)</sup>

## 26 محرم

### 1. شهادت علی بن الحسین المثلث

در سال 146 هـ علی بن حسن بن حسن بن علی علیه السلام، در سن 45 سالگی در زندان منصور - که شب و روز در آن تشخیص داده نمی شد - در حال سجده و در حالیکه غل و زنجیر بر دست و پایش بود، به شهادت رسید،<sup>(5)</sup> و بنا بر قولی شهادت آن بزرگوار در 23 محرم بوده است.<sup>(6)</sup>

- 
1. توضیح المقاصد: ص 3. الدروس: ج 2 ص 12. وصول الاخيار: ص 42. منتهی الآمال: ج 2، ص 38.
  2. مناقب آل ابی طالب علیهم السلام: ج 4 ص 189. اعلام الوری: ج 1 ص 481. العدد القویة: ص 316. روضة الواعظین: ص 201. بحار الانوار: ج 46 ص 154. منتهی الآمال: ج 2 ص 38.
  3. مناقب آل ابی طالب علیهم السلام: ج 4 ص 189.
  4. اختیارات: ص 33.
  5. مستدرک سفینه البحار: ج 6 ص 295. منتهی الآمال: ج 1 ص 260-259. الوقایع و الحوادث: ج 4 ص 289. مقاتل الطالبین: ص 132.
  6. شجره طوی: ج 1 ص 162.

## 1. وفات حذیفه بن یمان

حذیفه از بزرگان اصحاب پیامبر ﷺ و از خواص اصحاب امیر المؤمنین علیؑ بود. پدر حذیفه در جنگ احد اشتباهاً به وسیله یکی از مسلمانان کشته شد.<sup>(1)</sup>

حذیفه یکی از هفت نفری بود که بر صدیقه طاهره علیؑ نماز خواندند.<sup>(2)</sup> او صحابه منافق را می شناخت.

<sup>(3)</sup> منافقینی که پس از غدیر خم توطئه قتل پیامبر ﷺ را چیدند و می خواستند در بازگشت از غدیر خم در راهی که از کوه می گذشت شتر حضرت را بترسانند تا برمد و حضرت به دره سقوط کند و به قتل برسد. اما جبرئیل این نقشه را بسمع مبارک نبوی رسانید.

پیامبر ﷺ چون به محل مورد نظر رسیدند، منافقین با چهره های بسته هر کدام ظرفی که داخل آن سنگریزه بود از بالا رها نموده و شروع به داد و فریاد و نعره زدن کردند. اما عمار مهار تاقه را گرفته بود و حذیفه هم در کنار آن حضرت بود و سرانجام نقشه آن کوردلان نقش بر آب شد.

پیامبر ﷺ آن منافقین را به حذیفه معرفی فرمودند که عبارت بودند از اولی و دومی و سومی و ابو عبیده و معاذ بن جبل و سالم و معاویه و عمرو عاص

- 
1. الدرجات الرفیعة: ص 309-283. الفوائد الرجالیة: ج 2 ص 179-162. استیعاب: ج 1 ص 355-334. الکنی و واللقاب: ج 2 ص 236-234. مستدرک حاکم: ج 3 ص 381-379. سفینة البحار: ج 2 ص 571-566.
  2. الاختصاص: ص 5. بحار الانوار: ج 22 ص 345، 351. تفسیر فرات: ص 570. اختیار معرفة الرجال: ج 1 ص 34. درجات الرفیعة: ص 209. روضة الواعظین: ص 280. مستدرک سفینة البحار: ج 4 ص 425.
  3. احتجاج: ج 1 ص 388. دلائل الامامة: ص 97. المسترشد: ص 591، 592. الطرائف: ص 470. بحار الانوار: ج 28 ص 99. الکنی و الاقاب: ج 2 ص 235. الغدیر: ج 6 ص 241. صحیح البخاری: ج 8 ص 100. فتح الباری: ج 13 ص 31، 62. صفة المنافق: ص 63. المصنف (ابن ابی شیبة): ج 8 ص 637. کنز العمال: ج 1 ص 368. تاریخ دمشق: ج 12 ص 275. سنن بیهقی: ج 8 ص 200، ج 9 ص 33. المحلی: ج 11 ص 220. اسد الغابة: ج 1 ص 391.

و طلحه و سعد بن ابی وقاص و عبدالرحمن بن عوف و ابوموسی اشعری و مغیره بن شعبه و ابوهریره و اوس بن الحدثان و ابوطلحه و ابو قتاده انصاری و ابو مسعود<sup>(1)</sup>، و حذیفه همه را به خاطر سپرد. به همین دلیل بود که غاصبیم خلافت بعد از آن واقعه از حذیفه می ترسیدند که مبادا آنان را به مردم معرفی کند.

لذا حذیفه بر جنازه هرکس حاضر نمی شد دیگران می فهمیدند که میت از منافقین بوده است. نکته جالب آنجا بود که حذیفه بر ابوبکر نماز نخواند،<sup>(2)</sup> و دومی برای سرپوش گذاشتن بر نفاق خویش و تبرئه خود، از حذیفه می پرسید: «اگر این شخص از منافقین است بگو تا من بر او نماز نخوانم!»<sup>(3)</sup>

این بزرگوار چهل روز پس از خلافت ظاهری امیر المؤمنین در مدائن از دنیا رحلت فرمود.<sup>(4)</sup> او قبل از رحلت به دو فرزندش صفوان و سعید وصیت کرد که همیشه ملازم امیر المؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ باشند و ایشان هم به وصیت پدر عمل نمودند تا در جنگ صفین به شهادت رسیدند.<sup>(5)</sup>

- 
1. کتاب سلیم بن قیس هلالی: ج 2 ص 730. ارشاد القلوب: ج 2 ص 332. خصال: ص 499. الهدایة الكبرى: ص 79. المستر شد: ص 597. بحار الانوار: ج 21 ص 223، ج 28 ص 100، ج 31 ص 632، ج 37 ص 119، ج 82 ص 267. الصراط المستقیم: ج 3 ص 44. مکاتیب الرسول: ج 1 ص 602، 603، 607. درجات الرفیعة: ص 299. اختیارات: ص 17. انوار العلویة: ص 74. منتخب التواریخ: ص 63. کشف الهاویة: ص 289.
  2. اغتیال النبی: ص 71، بنقل از مختصر تاریخ دمشق: ج 6 ص 253، المحلّی (ابن حزم): ج 11 ص 225.
  3. الغدیر: ج 6 ص 241-242. منتهی الآمال: ج 1 ص 120. اسد الغابة: ج 1 ص 391. الاعلام زرکلی: ج 2 ص 171. احیاء العلوم غزالی.
  4. الفوائد الرجالیة: ج 2 ص 176. مستدرک سفینة البحار: ج 5 ص 212. الوقایع و الحوادث: ج 4 ص 308. مراقد المعارف: ج 1 ص 242. سفینة البحار: ج 2 ص 571. تاریخ دمشق: ج 12 ص 621. مستدرک حاکم: ج 3 ص 380.
  5. درجات الرفیعة: ص 288. الفوائد الرجالیة: ج 2 ص 176. سفینة البحار: ج 2 ص 571. ج 2 ص 571. الکنی و الالقاب: ج 2 ص 236. مروج الذهب: ج 2 ص 394. استیعاب: ج 1 ص 335.

2. تبعید امام جواد علیه السلام به بغداد

در سال 220 هـ امام جواد علیه السلام به دستور معتصم از مدینه به بغداد تبعید شدند. (1)

3. ورود اسرای اهل بیت علیهم السلام به بعلبک

بنابر نقلی ورود اسرای اهل بیت علیهم السلام به شهر بعلبک و استقبال مردم آن شهر از نیزه داران با شکر و سویق و آذوقه و علف در این روز بوده است،<sup>(2)</sup> که حضرت امّ کلثوم علیها السلام با دیدن این منظره در حق آنان نفرین کردند.<sup>(3)</sup>

## 29 محرم

1. رسیدن کاروان اسرا به شام

در این روز اسرای اهل بیت علیهم السلام به حوالی شام رسیدند.<sup>(4)</sup> ابراهیم بن طلحه بن عبدالله جلو آمد و به امام زین العابدین علیه السلام نزدیک شد، و کینه هائی که از جراحت شمشیرهای جنگ جمل در سینه ذخیره کرده بود ظاهر ساخت و به حضرت گفت: دیدی غلبه با کیست؟ حضرت فرمود: اگر می خواهی بدان غالب کیست صبر کن تا هنگام نماز اذان و اقامه بگو، آن وقت می دانی آوازه چه کسی تا قیامت باقی است.<sup>(5)</sup>

1. ارشاد: ج 2، ص 295. تاریخ قم: ص 200. بحار الانوار: ج 50 ص 8. شرح احقاق الحق: ج 19 ص 599. ینابیع الموده: ج 3 ص 127.

2. قلائد النحور: ج محرم و صفر، ص 331-332.

3. بحار الانوار: ج 45 ص 126. عوالم: ص 427. قلائد النحور: ج محرم و صفر، ص 331-332. نور العین: 263. ینابیع الموده: ج 3 ص 89.

4. قلائد النحور: ج محرم و صفر، ص 336.

5. بحار الانوار: ج 45 ص 177. امالی طوسی: ص 677. عوالم (ج الامام الحسین): ص 414. قلائد النحور: ج محرم و صفر: ص 332-331.

## 1. نوشتن صحیفه ملعونه

در این ماه در سال 11 ه صحیفه ملعونه دوم نوشته شد و به امضاء منافقین رسید. (1) محتوای آن چنین بود که نگذارد خلافت و امامت مسلمین بعد از پیامبر ﷺ به علی بن ابی طالب علیه السلام برسد، و بر اساس آن مقدمات و زمینه های غصب خلافت و گرفتن بیعت از آن حضرت به هر صورت ممکن را فراهم نمودند. با نوشتن آن صحیفه اساس ظلم و ستم به اهل بیت علیهم السلام را بنا نهادند، که به فرموده امام صادق علیه السلام: «اذا كتب الكتاب قتل الحسين علیه السلام» (2): «هنگامی که صحیفه ملعونه نوشته شد امام حسین علیه السلام به شهادت رسید».

## 2. وفات ام المؤمنین ماریه قبطیه رضوان الله علیها

در ماه محرم سال 15 ه (یا 16 ه) ماریه قبطیه رحلت فرمود. (3)  
 ماریه دختر شمعون قبطی بود که همراه با خواهرش شیرین و یک خواجه که برادر ماریه به نام مایور بود و هزار مثقال طلا و بیست جامه حریر و درازگوشی به نام یعفور و قاطری به نام دلدل، در سال هفتم از سوی پادشاه اسکندریه به رسم هدیه خدمت رسول خدا ﷺ فرستاده شد.  
 پیامبر ﷺ ماریه را به همسری خود برگزید، و در محله «عالیه» که آن را «مشریه ام ابراهیم» می گویند منزلی برای آن حضرت تهیه کرد و خداوند جناب ابراهیم علیه السلام را از این بانو به آن حضرت عنایت فرمود.

- 
1. ارشاد القلوب: ج 2 ص 335. بحار الانوار: ج 28 ص 104. درجات الرفیعة: ص 302. الصوارم المهرقة: ص 77. انوار العلویة: ص 76.
  2. کافی: ج 8 ص 179. بحار الانوار: ج 24 ص 366، ج 28 ص 123، ج 31 ص 635. تفسیر نور الثقلین: ج 4 ص 616. تأویل الایات: ج 2 ص 672. البرهان: ج 4 ص 884.
  3. ریاحین الشریعین: ج 2 ص 342. البدایه و النهایه: ج 5 ص 326. طبقات الکبری: ج 8 ص 216. استیعاب: ج 4 ص 1912. السیرة النبویة (ابن کنیر): ج 4 ص 603. تاریخ طبری: ج 3 ص 144. تاریخ دمشق: ج 3 ص 238.

حضرت امیر المؤمنین علیه السلام به خاطر ولادت ابراهیم علیه السلام بسیار اظهار سرور می فرمود و به آنان خدمت می نمود، و بدین جهت عایشه از حضرت امیر المؤمنین بسیار ناراحت و ملول بود.<sup>(1)</sup>

از عایشه نقل شده که می گفت: «من به ماریه حسد می بردم، چون زنی بسیار زیبا بود.»<sup>(2)</sup> سرانجام این حسادت باعث شد که تهمت به جناب ماریه زد<sup>(3)</sup> و آیه ای در تقبیح این کار عایشه نازل شد، که در تفاسیر شیعه و سنی به تفصیل توضیح داده شده است. جناب ماریه بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در مدینه طیبه رحلت فرمود.

---

1. شرح نهج البلاغه (ابن ابی الحدید): ج 9، ص 195.

2. ریاحین الشریعه: ج 2، ص 342. الصحیح من السیرة: ج 3 ص 295. ازواج النبی . بناته: ص 57. الطبقات الکبری: ج 8، ص 212. الاصابه: ص 311.

3. بحار الانوار: ج 22 ص 155 - 153، 242، ج 52 ص 315. تفسیر قمی: ج 2 ص 99، 318. المحاسن: ج 2 ص 339. علل الشرائع: ج 2 ص 580. دلائل الامامة: ص 485. الهدایة الکبری: ص 296. المحتضر: ص 213. الصحیح من السیرة: ج 3 ص 296. رساله حول خبر ماریة (شیخ مفید).

4. سوره نور: آیه 11.





2. صفر الخير



در ماه صفر ثقل حوادث بر دوش سنگینی می کند. ادامه عزای امام حسین علیه السلام از یک سو، شهادت پیامبر صلی الله علیه و آله و امام مجتبی و امام رضا علیهما السلام از سوی دیگر، آغاز غصب خلافت از جهت دیگر مصائب پشت سرهمی است که در این ماه باید سوگوار آن باشیم. در روزهای 1، 2، 5، 7، 8، 9، 11، 12، 14، 15، 19، 20، 24، 26، 27، 28، 29، 30 این ماه وقایعی رخ داده که در یک نگاه به این صورت قابل تقسیم است:

وقایع مربوط به کربلا، که از وارد کردن سر مطهر امام حسین علیه السلام به شام آغاز می شود. در پی آن ورود اهل بیت علیهم السلام به شام و سپس مجلس یزید است. شهادت حضرت رقیه علیها السلام نیز پیرو آن اتفاق افتاده است. آزادی اهل بیت علیهم السلام از زندان شام و بازگشت اهل بیت علیهم السلام از شام به کربلا، و ورود جابر در اربعین برای زیارت سید الشهداء و ملحق شدن رأس مطهر امام حسین علیه السلام به بدن مطهر در کربلا وقایع بعدی است.

مصائب معصومین دیگر از بیماری رسول خدا صلی الله علیه و آله آغاز می شود. شهادت آن حضرت و آغاز مصائب حضرت زهراء مرحله اول آن است. شهادت امام مجتبی علیه السلام و امام رضا علیه السلام نیز مصائب بعدی است.

وفات حضرت سلمان، شهادت عمار یاسر، شهادت محمد بن ابی بکر و شهادت زید بن علی بن الحسین علیه السلام وقایع دیگری است که در این ماه اتفاق افتاده است.

در کنار این مصائب، ولادت موسی بن جعفر علیه السلام خبر خوشی است که در این ماه باعث سرور دوستان اهل بیت علیهم السلام می گردد.

درخواست کتف توسط پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و تشکیل لشکر اسامه از وقایع آخرین سال عمر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است. آغاز امامت امیر المؤمنین علیه السلام که در واقع آغاز غصب خلافت آن حضرت است دنباله همان روزهای تلخ است. شروع جنگ صفین، لیله الهریر در پایان جنگ صفین، مسئله حکمین، و سپس جنگ نهروان برگهائی از روزگار خلافت امیر المؤمنین علیه السلام است.

## 1 صفر

1. وارد کردن سر مطهر امام حسین علیه السلام به شام

بنی امیه این روز را به خاطر ورود سر مطهر امام حسین علیه السلام به شام عید قرار دادند. <sup>(1)</sup>

2. ورود اهل بیت علیهم السلام به شام <sup>(2)</sup>

با رسیدن خبر نزدیک شدن اسرای اهل بیت علیهم السلام به دمشق، یزید دستوراتی صادر کرد:

1. تاجی جواهر نشان و تختی مرصع به سنگهای قیمتی آماده کنند.

2. بزرگان هر صنف با کمک یکدیگر شهر را در کمال زیبایی زینت نمایند.

3. تمام اهل شهر لباسهای زینتی بپوشند و خود را بیارایند.

4. همگی در معابر رفت و آمد نموده، به یکدیگر تبریک بگویند.

5. پس از آمادگی کامل با طبل و شیپور به استقبال اسرا بروند.

6. جارچیان در شهر جار بزنند: سرهای بریده و اطفال کسانی بر شهر وارد می شوند که به قصد براندازی

حکومت عازم عراق بوده اندولی عامل خلیفه یعنی ابن زیاد آنها را کشته است. هرکس خلیفه را دوست دارد امروز شادی نماید.

شامیان پست نیز کوتاهی نکرده بر فراز بامها بیرقهای رنگارنگ برافراشتند و در هر گذری بساط شراب پهن کردند. نغمه آوازه خوانان بلند بود، و مردم دسته دسته به سوی دروازه کوفه در دمشق می رفتند و عده ای از شهر خارج شده بودند. این در حالی بود که اهل بیت مصیبت زده و داغدار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را که جبرئیل امین پاسبان حریم

---

1. توضیح المقاصد: ص 5. مصباح کفعمی: ج 2 ص 596. قلائد النحور: ج محرم و صفر، ص 341. الوقایع و الحوادث: ج 5، ص 5. تقویم المحسنین: ص 15. اختیارات: ص 3.

2. معالی السبطين: ج 2، ص 140. مستدرک سفینه البحار: ج 6، ص 294. الوقایع و الحوادث: ج 5 ص 5.

محترمشان بود همراه با نیزه داران تازیانه به دست و بی رحم وارد دروازه ساعات کردند. آن نابخردان پست همینکه جمع نورانی اسرا را دیدند زبان به جسارت گشودند. در آن شهر چه گذشت و با آن بزرگواران چه کردند قلم را یارای نوشتنش نیست. (1)

### 3. شروع جنگ صفین (2)

پس از بی نتیجه ماندن نامه ها و موعظه های امیر المؤمنین علیه السلام به معاویه در ماه محرم، در روز چهارشنبه اول صفر سال 38 هـ لشکر امیر المؤمنین در مقابل لشکر شام صف کشیدند. لشکر حضرت 90 هزار نفر و لشکر معاویه 85 هزار نفر بودند.

لشکر کفر، آب را بر لشکر حضرت امیر المؤمنین علیه السلام بستند، ولی پس از گرفتن و باز نمودن آب توسط امام حسین علیه السلام لشکر حضرت مانع از رسیدن آب به لشکر معاویه نشدند.

حضرت پس از شهادت تعدادی از اصحابشان یکباره با ده هزار نفر از طائفه ربیعه به لشکر معاویه حمله کردند و صفوف آنان را بر هم ریختند و تا قبه معاویه رسیدند و فرمودند: ای معاویه، برای چه مردم را به کشتن می دهی؟ بیا با من مبارزه کن تا هر کدام از ما کشته شود خلافت از دیگری باشد!!

عمر و عاص به معاویه گفت: علی با تو به انصاف سخن گفت. معاویه گفت: اما تو در این مشورت انصاف ندادی، چه اینکه هر کس به مصاف او بیرون رود به سلامت

---

1. الوقایع و الحوادث: ج 5، ص 30-6. از مدینه تا مدینه: ص 899-896. همچنین اقتباس از ناسخ التواریخ، معالی السبطين: ج 2 ص 140، عوالم العلوم، مهیج الاحزان، ریاض المصائب، لهوف، امالی صدوق، الدمعه الساکبه.

2. توضیح المقاصد: ص 5. بحار الانوار: ج 32 ص 458. تتمه المنتهی: ص 24. فیض العلام: ص 176. قلائد النور: ج محرم و صفر، ص 339. وقعة صفین: ص 214. شرح نهج البلاغه: ج 4 ص 29. مروج الذهب: ج 2 ص 387. فتح الباری: ج 13 ص 75.

3. تتمه المنتهی: ص 23.

4. بحار الانوار: ج 44 ص 266. عوالم (ج الامام الحسین): ص 150. مدینه المعاجز: ج 3 ص 139.

باز نگردد! از اینجا بود که معاویه عمروعاص را به اجبار به جنگ حضرت فرستاد. حضرت همینکه او را شناخت شمشیر را بلند کرد تا او را به درک بفرستد، ولی عمروعاص حيله کرد و عورت خود را مکشوف ساخت. آن حضرت رو از آن بی حیا برگردانید و آن خبیث فرار کرد.<sup>(1)</sup>

سرانجام با حيله چند برگ از قرآن بر سر نيزه کردند، و ماجرای حکمین پیش آمد.

## 2 صفر

### 1. مجلس یزید

در این روز بنا بر نقلی اسرای آل رسول را وارد مجلس یزید کردند.<sup>(2)</sup> جا دارد فکر کنیم چه کسانی را با چه حالتی وارد بر چگونه مجلسی کردند؟

### 2. شهادت زید بن علی بن ال حسین علیه السلام

در سال 121 هـ زید بن علی بن ال حسین علیه السلام در کوفه به شهادت رسید.<sup>(3)</sup> بنا بر قولی شهادت او در اول صفر<sup>(4)</sup> یا سوم صفر<sup>(5)</sup> بوده است. خروج او در اول صفر<sup>(6)</sup> یا اول محرم

---

1. بحار الانوار: ج 32 ص 512، 585، 599، ج 33 ص 230، الغدير: ج 2 ص 161، 169، درجات الرفیعة: ص 120، انساب الاشراف: ص 330، وقعة صفین: ص 407، اخبار الطول: ص 177 - 176، شرح نهج البلاغة: ج 6 ص 299، 316، ج 8 ص 60، استیعاب: ج 1 ص 162.

2. قلائد النحور: ج محرم و صفر، ص 353.

3. ارشاد: ج 2 ص 174، بحار الانوار: ج 46 ص 186، سفینة البحار: ج 2 ص 522، الطبقات الكبرى: ج 5 ص 326، تاریخ طبری: ج 5 ص 499، 503، تاریخ دمشق: ج 19 ص 456، 476.

4. مسار الشیعة: ص 26، مصباح المجتهد: ص 729، مصباح کفعمی: ج 2 ص 596، بحار الانوار: ج 46 ص 203، 208، تقویم المحسینین: ص 15، اختیارات: ص 3.

5. عیون اخبار الرضا علیه السلام: ج 2 ص 228، بحار الانوار: ج 46 ص 175.

6. عیون اخبار الرضا علیه السلام: ج 2 ص 228، بحار الانوار: ج 46 ص 175، تاریخ طبری: ج 5 ص 499.

بوده است. (1) پس از دفن در این روز (2) یا 19 ربیع الاول (3) قبر او را شکافتند و بدن آن بزرگوار را از قبر خارج نمودند و به زمین کشیده به دار زدند.

## 5 صفر

### 1. شهادت حضرت رقیه علیها السلام

در روز پنجم ماه صفر سال 61 ه حضرت رقیه مظلومانه به شهادت رسید. (4) نام شریفش «رقیه»، «فاطمه» و «زینب» است. پدرشان مولانا الشهید اباعبدالله الحسین علیه السلام و مادرشان ام اسحاق است.

ولادت آن حضرت در مدینه بود و در سن سه سالگی یا بیشتر در محرم 61 هجری با پدر بزرگوارش به کربلا آمد. قبل و بعد از عاشورا بارها مورد تفقد و دلجوئی اباعبدالله قرار گرفت تا آنجا که به خواهرش حضرت زینب علیها السلام در مورد او سفارش فرمود. بعد از شهادت امام حسین علیه السلام و اهل بیت و اصحاب، همراه با اسرا به کوفه و شام برده شد و در مسیر چهل منزل راه شام رنجهای فراوانی دید.

در شام بعد از دیدن سر نورانی پدر با پیشانی شکسته در خرابه، آنقدر ناله زد و گریست تا به ملکوت اعلا پیوست، و بدن شریف آن حضرت را شبانه دفن کردند.

از کهن ترین منابعی که نام آن حضرت با لفظ یاد شده قصیده سیف بن عمیره نخعی کوفی از اصحاب امام جعفر صادق و امام موسی کاظم علیهما السلام است:

1. قلائد النحور: ج محرم و صفر، ص 15. البدایة و النهایة: ج 9 ص 361.

2. تاریخ طبری: ج 5 ص 304.

3. مستدرک سفینه البحار: ج 4، ص 67.

4. وقائع الشهور: ص 47.

5. کامل بهائی: ج 2 ص 179. نفس المهموم: ص 457-456. الوقایع و الحوادث: ج 5، ص 85-70. از مدینه تا مدینه: ص 955-966.

منتخب التواریخ: ص 388.



و عبدکم سیف فتی ابن عمیره  
و سکنه عنها السکنه فارقت  
و رقیه رق الحسود لضعفها  
و لام کلثوم یجد جدیدها  
لم أنسها و سکنه و رقیه  
عبد لعبد عبید حیدر قنبر  
لما ابتدیت بفرقه و تغیر  
و غدا لیعذرها الذی لم یعذر  
لثم عقیب دموعها لم یکرر  
یبکنه بتحسیر و تزفر

شواهد و مدارک در باره وجود شریف آن حضرت، و بودن قبر آن حضرت در مکان فعلی حرم مطهر، همراه با معجزات و کراماتی از آن مخدیره مظلومه بسیار است که در پاورقی به قسمتی از آنها اشاره می شود.<sup>(2)</sup>

## 7 صفر

### 1. شهادت امام مجتبی علیه السلام

در این روز در سال 50 ه امام مجتبی علیه السلام در سن 47 سالگی در مدینه به شهادت

1. دائره المعارف تشیع: ج 8، ص 314 - 313. دائره المعارف الاسلامیه الشیعیه: ج 1، جزء 2، ص 25. کتاب المنن (عبدالوهاب بن احمد شافعی مصری شعرانی) متوفی 973 ق.  
2. ابصار العین فی انصار  
الحسین علیه السلام: ص 368. کشف الغمه: ج 2، ص 216. عوالم: جلد امام حسین علیه السلام، ص 331. زندگانی چهارده معصوم علیه السلام عماد زاده: ج 1، ص 633. نفس المهموم: ص 414. کتاب المنن (عبد الوهاب بن احمد شافعی مصری شعرانی) متوفی 973 ق. معالی السبطين: ج 2، ص 170. لهوف سید بن طاووس. مبکی العیون. ستاره درخشان شام: ص 16. سرگذشت جانسوز حضرت رقیه علیه السلام: ص 27. الوقایع و الحوادث: ج 3، ص 192. حضرت رقیه علیه السلام چاووش کربلا. سوگنامه آل محمد علیه السلام: ص 341. ثمرات الحیات: ج 2، ص 38. مختصر تاریخ دمشق: ج 9، ص 174. بحر الغرائب: ج 2، ریاض القدس: ج 2، ص 237. زینب علیه السلام فروغ تابان کوثر: ص 370. رقیه علیه السلام: ص 26. انوار الشهادة: ص 242. تحقیق در باره اولین اربعین حضرت سید الشهداء علیه السلام: ص 685. ناسخ التواریخ. کامل بهائی: ج 2، ص 179. وسیلة الدارین: ص 394-393. اعیان الشیعة: ج 7، ص 34. شرح احقاق الحق: ج 11، ص 451. 633، ج 26، ص 287، ج 27، ص 466. تراجم الام النساء: ج 2، ص 103. اعلام النساء المؤمنات: ص 350. تاریخ و اماکن سوریه: ص 69. مصباح الحرمین. وقائع عاشورا: ریاحین الشرعیة: ج 3، ص 312-309، ج 4، ص 245. اسرار الشهادة: ص 406. تذکره الشهداء. حضرت رقیه علیه السلام (شیخ علی فلسفی). السیده رقیه علیه السلام. سرگذشت حضرت رقیه علیه السلام.

رسیدند. ولی اشهر بین علمای امامیه شهادت حضرت در 28 ماه صفر است. رسول خدا ﷺ درباره حضرت مجتبیٰ علیه السلام فرموده اند: کسی که بر آن حضرت محزون باشد دلش محزون نمی شود روزی که دل ها محزون است، و کسی که آن حضرت را در بقیعیش زیارت کند قدمش بر صراط ثابت می ماند روزی که قدم ها بر صراط میلغزد...<sup>(2)</sup>

### نسب شریف آن حضرت علیه السلام

از طرف مادر، جدشان خاتم الانبیاء و المرسلین محمد بن عبدالله ﷺ، جدہ شان جناب خدیجه بنت خویلد ام المؤمنین علیها السلام است.

از طرف پدر جدشان سید بطحاء حضرت ابو طالب علیها السلام، جدہ شان جناب فاطمه بنت اسد علیها السلام است. پدر: مولی الموالی امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیها السلام. مادر: سیده النساء فاطمه زهراء علیها السلام. برادرانی مانند حضرت سید الشهداء علیها السلام و ابوالفضل العباس علیها السلام، و خواهرانی و همچون زینب کبری و ام کلثوم علیها السلام.

### بعضی از صفات آن حضرت علیه السلام

در وجود و سخاوت زبانه همگان بود، به حدی که در طول عمر شریف سه بار مالشان را - حتی کفش خود را - در راه تقسیم کردند.

حلم و صبر آن حضرت تعجب همگان را برانگیخته بود. مروان با آن بغض و عنادی که داشت بعد از تیر باران شدن جنازه می آید و تابوت آن حضرت را به دوش می کشد. هنگامی که امام حسین علیها السلام از او سؤال می کند: تا دیروز غیظ و کینه او را داشتی

---

1. توضیح المقاصد: ص 6. مصباح کفعمی: ج 2، ص 598. بحار الانوار: ج 44، ص 134. الدروس: ج 2 ص 8. اختیارات: ص 33. تقویم المحسنین: ص 15. فیض العلام: ص 184. وفيات الائمة علیها السلام: ص 123.  
2. امالی صدوق: ص 177. المحتضر: ص 110. بحار الانوار: ج 28 ص 39، ج 44 ص 148. بشارة المصطفی علیها السلام: ص 199.

و امروز تابوت او را حمل می کنی؟ در پاسخ می گوید: با کسی این کارها را کردم که حلم او برابر با کوه ها بود. (1)

### عمر شریف آن حضرت علیه السلام

مشهور طبق روایت حضرت باقر و حضرت صادق علیهما السلام عمر شریف آن حضرت علیه السلام 47 سال و چند ماه بوده است. (2)

### شهادت آن حضرت علیه السلام

بعد از آتش بس بین حضرت و معاویه، امام علیه السلام به مدینه بازگشتند و ده سال در آن جا بودند تا اینکه معاویه توسط جعدة دختر اشعث کندی آن حضرت را مسموم کرد. مدت مسمومیت حضرت علیه السلام چهل روز کشید. هنگامی که ارتحال حضرت نزدیک شد امام حسین علیه السلام را با دیگر فرزندان امیر المؤمنین علیهم السلام طلبید، و ودایع امامت و کتب رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و امیرالمؤمنین علیه السلام و سلاح آن حضرت را به امام حسین علیه السلام سپردند و آن چه امیر المؤمنین علیه السلام به آن حضرت وصیت فرموده بودند اهل بیت و شیعیانش را وصیت فرمود که امام بعد از من برادرم امام حسین علیه السلام است، دستوراتش را اطاعت کنید و از مخالفت با او بپرهیزید.

سپس فرمود: شما را به خدا می سپارم و او خلیفه من بر شماست، چشمان مبارک خود را بست و دو دست و پا را دراز کرد و از دنیا رفت در حالی که می فرمود: لا اله الا الله.

صدای گریه و ناله از منزل آن حضرت بلند شد، و مدینه از ناله و ضجه مانند روزی شده بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از دنیا رفت. برادران، اولاد، شیعیان صدا به نوحه و ناله بلند

1. بحار الانوار: ج 44 ص 145. وفيات الائمة علیهم السلام: ص 127. مقاتل الطالبیین: ص 49. شرح نهج البلاغة: ج 16 ص 13، 51.

2. مناقب آل ابی طالب علیهم السلام: ج 4 ص 34. اعلام الوری: ج 1 ص 403. كشف الغمة ج 1 ص 516، 583. تنمة المنتهی: ص 41.

کرده، امام حسین علیه السلام در حالتی که اشک میریخت متوجه غسل و حنوط و کفن برادر شدند، سپس بر آن مظلوم نماز خواندند و جنازه را برای تجدید عهد با رسول خدا صلی الله علیه و آله به طرف روضه منوره نبویه بردند و آن وقایع اتفاق افتاد. بدن را به بقیع آوردند، امام حسین علیه السلام داخل قبر شد و بدن برادر را دفن کرد و هنگام خروج از قبر در حالت گریه می فرمود:

أدهن رأسی أم أطيّب محاسنی      و رأسک معفور و أنت سلیب؟  
بکائی طویل و الدموع غزیرة      أنت بعید و المزار قریب

یاد آوری می شود: بعضی از مصادر تاریخی شیعه ولادت امام کاظم علیه السلام را در این روز (17 صفر) ذکر کرده اند. <sup>(1)</sup> در روایتی حضرت عسکری علیه السلام می فرمایند: حضرت کاظم موسی بن جعفر علیه السلام در ابواء بین مکه و مدینه در ماه ذی الحجه سال 127 هـ به دنیا آمدند. اما با این همه قول صحیح در ولادت آن حضرت در ماه ذی الحجه است که در تتمه ماه ذی الحجه ذکر می شود.

از سوی دیگر شیخ مفید و شهید اول و کفعمی فرموده اند که شهادت امام مجتبی علیه السلام در هفتم صفر بوده است. تصریح این بزرگوار مقدم است بر دیگر اقوال، اضافه بر اینکه در نجف اشرف و دیگر اعتبار عالییه در عراق و بعضی از کشورهای دیگر در بلاد شیعه روز هفتم صفر را به عنوان امام مجتبی علیه السلام اقامه عزا می کنند. بنابر این اگر ولادت امام کاظم علیه السلام در ماه صفر صحیح هم باشد، اما اگر در روز شهادت امامی ولادت امام دیگر اتفاق افتاده باشد علما تصریح به اقامه عزا فرموده اند نه برگزاری جشن و سرور؛ مخصوصاً امام حسن مجتبی علیه السلام که مظلومیت حضرت آشکار است.

---

1. دلائل الامامة: ص 303.

1. وفات حضرت سلمان رضی اللہ عنہ

حضرت سلمان رضی اللہ عنہ در سال 36 هـ (1) در سن 250 سالگی - و بنا بر نقلی 350 سالگی یا بیشتر (2) - در مدائن از دنیا رفت. او را سلمان بن الاسلام (3) و سلمان پاک و سلمان خیر (4) و سلمان محمدی رضی اللہ عنہ (5) لقب داده اند، و خطاب به او گفته اند: «السلام علیک یا من خلطه ایمانه بأهل البیت الطاهرین علیہم السلام». (6) امیر المؤمنین علیہ السلام فرمودند: «سلمان از کسانی بود که بر حضرت زهراء علیہا السلام نماز خواند». (7)

همچنین امام صادق علیہ السلام فرمودند: «سلمان علم اول و آخر را درک کرد، و او دریائی است که هر کسی را بهره ای از آن نیست، و او از ما اهل بیت است». (8)

جبرئیل به پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم عرضه داشت: «اشتیاق بهشت به سلمان بیشتر از اشتیاق او به بهشت است». (9)

1. الوقایع و الحوادث: ج 5، ص 270، 328. مستدرک سفینه البحار: ج 6، ص 294. وقایع الشهور: ص 48.
2. مستدرک سفینه البحار: ج 5، ص 137. مرآة المعارف: ج 1، ص 363. الوقایع و الحوادث: ج 5، ص 328.
3. بحار الانوار: ج 22 و ص 390. نفس الرحمان فی فضائل سلمان علیہ السلام: ص 28. سلمان بن الاسلام: ص 1. شرح نهج البلاغة ج 18 ص 34. اسد الغابة: ج 2، ص 328. 4. نفس الرحمن فی فضائل سلمان: ص 28. المعجزات النبویة: ص 335. الاصابة: ج 3، ص 118.
5. امالی طوسی: ص 133. اختیار معرفة الرجال: ج 1، ص 54. بحار الانوار: ج 22، ص 327، 349.
6. قسمتی از زیارت حضرت سلمان رضی اللہ عنہ. بحار الانوار: ج 99، ص 289. نفس الرحمان: ص 640.
7. الاختصاص: ص 5. خصال: ص 361. تفسیر فرات: ص 570. بحار الانوار: ج 22، ص 326، 345. ج 43، ص 210. روضة الواعظین: ص 280. اللعة البيضاء فی شرح خطبة الزهراء علیہا السلام: ص 883.
8. الاختصاص: ص 11. امالی صدوق: ص 324. اختیار معرفة الرجال: ج 1، ص 52. بحار الانوار: ج 22، ص 319، 373. درجات الرفیعة: ص 209. و از پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم: مناقب امیر المؤمنین علیہ السلام: ج 2، ص 421. شرح نهج البلاغة: ج 18، ص 36. المعیار و الموازنة: ص 300. المصنف: (ابن ابی شیبة): ج 7، ص 536. معجم الكبير: ج 6، ص 213. طبقات الكبرى: ج 2، ص 346. كنز العمال: ج 13، ص 254. سیر اعلام النبلاء: ج 1، ص 541، 543. ج 2، ص 388. تاریخ دمشق: ج 21، ص 413، 420، 422. ج 32، ص 61، 62. اسد الغابة: ج 2، ص 331.
9. بحار الانوار: ج 22، ص 341. عوالی اللتالی: ج 4، ص 101. روضة الواعظین: ص 282. درجات الرفیعة: ص 207. تاریخ دمشق: ج 21، ص 411. طبقات المحدثین باصبهان: ج 1، ص 232.

شرح حال آن بزرگوار در کتابهای مختلف بیان شده، و در بزرگی مقام و قدر او همین اندازه بس که مولانا امیر المؤمنین عليه السلام وسائل غسل و کفن او را آوردند و او را غسل داده کفن نمودند و بر او نماز خوانده دفن نمودند. (1)

او از کسانی است که درباره امر خلافت و غضب آن بر ابوبکر اعتراض کردند. سلمان بیا خاست و گفت: ای ابابکر! هنگامی که مرگ به سراغت آید امرت را به که می سپاری؟ هنگامی که از احکام امت از آنچه که نمی دانی سؤال کنند به که پناه میبری؟ آیا تو امام بر کسی هستی که اعلم از توست؟! مقدّم بدار هر آنکه خدا او را مقدم داشته و همواره رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم را فراموش کرده ای که فرمود: تو را نفع نمی رساند مگر علمت و چیزی را به دست نمی آوری مگر آنچه جلو تر فرستاده باشی؟ پس اگر برگردی نجات میابی! تو هم شنیده ای آنچه ما شنیده ایم؛ ولی آن را انکار کردی و ما بدان اقرار نمودیم! پس تو و ما بر خدا وارد خواهیم شد؛ و خدا هرگز بر بندگانش ظلم نمی کند»! (2)

## 9 صفر

### 1. شهادت عمار و خزیمه رضی الله عنهما

در این روز در سال 37 ه عمار یاسر به سن 93 سالگی و خزیمه بن ثابت در جنگ صفین به شهادت رسیدند. (3)

- 
1. بحار الانوار: ج 22 ص 368، 372، ج 39 ص 142. مناقب آل ابی طالب عليه السلام: ج 3 ص 337. الوقایع و الحوادث: ج 5 ص 325. مدینة المعاجز: ج 2 ص 14، 418.
  2. رجال برقی: ص 150. احتجاج: ج 1 ص 100. خصال: ص 463. بحار الانوار: ج 28 ص 193، 211. الیقین: ص 339. مواقف الشیعة: ج 1 ص 425، 434. نهج الایمان: ص 581. مجمع النورین: ص 75.
  3. توضیح المقاصد: ص 6. فیض العلام: ص 189. مراقد المعارف: ج 2، ص 100. مستدرک سفینة البحار: ج 6 ص 294. جواهر المطالب: ج 2 ص 64. تذکرة الخواص: ص 89. مروج الذهب: ج 2 ص 391.

پدر عمار جناب یاسر بن عامر است، و او اول مردی در اسلام بود که در مکه به دست مشرکین به شهادت رسید. مادر عمار جناب سمیه بود که بر اذیت کفار مکه صبر فراوان کرد، و اولین زن شهیده در اسلام بود که به دست ابوجهل به شهادت رسید.

اما عمار را ابوالعادیه و ابوحواء سکسکی شهید کردند. زمانی که خبر به امیر المؤمنین علیه السلام رسید بسیار محزون شد و بر بالین عمار آمد و سر او را بر زانو نهاد و با حزن و اندوه فراوان اشعاری در بی وفائی دنیا و دوری از دوستان قرائت فرمود. سپس فرمود: «انا لله و انا اليه راجعون. هر کس بر قتل عمار غنگین نباشد او را از مسلمانی بهره ای نیست. بهشت نه یک بار بلکه بارها بر عمار واجب شده است».<sup>(1)</sup>

## 2. جنگ نهروان

در نهم صفر سال 39 ه فتح نهروان واقع شد، و ذوالثدیه رئیس خوارج به جهنم واصل شد.<sup>(2)</sup>

## 11 صفر

### 1. لیله الهریر در جنگ صفین

خاتمه جنگ صفین نبرد «لیله الهریر» در شب جمعه یازدهم ماه صفر سال 38 ه بود.<sup>(3)</sup> در آن شب سپاه معاویه از شدت سرما مانند سگ صدا می کردند، چون «هریر» به صدای سگ می گویند.

---

1. الدرجات الرفیعة: ص 282. نهج السعادة: ج 2 ص 238. بحار الانوار: ج 33 ص 20. سفینة البحار: ج 3 ص 690. منتخب التواریخ: ص 163. تتمه المنتهی: ص 26-27. الفتوح: ج 2 ص 157. کنز العمال: ج 13 ص 593. طبقات الکبری: ج 3 ص 262. تاریخ دمشق: ج 43 ص 476.

2. بحار الانوار: ج 56 ص 138. مناقب آل ابی طالب: ج 3 ص 220. معجم رجال الحدیث: ج 14 ص 367. نفس الرحمان فی فضائل سلمان رضی الله عنه: ص 261.

3. مستدرک سفینة البحار: ج 6 ص 294. وقائع الشهور: ص 48. نهج السعادة: ج 2 ص 282. منتخب التواریخ: ص 165. جواهر المطالب: ج 2 ص 64. انساب الاشراف: ص 323.

امیر المؤمنین علیه السلام ذوالفقار به دست و سوار بر اسب پیامبر صلی الله علیه و آله شمشیر می زد و به هر شمشیری که می زد تکبیر می گفت و شجاعی را به خاک می افکند. مقتولین به دست آن حضرت در آن شب بیش از 500 نفر نقل شده است، و تا صبح مشغول جنگ بودند به گونه ای که ذوالفقار چند مرتبه خمیده شد و آن بزرگوار با زانوی مبارک آن را راست نمودند.

در این جمگ جمعی از لشکر امیر المؤمنین علیه السلام به شهادت رسیدند که از جمله آنها عمار یاسر، اویس قرنی، هاشم مرقال، پسر هاشم، خزیمه بن ثابت، صفوان بن حذیفه و عبدالله بن بدیل با برادرش عبدالرحمن بن بدیل، عبدالله بن حارث برادر مالک اشتر، که از خواص امیر المؤمنین علیه السلام بودند. از لشکر معاویه جمع کثیری به درک واصل شدند، و این جنگ 14 ماه به طول انجامید. سرانجام با حيله عمروعاص و نفاق عده ای مثل اشعث بن قیس کندی کار به حکمیت کشید. <sup>(1)</sup>

## 12 صفر

### 1. حکمین در صفین

صبح دوازدهم <sup>(2)</sup> یا سیزدهم <sup>(3)</sup> ماه صفر سال 38 هـ، لشکر امیر المؤمنین علیه السلام مهیای جنگ شدند، اما عمروعاص حيله نمود و دستور داد تا قرآن ها را بر سر نیزه کنند. صفوف جلو لشکر کفر و رقهائی از قرآن و در دیگر صفوف هر کس هر چه داشت بر سر نیزه کرد!! و فریاد می زدند: «لا حکم الا لله!» منافقین مانند اشعث بن قیس، یا

1. منتخب التواریخ: ص 166 - 163.

2. نهج الساعادة: ج 2 ص 282. منتخب التواریخ: ص 165. قلائد النحور: ج محرم و صفر، ص 384. جواهر المطالب: ج 4 ص 64. تاریخ

ابن خلدون: ج 2 ص 174. انساب الاشراف: ص 323.1

3. مستدرک سفینه البحار: ج 6، ص 295. وقائع الشهور: ص 49-48.



تضعیف روحیه لشکر حضرت آنان را به اختیار حکمین ترغیب کردند. هرچه امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند که این نیرنگ است، و من کلام الله ناطق هستم نتیجه نداد. سرانجام قرار بر این شد که هر لشکر حکمی از جانب خود معین کند تا حکم ایشان را هر دو طرف بپذیرند.

معاویه عمروعاص را معرفی کرد و امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «اگر ناچار هستیم، عبدالله بن عباس، و الا مالک اشتر نخعی حکم باشد».

اشعث و جماعت قرآء و حافظین که بعداً جزء خوارج شدند راضی به هیچکدام از این دو نشدند و گفتند: «فقط عبدالله بن قیس یعنی ابوموسی اشعری». نفاق منافقین نتیجه داد و ابوموسی و عمروعاص در «دومه الجندل» که قلعه ای است بین مدینه و شام، جمع شدند، و با توجه به عداوتی که هر دو نسبت به بنی هاشم خصوصاً حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام داشتند و با مکر و حيله عمروعاص حضرت را به ظاهر عزل نمودند.

بدین ترتیب فردای آن روز در بین جمعیت ابوموسی به عمرو گفت: تو بایست و معاویه را از امارت خلع کن، تا من هم علی بن ابی طالب علیه السلام را خلع نمایم. عمروعاص گفت: من هرگز بر تو که عامل ابوبکر و عمر بوده ای و در ایمان و هجرت بر من تقدم داشته ای سبقت نمی گیرم! این عباس گفت: ابوموسی! پسر نابغه تو را فریب ندهد، ولی او به گفته ابن عباس گوش نداد و ایستاد و انگشتر از دست بیرون کرد و گفت: من علی و معاویه را از خلافت عزل نمودم و ساکت شد.

عمروعاص ملعون ایستاد و گفت: «مردم شنیدید که ابوموسی، علی را از خلافت عزل کرد. من هم او را از خلافت عزل نموده، و آن را برای معاویه بن ابی سفیان ثابت می نمایم که او سزاوارتر است، و من بعنوان منصوب کردن معاویه انگشتر به دست می کنم!»

حکمین برای عوامفریبی فحش و دشنام بسیاری به یکدیگر دادند و دست به گریبان یکدیگر شدند و شریح قاضی تازیانه ای بر سر عمروعاص زد. ابوموسی از

ترس اصحاب حضرت امیر المؤمنین علیه السلام به مکه پناهنده شد. <sup>(1)</sup> همه این مطالب در حالی بود که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در غزوه دومه الجندل ابوموسی را از اینکار خبر دادند و فرمودند: «حکمین در دومه الجندل گمراهند و گمراه می کنند کسانی را که از آنها تبعیت کنند». <sup>(2)</sup>

امیر المؤمنین علیه السلام پس از این واقعه در قنوت نوافل ابوموسی و سه نفر دیگر را این گونه لعن می فرمود: «اللهم العن معاویه و عمراً و ابالاعور السلمی و اباموسی الاشعری». <sup>(3)</sup>  
ابوموسی از جمله منافقینی بود که در شب عقبه (عید غدیر) قصد قتل پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را داشت. <sup>(4)</sup>

## 14 صفر

### 1. شهادت محمد بن ابی بکر

در این روز در سال 38 ه محمد بن ابی بکر در سن 28 سالگی به دستور معاویه وعمرو عاص تشنه به شهادت رسید، و به قولی در نیمه جمادی الثانی بوده است. <sup>(6)</sup>

- 
1. بحار الانوار: ج 33 ص 324-297. شجره طوبی: ج 2 ص 346. انوار العلویة: ص 253 - 243. قلائد النحور: ص 398. شرح نهج البلاغة: ج 2 ص 224-256. وقعة صفین: ص 497-546. ینابیع المودة: ج 2 ص 25-12. اخبار الطول: ص 201-188. تاریخ طبری: ج 4 ص 52-34.
  2. الايضاح: ص 62. المستر شد: ص 159. مناقب آل ابی طالب علیهم السلام: ج 3 ص 211. بحار الانوار: ج 33 ص 311. الصحيح من السیرة: ج 8 ص 398. تنمة المنتهی: ص 31-30. شرح نهج البلاغة: ج 13 ص 315، 316. كنز العمال: ج 5 ص 794. مختصر تاریخ دمشق: ج 13 ص 251. مجمع الزوائد: ج 7 ص 246. مهجم البلدان: ج 2 ص 489. سبل الهدی و الرشاد: ج 10 ص 150.
  3. الايضاح: ص 63، 234. امالی طوسی: ص 725. بحار الانوار: ج 33 ص 185، 197، 303. مستدرک الوسائل: ج 4 ص 410. الغدیر: ج 2 ص 132. وقعة صفین: ص 552. مناقب امیر المؤمنین علیهم السلام: ج 2 ص 319. شرح نهج البلاغة (ابن ابی الحدید): ج 2 ص 260، ج 13 ص 315.
  4. شرح نهج البلاغة (ابن ابی الحدید): ج 13 ص 314، 315. به تنمة ذی الحجة و 28 محرم رجوع شود.
  5. مستدرک سفینة البحار: ج 5 ص 212، ج 6 ص 295. وقائع الشهور: ص 50. قلائد النحور: ص 395.
  6. العدد القویة: ص 56. بحار الانوار: ج 95 ص 193. فیض العلام: ص 249.

او از طرف امیر المؤمنین والی مصر بود. بعد از شهادت، او را در شکم حمار مرده ای گذاشتند و سوزاندند.<sup>(1)</sup> محل شهادت او در مصر به نام «کوم شریک» بوده است. قبر منصوب به او از مابقی بدن سوخته آن بزرگوار است. دشمنان اهل بیت علیهم السلام هنگامی که کنار قبر آن بزرگوار می روند پشت به قبر می کنند و برای ابوبکر فاتحه می خوانند!<sup>(2)</sup>

## 15 صفر

### 1. ابتدای بیماری صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ<sup>(3)</sup>

بیماری پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ که منجر به رحلت آن حضرت شد از نیمه ماه صفر آغاز شد.

## 17 صفر

### 1. شهادت امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام

بنا بر قولی در این روز در سال 203 هجری در روز سه شنبه امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام به دست مأمون با انگور زهر آلود به شهادت رسیدند، و از سن آن حضرت عَلَيْهِ السَّلَام 51 سال می گذشت.<sup>(4)</sup>

- 
1. بحار الانوار: ج 33، ص 533. الغدير: ج 11 ص 70-64. قلائد النحور: ص 395. مستدرک سفينة البحار: ج 6 ص 294. انساب الاشراف: ص 403. تاریخ طبری: 79-78. شرح نهج البلاغة: ج 6 ص 87.
  2. فیض العلام: ص 249-250.
  3. تفسیر قمی: ج 1 ص 175. بحار الانوار: ج 31 ص 633، ج 37 ص 116.
  4. بحار الانوار: ج 49 ص 223، به نقل از مرحوم کفعمی.

### 1. اربعین سیدالشهداء علیه السلام

در چنین روزی چهل روز از فاجعه مولمه شهادت امام حسین علیه السلام و اهل بیت و اصحاب باوفایش می گذرد. بر دوستان و شیعیان اهل بیت علیهم السلام لازم است که با پوشیدن لباس مشکی، تعطیل کار و برپائی مجلس عزا و شرکت در مجالس سینه زنی و ذکر مصیبت این روز را تعظیم نمایند. امام حسن عسکری علیه السلام می فرمایند: علامات مؤمن پنج چیز است: نماز 51 رکعتی (نمازهای واجب و مستحب در شبانه روز)، و زیارت اربعین، و انگشتر در دست راست کردن، و پیشانی به خاک گذاشتن، و بلند بسم الله الرحمن الرحیم گفتن <sup>(1)</sup>.

### 2. زیارت جابر از کربلا

در این روز در سال 61 ه جناب جابر بن عبدالله انصاری و همراهانش قریب به چهل روز بعد از شهادت امام حسین علیه السلام از مدینه به کربلا وارد شدند. او به همراه عطیه قبر حبیبش سیدالشهداء علیه السلام را زیارت کرد. <sup>(2)</sup>

### 3. بازگشت اهل بیت علیهم السلام به کربلا

بنابر مشهور در چنین روزی اهل بیت علیهم السلام از شام به کربلا بازگشتند. <sup>(3)</sup>

1. وسائل الشیعه: ج 14، ص 478. مصباح المنجهد: ص 788. تهذیب الاحکام: ج 6 ص 52. بحار الانوار: ج 82، ص 75، ج 95 ص 348، ج 98 ص 106، 329. مزار شیخ مفید: ص 53. مزار ابن مشهدی: ص 352. اقبال: ج 3 ص 100. عوالی اللثالی: ج 3 ص 37. روضة الواعظین: ص 195.

2. توضیح المقاصد: ص 6. مسار الشیعه: ص 26. مصباح المجتهد: ص 730. العدد القویه: ص 219. مصباح کفعمی: ج 2، ص 596. بحار الانوار: ج 98 ص 335. وسائل الشیعه: ج 14 ص 478. زاد المعاد: ص 328.

3. توضیح المقاصد: ص 6 - 7. معالی السبطين: ج 2، ص 191. بحار الانوار: ج 98 ص 334. اقبال الاعمال: ج 3 ص 100. زاد المعاد: ص 332. کتاب «تحقیقی پیرامون اولین اربعین سیدالشهداء علیه السلام». حبیب السیر.

#### 4. ملحق شدن رأس مطهر امام حسین عليه السلام به بدن مطهر

در این روز<sup>(1)</sup> بنا بر قول سید مرتضی رأس شریف امام حسین عليه السلام توسط امام زین العابدین عليه السلام از شام به کربلا آورده شد و به بدن مطهر آن حضرت ملحق گردید.<sup>(2)</sup>

### 24 صفر

#### 1. طلب کتف توسط صلى الله عليه وآله وسلم

در این روز<sup>(3)</sup> یا در روز 28 صفر<sup>(4)</sup> پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم دوات و کتف طلبیدند تا بنویسند که خلافت بلا فصل برای امیر المؤمنین عليه السلام است، ولی عمر مانع از این کار شد و به ساحت اقدس نبوی صلى الله عليه وآله وسلم جسارت کرد و گفت: «ان الرجل ليهجر»: «این مرد هذیان می گوید»!

روز های آخر عمر رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم بود. مهاجرین و انصار اطراف بستر آن حضرت نشستند، پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم نظری به آنان فرمود در حالی که می دیدید بعد از آن حضرت فتن، گمراهی، انحرافات فکری، تفرقه بین مسلمین که از ظلم اهل بیت آن حضرت و خلیفه بلا فصل الهی علی بن ابی طالب عليه السلام پیش می آید، چه می کند؟ لذا برای حفظ امت از لغزش ها و هرج و مرج فرمود: «ایتونی بدواة و بياض اكتب لكم ما

1. بحار الانوار: ج 44 ص 199، ج 98 ص 334. لهوف: ص 225. اقبال الاعمال: ج 3 ص 98. شرح احقاق الحق: ج 33 ص 703. الاتحاف بحب الاشراف: ص 12.

2. بحار الانوار: ج 44 ص 199، ج 45 ص 140، 145. امالی صدوق: ص 232. وسائل الشيعة: ج 34 ص 403. رسائل المرتضى: ج 3 ص 130. شرح احقاق الحق: ج 33 ص 705، 706، 719. مناقب آل ابی طالب عليه السلام: ج 4 ص 85. روضة الواعظین: ص 192. مثير الاحزان: ص 85، ص 144. معالی السبطين: ج 2 ص 191. تاج الموالید: ص 33. جواهر الکلام: ج 20 ص 93. لواعج الاشنان: ص 247. تذكرة الخواص: ص 238.

3. این مطلب از کلام ابن عباس که گفت: «يوم الخمس و ما يو الخميس، الرزية كل الرزية ما حال بين رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم وبين كتابه» استفاده شده است. خاصه و عامه این کلام را از ابن عباس نقل کرده اند.

4. کتاب سلیم بن قیس رضي الله عنه: ج 2 ص 794. غایة المرام: ج 6 ص 95، 97. مکاتیب الرسول صلى الله عليه وآله وسلم: ج 3 ص 697، 699. السقیفة و فدک: ص 76. الطبقات الكبرى: ج 2 ص 235-243. شرح نهج البلاغة: ج 6 ص 51.

لن تضلّوا بعدی أبداً» «کاغذ و دوات برای من بیاورید تا مطلبی برای شما بنویسیم که هرگز بعد از من گمراه نشوید»؛ در این هنگام عمر گفت: إن الرجل ليهجر (العیاذ بالله) حسبنا کتاب الله یا به عبارت های دیگر از رسول الله یهجر و... همانا این مرد هذیان میگوید، همانا رسول خدا ﷺ هذیان میگوید، کتاب خدا ما را بس است.

با این کلام عمر اختلاف و سر و صدا بین اصحاب به وجود آمد، عده ای (از منافقین) گفتند: قول، قول عمر است. عده دیگر گفتند: کاغذ و قلم بیاورید. در این هنگام رسول خدا ﷺ صورت مبارک از آن ها برگرداند و فرمود: از نزد من دور شوید نزاع و سر و صدا نزد من جائز نیست. آنان رفتند و شیطان کار خودش را کرد و شد در امت آنچه نباید می شد.

ذکر چندین مطلب شایان توجه است:

1. در این حدیث به عبارات مختلف در کتب مختلف شیعه و اهل خلاف نقل شده است. این عبارت که جسارت به اشراف مخلوقات را در بر دارد به عبارت های مختلف نقل شده است: «ان الرجل ليهجر»<sup>(1)</sup> «ان النبی ﷺ یهجر کما یهجر المریض»<sup>(2)</sup> «انما یهجر (رسول الله)»<sup>(3)</sup>.

- 
1. الرسالة السعدية: ص 72. كشف الغمة: ج 2 ص 48. نهج الحق و كشف الصدق: ص 333. كشف القيين: ص 472. تذكرة الفقهاء: (ط ق): ج 2 ص 469. شرح اصول کافی: ج 7 ص 241. الطرائف: ص 432. الصوارم المهرقة: ص 224. الاربعين (قمی): ص 534. الغدير: ج 5 ص 340. ماذا تقضون؟: 494. ابوبکر بن ابی قحافة: ص 46، 59، 244، 252. مجمع النورين: ص 203. احقاق الحق: ص 236، 264، 280، 284. شرح احقاق الحق: ج 2 ص 244، ج 3 ص 373. غاية المرام: ج 6 ص 97. سفينة النجاة (تنكابنی): ص 206. فلک النجاة: ص 149. تشييد المطاعن: ج 1 ص 431-359. بحار الانوار: ج 30 ص 586-529، 466، 467، 513، 535. حلية الابرار: ج 2 ص 321. منهاج الكرامة: ص 103. مجلة تراثنا: ج 53 ص 179-126. مكاتب الرسول ﷺ: ج 3 ص 713، 715، 724. السقيفة امّ الفتن: ص 97، 114. الامام على عليه السلام في آراء الخلفاء: ص 91. المسانيد: ج 2 ص 354. الملل و النحل (شهرستاني): ج 1 ص 22.
  2. مكاتيب الرسول ﷺ: ج 3 ص 698. اغتيال النبي ﷺ: ص 154. غاية المرام: ج 6 ص 99.
  3. اعيان الشيعة: ج 1 ص 294، 425، 427. معالم المدرستين: ج 2 ص 41. المعجم الكبير: ج 11 ص 352. طبقات الكبرى: ج 2 ص 243. عمر بن الخطاب: ص 109.

«ان نبي الله يهجر (ليهجر)». (1) «ان النبي يهجر». (2) «(ان) رسول الله يهجر». (3)  
«دعوا ارجل (دعوه) فإنه يهجر». (4) «أنه يهجر». (5)

1. كتاب سليم بن قيس الهلالي رحمته الله: (211) ج 2 ص. احتجاج ج 1 ص 223. بحار الانوار: ج 31 ص 425. مصباح البلاغة: ج 1 ص 343. اعيان الشيعة: ج 1 ص 294، 425، 427. معجم الرجال و الحديث: ج 1 ص 127. النص على امير المؤمنين عليه السلام: ص 241. عبدالله بن سبأ: ج 1 ص 99. الطبقات الكبرى: ج 2 ص 242. فتح الباري شرح صحيح البخارى: ج 8 ص 101. عمر بن الخطاب: ص 109.
2. نهج الحق: ص 332، 333. احقاق الحق: ص 236. المراجعات: ص 353. النص و الاجتهاد: ص 150. فدك فى التاريخ: ص 111. سبيل النجاة فى تنمة المرجعات: ص 267. مواقف الشيعة: ج 3 ص 451. اعيان الشيعة: ج 1 ص 61. مأساة الزهراء عليها السلام: ج 1 ص 131، 227، 231، 234، 297. تدوين قرآن: ص 57. ابوبكر بن ابي قحافة: ص 207. عمر بن الخطاب: ص 119، 444. اضواء على السنة المحمدية: ص 55. الشفا بتعريف حقوق المصطفى صلى الله عليه وآله وسلم (قاضى عياض): ج 2 ص 192. شرح الشفا (خفاجى): ج 4 ص 218.
3. كتاب سليم بن قيس الهلالي رحمته الله: (324) ج 2 ص. الغيبة (نعمانى): ص 84. مناقب آل ابي طالب عليهم السلام: ج 1 ص 202. نهج الحق: ص 273. الاربعين (قمى): ص 534. الطرائف: ص 432. بحار الانوار: ج 22 ص 472، 498. ج 30 ص 533. ج 36 ص 277. غاية المرام: ج 3 ص 167، ج 6 ص 99. مناقب اهل البيت عليهم السلام: ص 389. اعيان الشيعة: ج 1 ص 294، 425، 427. المراجعات: ص 355. النص و الاجتهاد: ص 152. سبيل النجاة: ص 264. مكاتيب الرسول صلى الله عليه وآله وسلم: ج 2 ص 173، ج 3 ص 692، 699، 701، 702، 713. عمر بن خطاب: ص 108، 109. فضائل امير المؤمنين عليه السلام (ابن عقده كوفى): ص 156. مسند احمد: ج 1 ص 355. صحيح مسلم: ج 5 ص 435. شرح مسلم: ج 11 ص 90. الكامل فى التاريخ: ج 2 ص 320. السنن الكبرى (نسائى): ج 3 ص 435. المعجم الكبير: ج 11 ص 352. تاريخ طبرى: ج 2 ص 436.
4. ارشاد: ج 1 ص 184. التعجب من اغلاط العامة: ص 89. اعلام الورى: ج 1 ص 265. قصص الانبياء (راوندى): ص 356. وصول الاخيار الى اصول الاخبار: ص 72. بحار الانوار: ج 22 ص 468. اعيان الشيعة: ج 1 ص 293، 424. الاربعين (قمى): ص 284. السقيفة امّ الفتن: ص 84. مكاتيب الرسول صلى الله عليه وآله وسلم: ج 3 ص 713. حق اليقين (شبر): ج 1 ص 214. موسوعة الامام على بن ابي طالب عليه السلام: ج 2 ص 390. الهجوم على بيت فاطمة عليها السلام: ص 62، 478. مواقف الشيعة: ج 3 ص 208. ابوبكر بن ابي قحافة: ص 245، 329. عمر بن الخطاب: ص 118. سر العالمين (غزالى): المقالة الرابعة ريبال ص 10 (20). تذكرة الخواص: ص 62.
5. الطرائف: ص 432، 433، 436. المسترشد: ص 553. اليقين: ص 522. فرج المهموم: ص 228. كشف المحجة: ص 64. الصراط المستقيم: ج 3 ص 3، 100. وضوء النبى صلى الله عليه وآله وسلم: ج 2 ص 19. الاربعين (قمى): ص 535، 538. بحار الانوار: ج 30 ص 529، 547، 548، 594. مكاتيب الرسول صلى الله عليه وآله وسلم: ج 3 ص 712، 717. قاموس الرجال: ج 11 ص 235. ابوبكر بن ابي قحافة: ص 340. جواهر التاريخ: ج 1 ص 84. احقاق الحق: ص 281. غاية المرام: ج 6 ص 98. اغتيال لنبي صلى الله عليه وآله وسلم: ص 93، 143، 154، 159، 160.

«قد غلبه الوجع». (1) «قد غلب عليه الجوع». (2) «اشتدّ به الوجع». (3)

«رسول الله هجر». (4) «هجر رسول الله ﷺ». (5) «هجر هجر استفهموه». (7)

1. امالي مفيد: ص 36. احقاق الحق: ص 234، 235، 236، 237. الغدير: ج 5 ص 340، 341. اضواء على الصحيحين: ص 388. بحار الانوار: ج 22 ص 474، 531، 532، 535، 538، 542، 548، 551، 552. مكاتيب الرسول ﷺ: ج 1 ص 608، ج 3 ص 693، 794، 714، 715، 717، 723. صحيح بخارى: ج 1 ص 37، ج 5 ص 138، ج 8 ص 161. مسند احمد: ج 1 ص 325. فتح الباري: ج 1 ص 186، ج 8 ص 101. مقدمة فتح الباري (ابن حجر): ص 307. عمدة المقارى: ج 2 ص 170، ج 14 ص 298، ج 18 ص 63، ج 25 ص 76. شرح نهج البلاغة: ج 11 ص 49. الاحكام: (ابن حزم): ج 7 ص 984. البداية و النهاية: ج 5 ص 247. طبقات الكبرى: ج 2 ص 247. عمر بن خطاب: ص 105. امتاع الاسماع: ج 2 ص 132، ج 14 ص 446، 447. الشفا بتعريف حقوق المصطفى ﷺ: ج 2 ص 192. السيرة النبوية (ابن كثير): ج 4 ص 451.
2. المستر شد: ص 681. مناقب آل ابى طالب ﷺ: ج 1 ص 202. سعد السعود: ص 297. نهج الحق: ص 33. الطرائف: ص 432. احقاق الحق: ص 280. بحار الانوار: ج 22 ص 473. اضواء الصحيحين: ص 387، 388. غاية المرام: ج 6 ص 95. اعيان الشيعة: ج 1 ص 294، 424، 425، 427. مسند احمد: ج 1 ص 336. صحيح بخار: ج 7 ص 9. صحيح مسلم: ج 5 ص 76. شرح مسلم: ج 11 ص 90، 92. عمدة القارى: ج 2 ص 171، ج 21 ص 224. الديباج على مسلم: ج 4 ص 232، 233. المنصف (صنعاني): ج 5 ص 438. السنن الكبرى (نسائي): ج 3 ص 433، ج 4 ص 360. صحيح ابن حبان: ج 14 ص 562. شرح نهج البلاغة: ج 2 ص 55. امتاع الاسماع: ج 14 ص 450. عمر بن الخطاب: ص 106، 107، 116، 118.
3. بحار الانوار: ج 30 ص 538، 540. احقاق الحق: ص 236. مكاتيب الرسول ﷺ: ج 3 ص 413، 714، 715، 723. الشفا بتعريف حقوق المصطفى ﷺ: ج 2 ص 192، 194.
4. اليقين: ص 522. سعد السعود: ص 297. امتاع الاسماع (مقريزي): ج 14 ص 448، 449.
5. المستر شد: ص 681. مناقب آل ابى طالب ﷺ: ج 1 ص 202. بحار الانوار: ج 22 ص 472، ج 30 ص 530، 531. المرجعات: ص 322، 354، 355، 360. النص و الاجتهاد: ص 151، 152، 153، 160. سبيل النجاة: ص 243. اضواء على الصحيحين: ص 388، 389، 391. مكاتيب الرسول ﷺ: ج 3 ص 694، 696، 713، 718. السقيفة امّ الفتن: ص 98. معالم المدرستين: ج 1 ص 112، 365. عمر بن الخطاب: ص 107، 117. صحيح بخارى: ج 4 ص 31. فتح الباري: ج 8 ص 101. عمدة القارى: ج 14 ص 298، ج 18 ص 62.
6. فتح الباري: ج 8 ص 101. عمدة القارى: ج 18 ص 62.
7. الايضاح (فضل بن شاذان): ص 360. مكاتيب الرسول ﷺ: ج 3 ص 713.



«ما له؟ أهجر؟»<sup>(1)</sup> «ما شأنه؟ أهجر؟»<sup>(2)</sup>

«ما له؟ أهجر؟ استفهموه».<sup>(3)</sup> «ما شأنه؟ أهجر؟ استفهموه».<sup>(4)</sup>

2. آن قدر مطلب واضح و اسناد فراوان است که عده ای بر آن شده اند که معنای این عبارت را نقل کنند تا شاید از وقاحت کلام گوینده آن بکاهند.<sup>(5)</sup> به عنوان نمونه: ابن ابی الحدید می گوید: عمر کلمه ای گفت که معنایش این است: «ان الوجع قد غلب علی رسول الله»: «همانا درد بر رسول خدا ﷺ غلبه کرد!!» در حای دیگر ابن ابی الحدید می گوید: لقد غلبه الوجع، به تحقیق درد بر او غلبه کرده. اما این ماجرا قابل انکار نیست.

3. جسارت و نسبت هذیان به اشرف مخلوقات مخالف آیات قرآن کریم است، که آیات زیر به عنوان نمونه ذکر شود:

1. بحار الانوار: ج 30 ص 547. مکاتیب الرسول ﷺ: ج 3 ص 417. الاحکام (ابن حزم): ج 7 ص 984. امتاع الاسماع (مقریزی): ج 14 ص 449.
2. الطرائف: ص 432. الیقین: 19، 521. مناقب اهل البيت ﷺ: ص 389. بحار الانوار: ج 30 ص 535. مسند احمد: ج 1 ص 222. فتح الباری: ج 8 ص 101. عمدة القاری: ج 18 ص 62. الفائق فی غریب الحدیث: ج 3 ص 391. النهاية فی غریب الحدیث: ج 5 ص 246. لسان العرب: ج 5 ص 254.
3. بحار الانوار: ج 30 ص 542. سبیل النجاة فی تنمة المراجعات: ص 266. مکاتیب الرسول ﷺ: ج 3 ص 713. صحیح بخاری: ج 4 ص 66. عمدة القاری: ج 15 ص 90. الشفا بتعریف حقوق المصطفى ﷺ: ج 2 ص 192. امتاع الاسماع (مقریزی): ج 2 ص 132، بجای «استفهموه»، «استبعدوه» دارد.
4. الیقین: ص 521. بحار الانوار: ج 30 ص 530، 534، 538، 844. اضواء علی الصحیحین: ص 387. سبیل النجاة فی تنمة المراجعات: ص 265. مکاتیب الرسول ﷺ: ج 3 ص 713، 723. غایة المرام: ج 6 ص 85، 96. فلك النجاة: ص 146، 147. صحیح بخاری: ج 5 ص 137. ج 5 ص 75. عمدة القاری: ج 18 ص 61. المصنف (صنعانی): ج 6 ص 57، ج 10 ص 361. مسند الحمیدی: ج 1 ص 242. السنن الكبرى (نسائی): ج 3 ص 434. شرح نهج البلاغة: ج 2 ص 55، ج 13 ص 31. نصب الرایة: ج 4 ص 343. طبقات الكبرى: ج 2 ص 242. تاریخ طبری: ج 2 ص 436. البداية و النهاية: ج 5 ص 247. امتاع الاسماع: ج 14 ص 447. السیرة النبویة (ابن کثیر): ج 4 ص 450. سبیل الهدی و الرشاد: ج 12 ص 247.
5. النص و الاجتهاد: ص 150. المراجعات: ص 353. ماذا تقضون: ص 494.
6. شرح نهج البلاغة (ابن ابی الحدید): ج 3 ص 17، ج 6 ص 51. غایة المرام: 596. النص و الاجتهاد: ص 170. مکاتیب الرسول ﷺ: ج 3 ص 691.

(وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ \* إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ). (1)

(أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ). (2)

(وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمُ عَنْهُ فَانْتَهُوا) (3)

(وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا لِمُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ

فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُّبِينًا). (4)

4. گوینده این کلام شامل این آیات قرآنی می شود:

(وَمَنْ يُشَاقِقِ الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُ الْهُدَىٰ وَيَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ نُوَلِّهِ مَا تَوَلَّىٰ وَنُصَلِّهِ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ

مَصِيرًا) (5)

(إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُهِينًا). (6)

5. اضافه بر عبار ان الرجل ليهجر که در کتب مختلف ذکر شده، گوینده این کلام در جا های مختلف در

دوران حکومت خود و قبل از آن در جواب سؤال کنندگان - و گاهی هم در کلام خودش که به ابن عباس

گفت: می دانی چرا آن روز مانع آوردن کاغذ و قلم و شدم؟ چون می دانستم رسول خدا ﷺ در آن وصیت

می خواهد خلافت و امامت خلق بعد از خود را با علی بن ابی طالب عليه السلام بیان کند. لذا مانع آوردن کاغذ و

قلم شدم!! (7)

1. سوره نجم: آیه 3 و 4.

2. سوره های نساء: آیه 59. مائده: آیه 92. نور: آیه 54. محمد ﷺ: 33. تغابن: آیه 12. آل عمران: آیه 32، 132. انفال: آیه 1،

20، 46. مجادله: آیه 13.

3. سوره حشر: آیه 7.

4. سوره احزاب: آیه 36.

5. سوره نساء: آیه 115.

7. التحفة العسجدية: ص 144. كشف اليقين: ص 471. كشف الغمة: ج 2، ص 47. حلية الابرار: ج 2 ص 321. بحار الانوار: ج 29 ص 639.

30 ص 244، 554، 555. ج 31 ص 75، ج 38 ص 157. مواقف الشيعة: ج 1 ص 150، ج 2 ص 5. مكاتب الرسول ﷺ: ج 1 ص 610.

ج 3 ص 706، 707. الدرجات الرفيعة: ص 106. غاية المرام: ج 1 ص 242، ج 2 ص 55، ج 6، ص 92، 93. مناظرات في العقائد و الاحكام:

ج 1 ص 484. نفحات اللاهوت: ص 81، 121-118. ابوبكر بن ابى قحافة: ص 169. موسوعة الامام على بن ابى طالب عليه السلام: ج 2

ص 90، 391. شرح نهج البلاغة: ج 12 ص 21، 78، 79.

## 25 صفر

### 1. دستور پیامبر ﷺ به پیروزی از تقلین

در این روز پیامبر ﷺ در جمع مسلمانان بر منبر رفتند و طی خطبه ای مردم را موعظه کرده، آنان را به پیروی از کتاب و عترت وصیت فرمودند.<sup>(1)</sup>

## 26 صفر

### 1. تجهیز لشکر اسامه<sup>(2)</sup>

در این روز در سال 11 هـ<sup>(3)</sup> پیامبر ﷺ به عده ای خاص از صحابه و به خصوص

- 
1. مستدرک سفینه البحار: ج 6 ص 295. وقائع الشهور: 56. بحار الانوار: ج 22 ص 474، 476، 477، 478. حدیث تقلین با بیشتر از 120 طریق موجود است و کتاب های مستقلی درباره آن نوشته شده است. به کتاب های زیر مراجعه کنید: نفعات الازهار: ج 3-1. شرح احقاق الحق: ج 9، 18، 24، 33 و... کتاب الله و اهل بیت علیه السلام فی حدیث الثقلین (مدرسة الامام باقر العلوم علیه السلام). غایة المرام: ج 2. الصراط المستقیم: ج 2 ص 102. محاضرات فی الاعتقادات: ج 1.
  2. کتاب سلیم بن اکیله: ج 2 ص 683. الاستغاثة: ص 21. الايضاح: ص 361. خصال: ص 171، 372. الشافی فی الامامة: ج 4 ص 152-144. احتجاج: ج 1 ص 90. مستدرک سفینه البحار: ج 5 ص 36، ج 6 ص 295. نهج السعادة: ج 5 ص 205، 258. التعجب ص 42، 89. بحار الانوار: ج 21 ص 410، ج 28 ص 178، ج 30 ص 427-442. غایة المرام: ج 6 ص 135-110. المستر شد: ص 112. دعائم الاسلام: ج 1 ص 41. سفینه النجاة: ص 202-196. الصراط المستقیم: ج 2 ص 297. احقاق الحق: ص 218-220. مجلة تراثنا: ج 24 ص 76-7. تثبیت الامامة: ص 19. المعیار و الموازنة: ص 211. طبقات الكبرى: ج 2 ص 248، ج 4 ص 69-65. التنبیه و الاشراف: ص 214. شرح نهج البلاغة: ج 1 ص 159، ج 6 ص 52، ج 9 ص 156، ج 12 ص 83، 17 ص 175-195. فتح الباری: ج 7 ص 69، ج 8 ص 115. تاریخ دمشق: ج 7 ص 65-46، ج 10 ص 139. تاریخ یعقوبی: ج 2 ص 113. السقیفة و فدک: ص 77. عمر بن خطاب: ص 37-34. الملل و النحل شهرستانی: ج 1 ص 23. شرح مواقف: ص 376. المصنف ابن ابی شیبة: ج 7 ص 532، ج 8 ص 549. سیرة الحلیبیة: ج 3 ص 207. مغازی الواقدی: ج 3 ص 1118.
  3. بحار الانوار: ج 21 ص 410، ج 30 ص 428. مستدرک سفینه البحار: ج 5 ص 36، ج 6 ص 295. کنز العمال: ج 10 ص 582. طبقات الكبرى: ج 2 ص 189. تاریخ دمشق: ج 2 ص 54-47. تاریخ طبری: ج 2 ص 431. عیون الاثر: ج 2 ص 352. سبل الهدی و الرشاد: ج 6 ص 248.

ابوبکر ابوبکر و عمر و عثمان امر فرمودند برای سفر به روم و جنگ با رومیان به امیری اسامه بن زید آماده شوند. آنان از این امر کراهت داشتند و نسبت به فرماندهی اسامه بر سپاه اسلام به خاتم الانبیاء ﷺ اعتراض کردند. حضرت فرمودند: «خدا لعنت کند کسی را که از لشکر اسامه تخلف کند»، ولی با این همه ابوبکر و عمر و عثمان تخلف کردند و بازگشتند!

## 28 صفر

### 1. شهادت رسول خدا ﷺ

شهادت جانگداز و مظلومانه اشرف مخلوقات خاتم الانبیاء محمد بن عبدالله ﷺ در سال 11 ه در سن 63 سالگی<sup>(1)</sup> به وسیله سم<sup>(2)</sup> بوده است، و طبق روایاتی عایشه و حفصه آن حضرت را مسموم کرده اند!

- 
1. مسار الشیعة: ص 27. المقنعة: ص 456. ارشاد: ج 1 ص 189. تهذیب الاحکام: ج 6 ص 2. جامع الاخبار: ص 24. اعلام الوری: ج 1، ص 45، 53، 269. تاج الموالید: ص 7. معالم الزلفی: ج 1 ص 426. بحار الانوار: ج 22 ص 529، ج 97، ص 168. مجمع البیان: ج 2 ص 214. قصص الانبیاء راندوی: ص 357. شرح احقاق الحق: ج 10 ص 435. کشف الغمة ج 1 ص 16. تحریر الاحکام: ج 1 ص 130. روضة الواعظین: ص 71. الدروس: ج 2 ص 6. تقویم المحسنین: ص 15. اختیارات: ص 22. ینابیع المودة: ج 2 ص 339. شرح نهج البلاغة: ج 10 ص 184.
  2. کتاب سلیم ﷺ: ج 2 ص 837-838. بصائر الدرجات: ص 503. کافی: ج 1 ص 533. المحاسن: ج 2 ص 262. المقنعة: ص 456. تهذیب الاحکام: ج 6 ص 2. اعلام الوری: ج 1 ص 80. بحار الانوار: ج 17 ص 405، 406، ج 33 ص 267، ج 43 ص 327. الخرائج و الجرائح: ج 1 ص 38، 224، 241. مصائب رسول الله ﷺ: ص 21. معالم الزلفی: ج 1 ص 425. جامع الاصول: ج 11 ص 38. مستدرک سفینة البحار: ج 6 ص 296. الطبقات الكبرى: ج 2 ص 200. سنن ابی داوود: ج 4 ص 174. شرح نهج البلاغة: ج 10 ص 221.
  3. تفسیر قمی: ج 2، ص 376. تفسیر عیاشی: ج 1 ص 200. الصراط المستقیم: ج 3 ص 168. تفسیر صافی: ج 1 ص 389-390، ج 5 ص 194. بحار الانوار: ج 22 ص 239، 246، 516، ج 28 ص 21، 97، ج 31 ص 641. اربعین قمی: ص 627. معالم الزلفی: ج 1 ص 426. تفسیر برهان: ج 1 ص 320. ارشاد القلوب: ج 2 ص 331-330. تفسیر کنز الدقائق: ج 2 ص 251. تفسیر نور الثقلین: ج 1 ص 401، ج 5 ص 367.

در 24 صفر بیماری پیامبر ﷺ شدت یافت. (1) پیامبر ﷺ هنگام بیماری فرمودند: حبیبم را نزد من حاضر کنید. عایشه و حفصه پدران خود را نزد آن حضرت حاضر نمودند. پیامبر ﷺ روی مبارک خویش را از آنان برگردانید و فرمود: «حبیبم را نزد من حاضر کنید». سپس دنبال علی بن ابی طالب ع فرستادند. چون نظر مبارک به آن حضرت افتاد او را نزد خود خواند و کلماتی به حضرت فرمود. هنگامی که علی بن ابی طالب ع از نزد آن حضرت خارج شد، عمر و ابوبکر به او گفتند: «خلیلت به تو چه گفت؟» فرمود: «هزار باب علم به من حدیث کرد که از هر باب هزار باب دیگر باز می شود». (2)

#### وصایای پیامبر ﷺ

پیامبر ﷺ در لحظات آخر عمر خود وصیتهایی به امیرالمؤمنین ع فرمودند و جبرئیل و میکائیل و ملائکه مقربین را بر آن وصیت شاهد گرفتند. از جمله آن کلمات که جبرئیل به پیامبر ص می فرمودند و امیرالمؤمنین ع می شنید این بود: «حَقَّتْ رَا مِی بَرَنْد و خَمَسْت رَا غَصَب مِی کَنْنَنْد و پَرْدَه اَحْتِرَامْت (حرمتت) رَا مِی دَرَنْد و مَحَاسَنْت بَه خُون سَرْت رَنْگِیْن مِی شُود».

امیرالمؤمنین ع می فرمایند: «هنگامی که آن کلام را فهمیدم، فریاد زدم و بر روی زمین افتادم». بعد فرمایشاتی به حضرت زهرا ع و حسنین ع فرمودند. سپس آن وصیت با چند مهر از طلا که آتش به آن نرسیده بود (و ساخته دست بشر نبود) مهر شد و به امیرالمؤمنین ع تحویل داده شد. (3)

#### غسل و نماز بر بدن ص

امیرالمؤمنین ع پس از غسل دادن آن حضرت به تنهایی بر ایشان نماز

1. مستدرک سفینه البحار: ج 6، ص 295. وقائع الشهور: ص 55.

2. کافی: ج 1، ص 296، ج 8 ص 147. بحارالانوار: ج 22، ص 461-465.

3. کافی: ج 1، ص 281-282. بحارالانوار: ج 22، ص 481. مجمع النورین: ص 94، 349.

خواندند. (1) مردم به جز اصحاب سقیفه در مسجد جمع شده بودند و در فکر نماز بر پیامبر ﷺ و دفن حضرت بودند. امیرالمؤمنین آمدند و فرمودند: «رسول خدا ﷺ امام ما است در زمان حیات و پس از وفاتش»، کنایه از اینکه برای نماز بر بدن آن بزرگوار نماز به صورت جماعت نمی خوانیم. در این هنگام مردم دسته دسته داخل می شدند و بدون امام آیه (إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا) (2) را سه بار می گفتند و بیرون می آمدند.

#### دفن بدن مبارک ﷺ

بعد حضرت مولی الموحدين ﷺ فرمودند: خداوند در هر مکانی که روح پیامبرش را قبض می کند راضی است که در همان مکان دفن شود، و من آن حضرت را در حجره ای که از دنیا رفته دفن می کنم. و آن حجره، حجره حضرت زهرا ﷺ بود؛ که دلیل بر این مطلب زیاد است. (3)

امیرالمؤمنین ﷺ با کمک دیگران قبری حفر کردند و بدن حضرت را داخل قبر قرار دادند. سپس آن حضرت داخل قبر رفت و صورت پیامبر ﷺ را باز کرد و گونه راست را بر زمین گذاشته در لحد را بستند و خاک روی آن ریختند. (4)

#### خلاصه ای از زندگی ﷺ

آن حضرت دو ماه - و بنابر نقلی در حمل بودند که پدر بزرگوارشان جناب عبدالله بن عبدالمطلب از دنیا رحلت فرمود. 4 یا 7 یا 8 ساله بودند که

- 
1. کتاب سلیم بن قیس رضی الله عنه: ج 2 ص 571، 578. فقه الرضا رضی الله عنه: ص 189. ارشاد: ج 1 ص 187-189. اعلام الوری: ج 1 ص 270. بحار الانوار: ج 22 ص 517، 518، 529. کفایة الاثر: ص 125. ینابیع النودة: ج 2 ص 339. غایة المرام: ج 2 ص 240.
  2. سوره احزاب: آیه 56.
  3. به کتاب آین دفن النبی صلی الله علیه و آله و سلم مراجعه شود.
  4. ارشاد: ج 1، ص 188. اعلام الوری: ج 1 ص 270. قصص النبیاء راوندی: ص 357. بحار الانوار: ج 22 ص 518، 529. ینابیع المودة: ج 2 ص 339.

مادرشان آمنه بنت وهب در ابواء رحلت فرمود. 8 سال و دو ماه و ده روز از سن شریفش گذشته بود که جد بزرگوارش جناب عبدالمطلب عليه السلام از دنیا رحلت فرمود.

25 ساله بودند که با جناب خدیجه کبری عليها السلام ازدواج کردند و حضرت خدیجه عليها السلام 40 ساله بودند. 30 سال از سن مبارک آن حضرت گذشته بود که حضرت امیر المؤمنین عليه السلام متولد شدند. در 40 سالگی خداوند آن حضرت را به نبوت مبعوث فرمود. در 45 سالگی به معراج تشریف بردند و در سال پنجم از بعثت، حضرت فاطمه زهرا عليها السلام متولد شدند.

50 سال از عمر مبارکشان گذشته بود که جناب ابوطالب و خدیجه کبری عليها السلام از دنیا رحلت نمودند. 52 سال و یازده ماه و سیزده روز از سن مبارکشان گذشته بود که به مدینه منوره هجرت فرمودند. بعد از هجرت تقریباً ده سال در مدینه شرف حضور داشتند، تا آنکه در 28 صفر سال 11 ه مسموماً از دنیا رحلت فرمودند. (1)

هنگام رحلت پیامبر صلى الله عليه وآله حضرت زهرا عليها السلام بسیار می گریست. حضرت او را نزد خود فرا خواند و مطلبی فرمود که حزن و اندوه فاطمه عليها السلام فرو نشست. وقتی علت را سؤال کردند آن حضرت فرمود: «پدرم به من خبر داد که اولین نفر از اهل بیتش که به او ملحق می شود منم و مدت این فراق طولانی نیست». (2)

## 2. آغاز امامت امیر المؤمنین عليه السلام

اولین روز امامت حضرت امیر المؤمنین علی بن ابی طالب عليه السلام است، و زیارت آن حضرت در این روز مستحب است. (3)

---

1. مناقب آل ابی طالب عليهم السلام: ج 1 ص 226-222. اعلام الوری: ج 1 ص 53-52. کشف الغمة: ج 1 ص 16. منتخب التواریخ: ص 36 تا 46.

2. ارشاد: ج 1، ص 187. امالی صدوق: ص 692. دلائل الامامة: ص 131. شرح الاخبار: ج 3 ص 40. بحار الانوار: ج 22 ص 470، 553، ج 43 ص 51، 207. صحیح بخاری: ج 4 ص 183، 210. صحیح مسلم: ج 7 ص 143. مسند احمد: ج 6 ص 282. طبقات الکبری: ج 8 ص 27.

3. بحار الانوار: ج 97، ص 384. تحفة الزائر: ص 142.

### 3. آغاز غصب خلافت

اولین روز غصب ظالمانه خلافت و خانه نشین کردن امیر المؤمنین علیه السلام و شکستن بیعت روز عید غدیر توسط اهل سقیفه بنی ساعده است. (1)

4. اجباری مردم بر بیعت کردن (2)

5. شهادت امام حسن مجتبی علیه السلام

در این روز در سال 50 ه امام حسن مجتبی علیه السلام به شهادت رسید. (3) بنا بر قولی شهادت آن حضرت در 7 صفر و بنا بر قولی در آخر سفر و بنا بر قولی دیگر در 5 ربیع الاول واقع شده است. (5)

جعه دختر اشعث بن قیس با زهری که معاویه برای او فرستاده بود آن حضرت را مسموم کرد. معاویه همراه با زهر صد هزار درهم فرستاد و وعده کرد که او را به عقد یزید درآورد؛ ولی به وعده خود وفا نکرد. (6)

---

1. الهجوم علی بیت فاطمة علیها السلام: ص 84. خصال: ص 385. اختیارات: ص 22. تتمه المنتهی: ص 9. تاریخ طبری: ج 2 ص 442. اسد الغابة: ج 3 ص 219.

2. کتاب سلیم بن قیس هلالی: ج 2 ص 572. بحار الانوار: ج 28، ص 204، 285-286. الهجوم علی بیت فاطمة علیها السلام: ص 83. احتجاج: ج 1 ص 105. بیت الاحزان: ص 79. مجمع النورین: ص 80. شرح نهج البلاغة: ج 1 ص 218. تاریخ یعقوبی: ج 2 ص 124.

3. مسار الشیعه: ص 27. مصباح المجتهد: ص 790. اعلام الوری: ج 1، ص 403. بحار الانوار: ج 95 ص 200، ج 97 ص 210. فیض العلام: ص 199. منتهی الامال: ج 1، ص 231. مستدرک سفینه البحار: ج 6، ص 296. العدد القویة: ص 350. تاج الموالید: ص 26. کشف الغمة: ج 1 ص 516.

4. کافی: ج 1، ص 461. کفایة الاثر: ص 229. روضة الواعظین: ج 1 ص 168. بحار الانوار: ج 44 ص 139، 140، ج 97 ص 210.

5. بحار الانوار: ج 44 ص 161. کشف الغمة: ج 1 ص 584. شرح احقاق الحق: ج 26 ص 576، ج 33 ص 542. تاریخ دمشق: ج 13 ص 302. تاریخ الخلفاء: ص 192. مستدرک حاکم: ج 3 ص 173.

6. کافی: ج 2 ص 418. ارشاد: ج 2 ص 15. بحار الانوار: ج 44، ص 149، 158. الغدیر: ج 11 ص 11. کشف الغمة: ج 1 ص 584. العدد القویة: ص 351. تاج الموالید: ص 27. تاریخ الخلفاء: ص 192.



## مسمومیت حضرت

مسمومیت حضرت امام حسن علیه السلام چهل روز طول کشید. پس از ظهور اثرات سم بر بدن مبارک و فرا رسیدن وقت شهادت، به سید الشهداء علیه السلام فرمودند: «مرا مسموم کرده اند و پاره های جگرم داخل طشت است. من از شما جدا می شوم و به خداوند ملحق می گردم، و می دانم چه کسی مرا مسموم کرده است، ولی به حقی که بر شما دارم در این باره حرفی ننویسد. وقتی من از دنیا رفتم چشمانم را ببند و غسل بده و کفنم نما و مرا کنار قبر جدم پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ببر تا با او تجدید عهد کنم. سپس مرا در بقیع کنار جده ام فاطمه بنت اسد سلام الله علیها دفن کنید. می دانم مخالفین و معاندین گمان می کنند شما می خواهید مرا کنار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دفن کنید و مانع شما می شوند. شما را به خدا قسم می دهم که مبادا به خاطر من حتی به اندازه خون حجامت ریخته شود». سپس آن حضرت مثل آنچه امیر المؤمنین علیه السلام وصیت فرموده بود به اولاد و اهل خود وصیت نمود و از دنیا رفت.

## تشییع جنازه حضرت

امام حسین علیه السلام بعد از غسل و کفن و نماز، آن حضرت را به طرف مرقد شریف پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم حمل کردند. با دیدن این منظره برای مروان و بقیه بنی امیه که با سلاح و به همراهی عایشه آمده بودند شکی باقی نماند که می خواهند آن حضرت را در کنار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دفن نمایند. لذا آمدند و مانع شدند و عایشه در حالی که سوار درازگوشی بود گفت: «مرا با شما چه کار است که می خواهید کسی را که من او را دوست ندارم در خانه من دفن کنید». مروان ملعون هم نظیر این مطالب را گفت، و ابن عباس به او و عایشه جواب داد. فرزندان عثمان هم مانع شدند و گفتند: «هرگز نمی شود که عثمان در بدترین مکانها دفن

---

1. دلائل الامامة: ص 162. بحار الانوار: ج 44 ص 158. ارشاد: ج 2 ص 15. تنمة المنتهی: ص 41. كشف الغمة: ج 1 ص 583. تاج الموالید: ص 26. ینایع المودة: ج 2 ص 427. تاریخ دمشق: ج 13 ص 283.

شود و حسن با رسول خدا به خاک سپرده شود»<sup>(1)</sup>.

امام حسین علیه السلام فرمود: به خداوندی که مکه و حرم را محترم گردانیده، حسن علیه السلام فرزند علی و فاطمه علیهما السلام سزاوارتر است بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از کسانی که بدون اجازه داخل خانه او شده اند. بخدا قسم او سزاوارتر است از حمال خطاها عثمان، که ابوذر را از مدینه بیرون کرد.<sup>(2)</sup>

عایشه جلو قبر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم رفت و گفت: «تا یک مو در سر من است نخواهم گذاشت او را در این خانه دفن کنید!»<sup>(3)</sup> و از کسانی که با او بودند درخواست تیر و کمان کرد و به طرف جنازه مطهر امام مجتبی علیه السلام پرتاب نمود: گفت: پسر دشمنم را از خانه من بیرون کنید!<sup>(4)</sup> سپس دیگران را امر به پرتاب کرد.<sup>(5)</sup> در اینجا بنی مروان جنازه آن حضرت را تیر باران کردند. بنی هاشم دست به شمشیر بردند، ولی امام حسین علیه السلام مانع شده فرمودند: «وصیت برادرم نباید ضایع شود». سپس 70 تیر از جنازه آن حضرت بیرون کشیدند!<sup>(6)</sup> و این در حالی بود که امام مجتبی علیه السلام به امام حسین علیه السلام خبر داده بودند که عایشه بعد از شهادت ایشان چه جنایتی را مرتکب می شود.<sup>(7)</sup>

- 
1. ارشاد: ج 2 ص 17. بحار الانوار: ج 44 ص 154. مناقب آل ابی طالب علیهم السلام: ج 4 ص 50. امالی طوسی: ص 161-160. الخرائج و الجرائح: ج 1 ص 242. کشف الغمة: ج 1 ص 586. روضة الواعظین: ص 167.
  2. امالی طوسی: ص 161-160. بحار الانوار: ج 44 ص 152. مدینه المعاجز: ج 3 ص 378. بشارة المصطفی صلی الله علیه و آله و سلم: ص 419. کلمات الامام الحسین علیه السلام: ص 220. مواقف الشیعة: ج 1 ص 372.
  3. عیون المعجزات: ص 58. بحار الانوار: ج 44 ص 141. مدینه المعاجز: ج 3 ص 373. کلمات الامام الحسین علیه السلام: ص 228.
  4. کامل بهائی: ج 2 ص 269. اسرار الامامة: ص 391. الوقائع و الحوادث: ج 1 ص 239.
  5. تحفة الابرار فی مناقب الائمة الاطهار علیهم السلام: ص 257. شرح احقاق الحق: ج 33 ص 544. مصائب رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: ص 22.
  6. مناقب آل ابی طالب علیهم السلام: ج 4 ص 50. مزار بن مشهدی: ص 298. بحار الانوار: ج 44 ص 157، ج 99 ص 167. الصوارم المهرفة: ص 162. انوار البهیة: ص 93. شرح احقاق الحق: ج 33 ص 544. منتهی الآمال: ج 1 ص 235. وفيات الائمة علیهم السلام: ص 449.
  7. کافی: ج 1 ص 300، 302. مجمع البحرین: ج 1 ص 454. بحار الانوار: ج 44 ص 142. وسائل الشیعة: ج 3 ص 163، 164.

پس از آن حضرت سید الشهداء علیه السلام کلماتی فرمودند که اگر وصیت برادرم نبود می دانستید که شمشیرهای الهی در کجا و چگونه بر شما فرود می آمد. سپس بدن مطهر آن حضرت را به بقیع آوردند و در کنار جده اش فاطمه بنت اسد علیها السلام دفن نمودند.

امام حضرت مجتبی علیه السلام دارای 15 فرزند دختر و پسر بودند، ولی از جعهده هیچ فرزندی نداشتند.

## آخر صفر

### 1. شهادت امام رضا علیه السلام

حضرت ثامن الحجج مولانا علی بن موسی الرضا علیه السلام در سال 203 هـ بنا بر اصح<sup>(3)</sup> دو سال پس از وفات حضرت معصومه علیها السلام به شهادت رسیدند. سن مبارک حضرت 49 یا 51 یا 55 سال بوده است.<sup>(4)</sup> بنا بر نقلی در 27 صفر حضرت امام رضا علیه السلام به شهادت رسیده اند،<sup>(5)</sup> ولی مشهور آخر ماه صفر است. در 28 صفر مأمون انگور مسموم یا آب انار زهرآلود را به اجبار به حضرت امام رضا علیه السلام خورانید.

- 
1. ارشاد: ج 2، ص 17-19. بحار الانوار: ج 44، ص 156-157. مناقب آل ابی طالب علیهم السلام: ج 4 ص 50. روضة الواعظین: ص 168.
  2. ارشاد: ج 2، ص 20. تاج الموالید: ص 27.
  3. کافی: ج 1، ص 486. بحار الانوار: ج 49، ص 292، ج 99 ص 43. اعلام الوری: ج 2 ص 41. مستدرک سفینه البحار: ج 6، ص 295. منتخب التواریخ: ص 578 فیض العلام: ص 200. شرح احقاق الحق: ج 12 ص 347، ج 28 ص 596. تاریخ طبری: ج 7 ص 150. تاریخ خلیفه بن خیاط: ص 387.
  4. کشف الغمه: ج 2، ص 267. بحار الانوار: ج 49، ص 292، 293.
  5. تاج الموالید: ص 50. شرح الاخبار: ج 3 ص 343.
  6. ارشاد: ج 2، ص 270. مستدرک سفینه البحار: ج 6، ص 295. جلاء العیون: ص 551. بحار الانوار: ج 49، ص 298. مروج الذهب: ج 4 ص 28.

## آزارهای مأمون نسبت به حضرت

مأمون از آزار و جسارت نسبت به حضرت کوتاهی نکرد، و حتی حضرت را سه ماه در سرخس مقیداً زندانی کرد.<sup>(1)</sup>

پس از ولایتعهدی، ابتدای گرفتاری آن حضرت به خاطر معاشرت با مأموران منافق ملعون بود. او به حسب ظاهر در تعظیم و احترام حضرت می کوشید، اما در باطن با آزار و اذیت حجت خدا را به مرگ خویش راضی نموده بود.

یاسر خادم می گوید: هر جمعه که آن حضرت از مسجد جامع مراجعت می کرد، با بدنی عرق دار و غبار آلود دستها را به درگاه الهی بر می داشت و می فرمود: «بار الها اگر فرج و گشایش کار من در مرگ من است، مرگ مرا برسان». آن حضرت پیوسته در غم و حزن بود تا در غربت رحلت فرمود.<sup>(2)</sup>

مأمون پس از آنکه یک شبانه روز امر شهادت آن حضرت را کتمان کرد سراغ محمد پسر امام صادق علیه السلام و جماعتی از آل ابوطالب فرستاد تا سلامت بدن امام را ببینند، و پس از آن شروع به گریه و زاری نمود!!<sup>(3)</sup>

## دفن بدن مبارک حضرت

پس از غسل و کفن و نماز بر بدن شریف حضرت که توسط امام جواد علیه السلام انجام شد<sup>(4)</sup> آن حضرت را جلوی قبر هارون در خانه حمید بن قحطبه، مکان فعلی دفن

- 
1. عیون اخبار الرضا علیه السلام: ج 1 ص 197. بحار الانوار: ج 49 ص 91، 170. وسائل الشیعة: ج 4 ص 98. منتخب التواریخ: ص 580.
  2. عیون اخبار الرضا علیه السلام: ج 1 ص 18. بحار الانوار: ج 49 ص 140. وسائل الشیعة: ج 2 ص 450. فیض العلام: ص 97. تتمه المنتهی: ص 280.
  3. ارشاد: ج 2، ص 271. بحار الانوار: ج 49 ص 309. روضة الواعظین: ص 233. كشف الغمة: ج 2 ص 282.
  4. عیون اخبار الرضا علیه السلام: ج 1 ص 273، 276. املى صدوق: ص 761. دلائل الامامة: ص 352. عیون المعجزات: ص 102. هداية الكبرى: ص 283. مناقب آل ابی طالب علیهم السلام: ج 4 ص 404. ارشاد: ج 2 ص 271. بحار الانوار: ج 49 ص 249، 301. مدينة المعاجز: ج 7 ص 161.

کردند. <sup>(1)</sup> بنا بر بعضی روایات مأمون از ترس فتنه مردم دستور به دفن شبانه حضرت داد. <sup>(2)</sup>  
 مدت امامت آن حضرت 20 سال بود. <sup>(3)</sup> سن شریف امام جواد علیه السلام هنگام شهادت امام رضا علیه السلام 7 سال و  
 چند ماه بود. <sup>(4)</sup>

اقوال شهادت آن حضرت عبارتند از: اول ماه رمضان <sup>(5)</sup>، 21 ماه رمضان <sup>(6)</sup>، 23 ماه رمضان <sup>(7)</sup>، 24 ماه  
 رمضان <sup>(8)</sup>، 14 صفر <sup>(9)</sup>، 17 صفر <sup>(10)</sup>، شش روز مانده از صفر (23 یا 24) <sup>(11)</sup>، 27 صفر <sup>(12)</sup>، 18 جمادی الاولی  
<sup>(13)</sup>، و 23 ذی القعدة. <sup>(14)</sup> بزرگان شیعه در کتب مختلف ماه شهادت را صفر و روز آن را اکثراً آخر صفر ذکر  
 کرده اند، ولی 29 یا 30 روز بودن ماه صفر در سال شهادت را ذکر نموده اند.

- 
1. عیون اخبار الرضا علیه السلام: ج 1 ص 219، ج 2 ص 28. ارشاد: ج 2 ص 271. تاج المولید: ص 51. بحار الانوار: ج 49 ص 11، 131، 284، 304. فیض العلام ص 99.
  2. عیون اخبار الرضا علیه السلام: ج 1 ص 270. بحار الانوار: ج 49 ص 299، 300. مستدرک الوسائل: ج 2 ص 306. فیض العلام: ص 99.
  3. ارشاد: ج 2 ص 247. بحار الانوار: ج 49 ص 4. تاج المولید: ص 49. کشف الغمة: ج 2 ص 270، 297.
  4. عیون اخبار الرضا علیه السلام: ج 2 ص 28. بحار الانوار: ج 49 ص 222، 304، 309. ارشاد: ج 2 ص 271. تاج المولید: ص 51.
  5. العدد القویة: ص 276. بحار الانوار: ج 49 ص 239، ج 95 ص 198.
  6. عیون اخبار الرضا علیه السلام: ج 2 ص 28، 274. بحار الانوار: ج 49 ص 131، 303. منتخب التواریخ: ص 577. شرح احقاق الحق: ج 28 ص 594. سیر اعلام النبلاء: ج 9 ص 393.
  7. کشف الغمة: ج 2 ص 297. العدد القویة: ص 276. بحار النوار: ج 49 ص 3، 293. اعلام الوری: ج 2 ص 41.
  8. بحار الانوار: ج 99 ص 43.
  9. العدد القویة: ص 276. منتهی الامال: ج 2، ص 312.
  10. مصباح کفعمی: ج 2 ص 596. بحار النوار: ج 49 ص 293، ج 99 ص 43. اختیارات: ص 34.
  11. تاریخ قم: ص 199.
  12. تاج المولید: ص 50. شرح الاخبار: ج 3 ص 343.
  13. رجال النجاشی: ص 100. خاتمه المستدرک: ج 1 ص 222. تهذیب المقال: ص 532. معجم الرجال الحدیث: ج 2 ص 139.
  14. منتخب التواریخ: ص 577. العدد القویة: ص 275. مسار الشیعة: ص 16. بحار الانوار: ج 49 ص 293، ج 95 ص 1198. تقویم  
 المحسنین: ص 13.



### 3 ربيع الاول





ماه ربیع الاول سرور و حزن را با هم در خود جای داده است. روزهای 1، 3، 4، 5، 8، 9، 10، 12، 14، 16، 17، 19، 22، 23، 25 این ماه ایام پر خاطره ای از شادی و اندوه اهل بیت علیهم السلام است، که ذیلاً به تفصیل آنها می پردازیم.

خبرهای خوشی همچون ولادت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، ليله المبیت و هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، ورود حضرت به مدینه آغاز امامت امیر المؤمنین علیه السلام پس از شهادت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ولادت امام جعفر صادق علیه السلام، آغاز امامت حضرت ولی عصر علیه السلام پس از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام، روزهای بیاد ماندنی این ماه است. ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با حضرت خدیجه علیه السلام، و ورود حضرت معصومه علیه السلام به قم روزهای دیگری است که خاطره های خوشی را بر جای گذاشته است. مرگ عمر بن خطاب و یزید بن معاویه و عمر بن سعد برگهای دیگری از دفتر شادی اهل بیت علیهم السلام در این ماه است.

آغاز وجوب نماز، عمود دین اسلام روز دیگری است که هیچگاه فراموش نخواهد شد.

از سوی دیگر واقعه وحشتناکی در این ماه رخ داده که سر آغاز همه مصائب اهل بیت علیهم السلام است، و آن هجوم به خانه وحی پس از دفن بدن مطهر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است. اولین روز خلافت غاصبانه معاویه، ورود اهل بیت امام حسین علیه السلام به شام تخریب کعبه توسط یزید، نیز از آثار شوم سقیفه است که در این ماه رخ داده است. شهادت امام عسکری علیه السلام، وفات حضرت سکینه علیه السلام نیز از حوادث این ماه است.

از جنگهای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم جنگ بنی النضیر و جنگ دومه الجندل در این ماه بوده است. همچنین صلح امام حسن علیه السلام در این ماه اتفاق افتاده است.

مرگ موسی خلیفه عباسی، معتصم عباسی، داود بن علی حاکم ظالم مدینه، مالک بن انس و احمد بن حنبل نیز در این ماه به وقوع پیوسته است.

## 1 ربيع الاول

### 1. دفن بدن مطهر ﷺ

در نیمه شب اول ربيع الاول بدن مطهر خاتم الانبياء و المرسلين ﷺ را امير المؤمنين علي بن ابی طالب عليه السلام دفن فرمودند. (1)

مصیبت و فاجعه رحلت پیامبر ﷺ از یک طرف و بی احترامی به آن حضرت و توجه نداشتن مردم به غسل و کفن و دفن حضرت از طرف دیگر، داغ هایی بود که بر دل مبارک امیر المؤمنین عليه السلام سنگینی می کرد. (2) چنانکه با یاد تلخ آن روزها فرموده اند: «آیا بدن شریف پیامبر ﷺ را رها می کردم و او را دفن ننموده برای خلافت و سلطنت بعد از او نزاع می کردم؟» (3)

شیخ مفید می فرماید: «اکثر مردم در دفن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم حاضر نشدند، و نماز بر آن حضرت نخواندند، چه اینکه بین انصار و مهاجرین مشاجره در امر خلافت بود. (4) اعمش می گوید: پیامبرشان از دنیا رفت و مردم هم و غمی نداشتند جز آنکه عده ای بگویند: «امیر از ماست» و طایفه دیگری بگویند: «امیر از ماست». (5)

- 
1. تقریب المعارف: ص 251. مناقب آل ابی طالب عليهم السلام: ج 1 ص 227. كشف المحجة: ص 125. مستدرک الوسائل: ج 2 ص 486. بحار الانوار: ج 22 ص 521، 543. ج 30 ص 386. بیت الاحزان: ص 76. الغدير: ج 7 ص 75. التنبيه و الاشراف: ص 245. شرح نهج البلاغة: ج 13 ص 35. سبل الهدی و الرشاد: ج 10 ص 482. تاریخ طبری: ج 2 ص 450. طبقات الكبرى: ج 2 ص 305-304. السيره النبويه (ابن كثير): ج 4، ص 540. البداية و النهاية: ج 5 ص 292. مختصر تاریخ دمشق: ج 1 ص 388. حاشية الدسوقي: ج 1 ص 415. الكامل (ابن اثير): ج 2 ص 332.
  2. خصال: ص 372. اختصاص: ص 171. ارشاد القلوب: ج 2 ص 349. بحار الانوار: ج 28 ص 207، ج 38 ص 173.
  3. احتجاج: ج 1 ص 96. بحار الانوار: ج 28 ص 355. الغدير: ج 5 ص 372، ج 7 ص 81. الهجوم على بيت فاطمة عليها السلام: ص 120. بیت الاحزان: ص 82. الامامة و السياسة: ج 1 ص 30.
  4. ارشاد مفید: ج 1 ص 189. بحار الانوار: ج 22 ص 519. بیت الاحزان: ص 76.
  5. تقریب المعارف: ص 256. بحار الانوار: ج 30 ص 290. الهجوم على بيت فاطمة عليها السلام: ص 72.

هنگام رحلت پیامبر ﷺ مغیره خطاب به ابوبکر و عمر گفت: اگر بعداً با مردم کاری دارید آنها را دریابید.  
 (1) لذا ابوبکر و عمر هنگام دفن پیامبر ﷺ حاضر نبودند، بلکه میان دیگران بودند که در سقیفه برای خود  
 امیر انتخاب می کردند، و قبل از آنکه کنار بدن حضرت حاضر شوند، بدن مطهر دفن شد. (2)  
 عبدالله بن حسن می گوید: به خدا قسم ابوبکر و عمر بر پیامبر ﷺ نماز نخواندند، و سه روز بدن مبارک  
 آن حضرت دفن نشد، ولی با این همه اهل سقیفه مشغول کار خود بودند. (3)  
 حضرت باقر ع می فرمایند: مردم روز دوشنبه و شب سه شنبه را بر بدن آن حضرت نماز می خواندند، و  
 عموم مردم حتی خواص و نزدیکان حضرت بر بدن مبارک نماز خواندند، اما هیچیک از اهل سقیفه بر غسل و  
 کفن و دفن حضرت حاضر نشدند. امیر المؤمنین ع بریده اسلمی را برای خبر دادن نزد آنان فرستاد، ولی  
 اعتنائی نکردند و بعد از دفن آن حضرت بیعت آنان هم تمام شد. (4)  
 عایشه در این باره رقراری دارد که جالب توجه است. (5) او گفته است: «بخدا قسم ما از دفن پیامبر  
 ﷺ با خبر نشدیم تا اینکه صدای بیل و کلنگ را در شب چهارشنبه از حجره

- 
1. الهجوم علی بیت فاطمة ع: ص 69. البدء و التاريخ: ج 5 ص 65.
  2. الهجوم علی بیت فاطمة ع: ص 69. المصنف (ابن ابی شیبة): ج 8 ص 572. جامع الاحادیث (سیوطی): ج 13 ص 267. کنز العمال: ج 5 ص 652.
  3. تقریب المعارف: ص 251. بحار الانوار: ج 30 ص 386. الهجوم علی بیت فاطمة ع: ص 68.
  4. مناقب آل ابی طالب ع: ج 1 ص 297. بحار الانوار: ج 22 ص 524-525. الهجوم علی بیت فاطمة ع: ص 67. مستدرک الوسائل: ج 2 ص 263. اعلام الوری: ج 1 ص 270. انوار البهیة: ص 48.
  5. الهجوم علی بیت فاطمة ع: ص 72. سنن بیهقی: ج 3 ص 409. تاریخ الاسلام (ذهبی): ج 1 ص 582. السیرة النبویة: (ابن کثیر): ج 4 ص 538. مسند احمد: ج 6 ص 62، 242، 274. تاریخ طبری: ج 2 ص 452. سیرة النبی ﷺ (ابن هشام): ج 4 ص 1078. المنصف (ابن ابی شیبة): ج 3 ص 227. تنویر الحوالمک: ص 240. نیل الاوطار: ج 4 ص 137. مسند ابن راهویه: ج 2 ص 430. شرح نهج البلاغة: ج 13 ص 39. البداية والنهاية: ج 5 ص 291. التمهید (ابن عبد البر): ج 23 ص 396. شرح رزقانی: ج 2 ص 93. شرح معانی الآثار: ج 1 ص 5144. اسد الغابة: ج 1 ص 34.

آن حضرت شنیدیم»، یعنی بعد از دفن متوجه شدیم.

باید از اینان که بر سر غصب خلافت همه چیز را فراموش کرده بودند پرسید: آیا سقیفه در حضور پیامبر

ﷺ و به سفارش حضرت بود یا غدیر؟

آیا برای تشکیل شورای سقیفه دستوری از طرف خداوند آمده بود یا در باره غدیر؟

آیا در سقیفه از اکثر بلاد مسلمین حضور داشتند یا در غدیر؟

آیا در سقیفه همه مردم حاضر بودند یا در غدیر که حتی زنها هم بیعت کردند؟

## 2. ليله المبيت

شب اول این ماه پیامبر ﷺ از شر کفار از مکه به مدینه هجرت کردند. در آن شب آقا و مولایمان امیر المؤمنین علیؑ جان نثاری فرموده به جای رسول گرامی اسلام ﷺ در بستر ایشان خوابیدند<sup>(1)</sup>، چه اینکه کفار قریش قصد کشتن حضرتش را داشتند. به این مناسبت آیه: (وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ...) <sup>(2)</sup> «از مردم کسی هست که جان خویش را در راه رضایت خداوند می فروشد و خدا بر بندگان مهربان است» در شأن علی بن ابی طالب علیؑ نازل شد. <sup>(3)</sup>

1. کافی: ج 8 ص 339. مسار الشيعة: ص 27. مصباح المجتهد: ص 732. فلاند النحور: ج ربيع الاول، ص 8. فيض العلام: ص 201. زاد العماد: ص 332. بحار الانوار: ج 19 ص 115، ج 97 ص 168. مصباح كعمى: ج 2 ص 596. مختصر بصائر الدرجات: ص 129. اقبال الاعمال: ج 3 ص 106. تقويم المحسنين: ص 15. اختيارات: ص 34.

2. سوره بقره: آیه 207.

3. ارشاد: ج 1 ص 53. امالی طوسی: ص 252، 449-446. مناقب آل ابی طالب علیؑ: ج 2 ص 78-68. الثاقب فی المناقب: ص 146. العمدة: ص 237. كنز الفوائد: ص 207. شرح الاخبار: ج 2 ص 345. الفضائل: ص 137. الجواهر السنیه: ص 308. حلیة الابرار: ج 1 ص 136، ج 2 ص 103. الطرائف: ص 36. اقبال الاعمال: ج 3 ص 109. بحار الانوار: ج 19 ص 28، ج 31 ص 380، ج 36 ص 40، ص 38 ص 289. الغدير: ج 2 ص 47. شرح احقاق الحق: ج 3، 14، 20، 30، 22. الصحيح من سيرة: ج 4 ص 33. شرح نهج البلاغة: ج 13 ص 262. شواهد التنزيل: ج 1 ص 123. تاریخ دمشق: ج 42 ص 67. اسد الغابة: ج 4 ص 25. مستدرک حاکم: ج 3 ص 4. جواهر المطالب: ج 1 ص 217. ینایع المودة: ج 1 ص 273. تفسیر کبیر: ج 5 ص 204. و مراجعه شود به تفاسیری که سبب نزول این آیه شریفه را ذکر کرده اند.

غزالی در کتابش <sup>(1)</sup> آورده است: در شبی که امیر المؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ به جای پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ خوابید به جبرئیل و میکائیل خطاب رسید که من بین شما دو نفر برادری قرار دادم و عمر یکی از شما را بیش از دیگری قرار دادم. کدامیک از شما ایثار می کند که عمر طولانی از آن دیگری باشد؟ هر دو عمر طولانی را اختیار کردند. خطاب آمد: «به زمین نگاه نید و ببینید که چگونه علی عَلَيْهِ السَّلَامُ حیات خود را به برادرش پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ایثار نموده و به جای او خوابیده و جان خود را فدای او نموده است. به زمین بروید و او را از دشمنان حفظ کنید». آنان آمدند و جبرئیل بالای سر امیرال مؤمنین علی عَلَيْهِ السَّلَامُ و میکائیل سمت پاهای آن حضرت نشست و ندا کرد: «بخ بخ من مثلک یابن ابی طالب، خداوند در جمع ملائکه به تو مباحثات فرمود». <sup>(2)</sup> اینجا بود که آیه شریفه «و من الناس من یشری نفسه ابتغاء مرضات الله» نازل شد.

### 3. هجرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ 13 سال پس از بعثت به مدینه طیبه هجرت فرمود. <sup>(3)</sup>

### 4. ابتدای وضع تاریخ هجری قمری

اولین کسی که دستور تاریخ هجری قمری را داد رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بود. در زمان حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب عَلَيْهِ السَّلَامُ آن را به تفصیل بیان نمود و تقویم هجری

1. احیاء العلوم: کتاب هفتم، در بحث ایثار نفس.

2. مناقب آل ابی طالب عَلَيْهِ السَّلَامُ: ج 2 ص 77. الجواهر السینة: ص 308. المحتضر: ص 40. بحار الانوار: ج 19 ص 39، 64، 85، 86، ج 36 ص 41، 43. الصراط المستقیم: ج 1 ص 174. مدینه المعاجز: ج 1 ص 463. غایة المرام: ج 4 ص 17، 18، 20. الغدیر: ج 2 ص 48. شرح احقاق الحق: ج 22 ص 31، 443-437، 569-502. الصحيح من السیرة: ج 4 ص 33. العمدة: ص 240. الفضائل (قمی): ص 94. تاریخ یعقوبی: ج 2 ص 38. اسد الغابة: ج 4 ص 24. تذکرة الخواص: ص 40. ینابیع المودة: ج 1 ص 274. کفاية الطالب: ص 239. جواهر المطالب: ج 1 ص 217. شواهد التنزیل: ج 1 ص 123. خصائص الوحي المبين: ص 130.

3. همان.

قمری اسلامی از هجرت رسول خدا ﷺ قرار داده شد و نسبت وضع تاریخ هجری قمری به دیگران اشتباه است. (1)

## 5. هجوم به خانه وحی

در این روز اولین هجوم به خانه امیر المؤمنین علیه السلام صورت گرفت. هنگامی که امیر المؤمنین علیه السلام متوجه غسل و کفن و دفن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شد و غاصبین خلافت در سقیفه بودند، در شب چهارشنبه که اول ربیع الاول بود بدن مبارک آن حضرت را دفن فرمود و طبق وصیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم متوجه جمع آوری قرآن شد. (2) آن حضرت فرموده بودند: «علی جان، تا سه روز از خانه خارج مشو و قرآن را جمع آوری کن...». (3)

در این ایام، سه بار به منزل آن حضرت هجوم آوردند: بار اول در روز اول ربیع بود که برای بیعت آمدند و آن حضرت فرمود که قسم یاد کرده ام که تا جمع قرآن تمام نشود از خانه بیرون نیایم و آنان بازگشتند. پس از آن امیر المؤمنین شبها صدیقه طاهره و حسنین علیهما السلام را بر در منازل اصحاب می بردند و طلب یاری می نمودند. (4)

بار دوم (5) هفت روز بعد از دفن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بود که زبیر و عده ای دیگر در منزل امیر المؤمنین علیه السلام جمع شده بودند. آن روز زبیر شمشیر کشید تا عمر را بکشد ولی به

- 
1. برای روشن شدن این موضوع به کتب زیر مراجعه شود: بحار الانوار: ج 55، ص 351-350. الصحيح من السيرة: ج 4 ص 206-174. اقبال الاعمال: ج 3 ص 22. صبح الاعشى: ج 6 ص 240. تاریخ العلوم عند العرب: ص 432. تاریخ طبری: ج 2 ص 110-112.
  2. بحار الانوار: ج 28 ص 191، 204، 231، 264، 356، ج 39 ص 419، ج 40 ص 155. الغدير: ج 5 ص 372. الامامة و السیاسية: ج 1 ص 30.
  3. تفسیر فرات: ص 398. در روایتی دیگر (خطبة الوسيلة) در کافی: ج 8 ص 18، و توحید صدوق: ص 73، هفت روز، و در امالی صدوق: ص 399، نه روز امیر المؤمنین علیه السلام مشغول جمع آوری قرآن بودند.
  4. کتاب سلیم رضی الله عنه: ص 128 (ج 2 ص 665). احتجاج: ج 1 ص 281، 95. بحار الانوار: ج 28 ص 191، ج 39 ص 419.
  5. احتجاج: ج 1 ص 95، 111. الجمل شیخ مفید: ص 57. الطرائف: ص 238. بحار الانوار: ج 28 ص 184، 315، 321. الغدير: ج 7 ص 86. السقیفة و فدک (جوهری): ص 53، 73. تاریخ طبری: ج 2 ص 443-444. شرح نهج البلاغة: ج 2 ص 56، ج 6 ص 48.

امر عمر شمشیر را گرفته شکستند.

بار سوم به منزل حضرت هجوم آوردند، و پس از آتش زدن در منزل و ضرب و جرح صدیقه طاهره علیه السلام و کشتن حضرت محسن علیه السلام، امیر المؤمنین علیه السلام را با دست بسته بیرون بردند.

### 5. مسمومیت امام عسکری علیه السلام

امام حسن عسکری علیه السلام در اثر زهر مسموم شد و بیماری حضرت آغاز گردید. <sup>(2)</sup> بنا بر قولی شهادت امام حسن عسکری علیه السلام در سال 260 هـ در چنین روزی بوده است، <sup>(3)</sup> و به قولی دیگر در چهارم ربیع الاول <sup>(4)</sup> و به قولی دیگر در هشتم ربیع الاول بوده است.

1. کتاب سلیم رضی الله عنه: ص 82-249. الهجوم علی بیت فاطمة علیها السلام. مأساة الزهراء علیها السلام. بصائر الدرجات: ص 295. تقریب المعارف: ص 233. اختصاص: ص 11، 186، 275. احتجاج: ج 1 ص 109. ایضاح: ص 367. المسترشد: ص 380-377. مناقب آل ابی طالب علیهم السلام: ج 2 ص 281. بحار الانوار: ج 28 ص 220، 227، 229، 261، 268، 270، 283، 300، 314، 317، 322، 368، 393. ج 29 ص 621، 631. ج 30 ص 293. ج 33 ص 59. ج 43 ص 198. ج 53 ص 19. الشافی فی الامامة: ج 3 ص 241. غایة المرام: ج 5 ص 317. 326، 327، 335، 338. نهج البلاغی: کتاب 28. مؤتمر علماء بغداد: ص 181. نهج الایمان: ص 492. کامل بهائی: ج 1 ص 305. الهدایة الکبری: ص 187، 407. المحتضر: ص 44، 61، 109. الکوکب الدری: ج 1 ص 194. بیت الاحزان: ص 110، 115. الغدیر: ج 5 ص 369. ج 7 ص 77-86. شرح نهج البلاغة: ج 2 ص 50، 57، 60. ج 6 ص 45، 47، 49. ج 15 ص 183. الجمل: ص 117. السقیفة و فدک: ص 71. 74. انساب الاشراف: ص 278. جواهر المطالب: ج 1 ص 357، 374. کامل بن اثیر: ج 2 ص 326. تاریخ طبری: ج 2 ص 443، 444. الامامة و السیاسیة: ج 1 ص 30.
2. ارشاد: ج 2 ص 336. مناقب آل ابی طالب علیهم السلام: ج 4 ص 455. روضة الواعظین: ص 251. كشف الغمة: ج 2 ص 415. بحار الانوار: ج 50 ص 334-335. قلائد النحور: ج ربیع الاول ص 2. فیض العلام: ص 201.
3. مصباح المتجهد: ص 732. مصباح کفعمی: ج 2 ص 533. توضیح المقاصد: ص 7. بحار الانوار: ج 50 ص 335. اختیارات: ص 34. فیض العلام: ص 201. قلائد النحور: ج ربیع الاول: ص 2.
4. مسار الشیعه: ص 28-29. فیض العلام: ص 205.

### 3 ربیع الاول

#### 1. احتجاج سلمان فارسی رضی الله عنه بر مردم

امام صادق علیه السلام از پدر بزرگوارشان نقل می فرماید:

سه روز بعد از دفن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم سلمان خطاب به مردم گفت: آگاه باشید ای مردم، و گوش فرا دهید به کلام من، و سپس فکر کنید. بدانید که به من علم زیادی داده شده است. اگر من درباره تمام فضائلی که از علی بن ابی طالب امیرالمؤمنین علیه السلام می دانم سخن بگویم عده ای خواهند گفت: او دیوانه است و عده ای دیگر میگویند: خدایا قاتل سلمان را ببخش!

... پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به او فرمود: تو وصی من هستی در اهل و خانواده ام و خلیفه و جانشین من هستی در امتم و مقام و منزلت تو نزد من به مانند حضرت هارون است نزد موسی علیه السلام. اما ای مردم! شما سنت بنی اسرائیل را پیشه کردید و اشتباه کردید و حق را نپذیرفتید.

... قسم به آن کسی که جان سلمان در دست اوست، اگر از علی بن ابی طالب علیه السلام پیروی کنید نعمت از زمین و آسمان فرود می آید که اگر پرنده در در آسمان صدا بزنید شما را اجابت می کند و اگر ماهی را در دریا بخوانید به شما گوش فرا می دهد و دو نفر با هم اختلاف نمی کنند...

مردم! آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم راهنمایان به بهشت هستند... مردم! بر شما باد به امیرالمؤمنین علیه السلام. به خدا قسم (پیش از امروز) ولایت او قبول نموده ایم، و بارها دسته جمعی در حضور پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و دستور و تاکید آن حضرت بر او به امارت مؤمنین سلام کردیم.

چرا مردم فضیلت او را می شناسند و به او حسد می ورزند؟ قایل به هابیل حسد ورزید و او را کشت. قوم موسی مرتد شده از دستور موسی بن عمران برگشتند، و امر این امت مانند بنی اسرائیل است (که بارها پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند).



شما را کجا می برند؟ وای بر شما من کجا و ابوفلان و فلان؟ آیا نمی دانید یا خود را به ندانستن می زنید؟ حسادت می کنید یا خود را به حسادت می زنید؟ به خدا قسم بر می گردید به حالت کفر و با شمشیر گردن یکدیگر را می زنید؟

سلمان در پایان سخنش فرمود: بدانید من عقیده خود را اظهار کردم و تسلیم فرامین پیامبر ﷺ شدم و از مولای خودم و هر مرد و زن مؤمنی علی بن ابی طالب عليه السلام تبعیت کردم. <sup>(1)</sup>

## 2. تخریب کعبه توسط یزید

در سال 64 ه به دستور یزید خانه کعبه را با منجنیق خراب کردند. <sup>(2)</sup> این فاجعه یازده روز قبل از هلاکت یزید به وقوع پیوست.

## 5 ربیع الاول

### 1. وفات حضرت سکینه عليها السلام

حضرت سکینه عليها السلام دختر امام حسین عليه السلام 56 سال پس از واقعه کربلا، در شب پنجم ربیع الاول سال 117 ه در مدینه وفات کرد. <sup>(3)</sup>

---

1. احتجاج: ج 1 ص 151. بحار الانوار: ج 29 ص 79. مواقف الشيعة: ج 1 ص 452. غاية المرام: ج 2 ص 120، ج 6 ص 179. اربعین ماحورزی: ص 341.

2. مستدرک سفینه البحار: ج 5 ص 215. شجرة طوبى: ج 1 ص 113. تنمة المنتهى: ص 63. فيض العلام: ص 203. تاريخ طبرى: ج 4 ص 383، 446. تاريخ يعقوبى: ج 2 ص 252.

3. معالى السبطين: ج 2 ص 217. نفس المهموم: ص 530. قلائد النحور: ج ربیع الاول، ص 26. فيض العلام: ص 206. مستدرک سفینه البحار: ج 4، ص 67. مستدکات علم رجال الحديث: ج 8، ص 580. رباحين الشريعة: ج 3، ص 280. السيدة سکينة (مقرّم): 112، از کواکب الدرية: ج 1 ص 58. منتخب التواريخ: ص 244. ق مقام زخار: ج 2 ص 660. اعلام النساء: ج 2 ص 224. تاريخ دمشق: ج 69 ص 218. وفيات الاعيان: ج 2 ص 396. تهذيب الاسماء: ج 1 ص 167. نور الابصار شبلنجی: ص 160.

مادر ایشان حضرت رباب علیها السلام است که با هم در واقعه کربلا حضور داشتند، و همراه با اسرا به کوفه و شام رفتند.

آن حضرت فقط با پسر عموی خود جناب عبد الله گسر امام مجتبی علیه السلام ازدواج نمود و ادعاهای دیگر در این زمینه مردود است. لازم به یادآوری است که امام مجتبی علیه السلام چند پسر به نام عبدالله داشته که آخرین آنها در کربلا در قتلگاه به شهادت رسیده، و این عبدالله برادر اوست. <sup>(1)</sup>

در صبح روز رحلتش محمد بن عبدالله (نفس زکیه) چهار صد دینار عطر و عود خرید و پیرامون تابوت آن حضرت در مجمره ها سوزانید. خالد بن عبدالملک حاکم مدینه که در نظر داشت با به تعویق انداختن تشییع جنازه بر اثر گرمی هوا به بدن مطهر جسارت شود، گفت: «صبر کنید من برای نماز خواندن بر جنازه می آییم»، ولی نیامد. لذا جنازه مبارک آن حضرت تا شب دفن نشد. پس از آن حضرت سجاد علیه السلام و به قولی یحیی بن حسن علیه السلام و به قولی محمد بن عبدالله نفس زکیه بر جنازه آن حضرت نماز خواندند و آن حضرت را با احترام به خاک سپردند. <sup>(2)</sup>

## 8 ربیع الاول

### 1. شهادت امام عسکری علیه السلام

امام حسن عسکری علیه السلام در سال 260 ه در سن 28 سالگی به دست معتمد عباسی به شهادت رسید. <sup>(3)</sup>  
قول دیگر 13 محرم است. <sup>(4)</sup> معتمد به عباسیین سفارش می کرد که بر

1. العقیلة و الفواطم علیهن السلام: ص 187-185.

2. فیض العلام: ص 206-205. ریاحین الشریعة: ج 3 ص 282-280. انساب الاشراف: ص 197.

3. کافی: ج 1 ص 503. کمال الدین: ص 474. دلائل الامامة: ص 424. ارشاد: ج 2 ص 336، 313. کشف الغمة: ج 2 ص 402. مستجداد: ص 226. اقبال الاعمال: ج 3 ص 13. فیض العلام: ص 207. زاد المعاد: ص 336. مصباح کفعمی: ج 2، ص 523. بحار الانوار: ج 50، ص 334، ج 95 356-355. مناقب آل ابی طالب علیهم السلام: ج 4 ص 455. تقویم المحسنین: ص 16. روضة الواعظین: ص 251. تاج الموالید: ص 58.

4. تهذیب المقال: ج 3 ص 532. خاتمة المستدرک: ج 1 ص 222. معجم الرجال الحدیث: ج 2 ص 139.

آن حضرت تنگ بگیرند. او و معتز و مهتدی چندین مرتبه امام عسکری علیه السلام را حبس کرد.<sup>(1)</sup>  
آن حضرت 22 ساله بودند که امام هادی علیه السلام به شهادت رسیدند، و مدت امامت آن حضرت شش سال بود. در شبی که فردای آن روز به شهادت رسیدند نامه های زیادی به مردم مدینه نوشته بودند. هنگام نماز صبح، بعد از آنکه امام عصر علیه السلام آن حضرت را وضو دادند و جوشانده ای به حضرتش دادند، به شهادت رسیدند.<sup>(2)</sup>

وقتی مردم سامرا با خبر شدند، همه بازارها بسته شد و مردم کنار منزل آن حضرت جمع شدند. وزراء و اتباع خلیفه و بنی هاشم و علویات داخل منزل بودند. در سامرا صدای شیون و گریه از هر سو به گوش می رسید و قیامتی بر پا شده بود.<sup>(3)</sup>

امام زمان علیه السلام آن حضرت را غسل داده بعد از کفن آن حضرت بدن مطهر را جهت نماز آوردند. جعفر برادر حضرت جلو آمد که بر بدن مبارک نماز بخواند. همین که خواست تکبیر بگوید امام زمان علیه السلام در حالی که طفلی گندمگون، پیچیده موی، گشاده دندان مانند پاره ماه بود از حرم بیرون آمد و ردای جعفر را کشید و او را از آن مکان دور کرد و بر پدر بزرگوارش نماز خواند، و آن حضرت را نزد قبر پدر بزرگوارش حضرت هادی علیه السلام دفن نمودند.<sup>(4)</sup>

جعفر این واقعه را برای معتمد نقل کرد. همه جا را در جستجوی حضرت گشتند، ولی اثری از آن حضرت ندیدند.

---

1. کافی: ج 1 ص 513. قلائد النور: ج رجب ص 144. الامام العسکری علیه السلام (شاکری): ص 474-454. بحار الانوار: ج 50 ص 308، 309.

2. کمال الدین: ص 473. الغیبة (شیخ طویس): ص 273. بحار الانوار: ج 5، ص 331، ج 52 ص 16. معجم احادیث الامام المهدي علیه السلام: ج 4 ص 254.

3. کافی: ج 1 ص 505. بحار الانوار: ج 50 ص 328، 332.

4. کمال الدین: ص 475. بحار الانوار: ج 50 ص 332.

در سال شهادت امام عسکری علیه السلام سال 260 هـ محدث جلیل جناب فضل بن شاذان نیشابوری از دنیا رحلت فرمود. او صاحب 180 تألیف است و امام عسکری علیه السلام سه بار بر او رحمت فرستاده اند. <sup>(1)</sup>

## 9 ربیع الاول

### 1. آغاز امامت حضرت ولی عصر علیه السلام

آغاز امامت حضرت صاحب الامر علیه السلام و غیبت صغرای آن حضرت پس از شهادت امام عسکری علیه السلام است، که تنها فرزند آن حضرت بودند. <sup>(2)</sup>

این روز عید شیعه و اولین روز امامت و خلافت آخرین خلیفه و حجّت بر حق و منجی عالم بشریت حضرت بقیه الله الاعظم علیه السلام در سال 260 هـ است.

این روز روز شادی اهل بیت علیهم السلام و انبیاء و ملائکه و ساکنان اعلیٰ علیین و دوستان امیر المؤمنین علیه السلام و اولاد طاهرین ایشان است چرا که در این روز دعا های حضرت صدیقه کبری فاطمه زهرا علیها السلام به اجابت رسید. <sup>(3)</sup> روزی عظیم الشان است و روز سرور شیعه و عید بزرگ آنهاست. حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم این روز را عید قرار داده و امر کرده است که مردم نیز عید قرار دهند و اعمال آن را به جا آورند.

کسی که در این روز اتفاق کند، خداوند او را می آمرزد. در این روز اطعام برادران دینی و خوشبو کردن آنان و توسعه بر اهل و عیال و پوشیدن لباس جدید و

---

1. اختیارات معرفة الرجال: ج 2 ص 821-817. وسائل الشیعة: ج 30 ص 447. تنمة المنتهی: ص 351-350. خلاصة الاقوال: ص 229.  
2. ارشاد: ج 2، ص 336. كشف الغمه: ج 2، ص 402. المستجد من الارشاد: ص 226. اقبال: ج 3 ص 114. فیض العلام: ص 211. زاد المعاد: ص 334. مفاتیح الجنان: اعمال ماه ربیع الاول.  
3. دلائل الامامة: ص 119. زاد المعاد: ص 338. وقایع الایام: ج ربیع الاول: ص 59. مستدرک سفینة البحار: ج 4 ص 67. المحتضر: ص 54. مجمع النورین: ص 233. بحار النوار: ج 31 ص 126، ج 95 ص 354. الهجوم علی بیت فاطمة علیها السلام: ص 345. رساله فیروزیه. شرح نهج البلاغة: ج 16 ص 235.

شکرگزاری به درگاه خداوند متعال و عبادت نمودن مستحب است. <sup>(1)</sup> غسل کردن این روز هم مستحب است. <sup>(2)</sup>

فضیلت ها و اسم هایی برای این روز ذکر شده که از جمله آنهاست: عید الله الاکبر، غدیر ثانی، عید فطر دوم، روز فرح شیعه، عید اهل بیت علیهم السلام، روز قتل منافق، روز قبولی اعمال، روز پیروزی مظلوم، روز دوستی مؤمنین، روز پرهیز از کبائر، روز نابودی ضلالت و گمراهی، روز شکرگزاری. <sup>(3)</sup>

## 2. قتل عمر بن خطاب

در آخر شب نهم ربیع الاول سال 23 ه عمر بن الخطاب از دنیا رفته است <sup>(4)</sup>، و قول اهل سنت روز چهارشنبه 26 ذی الحجه است. <sup>(5)</sup>

## ماجرای قتل عمر

عمر بن خطاب به دست ابولؤلؤ که نامش فیروز و غلام مغیره بن شعبه بود، چند ضربه خنجر خورد که منجر به مرگ او شد. <sup>(6)</sup>

1. مصباح کفعمی: ج 2، ص 596. زاد المعاد: ص 344-334. بحار الانوار: ج 31، ص 119 (از زوائد الفوائد)، ج 55 ص 372، ج 95 ص 189. فیض العلام: ص 211. مفاتیح الجنان: اعمال ماه ربیع الاول.
2. المحتضر: ص 54. بحار الانوار: ج 31، ص 126، ج 95 ص 354. عروة الوثقی: ج 1 ص 461. مستمسک العروة: ج 4 ص 281.
3. المحتضر: ص 55-45. بحار الانوار: ج 31، ص 129-121، ج 95 ص 356-351، زاد المعاد: ص 344-334، موسوعة الامام جواد علیه السلام: ج 2 ص 650.
4. مدینه المعاجز: ج 2، ص 97. اقبال: ج 3 ص 114. المحتضر: ص 45. بحار الانوار: ج 31 ص 120-119، 132، ج 55 ص 372، ج 95 ص 199، 355. مستدرک سفینه البحار: ج 4 ص 68، ج 5 ص 210. اختیارات: ص 34. زاد المعاد: ص 335. جنات الخلود: ص 44. قلائد النحور: ج ربیع الاول ص 59. تقویم الائمة علیهم السلام: ص 78. رساله فیروزیه، شاخه طوبی، آسیاب تبری، فصل الخطاب فی تاریخ قتل عمر.
5. اخبار الطول: ص 139. طبقات الکبری: ج 3 ص 365. شرح نهج البلاغة: ج 12 ص 184. تاریخ دمشق: ج 44 ص 463. اسد الغابة: ج 4 ص 77.
6. توضیح المقاصد: ص 33. العدد القویة: ص 328. بحار الانوار: ج 95 ص 199. فیض العلام: ص 129.

بنابر مشهور<sup>(1)</sup> هنگامی که ابولؤلؤ ضربه ها را بر عمر زد و خواست فرار کند، عده ای مانع شدند، و 12 نفر را مجروح کرد که شش نفر از آنها مردند.<sup>(2)</sup>

### عمر در بستر مرگ

هنگامی که عمر را به خانه بردند مقداری نیبذ آوردند و او خورد ولی از قسمتهای ضربت خورده خارج شد و معلوم نشد از کجا خارج شده زیرا با خون هم رنگ بود. لذا عده ای گفتند: خلیفه شیر بخورد زیرا سفید است و معلوم می شود. شیر را خورد و از محل ضربه ها خارج شد. حاضرین برای دل گرمی گفتند: «مانعی ندارد، ضرری نمی زند!» اما ضربه های جناب ابولؤلؤ کارگر شد و به خلیفه سابق ملحق شد.

در روز سوم در جنب ابوبکر دفن شد.<sup>(3)</sup>

او در حالی در کنار رسول خدا ﷺ دفن کردند که چندی پیش از آن خودشان حدیثی را به پیامبر ﷺ نسبت داند که فرموده است: «نحن معاشر الانبياء لا نورث و ما تركناه صدقة!» یعنی ما گروه پیامبران ارثی باقی نمی گذاریم و هر آنچه باقی می گذاریم و هر آنچه که باقی گذاشتیم صدقه است!!

پس چگونه آن دو را در خانه ای که پیامبر ﷺ آن را صدقه گذارده بودند دفن کردند؟ یا اینکه فقط این منع ارث مخصوص دختر پیامبر ﷺ بود و همسرانش از این قاعده مستثنی بودند؟ و در این صورت هم اگر زنان از اموال غیر منقول ارث می بردند باز هم کافی نبود؛ زیرا یک هشتم ارث پیامبر ﷺ اگر در بین همسرانش تقسیم می شد نصیب عایشه و حفصه بیشتر از یک و جب در و جب نبود!!

1. زاد المعاد: ص 34.

2. بحار الانوار: ج 31 ص 113، ج 95 ص 199. اسد الغابة: ج 4 ص 256. تاریخ المدینة ج 3 ص 900. صحیح بخاری: ج 4 ص 204.

3. الغدير: ج 6 ص 2570. تاریخ الخلفاء: ص 134-133. شرح نهج البلاغة: ج 12 ص 186.

با همه این مطالب چرا آن دو را کنار رسول خدا ﷺ دفن نمودند ولی گذاشتند فرزند و ریحانه رسول خدا ﷺ امام حسن مجتبیٰ را کنار آن بزرگوار دفن نمایند و حتی اجازه ندادند که جنازه آن حضرت را برای طواف کنار قبر جدشان رسول خدا ﷺ ببرند!!!

عمر مدت ده سال و شش ماه و چهار شب خلافت کرد. او اولین کسی بود که نام خود را امیر المؤمنین گذاشت، و ابوموسی اشعری اولین نفری بود که او را در منبر به این نام خطاب کرد.<sup>(1)</sup>

### بدعت عمر برای آینده خلافت

عمر به ابن عباس گفت: <sup>(2)</sup> این خلافت را به چه کسی واگذار کنم؟ او علی بن ابی طالب را پیشنهاد کرد و گفت: شجاعت و فضیلت و قرابت و سبقت در اسلامش معلوم است. عمر گفت: در طبع او مزاح است! ابن عباس گفت: در باره عثمان چه می گوئی؟ عمر گفت: اگر او خلیفه شود بنی امیه را بر کرده مردم مسلط می نماید.

ابن عباس گفت: در باره طلحه چه می گوئی؟ عمر گفت: مردی متکبر است و پیامبر را با کلامی که روز نزول آیه حجاب گفت آزرده است. او هنگام نزول آیه حجاب گفته بود: «وقتی از دنیا برود ما زناش را به عقد خود در می آوریم».

ابن عباس گفت: در باره زبیر بن عوام چه می گویی؟ گفت: او مرد شجاعی است. ولی بسیار بخیل است. مردی بدخو و مفسد است، که گاهی انسان و گاهی کافر است. در مورد سعد وقاص گفت: مردی متکبر و متعصب است و به کار خلافت نمی آید.

1. تنمه المنتهی: ص 11. مستدرک سفینه البحار: ج 5 ص 210.

2. الغدیر: ج 5 ص 364، ج 7 ص 144. بحار الانوار: ج 31 ص 62، 354، 349. مواقف الشیعة: ج 1 ص 149، ج 2 ص 2، ص 19. احتجاج: ج 2 ص 153. منتخب التواریخ: ص 153. فیض العلام: ص 143. شرح نهج البلاغة: ج 6 ص 327-326، ج 12 ص 51، 259. کنز العمال: ج 5 ص 737. تاریخ المدینة: ج 3 ص 880.

ابن عباس گفت: در مورد عبدالرحمن نظرت چیست؟ عمر گفت: او مرد ضعیف قلبی است. عمر هنگام مرگ امر خلافت را به شوری واگذار کرد و ابوظلحه انصاری را طلبید و به او گفت: بعد از مرگ من با پنجاه نفر از انصار با شمشیرهای کشیده شش نفر را در خانه عایشه حاضر کنید: علی بن ابی طالب علیه السلام، عثمان، طلحه، زبیر، سعد بن ابی وقاص عبدالرحمن بن عوف. آنگاه سه روز آنها را مهلت دهید، و بعد از آن اگر چهار یا پنج نفر بر نظری متفق شدند و دو یا یک نفر مخالفان آنان بودند، مخالفان را به قتل برسانید، و اگر سه نفر نظری داشتند و سه نفر نظر دیگری داشتند، آن طرف که عبدالرحمن بن عوف در اوست مقدم بدارید و سه نفر دیگر را گردن بزنید، و اگر بعد از سه روز بر امری اتفاق نکردند، هر شش نفر را گردن بزنید.

### شورای بعد از مرگ عمر

بعد از مرگ عمر شوری در خانه عایشه تشکیل شد، و زبیر بن عوام پسر صفیه حق خود را به پسر دایی خود امیر المؤمنین علیه السلام بخشید! طلحه بن عبیدالله هم حق خود را به عثمان بخشید!! سعد بن ابی وقاص هم حق خود را به عبدالرحمن بن عوف بخشید.

عبدالرحمن به مسجد آمد و در جمع اصحاب به امیر المؤمنین علیه السلام عرض کرد: من بیعت می کنم با شما به این شرط که عمل کنی به کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و روش ابوبکر و عمر! امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: بلکه طبق کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اجتهاد و رأی خود عمل می کنم.

عبدالرحمن این کلمات را سه بار به عثمان گفت، و عثمان قبول کرد. بار سوم عبدالرحمن با عثمان بیعت کرد و دیگران هم بیعت کردند غیر از بنی هاشم و جمعی از بزرگان صحابه مثل عمار بن یاسر و مقداد بن اسود که بیعت نکردند. <sup>(1)</sup>

1. بحارالانوار: ج 31 ص 60، 407-315، ج 38 ص 177، النص و الاجتهاد: ص 383، تاریخ یعقوبی: ج 2 ص 160، صرح نهج البلاغة: ج 1 ص 185.



اینک جا دارد چند سؤال مطرح شود:

عُمر در دوران جوانی به چه کاری مشغول بوده و در سفرهای تجارتي چه شغلي داشته است؟

در جنگ حدیبیه و جاهای دیگر چه کسی به پیامبر ﷺ اعتراض کرد؟

چه کسی نسبت هذیان به پیامبر ﷺ داد؟

چه کسی در خانه امیر المؤمنین ﷺ را آتش زد و گفت: «قصدم خانه را با اهلش بسوزانم، اگر چه

فاطمه در آن باشد»؟

چه کسی محسن بن علی ﷺ را کشت؟

چه کسی به قنفذ دستور داد تا به دختر پیامبر ﷺ تازیانه بزند؟<sup>(1)</sup>

چه کسی ابوبکر را به غضب فدک ترغیب کرد و شهادت امیر المؤمنین ﷺ و امّ ایمن و حسنین ﷺ را

رد کرد؟

چه کسی قباله فدک را از حضرت صدیقه ﷺ گرفت و جسارت به صورت مبارک آن حضرت کرد؟

اولین کسی که دست روی دست گذاشتن را در نماز احداث کرد که بود؟

اولین کسی که خلافت را به شوری حواله نمود چه کسی بود؟

اولین کسی که با همراهی ابوبکر سهم ذوی القربی را نداد چه کسی بود؟

اولین کسی که روز عید غدیر با علی بن ابی طالب ﷺ بیعت کرد و گفت: «بخ بخ یابن ابی طالب، اصبحت

مولای و مولی کل مؤمن و مؤمنه» چه کسی بود؟

اولین کسی که از کوزه نصاری وضو گرفت و آنها را پاک می دانست چه کسی بود؟

اولین کسی که شهادت مملوک را از درجه اعتبار ساقط کرد چه کسی بود؟

اولین کسی که متعه حج و متعه نساء را حرام کرد چه کسی بود؟<sup>(2)</sup>

1. کتاب سلیم بن قیس هلالی رضی الله عنه. الهجوم علی بیت فاطمة رضی الله عنها. مأساة الزهراء رضی الله عنها. فاطمة الزهراء رضی الله عنها بهجة قلب مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم.

بحار الانوار: ج 43. العوالم ج فاطمة الزهراء رضی الله عنها. الموسوعة الكبرى عن فاطمة الزهراء رضی الله عنها. و...

2. الغدير: ج 6 ص 213-198.

اولین کسی که دستور داد نافله های ماه رمضان به جماعت خوانده شود چه کسی بود؟

اولین کسی که گفت عجم ها از یکدیگر ارث نمی برند چه کسی بود؟<sup>(1)</sup>

چرا هنگامی که شخصی از کوزه خلیفه خورد مست شد؟!<sup>(2)</sup>

چه کسی بود که وقتی پس از مرگش یک هشتم مال او را به چهار زن او قسمت کردند به هر زنی 83000

دینار رسید؟

چه کسی گفت: همه مردم از من باسوادترند حتی پیرزنها؟!<sup>(3)</sup>

از چه کسی هرگاه سؤال می کردند و در جواب فرو می ماند، می گفت: اشتغال به دلالتی و خرید و فروش،

مرا مانع از یاد گرفتن مسائل شد؟

اینکه در کتب تاریخ با عبارتهای مختلف ذکر شده که عمر بن خطاب حسب وصیت ابوبکر به خلافت

مسلمین نصب شده جای چند سؤال دارد:

1. آیا وصیت ابوبکر نافذ است و وصیت اشرف مخلوقات خاتم الانبیاء ﷺ در غدیر و غیر غدیر نافذ

نیست؟

---

1. الغدیر: ج 6 ص 187. کتاب سلیم بن قیس هلالی رضی الله عنه: ج 2 ص 470. بحار الانوار: ج 31 ص 40، ج 33 ص 362. النص و الاجتهاد: ص 267. کتاب موطأ: ج 2 ص 520. المدونیه الکبری: ج 3 ص 338، 365، 383. تحفة الاحوذی: ج 1 ص 63. کنز العمال: ج 11 ص 29. المحلی: ج 9 ص 303.

2. الغدیر: ج 6 ص 257-258. ماذا تفعلون؟: ص 539. احکام القرآن جصاص: ج 2 ص 581. سنن دارطنی: ج 4 ص 174. نصب الراية: ج 4 ص 161. العقد الفرید: ج 3 ص 416. الجوهر النقی: ص 306. کنز العمال: ج 5 ص 517. المنصف (صنعانی): ج 9 ص 224.

3. درباره این عبارت و نظایر آن به منابع زیر مراجعه شود: الغدیر: ج 6 ص 98-95، 104-107، 111، 144. بحار الانوار: ج 30 ص 660-665، 697. خلاصة عقبات الانوار: ج 3 ص 184. نفحات الازهار: ج 3 ص 171-172. تقریب المعارف: ص 319، 346. المستر شد: ص 530، 548. التعجب من اغلاط العامة: ص 60 (142). شرح الاخبار: ج 2 ص 329. شرح نهج البلاغة: ج 1 ص 182، ج 12 ص 15، 208، ج 17 ص 171. كشف الخفاء: ج 1 ص 269، 388، ج 2 ص 117، 118. علل الدار قطنی: ج 2 ص 239. مجمع الزوائد: ج 4 ص 284. المبسوط: ج 10 ص 153. سنن بیهقی: ج 7 ص 233. کنز العمال: ج 16 ص 537، 538. عمر بن خطاب: ص 130-127، 228، 253. المنصف (ابن ابی شیبة): ج 7 ص 81. الدر المنثور: ج 2 ص 133. فتح القدیر: ج 1 ص 443. تفسیر ابن کثیر: ج 1 ص 478. تفسیر قرطبی: ج 8 ص 99، ج 15 ص 179. سبل السلام: ج 3 ص 149. الاحکام (ابن حزم): ج 2 ص 237.

2. آیا پیامبر ﷺ در هنگام رحلت نفرمود کاغذ و قلم بیاورید تا بگویم و نوشته شود مطلبی که بعد از من اختلاف نکنید؟ چرا نسبت هذیان به آن حضرت دادند و کاغذ و قلم نیاوردند و حال آنکه خداوند در قرآن می فرماید: «هرچه آن حضرت می فرماید وحی است نه از نزد خود». (1) چطور برای ابوبکر کاغذ و قلم آوردند و کسی اعتراض نکرد. جالب اینکه او بیهوش می شد و به هوش می آمد و بعد از بسم الله عثمان از طرف خودش نوشت خلیفه بعد از ابوبکر عمر است و ابوبکر مخالفتی نکرد؟

### 3. قتل عمر بن سعد

عمر بن سعد فرمانده ظالم لشکر یزید در این روز به دست مختار ثقفی رضی الله عنه به درک واصل شد. (3)

## 10 ربیع الاول

### 1. ازدواج صلی الله علیه و آله و سلم با حضرت خدیجه علیها السلام

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم 15 سال قبل از بعثت با حضرت خدیجه کبری علیها السلام ازدواج نمودند. (3) از احادیث شیعه و اخبار عامه معلوم می شود که حضرت خدیجه بنت خویلد بن اسد، در علم و اطلاع به کتب آن زمان معروف بوده است. او از زنان قریش، علاوه بر کثرت اموال و املاک و تجارتی که داشت، به عقل و کیاست نیز مزینت داشت و در آن زمان او را طاهره، مبارکه، سیده نسوان و ملکه تطحاء می گفتند. او از کسانی بود که انتظار قدوم پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را می کشید و همیشه از علما علائم نبوت آن حضرت را جويا می شد.

1. سوره نجم: آیات 3-4. (وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ \* إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ)

2. زاد المعاد: ص 344. ریاض العلماء: ج 5 ص 507.

3. مسار الشيعة: ص 29. مصباح المتهجد: ص 732. بحار الانوار: ج 95، ص 357. فیض العلام: ص 211. فرائد النور: ج ربیع الاول، ص 67. منتخب التواریخ: ص 20. زاد المعاد: ص 344. تقوی المحسنین: ص 16. اختیارات: ص 34.

هنگامی که خدمت پیامبر ﷺ شرفیاب شد، اول از مهر نبوت سؤال کرد و آن را زیارت کرد و اشعار فصیح او در مدح رسول گرامی اسلام ﷺ و کمال محبتش به آل عبدالمطلب مشهور است که کاشف از علم و ادب و محبت اوست. در همان روزی که آن حضرت مبعوث به رسالت شد جناب خدیجه علیها السلام ایمان آورد. حضرت خدیجه علیها السلام از مال خویش و میراثی که به او رسیده بود به صورت مضاربه تجارت می نمود. چندی نگذشت که از بزرگان تجار شد به گونه ای که هشتاد هزار شتر زیر بار تجارت او بودند و هر روز اموال او زیادت می شد. بر بام خانه او قبه ای از حریر سبز با طناب های ابریشم با تمثالی چند بود که این علامت جلالت آن مخدره بود.

افراد زیادی مانند عقبه بن ابی معیط و ابن ابی شهاب که هر یک چهارصد کنیز و غلام و خدمتکار داشتند، و ابوجهل و ابوسفیان و دیگر بزرگان عرب آن روز به خواستگاری آن حضرت آمدند؛ ولی آن حضرت قبول نفرمودند و هیچ شوهری اختیار نکردند و باکره و عذراء بودند<sup>(1)</sup> تا سرانجام خودشان در سن 25 یا 28 سالگی<sup>(2)</sup> پیشنهاد ازدواج به پیامبر ﷺ دادند و این ازدواج با آداب و مراسم خاصی انجام شد.

خداوند دو پسر به نام های قاسم و عبدالله که به آنها طیب و طاهر هم می گفتند، به آن دو بزرگوار عنایت فرمود و تنها دخترشان فاطمه علیها السلام بود، و دیگر دختر خوانده های پیامبر ﷺ و دختران خواهر خدیجه علیها السلام بودند که بعد از فوت پدرشان حضرت خدیجه علیها السلام بودند که بعد از فوت پدرشان حضرت خدیجه علیها السلام احتیاجاتشان را بر طرف می کرد تا اینکه مادرشان هاله فوت کرد، که تحت سرپرستی پیامبر ﷺ و حضرت خدیجه علیها السلام در خانه خدیجه علیها السلام قرار گرفتند. لذا در

1. مناقب آل ابی طالب علیهم السلام: ج 1 ص 206. بحار الانوار: ج 22 ص 191. الخصائص الفاطمیة علیها السلام: ج 1 ص 439، 497. قاموس الرجال: ج 10 ص 431. ازواج النبی ﷺ و بناته: ص 29-27. الصحيح من السیرة: ج 2 ص 122. دلائل النبوة اصفهانی: ص 178.  
2. الصحيح من السیرة: ج 2 ص 150-117. ازواج النبی ﷺ و بناته: ص 30.

مردم مشهور شد که آنها دختران رسول خداوند صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ (1).

در کرامت و بزرگواری ایشان همین بس که آن حضرت مادر حضرت صدیقه طاهره عَلَيْهَا السَّلَام امّ الائمه المعصومین عَلَيْهِمُ السَّلَام و همسر امیر المؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام و جدّه حضرات معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَام است.

حضرت خدیجه عَلَيْهَا السَّلَام بیست و چهار سال و یک ماه با پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ زندگی کرد، و تا آن حضرت زنده بود پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ همسر دیگری اختیار نفرمود. همچنین حضرت خدیجه عَلَيْهَا السَّلَام جمیع اموال خود را به پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ واگذار کرد.

عایشه می گوید: کمتر اتفاق می افتاد که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از خانه بیرون رود و خدیجه عَلَيْهَا السَّلَام را به خیر یاد نکند، چندانکه یک روز آتش حسد من مشتعل شد و گفتم: یا رسول الله، تا کی خدیجه را یاد می کنی؟ او پیرزنی بیش نبوده! خداوند بهتر از او (منظور خودش بوده) به تو مرحمت کرد پ پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از سخن من در غضب شد و فرمود: نه به خدا قسم بهتر از خدیجه عَلَيْهَا السَّلَام نصیب من نشده. به من ایمان آورد هنگامی که مردم کافر بودند، و تصدیق نبوت من نمود در وقتی که مردم مرا تکذیب می کردند، و اموال خود را در اختیار من گذارد در وقتی که مردم مرا از خود دور می کردند. خداوند متعال از خدیجه عَلَيْهَا السَّلَام به من فرزندان روزی کرد و رحم تو را عقیم قرار داد.

## 2. مرگ داود بن علی حاکم ظالم مدینه

داود بن علی عموی سفاح در مدینه در دهم ربیع الاول به دعای امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام هلاک شد، چه اینکه داود بن علی فرمان داد معلی بن خنیس را که از اصحاب امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام بود شهید کردند. (3)

1. الاستغاثة فی بدع الثلاثة. مناقب آل ابی طالب عَلَيْهِمُ السَّلَام: ج 1 ص 206. بحار الانوار: ج 22 ص 191. بنات النبی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ امّ ربائبه. التعجب من اغلاط العامة: ص 35 (101). الصحيح من السیرة: ج 2. ازواج النبی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و بناته. الخصائص الفاطمیة عَلَيْهَا السَّلَام: ج 1 ص 439. خلفیات کتاب مأساة الزهراء عَلَيْهَا السَّلَام: ج 6.
2. ریاحین الشریعة: ج 2، ص 202، 207.
3. زاد المعاد: ص 244. فرائد النحور: ج ربیع الاول، ص 67.

### 3. مرگ مالک بن انس

در این روز در سال 179 هـ مالک بن انس اصبحی، رئیس فرقه مالکی از مذاهب اربعه اهل سنت از دنیا رفت و در بقیع دفن شد. (1) مرگ او در 11 و 13 و 14 ربیع الاول هم گفته شده است. (2) از خصوصیات او اینکه مدت سه سال بعد از مرگ پدرش در شکم مادر بود و بعد از سه سال به دنیا آمد!! (3)

### 4. اولین روز خلافت غاصبانه معاویه

در این روز معاویه ابی سفیان در سال 41 هـ خود را به خلافت نشانده، و از مردم بیعت گرفت و او اولین خلیفه بنی امیه بعد از عثمان بود. (4)

## 12 ربیع الاول

### 1. ورود پیامبر ﷺ به مدینه

در غروب این روز پیامبر ﷺ بعد از هجرت از مکه وارد مدینه طیبه شدند، و در قبا

- 
1. روضات النجات: ج 7 ص 224. وقائع الايام: ج 1 ص 390. وقائع الشهور: ص 70. تذكرة الحفاظ: ج 1 ص 212. التمهيد: ج 1 ص 87. التعديل و الترجيح: ج 2 ص 766. سير اعلام النبلاء: ج 8 ص 130.
  2. تذكرة الحفاظ: ج 1 ص 212. تهذيب الكمال: ج 27 ص 119. تهذيب الاسماء: ج 2 ص 36. المنتخب من ذيل الحفاظ: ص 144. سير اعلام النبلاء: ج 8 ص 130.
  3. روضات الجنات: ج 7 ص 224. وقائع الايام: ج 1 ص 390. فهرست ابن ندیم: ص 251. تهذيب الكمال: ج 27 ص 119. فيض القدير: ج 1 ص 46. تنوير الحوالک: ص 3. طبقات الحافظ: ص 96. مروج الذهب: ج 3 ص 350. تهذيب الاسماء: ج 2 ص 386. صفوة الصفوة: ج 2 ص 177. سنن بیهقی: ج 7 ص 443. المعارف ابن قتيبه: ص 170. وفيات الاعيان: ج 4 ص 137. سير اعلام النبلاء: ج 6 ص 319. ميزان الاعتدال: ج 3 ص 466.
  4. منتخب التواريخ: ص 6، 448.
  5. تحفة الحوذی: ج 10 ص 189. اسد الغابة: ج 2 ص 14. البداية و النهاية: ج 8 ص 20.
  6. العدد القوية: ص 120. التنبيه و الاشراف: ص 200. تاريخ طبری: ج 2 ص 114. طبقات الكبرى: 6/2.

نزول اجلال فرمود و منتظر ماند تا امیر المؤمنین علیه السلام به ایشان ملحق شد، و سپس وارد مدینه شدند؛ چه اینکه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده بودند من وارد مدینه نمی شوم تا اینکه پسر عمویم و دخترم فاطمه علیهما السلام بیایند. <sup>(1)</sup> این در حالی بود که در 4 ربیع الاول پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در مسیر هجرت از غار ثور بیرون آمده به طرف مدینه حرکت فرمود. <sup>(2)</sup>

## 2. انقراض بنی امیه

در این روز با سفاخ اولین خلیفه عباسی بیعت شد، و با انقراض دولت بنی مروان، دولت بنی امیه به کلی منقرض شد. البته مروان در 27 ذی الحجه کشته شد، ولی در این روز با تأسیس دولت بنی عباس رسماً نام بنی امیه از صفحات خلافت برچیده شد. <sup>(3)</sup> اقوال دیگر 13 <sup>(4)</sup> و 14 ربیع الاول <sup>(5)</sup>، و 12 ربیع الثانی <sup>(6)</sup> است.

## 3. مرگ معتصم عباسی

در پنجشنبه دوازدهم ربیع الاول سال 227 هـ دو ساعت از شب گذشته، معتصم عباسی در سامرا به هلاکت رسید. سبب مرگش آن شد که حجامت کرد و سپس تب کرد و به همان تب در 49 سالگی به جهنم شتافت. از بزرگترین جرائم او به شهادت رساندن امام جواد علیه السلام است. مدت خلافت او 8 سال و 8 ماه و 8 روز بود و و هشتم از خلفای بنی عباس بود. او 8 پسر و 8 دختر داشت

- 
1. کافی ج 8 ص 339. مصباح المجتهد: ص 732. زاد المعاد: ص 344. مسار الشیعة: ص 29. توضیح المقاصد: ص 7. بحار الانوار: ج 19 ص 104، 125، ج 97 ص 168. مختصر بصائر الدرجات: ص 129.
  2. مسار الشیعة: ص 28. تقویم المحسنین: ص 15. قلاند النحور: ج ربیع الاول، ص 21.
  3. مسار الشیعة: ص 50. مصباح المجتهد: ص 732. بحار الانوار: ج 95 ص 357. اقبال: ج 3 ص 115. مستدرک سفینه البحار: ج 4 ص 68. تاریخ دمشق: ج 32 ص 284، 297. تاریخ بغداد: ج 10 ص 49. تاریخ طبری: ج 6 ص 78. البداية و النهاية: ج 10 ص 56.
  4. تاریخ یعقوبی: ج 2 ص 349. شرح نهج البلاغة: ج 7 ص 154. تاریخ دمشق: ج 32 ص 277، 285.
  5. توضیح المقاصد: ج 8. وقائع الشهور: ص 74.
  6. تاریخ طبری: ج 6 ص 78. البداية و النهاية: ج 10 ص 44، 56.

و 8 قصر بنا کرد. معتصم مردی ظالم بود و از علم و ادب و نوشتن بهره ای نداشت. او به سادات خصوصاً بزرگان آنها اذیت های بسیاری روا داشت، و در دوران حکومتش علاقه زیادی به ساخت بنا داشت.<sup>(1)</sup>

#### 4. مرگ احمد بن حنبل

در این روز در سال 241 ه احمد بن حنبل رئیس فرقه حنبلی ها در بغداد از دنیا رفت، و در همان شهر دفن شد. جدّ او ذوالثدیه رئیس خوارج نهروان است، که به دست امیر المؤمنین عليه السلام به درک فرستاده شد.<sup>(2)</sup> بنا بر قولی مرگ او در ربیع الثانی است.<sup>(3)</sup>

### 14 ربیع الاول

#### 1. مرگ یزید بن معاویه

در سال 64 ه در شب چهارم ربیع الاول یزید بن معاویه بن ابی سفیان در سن 39 سالگی یا 37 سالگی یا 35 سالگی به درکات جحیم شتافت.<sup>(4)</sup> قول دیگر در مرگ یزید پانزدهم این ماه است.<sup>(5)</sup> مادر یزید میسون دختر بجدل کلبی است. او کسی است که غلام پدر خود را بر خود متمکن ساخت و به یزید ملعون بارور شد. از همینجاست که طبق فرمایش

- 
1. مصباح المتجهّد: ص 310 - 297. فیض العلام: ص 213. سیر اعلام النبلاء: ج 10 ص 306. التنبیه و الاشراف: ص 307. البدایة و النهایة: ج 10 ص 324.
  2. وقایع الشهور: ص 72. مراقد المعارف: ج 1، ص 120. روضات الجنات: ج 1، ص 185.
  3. مراقد المعارف: ج 1، ص 120.
  4. مسار الشیعه: ص 50. اقبال: ج 3 ص 118. مستدرک سفینه البحار: ج 4، ص 67. تقویم المحسنین: ص 16. زاد المعاد: ص 345. ذوب النضار: ص 71. فیض العلام: ص 215. توضیح المقاصد: ص 7. تتمه المنتهی: ص 55. بحار الانوار: ج 95، ص 189، ج 98، ص 101. عوالم: ص 224. اختیارات: ص 34. تاریخ طبری: ج 4 ص 383. تاریخ دمشق: ج 37 ص 458. البدایة و النهایة: ج 8 ص 247. تاریخ خلیفة: ص 195.
  5. تاریخ طبری: ج 4 ص 389. تاریخ دمشق: ج 59 ص 305. اسد الغابة: ج 3 ص 163.



ائمه عليه السلام قاتل امام حسين عليه السلام ولد الزناست، که این کلام شامل شمر، عمر سعد، ابن زیاد و غیر آنها نیز می شود.

او شارب الخمر، قمارباز، میمون باز، ناکح با محارم، صاحب اشعار کفرآمیز و تارک الصلوه بود. چنانچه دمیری در حیات الحیوان و مسعودی در مروج الذهب نوشته اند او میمون های زیادی داشت که لباس حریر و زیبا بر آن ها پوشانیده، طوق های طلا بر آنها نموده، سوار بر اسب ها می نمود، و همچنین سگ های بسیاری طوق به گردن داشت که با دست خود آنها را شست و شو می داد و سپس نیم خورده آنها را خودش میخورد و در اثر اعتیاد به مشروبات الکبیه مست و مخمور بود.<sup>(1)</sup>

او بود که واقعه جانسوز کربلا را به وجود آورد و امام حسین عليه السلام و اهل بیت و اصحاب آن حضرت را به شهادت رساند و امام زین العابدین عليه السلام و عمه سادات زینب کبری عليها السلام و دیگر علویات و فاطمیات را با آن وضع در کوچه و بازار به اسارت برد.

او بود که خانه خدا را خراب کرد و پرده کعبه را سوزانید. همچنین او بود که در واقعه حرّه در مدینه کشف ستر زنان مهاجر و انصار کرد و سه روز مال و جان و ناموس مردم را بر سربازان خود حلال کرد. بعد از این ماجرا فرزندان به هم رسیدند که پدر معینی نداشتند. بعد از آن قتل و غارتی در مدینه شد و حرم شریف نبوی هتگ گردید، و مردم را در داخل حرم مطهر کشتند.

در علت مرگ او چند قول است: یکی اینکه به بلای ناگهانی هلاک شده است. شیخ صدوق رحمته الله می فرماید: یزید شب با حال مستی خوابید و صبح او را مرده یافتند در حالیکه بدن او تغییر کرده، مثل آنکه قیر مالیده شده باشد. بدن نحسش را در باب الصغیر دمشق دفن کردند.

---

1. شب های پیشاور: ج 1 ص 257. حیات الحیوان: ج 1 ص 74. مروج الذهب: ج 2 ص 72. معالم المدرستین: ج 3 ص 21-22. حیات الامام الحسین عليه السلام: ج 2 ص 182. الاخلاق الحسینیة عليه السلام: ص 16، 154. الخلافة المغتصبة: ص 192.

احمد بن حنبل و جماعتی از اهل سنت لعن یزید را تجویز کرده اند و عده ای از آنان معتقد به کفر یزید هستند، و ابن جوزی کتابی بر رد یزید نوشته است.<sup>(1)</sup>

در این روز زیارت امام حسین علیه السلام مناسب است.<sup>(2)</sup>

## 2. مرگ موسی خلیفه عباسی

در این روز و به قولی در 15 و 18 ربیع الاول در سال 170 هـ موسی الهادی، فرزند مهدی عباسی به درکات جحیم شتافت. در همان شب هارون خلیفه شد و مأمون نیز به دنیا آمد.<sup>(3)</sup> خلافت موسی الهادی یک سال و سه ماه طول کشید و 25 یا 26 سال عمر کرد. او به قساوت قلب و قلت رحم و خشونت طبع و شرارت نفس مشهور بود.<sup>(4)</sup>

سید بن طاووس رحمته الله در مهج الدعوات روایت می کند که موسی الهادی لشکر فرستاده حسین بن علی بن حسن بن مثنی بن امام حسن مجتبی علیه السلام صاحب فخر را با اصحابش شهید کرد، و سر او را با اسیران به نزد او آوردند، چون نظرش بر آن سر افتاد اشعاری خواند.

پس اسیران را یکی پس از دیگری می آوردند، و او بعد از سرزنش و توییح امر به قتل آنها می کرد. در یک روز جماعتی از اولاد امیر المؤمنین علیه السلام را به قتل رسانید و طالبین را دشنام می داد تا رسید به نام مبارک موسی بن جعفر علیه السلام، نسبت به آن حضرت بد گفت و فریاد کشید که حسین صاحب فخر خروج نکرد مگر به امر موسی بن جعفر علیه السلام، چون او صاحب وصیت در این خانواده است. بخدا قسم او را به قتل می رسانم. خدا بکشد مرا اگر او را زنده بگذارم و خدا بکشد مرا اگر او را عفو کنم و اگر

1. تنمة المنتهی: ص 56-55. فیض العلام: ص 216-214. شرح احقاق الحق: ج 23 ص 112. تذکرة الخوص: ص 257.

2. بحار الانوار: ج 98 ص 101.

3. قلائد النحور: ج ربیع الاول، ص 89. فیض العلام: ص 215. مستدرک سفینه البحار: ج 5، ص 221. تاریخ بغداد: ج 10 ص 181. تاریخ دمشق: ج 33 ص 280.

4. تنمة المنتهی: ص 224-222.

نمود که سفاح و پدرم مهدی فضائل بسیار در حق جعفر بن محمد از کثرت علم و دین و فضلش برایم نقل کرده اند، هر آینه قبر او را می شکافتم و بدن او را به آتش می سوزانیدم.

علی بن یقطين نامه ای از بغداد برای حضرت کاظم عَلَيْهِ السَّلَامُ فرستاد و صورت حال را شرح داد. چون نامه به حضرت رسید، اهل بیت و شیعیان خود را خبر کرد و فرمود: رأی شما در این باب چیست؟ عرض کردند: صلاح این است که شما خود را از این جبار ظالم پنهان داری. حضرت فرمود: اول نامه ای که از عراق بیاید متضمن خبر مرگ موسی الهادی است و چنان شد که آن حضرت خبر دادند. (1)

## 17 ربیع الاول

### 1- ولادت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

به اتفاق علمای شیعه، در این روز هنگام فجر روز جمعه در مکه معظمه ولادت با سعادت حضرت سید الانبیاء محمد مصطفی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ واقع شده است. ولادت آن حضرت با سلطنت انوشیروان عادل مقارن بود و در آن سال اصحاب فیل هلاک شدند. (2)

نام آن حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، و کنیه ایشان ابوالقاسم است. نام پدر آن حضرت عبدالله، و نام مادر آن حضرت آمنه بنت وهب است. (3)

1. مهیج الدعوات: ص 219-217. الکنی و الالقاب: ج 2 ص 392. بحار النوار: ج 48 ص 150، ج 91 ص 318. قلائد النحور: جریع الاول، ص 92.

2. تاج الموالید: ص 5. مسار الشیعة: ص 29-30. مصباح المجتهد: ص 733. کشف الغمة: ج 1 ص 14. اعلام الوری: ج 1 ص 42. تهذیب الاحکام: ج 6 ص 2. زاد العماد: ص 345. توضیح المقصد: ص 9. العدد القویة: ص 110. مصارع الشهداء و مقاتل السعداء: ص 23. فیض العلام: ص 220. بحار الانوار: ج 15 ص 248، 250، ج 17 ص 280، ج 55 ص 361، ج 95 ص 194، ج 97 ص 168. روضة الواعظین: ص 70. تقویم المحسنین: ص 16. اختیارات: ص 35.

3. اعلام الوری: ج 1 ص 43-45. کشف الغمة: ج 1 ص 15.

هنگام ولادت، نور از پیشانی آن حضرت لامع بود و بوی مشک از ایشان ساطع می گشت. نوری در آن شب از طرف حجاز ساطع شد و در تمام عالم منتشر گردید. تخت پادشاهان سرنگون شد، و همه آنان در آن روز لال بودند و نمی توانستند سخن بگویند.

ملائکه مقرب و ارواح اصفیای پیامبران در هنگام ولادت آن حضرت حضور یافتند، و رضوان خازن بهشت با حوریان نازل شدند، و ابریقها و تشت ها از طلا و نقره و زمرد بهشت حاضر کردند و برای حضرت آمنه شربت ها از بهشت آوردند که او آشامید. آن حضرت را بعد از ولادت به آبهای بهشت غسل دادند و به عطرها و فرودوس معطر کردند.<sup>(1)</sup>

### معجزات ولادت حضرت

در روز ولادت آن حضرت هر بتی که در هر جای عالم بود به رو در افتاد و چهارده کنگره از ایوان کسری فرو ریخت. دریاچه ساوه که آن را می پرستیدند خشک و بدل به نمکزار شد. در وادی ساوه که سالها بود کسی در آن آب ندیده بود آب جاری شد. آتشکده فارس که هزار سال خاموش نشده بود در شب ولادت آن حضرت خاموش شد. علم کاهنان و سحر ساحران باطل گردید، و طاق کسری از میان به دو نیم شد که تا امروز نمایان است.<sup>(2)</sup>

هنگام ولادت آن حضرت این ندا از آسمان شنیده شد: (جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا).<sup>(3)</sup>

1. حق الیقین: ص 27.

2. امالی صدوق: ص 361-360. بحار الانوار: ج 15 ص 257، 263، 323. روضة الواعظین: ص 66. حلیة الابرار: ج 1 ص 23. قلائد النحور: ج ربیع الاول، ص 100.

3. سوره اسراء: آیه 84. بحار النوار: ج 15 ص 274. قلائد النحور: ج ربیع الاول، ص 101.

## خصوصیات حضرت

هرگز مگس بر بدن مبارک آن حضرت نمی نشست و هرگاه چشم مبارکش خواب بود دلش بیدار بود، و می دید و می شنید چنانکه در بیداری می دید و می شنید. حضرت از قفای خود چنان می دید که از پیش روی می دید.

بر هر حیوانی که سوار می شد هرگز پیر و لاغر نمی شد. آن حضرت حماری به نام یعفور داشتند. هر زمان که فرمان می داد فلان مرد را حاضر کن، به در خانه اش می رفت و سر بر در می کوفت و به اشاره او را حاضر می ساخت.<sup>(1)</sup>

از خصوصیات ولادت پیامبر ﷺ آن بود که ختنه کرده و ناف بریده و پاک از آرایش خون و غیره متولد شد. همچنین در وقت ولادت از پا به زمین آمد نه از سر. هنگام ولادت رو به کعبه به سجده افتاد، و چون سر از سجده برداشت دست به سوی آسمان بلند کرد و به وحدانیت خدا و رسالت خود اقرار نمود، و سپس نوری از او ساطع گردید که مشرق و مغرب عالم را روشن نمود.<sup>(2)</sup>

## معجزات حضرت

پیامبر ﷺ معجزات بسیاری داشت که از جمله آنها نمونه های زیر است:<sup>(3)</sup>

1. مستجاب شدن دعای آن حضرت در زنده شدن مردگان و بینا شدن کوران و شفا یافتن بیماران.
2. سخن گفتن آن حضرت با حیوانات.
3. آگاهی بر همه لغتها و قدرت بر سخن گفتن به همه آنها.
4. مهر نبوت بر پشت مبارکش جا گرفته بود و نور آن بر نور آفتاب زیادتی می کرد.
5. آب از میان انگشتان مبارکش جاری شد، به قدری که جمع بسیاری سیراب شدند.

---

1. فلائد النحور: ج ربيع الاول، ص 112 - 110.

2. حق اليقين: ص 26.

3. حق اليقين: ص 26 - 27.

6. سنگریزه در دست مبارکش تسبیح می گفت و مردم می شنیدند.

7. وجود مقدسش در آفتاب سایه ای نداشت.

8. هرگاه آب دهان مبارک به چاهی می افکند در آن چاه برکت به هم می رسید و پراز آب می شد. آب

دهان مبارک را به هر صاحب دردی می مالید شفا می یافت.

9. دست مبارک آن حضرت به هر طعامی که می رسید با برکت می شد و از طعام کم جماعت کثیر را سیر

می کرد.

10. هرگاه بر زمین نرم راه می رفت جای پایش نمی متند، و هنگامی که بر سنگ سخت راه می رفت اثر

پای مبارکش می ماند.

روز ولادت حضرت روز شریف و با برکتی است که از قدیم الایام صالحین از آل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حرمت آن

را نگه داشته اند و حق این روز را ادا کرده و روزه گرفته اند. کسی که 17 ربیع الاول را روزه بگیرد خداوند

متعال ثواب یک سال روزه را به او می دهد. در این روز صدقه دادن و زیارت مشاهد مشرفه و انجام خیرات

و مسرور کردن اهل ایمان مستحب است. <sup>(1)</sup>

## 2. ولادت امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام

در 17 ربیع الاول سال 83 ه ولادت با سعادت امام جعفر صادق عَلَيْهِ السَّلَام در مدینه منوره اتفاق افتاده است. <sup>(2)</sup>

نام مبارک آن حضرت جعفر و کنیه شریفش ابو عبدالله و لقب نورانی حضرت صادق است. پدر بزرگوارش

امام محمد باقر عَلَيْهِ السَّلَام و مادر گرامی آن حضرت جناب امّ فروه است که امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام در باره ایشان می

فرمایند: «مادرم از بانوان پرهیزکار و با ایمان و نیکوکار بود؛ و خدا نیکوکاران را دوست دارد». <sup>(3)</sup>

1. مسار الشیعه: ص 30.

2. مناقب آل ابی طالب عَلَيْهِمُ السَّلَام: ج 4 ص 280. اعلام الوری: ج 1، ص 514. ارشاد: ج 2، ص 179. توضیح المقاصد: ص 9. بحار الانوار:

ج 47، ص 6-1. 95 ص 194. تاج الموالید: ص 43. العدد القویة: ص 147. فیض العلام: ص 222. روضة الواعظین: ص 212. تقویم

المحسنین: ص 16.

3. کافی: ج 1 ص 472. بحار الانوار: ج 47 ص 7.

امام صادق علیه السلام هفت پسر و سه دختر داشتند که عبارتند از امام موسی کاظم علیه السلام، اسماعیل، عبدالله، محمد دیباج اسحاق، علی عریضی، عباس، ام فروه، اسماء، فاطمه. (1)

در شمایل آن حضرت گفته اند: آن حضرت میانه قد و افروخته رو و سفید بدن و کشیده بینی و موهای ایشان سیاه و مجعد و بر گونه شان خال سیاهی بود. (2)

## 22 ربیع الاول

### 1. جنگ بنی النضیر

در سال چهارم هجرت غزوه بنی النضیر واقع شد و یهودیان از مدینه بیرون رانده شدند. (3) 9 و 12 ربیع الاول هم در این باره گفته شده است. (4)

## 23 ربیع الاول

### 1. ورود حضرت معصومه علیها السلام به قم

در این روز در سال 201 ه کرمه اهل بیت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام به قم تشریف فرما شدند که 17 روز قبل از رحلت آن حضرت است. (5)

---

1. مناقب آل ابی طالب علیهم السلام: ج 4، ص 280.

1. مناقب آل ابی طالب علیهم السلام: ج 4، ص 280. بحار الانوار: ج 47 ص 9. منتهی الآمال: ج 2 ص 121.

3. توضیح المقاصد: ص 9. فیض العلام: ص 223.

4. الصحیح من السیرة: ج 8 ص 36. کتاب المحیر: ص 113.

5. نظر به اینکه رحلت آن حضرت علیها السلام در 10 ربیع الثانی است و طبق تصریح کتاب تاریخ قم تألیف حسن بن محمد بن حسن بن سائب بن مالک اشعری متوفای 378 ق و کتاب انوار المشعشعین: ج 1 ص 276 و ج 2 ص 448، آن حضرت 17 روز در قم اقامت گزیده اند، روز 23 ربیع الاول سالروز ورود آن حضرت به قم است)

آن حضرت با قدوم مبارک خود این شهر را متبرک گردانیدند، و به درخواست جناب موسی بن خزرج پسر سعد اشعری که از بزرگان قم بود، منزل او را منور نموده در آنجا نزول اجلال فرمودند. در همکان مکان تشریف داشتند و زنه‌های قم مخصوصاً علویات به خدمت آن حضرت می رسیدند و از وجود آن حضرت استفاده می کردند تا بعد از 17 روز از دنیا رحلت فرمودند. عبادتگاه حضرت معروف به «ستیّه» در میدان میر قم معروف است. (1)

## 25 ربیع الاول

### 1. جنگ دومه الجندل

در این روز در سال پنجم هجری در زمان پیامبر ﷺ غزوه دومه الجندل اتفاق افتاد. در اراضی «دومه الجندل» گروهی از اشرار همدست شده و به کاروانها حمله می کردند. پیامبر ﷺ سیاح بن عرفطه غفاری را روز 25 ربیع الاول در مدینه به جای خود قرار داد، و با هزار رزمجو بیرون آمدند تا به آن نواحی رسیدند. راهزنان چون متوجه آمدن آن حضرت شدند، فرار کردند. مسلمانان اموال آنان را برداشتند و در بیستم ربیع الثانی وارد مدینه شدند. (2)

عبدالرحمن بن ابی لیلی می گوید: من با ابوموسی اشعری از دومه الجندل عبور می کردیم. ابوموسی به من گفت: زمانی که با پیامبر ﷺ به دومه الجندل رسیدیم آن حضرت به من فرمود: «در این مکان دو تن از بنی اسرائیل حکم به جور کردند، و به زودی در میان امت من دو تن در این مکان به جور حکم می نمایند».

1. بحار الانوار، ج 48، ص 290، ج 57 ص 219.

2. الصحيح من السیره: ج 8 ص 389. قلائد النحور: ج ربیع الاول، ص 150. طبقات الکبری: ج 2 ص 62. عیون الاثر: ج 2 ص 32.



راوی می گوید: ابوموسی و عمروعاص برای حکمیت در صفین به دومه الجندل رفتند و میان علی بن ابی طالب علیه السلام و معاویه حکم کردند. بعد از ماجرای حکمین ابوموسی را ملاقات کردم و به او گفتم: «مگر تو نبودی که از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم چنین حدیثی را نقل کردی؟! گفت: «والله المستعان»!!<sup>(1)</sup>

## 2. صلح امام حسن علیه السلام

قراداد امام حسن مجتبی علیه السلام با معاویه ملعون در 25 ربیع الاول بوده<sup>(2)</sup>، و بعضی در 26 این ماه نقل کرده اند<sup>(3)</sup>، که شامل موارد زیر بود:

1. به علی علیه السلام دشنام ندهند.

2. خون شیعیان محترم و محفوظ بماند، و حقوقشان پایمال نگردد.

3. معاویه یک میلیون درهم بین یتیمان جنگ جمل و صفین تقسیم کند.

4. امام علیه السلام معاویه را امیر المؤمنین نخواند.

5. معاویه باید بر اساس کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم عمل کند.

6. معاویه پس از مرگ، خلافت را به دیگری واگذار نکند.

معاویه این شرائط و شرائط دیگر مربوط به حفظ اسلام به ویژه شیعیان را پذیرفت و جنگ پایان یافت، اما آن ملعون به هیچیک از شروط این قرارداد عمل ننمود بلکه خلاف تمام آنها عمل کرد.

---

1. الصحيح من السيرة: ج 8 ص 398. فلائد النحور: ج ربیع الاول، ص 150. معجم البلدان: ج 2 ص 489.

2. تنمه المنتهی: ص 40-41. فیض العلام: ص 148. مآثر الانافة قلقشندی: ج 1 ص 110. تاریخ دمشق: ج 59 ص 149. صحیح ابن حبان: ج 15 ص 38.

3. فیض العلام: ص 225. فلائد النحور: ج ربیع الاول، ص 155. مستدرک سفینة النجاة: ج 5 ص 213.

4. ارشاد: ج 2 ص 14. بحار الانوار: ج 44 ص 2، 65. معالی السبطين: ج 1 ص 38. مقاتل الطالبیین: ص 26.

تتمه این ماه

## 1. زیارت رسول خدا ﷺ قبر مادرش را

در این ماه در سال 6 رسول خدا ﷺ هنگام مراجعت از جنگ بنی لحيان به زیارت قبر مادرش جناب آمنه وهب عليها السلام رفتند. (1)

هنگام زیارت، رسول خدا ﷺ گریستند و مسلمین از گریه آن حضرت گریستند؛ و تا به آن روز به آن مقدار گریه کننده دیده نشده بود، و در آنجا قبر مادرش را تعمیر و اصلاح فرمودند. (2)

در روایات وارد شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم قبر مادرشان را چندین بار زیارت فرموده است مانند برگشت آن حضرت از عمره حدیبیه، بعد از فتح مکه، بعد از جنگ تبوک و بعد از حجة الوداع.

## 2. غارت خیمه امام حسن عليه السلام

در این ماه بود که لشکریان امام حسن عليه السلام به آن حضرت اهانت کردند و خیمه آن مظلوم عليه السلام را غارت کرده آن چه در آن بود را به یغما بردند. (3)

- 
1. بحار الانوار: ج 20 ص 298. مستدرک سفینة البحار: ج 5 ص 208.
  2. الغدير: ج 1 ص 165. مستدرک حاکم: ج 1 ص 375، و ج 2 ص 336، 605. تاریخ بغداد: ج 7 ص 298. صحیح مسلم: ج 3 ص 65. مسند احمد: ج 2 ص 441. الدر المنثور: ج 3 ص 283، 284. تاریخ المدینة: ج 1 ص 120. المنصف (صنعانی): ج 3 ص 572. الطبقات الکبری: ج 1 ص 116 و....
  3. بحار الانوار: ج 44 ص 61. اختیار معرفة الرجال: ج 1 ص 330. و بنگرید: تاریخ دمشق: ج 13 ص 262.

4. ربيع الثاني



روزهای 1، 3، 6، 8، 10، 12، 13، 22، 25، 29، 30 از ماه ربیع الثانی حامل وقایعی بیاد ماندنی از تاریخ تشیع است.  
شهادت حضرت زهراء علیها السلام و امام باقر علیه السلام بنا بر قولی، وفات حضرت معصومه علیها السلام و وفات موسی مبرقع وقایع ناگوار  
این ماه اند. ولادت امام حسن عسکری علیه السلام، سفر آن حضرت به جرجان، قیام مختار و توابین، مرگ خالد بن ولید و انقراض  
بنی امیه وقایع مسرور کننده ای است که این ماه شاهد آن بوده است.



## 1 ربیع الثانی

### 1. قیام توابین

در این روز در سال 65 ه سلیمان بن صرد با گروهی از توابین - که نام شانزده هزار نفر آنان در دفتر سلیمان ثبت شده بود - برای خونخواهی امام حسین علیه السلام قیام کردند.<sup>(1)</sup>

در روز دوم ربیع الثانی، از «نخيله» کوفه برای جنگ با ابن زیاد ملعون حرکت کردند. در شب جمعه 5 ربیع الثانی از کوفه خارج شدند و روز بعد کنار قبر حضرت اباعبدالله رفتند. یک یا سه شبانه روز در کربلا ماندند و گریستند و استغفار نمودند و ضجه و ناله کردند، به طوری که مثل آن روز و به آن اندازه صدای ضجه در آن وادی شنیده نشده بود.

هنگام وداع، کنار قبر حضرت مانند ازدحام کنار کعبه شلوغ بود. هرکس با حالتی شعر می خواند و ناله می کرد و با آن حضرت وداع می کرد و خود را برای جنگ با ابن زیاد آماده می نمود.

سلیمان از شیعیان علی بن ابی طالب و امام حسن و امام حسین علیهما السلام بود و در جمیع جنگها در رکاب امیر المؤمنین علیه السلام حضور داشت. آخر الامر با لشکر ابن زیاد رو به رو شدند، و بعد از کشتن عده زیادی از آنان و مبارزات و جانفشانی های فراوان، سلیمان در سن 93 سالگی در عین الورد به شهادت رسید. از اصحاب سلیمان هم فقط 27 نفر که مجروح و خسته و تشنه بودند جان سالم به در بردند، و بقیه همه به شهادت رسیدند.<sup>(2)</sup>

---

1. بحار الانوار: ج 45 ص 358. مستدرک سفینه البحار: ج 4 ص 68. مقتل الحسین علیه السلام: (ابی مخنف): 283. تاریخ طبری: ج 4 ص 451.  
2. بحار الانوار: ج 45، ص 359. قلائد النحور: ج ربیع الثانی، ص 168. طالبین تفصیل این ماجرا به کتاب های روضة الصفا و ناسخ التواریخ و قلائد النحور جلد ربیع الثانی مراجعه کنند.

حصین بن نمیر ملعون که در کربلا دلهای اهل بیت علیهم السلام را سوزاند در عین الورد به دست ابراهیم پسر مالک اشتر کشته شد و به جهنم واصل گردید.

## 2. شهادت امام باقر علیه السلام

در این روز به روایتی، شهادت امام باقر علیه السلام است. <sup>(2)</sup>

## 3 ربيع الثانی

### 1. سفر امام حسن عسکری علیه السلام به جرجان

در این روز امام حسن عسکری علیه السلام برای وفا به وعده ای که فرموده بودند و آشکار شدن معجزاتی از آن بزرگوار به طی الارض از سامراء به جرجان تشریف فرما شدند. <sup>(3)</sup>

جعفر بن شریف می گوید: سالی قصد حج کردم، و قبل از حج به زیارت امام حسن عسکری علیه السلام در سامراء رفتم. اموالی از شیعیان همراهم بود که باید به آن حضرت می رساندم. خواستم از آن حضرت بپرسم اموال را به چه کسی بدهم، ولی پیش از آنکه من صحبت کنم حضرت فرمودند: «به مبارک خادم بده». عرض کردم: «همین کار را کرده ام»، و سپس بیرون آمدم و گفتم: «شیعیان شما در جرجان به شما سلام می رسانند». امام علیه السلام فرمود: مگر بعد از مراسم حج به جرجان بر نمی گردی؟ عرض کردم: بر می گردم. فرمودند: 170 روز دیگر اول روز جمعه سوم ربيع الثانی به جرجان وارد می شوی. آن وقت به مردم اعلام کن که من در آخر همان روز به جرجان می آیم. برو به سلامت.

1. قلائد النحور: ج ربيع الثانی، ص 191.

2. قلائد النحور: ج ربيع الثانی، ص 177.

3. الخرائج و الجرائح: ج 1 ص 425. بحار الانوار: ج 50، ص 263. التاقب فی المناقب: ص 215. مدینة المعجز: ج 7 ص 618. كشف الغمة: ج 2 ص 427.



خداوند متعال تو را و آنچه با توست به سلامت به اهل و اولادت خواهد رسانید. پسری برای پسر متولد شده است. نام او را «صلت» بگذار، که خداوند به زودی او را به حد کمال می رساند و او از اولیاء ما خواهد بود.

من گفتم: یابن رسول الله، ابراهیم بن اسماعیل جرجانی از شیعیان شماس است و به دوستان شما هر سال بیش از صد هزار درهم احسان می کند، و در جرجان از اشخاصی است که متنعم به نعمت های الهی است. امام علیه السلام فرمودند: «خداوند به ابواسحاق ابراهیم بن اسماعیل در مقابل احسانی که به شیعیان ما می کند جزای خیر بدهد و گناهان او را بیامزد و او را پسری صحیح الاعضاء روزی فرماید که قائل به حق باشد. به ابراهیم بگو: حسن بن علی می گوید: نام پسر خود را احمد بگذار.»

راوی می گوید: از خدمت حضرت مرخص شدم و حج رفتم و بازگشتم، و در روزی که حضرت معین فرموده بودند به سلامت وارد جرجان شدم. هنگامی که اصحاب ما برای تهنیت آمدند، به ایشان گفتم: امام علیه السلام مرا وعده داده که در آخر امروز به اینجا تشریف می آورند. پس مهیا شوید و مسائل و حوائج خود را آماده کنید.

شیعیان چون نماز ظهر و عصر را به جا آوردند، در خانه من جمع شدند. ناگاه امام عسکری علیه السلام در همان ساعتی که فرموده بودند وارد شدند. هنگام ورود بر ما سلام کردند و ما به استقبال شتافتیم و دست آن حضرت را بوسیدیم. آنگاه حضرت فرمودند: من به جعفر بن شریف وعده کرده بودم که در آخر این روز نزد شما بیایم. من نماز ظهر و عصر را در سامراء به جا آوردم و نزد شما آمدم تا با شما تجدید عهد نمایم. اکنون شما حوائج و مسائل خود را بیاورید.

اول کسی که ابتدا به سؤال کرد نصر بن جابر بود. او گفت: یابن رسول الله، پسر من از هر دو چشم نابیناست، دعا فرمائید تا خداوند دیده هایش را به او برگرداند. حضرت فرمودند: او را حاضر کن. او را حاضر کرد و حضرت دست مبارک بر چشمان او کشید و چشمانش روشن شد.

پس از او یک یک آمدند و حاجت خود را بیان کردند و حضرت حاجتهای آنان را برآورده می نمودند، تا اینکه حوائج همه را بر آوردند و مسائل آنها را جواب فرمودند و همان روز به سامراء مراجعت نمودند.

#### 4 ربیع الثانی

##### 1. ولادت حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام

در این روز در سال 173 ه آن برزگوار به دنیا آمدند. (1)

#### 6 ربیع الثانی

##### 1. مرگ هشام بن عبدالملک

روز چهارشنبه ششم ربیع الثانی سال 125 ه در رصافه هشام بن عبدالملک از دنیا رفت و به جهنم واصل شد. (2)

او مردی احوال و غلیظ و بدخو و بخیل بوده و حریص بود بر جمع مال، دستور کشتن زید بن علی بن الحسین علیه السلام را صادر کرد و امام باقر و حضرت صادق علیه السلام را به شام احضار کرد و جسارتهای فراوانی به آن حضرات نمود و آخر الامر امام باقر علیه السلام را به شهادت رساند. 19 سال و 9 ماه و ده روز خلافت کرد و در 53 سالگی به جهنم شتافت.

---

1. مستدرک علم رجال الحدیث: ج 4 ص 450. نور الآفاق.

2. تتمه المنتهی: ص 128. شجرة طوبی: ج 1 ص 142. فیض العلام: ص 228. تاریخ طبری: ج 5 ص 513. تاریخ دمشق: ج 2 ص 375، ج 63 ص 321.

در زمان سفاح که قتل بنی امیه آغاز شده بود و قبرهای آنها را هم نبش می کردند و آنچه می یافتند می سوزاندند، وقتی نوبت به قبر ولید رسید اثری در آن باقی نمانده بود و از عبدالملک قسمتی از جمجمه اش مانده بود. هنگامی که قبر هشام را شکافتند بدن او هنوز متلاشی نشده بود، و لذا هشتاد تازیانه بر بدن او زدند و او را سوزانیدند و خاکسترش را به باد دادند.

بعضی گفته اند ظاهراً زدن هشتاد تازیانه به هشام به جهت حدّ قذف بوده که جسارت به مادر جناب زید بن علی بن الحسین علیه السلام نمود. <sup>(1)</sup>

## 8 ربیع الثانی

### 1. ولادت امام حسن عسکری علیه السلام

در این روز حضرت امام حسن عسکری علیه السلام در سال 232 هـ جهان را به قدوم خود منور فرمودند. <sup>(2)</sup> و به روایت مصباح، تقویم المحسنین، اختیارات و دروس شهید، ولادت حضرت در چهارم این ماه بود است. <sup>(3)</sup> اقوال دیگری نیز در ولادت آن حضرت وجود دارد که عبارتند از 8 ربیع الاول <sup>(4)</sup> و 10 ربیع الثانی. <sup>(5)</sup>

---

1. مرآة العقول: ج 26 ص 227. تتمه المنتهی: ص 118، 127. قلائد النحور: ج ربیع الثانی، ص 191. فیض العلام: ص 228. شرح نهج البلاغة: ج 7 ص 132-131.

2. بحار الانوار: ج 50 ص 235، 237. روضة الواعظین: ص 251. اعلام الوری: ج 2 ص 131. فیض العلام: ص 229.

3. بحار الانوار: ج 50 ص 238. تقویم المحسنین: ص 16. اختیارات: ص 35. الدروس الشرعية: ج 2 ص 15. قلائد النحور: ج ربیع الثانی، ص 185.

4. تاج الموالید: ص 57. تاریخ قم: ص 203.

5. مسار الشیعة: ص 30. مصباح المجتهد: ص 733. اقبال: ج 3 ص 149. بحار الانوار: ج 50 ص 235، 238. فیض العلام: ص 231.

پدر آن حضرت امام هادی علیه السلام و مادر محترمه اش بانویی است که نامش حدیث یا حدیثه یا سوسن یا سلیل است.<sup>(1)</sup> محل ولادت حضرت مدینه و مشهورترین القاب ایشان زکی، نقی، و کنیه حضرتش ابومحمد است.

آن حضرت را برای زیر نظر داشتن و کنترل رفت و آمدها، در محل سکونت سپاهیان ترک تبار دربار عباسی مسکن داده بودند، و از همین جاست که به آن حضرت «عسکری» می گویند.<sup>(2)</sup>

## 2. شهادت حضرت صدیقه طاهره علیها السلام<sup>(3)</sup>

بنابر روایتی که چهل روز پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را روز شهادت حضرت زهراء علیها السلام دانسته، روز هشتم ربیع الثانی روز شهادت حضرت به حساب می آید.

## 10 ربیع الثانی

### 1. وفات حضرت معصومه علیها السلام

در این روز در سال 201 هـ<sup>(4)</sup> بنابر مشهور سالروز رحلت شهادت گونه حضرت ولیه الله خاتون خلق جهان، عابده زاهده کامله مستوره حضرت فاطمه معصومه علیها السلام دختر امام موسی کاظم علیه السلام است.

- 
1. ریاحین الشریعه: ج 3، ص 24، بحار الانوار: ج 50 ص 238-235.
  2. بحار الانوار» ج 50 ص 113، 235. شرح احقاق الحق: ج 19 ص 621، ج 29 ص 40، 46، 68. تتمه المختصر فی اخبار البشر: ج 1 ص 348.
  3. بحار الانوار: ج 43 ص 212. مناقب آل ابی طالب علیهم السلام: ج 3 ص 406. جنة العاصمة: ص 350. روضة الواعظین: ص 151. وقایع الایام: ج ربیع الاول و ربیع الثانی، ص 204. مروج الذهب: ج 1 ص 403.
  4. منتخب دریای سخن: ص 34. اجم فروزان: ص 58. فاطمة المعصومة علیها السلام: ص 147. زندگانی کریمه اهل بیت علیهم السلام: ص 83. العقیلة و الفواطم: ص 198، به نقل از کتاب «نزهة الابرار فی نسب الثمة الابرار علیهم السلام». وسیلة المعصومیة علیها السلام: ص 65. صد و یک منبر (چاپ سنگی): ص 177. تقویم الائمة علیهم السلام: ص 74. کتاب اخیر در سال 1381 ق با تقریظ آیه نسابه سید شهاب الدین مرعشی نجفی به چاپ رسیده است.

آن حضرت 17 روز پس از ورود به شهر قم، با دلی شکسته و غصّه دار از داغ پدر و فراق برادر، رحلت فرمودند. در عزای آن حضرت شهر قم را یکپارچه غم و ماتم فرا گرفت. بدن مطهر آن حضرت را غسل داده کفن کردند، و به طرف باغ موسی بن خزرج مکان فعلی حرم مطهر آوردند. دو سوار نقتبدار از بیرون شهر آمدند و بر بدن آن حضرت نماز خواندند. آنگاه داخل سرداب شده بدن مطهر را دفن کردند و رفتند، و کسی آنان را نشناخت.

موسی بن خزرج آن باغ را وقف حضرت معصومه علیها السلام نمود، و از بوریا و حصیر سقفی بر روی قبر مطهر آن حضرت قرار داد. این بنا بود تا آنکه زینب دختر امام جواد علیه السلام بر روی قبر شریف قبه ای بنا نهاد. سپس جماعتی از دختران ائمه علیهم السلام در آن مکان دفن شدند. هنگامی که امّ محمد دختر موسی بن محمد بن علی الرضا علیه السلام فوت کرد، در کنار آن حضرت دفن شد. بعد از آن میمونه خواهر امّ محمد از دنیا رفت، و آن بزرگوار هم در جنب امّ محمد دفن شد. روی این دو قبر یک گنبد دیگر بنا کردند به گونه ای که دو گنبد چسبیده به هم بر روی قبر حضرت فاطمه معصومه علیها السلام و امّ محمد و میمونه بوده است.

به جز دختران معصومین علیهم السلام، دو کنیز هم دفن شده اند <sup>(1)</sup> که در هنگام مرمت کف حرم مطهر در زمان ناصرالدین شاه، روزنه ای به سردابی پیدا می شود و چند زن صالحه، وارد سرداب می شوند. پیکر پاک میمونه و دو تن از کنیزان را پس از هزار سال تر و تازه مشاهده می کنند. این سرداب جنب سرداب حضرت فاطمه معصومه علیها السلام قرار دارد. <sup>(2)</sup>

مرحوم نمازی وفات حضرت معصومه علیها السلام را در 12 ربیع الثانی سال 201 ه نقل کرده <sup>(3)</sup> و قول منسوب به شیخ حر عاملی رحمته الله هشتم شعبان سال 201 ه است. <sup>(4)</sup>

1. تاریخ قم: ص 213-214. بحار الانوار: ج 48 ص 290، ج 50 ص 160، ج 57 ص 219-220.

2. اجساد جاویدان: ص 105.

3. مستدرک سفینه البحار: ج 8، ص 262.

4. حیاة الست علیها السلام: ص 11.

امام صادق علیه السلام می فرماید: «برای خداوند متعال حرمی است و آن مکه، و برای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم حرمی است و آن مدینه، و برای امیرالمؤمنین علیه السلام حرمی است و آن کوفه، و قم کوفه صغیره است، و بهشت دارای هشت در است که سه در آن از قم است. در آن شهر زنی از اولاد من رحلت می کند که اسمش فاطمه است، و او دختر موسی بن جعفر علیه السلام است که به شفاعت او تمامی شیعیانم داخل بهشت می شوند».<sup>(1)</sup>

## 2. حمله روس به حریم سلطان طوس علیه السلام

در عصر روز دهم ربیع الثانی 1330 ه ق گنبد حرم حضرت رضا علیه السلام توسط روس ها به توپ بسته شد که در این حمله 17 گلوله توپ به گنبد مطهر اصابت کرد و بیشتر از 45 گلوله دیگر به ایوان طلا و مسجد جامع و درهای صحن جدید آن وقت و گنبد مسجد جامع و مطبخ خدام و غیر اصابت کرد؛ و در این حمله جمعیت زیادی حتی در اطراف ضریح مبارکه رضویه به شهادت رسیدند.<sup>(2)</sup>

## 12 ربیع الثانی

### 1. آغاز وجوب نماز

در سال هجرت در این روز نماز در حضر و سفر واجب شد.<sup>(3)</sup> بنا بر قولی در 10 ربیع الثانی بوده است.<sup>(4)</sup>

1. مجالس المؤمنین: ج 1 ص 83. بحار الانوار: ج 57 ص 228.

2. منتخب التواریخ ملا هاشم خراسانی. کرامات رضویه. حدیقه الرضویه. پ.

3. مسار الشیعة: ص 30. مصباح المتهدجد. ص 733. مصباح کفعمی: ج 2 ص 597. منتخب التواریخ: ص 46.

4. تقویم المحسنین: ص 16. اختیارات: ص 35.

## 13 ربیع الثانی

### 1. شهادت حضرت زهرا علیها السلام

به روایت مرحوم ابن شهر آشوب در مناقب و قرمانی در اخبار الدول شهادت امّ ابیها فاطمه الزهراء علیها السلام در این روز بوده است. (1)

## 14 ربیع الثانی

### 1. قیام مختار علیه السلام (2)

در این روز مختار شاد کننده دل‌های شکسته اهل بیت علیهم السلام با ندای «یا لثارات الحسین» در کوفه قیام کرد. مختار در سال اول هجرت در طائف به دنیا آمد و در سال 67 ه در کوفه به دست مصعب بن زبیر به شهادت رسید. کنیه او ابواسحاق است. ابوعبیده پدرش از صحابه بزرگ بود که در جنگ با فارس شهید شد. بعد از پدر، دو برادرش حکم و جبیر شهید شدند.

مختار در هیجده ماه حکومتش، هیجده هزار نفر از قاتلین سید السّهداء علیهم السلام را به جهنم فرستاد. این به غیر از کسانی است که به دست اصحاب و یاران او و ابراهیم بن مالک اشتر در بیرون کوفه و در کنار نهر خازر کشته شدند.

سعد عموی مختار از طرف امیر المؤمنین و امام حسن علیهم السلام والی مداین بود، و هرگاه جائی می رفت مختار را به جای خود می گذاشت.

امیر المؤمنین علیه السلام به او خبر از فتح و ظفر دادند، و میثم تمّار در زندان کوفه او را بشارت داد.

---

1. مناقب آل ابی طالب علیهم السلام: ج 3، ص 406. بحار الانوار: ج 43 ص 180. قلائد النحور: ج ربیع الثانی، ص 219.  
2. ذوب النضار: ص 101. فرسان الهیجاء: ج 2 ص 217. بحار الانوار: ج 45، ص 367. مستدرک سفینه البحار: ج 4 ص 68. وقایع الایام: ج ربیع الاول، ص 226. قلائد النحور: ج ربیع الثانی، ص 225.

در روز عید قربان ابومحمد حکم پسر مختار خدمت امام باقر علیه السلام آمد. بعد از اینکه خود را معرفی کرد، امام باقر علیه السلام او را نزد خود خواند و او عرض کرد: آقای من، مردم در باره پدر من بسیار سخن می گویند. به خدا قسم سخن درست کلام شماست و هر چه شما بفرمائید آن را قبول دارم. امام علیه السلام فرمود: سبحان الله، پدرم خبر داد که مهریه مادر من از پولی بود که مختار آن را برای پدرم فرستاد. مختار خانه های خراب ما را آباد کرد، و دشمنان ما را به قتل رسانید، و هر خونی که از ما ریخته شد طلب نمود. آنگاه سه مرتبه فرمود: «رحم الله اباک». حقی از ما نزد احدی نماند مگر اینکه آن را گرفت.

در کودکی، امیر المؤمنین علیه السلام او را روی زانوی خویش می نشاند و به او لطف و مرحمت می فرمود. امام باقر علیه السلام می فرماید: بخدا قسم پدرم مرا خبر داد که مختار نزد فاطمه بنت امیر المؤمنین علیه السلام می آمد، و آن مخدره برای او فرش پهن نموده پشتی برایش می گذاشت. سپس فرمود: «هر حقی که ما نزد کسی داشتیم او مطالبه نمود». (1)

در روایت دیگر می فرماید: «هنگامی که مختار سر نحس عبیدالله را برای امام زین العابدین علیه السلام فرستاد، آن حضرت سر سفره بود و خوشحال شد و دعا فرمود». (2)

بنابر قول دیگری قیام مختار در شب 14 ربیع الاول سال 66 هـ (3)؛ و بنابر قولی 16 ربیع الثانی بوده است. (4)

1. بحار الانوار: ج 45، ص 343، 351. اختیار معرفة الرجال: ج 1 ص 340، 341. ذوب النضار: ص 61، 62.

2. اختیار معرفة الرجال: ج 1 ص 341. بحار الانوار: ج 45 ص 342، 386. ذوب النضار: ص 144. فرسان الهیجاء: ج 2 ص 199-198، 244.

3. مقتل الحسین علیه السلام (ابی مخنف): ص 326. بحار الانوار: ج 45 ص 386. ذوب النضار: ص 145. وقائع الشهور: ص 74. تاریخ طبری: ج 4 ص 496.

4. امالی شیخ طوسی: ص 240. بحار الانوار: ج 45، ص 333. قلائد النحور: ج ربیع الثانی، ص 232.



## 22 ربیع الثانی

### 1. وفات موسی مبرقع

جناب موسی مبرقع علیه السلام پسر حضرت جواد علیه السلام در سال 296 هـ در شهر قم وفات یافت. <sup>(1)</sup> به نقلی وفات آن جناب در 8 ربیع الثانی بوده است. <sup>(2)</sup>

بنابر قول دیگری در 14 ربیع الثانی وفات موسی مبرقع واقع شده است. قبر آن بزرگوار در چهل اختران قم خیابان آذر مشهور است. <sup>(3)</sup>

نام: موسی، کنیه: ابوجعفر، لقب: مبرقع که از فرط زیبایی بر جمال مبارک نقاب می زد. نام پدر: جواد الائمه علیه السلام و مادر آن حضرت کنیز بود.

ایشان از اولین سادات رضوی بود که در سال 256 هـ وارد قم گردید. او دائماً بر صورت خود برقیعی داشت، ولی مردم عرب ساکن قم او را از قم بیرون کردند، و او به کاشان رفت و در آنجا مورد احترام قرار گرفت.

بعد از آمدن ابوالصدیم حسین بن علی بن آدم و مرد دیگری از رؤسای قم، عربهای قم متوجه شدند موسی چه کسی بوده است، و آن بزرگوار را به قم باز گرداندند و خانه ای برای او آماده کردند. همچنین در روستاهای متعدد زمین و باغ برای او خریدند و خواهرانش زینب و امّ محمد و میمونه، دختران حضرت جواد علیه السلام به قم آمدند، و بر او وارد شدند.

هنگامی که جناب موسی مبرقع در قم از دنیا رفت، امیر قم عباس بن عمرو غنوی بر او نماز خواند، و در محل کنونی که در قم معروف است و قبلاً خانه محمد بن حسن

1. تاریخ قم: ص 216. بحار الانوار: ج 50، ص 161. تاریخ سامراء: ج 3، ص 402. مرآة العقول: ج 6 ص 128.

2. بحار الانوار: ج 57 ص 220. مستدرک سفینه البحار: ج 5، ص 230.

3. قلائد النحور: ج ربیع الثانی، ص 226.

بن ابی خالد اشعری ملقب به شنبوله بود، دفن شد. (1) کلینی رحمته الله در کافی به سند معتبر نقل کرده که جناب موسی مبرقع تولیت اوقاف را از جانب امام علیه السلام داشته اند. (2)

## 25 ربیع الثانی

### 1. خلع معاویه بن یزید خود را از خلافت

هنگامی که یزید بن معاویه در 14 ربیع الاول سال 64 هـ به درکات جحیم شتافت، فرزندش معاویه به جای وی نشست. او پس از چهل روز در 25 ربیع الثانی بر فراز منبر رفت و خطبه خواند و اعمال پدران خود را یاد کرد، و بر جد و پدر خود لعنت کرد و از افعال ایشان تبری جست و گریه شدیدی نمود، و آنگاه خود را از خلافت خلع نمود.

مروان بن حکم لعنت الله علیه از پای منبر برخاست و گفت: الحال که طالب خلافت نیستی پس امر خلافت را به سوئی بیفکن. معاویه بن یزید گفت: من حلاوت خلافت را نجشیدم، چگونه راضی شوم که اوزار آن را بچشم. به هر صورت در خانه نشست و مشغول گریه شد و 25 یا 30 یا 40 روز بعد از این واقعه فوت کرد و به قولی او را مسموم کردند. پس از او خلافت اولاد ابوسفیان تمام شد و به مروان و آل او منتقل شد.

- 
1. بحار الانوار: ج 50 ص 160. سفینة البحار: ج 4 ص 668. مرآة العقول: ج 6 ص 128. تاریخ سامراء: ج 3 ص 403-402. قلائد النحور: ج ربیع الثانی، ص 226.
  2. کافی: ج 1، ص 325. بحار الانوار: ج 50 ص 122.
  3. توضیح المقاصد: ص 13 - 12. اربعین قمی: ص 503. تتمه المنتهی: ص 72. قلائد النحور: ج ربیع الثانی: ص 262. فیض العلام: ص 255.

## آخر ربیع الثانی

### 1. مرگ خالد بن ولید

در روز آخر ربیع الثانی خالد بن ولید بن مغیره مخزومی به اسفل السافلین جهنم شتافت. (1) او 20 سال بعد از بعثت پیامبر ﷺ در اواخر زندگانی آن حضرت، به همراه عمروعاص به ظاهر اسلام را قبول کرد. ابوبکر او را حاکم شام کرد، و عمر او را عزل کرد. پس از مدتی در شهر حمص مرد و در همانجا مدفون شد. (2)

خالد و عمروعاص از کسانی بودند که در لیلۃ المبیت قصد کشتن پیامبر خدا ﷺ را داشتند. (3)

در مواردی پیامبر ﷺ از کارهای خالد بیزار می‌جستند. او بدون اجازه پیامبر ﷺ بنی جذیمه را به قتل رساند و عده‌ای را اسیر کرد، آن‌ها قبل از کشته شدن تصریح می‌کردند که ما مسلمانیم و نماز می‌خوانیم و رسول خدا ﷺ را تصدیق می‌کنیم و مساجد بنا کرده ایم و اذان در آن می‌گوییم....

خالد گفت: «هر کس اسیری در دست دارد او را بکشد». بنو سلیم تمام اسیرانشان را کشتند ولی مهاجر و انصار اسرا را نزد پیامبر ﷺ فرستادند و آن حضرت دستان مبارک را بلند کرد و دوبار فرمود: «خدایا من بیزاری می‌جویم به سوی تو از کاری که خالد کرده است.»

چندی بعد مقداری طلا و متاع به دست رسول خدا ﷺ رسید. آن حضرت به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: به سوی بنی جذیمه برو و آنان را از آنچه خالد کرده راضی کن... . امیرالمؤمنین علیه السلام نزد آنان رفت و طبق حکم خداوند؛ دیه هر خونی را داد، و

1. اختیارات: ص 35. وقایع الشهور: ص 91.

2. اسد الغابه: ج 3، ص 96. طبقات الکبری: ج 7 ص 397.

3. الصحیح من السیره: ج 4، ص 9. شرح نهج البلاغه: ج 13 ص 304.

برای هر جنینی بالاترین قیمت را حساب کرد، و عوض هر مالی پرداخت، و اضافه ای هم بابت آب خور سگ هایشان و ریمسان چوپانشان داد، و باز مقدار اضافه را برای ترس زنان و هراس کودکان و برای آنچه می دانستند و نمی دانستند داد. آخر الامر اضافه ای داد تا از رسول خدا ﷺ - که بی تفصیر بود - راضی شوند... (1)

خالد بن عمار ناسزا گفت. پیامبر ﷺ فرمود: «هر کس عمار را سب کند خداوند او را سب می کند». (2)  
 او به دستور ابوبکر خواست امیر المؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام را به شهادت برساند، ولی قبل از هر اقدامی آن حضرت متوجه شدند، و با دو انگشت گلوی خالد را آن چنان فشار دادند که خالد نعره کشید و مردم فرار کردند و خالد لباسش را نجس کرد. آنگاه گفت: ابوبکر و عمر مرا به این کار امر کرده اند. هر کس واسطه شد، آن حضرت او را رها نکرد تا آنکه ابوبکر عمر را فرستاد و ابن عباس را آورد. ابن عباس حضرت را به قبر مطهر پیامبر ﷺ و فرزندانش و حضرت صدیقه عَلَيْهَا السَّلَام قسم داد و حضرت او را رها کرد. ابوبکر به عمر گفت: «این هم نتیجه مشورت با تو!» چه اینکه عمر، خالد را برای این کار انتخاب کرده بود. (3)

- 
1. علل الشرائع: ج 2 ص 474. خصال: ص 562. مناقب آل ابی طالب عَلَيْهِمُ السَّلَام: ج 2 ص 151. بحار الانوار: ج 21 ص 141، 142، 143. ج 31 ص 327، ج 38 ص 73، ج 101 ص 242. الغدير: ج 7 ص 168، 169. سبعة من السلف: ص 337. صحيح بخاری: ج 5 ص 107، ج 7 ص 154، ج 8 ص 118. طبقات الكبرى: ج 2 ص 148. عيون الاثر: ج 2 ص 209. سبل الهدى و الرشاد: ج 6 ص 200. تاريخ طبرى: ج 2 ص 342. تاريخ يعقوبى: ج 2 ص 61. مسند احمد: ج 2 ص 150. سنن نسائى: ج 8 ص 238. سنن بيهقى: ج 9 ص 217. اسد الغابة: ج 2 ص 94. تاريخ دمشق: ج 16 ص 233. سير اعلام النبء: ج 1 ص 370.
  2. سبعة من السلف: ص 345-342. الغدير: ج 1 ص 331، ج 9 ص 27. المعجم الكبير: ج 4 ص 112، 113. كنز العمال: ج 3 ص 533، 534.
  3. احتجاج: ج 1 ص 118. كتاب سليم بن قيس هلالى رَضِيَ اللهُ عَنْهُ: ج 2 ص 872-871. الايضاح: ص 156، 158. تفسير قمى: ج 2 ص 159-158. علل الشرائع: ج 1 ص 191. اختيار معرفة الرجال: ج 2 ص 695. المستر شد: ص 451. بحار الانوار: ج 28 ص 305، ج 29 ص 126-125، 136-137، ج 47 ص 356. الصراط المستقيم: ج 1 ص 324. غاية المرام ج 5 ص 345. شرح نهج البلاغة: ج 13 ص 303-302.

همچنین خالد بن ولید مالک بن نویره رضی اللہ عنہ را با عده زیادی از قبیله او به جرم بیعت نکردن با ابوبکر کشت و در همان شب با همسر مالک مرتکب زنا شد. <sup>(1)</sup> وقتی عمر این قضیه را شنید، گفت: «تو را سنگسار می کنم» ولی این کار را انجام نداد؛ برای اینکه سعد بن عبادة را به خاطر آنان کشت. در اینجا بود که عمر او را به سینه چسباند و گفت: تو شمشیر خدا و شمشیر رسول خدایی؟! <sup>(2)</sup>

در مورد دیگری هنگامی که ابوبکر او را به سوی قبیله بنی سلیم فرستاد، عده ای از مردان قبیله را در محلی جمع کرد و آنان را به آتش سوزانید. <sup>(3)</sup>

---

1. الغدير: ج 5 ص 264، ج 7 ص 158. الصراط المستقیم: ج 3 ص 279. الاستغاثة: ج 1 ص 6. بحار الانوار: ج 30 ص 495-471. الشافی فی الامة: ج 4 ص 162. التعجب: ص 40 (108). سبعة من السلف: ص 346. النص و الاجتهاد: ص 119. شرح نهج البلاغة: ج 1 ص 179. تاریخ طبری: ج 2 ص 504-501. تاریخ یعقوبی: ج 2 ص 131. تاریخ دمشق: ج 16 ص 274-255. اسد الغابة: ج 4 ص 295. البداية و النهاية: ج 6 ص 354.

2. الاستغاثة: ج 1 ص 7. احتجاج: ج 1 ص 94، ج 2 ص 148. مناقب آل ابی طالب علیهم السلام: ج 1 ص 331. بحار الانوار: ج 28 ص 183، 336، ج 29 ص 442، ج 30 ص 494. الصراط المستقیم: ج 3 ص 6، 109 بیت الاحزان: ص 59. نهج السعادة: ج 5 ص 272. انوار العلوية: ص 284. شرح احقاق الحق: ج 2 ص 346. شرح الاخبار: ج 2 ص 28. مجالس المؤمنین: ج 1 ص 234. سبعة من السلف: ص 346-348. شرح نهج البلاغة (ابن ابی الحديد): ج 1 ص 179، ج 10 ص 111، ج 17 ص 223.

3. الغدير: ج 7 ص 155. سبعة من السلف: ص 347. طبقات الكبرى: ج 7 ص 396. تاریخ دمشق: ج 16 ص 240، 255. المنصف (ابن ابی شیبة): ج 8 ص 5. تاریخ خليفة...: ص 67. سير اعلام النبلاء: ج 1 ص 372.



5 جمادی الاول





در این ماه تنها روزهای 5، 6، 10، 13، 15، 25، 27، 29 مقارن وقایع مهمی از تاریخ است.  
ولادت حضرت زینب علیها السلام خبر خوش این ماه است. جنگ موته، جنگ جمل دو اتفاق مهم این ماه است.  
شهادت حضرت زهرا علیها السلام و تحویل پیراهن امام حسین علیه السلام به حضرت زینب علیها السلام دو واقعه جانسوز این ماه است.  
وفات جناب عبدالمطلب علیه السلام، وفات محمد بن عثمان عمری نیز از حوادث این ماه است و مرگ معاویه پسر یزید پایان  
دهنده حکومت بنی امیه است.



## 5 جمادی الاولى

### 1. ولادت حضرت زینب علیها السلام

ولادت با سعادت حضرت زینب علیها السلام در مدینه طیبه در سال پنجم یا ششم هجری در این روز واقع شده است. <sup>(1)</sup> اقوال دیگر در ولادت آن حضرت عبارت است از اوایل شعبان سال 6 ه <sup>(2)</sup>، اول شعبان <sup>(3)</sup>، 30 شعبان <sup>(4)</sup>، ماه رمضان سال 6 ه، دهه آخر ربیع الثانی در سال 5 یا 6 یا 7 ه. <sup>(5)</sup>

پدر بزرگوار آن حضرت امیر المؤمنین علیه السلام، و مادر گرامی اش حضرت صدیقه طاهره علیها السلام است. همسر آن حضرت جناب عبدالله بن جعفر ابی طالب علیه السلام، و فرزندان آن حضرت، علی، عون، عباس، محمد و امّ کلثوم هستند که عون و محمد در کربلا شهید شدند.

کنیه آن مخدره ام کلثوم، امّ عبدالله و امّ الحسن است، ولی کنیه های خاص حضرت امّ المصائب، امّ الرزایا و امّ النوائب است.

لقاب آن مخدره بسیار است، و از آن جمله: عقيله بنی هاشم، عقيله الطالبین، صدیقه صغری (اشاره به مادرش که صدیقه کبری است و پدرش که صدیق اکبر است) عصمت صغری، ولیه الله، الراضیه بالقدر و القضاء، صابره البلوی من غیر جزع و لا شکوی، امینه الله، عالمه غیر معلمه، فهمه غیر مفهممحبوبه المصطفی صلی الله علیه و آله و سلم، ثانیه الزهراء علیها السلام، الشریفه.

- 
1. عقيله بنی هاشم علیها السلام: ص 5. زینب الكبرى علیها السلام: ص 17. مستدرک سفینه البحار: ج 4 ص 316، ج 5 ص 208. تقویم الائمه علیها السلام: ص 71. وفيات الائمه علیها السلام: ص 431. منتخب التواریخ: ص 94-95. العقیلة و الفواطم علیهن السلام: ص 10.
  2. ریاحین الشریعه: ج 3، ص 33.
  3. مستدرک سفینه البحار: ج 5 ص 413. معالی السبطين: ج 2 ص 221. وفيات الائمه علیها السلام: ص 431.
  4. تقویم الائمه علیها السلام: ص 79.
  5. ریاحین الشریعه: ج 3، ص 33.

از نسل علی فرزند حضرت زینب علیها السلام که معروف به زینبی است فرزندان زیادی به دنیا آمده اند، که سیوطی رساله زینبیه را در باره آنها تألیف کرده است. (1)

### ماجرای ولادت حضرت

هنگام ولادت آن حضرت، پیامبر صلی الله علیه و آله در سفر بودند. امیر المؤمنین علیه السلام برای نامگذاری این مولود فرمودند: «بر پیامبر صلی الله علیه و آله سبقت نمی گیرم». تا آنکه حضرت آمدند و منتظر وحی شدند. جبرئیل نازل شد و عرض کرد: خداوند سلام می رساند و می فرماید: «این دختر را زینب نام بگذار، چه اینکه این نام را در لوح محفوظ نوشته ایم».

پیامبر صلی الله علیه و آله حضرت زینب علیها السلام را طلب کرده بوسیدند و فرمودند: «وصیت می کنم به حاضرین و غائبین که این دختر را به خاطر من پاس بدارید، که همانا وی به خریجه کبری علیها السلام مانند است». سکینه و وقار آن حضرت را به خدیجه کبری علیها السلام و عصمت و حیایش را به فاطمه زهرا علیها السلام و فصاحت و بلاغتش را به علی مرتضی علیه السلام و حلم و بردباریش را به حسن مجتبی علیه السلام و شجاعت و قوت قلبش را به حضرت سید الشهداء علیه السلام همانند نموده اند. (2)

ابن حجر در اصابه و ابن اثیر در اسد الغابه در حالات آن حضرت نوشته اند: او عاقله، فهیمه و شجاع بود، و در مجلس یزید لعنت الله علیه حضرت زینب علیها السلام کلماتی فرمودند که دلالت بر قوت قلب آن حضرت دارد. (3) آن حضرت در کرم و بصیرت و حلم مشهور خاندان بنی هاشم و عرب بوده، و بین جمال و جلال، سیرت و صورت و

1. ریاحین الشریعة: ج 3 ص 46، 207. السیدة زینب الکبری علیها السلام من المهد الی اللحد: ص 30، 46. عقيلة بنی هاشم علیها السلام: ص 5، 36. زینب الکبری علیها السلام: 16، 119. وفيات الائمة علیها السلام: ص 431. انساب الطالبین. منتخب التواریخ: ص 94. العقلیة و الفواطم علیهن السلام. تاریخ الخمس: ج 2 ص 317. تذکرة الخواص: ص 175.

2. ریاحین الشریعة: ج 3 ص 38.

3. اسد الغابة: ج 5 ص 469. الاصابة: ج 8 ص 166.

اخلاق و فضیلت جمع کرد. شبها در عبادت بود و روزها روزه و او به اهل تقوی معروف بود.<sup>(1)</sup>

## 6 جمادی الاولى

### 1. جنگ موته<sup>(2)</sup>

در سال 7 یا 8 هجرت در چنین روزی جنگ موته به وقوع پیوست و جعفر بن ابی طالب علیه السلام در سن 41 سالگی به شهادت رسید.<sup>(3)</sup> تعداد مسلمین در این جنگ سه هزار نفر و تعداد کفار صد هزار نفر بود. این جنگ از آنجا آغاز شد که حارث بن امیر ازدی که حامل نامه ای از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به قیصر روم بود، در زمین های موته به دستور شرحبیل بن عمرو سردار لشکر روم دستگیر شد و دستهای او را بستند و گردنش را زدند. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از شنیدن این خبر بسیار ناراحت شدند و لشکری به موته روانه فرمودند. در این جنگ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امیر المؤمنین علیه السلام حضور نداشتند و آن حضرت سه امیر به ترتیب بر لشکر قرار دادند و فرمودند: «هر یک شهید شدند دیگری امیر لشکر باشد. جعفر بن ابی طالب علیه السلام، زید بن حارثه، عبدالله بن رواح».

### شهادت سه فرمانده

هر سه این بزرگواران شهید شدند. اول جناب جعفر به میدان آمد و بعد از مبارزه

- 
1. وفيات الائمة علیهم السلام: ص 441-440. العقیلة و الفواطم علیهن السلام: ص 51-50. مجلة الاسلام: شماره 27، محمد غالب شافعی.
  2. بحار الانوار: ج 21 ص 50. شرح نهج البلاغة: ج 15 ص 61. تاریخ یعقوبی: ج 2 ص 65. تاریخ طبری: ج 2 ص 318. طبقات الکبری: ج 2 ص 128.
  3. وقائع الشهور: ص 94.

دلیرانه ای دو دست آن حضرت را قطع کردند، و با اینکه جراحتهای زیادی بر بدن جناب جعفر وارد شده بود، اما بواسطه هیبت و شجاعتهای آن حضرت در میدان، کسی جرأت جدا کردن سر آن حضرت را نمی کرد. لذا دشمن دفعه حمله کرد و بدن آن حضرت را با نیزه از زمین بلند کردند. در همان لحظه پیامبر ﷺ در مدینه بر فراز منبر تشریف داشتند و ماجرا را برای مردم بیان می فرمودند. ناگهان صورت مبارک را به طرف آسمان بلند کردند و در حق جعفر دعا فرمودند: «خداوند دو بال به آن بزرگوار عنایت فرمود که با ملائکه در بهشت پرواز می کند.»

پس از شهادت هر سه امیر تعیین شده از طرف پیامبر ﷺ، را در یک قبر دفن کردند. از خبر شهادت جناب جعفر پیامبر ﷺ بسیار گریستند و دستور دادند تا سه روز غذا به منزل جعفر ببرند.

### سوابق جعفر

اولین مردی که بعد از علی علیه السلام به امر جناب ابوطالب علیه السلام پشت سر پیامبر ﷺ نماز خواند، جناب جعفر بود. او از برادرش امیر المؤمنین علیه السلام ده سال بزرگتر بود.

در حبشه هنگامی که عمروعاص و دیگران قصد داشتند نجاشی را راضی کنند که جعفر و همراهانش را تحویل دهد، او آیاتی از کتاب الهی تلاوت نمود که نجاشی و اطرافیانش گریستند. عمروعاص چندین بار خواست جعفر و همراهانش را نزد نجاشی افرادی نادرست جلوه دهد ولی نتیجه بر عکس شد و احترام آنها نیز نزد نجاشی بیشتر شد، مخصوصاً زمانی که آیات در رابطه با حضرت عیسی علیه السلام قرائت شد.

آخر الامر عمروعاص غذائی مسموم تهیه کرد و برای جعفر فرستاد که آن حضرت را شهید کند، ولی گربه ای آمد و از آن غذا مختصری خورد و بقیه غذا ریخت و آن گربه هم مرد، و توطئه عمروعاص فاش شد.

در روز فتح خیبر، جعفر به همراه همسرش و دیگر مسلمانان به مدینه آمدند، و پیامبر ﷺ از آمدن آنان بسیار خوشحال شدند و فرمودند: «نمی دانم به کدام خوشحالتر باشم: به فتح خیبر یا به آمدن جعفر؟!»<sup>(1)</sup>

## 10 جمادی الاولی

### 1. جنگ جمل

در سال 36 ه در چنین روزی، جنگ جمل اتفاق افتاد<sup>(2)</sup> و بصره فتح شد و نزول نصر از خداوند کریم بر امیر المؤمنین علیه السلام واقع شد.<sup>(3)</sup> بنا بر قولی در پنجم این ماه واقع شده است<sup>(4)</sup> و قول دیگر نوزدهم این ماه است.<sup>(5)</sup>

ابتدای این واقعه از آنجا شروع شد که بعد از بیعت مردم با امیر المؤمنین علیه السلام، طلحه و زبیر به بهانه عمره از مدینه خارج شدند و به عایشه پیوستند. عبدالله بن عامر که قبلاً عامل عثمان در بصره بود و از طرف امیر المؤمنین علیه السلام عزل شده بود، به مکه آمد و شتری که دویست دینار خریده بود برای عایشه آورد و به طرف بصره حرکت کردند تا به این شهر رسیدند. پس از ورود، به خانه عثمان بن حنیف عامل امیر المؤمنین علیه السلام ریختند و او را اسیر کردند و بسیار کتک زدند و موی ریش و سر و دو ابروی او را کردند.

1. منتخب التواریخ: ص 57 - 58. سیری در شرح نهج البلاغه (ابن ابی الحدید): ج 2، ص 410 - 411. وقایع المشهور: ص 94.
2. مناقب آل ابی طالب علیهم السلام: ج 3 ص 181. بحار الانوار: ج 32 ص 172. تتمه المنتهی: ص 17. فیض العلام: ص 239. التنبیه و الاشراف: ص 256.
3. مسار الشیعه: ص 31. بحار الانوار: ج 97، ص 384. مصباح کفعمی: ج 2، ص 597. العدد القویه: ص 53. مصباح المتهدجد: ص 733. تقویم المحسنین: ص 16. اختیارات: ص 35. تذکره الخواص: ص 71.
4. العدد القویه: ص 54. بحار الانوار: ج 32 ص 211، ج 95 ص 192.
5. منتخب التواریخ: ص 160.

امیر المؤمنین علیه السلام برای مقابله با آنها به طرف بصره حرکت فرمودند. در این جمگ همراه امیر المؤمنین علیه السلام، امام حسن و امام حسین علیهما السلام و همچنین محمد حنفیه و عبدالله بن جعفر و اولاد عقیل و عده ای از جوانان بنی هاشم همراه با عمار و ابویوب انصاری و عده ای از مهاجر و انصار بودند. 80 نفر از اصحاب بدر، 250 نفر از کسانی که با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در بیعت شجره شرکت کرده بودند و 1500 نفر از سایر اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شرکت کردند. (1)

مسلم مجاشعی را همراه با قرآنی فرستادند که بصریان را به حکم قرآن بخواند، ولی آنها مسلم را هدف تیر ساختند و شهید کردند. بعد از موعظه های عمار و فرمایشات امیر المؤمنین علیه السلام، در دهم جمادی الاولی جنگی را که عایشه شروع کرده بود ادامه دادند و امیر المؤمنین علیه السلام در مقام مقابله با آنها بر آمدند. در این جمگ از لشکر امیر المؤمنین علیه السلام که 20 هزار مرد جنگی بودند پنج هزار نفر شهید شدند، و از لشکر عایشه که 30 هزار نفر بودند 13000 نفر کشته شدند. (2)

آخر الامر که پیروزی نصیب لشکر امیر المؤمنین علیه السلام شد، حضرت کنار هودج عایشه آمدند و فرمودند: «ای حمیرا، پیامبر تو را امر کرده بود که به جنگ من بیرون آیی؟ آیا تو را امر نفرمود که در خانه خود بنشین و بیرون نیایی؟ بخدا سوگند، انصاف ندادند آنانکه زندهای خود را پشت پرده پنهان داشتند و تو را بیرون آوردند». محمد بن ابی بکر خواهرش را از هودج بیرون کشید. امیر المؤمنین علیه السلام دستور داد او را به خانه صفیه دختر حارث بن ابی طلحه ببرند و بعد او را به مکه و از مکه به مدینه فرستاد. در این جنگ زید بن صوحان که از بزرگان لشکر و شیعیان امیر المؤمنین علیه السلام بود شهید شد و آن حضرت بالای سرش آمده فرمودند: «ای زید، خدا رحمت کند که تعلقات دنیوی تو اندک بود، و امداد تو در دین بسیار بود».

1. مناقب آل ابی طالب علیه السلام: ج 3 ص 190. بحار الانوار: ج 32، ص 183، 196. امالی طوسی: ص 726.

2. بحار الانوار: ج 32، ص 174، 196، 211. منتخب التواریخ: ص 161-159. تعداد شهدای لشکر امیر المؤمنین علیه السلام را هزار و هفتاد نفر و نیز هزار و هفتصد نفر و به قولی چهار هزار نفر هم گفته اند.



## 2. تحویل پیراهن امام حسین علیه السلام به حضرت زینب علیها السلام

در این روز حضرت زهرا علیها السلام پیراهن ابراهیم خلیل الرحمن علیه السلام را به زینب کبری علیها السلام دادند و فرمودند: «هنگامی که برادرت حسین علیه السلام این پیراهن را از تو خواست، بدانکه ساعتی بیشتر مهمان تو نیست، و سپس به بدترین حالات به دست اولاد زنا کشته می شود».

این برنامه سه روز قبل از شهادت حضرت زهرا علیها السلام بود. (1)

این پیراهن را خداوند در بهشت خلق فرمود و آن را نزد حضرت آدم علیه السلام به امانت سپرد و بعد از انبیا این امانت را حفظ میکردند و در مشکلات با آن به درگاه الهی توسل میجستند، تا به دست پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم رسید و بعد از آن حضرت نزد حضرت زهرا علیها السلام بود. آن حضرت سه روز قبل از شهادت آن را به زینب کبری علیها السلام سپرد، تا در ساعات آخر روز عاشورا آن را به امام حسین علیه السلام تحویل دهد.

## 13 جمادی الاولی

### 1. شهادت حضرت زهرا علیها السلام

شهادت مظلومانه و جانگداز حضرت امّ الائمه النجباء صدیقه کبری فاطمه زهرا علیها السلام در مدینه 75 روز پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم واقع شده است. (2) اقوال دیگر در باره شهادت حضرت در سوم جمادی الثانیه خواهد آمد. در شب چهاردهم، امیر المؤمنین علیه السلام به همراه جمعی قلیل از گلهای سر سبد اصحاب، بدن مطهر صدیقه کبری علیها السلام را به خاک سپردند.

به سند صحیح از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که حضرت فاطمه علیها السلام، 75 روز بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم زنده بود. بنابر مشهور که وفات آن حضرت در 28 صفر باشد،

1. وقایع المشهور: ص 95. بحر المصائب: ج 3 ص 45-46.

2. کافی: ج 1 ص 241، 458، ج 3 ص 228، ج 4 ص 561. بصائر الدرجات: ص 174. تاریخ الائمه علیهم السلام: ص 6. تاریخ قم: ص 194. بحار الانوار: ج 22 ص 454، ج 29 ص 192، ج 43 ص 7، 79، 195. زاد المعاد: ص 374. فیض العلام: ص 246. الهدایة الکبری: ص 176. جنات الخلود: ص 18.

شهادت حضرت صدیقه علیها السلام در 13 یا 14 یا 15 جمادی الاولی می شود. در این سه روز زیارت آن حضرت مناسب است. (1)

## 22 جمادی الاولی

### 1. وفات جناب قاسم بن موسی بن جعفر علیه السلام

در این روز سید جلیل و بزرگوار صاحب کرامات؛ جناب قاسم بن امام کاظم علیه السلام وفات نمود؛ و به قولی وفات آن حضرت در اول ذی الحجه است. (2)

بعد از شهادت حضرت موسی بن جعفر علیه السلام و قتل و زندانی شدن سادات حضرت قاسم از مدینه خارج شد و در باخمرا از حوالی شهر حله مهمان شیخ قبیل به نام شیخ سلیمان شد و آنجا کار می کرد و سپس ازدواج کرد و بعد از فوت در باخمرا دفن شد. (3)

حضرت کاظم علیه السلام به این بزرگوار علاقه فراوانی داشت. کلینی رحمته الله می فرمایند: یکی از فرزندان امام کاظم علیه السلام را حالت موت روی داد و آن حضرت به قاسم فرمود: فرزندم، برخیز و در بالین برادرت سوره صافات بخوان. قاسم رحمته الله شروع به خواندن آن سوره کرد تا رسید به آیه مبارکه «ءَأَنْتُمْ أَشَدَّ خَلْقاً أَمْ خَلَقْنَا» که برادرش از سکرات موت راحت شد و جان داد. (4)

مزار شریفش در هشت فرسخی حله زیارتگاه عموم مردم است، و علما و اخیار به زیارت او عنایتی خاص دارند. (5)

1. فیض العلام: ص 248. مفاتیح الجنان: اعمال ماه جمادی الاولی.

2. حیاة القاسم بن الامام کاظم علیه السلام: ص 99، 100، 195.

3. شجره طوبی: ص 171. حیاة القاسم بن الامام موسی بن جعفر علیه السلام: ص 198-178.

4. کافی: ج 3 ص 126. تهذیب الاحکام: ج 1 ص 427. بحار الانوار: ج 48 ص 289، 310.

5. برای توضیح بیشتر به منتهی الآمال ج 2 ص 23، شجره طوبی ص 171 و وفات القاسم بن الامام کاظم علیه السلام مراجعه شود.

## 27 جمادی الاولی

### 1. وفات جناب عبد المطلب عَلَيْهِ السَّلَام (1)

در هشتمین سال ولادت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ حضرت عبد المطلب از دنیا رفت. (2) لازم به ذکر است که بنا بر فرمایش علامه مجلسی در مرآة العقول، 8 سال و 2 ماه و 10 روز از سن مبارک رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ گذشته بود که عبد المطلب عَلَيْهِ السَّلَام از دنیا رفت، اگر سال قمری باشد روز رحلت 27 جمادی الاولی است و اگر مراد سال شمسی باشد تقریباً 27 شعبان می شود. (3) قول دیگر در وفات آن حضرت روز دهم ربیع الاول است. (4) امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمودند: روز قیامت عبدالمطلب به مانند یک امت با سیمای انبیا و هیبت سلاطین محشور می شود. (5)

### 2. تخریب دو گلدسته حرم عسکرین عَلَيْهِمَا السَّلَام

صبح روز 27 جمادی الاولی سال 1428 ه ساعت 9 به وقت محلی بر اثر وقوع چندین انفجار دو گلدسته طلائی حرم مطهر حضرت هادی و امام عسکری عَلَيْهِمَا السَّلَام تخریب شد. ناصیبیان در ساعت 3 بامداد وارد حرم مطهر آن حضرت شدند و بعد از درگیری با محافظین حرم مطهر اقدام به بمب گذاری در سراسر حرم نمودند.

- 
1. العدد القویه: ص 127. مرآة العقول: ج 5 ص 178. بحار الانوار: ج 15 ص 156. وقائع الشهور: ص 101. منتخب التواریخ: ص 36.
  2. کافی: ج 1 ص 439. مسار الشیعة: ص 39. مصباح المجتهد: ص 732. منتخب التواریخ: ص 5. قلائد النور: ج ربیع الاول، ص 67. تذکرة الخواص: ص 18.
  3. منتخب التواریخ: ص 36.
  4. مسار الشیعة: ص 29. مصباح المجتهد: ص 732. منتخب التواریخ: ص 5. قلائد النور: ج ربیع، ص 67.
  5. کافی: ج 1 ص 447. بحار الانوار: ج 15 ص 157، ج 35 ص 156. شرح نهج البلاغة: ج 14 ص 68.

انفجار نخستین این روز گلدسته طلای سمت چپ حرم شریف را کاملاً تخریب کرد، و انفجار دوم گلدسته سمت راست حرم به طور کامل فرو ریخت. بر اثر این انفجار ها سقف سرداب غیبت به کلی فرو ریخت و بعضی از قسمت های نیمه خراب حرم مطهر نیز تخریب شد.

چون از 16 ماه قبل در 23 محرم 1427 بعد از تخریب گنبد مطهر روضه منوره زیارت آن حرم ممنوع شده بود، این انفجار تلفاتی نداشت.

پس از رسیدن این خبر به شیعیان نجف و کربلا و قم و اکثر شهر های شیعه، دوستان و ارادتمندان به اهل بیت علیهم السلام با برپایی مجالس و بیرون آمدن دسته جات عزاداری به محضر امام عصر علیه السلام عرض تسلیت نموده، از عاملین این جنایت ها اظهار برائت کردند.

### آخر جمادی الاولی

#### 1. وفات محمد بن عثمان عمری رحمته الله

وفات دومین نائب خاص امام عصر صلوات الله علیه، جناب ابوجعفر محمد بن عثمان بن سعید عمری رحمته الله در چنین روزی در سال 304 یا 305 واقع شده است. <sup>(1)</sup>

---

1. الغیبة (شیخ طوسی): ص 364. بحار الانوار: ج 51 ص 352. الکنی و الاقاب: ج 3 ص 268. وقایع الایام: ج شعبان، 345. مستدرک سفینة البحار: ج 5 ص 231. العقبی الحسان: ج 2 ص 23.

## 6 جمادى الثاني



ماه جمادی الثانیه روزهای حزن و سرور را با هم در خود جای داده است. در روزهای 3، 4، 12، 13، 19، 20، 21، 22، 27، 28، 29 ایامی است که این خبرها را می توان در آنها جستجو کرد.

شهادت حضرت زهرا علیها السلام، وفات حضرت امّ کلثوم علیها السلام، وفات حضرت امّ البنین علیها السلام، شهادت سلطان علی بن محمّد الباقر علیه السلام، وفات حضرت سیّد محمّد بن علی الهادی علیه السلام، و شهادت ابراهیم بن مالک اشتر حوادث حزن انگیز این ماه هستند.

روز ازدواج والدین پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم حضرت عبدالله و آمنه علیها السلام، سپردن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به حلیمه سعدیه، ولادت حضرت زهرا علیها السلام، مرگ ابوبکر، مرگ هارون الرشید و قایه سرور آفرین این ماه اند.





### 3 جمادی الثانی

#### 1. شهادت حضرت زهرا علیها السلام (1)

امام رضا علیها السلام می فرماید: «ان فاطمه صدیقه شهیده»: «همانا فاطمه راستگو و شهیده است». (2)

در این روز در سال 11 ه بنا بر قول 95 روز، در روز سه شنبه شهادت حضرت بتول عذراء مظلومه مضروبه حضرت سیده النساء فاطمه زهرا علیها السلام به وقوع پیوسته است.

بعد از شهادت و دفن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سه بار به منزل امیر المؤمنین و فاطمه زهرا علیها السلام هجوم آورده، در هر لار به طریقی جسارت به اهل بیت علیهم السلام کردند. در یکی از این دفعات، که در منزل آن حضرت را آتش زدند و به زور وارد منزل شدند، حضرت صدیقه علیها السلام پشت در بودند.

با اینکه می دانستند آن حضرت پشت در است، با لگد و فشار در را باز کردند، و میخ در سینه آن مخدره را آزد و محسن علیها السلام سقط شد و پهلوی آن حضرت شکست. آن حضرت بیهوش روی زمین قرار گرفت، و حضرت مولی الموحدین علیها السلام را با سر و پای برهنه و دست بسته به طرف مسجد بردند.

---

1. اعلام الوری: ج 1، ص 300. کشف الغمه: ج 1، ص 503. مسار الشیعه: ص 31. توضیح المقاصد: ص 13. مصباح کفعمی: ج 2، ص 597. مصباح المتجهد: ص 732. بحار الانوار: ج 43، ص 9، 170، 188، 196، 215، ج 97 ص 202. تقویم المحسنین: ص 17. اختیارات: ص 6. کفایة الاثر: ص 65. مستدرک سفینه البحار: ج 2 ص 85. دلائل الامامة: ص 134. اقبال: ج 3 ص 161. اللعنة البیضاء فی شرح خطبة الزهراء علیها السلام: ص 886. الذریة الطاهرة: ص 110.

2. اصول کافی: ج 1، ص 458. مسائل علی بن جعفر علیها السلام: ص 325. منتقی الجمال: ج 1 ص 224. روضة المتقین: ج 5 ص 342. مأساة الزهراء علیها السلام: ج 1 ص 100، ص 329. الاسرار الفاطمیة علیها السلام: ص 397. الهجوم علی بیت فاطمة علیها السلام: ص 235.

وقتی حضرت زهرا علیها السلام به هوش آمدند به دنبال امیر المؤمنین علیه السلام رفتند، و از بردن آن حضرت به مسجد مانع شدند. داخل کوچه جلو چشم همسرش اسد الله الغالب امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام، با تازیانه و علاف شمشیر بر بدن حضرت صدیقه شهیده علیها السلام زدند که طبق بعضی روایات از بازوی آن حضرت خون جاری شد و باز بیهوش روی زمین قرار گرفتند.

### روزهای حزن فاطمه علیها السلام

بعد از این وقایع و فجایع آن حضرت بعضی روزها با دلی شکسته و محزون کنار قبور شهدای احد می رفت و می گریست، و مرگ خود را از خداوند طلب می کرد، تا اینکه آهسته آهسته درد و جراحتهای بدن بیشتر شد، و از آن به بعد نزدیک مدینه زیر درختی می نشست و گریه و ناله می کرد. منافقین آن درخت را هم بریدند. بعد از آن امیر المؤمنین علیه السلام در آنجا سایبانی ساختند که مشهور به «بیت الاحزان» شد.

روز به روز بر شدت بیماری بی بی افزوده می شد. سینه شکسته و مجروح، بازوی ورم کرده، صورت نیلی، محسن سقط شده، غم پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، مظلومیت امیر المؤمنین علیه السلام، کار را به جائی رساند که آن حضرت در بستر بیماری افتاد، و وصیت های خویش را به امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: «شبانه مرا از زیر پیراهن غسل بده و کفن کن و دفن نما. قبرم مخفی باشد و ابوبکر و عمر در تشییع و نماز من حاضر نشوند.»<sup>(1)</sup> عایشه و غیر عایشه نیز بر جنازه من حاضر نشوند.»<sup>(2)</sup>

1. بیت الاحزان: ص 262، 247. بحار الانوار: ج 43، ص 171، 182، 183، 214. فیض العلام: ص 261. جنه العاصمه: ص 351، 361. ریاحین الشریعه: ج 2، ص 67. مأساه الزهراء علیها السلام: ج 2، ص 18، 31، 45، 48، 49، 64، 76. فاطمه الزهراء علیها السلام بهجه قلب المصطفی صلی الله علیه و آله و سلم: ص 807، 885. وفاة فاطمة الزهراء علیها السلام (بیومی): ص 104، 105. عوالم العلوم جلد سیّدۃ النساء فاطمه الزهراء علیها السلام: ج 2، ص 1057، 1121. روضة الواعظین: ص 151. مناقب آل ابی طالب علیهم السلام: ج 3، ص 412.

2. سبعة من السلف: ص 253. بحار الانوار: ج 43، ص 189. كشف الغمة: ج 1، ص 503-504. اسد الغابة: ج 5، ص 524. الذریة الطاهرة: ص 112.

روز شهادت آن حضرت، مدینه مثل روز شهادت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله شده بود. کوچک و بزرگ از زن و مرد، نالان و گریان بودند. بدن مطهر آن حضرت شبانه غسل داده شد و هنگام غسل، امیر المؤمنین و حسنین و زینب علیها السلام و فضا خادمه و اسماء بنت عمیس حاضر بودند. سپس عده ای از گلهای سر سبد اصحاب امیر المؤمنین علیها السلام: سلمان، ابوذر، مقداد، عمار و... حاضر شدند و بدن را دفن کردند.

در بقیع، چهل صورت قبر ترتیب دادند و بر آنها مقداری آب ریختند. <sup>(1)</sup> فردای آن روز منافقین قصد نبش قبر را نمودند، ولی امیر المؤمنین علیها السلام اجازه نفرمودند.

احتمالات در محل دفن آن حضرت متعدد است، ولی زیارت آن حضرت در مسجد النبى صلی الله علیه و آله، حجره خود آن حضرت که در زمان ما جزء صحن مسجد است بین محراب و منبر، و در بقیع وارد شده است. اصبغ بن نباته رضی الله عنه نقل می کند از امیر المؤمنین علیها السلام از علت (شبانه) دفن شدن فاطمه زهرا علیها السلام سؤال شد. آن حضرت علیها السلام فرمودند: همانا او بر گروهی خشمناک بود <sup>(2)</sup> و نمی خاست که بر جنازه اش حاضر باشد و حرام است بر دوستان آن گروه که بر جنازه یکی از فرزندان او نماز گزارند. <sup>(3)</sup>

1. مناقب آل ابی طالب علیها السلام: ج 3 ص 412. بحار الانوار: ج 30 ص 349، ج 43 ص 171، 183. دلائل الامامة: ص 136. بیت الاحزان: ص 185.

2. بحار الانوار: ج 28 ص 316، ج 29 ص 329-333، ج 30 ص 387. الغدير: ج 7 ص 174، 190، 226، ج 9 ص 387، 395. رسالة حول حدیث «نحن معاشر الانبياء» (مفید): ص 28. شرح احقاق الحق: ج 10 ص 478، 479، ج 25 ص 546-533، 566، ج 33 ص 356. تقریب المعارف: ص 252. مأساة الزهراء علیها السلام: ج 2 ص 206. الهجوم على بيت فاطمة علیها السلام: ص 196. طبقات الكبرى: ج 2 ص 315، ج 8 ص 28. شرح نهج البلاغة: ج 6 ص 49-50، ج 16 ص 232. الامامی و السياسة: ج 1 ص 31. صحیح بخاری: ج 4 ص 42، ج 5 ص 82. صحیح مسلم: ج 5 ص 154. تاریخ مدینه: ج 1 ص 196. کنز العمال: ج 5 ص 601، ج 7 ص 242. صحیح ابن حبان: ج 11 ص 153، ج 14 ص 573.

3. امالی صدوق: ص 756. مناقب آل ابی طالب علیها السلام: ج 3 ص 412. بحار الانوار: ج 31 ص 620، ج 43 ص 183، 209. مستدرک الوسائل ج 2 ص 290.

مدت عمر آن مخدره مظلومه 18 سال و 60 روز یا 90 روز است. سال شهادت یازدهم هجری است.

### اقوال در شهادت حضرت زهرا علیها السلام

اقوال در شهادت حضرت زهرا علیها السلام چنین است:

1. سی روز بعد از شهادت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم (1).
2. چهل روز بعد از شهادت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم (8 ربیع الثانی). (2)
3. چهل و پنج روز بعد از شهادت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم (سیزدهم ربیع الثانی). (3)
4. شصت روز بعد از شهادت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم. (4)
5. هفتاد روز بعد از شهادت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم. (5)
6. هفتاد و دو روز بعد از شهادت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم. (6)
7. هفتاد و پنج روز بعد از شهادت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم. (7)
8. هشتاد و پنج روز بعد از شهادت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم. (8)
9. نود روز بعد از شهادت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم. (9)

- 
1. مکاتیب الرسول صلی الله علیه و آله و سلم: ج 3 ص 677. تاریخ یعقوبی: ج 2 ص 115.
  2. مناقب آل ابی طالب علیهم السلام: ج 3 ص 406. بحار الانوار: ج 43 ص 212. جنة العاصمة: ص 350. روضة الواعظین: ص 151. مروج الذهب: ج 1 ص 403.
  3. مناقب آل ابی طالب علیهم السلام: ج 3 ص 406. بحار الانوار: ج 43 ص 180.
  4. بحار الانوار: ج 43 ص 217. مکاتیب الرسول صلی الله علیه و آله و سلم: ج 3 ص 680. مستدرک حاکم: ج 3 ص 163. تاریخ دمشق: ج 3 ص 158.
  5. مکاتیب الرسول صلی الله علیه و آله و سلم: ج 3 ص 677. تاریخ یعقوبی: ج 2 ص 115. البداية و النایة: ج 6 ص 367. استعیاب: ج 4 ص 1894. اسد الغابة: ج 5 ص 524.
  6. مناقب آل ابی طالب علیهم السلام: ج 3 ص 406. روضة الواعظین: ص 143. بحار الانوار: ج 43 ص 156. مجمع النورین: ص 158.
  7. کافی: ج 1 ص 241، 458. الخرائج و الجرائح: ج 2 ص 526. بحار الانوار: ج 22 ص 545. اثبات الهداة: ج 4 ص 441. مناقب آل ابی طالب علیهم السلام: ج 3 ص 406.
  8. دلائل الامامة: ص 136. بحار الانوار: ج 43 ص 171. مجمع النورین: ص 157.
  9. بحار الانوار: ج 43 ص 188، 215. ذخائر العقبی: ص 52. طبقات الكبرى: ج 8 ص 28. تهذیب الکنال: ج 35 ص 251. الذریة الطاهرة: ص 109.

10. نود و پنج روز بعد از شهادت پیامبر ﷺ (سوم جمادی الآخر).<sup>(1)</sup>
11. صد روز بعد از شهادت پیامبر ﷺ (هشتم جمادی الآخر).<sup>(2)</sup>
12. صد و دوازده روز بعد از شهادت پیامبر ﷺ (20 جمادی الآخر).<sup>(3)</sup>
13. 4 ماه بعد از شهادت پیامبر ﷺ.<sup>(4)</sup>
14. روز 21 رجب.<sup>(5)</sup>
15. 25 رجب.<sup>(6)</sup>
16. سوم ماه رمضان.<sup>(7)</sup>
17. 6 ماه بعد از شهادت پیامبر ﷺ.<sup>(8)</sup>
18. 8 ماه بعد از شهادت پیامبر ﷺ.<sup>(8)</sup>

علامه مجلسی در ذیل فرمایش امام کاظم علیه السلام می نویسد: این روایت دلالت بر شهیده بودن فاطمه زهرا علیها السلام می کند؛ که البته از متواترات است. سبب آن این بود که آنها بعد از غضب خلافت و بیعت اکثر مردم سراغ امیرالمؤمنین علیه السلام فرستادند. تا بیعت مند ولی آن حضرت نپذیرفت. عمر آتشی آورد تا خانه را با اهل بیت علیهم السلام بسوزاند؛ و

- 
1. بحار الانوار: ج 43، ص 171. دلائل الامامة: ص 46. بیت الاحزان: ص 261. اقبال: ج 3 ص 161. جنة العاصمة: ص 355. البته روز سوم جمادی الآخر به تنهایی و بدون ذکر 95 روز، در روایت شریف امام صادق علیه السلام آمده است که در این صورت اقوال در شهادت صدیقه طاهره علیها السلام به 19 قول می رساند.
  2. بحار الانوار: ج 22، ص 167، ج 43 ص 189، 213. کشف الغمة: ج 1 ص 503. ذخائر العقبی: ص 52. معارف ابن قتیبه: ص 62.
  3. بحار الانوار: ج 43 ص 171. دلائل امامة: ص 136. مناقب آل ابی طالب علیهم السلام: ج 2 ص 112.
  4. وفاة الصديقة الزهراء علیها السلام مقرر: ص 115. مناقب آل ابی طالب علیهم السلام ج 3 ص 406. وقایع الشهور: ص 113. الاصابة: ج 8 ص 267.
  5. مصباح المجتهد: ص 748. زاد المعاد: ص 35.
  6. وقایع الشهور: ص 126.
  7. بحار الانوار: ج 43، ص 189، 214. نور الابصار: ص 42. ذخائر العقبی: ص 52. المناقب (خوارزمی): ج 1، ص 83. الاصابة ابن حجر: ج 8، ص 268.
  8. بحار الانوار: ج 43 ص 183، 200. ذخائر العقبی: ص 52. مسند احمد: ج 1 ص 6. الاصابة: ج 8 ص 266. صحیح بخاری: ج 4 ص 42، ج 5 ص 82.
  9. وفاه الصديقة الزهراء علیها السلام مقرر: ص 115، از الاصابة ابن حجر: ج 8 ص 267. ذخائر العقبی: ص 52. تاریخ دمشق: ج 3 ص 160.

خواستند داخل شوند ولی فاطمه زهرا عليها السلام ممنعات کرد. او درب را به پهلوی فاطمه عليها السلام زد که پهلو شکست و جنینی که پیامبر صلى الله عليه وآله او را محسن نامده بود سقط گردید.

پس از آن مرضی فاطمه عليها السلام شروع شد و در همان مرض از دنیا رفت...<sup>(1)</sup>  
درباره شهادت حضرت زهرا عليها السلام جا دارد مروری بر منابع مربوط به آن داشته باشیم.

درباره آتش زدن در خانه به این مدارک مراجعه کنید:

عوامل: ج 11، ص 400 - 404 - 441 - 343. مؤتمر علماء بغداد: ص 137 135. اثبات الوصیه: ص 143. الغدير: ج 6، ص 391. ارشاد القلوب دیلمی به نقل بحار الانوار. کشف المراد: ص 402-403. نواب الدهور: ص 192. حلیه الابرار: ج 2، ص 652.

درباره اینکه چگونه پهلوی آن حضرت را شکستند، به این مدارک مراجعه کنید:

فرائد السمطين: ج 2، ص 34-35. امالی صدوق: ص 99-101. اثبات الهداه: ج 1، ص 280-281. البلد الامین: ص 551-552. طریق الارشاد: ص 465. اقبال الاعمال: ص 625 (ج 3 ص 166). بحار الانوار: ج 97، ص 200، ج 28، ص 268-270. عوامل: ج 11، ص 400-404. شجرة طوبی: 254، 434، 443.

درباره اینکه حضرت صدیقه عليها السلام را کتک زدند، به این کتب مراجعه کنید:

اثبات الهداه: ج 1، ص 280 - 281. ارشاد القلوب دیلمی: ص 295. المحتضر: ص 109. امالی صدوق: ص 99، 101، 118. مناقب ابن شهر آشوب: ج 2، ص 209. تفسیر برهان: ج 2، ص 434. حلیه الابرار: ج 2، ص 652. الخطط المقریزی: ج 2، ص 346. سیره الائمه الاثنی عشر عليهم السلام: ج 1، ص 132. اعلام النساء: ج 4، ص 124. فرائد السمطين: ج 2، ص 34-35. کتاب سلیم بن قیس رضی الله عنه: ج 2، ص 585، 586، 587، 674، 675، 907. بحار الانوار: ج 28، ص 297، 299. احتجاج: ج 1

---

1. مرآة العقول: ج 5 ص 318. الهجوم على بيت فاطمة عليها السلام: ص 332.

ص 210، 216. دلائل الامامة: ص 134. غاية المرام: ج 5 ص 318، 325. كامل بهائی: ج 1 ص 114.

درباره سیلی و کبودی چشم آن حضرت، به این کتب مراجعه کنید:

سیره الائمه الاثنی عشر: ج 1، ص 132. مأساه الزهراء عليها السلام: ج 1، ص 164، 193. الاسرار الفاطمیه عليها السلام: ص 135.

کامل بهائی: ج 1 ص 114.

درباره علّت شهادت حضرت محسن عليه السلام به این کتب مراجعه کنید:

اثبات الوصیه: ص 143. الوافی بالوفیات: ج 6 ص 17. تراجم اعلام النساء: ج 2، ص 317. فرائد السمطين: ج 2، ص

34-35. امالی صدوق: ص 99-101. بشارة المصطفى عليه السلام: ص 197، 200. روضة المتقين: ج 5 ص 342. النفض:

ص 302. القاب الرسول عليه السلام و عترته عليهم السلام: ص 43. الهداية الكبرى: ص 170. الاختصاص: ص 5، 184. بحار الانوار:

ج 29 ص 192، و ج 30 ص 293-295. جنات الخلود: ص 19. مأساة الزهراء عليها السلام: ج 2 ص 198-136. الملل و النحل

شهرستانی: ص 83. لسان الميزان: ج 1 ص 268.

درباره اینکه آن حضرت شهیده شدند و به مرگ طبیعی از دنیا نرفتند، فرمایش امام رضا عليه السلام کافی است که

می فرمایند: «إنها صديقه الشهيدة»... «همانا فاطمه عليها السلام راستگو و شهیده است.»<sup>(1)</sup> به مدارک زیر نیز مراجعه

کنید:

مزار شیخ مفید: ص 156. مقنعه شیخ مفید: ص 459. بلد الامین: ص 278 198. بحار الانوار: ج 25، ص 373، ج 28،

ص 261 268 270، ج 29، ص 192، ج 43، ص 170، 197، 200، ج 53، ص 23، ج 97، ص 197. مصباح الزائر: ص 26

25. مصباح المتهدد: ص 654. من لا يحضره الفقيه: ج 2، ص 574. تهذيب الاحكام طوسی: ج 6، ص 10. الوافی: ج 14،

ص 1371 1370. جامع الاحادیث الشیعه: ج 12، ص 264. القاب لرسول و عترته عليهم السلام: ص 43 39. مرآة العقول: ج 5

ص 315.

---

1. اصول کافی: ج 2، ص 475. مأساة الزهرا عليها السلام: ج 1 ص 100، 329. الهجوم على بيت فاطمة عليها السلام: ص 235. الاسرار الفاطمیه

عليها السلام: ص 397.

پس در این روز شیعیان باید به عزاداری آن حضرت قیام نمایند و آن مظلومه را زیارت کنند و ظالمان و غاصبان حق او را نفرین نمایند.<sup>(1)</sup>

#### 4 جمادی الثانی

##### 1. مرگ هارون الرشید

در شب چهارم سال 193 ه شقی پلید هارون الرشید در سن 45 سالگی به درک واصل شد.<sup>(2)</sup> و قول دیگر اول جمادی الثانی است.<sup>(3)</sup> او 23 سال خلافت کرد و قبرش پشت سر امام رضا علیه السلام قرار دارد، و جا دارد زائرین هارون را لعنت کنند.

#### 12 جمادی الثانی

##### 1. حرکت به سوی خیبر

در این روز در سال هفتم هجری پیامبر صلی الله علیه و آله با 400 نفر به سوی خیبر حرکت فرمودند و دو روز بعد به آنجا رسیدند.<sup>(4)</sup>

#### 13 جمادی الثانی

##### 1. وفات حضرت امّ البنین علیها السلام

در این روز در سال 64 ه حضرت امّ البنین علیها السلام و مادر قمر بنی هاشم علیها السلام از دنیا رحلت فرمودند.<sup>(5)</sup>

---

1. اقبال: ج 3 ص 161. بحار الانوار: ج 95 ص 375.

2. توضیح المقاصد: ص 13. التنبيه و الاشراف: ص 299.

3. تاریخ خلیفه بن خیاط: ص 377. تاریخ یعقوبی: ج 2 ص 430.

4. وقایع المشهور: ص 107.

5. امّ البنین علیها السلام سیده نساء العرب: ص 84.



نام مبارک آن حضرت فاطمه، و کنیه شریفش امّ البنین است، و آن حضرت به همین کنیه معروفند. پدر آن حضرت حزام بن خالد، و مادرشان لیلی دختر شهید بن ابی عامر است.

امیر المؤمنین علیه السلام آن حضرت را به همسری برگزید و خداوند چهار پسر به آن حضرت عنایت فرمود: حضرت قمر بنی هاشم عباس علیه السلام، عبدالله، جعفر و عثمان علیهم السلام، که هر چهار پسر در کربلا شهید شدند. بانوانی که از کربلا به مدینه مراجعت کردند، در خانه امّ البنین علیها السلام عزاداری می کردند. آن حضرت اگرچه در کربلا نبود ولی از ناله و گریه قرار نداشت و همه روزه به بقیع می رفت و آنقدر جانسوز مرثیه می خواند که مروان با آن همه قساوت قلب گریه می کرد. هنگامی که زنها او را امّ البنین خطاب می کردند و تسلیت می دادند، می فرمود: «دیگر مرا امّ البنین نخوانید...».<sup>(1)</sup> امام باقر علیه السلام می فرماید: «آن حضرت به بقیع می رفت و آن قدر جانسوز مرثیه می خواند که مروان با آن قساوت قلب گریه می کرد.»<sup>(2)</sup> این گریه و زاری حضرت ادامه داشت تا بدرود حیات گفت.<sup>(3)</sup>

علامه مامقانی می نویسد: از علو مقام حضرت امّ البنین علیها السلام همین بس که وقتی بشیر بن جذلم خبر شهادت فرزندان را به او داد، فرمود: «رگ های قلبم را بریدی! فرزندانم و هر آنچه زیر آسمان است به فدای اباعبدالله الحسین علیه السلام باد.»<sup>(4)</sup>

## 19 جمادی الثانی

### 1. ازدواج حضرت عبدالله و آمنه علیها السلام

شب ازدواج حضرت عبدالله و آمنه علیها السلام و باردار شدن آن حضرت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم

1. ریاحین الشریعه: ج 3، ص 294. مقتل الحسین علیه السلام (ابی مخنف): ص 181.

2. بحار الانوار: ج 45 ص 40. مقاتل الطالبیین: ص 56.

3. ریاحین الشریعه: ج 3 ص 294.

4. تنقیح المقال: ج 3، فصل کینه ها، ص 70. العقیلة و الفواطم علیهن السلام: ص 124.

است. (1) سزاوار است مؤمنین آن شب را تعظیم و احترام نمایند و به عبادت احیاء کنند. (2) قول دیگر شب عرفه (3) یا روز عرفه هنگام عصر (4) است.

## 20 جمادی الثانی

### 1. ولادت حضرت زهرا علیها السلام

در چنین روزی حضرت حوراء انسیه، عذراء بتول، امّ ابیها، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در سال پنجم بعثت در مکه مکرمه به دنیا آمد. (5)

### انعقاد نطفه فاطمه علیها السلام

داستان انعقاد نطفه حضرت زهرا علیها السلام مراحلی دارد که ذیلاً خلاصه آن آورده می شود: (6)

1. بحار الانوار: ج 97، ص 168. مستدرک سفینه البحار: ج 2، ص 85. اختیارات: ص 18. جنات الخلود: ص 14. تحفة الزائر: ص 56-57. فیض العلام: ص 272.
  2. اقبال: ج 3 ص 162. فیض العلام: ص 272.
  3. وقائع الشهور: 226، از «اثبات الوصیة» و «خیرات حسان».
  4. مناقب آل ابی طالب علیهم السلام: ج 1 ص 53. بحار الانوار: ج 15 ص 115.
  5. کافی: ج 1، ص 458. اعلام الوری: ج 1، ص 290. کشف الغمه: ج 1، ص 449. فیض العلام: ص 273. العدد القویه: ص 219. مصباح کفعمی: ج 2، ص 597. مصباح المتهدجد: ص 732. بحار الانوار: ج 95، ص 196، ج 97، ص 199. عوالم العلوم ج سیده النساء فاطمه الزهراء علیها السلام: ج 1، ص 66، 67. ریاحین الشریعه: ج 1، ص 59. مستدرک سفینه البحار: ج 2 ص 85. توضیح المقاصد: ص 14. تاج الموالد: ص 21. اختیارات: ص 36. الخصائص الفاطمیة علیها السلام: ج 1 ص 386.
  6. به برخی از منابع مربوط به انعقاد نطفه حضرت زهرا علیها السلام اشاره می شود:
- امام سجاد علیه السلام: بحار الانوار: ج 43، ص 18. تفسیر فرات کوفی: ص 322 - 321. اللمعة البیضاء: ص 116. امام صادق علیه السلام: بحار الانوار: ج 8، ص 120، ج 18 ص 364، ج 42، ص 42. معانی الاخبار: ص 396. تفسیر برهان: ج 2، ص 292.
- امام رضا علیه السلام: بحار الانوار: ج 8، ص 119، ج 4، ص 4، 2. توحید صدوق: ص 118. امالی صدوق: ص 373. عوالم العلوم: ج 1/11، ص 10. سلمان فارسی رضی الله عنه: بحار الانوار: ج 36 ص 361. تفسیر فرات کوفی: ص 211. مدنیة المعاجز: ج 3 ص 224. تأویل الآیات: ج 1 ص 236. جابر عبدالله انصاری رضی الله عنه: دلائل الامامة: ص 146. تفسیر فرات کوفی: ص 216. =

1. در شب معراج خداوند سیب‌ی به پیامبر ﷺ هدیه داد که از عظمت خلقت و بوی و رنگ و زیبایی آن ملائکه تعجب کردند. خداوند امر فرمود تا پیامبر ﷺ آن را میل کند. هنگامی که آن سیب را شکافت، نوری از آن درخشید. جبرئیل گفت: بخور یا رسول الله، که این نور منصوره فاطمه، دختری است که از صلب تو خارج می شود. <sup>(1)</sup> در بعضی روایات است که از رطب بهشتی هم خاتم الانبیاء ﷺ میل فرمودند. <sup>(2)</sup>

2 - در 10 شعبان سال چهارم جبرئیل علیه السلام بر پیامبر ﷺ در ابطح نازل شد و فرمان کناره گیری از حضرت خدیجه علیها السلام را به مدت 40 روز به عنوان مقدمه حمل حضرت زهرا علیها السلام ابلاغ فرمود. <sup>(3)</sup>

با اینکه آن حضرت علاقه وافری به خدیجه علیها السلام داشت و این کار برای آن حضرت پر مشقت بود، ولی برای خدیجه علیها السلام بیگام داد که مدتی به منزل نمی آیم و به منزل فاطمه بنت اسد علیها السلام می روم. شبها در را ببند و در بستر آسایش کن.

پیامبر ﷺ شبها به منزل فاطمه بنت اسد علیها السلام می آمد. هر شب هنگام افطار، خرما و انگور و غذای بهشتی می آوردند. با آب بهشتی و حوله دست آن حضرت را شسته و تمیز می کردند. امیر المؤمنین علیه السلام حسب دستور پیامبر ﷺ جلو در می نشست که کسی

---

= علل الشرائع: ج 1 ص 183. بحار الانوار: ج 43 ص 5. عائشه: الطرائف: ص 111. شرح احقاق الحق: ج 10 ص 6. مناقب امیرالمؤمنین علیه السلام (ابن سلیمان کوفی): ج 2 ص 206. ذخائر العقبی: ص 36. المعجم الکبیر: ج 22 ص 401. تاریخ بغداد: ج 5 ص 87. تاریخ الخمیسی: ج 1 ص 277. میزان الاعتدال: ج 1 ص 81، ج 2 ص 518، ج 3 ص 539. عمر بن خطاب: شرح احقاق الحق: ج 10 ص 5. میزان الاعتدال: ج 1 ص 541، ج 3 ص 261. لسان المیزان: ج 2 ص 297، ج 4 ص 365. عیون اخبار فی مناقب الاخیار: ص 45.

1. بحار الانوار: ج 43 ص 18. بیت الاحزان (محدث قمی): ص 7. عوالم العلوم: ج فاطمه الزهراء علیها السلام، ج 1، ص 36 - 37. تفسیر فرات کوفی: ص 321.

2. دلائل الامامة: ص 147. بحار الانوار: ج 43 ص 4، 6، 42، 50. عوالم العلوم ج فاطمه الزهراء علیها السلام: ج 1، ص 37.

3. وقائع الشهور: ص 140. فلاند النحور: ج شعبان، ص 393.

نیاید و در آن غذا با پیامبر ﷺ شریک شود. در شب چهلم دستور رسید به خانه خدیجه علیها السلام برو که خداوند به خود سوگند خورده که امشب از صلب تو ذریه پاک و طیبه ای بیافریند. حضرت از جا برخاسته و به منزل خدیجه علیها السلام آمدند.

حضرت خدیجه علیها السلام می فرماید: «سوگند به آن کسی که آسمان را برافراشته و آب را از زمین جوشانیده، حضرت از من دور نشده بود که سنگینی فاطمه علیها السلام وجود فاطمه علیها السلام را در خود احساس کردم.»<sup>(1)</sup>

### دوران بارداری خدیجه علیها السلام

هنگامی که حضرت خدیجه علیها السلام دوران آبستنی خود را می گذراند، حضرت فاطمه علیها السلام از داخل شکم با مادر صحبت می فرمود، و او را دلگیری می داد و به صبر و پایداری دعوت می فرمود. پیامبر ﷺ به خدیجه علیها السلام فرمودند: «جبرئیل به من بشارت داد که این مولود دختر است، و او موجودی پاک و با برکت است. خداوند متعال نسل و ذریه مرا از او قرار می دهد، و از نسل او امامانی در امت قرار خواهد داد که بعد از پایان یافتن وحی او، جانشینانش در روی زمین باشند».

هنگام ظاهر شدن آثار وضع حمل، سراغ زنان قریش فرستادند. ولی کسی برای کمک نیامد، چه اینکه آنها راضی به ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام با پیامبر نبودند، و خدیجه علیها السلام از این برخورد غمناک شد. در همین حال چهار زن بلند بالا که شبیه زنان بنی هاشم بودند بر او وارد شدند. یکی از آنان به او گفت: ای خدیجه، غمگین مباش که ما فرستادگان پروردگار تو هستیم. ما خواهران توایم. من ساره هستم، و این آسیه دختر مزاحم و همنشین تو در

---

1. العدد القویة: ص 220-221. بحار الانوار: ج 16 ص 80 - 78. انوار البهیة: ص 54-55. بیت الاحزان: ص 21-19.

بهشت و این مریم دختر عمران و این صفوراء دختر شعیب است. خداوند ما را نزد تو فرستاده تا در کارهای مربوط به زنان به تو کمک کنیم.<sup>(1)</sup> یکی از آنان در سمت راست او، دیگری در سمت چپش، و سومی پیش روی آن حضرت، و چهارمی پشت سر او نشستند.

### فاطمه علیها السلام به دنیا آمد

علیا مخدره خدیجه کبری علیها السلام، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام را پاک و پاکیزه بر زمین نهاد. در این هنگام نوری از وجودش درخشید که تمام خانه های مکه را روشن کرد، و این نور در شرق و غرب درخشش نمود. بانوئی که پیش روی خدیجه علیها السلام بود، حضرت فاطمه علیها السلام را برداشت و با آب کوثر شستشو داد، و پارچه سفیدی که از شیر سفیدتر و از مشک و عنبر خوشبوتر بود بیرون آورد. یکی را بر بدن او پیچیده و دیگری را بر سرش انداخت و سپس از او خواست که سخن بگوید.

حضرت فاطمه علیها السلام لب به سخن گشود، و فرمود: «اشهد ان لا اله الا الله، و انّ ابی رسول الله سیّد الانبیاء و انّ بعلی سیّد الاوصیاء و ان ولدی سیّد الاسباط»: «گواهی می دهم که جز الله خدائی نیست، و پدرم فرستاده خدا و سرور پیامبران است، و شوهرم سرور جانشینان و فرزندانم آقای نوادگان و اسباط هستند».

بعد بر یکایک آنان سلام کرده و هر یک را به اسم صدا زد. آنان بر چهره، او تبسم کردند، و حور العین و بهشتیان یکدیگر را به ولادت حضرت فاطمه علیها السلام بشارت دادند. در آسمان نوری درخشان پدید آمد که ملائکه تا آن روز چنان نوری را ندیده بودند، و لذا نام حضرت را «زهرا» گذاشتند. بانوئی که پیش روی خدیجه علیها السلام تشسته بود، به خدیجه علیها السلام گفت: «او را پاک و پاکیزه و آراسته و با برکت در بر گیر، که در نسل و ذریّه اش برکت قرار داده شده است».

1. در بعضی روایات «حوا» هسمر حضرت آدم علیها السلام ذکر شده است.

خدیجه عليها السلام حضرت را با شادی و خشنودی از دست او گرفته، و سینه در دهانش گذارده و دهان او را پر از شیر کرد، و این گونه بود که فاطمه عليها السلام رشد جسمی خود را آغاز کرد. (1)

## 22 جمادی الثانی

### 1. مرگ ابوبکر

در شب سه شنبه 22 جمادی الثانی در سال 13 هـ عبدالله بن عثمان معروف به ابوبکر بن ابی قحافه در سن 67 سالگی، از این جهان به سوی سزای اعمالش رخت بر بست. (2) به قولی مرگ ابوبکر در 27 جمادی الثانی بوده است. (3)

او مدت دو سال و بیست و دو روز غاصب خلافت بود، و اولین کسی بود که بعد از شهادت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به انتخاب اعضای سقیفه بنی ساعده خلیفه شد. انتخاب ابوبکر به گونه ای بی حساب بود که عمر با آنکه خود گرداننده برنامه سقیفه بود می گوید: «بیعت با ابوبکر امری بدون تدبیر و مشورت و دقت بود، مثل زمان جاهلیت، که خداوند مسلمانان را از شر آن محفوظ داشت. هر کس چنین کاری را تکرار کند او را بکشید». (4)

- 
1. امالی صدوق: ص 691. العدد القویة: ص 223-224. دلائل الامامة: ص 78. المختصر: ص 26. بحار الانوار: ج 16 ص 80. ج 43 ص 3. روضة الواعظین: ص 143-144. انوار البهیة: ص 156-157. شجرة طوبی: ص 248. اللعنة البیضاء فی شرح خطبة الزهراء عليها السلام: ص 230. بیت الاحزان: ص 23.
  2. بحار الانوار: ج 29 ص 517، 521. العدد القویة: ص 344. تتمه المنتهی: ص 10. فیض العلام: ص 279. تاریخ الخلفاء: ص 81. شرح نهج البلاغة: ج 1 ص 166. تاریخ دمشق: ج 30 ص 19. تاریخ یعقوبی: ج 2 ص 138. تاریخ طبری: ج 2 ص 611. مروج الذهب: ج 2 ص 304. مستدرک حاکم: ج 3 ص 63، 81، 238.
  3. مسار الشیعة: ص 32. العدد القویة: ص 343. مصباح کفعمی: ج 2 ص 598. مصباح المجتهد: ص 732. بحار الانوار: ج 95، ص 200.
  4. الغدیر: ج 3، ص 241، ج 5 ص 370، ج 7 ص 79، 171. الايضاح: ص 134، 138، 516. احتجاج: ج 1 ص 381. التعجب: ص 13. بحار الانوار: ج 30 ص 443. شرح نهج البلاغة ج 2 ص 96، 29، 34. تاریخ یعقوبی: ج 2 ص 158. عمر بن خطاب: ص 203. صحیح بخاری: باب رجم الحبلی: ج 8 ص 26. مسند احمد: ج 1 ص 55 حدیث 393. سیرة النبی صلی الله علیه و آله و سلم (ابن هشام): ج 4 ص 308. =

اهل سنت در عت مرگ او نوشته اند: ابوبکر در روز دوشنبه 7 جمادی الاخر غسل کرده بود، و آن روز هوا سرد بود. به این دلیل سرما خورد و تب کرد، و 15 روز این تب ادامه داشت، و به نماز نمی رفت، تا در شب سه شنبه 22 جمادی الاخر بعد از آنکه خلافت را به عمر واگذار کرد، مرد.<sup>(1)</sup>

قبل از وفات عثمان را برای نوشتن وصیت نامه ای در باره خلافت طلب کرد که امر خلافت بعد از ابوبکر با عمر بن خطاب باشد. او کلمه ای گفت و بیهوش شد، و بقیه را عثمان از پیش خود نوشت که امر خلافت با عمر است. ابوبکر به هوش آمد و عثمان را دعا کرد که آنچه او می خواسته نوشته است.<sup>(2)</sup>

باید پرسید: چرا هنگامی که پیامبر در روزهای آخر عمر کاغذ و قلم خواست تا وصی بعد از خود را به امر خداوند معین کند نسبت هذیان به آن مقام معظم دادند؟

ابوبکر هنگام مرگ کلماتی گفت. از جمله اینکه: «کاش تفتیش خانه فاطمه و علی علیهما السلام نمی کردم». همان تفتیشی که شهادت پاره تن پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را به همراه داشت؟

---

= تاریخ طبری: ج 2 ص 446. البداية و النهاية: ج 5 ص 266. تاریخ دمشق: ج 30 ص 281، 283، 285. سبل الهدی و الرشاد: ج 11 ص 127. السيرة النبوية (ابن کثیر): ج 4، ص 487. الفائق فی غریب الحدیث: ج 3 ص 50.

1. تاریخ الخلفاء: ص 81. بحار الانوار: ج 29، ص 521.
2. بحار الانوار: ج 30 ص 519. شرح نهج البلاغة (ابن ابی الحدید): ج 1 ص 165.
3. مروج الذهب: ج 2، ص 308. الايضاح: ص 518. بحار الانوار: ج 30 ص 352. الغدير: ج 7 ص 170. تتمه المنتهی: ص 10. سبعة من السلف: ص 77. خلاصة عقبات الانوار: ج 3 ص 322. السقيفة و فدک: ص 75. تاریخ طبری: ج 4، ص 619. میزان الاعتدال: ج 3، ص 109. شرح نهج البلاغة: ج 20 ص 24. کنز العمال: ج 5 ص 631. تاریخ دمشق: ج 30 ص 420. لسان المیزان: ج 4 ص 189. الامامة و السياسة: ج 1، ص 36.

## 27 جمادی الثانی

### 1 - شهادت سلطان علی بن محمد الباقر علیه السلام

در این روز در سال 116 هـ جناب ابوالحسن سلطان علی فرزند امام باقر علیه السلام در اردهال کاشان به شهادت رسید. <sup>(1)</sup>

عده ای از دوستان اهل بیت علیهم السلام از اهالی چهل حصاران و فین کاشان نامه ای خدمت امام باقر علیه السلام نوشتند، که چون ما از محضر شما دور هستیم یکی از آقازادگان خود را برای راهنمایی و تربیت ما و تعلیم احکام به جانب ما بفرستید.

آن حضرت فرزند بزرگوار خود، جناب علی بن محمد علیه السلام را با رسولان فرستاده، روانه کاشان کردند، و اسباب سفر آن حضرت را برادرش امام صادق علیه السلام فراهم نمودند.

هنگام ورود آن حضرت، در فین حدود شش هزار نفر برای استقبال آمدند، حضرت مدتی در جاسب و خاوه مشغول هدایت مردم بودند، و بیشتر در مسجد جامع کاشان که فعلاً در کوی میدان کهنه واقع است مشغول عبادت بودند و شیعیان برای ادای نماز جمعه خدمتش مشرف می شدند، و کرامات زیادی مشاهده می نمودند.

آن حضرت نامه هایی برای پدر بزرگوارش به مدینه می فرستاد و حالات خود و شیعیان را بیان می فرمود، تا در سال 114 هـ خبر شهادت پدر بزرگوارش به آن حضرت رسید و بعد از سه سال از شهادت پدر بزرگوارش در سال 116 هـ، مخالفین آن حضرت را با عده ای از دوستان و موالیان و منسوبین به آن حضرت شهید کردند.

از آنجا که 27 جمادی الثانی در سال شهادت آن حضرت با 17 مهر ماه شمسی بوده، هر سال به مناسبت سالگرد آن حضرت در جمعه دوم مهر ماه مراسم قالی شویان همراه با عزاداری با شکوهی کنار قبر مطهرش برگزار می شود.

---

1. شرح زندگانی حضرت سلطانعلی بن محمد باقر علیه السلام: ص 62. مرقد المعارف: ج 2، ص 8279. روضات الجنّات: ج 4، ص 212.



هم اکنون در سرداب زیر ضریح مقدس آن حضرت، بدن مبارک حدود صد نفر از آن شهدای بزرگوار تازه و سالم هست، که مرحوم آیه الله سید شهاب الدین مرعشی نجفی مشاهده فرموده اند.<sup>(1)</sup>

## 28 جمادی الثانی

### 1. سپردن صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به حلیمه سعیدیه

در این روز جناب عبدالمطلب عَلَيْهِ السَّلَام نور چشم خود پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را در اطراف کعبه طواف داد و آن حضرت را برای شیر دادن به حلیمه سعیدیه سپرد.

## 29 جمادی الثانی

### 1. وفات حضرت ام کلثوم عَلَيْهَا السَّلَام

جناب ام کلثوم عَلَيْهَا السَّلَام چهار ماه پس از بازگش از کربلا به مدینه از دنیا رفتند.<sup>(3)</sup> پدرشان مولی الموحدین امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام و مادرشان حضرت زهراى مرضیه عَلَيْهَا السَّلَام است.<sup>(4)</sup> صاحب ریاحین الشریعة به نقل از اعیان الشیعة می فرماید: امیر المومنین عَلَيْهِ السَّلَام آن مخدره را به عون بن جعفر طیار تزویج نمودند.<sup>(5)</sup>

---

1. به کتاب «نور باهر» تألیف مرحوم محمد باقر مرندی و «اجساد جاویدان» به نقل از کسانی که همراه آیه الله مرعشی نجفی اجساد مطهر را زیارت کرده اند مراجعه شود.

2. وقایع المشهور: ص 113.

3. ریاحین الشریعة: ج 3 ص 256-244. العقیلة عَلَيْهَا السَّلَام و الفواطم: ص 75.

4. بحار الانوار: ج 42 ص 74. تذکرة الخواص: ص 288.

5. اعیان الشیعة: ج 3 ص 484. ریاحین الشریعة: ج 3 ص 245. العقیلة عَلَيْهَا السَّلَام و الفواطم: ص 79.

آنچه در مورد ازدواج ام‌کلتوم علیها السلام با غیر عون بن جعفر نقل شده از بافته های مخالفین است. آن حضرت در واقعه جانسوز کربلا حضور داشتند و بعد از شهادت امام حسین علیه السلام و اهل بیت و اصحابشان در کنار خواهرشان حضرت زینب علیها السلام از بانوان و یتیمان محفاظت می نمود، و اشعار آن حضرت در فراق در کربلا مشهور و جانسوز است.

پس از عاشورا که بانوان به اسارت کوفه و شام رفتند، خطبه آن حضرت در شهر کوفه و مجلس ابن زیاد، اشعار آن حضرت در قادسیه و قنسرین، اثر دعای آن حضرت در سیبور و بعلبک، کلمات آن جناب با شمر هنگام ورود به دروازه شام، مرثیه های حضرت در اربعین و مراجعت به مدینه، دلالت بر عظمت و شجاعت و صبر آن مخدره دارد.

سرانجام بعد از چهار ماه از ورود به مدینه با دلی پر از غم و اندوه در مصائب کربلا بالأخص شهادت سید الشهداء علیه السلام رحلت نمود و در مدینه منوره دفن شد. به قولی رحلت آن حضرت در ماه 21 جمادی الثانی بوده است. <sup>(1)</sup>

## 2. وفات حضرت سید محمد فرزند امام هادی علیه السلام <sup>(2)</sup>

حضرت سید محمد فرزند امام هادی علیه السلام در سال 252 ه در سامراء از دنیا رفت. <sup>(3)</sup> آن حضرت را ابو جعفر و ابوعلی و سید محمد بعاج نیز گفته اند. جلالت قدر و منزلت او به حدی بوده که عده ای از شیعیان گمان می کردند بعد از امام هادی علیه السلام آن بزرگوار امام خواهد بود، ولی با رحلت ایشان در زمان پدر بزرگوارش بر همه معلوم شد که امام حسن عسکری علیه السلام امام پس از ایشان است.

---

1. وقائع الشهور: ص 110.

2. این تاریخ مشهور بین شیعیان سامرا است و در حرم آن حضرت نیز نوشته شده است.

3. مراقد المعارف: ج 2، ص 262. الامام الهادی علیه السلام من المهد الی اللحد: ص 137. الامام الهادی علیه السلام (شاکری): ص 20.

امام عسکری علیه السلام به جناب سید محمد علیه السلام علاقه وافری داشت، به حدی که هنگام رحلت او گریبان چاک کرد. <sup>(1)</sup> بعد از رحلت، آن حضرت را در آبادی به نام بلد، در شش فرسخی سامراء دفن نمودند، که هم اکنون قبر او در آنجا معروف است.

کرامات زیادی از آن حضرت مشاهده شده، و هم اکنون دارای گنبد و صحن و غرفه های متعدد است، و دوستان اهل بیت علیهم السلام به زیارت آن بزرگوار مشرف می شوند. نسب سادات آل بعاج در عراق و خوزستان به علی و احمد فرزندان سید محمد بعاج منتهی می شود.

تتمه این ماه

## 1. جنگ ذات السلاسل

در این ماه یا در ماه جمادی الاولی سال 8 هـ جنگ ذات السلال اتفاق افتاده است. <sup>(2)</sup>

## 2. نزول آیه تطهیر

در این ماه پیش از نه ماه یا شش ماه <sup>(3)</sup> یا هشت ماه <sup>(4)</sup> از شهادت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم وقت هر نماز یا به هنگام نماز صبح <sup>(5)</sup> در خانه علی بن ابی طالب و

- 
1. کافی: ج 1 ص 327. وسائل الشیعة: ج 3 ص 274. الحدائق الناضرة: ج 4 ص 152.
  2. تنبیه و الاشراف: ص 231. طبقات الکبری: ج 2 ص 131. شرح مسلم: ص 153. نیل الاوطار: ج 1 ص 324.
  3. بحار الانوار: ج 25 ص 223، 227. مسند احمد: ج 3 ص 285، 295. سنن ترمذی: ج 5 ص 31. مستدرک حاکم: ج 3 ص 158. المعجم الکبیر: ج 3 ص 56، ج 22 ص 402. شواهد التنزیل: ج 2 ص 25-18، 138. ینابیع المودة: ج 2 ص 119. اسد الغابة: ج 5 ص 521.
  4. بحار الانوار: ج 43 ص 53. شواهد التنزیل: ج 2 ص 46، 80، 81، 134. الدر المنثور: ج 4 ص 313، ج 5 ص 199. تاریخ دمشق: ج 42 ص 136.
  5. الطرائف: ص 128. بحار الانوار: ج 10 ص 142، ج 35 ص 214، 223. غایة المرام: ج 3 ص 183. ینابیع المودة: ج 1 ص 41، ج 2 ص 59، 119.

فاطمه زهرا عليها السلام آمده، دو طرف درب را می گرفت و فرمود: «السلام عليكم ورحمة الله وبركاته؛ أهل البيت، الصلاة رحمة الله <sup>(1)</sup>! (إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا). <sup>(2)</sup>

### 3. شهادت ابراهیم بن مالک اشتر

در این ماه در سال 71 ه ابراهیم پسر مالک اشتر نخعی رضی الله عنه به شهادت رسید. <sup>(3)</sup>

- 
1. امالی طوسی: ص 565. شواهد التنزیل: ج 1 ص 497، ج 2 ص 2 ص 44، 74، 81، 82. الدر المنثور: ج 4 ص 313، ج 5 ص 199. فتح القدير: ج 3 ص 396.
  2. سوره احزاب: آیه 33. عیون اخبار الرضا عليه السلام: ج 2 ص 217. بحار الانوار: ج 16 ص 203، ج 25 ص 212، 223، ج 79 ص 196. غایة المرام: ج 2 ص 333، ج 3 ص 185. تفسیر مجمع البیان ج 7 ص 68. شرح احقاق الحق: ج 2 ص 584، ج 9 ص 47، 54، ج 24 ص 82. ج 33 ص 57. الدر المنثور: ج 5 ص 199. المناقب خوارزمی: ص 60. ینابیع المودة: ج 1 ص 147. شواهد التنزیل: ج 2 ص 82.
  3. مرآة المعارف: ج 1، ص 37. تاریخ سامراء: ج 2 ص 242.

7 رجب المرجب



ماه رجب بسیار پر خاطره و بیاد ماندنی است. ایام ولادت امامان علیهم السلام و بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از یک سو، و مرگ چند تن از دشمنان معروف اهل بیت علیهم السلام از سوی دیگر، خبرهای خوشی است که این ماه را قرین سرور ساخته است. شهادت معصومین علیهم السلام و چند نفر از یاران با وفای ایشان نیز روزهای حزن آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم در این ماه است.

در روزهای 1، 2، 3، 10، 12، 13، 14، 15، 16، 17، 18، 22، 23، 24، 25، 26 و 27، 28، 29 ماه رجب خاطره هائی تازه می شود که ذیلاً به مرور آنها می پردازیم.

ولادت امیرالمؤمنین علیه السلام، امام باقر علیه السلام، امام جواد علیه السلام، امام علی النقی علیه السلام و حضرت علی اصغر علیه السلام برکات متواصلی است که در این ماه نازل شده است. بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، خروج از شعب ابی طالب علیه السلام، و اعطای فدک به حضرت زهرا علیه السلام خبرهائی هستند که از بعد اعتقادی اهمیت ویژه ای دارند. مرگ معاویه و مأمون و معتمد عباسی نیز ایام شادی برای دوستان اهل بیتند.

شهادت حضرت زهرا علیه السلام به قولی، و نیز شهادت امام صادق علیه السلام و امام موسی بن جعفر علیه السلام و امام هادی علیه السلام روزهای اشک و حزن در این ماه اند. وفات حضرت زینب علیه السلام، حضرت ابوطالب علیه السلام، حضرت خدیجه علیه السلام، ابراهیم فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، و نجاشی پادشاه حبشه خبرهای حزن آور این ماه به شمار می آیند.

همچنین حمله به امام مجتبیٰ علیه السلام در مدائن و خروج امام حسین علیه السلام از مدینه به سوی مکه دو خبر مهم این ماه است. اولین اقامه نماز در اسلام، هجرت مسلمانان به حبشه و بازگشت آنان، تغییر قبله، فتح خیبر به دست امیر المؤمنین علیه السلام، غزوه نخله، ورود امیر المؤمنین علیه السلام به کوفه، اولین خطبه امیر المؤمنین علیه السلام در مسجد کوفه، اول خلافت شوم یزید، فرار ابوبکر و عمر در جنگ خیبر صفحات دیگری از تاریخ اسلام اند که در ماه رجب رخ داده است.



## 1 رجب

### 1. زیارت امام حسین علیه السلام

در شب و روز اول این ماه زیارت مولانا شهید ابی عبدالله الحسین علیه السلام مستحب است. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که فرمودند: «کسی که امام حسین علیه السلام را در روز اول رجب زیارت کند، خداوند متعال گناهان او را می بخشد».<sup>(1)</sup> اگر برای کسی زیارت آن حضرت در آن روز ممکن نباشد، مشاهد مشرفه دیگر معصومین علیهم السلام را زیارت کند و اگر این هم برایش ممکن نبود با سلام از راه دور به طرف آن قبور شریف اظهار ارادت نماید.<sup>(2)</sup>

### 2. ولادت امام باقر علیه السلام

حضرت امام محمد بن علی باقر العلوم علیه السلام در روز جمعه اول رجب سال 57 ه در مدینه متولد شدند. ولادت آن حضرت روزهای سوم و ششم صفر و پنجم و بیست و دوم رجب هم ذکر شده است. نام مبارک آن حضرت محمد، کنیه ایشان ابوجعفر و القاب آن حضرت باقر العلوم، الشاکر لله، هادی، امین و شبیه است، و لقب اخیر به خاطر شباهت آن حضرت به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است.<sup>(5)</sup>

- 
1. تهذیب الاحکام: ج 6 ص 48. کامل الزیارت: 322، 339. وسائل الشیعه: ج 14 ص 465. توضیح المقاصد: 16. مصباح المجتهد: ص 737. بحار الانوار: ج 98 ص 89. فیض العلام: ص 292.
  2. مسار الشیعه: ص 34.
  3. دلائل الامامة: ص 215. مصباح کفعمی: ج 2، ص 599. زاد المعاد: ص 20. مصباح المتهدجد: ص 737. فیض العلام: ص 294. مناقب آل ابی طالب علیهم السلام: ج 4، ص 227. اعلام الوری: ج 1، ص 498. مسار الشیعه: ص 33. قلاند النور: ج رجب، ص 4. بحار الانوار: ج 46، ص 212، 213. اختیارات: ص 36.
  4. مناقب آل ابی طالب علیهم السلام: ج 4 ص 227. بحار النوار: ج 46 ص 216. روضة الواعظین: ص 207. اختیارات: ص 33. تقویم المحسنین: ص 15.
  5. دلائل الامامة: ص 216. مناقب آل ابی طالب علیهم السلام: ج 4 ص 227. بحار الانوار: ج 46 ص 222، 295.

پدر بزرگوارش حضرت امام زین العابدین علی بن الحسین علیه السلام و مادر آن حضرت امّ عبدالله فاطمه دختر امام حسن مجتبی علیه السلام است. امام باقر علیه السلام اولین علوی است که از پدر و مادر نسب شریفش به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امیرالمؤمنین علیه السلام و حضرت زهرا علیها السلام می رسد. (1)

امام صادق علیه السلام در باره امّ عبدالله می فرمایند: «جدّه ام صدیقه بود و در میان فرزندان امام حسن علیه السلام زنی به درجه و مرتبه او نرسید». (2) در عظمت و شرافت این بانو همین بس که با حضرت سید الساجدین علی بن الحسین و باقر العلوم علیه السلام در واقعه کربلا حضور داشت و همراه آن بزرگواران و زینب کبری و دیگر اهل بیت علیهم السلام به اسارت رفت و وقایع کوفه و شام را دید.

## 2 رجب

### 1. ولادت امام علی النقی علیه السلام

در این روز بنا بر قولی ولادت امام هادی علیه السلام واقع شده است. (3) اقوال دیگر در ولادت آن حضرت 15 ذی الحجه، 5 رجب، 27 جمادی الاخر و 3 رجب است، که تفصیل آن در 15 ذی الحجه ذکر شده است.

## 3 رجب

### 1. شهادت امام هادی علیه السلام

شهادت امام علی النقی علیه السلام در سال 254 ه بنا بر مشهور در سن 41 سالگی بوده

---

1. تهذیب الاحکام: ج 6 ص 77. مناقب آل ابی طالب علیهم السلام: ج 4 ص 225. بحار الانوار: ج 46 ص 215. ینابیع الموده: ج 3 ص 158.

2. کافی: ج 1 ص 469. بحار الانوار: ج 46 ص 215، 366.

3 مصباح المتهدد: ص 741. بحار الانوار: ج 50 ص 117، ج 99 ص 79. فائد النحور: ج رجب، ص 18.

است. (1) مرحوم کلینی شهادت آن حضرت را در 26 جمادی الاخر نقل فرموده است. (2) و قول 25 جمادی الاخر هم نقل شده است. (3) مشهور این است که آن حضرت 6 یا 8 سال و 5 ماه داشت که پدر بزرگوار ایشان جواد الائمه علیه السلام به شهادت رسیدند، و آن حضرت به منصب کبرای امامت و خلافت عظمی رسیدند، و مدت امامت آن وجود شریف 33 سال بود. (4)

ایام حیات امام هادی علیه السلام مصادف بود با خلافت بناحق مأمون، معتصم، واثق، متوکل، منتصر، مستعین، معتر لعنته الله علیهم، و آخر الامر معتر آن حضرت را با زهر شهید کرد.

مدت عمر مبارک آن حضرت 41 سال و چند ماه بود. 13 سال در مدینه اقامت فرمودند و بقیه ایام امامت خویش را به اجبار متوکل در سامرا بودند. حاکم مدینه به متوکل نوشت که اگر تو را به مکه و مدینه حاجتی است علی بن محمد علیه السلام را از این دیار بیرون ببر که همه را مطیع خود ساخته است. در مدینه اسباب اذیت و اضرار به آن حضرت را به دستور متوکل زیاد کردند، تا زمانی که آن حضرت را به سامرا بردند و جسارتها کردند، تا اینکه معتر آن حضرت را شهید کرد.

امام عسکری علیه السلام غسل و کفن و نماز بر آن حضرت را انجام داد، و بعداً در ظاهر این امرات توسط دیگران انجام شد و ایشان را در منزل خود در مکان فعلی حرم مطهر دفن نمودند. (5)

- 
1. توضیح المقاصد: ص 16. مسار الشیعه: ص 34. مصباح المتهدد: ص 741. بحار الانوار: ج 50، ص 117 - 192، ج 99، ص 596. مناقب آل علی طالب علیه السلام: ج 4 ص 433. مصباح کفعمی: ج 2 ص 599. تاج الموالید: ص 56. تقویم المحسنین: ص 17. فیض العلام: ص 297. فلائد النحور: ج رجب، ص 22.
  2. اصول کافی: ج 1، ص 497. مناقب آل ابی طالب علیه السلام: ج 4 ص 433، (سه روز آخر رجب مانده). تاریخ قم: ص 203. مروج الذهب: ج 4 ص 170.
  3. تاریخ الائمه علیه السلام: ص 13. کشف الغمة: ج 2 ص 375.
  4. ارشاد: ج 2 ص 297.
  5. ارشاد: ج 2، ص 297، 309. مناقب آل ابی طالب علیه السلام: ج 4 ص 433. بحار الانوار: ج 50 ص 114، 117، 200، 206، 259.

## 5 رجب

### 1. شهادت ابن سکیت رضی الله عنه

یعقوب بن اسحاق معروف به ابن سکیت - از بزرگان امامیه - در شب دوشنبه 5 رجب سال 224 هـ به دستور متوکل عباسی به خاطر تشیع به شهادت رسید و در سامرا دفن شد در حالی که از سن او 58 سال می گذشت.

ابن سکیت خوزستانی از آبادی های دَورَق از اطراف اهواز بود. <sup>(1)</sup> گفته شده چون زیاد ساکت بود به او سکیت می گفتند. <sup>(2)</sup> نجاشی می گوید: یعقوب بن اسحاق السکیت، ابویوسف از نزدیکان حضرت امام جواد و امام هادی علیه السلام بود و از امام جواد علیه السلام روایات و مسائل را نقل کرده است. او از بزرگان علم عربیت و لغت و ثقة ای راستگو بود و دارای کتاب هایی است. <sup>(2)</sup>

### علت شهادت

متوکل عباسی ابن سکیت را ملزم نموده بود تا تادیب دو فرزندش معتز و مؤید را عهده دار شود. یک روز به او گفت: یک روز به او گفت: آیا دو فرزند من نزد تو محبوبترند یا امام حسن و امام حسین علیه السلام? ابن سکیت گفت: به خدا قسم قنبر خادم حصرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام بهتر است از تو و از دو فرزندت. متوکل دستور داد زبان او را از پشت سر خارج نمایند، و با این جنایت او به شهادت رسید. <sup>(4)</sup>

---

1. تاریخ سامراء: ج 2 ص 226. الکنی و الاقاب: ج 1 ص 314. بحار الانوار: ج 104 ص 2. نهج السعادة: ج 7 ص 387. تاریخ بغداد: ج 14 ص 274.

2. هدیه الاحباب: ص 89.

3. رجال النجاشی: ص 449. معجم رجال الحديث: ج 21 ص 138.

الکنی و الاقاب: ج 1 ص 314. تاریخ سامراء: ج 2 ص 232. مواقف الشيعة: ج 2 ص 337. اعلام زرکلی: ج 8 ص 195.

بعضی گفته اند ضرباتی به شکم آن بزرگوار وارد کردند تا شهید شد. (1)

## 7 رجب

### 1. طلب امام رضا علیه السلام برای ولایتعهدی

در 7 صفر سال 200 هـ مامون برای امام رضا علیه السلام نامه ای نوشت و در آن نامه امام علیه السلام را برای ولایتعهدی به مرو احضار کرد. (2)

## 10 رجب

### 1 - ولادت امام جواد علیه السلام

حضرت جواد الائمه علیه السلام بنا بر مشهور در دهم ماه رجب سال 195 هـ به دنیا آمده اند. (3)  
اقوال دیگر در ولادت آن حضرت چنین است: 15 ماه رمضان، (4) 17 ماه رمضان (5)، آخر ذی القعدة، 13 رجب (6).

پدر بزرگوار آن حضرت امام رضا علیه السلام، و مادر آن حضرت جناب سبیکه یا درّه است که حضرت رضا علیه السلام نام ایشان را «خیزران» نهادند. (7)

- 
1. الکنی و الاقاب: ج 1 ص 314. سفینة البحار: ج 2 ص 676. تاریخ الخلفاء: ص 139. سیر اعلام النبلاء: ج 12 ص 18. اعلام زرکلی: ج 8 ص 195.
  2. فلائد النحور: ج رجب ص 63.
  3. اعلام الوری: ج 2، ص 91. مناقب آل ابی طالب علیهم السلام: ج 4، ص 411. زاد المعاد: ص 20. فیض العلام: ص 299. مصباح کفعمی: ج 2، ص 599. مصباح المتجهد: ص 741. بحار الانوار: ج 50، ص 7، 14. تاج الموالید: ص 52. اختیارات: ص 36. تقویم المحسنین: ص 17.
  4. مسار الشیعة: ص 7. مناقب آل ابی طالب علیهم السلام: ج 4 ص 411. تاج الموالید: ص 52. تاریخ قم: ص 200. روضة الواعظین: ص 243. تقویم المحسنین: ص 11.
  5. مناقب آل ابی طالب علیهم السلام: ج 4 ص 411. تاج الموالید: ص 52.
  6. زاد المعاد: ص 21. مصباح المتجهد: ص 754.
  7. اعلام الوری: ج 2 ص 91. بحار الانوار: ج 50 ص 7.

نام آن حضرت محمد، و کنیه ایشان ابوجعفر و مشهورترین القاب آن حضرت تقی و جواد است. حضرت رضا علیه السلام آن حضرت را با کنیه یاد می کردند، و می فرمودند: «ابوجعفر به من نامه نوشته است»، و نامه هائی که از آن حضرت می رسید در نهایت جلالت و زیبایی بود، و هنگامی که امام علیه السلام می خواستند نامه برای امام جواد علیه السلام بنویسند آن حضرت را به بزرگی و احترام مورد خطاب قرار می دادند، و فرمودند: «ابوجعفر وصی و جانشین من در خانواده ام بعد از من است».<sup>(1)</sup>

یک روز در ایام کودکی حضرت جواد علیه السلام آن حضرت را نزد پدر بزرگوارش امام رضا علیه السلام آوردند. آن حضرت فرمودند: «این مولودی است که برای شیعه مبارکتر از او دنیا نیامده است».<sup>(2)</sup> چرا که چهل سال و چند ماه از سن مبارک امام رضا علیه السلام گذشته بود و آن حضرت هنوز اولادی نداشتند، و بعضی از شیعیان در امر امامت نگران بودند، هنگامی که خداوند جواد الائمه علیه السلام را به مولایمان حضرت رضا علیه السلام داد، نگرانی و شک و تردید مردم برطرف شد.

## 2 - ولادت حضرت علی اصغر علیه السلام

ولادت با سعادت حضرت باب الحوائج علی اصغر علیه السلام در این روز واقع شده است.<sup>(3)</sup> با در نظر گرفتن اینکه آن حضرت در شش ماهگی در روز عاشورا در کربلا به شهادت رسید، ولادت حضرت مطابق این روز می شود. بعضی هم ولادت آن حضرت را در روز 8 یا 9 ثبت کرده اند. نام شریف آن حضرت عبدالله مشهور به علی اصغر است. لقب شریفش باب الحوائج، رضیع، مذبوح من الاذن الی الاذن است. پدر بزرگوارش امام حسین علیه السلام، و مادر والامقامش حضرت رباب دختر امرء القیس کلبی است.

- 
1. عیون اخبار الرضا علیه السلام: ج 1، ص 266. بحارالانوار: ج 50 ص 18. مدینه المعاجز: ج 7 ص 284.
  2. کافی: ج 1، ص 321. انوار البهیة: ص 252. ارشاد: ج 2، ص 279. روضة الواعظین: ص 237.
  3. تقویم الائمه علیهم السلام: ص 73، 78. سحاب رحمت: ص 535.
  4. کلمات الامام الحسین علیه السلام: ص 478. معالی السبطين: ج 1 ص 259. ینایع المودة: ج 3 ص 79.

قاتل آن حضرت، حرمله بن کاهل اسدی ملعون است که قلب امام حسین علیه السلام و اهل بیت و شیعیان، بلکه هر شنونده این مصیبت را می سوزاند.

## 12 رجب

### 1. مرگ معاویه

مرگ معاویه در این روز در سال 60 هـ معاویه ابی سفیان لعنه الله علیه در سن 78 سالگی در شام به درکات جهنم شتافت. <sup>(1)</sup> روز شادی اهل ایمان و حزن و اندوه اهل کفر و طغیان است. و روزه این روز به جهت شکر الهی بر هلاکت معاویه مستحب است. <sup>(2)</sup>

### نسب معاویه

کلبی نسابه و ابن روزبهان که از ثقات نزد علمای اهل سنت هستند، نقل کرده اند که معاویه فرزند چهار نفر بوده: عماره، مسافر، ابوسفیان و مردی که اسم او را نمی برند. راغب اصفهانی در محاضرات و ابن ابی الحدید از ربیع الابرار زمخشری نقل می کنند که معاویه را به چهار کس نسبت می دادند: مسافر بن ابی عمرو، عماره بن ولید بن مغیره، عباس و صباح که مغنی عماره بن ولید بود. مادر معاویه هند با صباح که جوان خوش روئی بود و کارگر ابوسفیان بود الفتی تمام داشت! اما به ظاهر او را معاویه بن ابی سفیان بن حرب می گویند. <sup>(3)</sup>

1. مسار الشیعه: ص 34. فیض العلام: ص 120.

2. اقبال: ج 3 ص 260. فیض العلام: ص 316.

3. بحار الانوار: ج 33 ص 201، 198. الغدیر: ج 10 ص 169، 170. نهج الحق: ص 307. الزام النواصب: ص 166. الطرائف: ص 501. الصراط المستقیم: ج 3 ص 46. احقاق الحق: ص 263. اربعین قمی: ص 631. کشف الهاویة: ص 15، 14. تتمه المنتهی: ص 52-47. منتخب التواریخ: ص 448-449. وقایع الایام: ج رجب، ص 174. شرح نهج البلاغة: ج 1 ص 335. مثالب العرب: ص 73-72، 77. ربیع الابرار: باب القرابات و الانساب. تذکرة الخواص: ص 184.

ابوسفیان مردی زشت و کوتاه قد بود، و یک چشم او در طائف و چشم دیگرش در یرموک کور شده بود.<sup>(1)</sup> باطنش کورتر از چشمش بود و نهایت عداوت و دشمنی با پیامبر ﷺ را داشت. ابوسفیان در هر جنگ و فتنه ای که بر علیه پیامبر ﷺ به وجود می آمد دخالت داشت و در سال فتح مکه از ترس اسلام آورد و با نفاق زندگی کرد تا در سن 82 سالگی در سال 30 هـ به درک رفت.

مخفی نماند که حمامه یکی از جدات معاویه است که در بازار المجاز صاحب پرچم و مشهور بود! و از این جا نسب ابوسفیان هم معلوم می شود. مادر معاویه هند است که از ذوات الاعلام است و میل فراوانی به غلامان سیاه داشت!! و از توضیح حال پدر معاویه وضع مادر او هند روشن می شود.<sup>(2)</sup>

پیامبر ﷺ دائماً معاویه را لعنت می کرد و می فرمود: «لعن الله معاویه، الطلیق بن الطلیق، اللعین بن اللعین» و می فرمود: «هنگامی که معاویه را بالای منبر من دیدید او را بکشید.» معاویه از مؤلفه قلوبهم بود. او تا اواخر زمان پیامبر ﷺ مشرک بود و وحی الهی را تکذیب می کرد و اسلام را به تمسخر می گرفت.

در روز فتح مکه او در یمن بود و به پیامبر ﷺ جسارت می کرد و پدرش را که به ظاهر مسلمان شده بود سرزنش می کرد و اشعاری در این رابطه برایش می سرود.

پیامبر ﷺ خون او را مباح کرده بود؛ و لذا از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرار می کرد تا اینکه پنج ماه قبل از شهادت رسول خدا ﷺ به ظاهر اسلام اختیار کرد، و به عموی پیامبر ﷺ پناه آورد تا شفاعتش را نزد رسول خدا ﷺ کند. او نیز شفاعت کرد و پیامبر ﷺ پذیرفت.<sup>(3)</sup>

---

1. الکلی و الالقاب: ج 1 ص 88. اسد الغابة: ج 13-12. تاریخ دمشق: ج 23 ص 437. لأحاد و المشانی: ج 1 ص 363. الاعلام زرکلی: ج 3 ص 201.

2. آخر ماه ذی الحجه روز مرگ هند است که احوال او در آنجا ذکر شده است.

3. منتخب طریحی: ص 14. احقاق الحق: ص 265. التعجب من أغلاط العامة: ص 106. تنمه المنتهی: ص 47.



## حکومت معاویه در شام

یزید بن ابی سفیان از طرف ابوبکر با لشکر مسلمین به طرف شام رفت، معاویه هم همراه آنها بود یزید در شام مرد و ابابکر ولایت شامات را به معاویه واگذار کرد و به این حال بود تا زمان خلافت امیرالمؤمنین علیه السلام که طغیان معاویه علیه آن حضرت شروع شد. پس اساس ظلمهای معاویه را هم ابوبکر بنا نهاد.

معاویه در سال 45 هـ برای پسرش یزید بیعت گرفت. او اول کسی بود که دشنام بر امیرالمؤمنین علیه السلام را ترویج کرد و در آخر خطبه نماز جمعه لعن و جسارت بر امیرالمؤمنین علیه السلام می کرد. او دستور داد در تمام شهرها این لعن انجام شود و تا زمان عمر بن عبد العزیز ادامه داشت تا اینکه او لعن بر آن حضرت را منع کرد. (1)

### دشمنی معاویه با امیرالمؤمنین علیه السلام

معاویه به صحابه و تابعین دستور داد تا حدیث در مذمت امیرالمؤمنین علیه السلام جعل کنند، و عده زیادی از محبین و ارادتمندان آن حضرت را شهید کرد مانند جناب مالک اشتر نخعی که در قلزم مصر به سم شهید شد. (2) امام مجتبی علیه السلام را به دست جعد عیال آن حضرت مسموماً شهید کرد.

معاویه مردی خوش گذران و پرخور بود، به حدی که از کثرت خوردن می گفت: «خسته شدم ولی سیر نشدم»، و این به خاطر نفرین حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم در باره او بود که فرمود: «لا أشبع الله بطنه»: «خدا شکمش را سیر نکند». (3) او در نفاق و عوام فریبی تجربه به سزائی داشت. محدث قمی رحمته الله نقل می کند که دویست خبر از طریق معتمد اهل سنت در مذمت معاویه نقل شده است.

1. بحار الانوار: ج 33، ص 214. تذکرة الخواص: ص 65.

2. مراقد المعارف: ج 2، ص 223، 228. تاریخ دمشق: ج 56 ص 378.

3. شرح الاخبار: ج 2 ص 166، 536. الطرائف: ص 504. بحار الانوار: ج 22 ص 248، ج 33 ص 190، 194، 195، 209، ج 44 ص 76.

77. الغدير: ج 11 ص 79، 89. صحیح مسلم: ج 8 ص 27. شرح نهج البلاغة: ج 15 ص 176. طبقات المحدثین باصبهان: ج 3 ص 34.

تاریخ طبری: ج 8 ص 186.

## ماجرای مرگ معاویه

آخر الامر معاویه در مسیر مکه به شام بیمار شد، به حدی که می لرزید و دهان او بسته نمی شد، تا وارد شام شد و در آنجا جان به مالک دوزخ داد و رهین اعمال خویش گردید. هنگام مرگ سن او را 75 یا 82 یا 92 سال نقل کرده اند.

جنايات او زياده از آن است که در این مختصر بگنجد ولی در هنگام مرگ به یکی از خواص خود گفت: چند گناه بزرگ کرده ام: حق علی بن ابی طالب را غصب کردم، حسن بن علی را با فریب دادن جعهده به شهادت رساندم، و یزید را به جانشینی خود انتخاب کردم، و حجر بن عدی و اصحاب او را به قتل رساندم.<sup>(1)</sup> در مرگ معاویه بعضی فقط ماه را ذکر کرده اند<sup>(2)</sup> و بعضی 4 رجب<sup>(3)</sup> و برخی 22 رجب ذکر نموده اند.<sup>(4)</sup> 12 رجب، 14 رجب، 15 رجب هم نقل شده است که این 3 قول به یکدیگر نزدیک ترند.<sup>(5)</sup>

## 2. ورود امیر المؤمنین علیه السلام به کوفه

در این روز در سال 36 هـ امیر المؤمنین علیه السلام بعد از واقعه جمل وارد کوفه شدند و آن شهر را به عنوان مقرر حکومت انتخاب نمودند، و اولین خطبه را در شهر کوفه در این روز ایراد فرمودند.<sup>(6)</sup>

1. منتخب التواریخ: ص 449. وقایع الایام: ج رجب، ص 173.
2. الدرجات الرفیعه: ص 423. تاریخ الخلفاء: ص 198.
3. تاریخ بغداد: ج 1 ص 224. تاریخ دمشق: ج 59 ص 238. تاریخ خلیفه بن خیاط: ص 174.
4. زاد المعاد: ص 35. تقویم المحسنین: ص 18. فیض العلام: ص 316. اختیارات: ص 37. صحیح ابن حبان: ج 15 ص 39. تاریخ دمشق: ج 59 ص 237.
5. مصباح کفعمی: ج 2 ص 598. روضة الواعظین: ص 171. فیض العلام: ص 309. تنمة المنتهی: ص 52-47. منتخب التواریخ: ص 448. وقایع الایام: ج 1 ص 172.
6. بحار الانوار: ج 32، ص 352، 382. وقایع الایام: ج 1، ص 118، 178. قلاند النحور: ج رجب، ص 104. تذکرة الخواص ص 80.

1. ولادت امیر المؤمنین علیه السلام

اولین امام مؤمنین و خلیفه الله بلا فصل بعد از رسول الله خاتم النبیین صلی الله علیه و آله و سلم، برادر، پسر عمو، وزیر و داماد او سید الوصیین، امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام در روز جمعه 13 رجب در بیت الله الحرام، داخل کعبه معظمه به دنیا آمد، که قبل از او و بعد از او مولودی در آنجا بدنیا نیامده و نخواهد آمد. (1)

القاب امیر المؤمنین علیه السلام

اسم شریفش علی علیه السلام است. صاحب کتاب الانوار می گوید: علی بن ابی طالب علیه السلام در

1. ارشاد مفید: ج 1، ص 5. اعلام الوری: ج 1، ص 306. تهذیب شیخ طوسی: ج 6، ص 19. مصباح المتهجد: ص 741 - 754. مصباح کفعمی: ج 2، ص 599. بحار الانوار: ج 35 ص 7، 8، ج 97 ص 383. کشف الغمّة: ج 1، ص 59. العمدّة: ص 24. توضیح المقاصد: ص 17. تاج الموالید: ص 12. الغدیر: ج 6 ص 22. الصحیح من السیرة: ج 2 ص 159. زاد المعاد: ص 21. مستدرک حاکم: ج 3، ص 483. مناقب خوارزمی: ص 12، 13.

حاکم در مستدرک ج 3 ص 483 می گوید: اخبار متواتر است در اینکه فاطمه بنت اسد علیها السلام حضرت امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام را در داخل کعبه به دنیا آورده است.

ولی الله دهلوی در کتاب «ازاله الخلفاء» می گوید: اخبار متواتر است در اینکه فاطمه بنت اسد علیها السلام امیر المؤمنین علیه السلام را در داخل کعبه در روز جمعه 13 رجب 30 سال بعد از عام الفیل به دنیا آورده است، و کسی قبل از آن حضرت و بعد از آن حضرت در آن مکان به دنیا نیامده است. الغدیر: ج 6، ص 22. زاد المعاد: ص 21.

کلمات بزرگان شیعه در این باب زیادتیر از آن است که در این مختصر ذکر شود. به جلد 6 الغدیر تحت عنوان «ولادة امیر المؤمنین علیه السلام فی الکعبه» و کتاب «علی علیه السلام ولید الکعبه» مرحوم اردوبادی و کتاب «ولید الکعبه» حسینی جلالی و کتاب «شرح احقاق الحق، ج 5 و 7 و 17 و 30 و 33» و مجله «ترثنا شماره 26» مراجعه شود.

مدارکی از کتب اهل خلاف که دلالت دارد ولادت امیر المؤمنین علیه السلام در داخل کعبه بوده است: کتاب الحسین علیه السلام: ج 1، ص 16. مروج الذهب: ج 2، ص 358. تذکره خواص: ص 20. الفصول المهمة: ص 14. السیرة النبویة: ج 1، ص 150. مطالب السؤل: ص 11. محاضرة الاوائل: ص 120. نزهة المجالس: ج 2 ص 204. نور الابصار: ص 76. کفایه المطالب: ص 37. نظم درر السمطین: ص 80.

کتاب خدا 300 اسم دارد. مشهورترین القاب آن حضرت امیرالمؤمنین است و ابن شهر آشوب بیش از 850 لقب برای آن حضرت ذکر نموده است.

مشهورترین کنیه های آن حضرت ابوالحسن علیه السلام است. اضافه بر اسامی و القابی که آن حضرت در کتابهای مختلف آسمانی به زبانهای مختلف دارند... چه اینکه آن حضرت نزد اهل آسمان معروف به «شمساطیل» است. در زمین «جمحاتیل»، در لوح «قنصوم»، در قلم «منصوم»، در عرش «معین»، نزد رضوان «امین» است، نزد حور العین «اصب» است، در صحف ابراهیم علیه السلام «حزبیل» است، در عبرانیه «بلقیاطیس»، در سریانیه «شروحیل»، در تورات «ایلیا»، در زبور «اریا»، در انجیل «بریا»، در صحف «حجر عین»، در قرآن «علی علیه السلام» است. (2)

از القاب دیگر این اسماء است: ابو الائمة، خلیل النبوة، المخصوص بالاخوة، یعسوب الایمان، یعسوب الدین، میزان الاعمال، سیف ذی الجلال، صالح المؤمنین، وارث علم النبیین، الحاکم فی یوم الدین، شجرة التقوی، حجة الله البالغة، نعمة الله السابعة، الصراط الواضح، الامام الناصح، الوصى، البر، التقی، النبأ العظیم، الصدیق الرشید، الزکی، نور الله التام، سید الوصیین، کلمة الرحمن، الباقر علوم الادیان، التالی سور القرآن، الثاقب لحجاب الشیطان، الجامع لاحکام القرآن، الذاکر ربه فی السر و الإعلان، الربیع الباکر، اللازم لأوامر الرحمن، امام الاتقیاء سید النجباء، هادی الاولیاء، قبله الرحماء، امیر الامراء، قدوة الاوصیاء، افصح کل ذی شفقتین، مفقه الفقهاء، اقضى ذوی القضاء، ابصر ذی عینین، أسمع ذی أذنین، ولی الله، الشهید، ابوالشهداء، زوج فاطمة الزهراء علیها السلام، معز الاولیاء، مذل الاعداء، العروة الوثقی، مفتاح الهدی، الحجة العظمی، الاحسان، الآیة، القصر المشید، القاضی، امیر النحل، الامام الاول، نور الله الجلیل، هارون، الزيتون، کشاف الکرب، الهاشمی الأم و الأب، مفتوح الباب الی

1. مناقب آل ابی طالب علیهم السلام: ج 3، ص 319-321.

1. مناقب آل ابی طالب علیهم السلام: ج 3، ص 319. بحار الانوار: ج 35 ص 62. انوار العلویة: ص 5.

المحراب عند سد ابواب سائر الاصحاب، السابق بالخيرات، القبلة للسادات، عين الحياة، العالم الزاهد، الحسنة، الحميد، الحق، خير البشر، المحمود، الذكر، الذاكر، ذو القبری، ذو المحن، الامام الطاهر، الصديق الاكبر، الشفيق في المحشر، بدر الاكبر، ساقی ی مراد الكوثر يوم الحشر و من اعطى رسول الله ﷺ بنسله الكوثر، صاحب ذی الشمس، الثاني من الخمس، المعصوم، الحنيف، الدليل، الميزان بالقسط، السيد الاورع، ابو شبير و ابو شبر المسمى بحيدر و ما ادراك ما حيدر، صاحب برائة و غدیر خم و راية خيبر، النجم اللائح، خير البرية.

#### والدين امير المؤمنين ﷺ

پدر والامقام آن حضرت، سيّد بطحاء حضرت ابوطالب ﷺ<sup>(1)</sup>، و مادر آن حضرت فاطمه بنت اسد هاشم بن عبد مناف، بانوی حرم حضرت ابوطالب ﷺ است که انوار امامت و ولايت اولاً از آن خزانه عصمت و حياء و عفت به ظهور آمده و اولين هاشميه ای است که چنين اختر فروزنده ای آورد.

آن حضرت نه تنها مادر امير المؤمنين ﷺ بود، بلکه بعد از وفات عبدالمطلب ﷺ که شش یا هشت سال از سن مبارک پیامبر ﷺ گذشته بود و آن حضرت به ابوطالب عليه السلام سپرده شده بود فاطمه بنت اسد ﷺ در حق پیامبر ﷺ مادری می کرد و همیشه او را بر فرزندان خود مقدم می داشت و همه روزه از آن حضرت علامات نبوت را مشاهده می نمود و پیامبر خدا ﷺ آن حضرت را مادر خطاب می کرد.<sup>(2)</sup>

همچنين بعد از رحلت حضرت خديجه كبرى ﷺ، پیامبر ﷺ فاطمه زهرا ﷺ را به فاطمه بنت اسد ﷺ سپردند. ایشان برای آن حضرت مادری می کرد و دردامان عزت خود آن مستوره دو جهان را با جان و دل سرپرستی می کرد تا زمانی که از دنیا رفت.<sup>(3)</sup>

1. مختصری از احوال حضرت ابوطالب ﷺ در 26 رجب ذکر می شود.

2. کافی: ج 1 ص 453. منتخب التواریخ: ص 113-114.

3. تلخیص از ریاحین الشریعه: ج 3، ص 3-6.

آن حضرت در سال چهارم هجری در مدینه طیبه از دنیا رفت، و در بقیع مدفون شد. هنگامی که امیرالمؤمنین علیه السلام خبر فوت والده اش را به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دادند آن حضرت فرمودند: «او مادر من بود». بعد عمامه و لباسش را داد که فاطمه علیها السلام را به آنها کفن کنند و خود حضرت بر جنازه نماز خواند و چهل تکبیر بر جنازه گفت و فرمود: «چون چهل صف از ملائکه به جنازه اش نماز خوانند چهل تکبیر گفتم». بعد در قبر خوابید و هنگام دفن او را تلقین فرمود و در باره او دعا کرد. (1)

حدیث ولادت امیرالمؤمنین علیه السلام هم دلالتی بر صلابت ایمان فاطمه بنت اسد علیها السلام مادر آن حضرت دارد. (2)

#### نور امیرالمؤمنین علیه السلام در اصلاب پدران

نوری که از عرش پروردگار آمده بود، در انبیاء و اوصیاء یکی بعد از دیگری منتقل شده تا به عبدالمطلب علیه السلام رسید و بعد آن نور دو قسم شد. نوری در پیشانی مبارک عبدالله علیه السلام پدر بزرگوار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که آن نور بعداً به پیشانی آمنه علیها السلام و سپس در صورت مبارک خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله و سلم منتقل شد. نصف دیگر نور در پیشانی مبارک ابوطالب علیه السلام قرار گرفت.

خداوند به ابوطالب علیه السلام چند فرزند عطا فرمود: عقیل، طالب، جعفر، فاخته یا امّ هانی، جمانه و علی امیرالمؤمنین علیه السلام. هنگامی که خداوند علی علیه السلام را به ابوطالب و فاطمه بنت اسد علیها السلام داد، آن نور در صورت فاطمه بنت اسد علیها السلام درخشندگی می کرد.

#### محل ولادت امیرالمؤمنین علیه السلام

مکان ولادت امیرالمؤمنین علیه السلام اشرف بقاع یعنی حرم است. اشرف اماکن حرم مسجد

1. کافی: ج 1 ص 453. بحار الانوار: ج 35 ص 70. اعلام الوری: ج 1 ص 306. روضة الواعظین: ص 142. منتخب التواریخ: ص 113.

2. ریاحین الشریعه: ج 3، ص 6-7.

است، و اشرف بقاع مسجد کعبه است. مولودی جز آن حضرت در آن مکان بدنیا نیامده است، آن هم در سید ایام روز جمعه، در ماه حرام و در بیت الحرام!!<sup>(1)</sup>

امیر المؤمنین علیه السلام سه روز چشم مبارک را باز نکرد، تا او را خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آوردند. آنجا بود که چشم باز کرد. آن حضرت فرمود: «او مرا مخصوص به نظر خود قرار داد و من او را مخصوص به علم خویش قرار دادم». <sup>(2)</sup> سپس آن حضرت را در آغوش کشید و به منزل ابوطالب علیه السلام آورد.

#### پیشگویی از ولادت امیر المؤمنین علیه السلام

جابر بن عبدالله می گوید: راهبی بود به نام «مثرم بن رعیب» که 190 سال عبادت کرده بود، ولی حاجتی از خدا نخواستہ بود. روزی از خداوند خواست یکی از اولیائش را به او بنمایاند. خداوند متعال جناب ابوطالب علیه السلام را نزد او فرستاد و بعد از آن که راهب دانست این اقا چه کسی است، به آن حضرت بشارت داد که ای ابوطالب، خداوند به تو پسری عنایت می فرماید که او ولی خداست و اسم شریف او علی است. هنگامی که او را درک کردی سلام مرا به او برسان و به او بگو که مثرم راهب، اقرار می کند به وحدانیت خدا و به ولایت تو یا امیر المؤمنین علیه السلام شهادت می دهد.

هنگام رفتن جناب ابوطالب علیه السلام خرما و انگور و انار بهشتی میل فرمودند و به منزل فاطمه آمدند. فاطمه بنت اسد علیها السلام بانوی حرم جناب ابوطالب علیه السلام هم خرمائی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به آن حضرت داده بودند میل فرمود، و به ابوطالب علیه السلام هم دادند و آن حضرت هم میل فرمود. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرموده بودند: این خرما را کسی می خورد که مقر به توحید و نبوت من باشد.

1. مناقب آل ابی طالب علیهم السلام: ج 2، ص 200. حلیة الابرار: ج 2، ص 26. بحار الانوار: ج 35، ص 19. شجره طوبی: ج 2، ص 217.
2. مناقب آل ابی طالب علیهم السلام: ج 2، ص 205. بحار الانوار: ج 38، ص 294. الامام علی علیه السلام من حبه عنوان الصحیفة: ص 146.
3. كشف الغمّة: ج 1، ص 59. بحار الانوار: ج 35، ص 30. الطرائف: ص 17. العمدة (ابن بطریق): ص 28. المناقب (ابن مغازلی): ص 6.

بعد از آنکه پدر و مادر آن حضرت، میوه های بهشتی را میل فرمودند وجود حضرت مولی الموحدین علی بن ابی طالب علیه السلام به وجود آمد. هنگامی که فاطمه بنت اسد علیها السلام حامل آن وجود شریف شد، به زیبایی و نورانیتش افزوده شد.

#### انعقاد نطفه امیر المؤمنین علیه السلام

هنگامی که وجود شریف آن حضرت در بطن فاطمه بنت اسد علیها السلام قرار گرفت در مکه زلزله شد، و قریش بتها را به کوه ابوقبیس آوردند، ولی زلزله بیشتر شد و بتها به رو افتادند. آنان به ابوطالب علیه السلام پناه بردند، و آن حضرت بالای کوه آمد و فرمود: «مردم در این شب اتفاق مهمی افتاده است. خداوند خلقی را آفریده که اگر از او اطاعت نکنید و اقرار به ولایت او ننمائید و شهادت به امامت او ندهید این زلزله ساکن نمی شود. پس به اطاعت و ولایت و امامت او اقرار کنید». سپس در حالی که اشک می ریخت دستان مبارک را بلند نمود و فرمود: «پروردگار و آقای من، تو را می خوانم به محمدیت پسندیده و علویت بلند مرتبه و به فاطمیت درخشنده و نورانی که بر سرزمین تهامه به رحمت و مهربانی خویش لطف بفرمائی». دیگران آمین گفتند. دعا که تمام شد زلزله پایان یافت. عربها در زمان جاهلیت تا گرفتار می شدند این دعا را می خواندند و گرفتاری برطرف می شد.

آن حضرت جعفر بن ابی طالب علیه السلام صدای آن حضرت را از داخل شکم مادر شنید و بیهوش شد. همچنین فاطمه بنت اسد علها السلام به قصد طواف گرد خانه خدا می رفت، ولی ناگهان آن حضرت از داخل شکم دویای خود را به شدت فشار می داد و نمی گذاشت مادرش به محلی که بتها نصب شده اند نزدیک شود، و حال آنکه مادرش برای عبادت خانه خدا را طواف می کرد. زمانی دیگر، بتها در مقابل آن فرزند به دنیا نیامده به صورت به زمین می افتادند. شیر درنده طائف در برابر ابوطالب علیه السلام تعظیم کرد. هنگامی که آن حضرت علت را جویا شد شیر گفت: «شما پدر اسد الله و کمک محمد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم و مربی شیر خدا هستی.»



شب جمعه سیزدهم رجب بانوی بزرگوار ابوطالب علیه السلام احساس درد کرد، ولی با قرائت نامی مخصوص آرامش پیدا کرد. هنگامی که جناب ابوطالب علیه السلام خواست زنانی از قریش را برای کمک فاطمه بنت اسد علیها السلام بیاورد، از گوشه خانه ندائی رسید: «ای ابوطالب، صبر کن چرا که دست نجس نباید ولی خدا را لمس کند».

صبح هنگام فاطمه بنت اسد علیها السلام ندائی شنید: «ای فاطمه به خانه ما بیا». ابوطالب علیه السلام و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آن حضرت را به مسجد الحرام آوردند. عباس بن عبدالمطلب که به همراه جماعتی در مسجد نشسته بودند، دیدند که فاطمه علیها السلام وارد مسجد الحرام شد و در مقابل کعبه ایستاد و نگاهی به سوی آسمان نمود و چنین فرمود: «پروردگارا، من به تو و به پیامبران و کتابهایی که از جانب تو آمده اند ایمان دارم. من کلام جدم ابراهیم خلیل را تصدیق می کنم و او بوده که این خانه را بنا کرده است. تو را قسم می دهم و از تو می خواهم به حق کسی که این خانه را بنا کرد، و به حق فرزندی که در شکم من است و با من سخن می گوید و با گفتارش با من انس می گیرد، و من یقین دارم که یکی از آیات و نشانه های توست، که این ولادت را بر من آسان فرمائی».

ناگهان حاضرین در مسجد الحرام دیدند که دیوار پشت آن سمتی که در کعبه است شکافته شد و فاطمه بنت اسد علیها السلام داخل شد. هر چه کردند قفل در را باز کنند ممکن نشد، و دانستند که حکمت خداوند در کار است. (1)

فاطمه بنت اسد علیها السلام می فرماید: هنگامی که داخل کعبه شدم دیدم حوا، ساره، آسیه، مادر موسی بن عمران و مریم مادر عیسی آمدند. آنان به من سلام کردند: «السَّلَامُ عَلَیْکِ یا ولیه اللّٰه» و در مقابلم نشستند.

---

1. مناقب آل ابی طالب علیهم السلام: ج 2، ص 53. 199 - 192. روضة الواعظین: ج 1 ص 79-77. بحار الانوار: ج 35، ص 8 - 36. امالی شیخ طوسی: ص 706-707. آفتاب کعبه: ص 45. حلیة الابرار: ج 2 ص 19. شجرة طوبی: ج 2 ص 216. انوار العلویة: ص 33-29. الفضائل (شاذان بن جبرئیل قمی): ص 54.

آنچه در ولادت خاتم الانبیاء ﷺ انجام دادند در ولادت علی بن ابی طالب ﷺ نیز انجام دادند، چه اینکه فاطمه بنت اسد ﷺ در هنگام ولادت پیامبر ﷺ حضور داشت و به ابوطالب ﷺ ماجرا را خبر داد. حضرت ابوطالب ﷺ قبلاً به او فرموده بود: «30 سال صبر کن تا خدا مولودی به تو عنایت کند مثل خاتم الانبیاء ﷺ مگر در نبوت که وصی و وزیر او خواهد شد». (1)

### روز ولادت امیر المؤمنین ﷺ

روز جمعه علی بن ابی طالب ﷺ مانند خورشید بر روی سنگ سرخ در گوشه راست کعبه طلوع فرمود. همین که قدم بر زمین نهاد، به سجده افتاد و دستها را به سوی آسمان بلند نمود و فرمود: «اشهد ان لا اله الا الله، و ان محمداً رسول الله و اشهد ان علیاً ولی محمد رسول الله، بمحمد یختم الله النبوه و بی یختم الوصیه و انا امیر المؤمنین». «شهادت می دهم که خدائی جز الله نیست و محمد ﷺ پیامبر خداوند است و علی وصی محمد رسول الله ﷺ است. به محمد نبوت ختم می شود و به من وصایت کامل و تمام می شود و منم امیر المؤمنین ﷺ». (2) سپس فرمود: «جاء الحق و زهق الباطل» «حق آمد و باطل رفت».

در این هنگام که وجود سراپا جودش پای بر این عرصه خاکی نهاده بود، بتنهائی که در کعبه بود به صورت به زمین افتادند و آسمانها نورانی شد. شیطان فریاد برآورد: «وای بر بتها و بت پرستان از این فرزند!» (3)

- 
1. کافی: ج 1 ص 452، 454. مناقب آل ابی طالب ﷺ: ج 1 ص 58. بحار الانوار: ج 15، ص 273، ج 35 ص 6، 77. روضة الواعظین: ص 81. خصائص الائمة ﷺ: ص 64. معانی الاخبار: ص 403. اربعین ماحورزی: ص 204.
  2. مناقب آل ابی طالب ﷺ: ج 2، ص 198.
  3. علی ﷺ ولید الکعبه: ص 41.

آنگاه سلام بر زنان بهشتی نمود و حال آنان را پرسید. بانوان بهشتی او را در آغوش گرفتند و حضرت با آنان تکلم فرمودند. هنگامی که حضرت حوا علیها السلام او را در آغوش گرفت، آن حضرت فرمود: «سلام بر تو ای مادر، حوا!» حوا علیها السلام پاسخ داد: سلام بر تو پسر! علی بن ابی طالب علیه السلام از حال حضرت آدم پرسید. حوا علیها السلام پاسخ داد: غرق در نعمتهای خداوند است و در جوار پروردگار متنعم است. در این هنگام که آن حضرت داخل کعبه بود ابوطالب علیه السلام در کوچه و بازار صدا می زد: بشارت باد شما را که ولی خدا ظاهر شده است، همان کسی که وصایت به او تمام و کامل می شود. <sup>(1)</sup>

بعد از رفتن زنان بهشتی، پیامبران الهی حضرت آدم، حضرت نوح، حضرت ابراهیم، حضرت موسی، حضرت موسی علیه السلام آمدند. امیر المؤمنین علیه السلام با دیدن آنان حرکتی نمود و تبسم فرمود و آن بزرگواران بر حضرتش سلام کردند: «سلام بر تو ای ولی خدا و خلیفه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم».

حضرت در جواب فرمود: «علیکم السلام و رحمه الله و برکاته». و جداگانه بر هر یک سلام نمودند. آن بزرگواران یکی بعد از دیگری او را در آغوش گرفتند و بوسیدند و زبان به مدح او گشودند و رفتند. سپس ملائکه آمدند و او را به آسمانها بردند، و باز آوردند و بردند و هر بار کلماتی مخصوص در فضائل و مناقب حضرت می فرمودند.

فاطمه بنت اسد علیها السلام می فرماید: «بار دوم در حالتی آن حضرت را آوردند که او را در حریر سفید بهشتی پیچیده بودند و به من گفتند: «او را از چشم بینندگان حفظ کن که ولی رب العالمین است. بدانکه وارد بهشت نمی شود مگر کسی که ولایت او را بپذیرد و امامت و ولایت او را تصدیق کند. خوشا به حال آن که تابع اوست و وای بر کسی که از او رویگردان شود. مثل او چون کشتی نوح است. هر که به آن پیوست نجات می یابد و هر که از آن باز ماند غرق می شود و سقوط می کند». سپس در گوش او مطلبی گفتند که من

1. الفضائل (شاذان بن جبرئیل قمی): ص 56. روضه الواعظین: ص 78-79. مناقب آل ابی طالب علیهم السلام: ج 2، ص 198. بحار الانوار: ج 35، ص 12-13، 102.

نفهمیدم. بعد او را بوسیدند و برخاستند و بیرون رفتند و من ندانستم از کجا خارج شدند.»<sup>(1)</sup>

### سه روز در کعبه

فاطمه بنت اسد علیها السلام بعد از سه روز که مهمان الهی بود فرزند مبارک و محترم خود را در آغوش گرفته آماده خروج از کعبه شد که هاتفی غیبی چنین ندا داد: «ای فاطمه، نام این مولود را علی بگذار، چرا که من خدای علی اعلی هستم. من نام او را از نام خود گرفته ام، و او را ادب آموخته ام و امر خود را به او سپرده ام، و او را بر غوامض علم خود آگاهی داده ام. او در خانه من بدنیا آمده است. او اول کسی است که بر فراز خانه من اذان می گوید، و بتها را می شکند، و آنها را از بالای کعبه به صورت می اندازد. خوشا بحال کسی که او را دوست می دارد و از او اطاعت می کند و او را یاری می نماید. وای بر کسی که بغض او را دارد و از او سرپیچی می کند و او را خوار می نماید و حق او را انکار می نماید.»<sup>(2)</sup>

در این سه روز در هر محفلی سخن از ولادت این مولود مبارک و استثنائی بود، بخصوص باز نشدن قفل در کعبه، شکافته شدن دیوار کعبه در روز و دیدن آن توسط کفار، این مطلب را به صورت یک مسأله عمومی در آورده بود.

### طلوع نور علی علیه السلام در آغوش پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم:

صبح روز چهارم در مقابل دیدگان به انتظار نشسته، ناگهان دیوار کعبه از مکان قبلی شکاف برداشت به حدی که فاطمه بنت اسد علیها السلام با فرزند عزیزش از آنجا خارج شدند. مردم همه نگاه می کردند و قبل از سؤال کسی، فاطمه بنت اسد علیها السلام از بعضی

1. علی علیه السلام ولید الکعبه: ص 32. نور الابصار فی موالید الائمة الاطهار علیهم السلام: ص 31.

2. امالی صدوق: ص 196. بحار الانوار: ج 35 ص 9، 37. علل الشرائع: ص 136. معانی الاخبار: ص 62. امالی طوسی: ص 707. التاقب فی المناقب: ص 197. جواهر السنیة: ص 229. بشارة المصطفی علیه السلام: ص 37. کشف الیقین: ص 19. مدینة المعاجز: ج 1 ص 48.

وقایع داخل خانه خبر داد و از عظمت آن مولود و غذاهای بهشتی و اینکه نام این حضرت به ندای آسمانی علی علیه السلام است.

ابوطالب علیه السلام و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پیش آمدند، و فاطمه بنت اسد علیها السلام با مولود پیش آمد. حضرت مولی الموالی علی علیه السلام فرمودند: «السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا أَبَهُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ». ابوطالب علیه السلام فرمود: «وعلیک السَّلَامُ يَا بُنَیَّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ»، و آن حضرت را در آغوش گرفت. <sup>(1)</sup> امیرالمؤمنین علیه السلام چشمان مبارک به صورت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم باز کرد و تبسم فرمود و خود را حرکتی داد و فرمود: «السَّلَامُ عَلَیْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، مرا در آغوش بگیر».

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پاسخ سلامش را داد و آن حضرت را در آغوش گرفت، و بوسید و دست در دست او گذاشت. آنگاه امیرالمؤمنین علیه السلام دست راست بر گوش نهاد و اذان و اقامه فرمود و به یگانگی خداوند عزوجل و نبوت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شهادت داد. سپس از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برای قرائت کتب آسمانی اجازه خواست. بعد از آنکه پیامبر صلی الله علیه و آله جازه فرمود، سینه را صاف کرد و آنچه در صحف حضرت آدم و نوح و ابراهیم و موسی و عیسی علیهم السلام بود قرائت فرمود. <sup>(2)</sup> سپس شروع به قرائت قرآن نمود که هنوز نازل نشده بود. آن حضرت سوره مبارکه مؤمنون را آغاز کرد: (قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ....). سپس در حالی که آن حضرت در آغوش رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم بود به خانه ابوطالب علیه السلام باز گشتند.

فاطمه بنت اسد علیها السلام می فرماید: هنگامی که از کعبه خارج شدم و فرزند را نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم گذاشتم، آن حضرت با زبان مبارک دهان علی علیه السلام را باز کرد و او را با آب دهان مبارک تحنیک کرد و اذان در گوش راست و اقامه در گوش چپ آن حضرت گفت و فرمود: «این مولودی است که بر فطرت دنیا آمده است».

---

1. مناقب آل ابی طالب علیهم السلام: ج 2، ص 198. بحار الانوار: ج 35، ص 18. کشف الغمّه: ج 1، ص 59. مدینه المعاجز: ج 1 ص 48. امالی طوسی: ص 708.

2. الهدایة الكبرى: ص 100. نور الابصار فی موالید الائمة الاطهار علیهم السلام: ص 33. بحار الانوار: ج 35، ص 22 - 21. روضة الواعظین: ص 84. حلیة الابرار: ج 2 ص 58.

در روز سوم ولادت حضرت یا روز سوم خروج از کعبه و در بعضی اقوال دهم ذی الحجه، حضرت ابوطالب علیه السلام ولیمه مفصلی داد و فرمود: «بیائید برای ولیمه علی بن ابی طالب و قبلاً هفت بار کعبه را طواف کنید و بعد بر فرزندم علی علیه السلام سلام کنید». (1)

### کودکی علی علیه السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

امیرالمؤمنین علیه السلام در باره دوران کودکی خود و همراه بودن با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم چنین می فرمایند: به هنگام کودکی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مرا به دامان می گرفت، به سینه خود می چسباند. غذا را می جوید و به دهانم می گذارد و از بوی خوش خویش به مشام جانم می بویانید. او در گفتارم دروغ و در کردارم اشتباه و نادانی نیافت. خداوند پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را از هنگام شیر خوارگی با بزرگترین فرشتگان همراه کرد، تا شبانه روز او را در راه بزرگواریها و نیکیهای جهان رهنمون باشد. من نیز از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پیروی می کردم، چنانکه کودک شیرخواری از مادر فرمان می برد و از کردارهای او پیروی می کند. هر سال به کوه حرا می رفت، و در این هنگام هیچ کس جز من او را نمی دید. (2)

## 15 رجب

### 1. زیارت امام حسین علیه السلام

در شب 15 رجب و روز آن زیارت امام حسین علیه السلام (3) و همچنین زیارت مشاهد مشرفه معصومین علیهم السلام (4) مستحب است.

1. بحار الانوار: ج 35 ص 18. مناقب آل ابی طالب علیهم السلام: ج 2 ص 198. کشف الغمة: ج 1 ص 59. مدینه المعاجز: ج 1 ص 48. امالی طوسی: ص 708.
2. نهج البلاغة: خطبه قاصعة (192). بحار الانوار: ج 14 ص 476، ج 18 ص 223، ج 38 ص 320.
3. مصباح المجتهد: ص 743. فیض العلام: ص 308-307. قلاند النحور: ج رجب، ص 145. مصباح کفعمی: ج 2 ص 599.
4. مسار الشیعة: ص 35.

## 2. وفات حضرت زینب علیها السلام

وفات مظلومانه و غریبانه امّ المصائب حضرت فاطمه صغری عقيله بنی هاشم زینب کبری علیها السلام در شب یکشنبه 15 رجب سال 62 ه به وقوع پیوسته است. (1)

در مدت یک سال بعد از واقعه کربلا، زندگانی آن حضرت همراه با اشک و آه و خاطرات اسارت و کربلا سپری گشت. در عظمت آن مخدره همین بس که به فرموده صدوق علیه السلام، از جانب امام حسین علیه السلام نیابت خاصه داشته است، و تا هنگامی که بیماری امام زین العابدین علیه السلام تمام نشده بود، این نیابت ادامه داشت. (2)

### نام گذاری حضرت:

هنگام ولادت جبرئیل از جانب خداوند متعال بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نازل شد و عرض کرد: «یا رسول الله، اسم این دختر را زینب بگذار». آنگاه جبرئیل گریست. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پرسید: سبب این گریه چیست؟ عرض کرد: همانا این دختر از آغاز زندگانی تا پایان روزگار در این سرای ناپایدار با رنج و درد و بلا خواهد زیست. گاهی به درد مصیبت شما یا رسول الله مبتلا می شود، و گاهی در ماتم مادرش و گاهی در مصیبت پدر و گاهی به درد فراق برادرش حسن مجتبی علیه السلام دچار خواهد شد. از همه بالاتر به مصائب کربلا و نوائب دشت نینوا گرفتار می شود چنانکه مویش سفید و قامتش خمیده خواهد گردید.

این خبر را اهل بیت علیهم السلام شنیدند و اندوهناک و گریان شدند. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم صورت بر صورت حضرت زینب علیها السلام نهاد و گریست. حضرت صدیقه طاهره علیها السلام فرمود: یا ابتا، این گریه برای چیست؟ خداوند دیده های تو را نگریاند. فرمود: ای فاطمه، بعد از من و تو این دختر دچار بلاها و مصائبی می شود. حضرت صدیقه علیها السلام فرمود: چه ثواب دارد آن

1. زینب الكبرى علیها السلام (نقدی): ص 114. معالی السبطين: ج 2، ص 225. مستدرک سفینه البحار: ج 4 ص 316. السیدة زینب الكبرى علیها السلام من المهد الى اللحد: ص 96. وفيات الائمة علیهم السلام: ص 470-468. قلاند النحور: ج رجب، ص 145. العقیلة علیها السلام و الفواطم علیهن السلام: ص 68.

2. کمال الدین: ص 501، 507. بحار الانوار: ج 51 ص 364. الهدایة الكبرى: ص 366. الغیبة (شیخ طوسی): ص 230. شجرة طوبی: ج 2 ص 392.

کسی که بر دخترم زینب عَلَيْهَا گریه کند؟ آن حضرت فرمود: «ای پاره تنم و ای نور چشمم، ثواب کسی که بر او و بر مصائب او گریه کند مانند ثواب کسی است که بر برادرش حسین گریه کند». سپس نام آن حضرت را «زینب» نهاد. <sup>(1)</sup>

آن حضرت یک سال و چند ماه بعد از واقعه کربلا با قلبی پر از اندوه از مصائب کربلا در خانه خود رحلت فرمودند و در همان خانه دفن شدند. در وفات آن مخدره مظلومه روزهای 14 رجب و دهم ماه رمضان را هم گفته اند. <sup>(2)</sup>

### 3. تغییر قبله

در روز 15 رجب سال 2 ه قبله از بیت المقدس به سوی کعبه تغییر پیدا کرد. این برنامه در نماز ظهر در مسجد بنی سالم مدینه اتفاق افتاد و این مسجد بعد از آن به مسجد ذی القبلتین نامیده شد. <sup>(3)</sup>

### 4. خروج از شعب ابی طالب عَلَيْهِ

در این روز حضرت ختمی مرتبت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ از شعب ابی طالب عَلَيْهِ خارج شدند. <sup>(4)</sup>

### 5. شهادت امام صادق عَلَيْهِ

شهادت امام صادق عَلَيْهِ به روایتی در سال 148 ه در چنین روزی بوده است. <sup>(5)</sup>

- 
1. الطراز المذهب: ص 22. وفيات الائمة: ص 431. العقيلة عَلَيْهَا و الفواطم عليهن السلام: ص 11. رياحين الشريعة: ص 3 ص 38-39.
  2. الوقايح و الحوادث: ج 1، ص 113. وقائع الشهور: ص 166.
  3. مسار الشيعة: ص 35. مصباح كفعمي: ج 2، ص 598. مصباح المتهدج: ص 742. بحار الانوار: ج 81، ص 69. وقايح الشهور: ص 121. اقبال: ج 3 ص 254. تقويم المحسنين: ص 18. اختيارات: ص 37. وقايح الايام: ج 1 ص 155. فيض العلام: ص 308. قلائد النحور: ج رجب، ص 151.
  4. مصباح المتهدج: ص 741. بحار الانوار: ج 97، ص 168. قلائد النحور: ج رجب، ص 145. اختيارات: ص 36. فيض العلام: ص 308. مصباح كفعمي: ج 2، ص 599. تقويم المحسنين: ص 18. اقبال: ج 3 ص 254.
  5. اعلام الوری: ج 1 ص 514. روضة الواعظين: ج 1 ص 212. بحار الانوار: ج 47 ص 1. الدروس الشرعية: ج 2 ص 12.



## 16 رجب

1. خروج فاطمه بنت اسد عليها السلام از کعبه

در ابتدای این روز حضرت فاطمه بنت اسد عليها السلام با فرزندش امیرالمؤمنین عليه السلام از کعبه خارج شد. (1)

## 17 رجب

1. مرگ مأمون

روز پنج شنبه 17 رجب سال 218 هـ (2)، یا به قولی 8 رجب (3) یا 9 رجب (4) یا 18 رجب (5) مأمون لعنت الله علیه در سن 48 سالگی به اجدادش پیوست. مدت خلافت او 21 سال بود. (6)

## 18 رجب

1. وفات ابراهیم فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

در سال 10 هـ ابراهیم فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از دنیا رفت. (7) مادر این بزرگوار ماریه قبطیه عليها السلام

- 
1. بحارالانوار: ج 35 ص 18. امالی طوسی: ص 707. مدینه المعجز: ج 1 ص 47.
  2. تنمة المنتهی: ص 297. مستدرک سفینه البحار: ج 5، ص 224. قلائد النحور: ج رجب، ص 69، 180. تاریخ بغداد: ج 10 ص 189. البداية و النهایة: ج 10 ص 306.
  3. مستدرک سفینه البحار: ج 4، ص 78، ج 5، ص 224. وقایع الایام: ج 1، ص 104. جنات الخلود: ص 64. تنمة المنتهی: ص 297. تاریخ دمشق: ج 33 ص 337.
  4. توضیح المقاصد: ص 17. وقائع الشهور: ص 118.
  5. تاریخ الخلفاء: ص 313. تاریخ طبری: ج 7 ص 210.
  6. تنمة المنتهی: ص 297. فیض العلام: ص 312. قلائد النحور: ج رجب، ص 69، 180. نفاوح العلام: ص 409. مروج الذهب مسعودی: ج 3 ص 456.
  7. مصباح المتجهد: ص 748. منتخب التواریخ: ص 61. فیض العلام: ص 313. زاد المعاد: ص 34. اختیارات: ص 37. قلائد النحور: ج رجب، ص 186-183.

بود. (1) ولادتش در ماه ذی حجه سال 8 ه بوده است. (2) سن ابراهیم هنگام وفات به قولی 18 ماه (3)، و به قولی یک سال و ده ماه و هشت روز (4) و به قولی دو سال و چند ماه (5) بود.

## 2. اول خلافت شوم یزید

در این روز یزید ملعون خلافت غصب شده را در دست گرفت. سه روز بعد از مرگ معاویه و دفن او در 15 رجب، یزید به دمشق آمد و کنار قبر او رفت و گریست. بعد از آن به کاخ رفت و تا سه روز بیرون نیامد. سپس در روز 21 رجب به مسجد آمد و به منبر رفت و خطبه خواند. (6)

## 19 رجب

### 1. مرگ معتمد عباسی

در این روز در سال 279 ه المعتمد علی الله احمد بن متوکل ملقب به معتمد به جهنم واصل شد. (7) علت مرگ او این بود که در کنار نهری در حال عیش و نوش بود و در اثر نوشیدن زیاد شراب یا زهری که توسط پسر برادرش در شراب او ریخته بودند، شکمش ترکید. (8) به قول دیگر او در 18 رجب به درک واصل شد. (9)

1. شرح حال این بزرگوار در تتمه ماه محرم به تفصیل بیان شده است.
2. بحار الانوار: ج 21، ص 45، 183، 409. تاریخ یعقوبی: ج 2 ص 87.
3. تاج الموالید: ص 9. مستدرک حاکم: ج 4 ص 38.
4. بحار الانوار: ج 22 ص 152، 166. شرح الاخبار: ج 3 ص 15.
5. تاج الموالید: ص 9.
6. وقایع الایام: ج 1، ص 208. البدایة و النهایة: ج 8 ص 153.
7. الهدایة الکبری: ص 367. تاریخ بغداد: ج 4 ص 281. التنبیہ و الاشراف: ص 320. البدایة و النهایة: ج 11 ص 75. سیر اعلام النبلاء: ج 12 ص 552.
8. فلائد النحور: ج رجب، ص 142. تاریخ طبری: ج 8 ص 164.
9. تتمه المنتهی: ص 360. مروج الذهب: ج 4 ص 231.

معتمد در 23 سال خلافتش لذت و ملاحی را اختیار کرده بود و امورات مملکت به دست برادرش احمد موفق بود. بعد از او پسرش احمد معتضد کارهای پدر را انجام می داد تا عمویش معتمد را از سر راه برداشت و خود به خلافت رسید.

از کبائر جرائم اعمال معتمد، مسموم کردن آقا و مولایمان حضرت امام حسن عسکری علیه السلام است. صدوق رحمته الله می فرماید: معتمد چندین بار امام عسکری علیه السلام را حبس کرد.

## 21 رجب

### 1. شهادت حضرت زهرا علیها السلام

بنا بر نقل ابن عیاش شهادت حضرت زهرا علیها السلام در این روز اتفاق افتاده است. (1)

## 22 رجب

### 1. فرار ابوبکر در جنگ خیبر

در این روز (2) در ایام جنگ خیبر علم به ابوبکر داده شد و او با دیدن دشمن گریخت و گروه خود را نیز به فرار تشویق کرد. (3)

---

1. مصباح المجتهد: ص 748. زاد المعاد: ص 35.

2. وقایع الايام: ج 1، ص 211. وقائع الشهور: ص 127.

3. الغدير: ج 7 ص 199. بحار الانوار: ج 21، ص 31، 259، 374، ج 39، 19-7. شرح احقاق الحق: ج 5 و 16 و 23 و 30. مستدرک حاکم: ج 3 ص 37. مسند احمد: ج 5 ص 353. الاصابة: ج 6 ص 36. اسد الغابة: ج 4 ص 21، 334. کنز العمال: ج 10 ص 463، ج 13 ص 121. سنن الکبری: ج 5 ص 109، 179. البداية و النهاية: ج 4 ص 212، ج 7 ص 373. تاریخ دمشق: ج 41 ص 464، ج 42 ص 92، 93، 97، 107. فتح الباری: ج 7 ص 365. مجمع الزوائد: ج 6 ص 150، ج 9 ص 124. المصنف (ابن ابی شیبة): ج 7 ص 497، ج 8 ص 521، 522. المعجم الکبیر: ج 7 ص 35.

1. حمله به امام مجتبیٰ علیه السلام در مدائن

در این روز جراح بن سنان اسدی ملعون در ساباط مدائن با استفاده از تاریکی شب خنجر یا تیغی مسموم را به ران مبارک امام حسن مجتبیٰ علیه السلام زد که تا استخوان شکافت. آن حضرت از شدت درد دست در گردن او افکند و هر دو به زمین افتادند. دوستان حضرت آن ملعون را کشتند و امام علیه السلام را به خانه والی مدائن، سعد بن مسعود (عموی مختار) بردند. سعد جراحی آورد و جراحت آن حضرت را مداوا نمود.<sup>(1)</sup>

مخفی نماند که معاویه هر یک از عمرو بن حریث و اشعث بن قیس و حجر بن حارث و شیب بن ربیع را به همراه جاسوسی از جاسوسان خود برای کشتن امام مجتبیٰ علیه السلام به عراق فرستاد و به آن ها وعده کرد هر کس حسن بن علی علیه السلام را بکشد 200 هزار درهم به اضافه سر لشکری یکی از لشکرهای شام، و یکی از دخترانم را به همسری او خواهم داد.

این خبر به امام حسن علیه السلام که رسید، آن حضرت زیر لباس حتی در نماز زره می پوشید. یک بار در نماز تیری به سوی آن حضرت پرتاب کردند و چون زره در تن مبارک بود بر آن حضرت اثری نکرد. اما در تاریکی های ساباط مدائن با خنجری زهر آلود به آن حضرت حمله کردند.<sup>(2)</sup>

در این روز زیارت آن حضرت و لعن بر ظالمان و قاتلان آن حضرت مناسب است.<sup>(3)</sup>

1. مصباح المتجهد: ص 749. فیض العلام: ص 317. زاد المعاد: ص 35. جنات الخلود: ص 44. اختیارات: ص 20، 37. وقائع الشهور: ص 127.

2. بحار الانوار: ج 44 ص 33. علل الشرائع: ج 1 ص 221.

3. زاد المعاد: ص 35. فیض العلام: ص 317.

## 2. مسموم شدن موسی بن جعفر علیه السلام

در این روز در سال 183 ه آقا و مولایمان حضرت موسی بن جعفر علیه السلام را به دستور هارون ملعون در زندان بغداد زهر داده و مسموم کردند. (1)

## 3. فرار عمر در جنگ خیبر

در این روز (2) در جنگ خیبر پرچم را به دست عمر دادند و او با دیدن دشمن گریخت و گروه خود را نیز به فرار تشویق کرد. (3)

## 24 رجب

### 1. فتح خیبر به دست امیر المؤمنین علیه السلام (4)

در این روز در سال 7 ه در جنگ خیبر مرحب به دست امیر المؤمنین علیه السلام کشته شد و قلعه خیبر به دست آن حضرت فتح گردید. (5) این فتح در 27 رجب (6) و 15 محرم (7) نیز ذکر شده است. چون پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به جنگ خیبر یان رفت و قلعه «قموص» را محاصره کرد، ابتدا پرچم را برای مبارزه با آنان به ابوبکر دادند. ابوبکر با لشکری رفت، ولی چون نظر به

- 
1. عیون اخبار الرضا علیه السلام: ج 1 ص 96. بحار الانوار: ج 48، ص 212. معالم الزلفی: ج 1 ص 401، 403. وقایع الایام: ج 1، ص 225. قلائد النحور: ج رجب، ص 210.
  2. وقایع الایام: ج 1، ص 211، 213. وقائع الشهور: ص 127.
  3. الغدیر: ج 7 ص 199. تاریخ المدینة: ج 2 ص 665. تاریخ طبری: ج 2 ص 300. سیر اعلام النبلاء: ج 14 ص 209. و بنگرید: مصادر فرار کردن ابوبکر در جنگ خیبر.
  4. بحار الانوار: ج 21 ص 41-1. فیض العلام: ص 321-317. مجمع الزوائد: ج 9 ص 124. کنز العمال: ج 5 ص 283. مستدرک حاکم: ج 3 ص 37-39، 4438.
  5. مصباح المجتهد: ص 749. بحار الانوار: ج 97 ص 168. زاد المعاد: ص 35. فیض العلام: ص 317. جنات الخلود: ص 44. اختیارات: ص 37. وقایع الایام: ج 1 ص 233.
  6. بحار الانوار: ج 97 ص 384.
  7. توضیح المقاصد: ص 4.

پهلوانان آنان نمود فرار کرد و لشکریان هم در پی او باز گشتند. روز بعد پیامبر ﷺ پرچم را به عمر داد و او هم از ترس کشته شدن به میدان جنگ نرسیده باز گشت.

### انتخاب علی عليه السلام برای فتح خیبر

پیامبر ﷺ فرمودند: «فردا پرچم را به مردی می دهم که حمله هایش را تکرار کند، نه اینکه فرار کند. کسی که خدا و پیامبرش را دوست دارد و خدا و پیامبرش هم او را دوست دارند، و خداوند خیبر را به دست او فتح می کند.»<sup>(1)</sup> همه اصحاب آرزو کردند که این مقام و منزلت به آنان واگذار شود.

فردای آن روز، پیامبر ﷺ فرمود: علی بن ابی طالب عليه السلام کجاست؟ گفتند: چشم دردی دارد که حرکت برای آن حضرت مشکل است. خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: او را حاضر کنید. سلمه بن اکوع رفت و آن حضرت را آورد. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سر آن حضرت را در بر گرفت و از آب دهان مبارک به چشمان نورانی حضرت خاتم الاوصیاء علی مرتضی عليه السلام مالید و فرمود: «بار الها، زحمت گرما و سرما را از او بردار». پس از آن روز بر امیرالمؤمنین عليه السلام درد چشم عارض نشد و از گرما و سرما آزرده نگشت.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم زره خود را بر او پوشانید و ذوالفقار را بر کمر او بست و پرچم به آن حضرت سپرد و سوار بر مرکبش نموده

---

1. کافی: ج 8 ص 351. کتاب سلیم بن قیس هلالی رحمته الله: ج 2 ص 641، 791. الغدير: ج 7 ص 200. بحارالانوار: ج 21 ص 41-1، ج 39 ص 19-7. مناقب امیرالمؤمنین عليه السلام: ج 1 ص 345، 537، ج 2 ص 510-495. صحیح بخاری: ج 4 ص 12، 20، 207، ج 5 ص 76. صحیح مسلم: ج 5 ص 195، ج 7 ص 122-120. طبقات الکبری: ج 2 ص 111. المنصف (ابن ابی شیبیه): ج 7 ص 497، 500، ج 8 ص 520، 522. مسند احمد: ج 1 ص 199، 185، ج 3 ص 16، ج 5 ص 52. انساب الاشراف: ص 93، 94. شرح نهج البلاغة: ج 13 ص 186. کنز العمال: ج 13 ص 121، 162. تاریخ دمشق: ج 42 ص 123-81. المناقب (خوارزمی): ص 108، 170، 199. جواهر المطالب فی مناقب الامام علی عليه السلام: ج 1 ص 177، 183. استعیاب: ج 2 ص 787، ج 3 ص 1099. حلیة الاولیاء: ج 1 ص 62. المعجم الکبیر: ج 6 ص 152، 187، 198، ج 7 ص 31، 35، ج 18 ص 237. ینابیع المودة: ج 1 ص 153، 161، ج 2 ص 120، 164، 231، 290. سنن الترمذی: ج 5 ص 302. مستدرک حاکم: ج 3 ص 38، 437. تاریخ طبری: ج 2 ص 300.

فرمود: «جبرئیل از سمت راست، میکائیل از سمت چپ، عزرائیل از پیش رو و اسرافیل از پشت سر، و نصرت خدا بالای سر، و دعای من از پشت سر تو است». فرمود: یا علی، مسلمانی را بر ایشان عرضه کن.

### میدان جنگ خیبر:

آن حضرت رفت، و پس از موعظه و نصیحت عده ای برای جنگ با او آمدند. آنان دو نفر از مسلمانان را شهید کردند. امیرالمؤمنین علیه السلام بر آنها تاخته و آنها را کشتند. آنگاه برادر مرحب با عده ای آمدند. حضرت آنها را هم به درک فرستاد.

مرحب که شجاع بود به خونخواهی آمد. امیرالمؤمنین علیه السلام چنان با ذوالفقار بر سرش فرود آورد که شمشیر از حلقش گذشت و او را دو نیم ساخت و به خاک انداخت. صدای تکبیر مسلمانان بلند شد. عده ای از یهود به دفاع آمدند و با مسلمانان به جنگ پرداختند. امیرالمؤمنین علیه السلام به مبارزه ادامه داد تا عده ای کشته شدند و عده ای به قلعه گریختند.

آن حضرت با دست قدرتمند حیدری در قلعه را کند و برای مسلمانان معبر قرار داد تا از خندق عبور کنند. حضرت چندین بار مسلمانان را از روی خندق به وسیله ئ آن در عبور داد، با اینکه از سه روز قبل، آن حضرت گرسنه بود.

### 2. بازگشت جعفر طیار از حبشه

آمدن جناب جعفر بن ابی طالب علیه السلام برادر امیرالمؤمنین علیه السلام از حبشه در روز فتح خیبر اتفاق افتاده است. در این هنگام رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «به کدامین امر سرور من بیشتر باشد: به آمدن جعفر یا به فتح خیبر». پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم جعفر را در آغوش گرفت و پیشانی او را بوسید. <sup>(1)</sup>

---

1. تهذیب الاحکام: ج 3 ص 186. بحارالانوار: ج 21 ص 23. منتخب التواریخ: ص 56. وسائل الشیعة: ج 8 ص 50، 52. وقایع الایام: ج رجب، ص 255. المنصف (ابن ابی شیبه) ج 7 ص 516، 732، ج 8 ص 466.

1. شهادت موسی بن جعفر علیه السلام

در این روز در سال 183 هـ بنا بر مشهور امام موسی بن جعفر علیه السلام، در حبس سندی بن شاهک به شهادت رسیدند. <sup>(1)</sup> هارون ملعون به ظاهر برای زیارت و در حقیقت برای دستگیر نمودن حضرت موسی بن جعفر علیه السلام و فرستادن آن حضرت از مدینه به بغداد به مسجد النبی صلی الله علیه و آله و سلم آمد. <sup>(2)</sup>

## خلفای ظالم در دوران امامت حضرت:

آن حضرت 20 سال داشتند که امامت به ایشان منتقل شد و مدت 35 سال امامت فرمودند. در این مدت بعد از شهادت امام جعفر صادق علیه السلام مقداری همزمان با ابوجعفر منصور بودند که او متعرض آن حضرت نشد. بعد از منصور قریب به ده سال ایام خلافت مهدی بود. او حضرت را به عراق طلبید و حبس کرد. شبی امیرالمؤمنین علیه السلام را در خواب دید که به او فرمود: **(فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَ تَقَطُّعُوا أَرْحَامَكُمْ)** <sup>(3)</sup> وقتی بیدار شد مراد حضرت را دانست و موسی بن جعفر علیه السلام را از زندان آزاد کرد. پس از مهدی، پسرش هادی خواست آن حضرت را محبوس کند ولی اجل او را مهلت نداد، چه اینکه کمتر از یک سال بیشتر خلافت نکرد. خلافت به هارون که رسید امام علیه السلام را از زندانی به زندان دیگر فرستاد، تا در سال چهاردهم خلافتش آن حضرت را در سن 55 سالگی به زهر جفا شهید کرد. <sup>(4)</sup>

1. اعلام الوری: ج 2، ص 6. بحار الانوار: ج 48، ص 206، ج 99 ص 25، مصباح کفعمی: ج 2، ص 598. مسار الشیعة: ص 36. مصباح المتهدج: ص 749. زاد المعاد: ص 35. فیض العلام: ص 322. تاج الموالید: ص 47. روضة الواعظین: ص 221. تقویم المحسنین: ص 18. اختیارات: ص 37.

2. کافی: ج 1، ص 476. بحار الانوار: ج 48، ص 206. ارشاد: ج 2 ص 215.

3. سوره محمد صلی الله علیه و آله و سلم: آیه 22.

4. قلائد النور: ج رجب، ص 34 - 33.



## غسل و تدفین حضرت:

پس از شهادت بدن شریف حضرت را طبق دستور هارون با جامه های کهنه، جهت اهانت به آن بزرگوار، روی نردبانی گذاردند و چهار حمّال بر دوش گرفتند، و کسی جلوی جنازه صدا می زد: «این امام رافضیان است».

امام رضا علیه السلام قبلاً متوجه غسل و کفن و نماز آن حضرت شده بودند. سپس شیعیان آمدند و گل آوردند و احترام کردند و در محل فعلی حرم مطهر، بدن آن حضرت را دفن کردند.<sup>(1)</sup>  
تعداد فرزندان آن حضرت 37 نفرند<sup>(2)</sup> شهادت آن حضرت در 5<sup>(3)</sup> یا 6<sup>(4)</sup> یا 24<sup>(5)</sup> رجب نیز ذکر شده است.

## 26 رجب

### 1. وفات حضرت ابوطالب علیه السلام

سید بطحاء حضرت ابوطالب علیه السلام سه سال قبل از هجرت و در سال 10 بعثت از دنیا رفت.<sup>(6)</sup> بنا بر نقلی سن آن حضرت به هنگام بالغ بر 80 سال بوده است.<sup>(7)</sup> اقوال

- 
1. عیون اخبار الرضا علیه السلام: ج 2 ص 85، 93، 98-86. بحار الانوار: ج 47 ص 225، 227، 247، 254. وقایع الایام: ج 1، ص 279-277، از جنات الخلود.
  2. ارشاد: ج 2، ص 244. تاج الموالید: ص 47. بحار الانوار: ج 48 ص 283، 288، 303.
  3. مناقب آل ابی طالب علیه السلام: ج 4، ص 349. روضة الواعظین: ص 221. بحار الانوار: ج 48 ص 1، ج 99 ص 25. تاریخ قم: ص 199.
  4. کافی: ج 1، ص 476. ارشاد: ج 2، ص 215. بحار الانوار: ج 48 ص 206، ج 99 ص 25.
  5. مناقب آل ابی طالب علیه السلام: ج 4 ص 349. روضة الواعظین: ص 221. بحار الانوار: ج 19 ص 25-24. فیض العلام: ص 326. قلائد النحور: ج رجب، ص 284. جنات الخلود: ص 16. وقایع الایام: ج 1، ص 303.
  7. منتخب التواریخ: ص 43، 114. سر السلسلة العلویة: ص 3.

دیگر در رحلت حضرت ابوطالب علیه السلام عبارت است از: 27 جمادی الاولی، 26 و 29 رجب، 7 و 18 ماه رمضان، 15 و 17 شوال، اول و دهم ذی القعدة، اول ذی الحجه. (1)

### نسب حضرت ابوطالب علیه السلام

نام مبارک آن حضرت عمران است، و پدرشان جناب عبدالمطلب، و مادرشان فاطمه بنت عمرو بن عائذ است. ابوطالب علیه السلام با عبدالله پدر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و زبیر بن عبدالمطلب برادر ابوینی بودند، یعنی از طرف پدر و مادر یکی بودند و سایر اولاد جناب عبدالمطلب با این سه بزرگوار فقط از پدر یکی بودند. (2)

### ایمان حضرت ابوطالب علیه السلام

مجلسی رحمته الله می فرماید: امامیه اتفاق دارند بر اسلام و ایمان جناب ابوطالب علیه السلام به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اینکه هیچ گاه عبادت بتی نکرده است. بلکه ابوطالب علیه السلام یکی از اوصیاء حضرت ابراهیم علیه السلام است و امر اسلام و ایمان او در شیعه مشهور است و علمای شیعه کتابها در ایمان آن بزرگوار تألیف کرده اند.

صدوق رحمته الله می فرماید: در حدیث آمده که جناب عبدالمطلب علیه السلام حجت الهی و جناب ابوطالب علیه السلام وصی ایشان بوده است. طبق روایت ودایع انبیاء، عصای حضرت موسی علیه السلام و انگشتر حضرت سلیمان علیه السلام و... توسط عبدالمطلب علیه السلام به ابوطالب علیه السلام سپرده شد که ایشان آنها را به خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله و سلم سپردند. (3)

ابن اثیر جزری شافعی می گوید: اهل بیت علیهم السلام بر ایمان ابوطالب علیه السلام اجماع دارند و اجماع اهل بیت علیهم السلام حجت است.

1. نفاث العلام: ص 158. قلائد النحور: ج رجب، ص 284. منتخب التواریخ: ص 43. شرح احقاق الحق: ج 29، ص 614. وقائع الشهور: ص 101، 131، 211. اسد الغابه: ج 1، ص 19.
2. بحار الانوار: ج 35 ص 138، 182. عمدة الطالب: ص 21، 23.
3. کافی: ج 1 ص 445. کمال الدین: ص 665. بحار الانوار: ج 17 ص 139، ج 35 ص 73. الغدير: ج 7 ص 394.

علامه طبرسی می گوید: اهل بیت علیهم السلام اجماع دارند بر ایمان ابوطالب علیه السلام و اجماع اهل بیت علیهم السلام حجت است؛ چون آن بزرگوار یکی از ثقلین هستند که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم امر به تمسک به آن دو نموده اند. (1)

کتب زیادی در ایمان حضرت ابوطالب علیه السلام تألیف شده که اولین آنها در سال 630 هـ نوشته شده است. از آن زمان تاکنون کتبی به زبانهای مختلف در ایمان، عظمت و بزرگی آن بزرگوار تألیف و چاپ شده است که بر اهل تحقیق پوشیده نیست. (2) حضرت رضا علیه السلام در جواب حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام می فرمایند: «اگر تو در ایمان ابوطالب علیه السلام شک کنی جایگاهت بخ سوی آتش جهنم است.» (3)

اشعار حضرت ابوطالب علیه السلام در حمایت از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، اشعار منسوب به امیرالمؤمنین علیه السلام هنگام رحلت ابوطالب علیه السلام و کلمات آن بزرگوار به قریش در مسجد الحرام هنگام سوء قصد قریش نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، و کلمات آن حضرت هنگام رحلت، کلمات آن حضرت در طلب یاران همه دلالت دارد بر اینکه دارای ایمانی منحصر بفرد بوده است که در روایات تشبیه به ایمان اصحاب کهف شده است. بعضی از ابیات امیرالمؤمنین علیه السلام در مرثیه آن بزرگوار نیز دلالت بر افضلیت آن بزرگوار بر حمزه دارد.

اصبغ بن نباته می گوید: امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «بخدا قسم هرگز پدرم و جدم عبدالمطلب و هاشم و عبد مناف عبادت بت نکرده اند.» گفتند: «پس چه را عبادت می کردند؟ فرمودند: به سوی کعبه نماز می خواندند و بر دین ابراهیم و به آن متمسک بودند.» (4)

- 
1. بحار الانوار: ج 35 ص 138-139. تفسیر مجمع البیان: ج 4 ص 31. الغدیر: ج 7 ص 385.
  2. رک: الغدیر: ج 7 ص 409-330. بحار الانوار: ج 35 ص 179-68. قلائد النحور: ج رجب، ص 284، 289، 314، 317، 318، 322. منتخب التواریخ: ص 114-113. وقایع الایام: ج 1، ص 306-287. ابوطالب علیه السلام حامی الرسول صلی الله علیه و آله و سلم. شرح نهج البلاغة: ج 14 ص 85-66.
  3. بحار الانوار: ج 35 ص 111. الغدیر: ج 7 ص 395. ایمان ابی طالب علیه السلام (علامه امینی): ص 90.
  4. کمال الدین: ص 175. بحار الانوار: ج 15 ص 144، ج 35 ص 81. الغدیر: ج 7 ص 387. وقایع الایام: ج 1 ص 306-290.

ابن ابی الحدید در ضمن اشعاری می گوید: اگر ابوطالب و پسرش نبودند، از دین اثری نبود که اینچنین استوار شود. ابوطالب در مکه از پیامبر ﷺ حمایت کرد و پسرش در مدینه بی دریغ از پیامبر ﷺ حمایت و دفاع می نمود. (1)

### پیامبر ﷺ در وفات ابوطالب ﷺ

هنگامی که حضرت امیرالمؤمنین ﷺ خبر وفات ابوطالب ﷺ را به پیامبر ﷺ داد، آن حضرت به شدت ملول و محزون شدند و فرمودند: «یا علی برو و او را غسل و حنوط و کفن کن و چون بر روی سریر نهادی به من خبر بده». هنگامی که آن حضرت دستورات پیامبر ﷺ را انجام داد و پدر بزرگوار را بر روی سریر گذاشت، پیامبر ﷺ خودشان تشریف آوردند و چون نظر مبارکشان بر نعش عمومی بزرگوارشان افتاد، رقت و حزن به آن حضرت دست داد و فرمودند: «ای عمو، صله رحم و مهربانی کردی و جزای خیر دیدی. ای عمو، در کوچکی مرا کفالت کردی و در بزرگی مرا نصرت و حمایت نمودی».

با رحلت ابوطالب جبرئیل ﷺ نازل شده به پیامبر ﷺ عرض کرد: «یاور تو از دنیا رفت، هجرت کن». (2)

امام باقر ﷺ می فرمایند: «اگر ایمان حضرت ابوطالب ﷺ در یک کفه ترازو قرار گیرد و ایمان این خلق در کفه دیگر قرار گیرد حتماً ایمان او بالاتر است». سپس فرمودند: «آیا نمی دانید که امیرالمؤمنین ﷺ در زمان حیات خود نائب می گرفت که برای عبدالله و

---

1. شرح نهج البلاغه (ابن ابی الحدید): ج 14، ص 84-70. الغدیر: ج 7 ص 387. در وقایع الایام: ج 1، ص 289 می گوید: به گفته سیوطی احادیثی که جسارت به آن بزرگوار کرده اند، از موضوعات زمان معاویه و غیر آن است، برای شادی شجره ملعونه بنی امیه، و منجمله از راویان آن مغیره بن شعبه است که در عداوت و دشمنی با بنی هاشم شهره آفاق است.

2. بحار الانوار: ج 22 ص 261، ج 35 ص 125. ابوطالب ﷺ حامی الرسول صلی الله علیه و آله وسلم: ص 129. الغدیر: ج 7 ص 373، 386. امالی صدوق: ص 489. شرح نهج البلاغه: ج 14 ص 76. تاریخ یعقوبی: ج 2 ص 35.

3. کافی: ج 1 ص 440، 449. بحار الانوار: ج 19 ص 14، 69، ج 22 ص 260، ج 35 ص 137، 158. شرح نهج البلاغه: ج 4 ص 70، ج 14 ص 128.

آمنه و ابوطالب علیه السلام حج انجام دهند، و هنگام شهادت به اولاد خود وصیت فرمودند که نایب برای حج از طرف آن بزرگوران بگیرند».<sup>(1)</sup>

امام صادق از پدرش از امام سجاد از پدرش علیه السلام نقل می کند که امیرالمؤمنین علی علیه السلام در صحن مسجد نشسته و مردم اطرافش جمع بودند؛ که مردی بلند شد و پرسید: ای امیرالمؤمنین علیه السلام! تو در مقام و مرتبه ای هستی که خداوند تو را در آن جایگاه قرار داده، اما پدرت در آتش دوزخ شکنجه می شود! امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «آرام باش! خدای داهنت بشکند! سوگند به آن کسی که محمد صلی الله علیه و آله و سلم را به حق مبعوث کرد! اگر پدرم برای تمام گناهکاران روی زمین شفاعت کند خداوند شفاعت او را می پذیرد. آیا پدرم در آتش معذب باشد و من که پسرش هستم تقسیم کننده بهشت و دوزخ باشم؟! سوگند به آن کس که محمد صلی الله علیه و آله و سلم را به حق مبعوث کرد! روز قیامت نور ابوطالب علیه السلام نور تمام آفریدگان را تحت الشعاع قرار می دهد مرگ پنج نور: نور محمد صلی الله علیه و آله و سلم، نور من، نور فاطمه علیها السلام، نور حسن علیه السلام، نور حسین علیه السلام و نور امامان از فرزندان حسین علیه السلام. آگاه باش! نور ابوطالب علیه السلام از نور ماست، که خداوند آن دو هزار سال پیش از آفرینش حضرت آدم علیه السلام آفریده است».<sup>(2)</sup>

## 27 رجب

### 1. بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

مبعث مبارک پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در سن 40 سالگی و آغاز نزول قرآن بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در این روز

1. بحار الانوار: ج 35 ص 165. الغدير: ج 7 ص 380. الصحيح من السيرة: ج 3 ص 242. مستدرک الوسائل: ج 8 ص 70. شرح نهج البلاغة: ج 14 ص 68. شبیه این روایت را امام هادی علیه السلام هم فرموده اند: مستدرک الوسائل: ج 8 ص 70، از الهدایة الكبرى. مدینة المعاجز: ج 7 ص 535. وقایع الايام: ج 1 ص 303.
2. مائة منقبة: ص 174. كنز الفوائد: ص 80. احتجاج: ج 1 ص 341. الغدير: ج 7 ص 387. بحار الانوار: ج 35 ص 69، 110. ابوطالب علیه السلام حامی الرسول صلی الله علیه و آله و سلم: ص 207. الفضائل (شاذان بن جبرئیل قمی): ص 72.

بوده است. (1)

این روز یکی از اعیاد بزرگ است، و روزی است که حضرت رسول ﷺ به رسالت مبعوث گردید و جبرئیل علیه السلام بر پیامبری آن حضرت نازل شد. غیر شیعه مبعوث را در 17 یا 18 یا 24 ماه رمضان و بعضی در 12 ربیع الاول می دانند.

در این روز صلوات بر پیامبر ﷺ و اهل بیت آن حضرت و نیز زیارت آن حضرت و امیر المؤمنین علیه السلام وارد شده است. (2)

سالیان سال بود که از بعثت انبیاء علیهم السلام می گذشت، و هر قوم و قبیله ای با عقیده های مختلف خود زندگی می کردند و در حجاز و مکه آن روز بسیاری بت می پرستیدند: بت سنگی، فلزی، چوبی، و گاهی از جنس خرما. دختران را زنده به گور می کردند. اکثر قبایل در حال جنگ و خونریزی بودند. دنیا غرق در گمراهی و ضلالت بود. تا اینکه چهل سال از ولادت با سعادت اشرف مخلوقات و سرور کائنات حضرت محمد بن عبدالله ﷺ گذشت. خداوند آن حضرت را به پیامبری مبعوث فرمود، و جبرئیل بر آن حضرت نازل شد و وحی های الهی را با آداب و مراسمی مخصوص به آن حضرت رسانید که در کتب روایی با سندهای مختلف ذکر شده است.

طبق بعضی روایات (3) هنگامی که آن حضرت از کوه حرا بر می گشتند انوار جلال و عظمت ایشان را فرا گرفته بود، بحدی بود که هیچکس را یارای آن نبود که به آن حضرت نظر کند. از کنار هر درخت و گیاه و سنگ که می گذشت در برابر

---

1. کافی: ج 4 ص 149. تهذیب الاحکام: ج 4 ص 305، ج 6 ص 2. اعلام الوری: ج 1، ص 46. مصباح المتعجد: ص 750. مسار الشیعه: ص 37. تاج الموالید: ص 6. العدد القویه: ص 337. روضة الواعظین: ص 52. بحار الانوار: ج 18 ص 189، ج 94 ص 37، 51، ج 97 ص 168. وسائل الشیعه: ج 8 ص 110، ج 10 ص 447. مستدرک الوسائل: ج 6 ص 288، ج 7 ص 518. تقویم المحسنین: ص 18. اختیارات: ص 37. زاد المعاد: ص 36. فیض العلام: ص 328.

2. زاد المعاد: ص 40. بحار الانوار: ج 97، 168، 377.

3. منتهی الآمال: ج 1 ص 47.

آن حضرت خم می شدند و به زبان فصیح می گفتند: «السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ».

هنگامی که آن حضرت داخل خانه حضرت خدیجه عَلِیْهَا السَّلَامُ شدند، از شعاع انوار جمال آن حضرت خانه منور شد. خدیجه عَلِیْهَا السَّلَامُ عرض کرد: ای محمد، این چه نور است که از شما مشاهده می کنم؟ آن حضرت فرمودند: این نور پیامبری است. سپس خطاب به حضرت خدیجه عَلِیْهَا السَّلَامُ فرمودند: بگو: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ». خدیجه عَلِیْهَا السَّلَامُ عرض کرد: سالهاست من پیامبری شما را می دانم. سپس به وحدانیت خداوند متعال و رسالت پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شهادت داد.

در این هنگام آن حضرت فرمودند: «ای خدیجه! احساس سرما می کنم. جامه ای بر من بپوشان». حضرت جامه بر خود کشید و خوابید. از جانب حق تعالی ندا رسید: (يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ \* قُمْ فَأَنْذِرْ \* وَرَبَّكَ فَكَبِّرْ...) <sup>(1)</sup>؛ «ای جامه به خود پیچیده، برخیز و بترسان مردم را از عذاب پروردگار خود، و تکبیر بگو و پروردگارت را به بزرگی یاد کن».

آن حضرت برخاست و انگشت مبارک در گوش خود گذاشت و فرمود: «اللَّهُ اكْبِر، اللَّهُ اكْبِر» پس صدای آن حضرت به همه موجودات رسید، و همه با او موافقت کردند. <sup>(2)</sup>

پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سه سال پنهانی مردم را به خدای یکتا دعوت می فرمود، و پس از سه سال جبرئیل آمد و عرض کرد: «خداوند متعال امر فرموده که دعوت خویش را آشکار فرمایی». سپس آن حضرت از کوه صفا بالا رفتند و مردم را انذار فرمودند و دعوت خود را علنی نمودند. <sup>(3)</sup>

1. سوره مدثر: آیه 3-1.

2. بحار الانوار: ج 18، ص 197-196. منتهی الامال: ج 1، ص 47. شجرة طوبی: ج 2، ص 227. العدد القویة: ص 338. تاریخ دمشق: ج 63، ص 18.

3. بحار الانوار: ج 18، ص 186-174.

1. خروج امام حسین علیه السلام از مدینه به سوی مکه

در این روز در سال 60 هـ امام حسین علیه السلام از مدینه منوره متوجه مکه شدند. <sup>(1)</sup> بنا بر قولی شب 29 رجب آن حضرت از مدینه خارج شدند. <sup>(2)</sup> در این سفر همراه ایشان عقيله بنی هاشم زینب کبری، برادرشان حضرت ابوالفضل العباس، امّ کلثوم، علی اکبر و دیگر اهل بیت علیهم السلام بودند. خواهران سید الشهداء علیهم السلام با عقيله بنی هاشم علیهم السلام 13 نفر بودند.

بانوان دیگر از منسوبین حضرت، علیا مخدره امّ کلثوم صغری دختر زینب کبری علیها السلام که با شوهرش به کربلا آمد و دیگری خواهر امیرالمؤمنین علیه السلام جمانه دختر ابوطالب علیه السلام. همچنین 9 کنیز با حضرت از مدینه خارج شدند و 10 نفر غلام با حضرت بودند. چند نفر از همسران امام مجتبی علیه السلام و 16 نفر از اولاد دختر و پسر امام مجتبی علیه السلام و خانواده مسلم بن عقیل علیه السلام و دیگر اصحاب و بستگان حضرت نیز همراه بودند.

لوازم و سواری هایی که داشتند عبارت بود از 250 اسب، 250 ناقه. از این تعداد، 70 ناقه برای حمل خیمه ها، 40 ناقه برای حمل دیگ و ظروف و ادوات ارزاق، 30 ناقه برای حمل مشکهای آب، 12 ناقه برای جامه ها و دراهم و دنانیر، 50 ناقه برای حمل 50 هودج تعبیه شده برای حمل مخدرات و علویات و اطفال و ذراری و خدمتگزاران و کنیزان، و بقیه شتران برای حمل وسائل مختلف که مورد لزوم بود. <sup>(3)</sup>

1. ارشاد: ج 2، ص 34. اعلام الوری: ج 1، ص 435. بحار الانوار: ج 44، ص 326. روضة الواعظین: ص 171. اختیارات: ص 37.

وقائع الایام: ج 1، ص 336. مقتل الحسین علیه السلام: ص 7. تاریخ طبری: ج 4، ص 252.

2. فیض العلام: ص 329.

3. از کتاب مدینه تا مدینه: ص 77 تا 90. برای اطلاع بیشتر به کتابهای «بیت الاحزان» عبدالخالق بن عبدالرحیم یزدی، ق مقام زخار،

معالی السبطين، (بومخنف)، ریاض القدس، بحار الانوار، تاریخ اعثم کوفی مراجعه شود.



## 2. اولین اقامه نماز در اسلام

در این روز اولین کسی که بعد از بعثت با پیامبر ﷺ نماز خواند، امیرالمؤمنین علیؑ بود. روز دوشنبه 27 رجب پیامبر ﷺ مبعوث شدند و در 28 رجب حضرت امیرالمؤمنین علیؑ با آن حضرت نماز اقامه فرمودند. (1)

### آخر رجب

#### 1. مرگ ابوحنیفه

در این روز در سال 150 هـ (2) نعمان بن ثابت مشهور به ابوحنیفه رئیس حنفی ها در بغداد مرد و در همان شهر مدفون شد.

#### 2. مرگ شافعی

در روز جمعه آخر ماه رجب سال 204 هـ محمد بن ادريس شافعی در مصر مرد. (3) او در روز وفات ابوحنیفه به دنیا آمد (4) و مدت 4 سال در شکم مادر بود. جای تعجب است که پدر شافعی چهار سال قبل از ولادت او مرده بود و او در ولادت به احترام حیات ابوحنیفه تأخیر کرد!! (5)

1. مناقب آل ابی طالب علیؑ: ج 2 ص 21، بحار الانوار: ج 38 ص 288 - 201. الغدير: ج 3 ص 243 - 224. روضة الواعظین: ص 85. مناقب امیرالمؤمنین علیؑ: ج 1 ص 259، 285. استیعاب: ج 3 ص 1095. وقائع الايام: ج رجب، ص 247. منتخب التواریخ: ص 42. تذكرة الخواص: ص 103. شرح نهج البلاغة: ج 4 ص 119، ج 13 ص 244. مستدرک حاکم: ج 3 ص 112، 183. المعجم الكبير: ج 1 ص 320. تاریخ دمشق: ج 42 ص 29-27. تاریخ طبری: ج 2 ص 55.
2. وقایع المشهور: ص 132. وقائع الايام: ج 1 ص 365. تنمة المنتهی: ص 286. مراقد المعارف: ج 1 ص 95.
3. روضات الجنات: ج 7، ص 259. تنمة المنتهی: ص 258. مستدرک سفینة البحار: ج 5 ص 223. وقائع الشهور: ص 132. فیض العلام: ص 213. تاریخ دمشق: ج 51 ص 279، 432. الكامل فی ضعفاء الرجال: ج 1 ص 117. تاریخ بغداد: ج 2 ص 68. الکاشف فی معرفة من له رواية فی کتب الستة: ج 2 ص 155. المجموع: ج 1 ص 7. کتاب الام: ج 1 ص 14 (مقدمه). تدریب الراوی: ج 2 ص 360.
4. تنمة المنتهی: 286. وقائع الايام: ج 1 ص 365. شجرة طوبی: 1 ص 69. سیر اعلام النبلاء: ج 10 ص 12.
5. الانوار النعمانية: ج 2 ص 177. روضات الجنات: ج 7 ص 258. تنمة المنتهی: ص 286. وقائع الايام: ج 1 ص 390 - 389. وقائع الشهور: ص 132.

### 3. غزوه نخله

در آخر این ماه در سال دوم هجرت غزوه نخله به وقوع پیوست. (1)

#### تنمه رجب

#### 1. هجرت مسلمانان به حبشه

در این ماه 5 سال بعد از بعثت؛ به امر پیامبر ﷺ مسلمانان به سرپرستی جعفر بن ابی طالب رضی الله عنه به حبشه هجرت نمودند. (2)

#### 2. وفات نجاشی پادشاه حبشه

در این ماه در سال 9 ه پادشاه حبشه رحلت نمود. (3)

در آن روز پیامبر پیامبر ﷺ فرمود: «امروز مردی صالح از جهان رحلت نمود. برخیزید تا بر او نماز بگذاریم». در این هنگام جنازه نجاشی بر پیامبر پیامبر ﷺ ظاهر شد و آن حضرت بر او نماز گذاردند. (4)

#### 3. شهادت مالک اشتر نخعی

در این ماه در سال 37 یا 38 ه صحابی جلیل القدر؛ بزرگ فرمانده لشکر امیر المؤمنین رضی الله عنه ابوابراهیم مالک اشتر نخعی در قلمزم مصر به دستور معاویه مسموم

---

1. بحار الانوار: ج 19 ص 174، 189. الصحيح من السيرة: ج 4 ص 335.

2. بحار الانوار: ج 18 ص 422 - 412. مستدرک سفینة البحار: ج 5 ص 203. طبقات الكبرى: ج 1 ص 204. تاریخ طبری: ج 2 ص 69.

3. بحار الانوار: ج 21، ص 369. السيرة النبوية (ابن کثیر): ج 4 ص 74. تنویر الحوالمک «ص 235.

4. مکاتیب الرسول ﷺ: ج 2 ص 438. بحار الانوار: ج 18 ص 130، 411. منتهی الامال: ج 1، ص 93. البداية و النهاية: ج 3 ص 98.

شد و به شهادت رسید. <sup>(1)</sup> قبر شریف آن بزرگوار در قُلزم است که بناء و گنبد کوچکی نیز دارد. <sup>(2)</sup>

مالک اشتر از امرای لشکر امیرالمؤمنین علیه السلام در جنگ صفین بود. آن بزرگوار نزد امیرالمؤمنین علیه السلام جلیل القدر و عظیم المنزله بود، و در عظمت او همین بس که امیرالمؤمنین علیه السلام در فرمایشی درباره مالک می فرماید: «مالک برای من چنان بود که من برای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بودم». <sup>(3)</sup> و در کلامی دیگر امیرالمؤمنین علیه السلام خطاب به اصحابشان می فرماید: «ای کاش دو نفر مانند مالک بین شما بود؛ بلکه ای کاش یک نفر مثل مالک بین شما بود...». <sup>(4)</sup>

عهدنامه حضرت به مالک اشتر از طولانی ترین عهدنامه های حضرت است که مشتمل بر لطائف و محاسن بسیار و پند و حکمت بی شمار برای استانداران و امراء است.

مالک از طرف امیرالمؤمنین علیه السلام امیر بر موصل و نصیبین و دارا و سنجار و هیت و عانات بود، و آخر الامر حضرت مالک را به مصر فرستادند و نامه ای به مردم مصر نوشتند که در آن نامه در شأن مالک مدح فراوانی نموده مردم را به اطاعت از او دستور داده بودند، اما معاویه چون از آمدن مالک با خبر شد به دهقان عریش نوشت که اگر مالک را مسموم کند خراج ناحیه اش را مادام العمر به او بدهد. دهقان عریش هم چون فهمید مالک عسل بسیار دوست دارد شربت عسل مسمومی درست کرد و برای مالک آورد و اوصاف و فوائد آن را بیان کرد. مالک عسل را میل نمود و از شدت سم

1. تاریخ دمشق: ج 56 ص 378.

2. مراقد المعارف: ج 2 ص 223.

3. خلاصة الاقوال: ص 227. بحار الانوار: ج 42 ص 176. الغدير: ج 9 ص 40. شرح نهج البلاغة: ج 2 ص 214، ج 15 ص 98. ینابیع المودة: ج 2 ص 28.

4. بحار الانوار: ج 32 ص 547، ج 33 ص 310. وقعة صفین: ص 521. شرح نهج البلاغة: ج 2 ص 240. ینابیع المودة: ج 2 ص 21.

بلافاصله جان داد و در قلمزم دفن شد. شهادت مالک اشتر به دست نافع غلام معاویه هم نقل شده است. معاویه هنگامی که خبر شهادت مالک را شنید از شادی نزدیک بود پرواز کند. او در شام خطبه ای خواند و در آن گفت: علی بن ابی طالب عَلَيْهِ السَّلَامُ دو دوست داشت؛ یکی در صفین قعظ شد (عمار بن یاسر)، و یکی امروز (مالک).<sup>(1)</sup>

---

1. اختصاص: ص 81. بحار الانوار: ج 33 ص 591. الغدير: ج 11 ص 62. النواوح الكافية لمن يتولى معاوية: ص 87. تاریخ طبری: ج 4 ص 72.

## 8 شعبان المعظم



ماه شعبان ماه سرور شیعه به قدم امامان معصوم علیهم السلام است. روزهای 2، 3، 4، 5، 9، 10، 11، 15، 18، 19 این ماه روزهای مهمی از تاریخ اسلام است.

ولادت امام حسین علیه السلام، امام زین العابدین علیه السلام، حضرت بقیه الله الاعظم علیه السلام، حضرت عباس علیه السلام و حضرت علی اکبر علیه السلام مهم ترین اخبار سراسر سرور در این ماه هستند. مرگ حفصه و مغیره بن شعله نیز دو خبر مسرور کننده در این ماه اند. از سوی دیگر شهادت سعید بن جبیر، وفات علی بن محمد سمری و حسین بن روح نوبختی دو نائب امام زمان علیه السلام روزهای حزن این ماه اند.

جنگ بنی سعد جنگ رخ داده در این ماه است. آغاز وجوب روزه یک روز تاریخی در زمینه احکام اسلامی است. ورود امام حسین علیه السلام به مکه، آخرین توقیع امام زمان علیه السلام و شناساندن امام زمان علیه السلام به شیعیان نیز سرآغاز تحولات عظیمی در تاریخ اسلام اند.





## 2 شعبان

### 1. آغاز وجوب روزه

در این روز در سال دوم هجری روزه ماه مبارک رمضان واجب شد. (1)

### 2. مرگ معتز عباسی

در این روز در سال 255 ه معتر بالله به درک واصل شد. نام او زبیر یا محمد بود که بعد از پسر عمویش مستعین به خلافت رسید. از بزرگترین جرائم او این بود که امام هادی علیه السلام را به شهادت رساند، و چون ترس آن داشت که مؤید بر ضد او قیام کند او را در لحاف مسموم پیچید و دو طرف آن را بست تا در 23 رجب مرد.

او پیوسته سرکردگان اترک را می کشت تا در روز مبعث سال 255 ه عده ای به سرکردگی صالح بن وصیف دور معتر را گرفتند و توییح و سرزنش کردند و از او مطالبه اموال کردند، و او را از حجره بیرون کشیدند و در آفتاب گرم بیای داشتند که از شدت گرما تکیه بر یک پا می کرد و او را پیوسته می زدند تا اینکه در 27 رجب خود را از خلافت خلع کرد. سپس سه روز به او آب و غذا ندادند تا مرد، و به قولی دیگر او را با آب جوش تنقیه کردند. بعضی گفته اند: او را پنج روز در گرمابه بدون آب و غذا حبس کردند و روز آخر آب نمک یا آب برفی به او دادند و به این سبب کشته شد. (2)

## 3 شعبان

### 1. ولادت امام حسین علیه السلام

در این روز در سال 4 ه آقای شهیدان و سرور و سالار شیعیان و دلباختگان، اشک

1. مسار الشیعه: ص 37. توضیح المقاصد: ص 19. تقویم المحسنین: ص 18. اختیارات: ص 37.

2. توضیح المقاصد: ص 19. تتمه المنتهی: ص 340 - 343. فیض العلام: ص 336. تاریخ بغداد: ج 2 ص 124. تاریخ طبری: ج 7 ص 525.

هر مؤمن، امام زاهد عابد، شهید غریب، عطشان نینوا حضرت اباعبدالله الحسین الشہید علیہ السلام عالم را به نور خود منور فرمود. <sup>(1)</sup> اقوال دیگر در ولادت آن حضرت پنجم شعبان <sup>(2)</sup> و 13 ماه رمضان <sup>(3)</sup> و آخر ربیع الاول سال 3 هـ <sup>(4)</sup> و پنجم جمادی الاولی <sup>(5)</sup> و دوازدهم رجب است. <sup>(6)</sup>

### القاب امام حسین علیہ السلام

نام مبارک آن حضرت در تورات شبیر و در انجیل طاب است. پدرشان مولانا و مقتدانا امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیہ السلام و مادرشان حضرت ولیہ اللہ و حبیبہ خاتون دو سرا صدیقہ کبری فاطمہ زہرا علیہا السلام است. کنیہ آن حضرت ابو عبدالله و کنیہ خاص آن حضرت ابوعلی است. القاب حضرت الشہید، السعید، السبط الثانی، الامام الثالث، الرشید، الطیب، الوفی، السید، الزکی، المبارک، تابع لمرضات اللہ است. <sup>(7)</sup>

1. اعلام الوری: ج 1، ص 420. مسار الشیعہ: ص 37. مصباح المتہجد: ص 758. تقویم المحسنین: ص 18. مصباح کفعمی: ج 2، ص 598. کشف الغمہ: ج 2، ص 3. بحار الانوار: ج 44، ص 202 - 200. ج 94، ص 79، ج 98، ص 347. تاریخ قم: ص 195. فیض العلام: ص 337. زاد المعاد: ص 56. اختیارات: ص 37. اقبال ج 3 ص 303. مختصر بصائر الدرجات: ص 35. مزار مشہدی: 397. شرح احقاق الحق: ج 33 ص 576.
2. ارشاد: ج 2، ص 27. کشف الغمہ: ج 2، ص 3. تاج الموالید: ص 28. بحار الانوار: ج 43 ص 237 ریال ج 44 ص 202-200. مصباح المجتہد: ص 782. روضة الواعظین: ص 153.
3. بحار الانوار: ج 44، ص 202. الدروس الشرعیة: ج 2 ص 8.
4. تہذیب الاحکام: ج 6 ص 41. توضیح المقاصد: ص 10. بحار الانوار: ج 44 ص 200. فیض العلام: ص 226. الدروس الشرعیة: ج 2 ص 8. اعلام الوری: ج 10 ص 420.
5. دلائل الامامة: ص 235. بحار الانوار: ج 44 ص 202.
6. اربعین ماحوزی: ص 368. مدینة المعاجز: ج 3 ص 426. منتخب طریحی: ص 151. مجمع النورین: ص 159. نور الابصار: ص 186.
7. بحار الانوار: ج 43، ص 237-238. مناقب آل ابی طالب علیہم السلام: ج 4 ص 85-86. دلائل الامامة: ص 181. شجرة طوبی: ج 2 ص 259.

## پیامبر پیامبر ﷺ در ولادت امام حسین علیه السلام

هنگامی که خبر ولادت آن حضرت به پیامبر گرامی پیامبر ﷺ رسید، به خانه امیرالمؤمنین علیه السلام آمدند و به اسماء فرمودند تا مولود را بیاورد. اسماء حضرت را در پارچه ای سفید پیچید و خدمت رسول اکرم پیامبر ﷺ آورد. پیامبر پیامبر ﷺ در گوش راست آن حضرت اذان و در گوش چپ اقامه فرمودند.

روز اول یا هفتم ولادت امین وحی الهی جبرئیل فرود آمد و عرض کرد: «سلام خداوند بر تو باد ای پیامبر، این نوزاد را به نام پسر کوچک هارون شبیر نام بگذار، که به عربی حسین گفته می شود. چون علی علیه السلام برای شما بسان هارون برای موسی بن عمران است، جز آنکه شما خاتم پیامبرانی.»<sup>(1)</sup>

به این ترتیب نام پر عظمت «حسین» از جانب پروردگار برای دومین فرزند فاطمه علیه السلام انتخاب شد. در این روز ملائکه آسمانها برای عرض تهنیت به مناسبت این ولادت خدمت پیامبر پیامبر ﷺ رسیدند و از خاک قبر آن بزرگوار برای پیامبر پیامبر ﷺ آوردند و به آن حضرت تعزیت نیز گفتند.

یکی از معجزات روز ولادت آن حضرت این بود که فطرس ملک<sup>(2)</sup> یا دردائیل<sup>(3)</sup> پناه به آن امام مظلوم برد و خداوند او را بخشید و او را به مقام قبلی اش باز گردانید.

## دوران زندگی امام حسین علیه السلام

آن حضرت شش سال و چند ماه با جد گرامی خود رسول اکرم پیامبر ﷺ بود. مدت سی

- 
1. امالی شیخ طوسی: ج 1، ص 367. معانی الاخبار: ص 57. تاج الموالید: ص 29. بحار الانوار: ج 43 ص 238، 239، ج 44 ص 250. جواهر السنیة: ص 239.
  2. بصائر الدرجات: ص 88. کامل الزیارات: ص 140. امالی صدوق: ص 201. دلائل الامامة: ص 190. عیون المعجزات: ص 60. السرائر: ج 3 ص 580. الثاقب فی المناقب: ص 338. الخراج و الجرائح: ج 1 ص 253. بحار الانوار: ج 43 ص 244، 251، ج 44 ص 182، ج 50 ص 66.
  3. کمال الدین: ص 283. مدینه المعاجز: ج 3 ص 433. بحار الانوار: ج 43، ص 248. غایة المرام: ج 1 ص 148، ج 2 ص 168، 263. فیض العلام: ص 337.

سال با پدر بزرگوار خود مولای متقیان امیر مؤمنان علیه السلام زندگی کرد، و در جمل، صفین و نهروان شرکت داشت. (1)

در دوران زمامداری غاصبانه عمر، امام حسین علیه السلام در سن ده سالگی وارد مسجد شد و خلیفه دوم را بر منبر پیامبر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مشاهده کرد که سخن می گفت. از منبر بالا رفت و فریاد زد: «ای دروغگو! از منبر پدرم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرود آی نه منبر پدرت!» (2)

بعد از شهادت امیرالمؤمنین علیه السلام همراه و شریک رنجهای امام حسن علیه السلام بود، و شاهد بود که معاویه و دیگر منافقین و کافران چگونه دهان آلوده خود را به بدگویی پدر بزرگوارش امیرالمؤمنین و برادرش امام حسن علیه السلام می گشایند.

پس از آنکه امام مجتبی علیه السلام را مظلومانه شهید کردند، امامت به آن وجود سراپا جود رسید، و بعد از مصائب و اذیتها و زخم زبانها، در روز عاشورا آن حضرت را به شهادت رسانیدند.

در این روز توفیق مبارک از ناحیه امام زمان علیه السلام در رابطه با ولادت امام حسین علیه السلام به قاسم بن علاء همدانی صادر شد. (3)

## 2. ورود امام حسین علیه السلام به مکه

در شب جمعه سوم شعبان سال 60 هـ امام حسین علیه السلام وارد مکه شدند و تا ذی الحجه در آنجا اقامت داشتند. (4)

---

1. الاصابة: ج 2، ص 69.

2. کلمات الامام الحسین علیه السلام: ص 120 - 116. بحارالانوار: ج 28 ص 232، ج 30 ص 47، 51. شرح احقاق الحق: ج 11 ص 425. الغدير: ج 7 ص 126. الاصابة: ج 2 ص 69. کنز العمال: ج 13 ص 654. تاریخ دمشق: ج 14 ص 175، 176. تذکرة الخواص: ص 234. معرفة الثقات: ج 1 ص 302. ینابیع المودة: ج 2 ص 42، 466.

3. مصباح المتجهد: ص 758. مستدرک الوسائل: ج 7 ص 538. بحارالانوار: ج 44 ص 201، ج 94 ص 79.

4. ارشاد: ج 2، ص 35. بحارالانوار: ج 44 ص 332. کلمات الامام الحسین علیه السلام: ص 305. فیض العلام: ص 338. تاریخ طبری: ج 4 ص 286.

## 4 شعبان

### 1. ولادت حضرت عباس علیه السلام

در این روز در سال 26 هـ علمدار کربلا سقای نینوا حضرت قمر منیر بنی هاشم ابوالفضل ال عباس علیه السلام به دنیا آمد. <sup>(1)</sup>

نام مشهور آن حضرت عباس علیه السلام است. به آن حضرت ابوالفضل، ابوالقربه، قمر بنی هاشم، باب الحوائج، عبد صالح و سقا می گویند. <sup>(2)</sup> پدرشان حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام، و مادرشان حضرت ام البنین فاطمه علیها السلام دختر حزام کلاییه است.

آن حضرت خوش سیما و زیبا رو بود و به همین جهت به ماه بنی هاشم ملقب شد. قامتی بلند و بازوهای قوی داشت و بر اسب که می نشست و پا در رکاب می نمود زانوی آن حضرت تا گردن اسب می رسید. مظهر جلال و جبروت حضرت کردگار بود، و در شجاعت و صفات بعد از امام حسن و امام حسین علیهما السلام سر آمد اولاد امیرالمؤمنین علیه السلام بود. آن حضرت سپهسالار و علمدار مظلوم کربلا بود. <sup>(3)</sup>

روزی امام سجاد علیه السلام به عبید الله فرزند حضرت عباس علیه السلام نگاه کرد و اشک چشمان مبارکش را فرا گرفت و فرمود: «روزی بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم سخت تر از روز اُحد نبود که عمویش حمزه علیه السلام در آن شهید شد، و بعد از آن موته بود که عموزاده اش جعفر بن ابی طالب علیه السلام شهید شد.» سپس فرمود: «و لا یوم کیوم الحسین علیه السلام ...»: «روزی چون روز حسین علیه السلام نبود؛ که سی هزار مرد که گمان می کردند از این امتند دور او را گرفتند و هر کدام با کشتن او به خدا تقرب می جستند و او خداوند را به آن ها یادآوری می نمود ولی پند نمی گرفتند تا او را به ستم و ظلم و عدوان کشتند.»

---

1. خصائص العباسیه: ص 66. قمر بنی هاشم علیه السلام (مقرّم): ص 18، از انیس الشیعة. مستدرک سفینة البحار: ج 5 ص 211. الوقایع و الحوادث: ج محرم، ص 400.

2. العباس علیه السلام: ص 164. مرحوم مقرّم به نقل از مدارک تاریخی گفته که لقب آن حضرت سقا بوده است.

3. بحارالانوار: ج 45 ص 39. مقاتل الطالبیین: ص 56.

آنگاه فرمود: «خداوند عباس علیه السلام را رحمت کند که جانبازی کرد و حوب امتحان داد و در راه برادر خود مبتلا ساخت و خود را فدای برادر نمود تا دو دستش قطع شد. خداوند در عوض به او دو بال داد که فرشتگان در بهشت پرواز می کنند چنان که به جعفر بن ابی طالب علیه السلام عطا نمود. حضرت عباس علیه السلام نزد خداوند متعال منزلت و مقامی دارد که تمام شهدای اولین و آخرین در روز قیامت تمنای مقامش را می نمایند.»<sup>(1)</sup>

در زیارت وارده از حضرت صادق علیه السلام خطاب به آن حضرت علیه السلام می گوئیم: «سلام الله و سلام ملائکتہ المقربین و انبیائہ المرسلین و عبادہ الصالحین و جمیع الشهداء و الصدیقین... علیک یابن امیر المؤمنین... و لعن الله من جهل حقک و استخف بحرمتک و لعن الله من حال بینک و بین ماء الفرات...»<sup>(2)</sup>.

## 5 شعبان

### 1. ولادت امام زین العابدین علیه السلام

در این روز در سال 38 هـ در زمان امیرالمؤمنین علیه السلام آقا و مولایمان حضرت سید الساجدین زین العابدین علی بن الحسین علیه السلام به دنیا آمد.<sup>(3)</sup> آن حضرت در روز شنبه در منزل حضرت زهرا علیها السلام به دنیا آمدند.<sup>(4)</sup>

نام آن حضرت «علی» است، و مشهورترین لقب مبارکش زین العابدین و سجاد علیه السلام است. پدرشان سرور شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام، و مادرشان حضرت

- 
1. امالی صدوق: ص 547. بحار الانوار: ج 44 ص 298. خصال: ص 68. انوار العلویة: ص 442. مقتل الحسین علیه السلام (ابی مخنف): ص 176.
  2. کامل الزیارات: ص 440. بحار الانوار: ج 98 ص 217، 277. مزار شیخ مفید: ص 121. مصباح المجتهد: ص 668. تهذیب الاحکام: ج 6 ص 66.
  3. کشف الغمة: ج 2، ص 74. توضیح المقاصد: ص 20. توضیح المقاصد: ص 20. بحار الانوار: ج 46 ص 7، 14. الدروس الشرعیة: ج 2 ص 12. شرح احقاق الحق: ج 12 ص 9، 10.
  4. احقاق الحق: ج 19، ص 439.

شهربانو (شاه زنان) علیه السلام است. (1)

امام سجاد علیه السلام دو سال از عمر با برکتش را با جدش امیرالمؤمنین علیه السلام بود، و بقیه عمر شریفش همراه عمومی مکرم و مظلومش امام مجتبی علیه السلام و پدر والامقامش امام حسین علیه السلام سپری شد. در واقعه جانسوز کربلا شاهد شهادت پدربرادر، عمو و بستگان و اصحاب علیهم السلام بود. همراه با عمه اش زینب کبری علیه السلام و دیگر اسرا به کوفه و شام رفتند.

در کوفه و شام جسارتها به آن حضرت و اهل بیت علیهم السلام نمودند، ولی با خطبه هائی نورانی از امامت و عصمت اهل بیت علیهم السلام دفاع فرمود. در کاخ یزید در حالیکه با چند تن دیگر از خاندان امامت به یک ریسمان بسته شده بودند، رو به یزید کرده فرمودند: «ما ظنک برسول الله لو رآنا موثقین فی الجبال...»: «ای یزید، چه گمان به پیامبر می بری اگر آن حضرت ما را این چنین در بند ببیند؟» (2)

در ولادت آن حضرت اقوال دیگری به این ترتیب وجود دارد: 19 ربیع الاول (3)، 15 جمادی الاولی (4)، 15 جمادی الاخر (5)، 5 رجب، 11 رجب، 7 شعبان (6)، 8 شعبان (7)، 9 شعبان (8)، 15 شعبان، 5 رمضان. (9) در روز ولادت هم اختلاف است که یکشنبه بوده

---

1. کافی: ج 1 ص 467. عیون اخبار الرضا علیه السلام: ج 2 ص 48. بحارالانوار: ج 46 ص 16 - 7. عمدة الطالب فی انساب آل ابی طالب علیه السلام: ص 192.

2. تذکرة الخواص: ص 236. اللهوف: ص 213. مشیر الاحزان: ص 78. بحارالانوار: ج 45 ص 132. ترجمة الامام الحسين علیه السلام من الطبقات: ص 83. تاریخ دمشق: ج 70 ص 15. معجم الکبیر: ج 3 ص 104. مجمع الزوائد: ج 9 ص 195. جواهر المطالب فی مناقب الامام علی بن ابی طالب علیه السلام: ج 2 ص 294.

3. شرح احقاق الحق: ج 13 ص 90.

4. مسار الشیعه: ص 31. تقویم المحسنین: ص 16. اختیارات: ص 35.

5. تاج الموالید: ص 36. بحارالانوار: ج 46 ص 14.

6. شرح احقاق الحق: ج 19، ص 439.

7. شرح احقاق الحق: ج 13، ص 90.

8. روضة الواعظین: ص 201. مناقب آل ابی طالب علیهم السلام: ج 4 ص 189. فیض العلام: ص 341.

9. شرح احقاق الحق: ج 19 ص 439. قلاند النحور: ج شعبان، ص 389 - 388.

یا سه شنبه یا پنجشنبه یا جمعه؟ در سال ولادت هم اختلاف است که 36 یا 37 یا 38 ه بوده است.<sup>(1)</sup>

## 9 شعبان

### 1. عقیقه برای امام حسین علیه السلام

در این روز که هفتمین روز ولادت امام حسین علیه السلام است، حضرت رسول گوسفندی را برای فرزندش به عنوان عقیقه قربانی کرد. سپس سر آن حضرت را تراشید و هم وزن موی سر او نقره صدقه داد.<sup>(2)</sup>

## 10 شعبان

### 1. توقیع امام زمان علیه السلام برای شیعیان

در این روز ابوجعفر سَمُرِی شش روز قبل از رحلتش، توقیعی از ناحیه مقدسه حضرت صاحب الامر علیه السلام برای شیعیان آورد.<sup>(3)</sup>

## 11 شعبان

### 1. ولادت حضرت علی اکبر علیه السلام

در سال 33 ه شبیه ترین مردم به خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله حضرت علی اکبر علیه السلام به دنیا آمد.<sup>(4)</sup>

- 
1. مناقب آل ابی طالب علیهم السلام: ج 4 ص 189. فائد النحور: ج شعبان، ص 389-388.
  2. حیاة الامام الحسین علیه السلام: ج 1، ص 30-43. اعلام الوری: ج 1، ص 420. روضة الواعظین: ص 155.
  3. کمال الدین: ص 516. الغیبة (شیخ طوسی): ص 395. بحار الانوار: ج 51 ص 361، ج 52 ص 151. فائد النحور: ج شعبان، ص 392. وقایع المشهور: ص 140.
  4. علی اکبر علیه السلام (مقرّم): ص 15-16، به نقل انیس الشیعة. مستدر سفینة البحار: ج 5 ص 413.



نام آن حضرت «علی» پدرشان حضرت سید الشهداء علیه السلام، مادرشان لیلی بنت مره ثقفی است. کنیه آن حضرت طبق فرمایش حضرت صادق علیه السلام «ابا الحسن» است. <sup>(1)</sup>

روایت بزنتی هم دلالت دارد که آن حضرت ازدواج کرده بودند.

در زیارت وارده از حضرت صادق علیه السلام هم می خوانیم: «صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ وَعَلَى عِتْرَتِكَ وَأَهْلِ بَيْتِكَ وَأَبَائِكَ وَأَبْنَائِكَ وَأُمَّهَاتِكَ الْأَخْيَارِ الَّذِينَ أَذْهَبَ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَطَهَّرَهُمْ تَطْهِيراً» <sup>(2)</sup> و لفظ آبناء در زیارت دلالت بر این دارد که آن حضرت حتی بیشتر از دو فرزند داشته است. در واقعه کربلا نزدیک 27 سال از عمر مبارک آن حضرت گذشته بود. <sup>(3)</sup>

## 15 شعبان

### 1. ولادت حضرت بقیه الله الاعظم صلوات الله عليه

در سال 255 هـ شی جمعه ولادت خاتم الاوصیاء منتقم آل محمد صلی الله علیه و آله، آخرین امام بر حق و ولی مطلق خداوند حضرت بقیه الله حجه بن الحسن عجل الله تعالی فرجه الشریف واقع شده است. <sup>(4)</sup>

در این شب آب زمزم زیاد می شود به گونه ای که همه می توانند رؤیت کنند <sup>(5)</sup>، ولی اکنون روی آن پوشیده است. در این شب برات آزادی از آتش برای افراد زیادی نوشته می شود، و آن را «شب برات» و «شب مبارک» و «شب رحمت» گویند.

1. کامل الزیارات: ص 240. بحار الانوار: ج 98 ص 186.

2. کامل الزیارات: ص 240. بحار الانوار: ج 98 ص 186.

3. علی اکبر علیه السلام «مقرم»: ص 20-16.

4. کافی: ج 1 ص 514. ارشاد: ج 2، ص 339. اعلام الوری: ج 2، ص 214. مسار الشیعة: ص 38. توضیح المقاصد: ص 20 - 21.

مصباح کفعمی: ج 2، ص 598. فیض العلام: ص 346. جلاء العیون: ص 579. بحار الانوار: ج 51. اختیارات: ص 37. تقویم المحسنین: ص 18. شرح احقاق الحق: ج 13 ص 93، 94. ینابیع المودة: ج 3 ص 306. اعلام زرکلی: ج 6 ص 80.

5. تقویم الواعظین: ص 136. به نقل از خلاصه المنهج: ج 5، ص 145 - 246.

از امام باقر و امام صادق علیهما السلام روایت شده که فرمودند: وقتی شب نیمه شعبان شود، منادی از افق اعلی ندا می کند: «ای زائرین قبر حسین بن علی برگردید در حالی که گناهان شما آمرزیده شده و اجر شما با خدای شما و محمد باشد». <sup>(1)</sup> ولی کسی که استطاعت زیارت قبر امام حسین علیه السلام را ندارد قبور مطهر ائمه دیگر را زیارت کند، و اگر این هم ممکن نیست با اشاره به طرف قبرشان سلام دهد. <sup>(2)</sup>

پدر بزرگوارشان مولانا و سیدنا ابومحمد العسکری حسن بن علی محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب صلوات الله علیهم اجمعین، و مادر بزرگوارشان حضرت نرجس علیها السلام و اسم شریف حضرتش بنا بر اتفاق و اخبار و اصحاب اسم جدشان خاتم الانبیاء «م ح م د» صلوات الله علیه و عجل الله تعالی فرجه الشریف است. <sup>(3)</sup>

### ماجرای شب ولادت

امام حسن عسکری علیه السلام در شب ولادت برای عمه بزرگوار خود جناب حکیمه خاتون علیها السلام پیغام فرستاده بودند: «امشب نزد ما افطار کن که شب نیمه شعبان است و خداوند حجت خود را آشکار می سازد.» ولادت امام زمان علیه السلام در شهر سامرا به هنگام طلوع فجر نیمه شعبان 255 هـ بوده است. بر شانه راست آن حضرت نوشته شده بود: (جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا).

---

1. کافی: ج 4 ص 589. کامل الزیارات: ص 333. من لا یحضره الفقیه: ج 2 ص 582. بحار الانوار: ج 98 ص 94. جامع احادیث الشیعة: ج 12 ص 423.

2. مسار الشیعة: ص 38. توضیح المقاصد: ص 20 - 21. فیض العلام: ص 343.

3. ارشاد: ج 2، ص 339. دار السلام: ص 196. بحار الانوار: ج 51.

4. سوره اسراء: آیه 81.

پس از تولد آن بزرگوار را نزد پدر بردند و شروع به سخن فرمود: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ وَأَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا وَوَلِيُّ اللَّهِ» و ائمه معصومین علیهم السلام را یکی بعد از دیگری نام برد تا به وجود شریف خود رسید و برای فرج محبین خود دعا فرمود.

### امام زمان علیه السلام در آغوش پدر

آنگاه حسب الامر امام عسکری علیه السلام، حکیمه خاتون او را نزد مادرش نرجس خاتون برد. حکیمه خاتون می فرماید: روز هفتم به خدمت امام حسن علیه السلام رفتم. حضرت فرمود: «پسر مرا بیاورید». آن وجود سراپا جود را نزد آن امام بردیم. حضرت زبان در دهان وی گذاشتند و فرمودند: «پسر، سخن بگو». دیدم آنچه در روز اول از او شنیده بودم از اقرار به وحدانیت و ثنا بر جد خود پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امیرالمؤمنین علیه السلام و سایر ائمه علیهم السلام تا پدر بزرگوارش دوباره بیان کرد و این آیه را تلاوت فرمود: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ \* وَنَمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِيَ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ».

سپس پدر بزرگوارشان فرمودند: بخوان آنچه را که خدا بر پیامبران خود نازل فرمود. حضرت خواندن صحف آدم را به لغت سریانی آغاز نمود، و بعد کتاب ادریس و نوح و صالح و صحف ابراهیم و تورات موسی و انجیل عیسی و زبور داود و فرقان محمد صلی الله علیه و آله و سلم را قرائت نمود. بعد از آن بیان قصص انبیاء و مرسلین را شروع نمود.

حکیمه خاتون می گوید: پس از چهل روز دیگر، دوباره خدمت فرزند برادرم امام عسکری علیه السلام رفتم و حضرت صاحب الزمان علیه السلام را دیدم که راه می رود. امام عسکری علیه السلام فرمود: ای عمه، مولود عزیز نزد خدا این است. گفتم: ای سید و مولای من، نشو و نمای او را در چهل روز زیادتر از دیگران می بینم. حضرت فرمودند: «ای عمه، ما اوصیاء در یک روز نشو و نمای یک هفته دیگران را، و در یک جمعه نشو و نمای

1. سوره قصص: آیات 6 - 5.

یک سال دیگران را می نمائیم». من برخاستم و سر آن طفل را بوسیده به منزل مراجعه کردم.<sup>(1)</sup>

### القاب امام زمان علیه السلام

از القاب آن نور الهی «حجه الله علیه السلام»، «حجة آل محمد علیه السلام»، «صاحب الزمان علیه السلام» یعنی فرمانروای عصر خود، «مالک رقاب الخلاق علیه السلام» یعنی امر امر او و نهی نهی او و حکم حکم او و فرمان فرمان اوست، «مهدی علیه السلام» که خلق به وسیله او هدایت می یابند و به وجود مقدس او از جاده ضلالت به شاهراه هدایت رسیده رستگار می شوند، «قائم علیه السلام» که حضرت صادق علیه السلام فرمودند: «از این جهت که به حق قیام می نماید او را قائم گویند»، «منتظر علیه السلام» که برای او غیبت طولانی است، و مخلصین او انتظار خروجش را می کشند و شکاکین او را انکار می کنند.<sup>(2)</sup>

### اوصاف امام زمان علیه السلام

اوصاف ظاهری آن حضرت شباهتهای زیادی به رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم دارد. خطی از موی سبز رنگ مانند زمرد از گردن تا ناف مبارک او کشیده است. صورت مبارکش مانند ستاره ای درخشانده و نورانی است. امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: «او جوانی است خوش روی و خوش موی و نور صورت مبارکش بر سیاهی محاسن و موی سر انوار او غالب است». <sup>(3)</sup> امام باقر علیه السلام می فرماید: «رنگ مبارکش مایل به سرخی است مانند گل سرخ شکفته و چشمانش گشاده و میان ابروهایش مرتفع و مابین شانه های او باز است». <sup>(4)</sup> گشاده جبین است و بینی او بلند و نازک و شکم مبارکش بر آمدگی دارد، و بیخ دندانهای ثنایش گشاده است.

1. بحار الانوار: ج 51 ص 20، 27. الهدایة الكبرى: ص 356. مدینة المعاجز: ج 8 ص 26-20. معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام: ج 4 ص 369. کفایة الموحدين: ج 3 ص 340 - 341. فیض العلام: ص 346.
2. کفایة الموحدين: ج 3، ص 343. بحار الانوار: ج 51 ص 30.
3. الغیبة (شیخ طوسی): ص 470. بحار الانوار: ج 51 ص 36.
4. الغیبة (شیخ طوسی): ص 215. بحار الانوار: ج 51 ص 40. معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام: ج 3 ص 237. کفایة الموحدين: ج 2 ص 781.

والده حضرت صاحب الامر علیه السلام حضرت نرجس خاتون است که نامها و القاب دیگر حضرت علیه السلام، ملیکه، ریحانه، صیقل، سوسن است. در زیارت آن حضرت - که تمامی عبارات آن دلالت واضحی بر علو منزلت آن بانو دارد - توصیف به راضیه، مرضیه، صدیقه، تقیّه نقیّه، زکیّه، والده الامام، المودعة السرار الملك العلام، امّ موسی، ابنة حواری عیسی شده است. <sup>(1)</sup>

بنابر نقلی جناب نرجس علیه السلام در سال 261 هـ در سامراء از دنیا رحلت کرد و در جوار امامین حضرت هادی و امام عسگری علیه السلام دفن شد. <sup>(2)</sup> بنابر نقلی دیگر در سال 260 هـ قبل از شهادت امام عسگری علیه السلام رحلت نمود. زیرا هنگامی که امام علیه السلام از وقایع بعد از شهادت خود نسبت به فرزند و عیالش خبر داد حضرت نرجس خاتون علیه السلام از آن حضرت خواستند که دعا بفرمایند قبل از ایشان از دنیا بروند. <sup>(3)</sup>

حضرت حکیمه خاتون دختر حضرت جواد الائمه علیه السلام است که توفیق رؤیت و درک چهار امام معصوم علیه السلام را داشته است. <sup>(4)</sup> ایشان در سال 274 هـ در سامراء رحلت فرمودند. <sup>(5)</sup>

ایشان محرم اسرار اهل بیت علیه السلام بوده و کسی است که در ولادت حضرت صاحب الزمان علیه السلام حاضر بوده و چندین بار خدمت آن حضرت مشرف شده است. بعد از وفات امام حسن عسگری علیه السلام یکی از وفات امام حسن عسگری علیه السلام یکی از سفرا بوده که به واسطه او مردم به حوائج خود نائل می شدند. <sup>(6)</sup>

1. بحار الانوار: ج 99 ص 70. ریاحین الشریعه: ج 3 ص 25-26.

2. ریاحین الشریعه: ج 3، ص 25 - 26.

3. تاریخ سامراء: ج 1، ص 243. مستدرک سفینه البحار: ج 10، ص 25. بحار الانوار: ج 51 ص 5.

4. بحار الانوار: ج 50 ص 8.

5. تاریخ سامراء: ج 1، ص 239.

6. ریاحین الشریعه: ج 4 ص 150.

پس از گذشت یک شب از ولادت امام عصر علیه السلام، نسیم خادم خدمت آن حضرت رسید و عطسه کرد. امام علیه السلام فرمود: «بِرَحْمِكَ اللَّهُ» سپس فرمود: «عطسه تا سه روز امان از مرگ است». <sup>(1)</sup> این ماجرا در روز 25 شعبان هم نقل شده است. <sup>(2)</sup>

سه روز بعد از ولادت امام عصر علیه السلام، حضرت امام حسن عسگری علیه السلام فرزند خود را به اصحاب خاص نمایاند و امامت او را تصدیق فرمودند. <sup>(3)</sup>

### غیبت صغری:

در غیبت صغری چهار تن از بزرگان شیعه به ترتیب وکیل و سفیر و نایب خاص امام زمان علیه السلام بودند، که خدمت آن حضرت می رسیدند و وکالتشان مورد تأیید آن حضرت بود، و پاسخهای امام علیه السلام در حاشیه نامه ها توسط نوآب به دست مردم می رسید.

البته غیر از این چهار نفر وکلای دیگری هم از طرف امام علیه السلام در بلاد مختلف بودند که به وسیله همین چهار بزرگوار امور مردم را به عرض امام زمان علیه السلام می رساندند و از سوی امام علیه السلام در امور آنها تویع هایی صادر شده بود. سفارت این چهار بزرگوار سفارت مطلق و تام بوده، ولی دیگران در موارد خاصی سفارت داشتند، مانند ابوالحسین محمد بن جعفر اسدی، احمد بن اسحاق اشعری، ابراهیم بن محمد همدانی، احمد بن حمزه بن الیسع. <sup>(4)</sup>

نوآب اربعه عبارتند از ابو عمرو عثمان بن سعید عمری، ابو جعفر محمد بن عثمان بن سعید عمری، ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی ابوالحسن علی بن محمد سمری.

1. کمال الدین: ص 430، 441. بحار الانوار: ج 51 ص 5، 30. وقایع الشهور: ص 147.

2. الغیبة (شیخ طوسی): ص 232. بحار الانوار: ج 51 ص 5. وقایع الشهور: ص 146.

3. وقایع الشهور: ص 147.

4. الغیبة (شیخ طوسی): ص 415. بحار الانوار: ج 51 ص 362. المهدي علیه السلام: ص 182. اعیان الشیعه: ج 4، ص 48، بخش سوم.

نائب اول عثمان بن سعید مورد اعتماد مردم و جلیل القدر و وکیل حضرت هادی و امام عسکری علیه السلام نیز بود. (1) او به امر امام علیه السلام متصدی کفن و دفن امام عسکری علیه السلام گردید. (2)

چون امام عسکری علیه السلام در محله عسکر سکونت داشتند و تماس با آن حضرت برای شیعیان مشکل بود. عثمان بن سعید چون روغن فروش بود، اموال را در ظرفهای روغن می ریخت و به خدمت امام علیه السلام می برد. احمد بن اسحاق قمی هنگامی که از امام هادی علیه السلام پرسید: آقای من، گاهی غائب و گاهی حاضرم. وقتی هم که حضور دارم نمی توانم خدمتتان برسم. سخن چه کسی را بپذیرم و فرمان چه شخصی را اطاعت کنم؟ حضرت فرمود: «این ابوعمرو عثمان بن سعید عمری مورد اطمینان و امین است، آنچه به شما بگوید از من می گوید و آنچه به شما برساند از من می رساند.»

احمد بن اسحاق می گوید: پس از رحلت امام هادی علیه السلام نزد امام عسکری علیه السلام رفته همان گفته را تکرار کردم. آن حضرت مانند پدر بزرگوارشان فرمودند: «ابو عمرو امین و مورد اطمینان امام گذشته و مورد اطمینان من در زندگی و پس از مرگ من است. آنچه به شما بگوید و آنچه به شما برساند از من می رساند.»

جناب عثمان بن سعید پس از امام عسکری علیه السلام به فرمان حضرت مهدی علیه السلام به وکالت و نیابت ادامه داد، و شیعیان مسائل خود را نزد او می بردند و پاسخ امام علیه السلام توسط او به مردم می رسید.

نائب دوم ابوجعفر محمد بن عثمان بود و او نیز همچون پدر از بزرگان شیعه و در تقوی و عدالت و بزرگواری مورد احترام شیعیان بود. عثمان بن سعید پیش از وفات به فرمان امام عصر علیه السلام فرزند خود ابوجعفر محمد بن عثمان را به جانشینی خود و نیابت امام علیه السلام معرفی کرد. این در حالی بود که امام عسکری علیه السلام نسبت به او و

1. المهدي عليه السلام: ص 181. بحار الانوار: ج 51، ص 344.

2. الغيبة (شيخ طوسي): ص 356. اعيان الشيعة: ج 2 ص 48 بخش سوم.

پدرش اظهار اعتماد و اطمینان فرموده بود و شیعه بر عدالت و تقوی و اطاعت او اتفاق داشتند.<sup>(1)</sup>

پس از درگذشت نائب اول جناب عثمان بن سعید، توقیعی از جانب امام زمان علیه السلام در مورد وفات او و نیابت فرزندش محمد صادر شد که ترجمه قسمتی از آن چنین است: «انا لله و انا اليه راجعون، در برابر فرمان خدا تسلیم و به قضای او راضی هستیم. پدرت سعادتمند زیست و پسندیده در گذشت. خداوند او را رحمت کند و به پیشوایان و سرورانش علیهم السلام ملحق سازد. از کمال سعادت پدرت بود که خداوند فرزندی چون تو را به او عنایت کرد که پس از او جانشینش گردی، و در امورش قائم مقام او باشی و برایش طلب رحمت و آمرزش نمائی». <sup>(2)</sup>

از محمد بن عثمان پرسیدند: صاحب الامر علیه السلام را دیده ای؟ گفت آری و آخرین ملاقاتم با او کنار بیت الحرام بود که می فرمود: «اللَّهُمَّ أَنْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي» و نیز او را در مستجار نزدیک رکن یمانی کعبه دیدم که می گفت: «اللَّهُمَّ انْتَقِمْ لِي مِنْ أَعْدَائِي». <sup>(3)</sup>

این بزرگوار کتاب هایی در فقه تألیف کرده که مشتمل است بر آنچه از امام عسکری علیه السلام و از پدر خود شنیده بود. <sup>(4)</sup>

محمد بن عثمان برای خود قبری ترتیب داده بود و آن را ساج پوشانده بود و روی آن آیاتی از قرآن کریم و اسامی ائمه اطهار علیهم السلام را نوشته بود. هر روز داخل آن می شد و یک جزء قرآن قرائت می کرد و بیرون می آمد. او پیش از مرگ از روز وفات خود خبر داد و در همان روز که خبر داده بود در گذشت. <sup>(5)</sup> همچنین پیش از رحلت به

- 
1. بحار الانوار: ج 51، ص 346 - 344. الغيبة (شیخ طوسی): ص 357 - 354. الکنی و الالقاب: ج 3، ص 267. المهدي علیه السلام: ص 181.
  2. کمال الدین: ص 510. بحار الانوار: ج 51، ص 349. الغيبة (شیخ طوسی): ص 361. احتجاج: ج 2 ص 301.
  3. من لا يحضره الفقيه: ج 2 ص 520. کمال الدین: ص 440. الغيبة (شیخ طوسی): ص 364-251. بحار الانوار: ج 51 ص 351، ج 52 ص 30.
  4. الغيبة (شیخ طوسی): ص 363. بحار الانوار: ج 51 ص 350. حق اليقين: ص 299. الذريعة: ج 2 ص 106.
  5. الکنی و الالقاب: ج 3، ص 268 - 267. حق اليقين: ص 300.



شیعیان خبر داد که امام علیه السلام جناب ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی را برای سفارت و ارتباط با خود انتخاب فرموده اند و او قائم مقام من است و به او مراجعه کنید. <sup>(1)</sup> او در سال 305 هـ رحلت فرمود. <sup>(2)</sup>

نائب سوم جناب ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی است، که نزد موافق و مخالف عظمت و بزرگی ویژه ای داشت، و به عقل و بینش و تقوی و فضیلت نزد عموم فرقه های مختلف مذهبی مشهور بود و در زمان نائب دوم از جانب او متصدی پاره ای از امور بود.

با اینکه میان یاران نائب دوم، جعفر بن احمد بن متیل از همه به او نزدیکتر بود، و حتی در اواخر زندگی جناب محمد بن عثمان، غذای منزل او را در منزل جعفر بن احمد بن متیل تهیه می کردند، و در میان اصحاب احتمال نیابت و جتنشینی جعفر بن احمد بیشتر بود، اما در آخرین ساعات زندگی جناب محمد بن عثمان که جعفر بن احمد بالای سر او و حسین بن روح پائین پایش نشسته بود، به جعفر بن احمد رو کرد و فرمود: «مأمور شده ام که امور را به ابوالقاسم حسین بن روح واگذار نمایم». جعفر بن احمد از جا برخاست و دست حسین بن روح را گرفت و او را بالای سر محمد بن عثمان نشانید و خود در پائین پای او نشست.

در 6 شوال سال 305 هـ اولین توقیع از ناحیه مقدسه امام عصر علیه السلام برای او صادر شد که متن آن چنین بود: «ما او را می شناسیم، خداوند تمامی خیر و رضای خویش را به او بشناساند و به توفیق خود او را یاری نماید. از مکتوب او مطلع شدیم و نسبت به او وثوق و تضمینان داریم. او را نزد ما مکام و منزلتی است که خشنودش می سازد. خداوند احسان

- 
1. کمال الدین: ص 503. مدینه المعاجز: ج 8 ص 209. بحار الانوار: ج 51، ص 355 - 354. الغیبة (شیخ طوسی): ص 371 - 370.
  2. الغیبة (شیخ طوسی): ص 366. بحار الانوار: ج 51، ص 352. الکنتلی و الاقاب: ج 3 ص 268. مستدرک سفینه البحار: ج 5 ص 231.
  3. الغیبة (شیخ طوسی): ص 370. بحار الانوار: ج 51، ص 354 - 353. کمال الدین: ص 503. مدینه المعاجز: ج 8 ص 209.

خویش را به او بیفزاید که خدا ولی و توانا بر همه چیز است، و سپاس خدای را که شریکی ندارد و درود و سلام فراوان خداوند بر فرستاده او محمد و بر خاندان او صلوات الله علیهم».<sup>(1)</sup>

از ابوسهل نوبختی صاحب تألیفات که از متکلمین بزرگ بغداد بود پرسیدند: برای چه جناب ابوالقاسم حسین بن روح به مقام نیابت نائل شد و شما نائل نشدید؟ گفت: ائمه علیهم السلام داناترند و آنچه برگزینند شایسته تر و مناسب تر است، ولی من فردی هستم که با خصم برخورد و مناظره می کنم و اگر نایب امام علیه السلام بودم و مکان امام زمان علیه السلام را می دانستم چنانکه ابوالقاسم حسین بن روح به جهت نیابت می داند و در گیر و دار بحث پیرامون امام علیه السلام با مخالفان در تنگنا قرار می گرفتم ممکن بود نتوانم خود را کنترل کنم و جای آن حضرت را افشا نمایم، ولی ابوالقاسم اگر امام علیه السلام در زیر دامان او مخفی باشد و او را با آلات لرزنده تکه تکه نمایند دامان خود را از او بر نمی دارد و او را به دشمن نشان نخواهد داد.<sup>(2)</sup>

جناب ابوالقاسم حسین بن روح حدود 21 سال مقام نیابت داشت. او قبل از وفات امور نیابت را به امر امام علیه السلام به ابوالحسن علی بن محمد سمري وا گذاشت، و در ماه شعبان سال 326 هجری در گذشت. آرامگاه او در بغداد است.<sup>(3)</sup>

نائب چهارم ابوالحسن سمري است که حسب الامر حضرت صاحب الزمان علیه السلام به جناب حسین بن روح، امر نیابت بعد از او به ابوالحسن سمري واگذار شد. به فرموده بزرگان رجال، عظمت و جلالت قدر او محتاج به توصیف نیست. ابوالحسن سمري روزی به جمعی از مشایخ که نزد او بودند فرمود: «خداوند به شما در مصیبت علی بن بابویه قمی اجر عنایت فرماید. در این ساعت او از دنیا رفت». آنان ساعت و روز و ماه

1. الغیبة (شیخ طوسی): ص 372. بحار الانوار: ج 51، ص 356.

2. الغیبة (شیخ طوسی): ص 391. الانوار: ج 51، ص 359. الکنی والالقباب: ج 1، ص 94.

3. الغیبة (شیخ طوسی): ص 387، 393. بحار الانوار: ج 51، ص 358 - 360. حق الیقین: ص 301.

را یادداشت کردند، و 17 یا 18 روز بعد خبر رسید که در همان ساعت علی بن بابویه قمی در گذشته است.<sup>(1)</sup>

### پایان غیبت صغری:

پیش از وفات علی بن محمد سمری گروهی از شیعیان نزد او گرد آمدند و پرسیدند: «پس از شما چه کسی جانشین شما خواهد بود؟» پاسخ داد: «من مأمور نشده ام که در این مورد به کسی وصیت کنم.»<sup>(2)</sup> سپس توقیعی را که از سوی امام غائب علیه السلام در این باره صادر شده بود به شیعیان نشان داد. آنان از روی توقیع استنساخ کردند که مضمون آن چنین بود: «بسم الله الرحمن الرحيم، ای علی بن محمد سمری، خداوند در مصیبت تو پاداش برادرانت را عظیم دارد. تا شش روز دیگر از دنیا خواهی رفت. پس امور خویش را فراهم آور و به هیچکس وصیت مکن که پس از تو جانشین تو شود. غیبت کبری واقع شد و ظهوری نخواهد بود تا آنگاه که خدای متعال فرمان دهد، که پس از مدت طولانی و قساوت دلها و پر شدن زمین از ستم است. به زودی افرادی نزد شیعیان من مدعی مشاهده من می شوند. آگاه باشید که هر کس پیش از خروج سفیانی و پیش از صیحه<sup>(3)</sup> چنین ادعائی نماید (یعنی ادعای رؤیت به عنوان سفارت و نیابت نماید) دروغگو و افترا زننده است و لا حول و لا قوه الا بالله العظیم.»<sup>(4)</sup>

1. الغيبة (شیخ طوسی): ص 396. بحار الانوار: ج 51، ص 361. الکنی و الالقاب: ج 3، ص 268. خاتمة المستدرک: ج 3 ص 281.

2. بحار الانوار: ج 51، ص 360.

3. خروج سفیانی و صیحه دو علامت از علامتهائی هستند که هنگام ظهور امام عصر علیه السلام واقع می شود.

4. بحار الانوار: ج 51، ص 361، ج 52 ص 151، ج 53 ص 318. الغيبة (شیخ طوسی): ص 395. کمال الدین: 516. احتجاج: ج 2

ص 297. الثاقب فی المناقب: ص 604. الخرائج و الجرائح: ج 3 ص 1129. معجم احادیث الامام المهدي علیه السلام: ج 4 ص 317. حق

اليقين: ص 301.

روز ششم که مصادف با نیمه شعبان سال 329 هـ بود جناب ابوالحسن سمری در گذشت، و در خیابان خلنجی کنار نهر ابو عتاب در بغداد دفن گردید. (1)

مجلسی رحمته الله از احتجاج مرحوم شیخ طبرسی نقل می فرماید: هیچیک از نائبان خاص امام عصر علیه السلام جز با فرمان صریحی از جانب آن حضرت و تعیین و نصب و معرفی نایب قبلی به نیابت قیام نکرد. شیعه نیز گفتار هیچیک را نپذیرفت مگر بعد از بروز نشانه و معجزه ای به دست هر یک از آنان از طرف امام عصر علیه السلام که بر راستی گفتار و درستی نیابتشان دلالت می کرد. (2)

### وظائف زمان غیبت کبری:

شیعیان و دوستان آن حضرت در زمان غیبت وظائفی دارند (3) از جمله:

1. قرائت دعای ندبه در روزهای جمعه، عید فطر، عید قربان، عید غدیر.
2. زیارت آن حضرت در روز جمعه.
3. برای ثبات و محکم ماندن اعتقادات خواندن این دعای شریف: «یا الله، یا رحمن، یا رحیم، یا مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ، ثَبَّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ». (4)
4. از جا برخاستن به احترام نام «قائم» آن بزرگوار.
5. توسل به آن حضرت در مشکلات و گرفتاری ها.
6. صدقه برای سلامتی و فرج وجود شریفش.
7. قرائت این دعا که از خداوند می خواهیم آن حضرت را به ما بشناساند: «اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ، اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ

---

1. الغيبة (شیخ طوسی): ص 396. اعیان الشیعة: ج 2، ص 48 بخش سوم. قاموس الرجال: ج 7، ص 51. بحار الانوار: ج 51، ص 362. معجم رجال الحدیث: ج 13 ص 184.

2. احتجاج: ج 2 ص 297. بحار الانوار: ج 51، ص 362.

3. به کتاب «مکیال المکارم فی فضائل الدعاء للقائم علیه السلام» و ترجمه آن مراجعه شود.

4. کمال الدین: ج 2، ص 352. بحار الانوار: ج 52 ص 149. معجم احادیث الامام الحدیث المهدی علیه السلام: ج 4 ص 123. مکیال المکارم: ج 2 ص 56، 168.

لَمْ تُعْرِفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ، اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعْرِفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي»<sup>(1)</sup>.

8. شرکت در مجالس منسوب به آن حضرت، مخصوصاً مجالس عزاداری جد بزرگوارش حضرت سید الشهداء علیه السلام.

9. هدیه اعمال صالحه برای آن حضرت، مانند زیارت قبور مطهر پدران بزرگوارش، قرائت قرآن و حج و عمره و طواف.

10. توبه حقیقی از گناهان.

11. متوجه کردن مردم به آن حضرت.

## 2. وفات علی بن محمد سمری نائب امام زمان علیه السلام

وفات شیخ جلیل نایب خاص امام عصر علیه السلام علی بن محمد سمری در این روز بوده است که به معنای اتمام غیبت صغری و شروع غیبت کبری است، چه اینکه حضرت صاحب الامر علیه السلام به او امر فرموده بودند که وصی و جانشینی برای خود قرار مده، که غیبت کبری شروع شده است.<sup>(2)</sup>

## 18 شعبان

### 1. وفات حسین بن روح نوبختی نایب امام زمان علیه السلام

در این روز به سال 326 هـ نایب سوم حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه، جناب حسین بن روح نوبختی در بغداد به عالم بقا رحلت کرد و در همانجا دفن شد.<sup>(3)</sup>

1. کافی: ج 1 ص 337. الغیبة (نعمانی): ص 166. کمال الدین: ص 342. بحار الانوار: ج 52 ص 146. مکیال المکارم: ج 1 ص 83. ج 2 ص 167.

2. الغیبة (شیخ طوسی): ص 394. کمال الدین: ص 503. بحار الانوار: ج 51 ص 360. حق الیقین: ص 301. مراقد المعارف: ج 1 ص 375. فیض العلام: ص 348. قلائد النحور: ج شعبان، ص 463.

3. قلائد النحور: ج شعبان، ص 462. برای تفصیل بیشتر به 15 شعبان مراجعه شود.

### 1. جنگ بنی المصطلق

در این روز در سال 5 یا 6 هـ غزوه بنی المصطلق اتفاق افتاد. <sup>(1)</sup> حرکت برای این جنگ در دوم شعبان همین سال بود. تعداد مسلمانان 1000 نفر بودند که 30 اسب داشتند، ولی کفار 700 نفر بودند. یک نفر از مسلمانان در این جنگ شهید شد و از کفار 10 نفر به قتل رسیدند. در این جنگ غلبه و نصرت از آن مسلمین بود.

مصطلق منزلی بین مکه و مدینه است که منسوب به مصطلق است. او اول کسی است که دین اسماعیل عَلَيْهِ السَّلَام را تغییر داد و قبیله خود را به پرستیدن هبل فرمان داد و آن را در کعبه نصب کرد. <sup>(2)</sup>

### تتمه شعبان

#### 1. مرگ حفصه

در ماه شعبان سال 45 هـ حفصه از دنیا رفت و مروان بر جنازه او نماز خواند. <sup>(3)</sup> حفصه دختر عمر بن خطاب ابتدا زوجه خنیس بن عبدالله بود. بعد از آنکه خنیس وفات کرد عمر او را به عقد پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در آورد. او با اخلاق و رفتار خود پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام را می آزرده، به حدی که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ او را طلاق داد و با اصرار بعضی

- 
1. توضیح المقاصد: ص 21. فیض العلام: ص 349. وقائع الشهور: ص 147.
  2. بحار الانوار: ج 20 ص 290، 295. الصحيح من السیرة: ج 11 ص 281. فیض العلام: ص 349. الموسوعة الکبری فی غزوات النبی الاعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ج 3، ص 12. طبقات الکبری: ج 2 ص 63.
  3. المستدرک علی الصحیحین: ج 4، ص 15. البدایه و النهایه: ج 8، ص 33. المنتخب من ذیل المذیل: ص 95. طبقات الکبری: ج 8 ص 86. تاریخ دمشق: ج 3 ص 205.

رجوع فرمود. (1)

در جنگ جمل خواست با عایشه حرکت کند، ولی برادرش عبدالله بن عمر مانع گردید. اما هنگامی که لشکر امیرالمؤمنین علیه السلام به منزل ذی قار رسیدند عایشه نامه ای به این مضمون برای حفصه نوشت: «خبر زیادی لشکر ما به علی بن ابی طالب علیه السلام رسیده است و او از ترس در ذی قار اقامت کرده است و از این جنگ جان سالم به در نخواهد برد...».

چون نامه به دست حفصه رسید کنیزان و مغنیه ها را جمع کرد و آنان دایره ها می نواختند و اشعاری می خواندند که در آنها امیرالمؤمنین علیه السلام را به بدی ذکر می کردند و زنهای بنی امیه جمع شدند و شادی می کردند.

خبر به امّ کلثوم علیه السلام که رسید با عده ای از بانوان به صورت ناشناس وارد مجلس شدند و ناگهان صورتها را باز کردند. حفصه خجالت کشید. امّ کلثوم علیه السلام آیه ای که مربوط به زنهای حضرت نوح و لوط علیه السلام بود - که نافرمانی آن دو پیامبر را نمودند و در باره حفصه و عایشه نازل شده بود - بر حفصه قرائت کرد (2) و فرمود: «اگر تو و عایشه امروز برای خواری پدر من امیرالمؤمنین علیه السلام به یکدیگر کمک می کنید، این کار شما تازگی ندارد چرا که همین معامله را با جدم پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم کردید.»

حفصه چون دید رسوا شده است نامه عایشه را پاره کرد و از امّ کلثوم علیه السلام خواست بیشتر از این او را رسوا نکند. (3)

---

1. عین العبرة: ص 41. بحار الانوار: ج 22 ص 229. صحیح بخاری: ج 3، ص 103، ج 6، ص 148. مسند احمد: ج 1، ص 33 - 34، ج 3 ص 478. صحیح مسلم: ج 4، ص 193. شرح نهج البلاغة: ج 14، ص 23. سنن ترمذی: ج 5 ص 93. سنن بیهقی: ج 7 ص 37، 322. مستدرک حاکم: ج 2 ص 197. سنن ابن ماجه: ج 1 ص 650. المجموع: ج 17 ص 61، 62، 264. البداية و النهاية: ج 8 ص 34. سنن نسائی: ج 6 ص 213. مجمع الزوائد: ج 4 ص 333.

2. سوره تحریم: آیه 10: (ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَامْرَأَتَ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحِينَ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّٰخِلِينَ).

3. الكافئة في ابطال توبة الخاطئة (شيخ مفيد): ص 16. بحار الانوار: ج 32 ص 90. الجمل (شيخ مفيد): ص 149. الجمل (ابن شدقم): ص 33. شرح نهج البلاغة (ابن ابی حدید): ج 14 ص 13.

## 2. جنگ پیامبر ﷺ با بنی سعد

در شعبان سال ششم هجرت پیامبر ﷺ حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام را به همراه 100 نفر برای تقابله با طائفه بنی سعد در اطراف مدینه فرستاد. بنی سعد با خبر شده فرار کردند و مسلمانان صد شتر و هزار گوسفند به غنیمت گرفتند. امیرالمؤمنین علیه السلام چند شتر برای پیامبر ﷺ جدا کرد و سایر غنائم را بین مسلمانان تقسیم فرمود و به مدینه باز گشتند.<sup>(1)</sup>

## 3. شهادت سعید بن جبیر

در این ماه در سال 95 هـ جناب سعید بن جبیر کوفی به دست حجاج بن یوسف ثقفی به شهادت رسید.<sup>(2)</sup> سعید مردی فقیه، زاهد و عابد بود که توفیق کسب علم از محضر مبارک حضرت زین العابدین علیه السلام را یافته بود. او به خاطر اعتقاد خالص و محبت کاملی که به اهل بیت معصومین علیهم السلام داشت، نزد امام زین العابدین علیه السلام از احترام خاصی برخوردار بود. هنگامی که حجاج خواست آن بزرگوار را شهید کند، دعا کرد که حجاج بعد از شهادت او قادر به قتل هیچکس نشود. خداوند دعای او را مستجاب کرد و حجاج 15 تا 20 روز بعد از شهادت سعید زنده بود و کسی را نکشت تا به مرض آکله به درک واصل شد. بعد از آنکه حجاج سر آن بزرگوار را جدا کرد، دو پای مبارک او را نیز از ساق جدا کردند، در حالی که از سن مبارکش 57 یا 79 سال می گذشت در شهر الحی در وسط عراق مدفون شد. قبر آن بزرگوار یکی از زیارتگاههای محبین اهل بیت علیهم السلام است که دارای گنبد و صحنی بزرگ مشتمل بر چهار در است.

1. بحار الانوار: ج 20، ص 376. موسوعة التاريخ الاسلامی: ج 2 ص 573. التنبيه و الاشراف: ص 220. تاریخ یعقوبی: ج 2 ص 74.

2. مرآة المعارف: ج 1، ص 350.



بعضی مرگ حجاج را 15 روز و بعضی 20 روز و عده ای 40 روز بعد از شهادت جناب سعید بن جبیر نقل کرده اند،<sup>(1)</sup> که اگر مرگ حجاج در 13 ماه رمضان باشد، شهادت سعید به ترتیب در روزهای 27 یا 28 یا 22 یا 23 و 2 یا 3 شعبان بوده است.

#### 4. مرگ مغیره بن شعبه

در ماه شعبان سال 50 هـ مغیره بن شعبه در حالیکه از طرف معاویه حاکم کوفه بود، در سن 70 سالگی به درک واصل شد<sup>(2)</sup> و زیاد بن ابیه به جای او منصوب شد. مغیره بن شعبه در کوفه سب به امیرالمؤمنین علیه السلام می نمود و خطبا را امر می کرد که آن حضرت را لعن کنند و تا زمان فرا رسیدن مرگش این عمل را ترک نکرد.<sup>(3)</sup>

مغیره از اصحاب صحیفه ملعونه و ليله عقبه بود که می خواستند پیامبر را به قتل برسانند، و همچنین از اصحاب سقیفه است.

- 
1. سعید بن جبیر رضی الله عنه: ص 29 - 25. منتخب التواریخ: ص 422. مراقد المعارف: ج 1 ص 352 - 351. جلاء العیون: ص 502. تامة المنتهی: ص 106.
  2. کشف الهاویة در تاریخ و وقایع ایام معاویة: ص 288. منتخب التواریخ: ص 302. مستدرک حاکم: ج 3 ص 448. تاریخ طبری ج 4 ص 174. تاریخ خلیفة بن خیاط: ص 158. تاریخ بغداد: ج 1 ص 206. طبقات الکبری: ج 6 ص 20. تاریخ دمشق: ج 60 ص 61 - 60.
  3. کشف الهاویة: ص 288. بحار الانوار: ج 30 ص 654. الغدیر: ج 6 ص 144 - 143. ابوطالب علیه السلام: حامی الرسول صلی الله علیه و آله و سلم: ص 163. شرح الاخبار: ج 2 ص 446. شرح نهج البلاغة (ابن ابی الحدید): ج 4 ص 69، 71. ج 13 ص 220، ج 20 ص 10. مستدرک حاکم: ج 3 ص 450. سیر اعلام النبلاء: ج 3 ص 31. تاریخ دمشق: ج 21 ص 71. مسند احمد: ج 1 ص 188، ج 4 ص 369.
  4. ارشاد القلوب: ج 2 ص 332. خصال: ص 499. هداية الکبری: ص 79. المستر شد: ص 597. بحار الانوار: ج 21 ص 223، ج 28 ص 100، ج 31 ص 632، ج 82 ص 267. انوار العلویة: ص 74. تفسیر صافی: ج 2 ص 15. مکاتیب الرسول: ج 1 ص 602، 603، 607. الصراط المستقیم: ج 3 ص 44. درجات الرفیعة: ص 299. منتخب التواریخ: ص 63. کشف الهاویة: ص 289. الهجوم علی بیت فاطمة علیه السلام: ص 56.

او از کسانی بود که در آتش زدن در منزل امیرالمؤمنین علیه السلام، شکستن در، کتک زدن به مادر سادات حضرت صدیقه شهیده فاطمه زهرا علیها السلام و سقط جنین شریک بود. (1)

زنای مغیره با امّ جمیل در بصره و اجرا نشدن حد بر او توسط عمر؛ شهرت خاص دارد و در کتب شیعه و سنی با مدارک مختلف ذکر شده است. (2) مغیره زناکارترین مردم در جاهلیت و اسلام بود. (3) مغیره از کسانی بود که به دستور معاویه همراه با عمروعاص و عروه بن زبیر روایاتی دروغین ساختند که مقتضای آنها وجوب لعن و برائت از امیرالمؤمنین علیه السلام بود و برای این کار معاویه جوایز فوق العاده ای برای آنان مقرر کرد. (4)

او در محضر امام حسن علیه السلام جسارت ها به پدر بزرگوارش نمود. (5) اما آن حضرت جوابهای مناسبی به او دادند و در آخر فرمودند: «تو آن کسی هستی که فاطمه دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را زدی تا بدن مبارکش خونین شد و فرزندش (محسن علیه السلام) را سقط نمود». (6)

- 
1. الجمل (مفید): ص 57. بحار الانوار: ج 43 ص 197، ج 44 ص 83. مأساة الزهراء علیها السلام: ج 1 ص 177، 226، 313، ج 2 ص 172، 184. احتجاج: ج 1 ص 414. الهجوم علی بیت فاطمة علیها السلام: ص 114، 122، 245، 275، 332، 340، 352. بیت الاحزان: ص 144. اللعنة البيضاء فی شرح طخبة الزهراء علیها السلام: ص 870.
  2. الايضاح: ص 554 - 552. احتجاج: ج 1 ص 416 - 401. بحار الانوار: ج 30 ص 639، ج 44 ص 87 - 70. الغدير: ج 6 ص 138. النص و الاجتهاد: ص 354. كشف الهاویة: ص 288. مستدرک حاکم: ج 3 ص 449. شرح نهج البلاغة: ج 12 ص 213 - 138. فتح الباری: ج 5 ص 188. تاریخ دمشق: ج 60 ص 35. الاصابة: ج 2 ص 28. فتوح البلدان: ج 2 ص 423. تاریخ یعقوبی: ج 2 ص 145. تاریخ طبری: ج 3 ص 169. السقیفة و فدک: ص 96 - 92. تاج العروس: ج 5 ص 143. وفيات الاعیان: ترجمة یزید بن زیاد الحمیری.
  3. الغدير: ج 6 ص 141. بحار الانوار: ج 30 ص 648. كشف الهاویة: ص 286. شرح نهج البلاغة (ابن ابی الحدید): ج 4 ص 63.
  4. بحار الانوار: ج 30 ص 401. الصحيح من السیرة: ج 4 ص 359. كشف الهاویة: ص 286. شرح نهج البلاغة: ج 6 ص 228.
  5. كشف الهاویة: ص 288. شرح نهج البلاغة: ج 6 ص 288.
  6. احتجاج: ج 1 ص 414. بحار الانوار: ج 31 ص 645، ج 43 ص 197، ج 44 ص 81. بیت الاحزان: ص 116. اللعنة البيضاء فی شرح خطبة الزهراء علیها السلام: ص 870. صحیفة الامام الحسن علیه السلام: ص 270. مأساة الزهراء علیها السلام: ج 2 ص 51، 141. الهجوم علی بیت فاطمة علیها السلام: ص 300.

## 9 رمضان المبارک



ماه مبارک رمضان ماه پر خاطره ای است. روزهای 1، 3، 4، 6، 10، 12، 13، 14، 15، 16 و 17، 19، 20، 21، 23، 24 یادآور لحظاتی حساس از تاریخ اسلام است. هم یادمانهای خوش و هو روزهای حزن انگیز در این ماه به چشم می خورد.

ولادت امام حسن مجتبی علیه السلام و معراج پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دو خبر سرور آفرین در این ماه است. مرگ ابولهب، ابن ملجم، عایشه، مروان، زیاد بن ابیه، حجاج ثقفی نیز روزهای نابودی دشمنان اهل بیت علیهم السلام است.

از سوی دیگر شهادت حضرت زهرا علیها السلام بنا بر قولی، ضربت خوردن و شهادت امیرالمؤمنین علیه السلام، وفات حضرت خدیجه علیها السلام و حضرت نفیسه علیها السلام و شهادت مختار روزهای حزن آل محمد علیهم السلام است.

جنگ بدر، طائف، تبوک و فتح مکه روزهای تاریخ ساز اسلام است. عروج حضرت عیسی علیه السلام به آسمان، نزول قرآن، مراسم عقد اخوت، دعای باران توسط پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نیز وقایع مهم تاریخی هستند.

بدعت نماز تراویح توسط عمر، ورود محمد بن ابی بکر به مصر، بیعت با امام مجتبی علیه السلام، آمدن نامه های اهل کوفه برای امام حسین علیه السلام، حرکت حضرت مسلم به سمت کوفه، ولایتعهدی امام رضا علیه السلام و ضرب سکه به نام آن حضرت، هر یک یادآور فرازهایی از برگهای اسلام اند.



## 1 ماه رمضان

در شب اول ماه مبارک رمضان غسل<sup>(1)</sup> و زیارت امام حسین علیه السلام وارد شده است.

### 1. ولایتعهدی امام رضا علیه السلام

در 7 رجب سال 200 مأمون عباسی نامه ای به امام رضا علیه السلام نوشت، و آن بزرگوار را برای ولایتعهدی خویش به مرو فرا خواند.<sup>(3)</sup> در روز اول ماه رمضان سال 201 هـ مردم با حضرت رضا علیه السلام به ولایتعهدی بیعت کردند<sup>(4)</sup> و بعضی در پنجم<sup>(5)</sup> و بعضی ششم این ماه نقل کرده اند.

### 2. احتجاج ابی بن کعب بر ابوبکر

هنگامی که ابوبکر در روز جمعه اول ماه رمضان خطبه ای خواند، ابی بن کعب ایستاد و خطبه ای خطاب به انصار و مهاجر قرائت کرد.

در این خطبه ابی بن کعب از فضائل و مناقب امیرالمؤمنین علیه السلام و جانشینی بلافصل بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ایراد سخن کرد و در دفاع از ولایت جواب همگان را داد. قسمتی از خطبه ابی بن کعب چنین است:

- 
1. مسار الشیعة: ص 5-4. وسائل الشیعة: ج 3 ص 325. الحدائق الناضرة: ج 4 ص 186. عروة الوثقی: ج 1 ص 459.
  2. وسائل الشیعة: ج 14 ص 473. اقبال: ج 1 ص 46.
  3. قلائد النور: ج رجب، ج 63.
  4. بحار الانوار: ج 49 ص 128، ج 99 ص 43، اختیارات: ص 38، تقویم المحسنین: ص 11، تاریخ طبری: ج 7 ص 139.
  5. عیون اخبار الرضا علیه السلام: ج 1 ص 274، بحار الانوار: ج 49 ص 11، 221، 303. کشف الغمة: ج 2 ص 332. اعلام الوری: ج 2 ص 86.

آیا نمی دانید که رسول خدا ﷺ فرمود: «هر کس من مولای اویم این علی عَلِيٍّ مولای اوست، و هر کس من نبی اویم این علی عَلِيٍّ امیر اوست؟» آیا نمی دانید که رسول خدا ﷺ فرمود: «یا علی مثل من و تو هارون نسبت به موسی عَلَيْهِمَا است. اطاعت از تو بعد از من واجب است مانند اطاعت از من در زمان حیاتم؛ جز اینکه بعد از من پیامبری نیست».

### 3. مرگ مروان

در این روز در سال 65 هـ مروان بن حکم در سن 61 یا 63 یا 81 سالگی در دمشق به درکات جحیم شتافت، و مدت خلافت او 9 ماه بود.<sup>(2)</sup> قولی هم در سوم این ماه است.<sup>(3)</sup>

مروان پسر حکم بن ابی العاص بود و به «وزغ بن وزغ» ملقب گردیده بود. او و پدرش مورد لعن پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ واقع شدندحتی عایشه به مروان گفت: شهادت می دهم که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ پدرت را لعن کرد در حالیکه تو در صلب او بودی.

- 
1. احتجاج: ج 1 ص 153. بحار الانوار: ج 28 ص 222، ج 29 ص 82. الیقین باختصاص مولانا علی عَلِيٍّ بإمرة المؤمنین: ص 448. غایة المرام: ج 2 ص 121. مواقف الشيعة: ج 1 ص 440، 456. الشيعة فی احادیث الفريقین: ص 180. مناقب امیرالمؤمنین عَلِيٍّ: ج 1 ص 224، 416.
  2. بحار الانوار: ج 45 ص 358. تمة المنتهی: ص 83. تاریخ طبری: ج 4 ص 474. تاریخ دمشق: ج 57 ص 236، 278. طبقات الکبری: ج 5 ص 226. النقات (ابن حبان): ج 2 ص 315. تاریخ خلیفة بن خیاط: ص 200. البداية و النهایة: ج 8 ص 282.
  3. تاریخ دمشق: ج 57 ص 236، 2783. البداية و النهایة: ج 8 ص 282. اریخ خلیفة بن خیاط: ص 202.



مروان در عداوت با خدا و پیامبر ﷺ و اهل بیت ﷺ خصوصاً امیرالمؤمنین ﷺ از زمان عثمان تا آخر ایام خود بسیار کوشید. بعد از آنکه عثمان او و پدرش حکم را از طائف بر خلاف امر پیامبر ﷺ به مدینه باز گردانید، خمس افریقیه را به مروان داد و فدک را هم به او واگذار کرد و او را وزیر و کاتب خود قرار داد. او در ایام خلافت عثمان فتنه ها پیا پیا کرد. در جنگ جمل تیری زد و طلحه را کشت و بعد از فتح هنگامی که اسیر شد حسنین ﷺ را شفیع قرار داد و امیرالمؤمنین ﷺ او را رها کرد. به حضرت عرض کردند: از او بیعت بگیر. فرمود: «من احتیاجی به بیعت او ندارم همانا دست او دست یهودی است؛ اگر بیست بار هم با من بدستش بیعت کند باز مکر و حيله خواهد نمود...»<sup>(1)</sup> چه اینکه یهود به مکر و حيله معروفند.

بعد از آن که مروان به معاویه پیوست هر گاه حکومت شهری به او داده می شد، در ترویج سب امیرالمؤمنین ﷺ مجّد و مصرّ بود. او در مدینه هر جمعه بر منبر پیامبر ﷺ بالا می رفت و در حضور مهاجرین و انصار امیرالمؤمنین ﷺ را سب می کرد. مروان بعد از هلاک شدن یزید به جای وی نشست، و همسر او را به عقد خود در آورد و نه ماه خلافت کرد. همسر یزید زهری در غذای او ریخت که لال شد و آخر الامر متکا بر دهان او گذاشت، و با کنیزان روی آن نشستند تا اینکه در اول ماه رمضان به درک واصل شد.<sup>(2)</sup>

#### 4. جنگ تبوک<sup>(3)</sup>

در اول ماه رمضان سال 9 هـ جنگ تبوک به وقوع پیوست.<sup>(4)</sup> این جنگ را «فاضحه»

- 
1. نهج البلاغه: خطبه 73. نهج السعادة: ج 1 ص 355. الجمل (ابن شدقم): ص 149. بحار الانوار: ج 32 ص 230، 235، ج 41 ص 298، 355. الغدير: ج 8 ص 261. انساب الاشراف: ص 263. شرح نهج البلاغه: ج 6 ص 146.
  2. شفاء الصدور: ج 1 ص 323. تنمة المنتهى: ص 81-78.
  3. بحار الانوار: ج 21 ص 263-185. منتخب التواریخ: ص 61-60. منتهی الآمال: ج 1 ص 93-91.
  4. وقایع المشهور: ص 158.

نیز می گویند، زیرا منافقین مدینه و کسانی که قصد کشتن پیامبر ﷺ و سلم را در عقبه داشتند رسوا و مفتضح شدند.

به لشکری که در این جنگ شرکت کردند «جیش العُسره» می گویند، زیرا در سختی و زحمت فراوان، با اینکه ایام جمع آوری محصول بود به جنگ رفتند. حرکت لشکر در ماه رجب بود که 30 هزار نفر سواره بودند. پیامبر ﷺ فرمودند: «کفش فراوان با خود بیاورید»، و در مسیر هر دو نفر به یک خرما سد جوع می کردند و آب هم کمیاب بود. در این جنگ عده ای از زنها نیز همراه حضرت حرکت کردند.

از سوی دیگر 82 نفر از منافقین مدینه با عذر تراشی به جنگ نرفتند و در مدینه ماندند تا در غیاب آن حضرت خانه آن حضرت را غارت کنند و خانواده ایشان را از مدینه بیرون نمایند. پیامبر ﷺ امیرالمؤمنین را به جای خود در مدینه خلیفه قرار داد و منافقین کلماتی گفتند که خاطر مبارک امیرالمؤمنین را آزرده. پیامبر ﷺ به آن حضرت فرمود: «أما ترضى أن تكون منى بمنزلة هارون من موسى إلا أنه لا نبيَّ بعدى...»؟ یعنی «آیا راضی نیستی که منزلت نسبت به من همانند هارون به موسی ﷺ باشد؛ الا اینکه پس از من پیامبری نیست»؟

در بازگشت از تبوک چهل نفر از منافقین که همراه حضرت بودند تصمیم گرفتند وقتی شتر حضرت بالای گردنه می رسد کدوها (یا دبه ای) را پر از ریگ نمایند و به زیر دست و پای شتر حضرت رها کنند تا شتر رم کند و پیامبر ﷺ از شتر افتاده و به قتل برسد. هنگام اجرای این توطئه شتر حضرت قدم از قدم برداشت و مکر منافقین شکست خورد و خداوند وجود مقدس پیامبر ﷺ را حفظ کرد.

از سوی دیگر منافقینی که در مدینه مانده بودند قصد جان امیرالمؤمنین را نمودند و حفره ای طولانی در مسیر راه مدینه حفر کردند و روی آن را با حصیر پوشاندند تا هنگامی که امیرالمؤمنین ﷺ به استقبال پیامبر ﷺ می آید هنگام مراجعت

میان آن حفره بیفتد و آنان بر سرش بریزند و او را به قتل برسانند. ولی هنگام مراجعت اسب آن حضرت از روی حصیر و گودال عبور نمود و بار دیگر حيله منافقین باطل گردید.

در تبوک جنگی صورت نگرفت و آن حضرت با لشکر به مدینه باز گشتند. وقوع این جنگ در ماه رجب هم نقل شده است. (1) و بنا بر قولی در ماه شعبان بوده است. (2)

## 5. وفات حضرت نفیسه علیها السلام

در این روز در سال 208 هـ زاهده عابده حضرت نفیسه خاتون علیها السلام دختر حسن بن زید بن حسن بن علی بن ابی طالب علیها السلام در مصر وفات کرد.

شوهر آن حضرت اسحاق مؤتمن پسر حضرت صادق علیه السلام بوده، و از طرف مادر منتسب به آقا قمر بنی هاشم علیه السلام است. (3)

حضرت نفیسه علیها السلام برای خود قبری کنده بود و پیوسته در آن قبر نماز می خواند و ختم قرآن می نمود.

آن حضرت در اول ماه رجب بیمار شد، و نامه ای به شوهرش که در مدینه بود نوشت و او را از احوال خود با خبر کرد. در شب اول ماه رمضان بیماری شدت پیدا کرد و فردای آن روز در حالتی که روزه بود طیب آوردند و او امر به افطار کرد. آن حضرت فرمود: «وا عجباً! سی سال است از خداوند مسئلت دارم با حالت روزه از دنیا بروم، و اکنون که روزه هستم افطار کنم»؟ پس خواندن سوره انعام را شروع کرد، و چون به آیه مبارکه **(لَهُمْ دَارُ السَّلَامِ عِنْدَ رَبِّهِمْ)** (4) رسید وفات کرد.

- 
1. الموسوعة الكبرى فی غزوات النبی الاعظم صلی الله علیه و آله و سلم: ج 5 ص 334، 335. التنبیه و الاشراف: ص 235. طبقات الکبری: ج 2 ص 165.
  2. مناقب آل ابی طالب علیهم السلام: ج 1 ص 266. بحار الانوار: ج 21 ص 245. مستدرک سفینه البحار: ج 5 ص 209. تاریخ یعقوبی: ج 2 ص 68.
  3. وقایع الشهور: ص 187. زندگانی سیده نفیسه علیها السلام: ص 45 - 43.
  4. سوره انعام: آیه 127.

شوهر آن حضرت زمانی رسید که ایشان وفات کرده بود. او می خواست آن حضرت را به مدینه ببرد و در بقیع نزد اجداد طاهرینش علیهم السلام دفن کند، ولی مردم مصر با التماس و درخواست او را نگه داشتند. اسحاق مؤتمن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را در خواب دید که فرمودند: «با اهل مصر در این ماجرا مخالفت نکنی، که به خاطر نفیسه خداوند رحمت و برکاتش را نازل می کند». جناب اسحاق بدن آن حضرت را در محل فعلی دفن کردند و معروف است که دعا کنار قبر آن حضرت مستجاب است. <sup>(1)</sup>

### 3 ماه رمضان

#### 1. شهادت حضرت زهرا علیها السلام

به قولی شهادت حضرت صدیقه طاهره زهراى مرضیه علیها السلام در این روز است. <sup>(2)</sup>

### 4 ماه رمضان

#### 1. مرگ زیاد بن ابیه

زیاد بن ابیه در سال 53 هـ در کوفه به هلاکت رسید. <sup>(1)</sup> او مشهور به زیاد بن ابیه، زیاد بن امه، زیاد بن عبید، و زیاد بن سمیه است، و چون پدر زیاد از کثرت معلوم نبود به او زیاد بن ابیه می گفتند.

---

1. سفینه البحار: ج 4 ص 542. مستدرک سفینه البحار: ج 10 ص 120. تنمه المنتهی: ص 289. منتخب التواریخ: ص 195 - 196.  
2. بحار الانوار: ج 22، ص 167، ج 43، ص 189 - 214. شرح احقاق الحق: ج 25 ص 15. الذریة الطاهرة: ص 110. مستدرک حاکم: ج 3 ص 162.  
3. نفاث العلام: ص 114. الوقایع و الحوادث: ج 1، ص 74. شفاء الصدور: ج 1، ص 310. فیض العلام: ص 23. تاریخ دمشق: ج 19 ص 204.

هنگامی که به معاویه پیوست به او زیاد بن ابی سفیان گفتند و برادر معاویه شد و زنای مادر خود را قبول کرد. سمیه کنیز حارث بن کلدیه طیب بود. حارث او را به چراندن گوسفندان وادار کرده بود ولی طبع زشت و شهوانی سمیه آنقدر در صحرا ننگ به بار آورد که حارث او را از خود راند. از آن پس سمیه اسماً خود را به عبید چوپان ثقفی چسباند و رسماً جزء فواحش طائف در آمد و حیثیت خاندان عبید را هم لکه دار کرد. برادری او با معاویه یکی از راههایی بود که معاویه برای جلب زیاد به طرف خود به کار گرفت. او مجلسی ترتیب داد و از عده ای به عنوان شاهد در آنجا استفاده کرد که از جمله ابو مریم مشروب فروش طائف بود. او برخاست و به زیاد گفت: شبی ابوسفیان به طائف آمد و از من فاحشه ای خواست. در آن شب کسی جز سمیه نبود. صبر کردیم تا رفت و آمدها کم شد. سمیه را برای او فرستادم. زیاد زنای مادر خود را قبول کرد و برادر معاویه شد! معاویه هم برای باوراندن این نسب به او خواهرش را به خانه او فرستاد و دستور داد چادر از سر بردارد چرا که محرم اوست!!!<sup>(1)</sup>

زیاد بعد از برادری با معاویه برائت از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و قتل شیعیان علی بن ابی طالب علیه السلام و غارت اموال آنان را شروع کرد. دست بریدن، شکم پاره کردن، به دار آویختن، زنده به گور کردن، میل سرخ شده به چشمان شیعیان کشیدن فرزندان را سر بریدن، خانه خراب کردن و آتش زدن از جمله کارهای او بود. عبدالرحمان بن حسان را به جرم محبت علی بن ابی طالب علیه السلام زنده در گور کرد.

---

1. الغدير: ج 10 ص 227 - 216. بحار الانوار: ج 33 ص 519. الوقایع و الحوادث: ج رمضان، ص 75. شفاء الصدور فی شرح زیارة العاشور: ج 1، ص 312. الکنی و الاقاب: ج 1 ص 302. تنمة المنتهی: ص 87. اخبار الطوال: ص 219. شرح نهج البلاغة (ابن ابی الحدید): ج 16، ص 187. تاریخ یعقوبی: ج 2 ص 218. تاریخ دمشق: ج 19 ص 131، 173.  
2. شفاء الصدور: ج 1، ص 315، به نقل از ابن خلکان و ابن اثیر. الغدير: ج 9 ص 121، ج 11 ص 53. تاریخ طبری: ج 4 ص 206. تاریخ دمشق: ج 8 ص 27، ج 34 ص 301.

در بصره و کوفه سیزده هزار نفر را به جرم شیعه بودن یا به احتمال شیعه بودن کشت، و بعد به معاویه نوشت: من تا به این حد خواسته تو را انجام دادم و این کارها با دست چپم بود. اگر حکومت حجاز به من واگذار شود با دست راستم که بیکار است همین عمل را انجام می دهم، و تصمیم دارم از مردم عراق در مسجد بخوادم که براءت از علی علیه السلام و مدح خاندان امیه را علنی نمایند. هر کس قبول نکند او را بکشم و خانه او را خراب کنم.

چون این خبر منتشر شد، امام حسن علیه السلام و شیعیان نفرین کردند و بعضی امیر ال مؤمنین علیه السلام را در خواب دیدند که او را نفرین کرده، و آن ملعون قبل از عملی کردن تصمیمش به مرض طاعون مبتلا شد و به درکات جحیم واصل گردید. <sup>(1)</sup>

## 6 ماه رمضان

### 1. ضرب سکه به نام امام رضا علیه السلام

در این روز در سال 201 ه سکه طلا به نام مبارک حضرت رضا علیه السلام زدند. <sup>(2)</sup>  
بنابر قولی این روز روز ولایت عهدی اجباری آن حضرت بوده است، و مردم با آن حضرت به ولایت عهدی بیعت نمودند.

---

1. بحار الانوار: ج 33 ص 214. شفاء الصدور فی زيارة العاشور: ج 1، ص 316. الوقایع و الحوادث: ج ماه رمضان، ص 79. تاریخ یعقوبی: ج 2 ص 229. البداية و النهاية: ج 8 ص 67. سیر اعلام النبلاء: ج 3 ص 496. شرح نهج البلاغة (ابن ابی الحدید): ج 3 ص 199، ج 4 ص 58. تاریخ طبری: ج 4 ص 215. تاریخ دمشق: ج 19 ص 203. تاریخ ابن خلدون: ج 3 ص 14. مروج الذهب: ج 3 ص 35.

2. شرح الاخبار: ج 3 ص 342 - 341. مسند الامام الرضا علیه السلام: ج 1 ص 121. مقاتل الطالبیین: ص 375.

3. مسار الشیعه: ص 6. اقبال: ج 1 ص 264. بحار الانوار: ج 95 ص 25. تمه المنتهی: ص 278. مستدرک سفینه البحار: ج 4، ص 195. نفائح العلام: ص 115.

## 10 ماه رمضان

### 1. آمدن نامه های اهل کوفه برای امام حسین علیه السلام

در سال 60 هـ جمعی از کوفیان نامه های مردم کوفه را برای امام حسین علیه السلام آوردند. که از جمله نام سلیمان بن سرد و مسیب بن نجبه و رفاعه بن شداد بجلی و حبیب بن مظاهر و جمعی از شیعیان آن حضرت در آنها بود که توسط عبدالله بن مسمع همدانی و عبدالله بن وال خدمت امام علیه السلام آورده شد. (1)

### 2. وفات حضرت خدیجه علیها السلام

در این روز 10 سال پس از بعثت؛ حضرت خدیجه کبری علیها السلام از دنیا رحلت فرمودند. (2) این قول بنا بر نقل 45 روز بعد از رحلت جناب ابوطالب علیه السلام است. اقوال دیگر در رحلت آن حضرت چنین است: 23 رجب، 27 رجب، 29 رجب، (3) اول ماه رمضان، (4) 12 ماه رمضان. آن حضرت بعد از وفات حضرت ابوطالب علیه السلام به 3 روز فاصله و به قولی 7 روز و به قولی یک ماه و و به قولی 35 روز و به قولی 45 روز و به قولی 50 روز و به قولی یک سال وفات کرده است. (5)

آن حضرت نخستین همسر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بود، و تا خدیجه علیها السلام زنده بود نبی گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم همسری اختیار نفرمود. سبقت به اسلام و خدمات او به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم زیاره از آن

- 
1. ارشاد: ج 2 ص 37. مناقب آل ابی طالب علیهم السلام: ج 4 ص 97. بحار الانوار: ج 44، ص 333. الوقایع و الحوادث: ج 1، ص 127. تاریخ طبری: ج 4 ص 261.
  2. مسار الشیعة: ج 7 - 6. تقویم المحسنین: ص 11. اختیارات: ص 38. الوقایع و الحوادث: ج 1 ص 127. فیض العلام: ص 27. نفائح العلام: ص 15، 191.
  3. بحار الانوار: ج 19 ص 25. جنات الخلود: ص 18.
  4. توضیح المقاصد: ص 22.
  5. کافی: ج 1 ص 439. نفائح العلام: ص 191. منتخب التواریخ: ص 43. بحار الانوار: ج 19 ص 25. توضیح المقاصد: ص 22. تقویم المحسنین: ص 11.

است که ذکر شود. در فضیلت آن حضرت همین بس که والده مکرمه حضرت صدیقه طاهره ع است، و همه ذراری پیامبر ص به ایشان منتهی می شوند. (1)

آن حضرت هنگام رحلت چند وصیت به پیامبر ص نمودند، و با آن همه فداکاری و انفاق مال، به پیامبر ص عرض کردند: «یا رسول الله، مرا ببخشید که در حق شما کوتاهی کردم». پیامبر ص فرمودند: «حاشا و کلاً! من از شما تقصیری ندیدم، بلکه منتهای سعی و کوشش خود را در حق من نمودی. شما در خانه من زحمات زیادی را متحمل شدی. اموالت را در راه خدا بذل و بخشش نمودی.»

آنگاه خدیجه ع عرض کرد: «یا رسول الله، شما را وصیت می کنم به این دختر - و به حضرت فاطمه ع اشاره نمود - این دختر بعد از من یتیم و غریب است. کسی از زندهای قریبش او را اذیت نکند. کسی به صورت او لطمه ای نزند، به روی او داد نزند و مکروهی نبیند.» (2)

آن حضرت اولین زنی است که پیامبر ص را تصدیق نمود، و اول زنی است که در مکه با رسول خدا ص نماز جماعت خواند، و اول زنی است که ایمان خود را در مکه در میان مشرکین اظهار نمود، و اول زنی است که در مقابل دشمن از رسول خدا ص دفاع نمود و تمام اموال خود را به پیامبر ص بخشید، و اول زنی است که ایمانش با قبول ولایت امیرالمؤمنین ع به درجه کمال رسید.

رسول خدا ص فرمود: «دین من بر پا و مقاوم نشد مگر به دو چیز: اموال خدیجه و شمشیر علی بن ابی طالب». (3) همچنین فرمود: «هیچ مالی به اندازه اموال خدیجه ع به من منفعت نرسانده است.» (4)

1. فیض العلام: ص 27.

2. شجره طوبی: ج 2، ص 235 - 234.

3. الانوار الساطعة من الغراء الطاهرة خدیجه بنت خویلد ع: ص 164. شجره طوبی: ج 2 ص 223. تنقیح المقال: ج 3 ص 77.

4. امالی طوسی: ص 468. حلیة الابرار: ج 1 ص 147. بحار الانوار: ج 19 ص 63. الانوار الساطعة من الغراء الطاهرة خدیجه بنت خویلد ع: ص 163. الصحيح من السیرة: ج 4 ص 13.



روزی پیامبر ﷺ خدیجه را خواست و در کنار خود نشانید و فرمود: این جبرئیل است و می گوید: برای اسلام شرطی است که عبارتند از: اقرار به یگانگی خداوند متعال، اقرار به رسالت رسولان، اقرار به معاد و اصول این شریعت و احکام آن، اطاعت از اولی الامر و ائمه طاهرين از فرزندان او یکی بعد از دیگری با برائت از دشمنان ایشان.

خدیجه را به همه آنها اقرار نمود و ائمه طاهرين به خصوص امیرالمؤمنین را تصدیق کرد. پیامبر ﷺ فرمود: «هو مولاک و مولی ال مؤمنین و امامهم بعدی». یعنی «علی مولای تو و مولای مؤمنان بعد از من و امام ایشان است». آنگاه از خدیجه در قبول ولایت امیر ال مؤمنین عهد مؤکد گرفت. سپس رسول خدا ﷺ یک از اصول و فروع دین حتی آداب وضو و نماز و روزه و حج و جهاد و صلہ رحم و واجبات و محرمات را بیان فرمود.

سپس پیامبر ﷺ دست خود را بالای دست امیرالمؤمنین نهاد و خدیجه دست خود را بالای دست رسول خدا ﷺ نهاد و به این ترتیب با امیر ال مؤمنین بیعت نمود. (1)

## 12 ماه رمضان

### 1. مراسم عقد اخوت

در این روز در سال هجرت رسول گرامی اسلام ﷺ بین اصحاب خود عقد اخوت بست، و امیرالمؤمنین را برادر خود گردانید. (2)

---

1. الطرائف: ص 4. بحار الانوار: ج 18 ص 232، ج 65 ص 392. الانوار الساطعة: ص 337.  
2. مسار الشیعه: ص 7. تقویم المحسنین: ص 14. الوقایع و الحوادث: ج 1، ص 112. فیض العلام: ص 31. منتخب التواریخ: ص 46.  
وقائع الشهور: ص 167.

1. مرگ حجاج ثقفی

در سال 95 هـ در چنین روزی ظالم سفاک پلید حجاج بن یوسف ثقفی به هلاکت رسید. او در زمان ولید بن عبدالملک در شهر واسط که خودش بنا کرده بود با مرض آکله در شکمش به درک واصل شد.<sup>(1)</sup> اقوال دیگر در روز مرگ او 21، 23، 25، 27 ماه رمضان است.

مادر او فارحه (قارعه) نامی بود که قبل از همسری با یوسف بن عقیل پدر ظاهری حجاج، در منزل حارث بن کلدی طیب بود. هنگامی که حجاج به دنیا آمد هنگامی که حجاج به دنیا آمد سوراخ مقعد نداشت، و طیبیل برای او سوراخی قرار داد. همچنین او شیر نمی خورد تا اینکه بز سیاهی کشتند و از خورش پستان مادر و به صورت حجاج مالیدند و او از روز چهارم پستان قبول کرد. به این سبب حجاج خونخوار شد و می گفت: بیشترین لذت من در ریختن خون است.<sup>(2)</sup> این صفت از کسی که مدت حمل او دو سال و نیم بوده و بیش از دو سال و نیم پس از مرگ پدرش به دنیا آمده، بعید نیست!!<sup>(3)</sup>

تعداد کشته شدگان به دست او را بجز جنگها، یکصد و بیست هزار نفر نوشته اند. هنگامی که هلاک شد، در زندان او پنجاه هزار مرد و سی هزار زن بودند که 16 هزار از آنها برهنه و عریان بودند، و قاعده ی آن ملعون این بود که زن و مرد و اطفال را با هم زندانی می کرد، زندان او سقف نداشت.<sup>(4)</sup>

1. توضیح المقاصد: ص 22. منتخب التواریخ: ص 421. نافع العلام: ص 471. الوقائع و الحوادث: ج 1 ص 139، 156. فیض العلام: ص 32.

2. اربعین قمی: ص 346. شجره طوبی: ج 1 ص 128. مجمع البحرین. مروج الذهب: ج 3 ص 132. البدایة و النهایة: ج 9 ص 138.

3. روضات الجنات: ج 7، ص 259. وقائع الایام: ج 1 ص 390. شجرة طوبی: ج 1 ص 69. الكنز المدفون: ص 151. تفسیر عیاشی: ج 2 ص 301. بحار الانوار: ج 60 ص 256.

4. اربعین قمی: ص 347-346. تنمة المنتهی: ص 96. مروج الذهب: ج 3 ص 175. توضیح المقاصد: ص 23-22. الغدیر: ج 10 ص 52. التنبیه و الاشراف: ص 275. تاریخ دمشق: ج 12 ص 185.

عده زیادی از دوستان و شیعیان امیرالمؤمنین علیه السلام را شهید کرد، از جمله کمیل بن زیاد نخعی، قنبر غلام امیرالمؤمنین علیه السلام عبدالرحمن بن ابی لیلی انصاری، که آن قدر او را تازیانه زد که امیرالمؤمنین علیه السلام را سب کند و او مناقب آن حضرت را می گفت، تا حجاج دستور داد او را شهید کردند. دست و پای یکی از حواریین امام زین العابدین علیه السلام به نام یحیی بن امّ طویل را برید تا شهید شد. همچنین سعید بن جبیر را به شهادت رسانید که 15 روز بعد از قتل او حجاج به درک واصل شد. <sup>(1)</sup>

حجاج به مرض آکله مبتلا شد، و طبیب تکه گوشتی را به نخ بست تا آن ملعون بلعید. طبیب آخر نخ را نگه داشت، و بعد از لحظه ای نخ را کشید و دید چیزی مانده است، و معلوم شد که به زودی جان به مالک جهنم خواهد سپرد. <sup>(2)</sup> قبر او را در شهر واسط مخفی کردند و آب روی آن رها کردند ولی در زمان سفاح قب او را پیدا کردند، آنچه مانده بود سوزانده و بر باد دادند. <sup>(3)</sup> او بیست سال در عراق حکومت کرد، و عمر نحسش 53 سال بود. <sup>(4)</sup>

## 14 ماه رمضان

### 1. شهادت مختار رضی الله عنه

در سال 67 هـ در چنین روزی مختار بن ابی عبیده ثقفی رضی الله عنه به شهادت رسید، و مزار او کنار مرقد حضرت مسلم علیه السلام در انتهای مسجد کوفه است. <sup>(5)</sup>

- 
1. بحار الانوار: ج 39 ص 324، ج 42 ص 126، 149، ج 71 ص 220. مرآة المعارف: ج 2، ص 202، 219. الوقایع و الحوادث: ج 1، ص 155 - 152. انوار العلویة: ص 468، 473.
  2. تنمة المنتهی: ص 108-96. تهذیب الکمال: ج 10 ص 373. حلیة الاولیاء: ج 4 ص 294. مروج الذهب: ج 3 ص 173.
  3. الوقایع و الحوادث: ج 1 ص 156.
  4. توضیح المقاصد: ص 22. الوقایع و الحوادث: ج 1 ص 157.
  5. بحار الانوار: ج 45 ص 386. مستدرک سفینه البحار: ج 5، ص 215. تنمة المنتهی: ص 91 - 92. الوقایع و الحوادث: ج 1، ص 157. فیض العلام: ص 33.

مصعب بعد از به شهادت رساندن مختار، دستور داد همسر او را دستگیر کنند. او زنی مؤمنه به نام عمره دختر نعمان بن بشیر انصاری بود. مصعب گفت: برائت بجوی از شوهرت. او گفت: چگونه برائت بجویم از کسی که روزها روزه و شبها به نماز مشغول بود، و خون خود را برای خدا و پیامبر ﷺ نثار کرد و خونخواهی فرزند پیامبر ﷺ نمود؟ مصعب در حالتی که شمشیرش را از غلاف بیرون کشیده بود، گفت: پس تو را به شوهرت ملحق می کنم. همسر مختار جواب داد: پس از این مرگ بهشت است و به خدا قسم هیچ چیزی را بر محبتم به علی بن ابی طالب ع ترجیح نمی دهم.

در گرمای هوا در صحرائی بین حیره و کوفه دست و پای او را بستند و بعد گردن او را زدند و سر از بدنش جدا کردند. این زن مؤمنه اولین زن شهیدی است که در محبت امیرالمؤمنین ع با شکنجه کشته شد. <sup>(1)</sup>

## 15 ماه رمضان

### 1. ولادت امام حسن مجتبی ع

شب نیمه ماه رمضان سال سوم هـ دومین امام شیعیان حضرت ابومحمد حسن بن علی بن ابی طالب ع در شهر مدینه به دنیا آمد. <sup>(2)</sup>

لقاب آن حضرت: سید، سبط، امین، اثیر، حجّت، برّ، تقی، تقی، زکی، مجتبی، زاهد.

- 
1. المختار الثقی ع: ص 40. مواقف الشيعة: ج 2 ص 206. تاریخ یعقوبی: ج 2 ص 264. تاریخ طبری: ج 4 ص 574. تاریخ دمشق: ج 69 ص 296.
  2. دلائل الامامة: ص 159. ارشاد: ج 2 ص 5. بحار الانوار: ج 43 ص 250، ج 95 ص 191. اعلام الوری: ج 1 ص 402. كشف الغمة: ج 1 ص 514. مسار الشيعة: ص 7. مصباح كفعمی: ج 2 ص 599. العدد القویه: ص 28. شرح احقاق الحق: ج 11 ص 2. توضیح المقاصد: ص 23. اختیارات: ص 38. تقویم المحسنین: ص 11. فیض العلام: ص 34. تاریخ الخلفاء: ص 188. شرح نهج البلاغة: ج 16 ص 9. تاریخ دمشق: ج 13 ص 168، ج 14 ص 249.

رنگ مبارکش سرخ و سفید، دیدگان مبارکش گشاده و چشمانش مشکی بود. گونه مبارکش هموار و محاسنش انبوه و موی سرش مجعد بود. گردن مبارک در نور و صفا مانند نقره صیقل زده، میانه بالا و شانه هائی گشاده داشت و از همه مردم خوشروتر بود. خضاب بسیار می کرد و بدن شریفش در نهایت لطافت بود. (1)

در روز هفتم ولادت آن حضرت، مادرش فاطمه زهرا عَلَيْهَا آن مولود مبارک را در پارچه حریری که جبرئیل عَلَيْهِ آن را برای پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ از بهشت آورده بود، پیچید و خدمت رسول گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ آورد، و آن حضرت نام مبارکش را «حسن» نهاد و گوسفندی برای حضرتش عقیقه نمود. (2)

## 2. حرکت حضرت مسلم عَلَيْهِ به سمت کوفه

در این روز در سال 60 هـ حضرت اباعبدالله جناب عَلَيْهِ مسلم بن عقیل عَلَيْهِ را به کوفه روانه کرد. همراه او پاسخ نامه های کوفیان را داده بود که مضمون آن چنین بود: «به سوی شما برادر و پسر عمویم، موثق اهل بیت خویش، مسلم بن عقیل را فرستادم. اگر او بنویسد برای من که رأی دانایان و بزرگان شما متفق شده بر آنچه در نامه ها درج کرده اید، به زودی به سوی شما خواهیم آمد، انشاءالله...». (3)

## 16 ماه رمضان

### 1. ورود محمد بن ابی بکر به مصر

در این روز در سال 37 هـ جناب محمد بن ابی بکر به عنوان استاندار از طرف

---

1. بحار الانوار: ج 43 ص 255، 303. منتهی الآمال: ج 1، ص 219 - 220. تاج الموالید: ص 24. الذریة الطاهرة: ص 84.  
2. ارشاد: ج 2، ص 5. بحار الانوار: ج 43، ص 250. اعلام الوری: ج 1 ص 402. کشف الغمه: ج 1، ص 514. مصباح کفعمی: ج 2، ص 599. تاج الموالید: ص 25. العدد القویة: ص 29. فیض العلام: ص 34.  
3. مقتل الحسین عَلَيْهِ (ابی مخنف): ص 16. ارشاد: ج 2 ص 37. بحار الانوار: ج 44 ص 334. کلمات الحسین عَلَيْهِ: ص 313. فیض العلام: ص 35. تاریخ طبری: ج 4 ص 262.

## 17 ماه رمضان

### 1. معراج پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

معراج پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پنج سال بعد از بعثت در چنین روزی واقع شده (2)، و آیه (سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى...) (3)، در این باره نازل شده است. معراج پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در 21 ماه رمضان نیز نقل شده است. (4)

معراج از جمله ضروریات اسلام است (5)، و از آیات کریمه و احادیث متواتره ثابت شده است که خداوند متعال حضرت رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را در یک شب از مکه معظمه تا مسجد الاقصی و از آنجا به آسمان ها تا سدره المنتهی و عرش اعلی برد، و عجایب آفرینش آسمانها را به آن حضرت نمایاند و رازهای نهانی و معارف نامتناهی را به آن حضرت القا فرمود و آن حضرت در بیت المعمور تحت عرش به عبادت حق تعالی قیام فرمود و با انبیاء عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ملاقات نمود و داخل بهشت شد و منازل اهل بهشت و احوال کسانی که در عذاب بودند را مشاهده فرمود.

احادیث متواتر دلالت دارد که عروج آن حضرت به بدن بوده نه به روح، و در بیداری بوده نه در خواب. (6)

- 
1. مستدرک سفینه البحار: ج 5، ص 213. الوقایع و الحوادث: ج 1، ص 190. تهذیب الکمال: ج 24 ص 542. الاصابة: ج 6 ص 194.
  2. الوقایع و الحوادث: ج 1، ص 194. العدد القویه: ص 234. بحار الانوار: ج 18، ص 302، 308، ج 95، ص 196.
  3. سوره اسراء: آیه 1.
  4. مسار الشیعة: ص 9. توضیح المقاصد: ص 24. العدد القویه: ص 234. مصباح کفعمی: ج 2، ص 599. بحار الانوار: ج 95، ص 196، ج 97، ص 168. تقویم المحسنین: ص 12. اختیارات: ص 38.
  5. الغدیر: ج 5 ص 16. حق الیقین: ص 30. مکیال المکارم: ج 2 ص 92. منتهی الآمال: ج 1، ص 51.
  6. بحار الانوار: ج 18، ص 289. حق الیقین: ص 30.

اقوال دیگر در تعیین روز معراج چنین است: 17 ماه رمضان سال 12 قبل از هجرت، 17 ربیع ال اول قبل از هجرت، 17 رجب قبل از هجرت، 17 ماه رمضان 5 سال قبل از بعثت، 27 ماه رمضان، 21 ماه رمضان، ذی الحجه.

درباره مکانی که آغاز حرکت پیامبر ﷺ به سوی معراج بوده نیز چند قول است: از منزل خدیجه علیها السلام، از منزل امّ هانی خواهر امیرالمؤمنین علیه السلام، از شعب ابی طالب علیه السلام.<sup>(1)</sup>  
امام صادق علیه السلام فرمودند: «حق تعالی حضرت رسول ﷺ را صد و بیست مرتبه به آسمان برد، و در هر مرتبه به آن حضرت در باره، ولایت و امامت امیرالمؤمنین علیه السلام و دیگر ائمه طاهرين علیهم السلام زیاده از سایر فرائض تأکید و توصیه نمود.»<sup>(2)</sup>

## 2. جنگ بدر

در روز جمعه در سال دوم هجرت جنگ بدر کبری به وقوع پیوست.<sup>(4)</sup> 19 این ماه هم ذکر شده است.<sup>(5)</sup>  
تعداد مسلمانان 313 نفر و تعداد شهدای آنان 9 تا 14 نفر، و تعداد کفار 950 نفر بود. مقتولین کفار 70 نفر بودند و 70 نفر را هم مسلمانان اسیر گرفتند. نصف یا بیشتر از نصف کشته های کفار به دست امیرالمؤمنین علیه السلام به قتل رسیدند<sup>(6)</sup> و در کشتن نصف

- 
1. بحار الانوار: ج 18، ص 302، 319، 380، ج 95، ص 196، ج 97، ص 168. العدد القویة: ص 234. الصحيح من السیرة: ج 3.
  2. بصائر الدرجات: ص 79. خصال: 600. بحار الانوار: ج 18، ص 387، ج 23 ص 69. حق الیقین: ص 30.
  3. بحار الانوار: ج 19، ص 367 - 292. الصحيح من السیرة: ج 5 ص 136-1.
  4. خصال: ص 508. مسار الشیعة: ص 8. بحار الانوار: ج 19 ص 170، 325، ج 96 ص 168، 383. مصباح کفعمی: ج 2 ص 599. اقبال: ج 1 ص 303. تقویم المحسنین: ص 11. اختیارات: ص 38. الوقائع و الحوادث: ج 1 ص 203. الموسوعة الكبرى فی غزوات النبی الاعظم صلی الله علیه و آله و سلم: ج 1 ص 138. الوقایع و الحوادث: ج 1 ص 203. طبقات الكبرى: ج 2 ص 21-19. تاریخ یعقوبی: ج 2 ص 45.
  5. توضیح المقاصد: ص 23. تاریخ طبری: ج 2 ص 129. طبقات الكبرى: ج 2 ص 21.
  6. منتخب التواریخ: ص 48 - 49. الوقایع و الحوادث: ج 1، ص 215 - 216.

در این جنگ ابوجهل نیز کشته شد.<sup>(1)</sup>

در این جنگ ابوجهل نیز کشته شد. ابوجهل هشام بن مغیره مخزومی از دشمنان سرسخت پیامبر ﷺ بود. او با اینکه نامش هشام بود ولی از فرط بدجنسی و زشت سیرتی به ابوجهل مکنی شد. ابوجهل کسی بود که در مکه آزار و اذیت بسیار به رسول اکرم ﷺ نمود. بچه دان شتر بر سر مبارک حضرت ریخت. خاکستر و خاک بر سر مبارک حضرت ریخت. سنگ به دندان مبارکش زد، نسبت کذب و جنون به آن حضرت داد، مادر عمار یاسر جناب سمیه را بعد از شکنجه بسیار با نیزه ای که به ران او زد شهید کرد.

در جنگ بدر دو برادر انصاری (معاذ و معوذ) به خاطر سابقه ای که از او در اذیت پیامبر ﷺ شنیده بودند تصمیم به کشتن او گرفتند. به هر صورت ضربه هائی به او زدند و یکی از دو برادر دستش قطع شد و به پوست آویزان گردید، ولی چون دید دستش مزاحم جنگ با ابوجهل و هواداران اوست، زیر پایش گذاشت و دفعتاً آن را از بدنش جدا کرد و سپس ابوجهل را نقش زمین کردند.

بعد از جنگ، پیامبر ﷺ فرمود: «کسی خبر از ابوجهل بیاورد.» عبدالله بن مسعود رفت و پا روی سینه او گذاشت. ابوجهل به هوش آمد و گفت: بر جای بلندی پای گذاشته ای. ای کاش قاتل من دهقان نبود (که کنایه ای از انصار بود). عبدالله بن مسعود سر او را از بدن جدا کرد و نزد پیامبر ﷺ آورد و جلوی پای آن حضرت انداخت. پیامبر ﷺ شکر الهی بجا آورد.<sup>(2)</sup> خداوند نصرت خود را بر پیامبر ﷺ نازل نمود، و آن حضرت فرمود: امروز روز عید است و باید شکر خدا را بر نعمتی که به اهل ایمان عطا فرموده به جای آورد.

1. الصحيح من السيرة: ج 5 ص 45، 59، ج 8 ص 87. شرح احقاق الحق: ج 3 ص 227 (پاورقی).

2. بحار الانوار: ج 19 ص 258. منتخب التواریخ: ص 49 - 47. الوقایع و الحوادث: ج 1، ص 215 - 216. نفاث العلام: ص 288. فیض العلام: ص 37 - 38.



### 3. قتل عایشه

در شب 17 ماه رمضان در سال 58 هـ<sup>(1)</sup> در مدینه، عایشه دختر ابوبکر به دست معاویه کشته شد، و به سزای اعمالش رسید.<sup>(2)</sup> دو قول دیگر در این باره 29 رجب<sup>(3)</sup> و آخر ذی الحجه<sup>(4)</sup> است. پیامبر ﷺ دوست داشت تا زنده است مرگ و دفن عایشه را ببیند.<sup>(5)</sup> ابن ابی الحدید می گوید: اگر خلیفه دوم به جای علی علیه السلام بود هر آینه عایشه را تکه تکه می کرد ولی علی علیه السلام حکیمی بردبار بود.<sup>(6)</sup> معاویه چون خواست برای پسرش یزید بیعت بگیرد، عایشه آن را انکار کرد و معاویه را تهدید کرد و گفت: برادرم محمد را کشتی، و برای یزید بیعت می گیری؟ معاویه ترسید که مبادا او ایجاد فتنه کند. لذا در خانه خود چاهی کند و آن را پر از آهک کرد و فرشی قیمتی بر روی آن پهن نمود و تختی بر آن نهاد و عایشه را وقت نماز عشا به خانه خود خواند. وقتی عایشه وارد شد، معاویه او را به نشستن بر آن تخت تعارف کرد. همین که روی آن نشست، فرو رفت و به چاه افتاد و هلاک شد. و معاویه در چاه چندین نیزه مسموم تعبیه کرده بود و هنگامی که عایشه در چاه افتاد فوراً کار او ساخته شد.<sup>(7)</sup>

1. مستدرک حاکم: ج 4 ص 6. المنتخب من ذیل المذیل: ص 94. اسد الغابة: ج 5 ص 504. تاریخ دمشق: ج 3 ص 202. البداية و النهاية: ج 8 ص 101.
2. فیض العلام: ص 36. نقائق العلام: ص 275. مستدرک سفینه البحار: ج 5، ص 215 - 214، ج 7 ص 509. وقائع الشهور: ص 174.
3. اختیارات: ص 37. وقائع الايام: ج 1 ص 354. قلاند النحور: ج رجب، 351. وقائع الشهور: ص 132.
4. الطرائف: ص 503. حدیقة الشیعة: ص 356. وقائع الشهور: ص 248.
5. سبعة من السلف: ص 267. تلخیص الحبیر: ج 5 ص 125. البداية و النهاية: ج 5 ص 244. تاریخ طبری: ج 2 ص 433. شرح نهج البلاغة: ج 13 ص 27. سیرة النبی ﷺ: ج 4 ص 1057.
6. بحار الانوار: ج 33 ص 93. شرح نهج البلاغة ابن ابی الحدید: ج 17 ص 254.
7. کامل بهائی: ج 2 ص 270. الطرائف: ص 503. الصراط المستقیم: ج 3 ص 45. حدیقة الشیعة: ص 356. اربعین قمی: ص 631. حبیب السیر: ص 425. وقائع الايام: ج 1 ص 360 - 359. منتخب التواریخ: ص 304. فلک النجاة: ص 61. اغتیال ابی بکر: ص 107. کشف الهاویة: ص 304. تشیید المطاعن. کشف الغاشیة در احوال عایشه. زبدة التواریخ. الاوائل سیوطی. ربیع الابرار زمخشری.

عایشه در زمان حیات پیامبر ﷺ با آن حضرت رفتار نامناسبی داشت؟! با امیرالمؤمنین علیؑ و حضرت صدیقه علیؑ و همسران پیامبر ﷺ رفتارهای زشت و کینه توزانه ای روا داشت؟! واقعه جمل و کشته شدن حدود بیست هزار نفر از مسلمین به خاطر فتنه او از کارهای معروف اوست. (1)

وقتی حضرت زهرا علیؑ به شهادت رسید، همسران رسول خدا ﷺ برای سر سلامتی امیرالمؤمنین علیؑ آمدند جز عایشه؛ که اظهار مریضی کرد و سخنی گفت که دلالت بر خوشحالی او داشت. (2)

از مشخص ترین نشانه های بغض و کینه او نسبت به امیرالمؤمنین علیؑ این بود که غلامش را «عبدالرحمن» نام نهاد و گفت: این نام گذاری را به خاطر محبتیم به قاتل علی بن ابی طالب یعنی عبدالرحمن بن ملجم انجام دادم. (3)

#### 4. وفات پسر برادر ابولؤلؤ ﷺ

در ای ن روز ابوزناد عبدالله بن ذکوان پسر برادر ابولؤلؤ ﷺ به مرگ ناگهانی در مدینه در سال 130 یا 131 هـ درگذشت. (4)

ابوزناد از اصحاب امام زین العابدین علیؑ بود. (5) او عالم اهل مدینه به حساب، فرائض، نحو، شعر، حدیث و قفه بود (6) ذهبی می گوید: عبدالله بن ذکوان،

- 
1. مسند احمد، صحیح بخاری، صحیح نسائی، السیره الحلبیه، صحیح مسلم باب الغیره من کتاب العشرة.
  2. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید: ج 9 ص 198. اربعین قمی: ص 621. ریاحین الشریعة: ج 2 ص 357.
  3. الجمل (شیخ مفید): ص 159. ریاحین الشریعة: ج 2، ص 357. سفینه البحار: ج 3، ص 741. بحار الانوار: ج 28، ص 194، ج 32، ص 341.
  4. التمهید (ابن عبدالبر): ج 18 ص 8. تاریخ دمشق: ج 28 ص 49. سیر اعلام النبلاء: ج 5 ص 450. تهذیب الاسماء: ج 2 ص 516. تهذیب الکمال: ج 14 ص 482.
  5. رجال الطوسی: ص 117. ریاض العلماء: ج 4 ص 385 - 384. رساله فیروزیه. نقد الرجال: ج 3 ص 104.
  6. سفینه البحار: ج 4 ص 280. مستدرک سفینه البحار: ج 9 ص 213. سیر اعلام النبلاء: ج 5 ص 451 - 445. تهذیب الکمال: ج 14 ص 483 - 476. التمهید ابن عبدالبر: ج 18 ص 5. تاریخ دمشق: ج 28 ص 64 - 44.

ابو عبدالرحمان، ابوزناد، از بزرگان و اهل مدینه بود. او پسر ابولؤلؤ و مورد وثوق است که مالک و لیث و سفیان ثوری و سفیان بن عیینه از او روایت کرده اند.

### اشاره ای به احوال ابولؤلؤ رضی الله عنه

اسم او فیروز و چون دختری به نام لؤلؤة داشت مکنی شد به ابولؤلؤة (بولؤلؤ)، و از القاب ایشان شجاع الدین و بابا شجاع الدین است. اصلش ایرانی و در نهاوند به دنیا آمده است.<sup>(1)</sup>

### مذهب آن بزرگوار

صاحب ریاض العلماء می فرماید: معروف آن است که ابولؤلؤ از برگزیدگان شیعیان امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام بوده است.<sup>(2)</sup> مغیره بن شعبه چون از زمان حیات رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم عداوت و بغض و کینه خاصی به علی بن ابی طالب علیه السلام داشت،<sup>(3)</sup> بر ابولؤلؤ سخت می گرفت و میزان مالیات او را سنگین و سنگین تر می کرد؛ به حدی که یک روز به ابولؤلؤ گفت: اگر به خانه علی بن ابی طالب رفت و آمد نکنی و دست از محبت او برداری مالیات را از تو بر می دارم و آن را می بخشم؛ ام ابولؤلؤ قبول نکرد.<sup>(4)</sup>

1. ریاض العلماء. سفینه البحار: ج 4 ص 280. مستدرک سفینه البحار: ج 9 ص 213. رساله فیروزیه.
2. ریاض العلماء: ج 5 ص 507. رساله فیروزیه.
3. بحار الانوار: ج 30 ص 654 - 653. الغدیر: ج 6 ص 144 - 143. شرح نهج البلاغه: ج 4 ص 71 - 69. ج 13 ص 220. ج 16 ص 101. ج 20 ص 10.
4. کامل بهائی: (نسخه مخطوطه): ص 383. اسرار الامامة: ص 325. برای اینکه بدانید مغیره با دوستان امیرالمؤمنین علیه السلام چه می کرد به الغدیر علامه امینی رحمته الله، بیت الاحزان: ص 117، اسرار الامامة: ص 325، کامل بهائی (نسخه مخطوطه): ص 383، و تتمه شعبان از کتاب «تقویم شیعه» مراجعه کنید.

قتل هرمزان، جفینه، دختر ابولؤلؤ (لؤلؤة)، پسر و همسر ابولؤلؤ

هنگامی که عمر در بستر مرگ بود عبید الله بن عمر با رهنمود و همکاری خواهرش حفصه،<sup>(1)</sup> دختر و همسر و پسر ابولؤلؤ را که مسلمان بودند کشت، جفینه که ایرانی بود و هرمزان که دوست ابولؤلؤ و پسر یزدجرد سوم و برادر حضرت شهربانو همسر امام حسین علیه السلام بود<sup>(2)</sup> را به همراه چند نفر دیگر از فارسی زبانان مدینه به قتل رساند و بعد از کشتن جناب هرمزان بدن او را قطعه قطعه کرد. او می گفت: «به هر عجمی که دست پیدا کنم خواهم کشت».

هنگامی که هرمزان اسیر شد به مدینه آمد، و عمر اسلام را بر او عرضه کرد. او قبول نکرد و در همان مجلسی هنگامی که عظمت و جلالت امیرالمؤمنین علیه السلام را دید به دست آن حضرت اسلام آورد و از مخلصین اصحاب شد و اکثر اوقاتش در مسجد مشغول نماز بود.<sup>(3)</sup>

امیرالمؤمنین علیه السلام هنگامی که از کار عبید الله با خبر شد که دختر و پسر و همسر و ابولؤلؤ و هرمزان و جفینه را کشته است، فرمود: «این فاسق جرم بزرگی مرتکب شده و مسلمانی را بدون گناه کشته است». سپس به پسر عمر فرمود: «اگر روزی بر تو دست پیدا کنم به خاطر قتل هرمزان تو را خواهم کشت».<sup>(4)</sup>

درخواست امیرالمؤمنین علیه السلام وعده ای از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم برای قصاص عبید الله بن عمر به ارتکاب این جرائم در حق چند مسلمان، دلیل بر اسلام ابولؤلؤ است، و تا عمر مرد و عثمان بعد از سه روز خلیفه شد، عبید الله بن عمر در زندان بود که عثمان او را بخشید و آزاد کرد.<sup>(5)</sup>

1. تاریخ یعقوبی: ج 2 ص 161.

2. آسیاب تبری: ص 10.

3. الخرائج و الجرائح: ج 1 ص 212. بحار الانوار: ج 41 ص 50.

4. وسائل الشیعة: ج 1 ص 30. الغدیر: ج 8 ص 132، از کتاب انساب الاشراف بلاذری: ج 5 ص 24.

5. الغدیر: ج 8 ص 132، 133، 136 - 134. تاریخ طبری: ج 3 ص 302. تاریخ یعقوبی: ج 2 ص 163، الانساب بلاذری: ج 5 ص 24.

اکثر مورخین متفقند که روز ضربت خوردن عمر، ابولؤلؤ در صف اول نماز جماعت در مسجد بوده است،<sup>(1)</sup> و اگر او مسلمان نبوده داخل مسجد چه می کرده است؟!

تناقض گویی عده ای دلالت بر کذب کلامشان دارد. عده ای گفته اند: هنگامی که ضربه به عمر زد در حال فرار به خودی خود ضربه ای زد و مرد.<sup>(2)</sup> عده ای گفته اند: عبید الله بن عمر او را کشته است.<sup>(3)</sup> بعضی گفته اند: مردی از بنی تمیم او را کشته است.<sup>(4)</sup> بعضی گفته اند: عبد الله بن عوف سر از بدنش جدا کرد.<sup>(5)</sup> عده ای گفته اند: معلوم نشد به کجا رفت و هر چه سربازان دنبال گشتند او را پیدا نکردند.<sup>(6)</sup> به هر صورت اگر کشته شد، یا خودش را کشت با جسدش چه می کردند و کجا دفن شد؟ هیچ کس ذکر نکرده است.

اما شیعه معتقد است که ابولؤلؤ با معجزه و عنایت امیرالمؤمنین علیه السلام به کاشان آمد و تا زنده بود مردم به او احترام خاصی می گذاشتند و کسانی که او را بعد از مدتی دیدند و شناختند نتوانستند ثابت کنند که چگونه ابولؤلؤ آن روز در مدینه بوده و همان روز یا شب فردایش در کاشان بوده است!!<sup>(7)</sup>

- 
1. مسند ابی یعلی: ج 5 ص 116. صحیح ابن حبان: ج 1 ص 332. تاریخ دمشق: ج 44 ص 410. موارد الظمان: ص 573.
  2. صحیح بخاری: ج 4 ص 204. سنن الکبری (بیہقی): ج 3 ص 113. اسد الغابۃ: ج 4 ص 74.
  3. الثقات (ابن حبان): ج 2 ص 240. تاریخ یعقوبی: ج 2 ص 160.
  4. تاریخ طبری: ج 3 ص 303. تاریخ دمشق: ج 38 ص 61.
  5. فتح الباری: ج 7 ص 51. طبقات الکبری: ج 15 ص 16.
  6. فصل الخطاب فی تاریخ قتل عمر بن الخطاب: ص 207.
  7. کامل بهائی (نسخه مخطوطه): ص 383. مجمع النورین: ص 220.

## قبر شریف آن بزرگوار در کاشان

قبر ابولؤلؤ در شهر کاشان است. در سال های اخیر عده ای از محبین اهل بیت علیهم السلام در تزئین و توسیع صحن و مرقد آن بزرگوار زحمت زیادی کشیدند و امکاناتی از جهت رفاه حال زوار فراهم کردند. در ماه ربیع الاول سال 1427 هـ ضریح هشت ضلعی زیبا و نفیسی شبیه ضریح جناب هانی به عروۃ رضی الله عنہا به همت دوستان اهل بیت علیهم السلام بر قبر ایشان نصب شد. تاریخ بنای گنبد و رواق به بیش از 720 سال قبل بر می گردد.

### 5. بنای مسجد جمکران

در شب سه شنبه 17 ماه مبارک رمضان سال 373 هـ بنا بر آنچه که شیخ صالح و پرهیزکار جناب حسن به مثله جمکرانی خبر داده است امام عصر حضرت صاحب الزمان علیه السلام دستور بنای مسجد شریف جمکران را صادر فرمودند و این ماجرا داستانی طولانی دارد و مسجد هم دارای آداب و نمازی مخصوصی است.<sup>(2)</sup>

## 19 ماه رمضان

### 1. ضربت خوردن امیر المؤمنین علیه السلام

در 19 ماه رمضان سال 40 هـ در نماز صبح در مسجد کوفه با شمشیری مسموم به دست ناپاک ابن ملجم بر فرق مبارک امیر المؤمنین علیه السلام ضربت وارد شد.<sup>(3)</sup>

- 
1. منتخب التواریخ: ص 796. فهرست مزارات کاشان: ص 47. آثار تاریخی کاشان و نظنز: ص 25. تاریخ تشیع در ایران: ج 3 ص 1037 - 1038.
  2. مستدرک الوسائل: ج 3 ص 432، 447.
  3. ارشاد: ج 1 ص 19. بحار الانوار: ج 42 ص 199. تاریخ الائمه علیهم السلام: ص 5. تاج الموالید: ص 17. روضة الواعظین: ص 132. اختیارات: ص 38.

در 13 ماه رمضان سال 40 هـ حضرت مولی الموحدين علی بن ابی طالب امیرالمؤمنین علیه السلام بعد از فارغ شدن از جنگ نهروان از شهادت خود خبر دادند. <sup>(1)</sup> در آن روز حضرت بر فراز منبر بعد از بیان کلماتی در بار در حقایق اسلام، در آخر بیانات شریف خود، به فرزندشان امام حسن مجتبی علیه السلام فرمودند: «تا امروز چند روز از ماه مبارک رمضان می گذرد؟» امام مجتبی علیه السلام فرمودند: «13 روز گذشته است.» از امام حسین علیه السلام پرسیدند: «چند روز باقی مانده است؟» امام حسین علیه السلام فرمود: «17 روز باقی مانده است.» در این هنگام امیرالمؤمنین علیه السلام دست به محاسن مبارک گرفتند و فرمودند: «نزدیک است این موی من به خون سرم خضاب شود.»

در شب 16 ماه رمضان سال 40 هـ امیرالمؤمنین علیه السلام در خواب پیامبر صلی الله علیه و آله را دیدند، و آن حضرت به نزدیک شدن ملاقاتشان در بهشت به امیرالمؤمنین علیه السلام بشارت دادند، و امیرالمؤمنین علیه السلام به دخترشان امّ کلثوم علیها السلام خبر دادند. در شب نوزدهم امیرالمؤمنین علیه السلام روزه را در منزل امّ کلثوم علیها السلام افطار نمودند. <sup>(2)</sup> در شب 19 ماه رمضان سال 40 هـ وردان و شیب که با ابن ملجم در شهادت امیرالمؤمنین علیه السلام همراه بودند، در حین درگیری کشته شدند. <sup>(3)</sup>

در سال چهلّم گروهی از خوارج در مکه جمع شدند و بر کشتگان نهروان گریستند. سه نفر از آنان با هم پیمان بستند که در یک شب امیرالمؤمنین علیه السلام و عمروعاص و معاویه را بکشند. ابن ملجم کشتن امیرالمؤمنین علیه السلام را بر عهده گرفت و وارد کوفه شد و با کمک قطام بنت اخضر که ابن ملجم قصد ازدواج با او را داشت، و با همدستی شیب بن بجره و وردان بن مجاله تصمیم خود را عملی کرد.

1. الوقایع و الحوادث: ج 1، ص 139. مستدرک سفینه البحار: ج 5، ص 213.

2. ارشاد: ج 2، ص 16 - 15. بحار الانوار: ج 42، ص 225، 226، 238. نهج السعادة: ج 7، ص 101، 119. مدینه المعاجز: ج 3، ص 40 - 39، 211. الوقایع و الحوادث: ج 1، ص 190، 242.

3. بحار الانوار: ج 42، ص 298. نفاث العلام: ص 410.

در صبح روز نوزدهم بعد از اذان صبح، امیرالمؤمنین علیه السلام وارد مسجد شد و صدای نازنین ایشان به «یا ایها الناس، الصلاة» بلند شد.

سپس آن حضرت مشغول نماز شد. هنگامی که در رکعت اول سر از سجده برداشت شیب بر آن حضرت حمله ور شد، ولی شمشیرش خطا کرد. بلافاصله ابن ملجم لعنه الله حمله کرد و شمشیر او فرق مبارک آن حضرت را شکافت و محاسن شریفش به خون فرق مبارکش خضاب شد، صدای مبارکش بلند شد: «بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ فُزْتُ وَ رَبِّ الْكَعْبَةِ».

صدای جبرئیل بلند شد: «تَهَدَّمَتْ وَ اللَّهُ أَرْكَانُ الْهُدَى وَ انْطَمَسَتْ وَ اللَّهُ مُجُومُ السَّمَاءِ وَ أَعْلَامُ الثَّقَى وَ انْفَصَمَتْ وَ اللَّهُ الْعُرْوَةُ الْوُثْقَى فُتِلَ ابْنُ عَمِّ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى فُتِلَ الْوَصِيُّ الْمُجْتَبَى فُتِلَ عَلِيٌّ الْمُرْتَضَى فُتِلَ وَ اللَّهُ سَيِّدُ الْأَوْصِيَاءِ فَتَلَهُ أَشَقَى الْأَشْقِيَاءِ».<sup>(1)</sup>

## 20 ماه رمضان

### 1. فتح مکه

در سال 8 هـ فتح مکه واقع شد. در این فتح بزرگ تعداد مسلمانان 12 هزار نفر، و شهدا 2 نفر بودند. علت شهادت آن دو این بود که همراه لشکر نبودند و از آخر مکه وارد شده بودند، و لذا مورد هجوم قرار گرفته شهید شدند.<sup>(2)</sup>

در این روز امیرالمؤمنین علیه السلام به امر مبارک خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله و سلم، برای شکستن بت‌هایی که در کعبه بود، پای مبارک خود را بر کتف شریف اشرف مخلوقات نهاد.

1. بحار الانوار: ج 42، ص 282، 285. انوار العلویة: ص 377، 379.

2. مسار الشیعة: ص 9. العدد القویة: ص 218. مصباح کفعمی: ج 2، ص 599. بحار الانوار: ج 21، ص 111 - 143، ج 97، ص 168. توضیح المقاصد: ص 23. اختیارات: ص 38. تقویم المحسنین: ص 12. سیرة النبی صلی الله علیه و آله و سلم (ابن هشام): ج 4، ص 889.

3. توضیح المقاصد: ص 23. مصباح کفعمی: ج 2، ص 599. بحار الانوار: ج 97، ص 384. فیض العلام:



هنگامی که مسلمانان وارد مکه شدند شعار می دادند: «اليوم يوم الملحمة»: «امروز روز در هم کوبیدن است». پیامبر ﷺ فرمودند: شعار را عوض کنید و بگوئید: «اليوم يوم الرحمة»: «امروز روز رحمت است».

بعد فرمود: ابوسفیان و خانه اش در امانند، و هر کس داخل خانه او رفت در امان است. همچنین فرمودند: همه در امانند به جز یک نفر به نام «هبار بن اسود» و بعضی معاویه. (1) را هم ذکر کرده اند. حضرت فرمود: «اگر هبار چسبیده به پرده کعبه هم بود او را بکشید»!

علت این برخورد شدید با هبار آن بود که در یکی از جنگ های مسلمین با کفار قریش عده ای اسیر از کفار گرفتند و داخا اسرا داماد بزرگ پیامبر ﷺ شوهر زینب دخترشان بود. حضرت فرمودند: هر کس فدیة بفرستد او را آزاد می کنیم. بین آنچه از مکه به عنوان فدیة فرستاده بودند گردنبد حضرت خدیجه عليها السلام به چشم می خورد که به دخترش زینب داده بود. هنگامی که پیامبر ﷺ آن گردنبد را دیدند به یاد جناب خدیجه عليها السلام افتادند و گریستند. آنگاه از مسلمین خواستند آن فدیة را - که یادگار خدیجه عليها السلام - است، به آن حضرت ببخشند، و آنان گفتند: جان و مالمان را فدای شما می کنیم. حضرت هم عاص را بدون فدیة آزاد کردند. سپس قرار شد اسرا را آزاد کنند، در مقابل این که هر یک از زنان مسلمان که در مکه اسلام را پذیرفته، اگر خواست بیاید آزاد باشد.

---

ص 42. احتجاج: ج 1 ص 179. نهج الايمان: ص 613 - 607. بحار الانوار: ج 38 ص 87 - 76. غاية المرام: ج 6 ص 284 - 279. الغدير: ج 7 ص 139 - 9. شرح احقاق الحق: ج 8 ص 690 - 679، ج 18 ص 170 - 162، ج 23 ص 370 - 361، ج 31 ص 184 - 175. مناقب (ابن مغازلی): ص 202، 429. مناقب امير المؤمنين عليه السلام: ج 2 ص 606. كفاية الطالب: ص 257. تذكرة الخواص: ص 34. صفوة الصفوة: ج 1 ص 310. مناقب (خوارزمي): ص 123. مستدرک حاکم: ج 2 ص 367، ج 3 ص 5. مسند احمد: ج 1 ص 84. مسند بزّاز: ج 3 ص 22. مسند ابی یعلی: ج 1 ص 251. خصائص امير المؤمنين عليه السلام: ص 113. الاحاديث المختارة: ج 2 ص 330. مصنف (ابن ابی شيبّة): ج 8 ص 534. ينابيع المودة: ج 1 ص 421، ج 2 ص 304.

1. احقاق الحق: ص 265. التعجب: ص 106. نهج الحق و كشف الصدق: ص 310. منتخب طريحي: ص 14. تمة المنتهى: ص 47.

قرار بر این شد که امیرالمؤمنین علیه السلام بروند و هودج فواطم را بیاورند. آن حضرت به تنهایی رفتند و زینب دختر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و دیگر هاشمیات را آوردند، همینکه مقداری از مکه بیرون آمدند، ابوسفیان لعنت الله علیه گفت: پسر عمویش محمد صلی الله علیه و آله و سلم جوانهای شما را گمراه کرد و مسلمان شدند. حال این جوان یعنی - علی علیه السلام - در روز روشن آمده و بستگانش را می برد. جلو او را بگیرید.

آنها آمدند تا مانع آن حضرت شوند. امیرالمؤمنین علیه السلام دفاع فرمودند. بعضی زخمی و بعضی به درک واصل شدند، در این اثنا هبار بن اسود به هودج هاشمیات حمله کرد و نیزه ای حواله هودج زینب دختر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نمود.

امیرالمؤمنین علیه السلام حمله ای به هبار کردند و او را فراری دادند. زینب در این حمله ترسید و چون ششماه حامله بود، هنگامی که وارد مدینه شدند بعد از زمانی بچه سقط شده و از دنیا رحلت کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «خون هبار بن اسود مهدور است»، و هر کس هر جا او را دید بکشد.

ابن ابی الحدید به استادش می گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به خاطر ترساندن زینب و سقط جنین او، ریختن خون هبار را جایز دانست. اگر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم زنده بود، آیا ریختن خون آن کس را که فاطمه علیه السلام را ترسانید، جایز نمی دانست!!<sup>(1)</sup>

## 21 ماه رمضان

### 1. شهادت امیرالمؤمنین علیه السلام

امام المتقین امیرالمؤمنین علیه السلام در شب بیست و یکم ماه رمضان مقارن طلوع فجر به شهادت رسید، در حالی که از سن مبارک حضرتش 63 سال گذشته بود.<sup>(2)</sup> در بیستم ماه

1. بحارالانوار: ج 19 ص 351. بیت الاحزان: ص 153. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید: ج 14 ص 193. تاریخ طبری: ج 2 ص 164. مستدرک حاکم: ج 4 ص 42.

2. کافی: ج 1، ص 452. اعلام الوری: ج 1، ص 309. کشف الغمه: ج 1، ص 436. العدد القویة: ص 235.

رمضان اثرات سم در پاهای مبارک امیرالمؤمنین علیه السلام ظاهر شد و پاهای مبارک ورم کرد.<sup>(1)</sup> در شب بیست و یکم اثر زهر بر بدن مبارک امیرالمؤمنین علیه السلام بسیار شد. حضرت فرزندان و اهل بیت خود را جمع کرد و با آنها وداع نمود و وصیت های خود را فرمود. در آن شب هر چه خوردنی و آشامیدنی آوردند تناول نفرمود، و لب های مبارکش به ذکر خدا حرکت می کرد، و مانند مروارید عرق از پیشانی نازیش می ریخت و با دست مبارک خود آن را بر طرف می کرد.

به امام مجتبی علیه السلام فرمود: تو را به برادرت حسین علیه السلام وصیت می کنم. به فرزندان دیگر که از فاطمه زهرا علیها السلام نبودند، فرمود: شما را وصیت می کنم به اطاعت از حسن و حسین علیهما السلام. سپس فرمودند: «خداوند شما را بر صبر نیکو کرامت فرماید. امشب از میان شما می روم و به حبیب خود محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم ملحق می شوم چنانچه مرا وعده داده است». صدای گریه از اهل بیت بلند شد. آنگاه دستوراتی در مورد غسل، کفن، نماز و محل دفن به امام مجتبی علیه السلام فرمودند و با امام حسین علیه السلام و حضرت زینب علیها السلام کلماتی از کربلاء فرمودند.

بعد از وداع با همگان دست و پای مبارک را به طرف قبله کشیدند و فرمودند: «اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان محمداً عبده و رسوله»، و چشمان مبارک را بستند و بهشت را به قدوم خویش مبارک فرمودند.

صدای شیون و گریه از خانه آن حضرت بلند شد. اهل کوفه که با خبر شدند، صدای شیون و ناله از تمامی شهر بر خواست، مانند روزی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از دنیا رفتند. در آن شب آفاق آسمان متغیر گشت و زمین لرزید و صدای تسبیح و تقدیس فرشتگان از هوا شنیده شد.

---

بحارالانوار: ج 42، ص 95. روضة الواعظین: ص 132. مسار الشیعة: ص 10. تاج الموالید: ص 16. توضیح المقاصد: ص 24. مصباح کفعمی: ج 2، ص 599. تقویم المحسنین: ص 12. منتهی الآمال: ج 1، ص 183. تاریخ الخلفاء: ص 175. مناقب (خوارزمی): ص 284. ذخائر العقبی: ص 115. ینابیع المودة: ج 2، ص 32.

1. الوقایع و الحوادث: ج 1، ص 265.

سپس مشغول غسل آن حضرت شدند. بعد از غسل و کفن، امام حسن و امام حسین علیهما السلام پشت سر تابوت را همانطور که حضرت فرموده بودند برداشته، جلو تابوت خودش حرکت می کرد، تا در مکانی فرود آمد. بعد از نماز بر آن حضرت توسط امام مجتبی علیه السلام، مقداری از زیر تابوت را کردند و قبری آماده یافتند که داخل آن لوحی مسی یا سفالی بود و بر آن نوشته شده بود: «بسم الله الرحمن الرحيم، این قبری است که نوح پیامبر برای بنده صالح خدا علی بن ابی طالب علیه السلام حفر نموده است».<sup>(1)</sup> بدن مطهر آن حضرت را دفن نمودند و حسب وصیت آن حضرت، قبر مطهرش را مخفی نمودند تا در زمان هارون بر همگان معلوم شد. فرزندان آن حضرت از همسران مختلف 28 دختر و پسرند.<sup>(2)</sup> 5 نفر آنها اولاد حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا علیها السلام هستند که عبارتند از امام حسن و امام حسین و زینب کبری و امّ کلثوم و حضرت محسن علیه السلام که در دوران حمل در شش ماهگی توسط منافقین در ماجرای هجوم به خانه امیرالمؤمنین علیه السلام به شهادت رسید. حضرت عباس علیه السلام و جعفر و عثمان و عبدالله در کربلا به شهادت رسیدند، که مادرشان امّ البنین است. بقیه اولاد حضرت از همسران دیگر هستند.

وقتی خبر شهادت امیرالمؤمنین علیه السلام به عایشه رسید چنان خوشحال شد که بی اختیار شعری خواند و سپس گفت: چه کسی علی را کشت؟ جواب دادند: ابن ملجم. گفت: خاک بر دهانش مباد (کنایه از اینکه خوب کاری کرد).<sup>(3)</sup>

- 
1. فرحة الغری: ص 64. مناقب آل ابی طالب علیهم السلام: ج 2 ص 388. بحارالانوار: ج 42 ص 216، 236. الغارات: ج 2 ص 846.
  2. ارشاد مفید: ج 1، ص 355 - 354. اعلام الوری: ج 1، ص 396 - 395. تاج الموالید: ص 18.
  3. الهدایة الکبری: ص 197. الجمل (شیخ مفید): ص 84. الجمل (ابن شدقم): ص 26. بحارالانوار: ج 32 ص 341. تذکرة الخواص: ابن جوزی: ص 165. مقاتل الطالبیین: ص 26. جواهر المطالب: ج 2 ص 104. طبقات الکبری: ج 3 ص 40. تاریخ طبری: ج 4 ص 115. انساب الاشراف: ص 505.

در شب 21 ماه رمضان اوصیاء پیغمبران رحلت کردند و حضرت عیسی بن مریم علیه السلام به آسمان برده شد؛ و در همین شب حضرت موسی بن عمران علیه السلام رحلت کرد و یوشع بن نون علیه السلام رحلت نمودند. (1)

## 2. بیعت با امام مجتبی علیه السلام

در این روز پس از شهادت امیرالمؤمنین علیه السلام با امام حسن علیه السلام بیعت کردند. (2)

## 3. قتل ابن ملجم

در این روز ابن ملجم با یک ضربت شمشیر به جهنم فرستاده شد، سپس ام الهیثم دختر اسود نخعی جنازه او را گرفته آن را به آتش کشید. (3) بعد از کشته شدن ابن ملجم مردم به سوی قطام ملعونه فاسقه هجوم آوردند و او را شمشیر به درک فرستادند و جثّه اش را بیرون کوفه سوزانیدند. (4)

ابن بطوطه متوفی سال 779 هـ گفته است: هنگامی که به کوفه مسافرت کردم، در غربی جبّانه کوفه در زمینی سفید، زمینی بسیار سیاه دیدم و علّت را پرسیدم. گفتند: اینجا قبر ابن ملجم است. عادت اهل کوفه این است که در سال هیزم زیادی می آوردند و 7 روز در این مکان می سوزانند. (5)

- 
1. امالی صدوق: ص 397. بحار الانوار: ج 13 ص 376. ج 42 ص 201، 202، 302. العدد القویة: ص 235. مسار الشیعة: ص 9. توضیح المقاصد: ص 24. روضة الواعظین: ص 138. مصباح کفعمی: ج 2 ص 599. اختیارات: ص 38. ینابیع المودة: ج 2 ص 31.
  2. ارشاد: ج 2 ص 9. کشف الغمة: ج 1 ص 538. بحار الانوار: ج 43 ص 362. تاریخ دمشق: ج 13 ص 262 - 261، 273.
  3. ارشاد: ج 1 ص 22. روضة الواعظین: ص 134. بحار الانوار: ج 42 ص 232، 246، 298. انوار العلویة: ص 370. نفائح العلام: ص 410. ینابیع المودة: ج 2 ص 32.
  4. بحار الانوار: ج 42 ص 298. انوار العلویة: ص 390. کلمات الامام الحسین علیه السلام: ص 154. نفائح العلام: ص 410.
  5. انوار البهیة: ص 82. نفائح العلام: ص 409. رحلة ابن بطوطه: ص 147.

## 23 ماه رمضان

### 1. نزول قرآن

شب نزول قرآن است <sup>(1)</sup> و به قولی در شب 24 ماه رمضان بوده است. <sup>(2)</sup>

## 24 ماه رمضان

### 1. مرگ ابولهب

در این روز و به قولی در 25 ماه رمضان ابولهب به درک واصل شد. <sup>(3)</sup>

## تتمه ماه رمضان

### 1. بدعت نماز تراویح توسط عمر

در این ماه در سال 14 هـ عمر نماز نافاه به جماعت خواندن را بدعت گذارد سپس مردی را برای مردها و مردی را برای زنها به عنوان امام جماعت قرار داد. <sup>(4)</sup>

او نامه ای به شهرها نوشت و مردم را ملزم به این کار کرد. <sup>(5)</sup> خودش این عمل را بدعت نامید و گفت: چه خوب بدعتی است!!! <sup>(6)</sup>

- 
1. کافی: ج 2 ص 629. مسار الشیعة: ص 10. بحار الانوار: ج 95 ص 198.
  2. تفسیر عیاشی: ج 1 ص 80. بحار الانوار: ج 94 ص 25، ج 95 ص 199.
  3. نفاث العلام: ص 463. تاریخ دمشق: ج 67 ص 173. سر السلسلة العلویة: ص 3.
  4. بحار الانوار: ج 31 ص 12 (پاورقی). تاریخ طبری: ج 3 ص 277. طبقات کبری: ج 3 ص 281. عمر بن الخطاب: ص 100.
  5. النص و الاجتهاد: ص 250. تاریخ بغداد: ج 8 ص 51.
  6. صحیح بخاری: ج 2 ص 252. کتاب الموطأ: ج 1 ص 114. تاریخ المدینة: ج 2 ص 714. سنن کبری (بیهقی): ج 2 ص 493. تاریخ بغداد: ج 8 ص 50.

## 2. دعای باران توسط پیامبر ﷺ

در ماه رمضان سال ششم هجری قحطی شدیدی در مدینه رخ داد، که پیامبر ﷺ طلب باران کردند و باران آمد. <sup>(1)</sup>

---

1. بحار الانوار: ج 20، ص 376. تاریخ طبری: ج 2 ص 286. عیون الاثر: ج 2 ص 357. التنبيه و الاشراف: ص 222.





## 10 شوال المكرم



ماه شوال شامل رحلت بزرگانی و وقوع جنگ‌هایی است. کما اینکه چند نفر از بزرگترین دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام نیز در آن به درک واصل شده‌اند. روزهای 1، 3، 4، 5، 6، 8، 14، 15، 17، 20، 25 را که شامل این وقایع هستند مرور خواهیم کرد.

عید فطر اولین روز این ماه و جشن روزه داری است.

شهادت امام صادق علیه‌السلام، حضرت حمزه علیه‌السلام، وفات اباصلت هروی و حضرت عبدالعظیم علیه‌السلام روزهای غم در این ماه‌اند، که ویرانی قبور ائمه بقیع علیهم‌السلام نیز بر این مصیبت‌ها افزوده است.

مرگ عمرو بن عاص، قتل متوکل و مرگ عبدالملک بن مروان شیرین‌ترین روزهای این ماه‌اند که دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام در آن به درک واصل شده‌اند.

از وقایع جنگی این ماه جنگ خندق، حنین، قرقره الکدر، حمراء الاسد، بنی قینقاع و حرکت به سوی جنگ صفین را می‌توان نام برد، و ورود حضرت مسلم علیه‌السلام به کوفه نیز از همین قبیل به شمار می‌آید.

رد الشمس برای امیرالمؤمنین علیه‌السلام و توقیع امام زمان علیه‌السلام برای حسین بن روح وقایع مهم دیگری هستند که در این ماه رخ داده‌اند.



## 1 شوال

### 1. عید فطر

اول ماه شوال روز عید فطر است. قبل از نماز عید، خوردن مقداری از تربت سید الشهداء علیه السلام و نیز زیارت آن حضرت مستحب است. <sup>(1)</sup>

### 2. مرگ عمرو بن عاص

در سال 43 - 41 هـ عمرو بن عاص خبیث در سن 90 سالگی به درک واصل شد. <sup>(2)</sup> مادر او نابغه، کنیزی بود که عبدالله بن جذعان او را خرید و آزادش کرد. او به کار خلاف روی آورد، و چون قیمتش نسبت به سایر زنان خلافاکار ارزانتر بود مراجعه کننده بسیار داشت. لذا آبروی عبدالله بن جذعان را برده بود. از جمله در طهر واحد، ابولهب و امیه بن خلف و هشام بن مغیره و ابوسفیان و عاص بن وائل با او زنا کردند و عمرو عاص به وجود آمد.

هنگامی که وضع حمل کرد هر یک از آنان مدعی او شدند. آخر الامر قضاوت را بر عهده خود نابغه گذاشتند، و او هم عاص را انتخاب کرد. به او گفتند: چرا عاص را انتخاب کردی با اینکه بچه به ابوسفیان شبیه تر است؟ گفت: ابوسفیان بخیل است و عاص بهتر نفقه می دهد! <sup>(3)</sup> این عاص ملعون کسی بود که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را «ابتر» خطاب کرد و خاطر شریف حضرت را مکدر نمود، تا آنکه سوره

1. من لا یحضره الفقیه: ج 2 ص 174. مسار الشیعة: ص 13. توضیح المقاصد: ص 25. الحدائق الناضرة: ج 10 ص 273. بحارالانوار: ج 57 ص 163، ج 88 ص 133.

2. مسار الشیعة: ص 15. الغدیر: ج 2، ص 175. قلائد النحور: ج شوال، ص 6. فیض العلام: ص 61 - 62. وقائع الشهور: ص 189. مستدرک سفینه البحار: ج 5، ص 213. تنمة المنتهی: ص 41. مروج الذهب: ج 3، ص 32. تاریخ یعقوبی: ج 2 ص 222. تاریخ طبری: ج 4 ص 137. البدایة و النهایة: ج 8 ص 27.

3. الغدیر: ج 2 ص 125 - 121. الايضاح: ص 87. احتجاج: ج 1 ص 411. بحارالانوار: ج 33 ص 230، ج 44 ص 80. جامع الشتات (خواجهنوی): ص 191. تذکرة الخواص: ص 186. شرح نهج البلاغة: ج 6 ص 283، 296. ربیع الابرار: باب القربان و الانساب.

مبارکه کوثر نازل شد (1) (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ \* فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأَنْحَرْ \* إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ). یعنی یا رسول الله دشمن تو عمرو عاص ابتر است. یعنی دین و نسب ندارد. (2) لذا امیرالمؤمنین علیه السلام در نامه ای که به عمرو عاص نوشته بودند آن ملعون را «ابتر بن ابتر» نامیدند. (3)

با این نسب و نژاد تعجبی ندارد که او دشمن پیامبر و علی بن ابی طالب علیه السلام باشد، عمری با معاویه خون به دل امیرالمؤمنین علیه السلام کند. واقعه صفین و قرآن بر سر نیزه کردن و شهادت مالک اشتر و واقعه حکمین و کارهای دیگر آن ملعون روشن است.

او در وقت مرگ می گفت: چنان است که کوه رضوی را بر گردن من نهاده اند و درون من پر از خار است و مرا از سوراخ سوزنی بیرون می کنند! (4)

### 3. جنگ قرقره الکدر

در این روز در سال 2 هـ جنگ قرقره الکدر به وقوع پیوست. (5) این نام مربوط به آبی متعلق به بنی سلیم در سه منزلی مدینه است. سبب این جنگ آن شد که به سمع مبارک پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم رسانده بودند که جمعی از بنی سلیم و بنی عطفان در قرقره الکدر اجتماع کرده اند تا به مدینه شبیخون بزنند. لذا آن حضرت پرچم اسلام را به دست امیرالمؤمنین علیه السلام دادند و حضرت را با دویست نفر به آنجا فرستادند. هنگامی که

- 
1. الغدير: ج 2، ص 123 - 120. بحار الانوار: ج 16 ص 312، ج 17 ص 203، 210، ج 33 ص 219. فيض العلام: ص 62. اسباب النزول: ص 307. الدر المنثور: ج 6 ص 401. طبقات الكبرى: ج 3 ص 7. تاريخ دمشق: ج 3 ص 128 - 125. اسد الغابة: ج 4 ص 188. زاد المسير: ج 8 ص 321.
  2. تفسير قمي: ج 2 ص 445. بحار الانوار: ج 17 ص 209.
  3. الغدير: ج 2 ص 120، 121، 130. بحار الانوار: ج 33 ص 225. نهج السعادة: ج 4 ص 256. شرح نهج البلاغة: ج 16 ص 163.
  4. نهج السعادة: ج 8 ص 360. فيض العلام: ص 62. مستدرک: ج 3 ص 455. طبقات الكبرى: ج 4 ص 260. تاريخ دمشق: ج 46 ص 192.
  5. مستدرک سفينة البحار: ج 5 ص 206. وقائع الشهور: ص 190. كتاب المحبر: ص 11. تاريخ طبري: ج 2 ص 174.

امیرالمؤمنین علیه السلام به آنجا رسیدند دیدند که آن جماعت از آنجا گریخته اند و تا آن حضرت آنجا بودند کسی بر نگشت. در این ماجرا 500 شتر از آنها غنیمت گرفته شد که رسول خدا صلی الله علیه و آله آن را تخمیس نمودند و بقیه را بین اصحاب تقسیم فرمودند. <sup>(1)</sup>

### 3 شوال

#### 1. قتل متوکل

در سال 247 هـ در شب چهارشنبه متوکل عباسی ملعون، به دستور فرزندش به قتل رسید. مدت خلافت او 14 سال و ده ماه و عمر نحسش 41 سال بود. <sup>(2)</sup>

متوکل بعد از واثق، در سال 232 هـ به خلافت نشست. در ایام او لهو و لعب و طرب، مخصوصاً در مجلس او بسیار بود. او مردی خبیث السیره بود و چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده بود، کافرترین آل عباس بود. <sup>(3)</sup> عمرو بن فرج را والی مدینه و مکه کرد، و او به مردم دستور داده بود که کسی به آل ابی طالب علیهم السلام احسان نکند، و اگر کسی کوچکترین احسانی کند سخت عقوبت خواهد شد، به حدی کار بر علویین تنگ شده بود که لباسهای زنان علویه کهنه و پاره شده بود و پیراهن سالمی را برای نماز به نوبت می پوشیدند، و نخ ریسی می کردند، تا متوکل به درک واصل شد. <sup>(4)</sup>

از اعمال زشت و پست متوکل این بود که همیشه و در همه جا امیرالمؤمنین علیه السلام را به بدی یاد می کرد، و به آن حضرت جسارت می کرد. او چندین بار قبر مبارک حضرت

---

1. بحار الانوار: ج 20 ص 2، 8، ج 30 ص 620. الصحيح من السیره: ج 6 ص 7. موسوعة التاريخ الاسلامی: ج 1 ص 231. منتهی الآمال: ج 1 ص 58. طبقات الكبرى: ج 2 ص 31.

2. توضیح المقاصد: ص 26. تنمة المنتهی: ص 322. بحار الانوار: ج 50، ص 210. فیض العلام: ص 65. تاریخ سامراء: ج 3، ص 324. البداية و النهایة: ج 10، ص 385. تاریخ بغداد: ج 2، ص 119 - 118.

3. مناقب آل ابی طالب علیهم السلام: ج 2 ص 311. بحار الانوار: ج 41 ص 322.

4. الکنی و الالقاب: ج 3 ص 144. مقاتل الطالبیین: ص 396.

سید الشهداء علیه السلام را خراب کرد، ولی دوباره بنا شد. متوکل در راه زیارت آن حضرت دست قطع می کرد و زوار را می کشت. تا جایی که تعداد کشتگان را 70 هزار نفر نقل کرده اند.<sup>(1)</sup> در زمان ما هم بعد از سقوط حاکم ظالم عراق صدای ملعون و حرکت شیعیان به سمت کربلای معلی برای زیارت، جمعی از زائرین به طرق مختلف در مسیر به شهادت رسیدند.

به خاطر جسارت هایی که متوکل در مجلسی به امیرالمؤمنین علیه السلام کرد، منتصر پسرش در شب چهارشنبه سوم یا چهارم ماه شوال چند نفر از غلامهای خاص پدر را مأمور کشتن وی کرد، و آنها در حالی که متوکل مشغول شرب خمر بود، خونس را ریختند و به درکات جحیم شتافت.

در همان روزی که متوکل به دستور پسرش منتصر کشته شد مردم با او در قصر معروف جعفری بیعت کردند. منتصر مردی به ظاهر رئوف و مهربان بر اهل بیت پیامبر بود، و بر عکس پدر خود به آل ابی طالب احسان می کرد و به هیچ وجه متعرض ایشان نمی گشت.

او زیارت امام حسین علیه السلام را آزاد کرد و مانع احدی نشد، و دستور داد فدک را به اولاد امام حسن و امام حسین علیه السلام رد کنند، و اوقاف آل ابی طالب علیه السلام را آزاد کرد و دستور داد کسی متعرض شیعیان علی علیه السلام نشود. همچنین برای علویین و علویات مدینه اموالی فرستاد تا در میانشان تقسیم شود. او در روز 25 ربیع الاول سال 248 هـ بیمار شد و در پنجم ربیع الثانی هنگام عصر در گذشت و مدت خلافتش 6 ماه بود. گفته شده که او مسموم شد به زهری که در شاخ حجامت ریخته بودند.<sup>(2)</sup>

---

1. رساله فیروزیه، میرزا عبد الله افندی رحمته الله.

2. تنمة المنتهی: ص 332 - 330. فیض العلام: ص 66، 65، 227. تاریخ الخلفاء: ص 357. مروج الذهب: ج 4 ص 134 - 133.



## 4 شوال

### 1. جنگ حنین

در این روز در سال 8 هـ بعد از 15 روز از فتح مکه، غزوه حنین به وقوع پیوست. (1) تعداد لشکر اسلام 2 هزار نفر از مکه و ده هزار نفر از مدینه بودند. در این جنگ چهار نفر شهید شدند، و تعداد 300 نفر از کفار «هوازن» کشته شدند. در این جنگ امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام جنگجو ترین اصحاب رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بودند که قتال می کردند. (3) یکی از موارد فرار ابوبکر و عمر در همین جنگ بوده است. (4) تاریخ این جنگ را ماه رمضان، و 3 و 5 و 10 و 11 و 15 شوال هم نقل کرده اند. (5)

## 5 شوال

### 1. حرکت به سوی جنگ صفین

در سال 36 هـ در چنین روزی امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام برای رفتن به صفین آماده شدند؛ و

- 
1. مستدرک سفینه البحار: ج 6، ص 65. وقائع الشهور: ص 192.
  2. توضیح المقاصد: ص 26. بحار الانوار: ج 21، ص 185 - 146. الموسوعة الكبرى فی غزوات النبی الاعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: ج 5، ص 73.
  3. کنز العمال: ج 10 ص 458. مجمع الزوائد: ج 6 ص 180. مسند ابی یعلی: ج 6 ص 290. سبل الهدی و الرشاد: ج 5 ص 324.
  4. بحار الانوار: ج 21 ص 185 - 146. الزام النواصب: ص 188. الصحيح من السیرة: ج 5 ص 164. الغدير: ج 5 ص 209 - 205. احقاق الحق: ص 206، 233، 271. شرح احقاق الحق: ج 3 ص 228، ج 8 ص 474، ج 16 ص 221. فیض العلام: ص 73. صحیح بخاری: ج 5 ص 101. فتح الباری: ج 8 ص 29 - 22. تاریخ یعقوبی: ج 2 ص 62. شرح نهج البلاغة: ج 10 ص 182، ج 12 ص 179، ج 13 ص 278، ج 15 ص 106. شرح القوائد العلویات السبع: ص 108.
  5. توضیح المقاصد: ص 26. فیض العلام: ص 67. تاریخ خلیفة بن خیاط: ص 53. کتاب المحبر: ص 115. البداية و النهایة: ج 4 ص 369. طبقات الكبرى: ج 2 ص 150. تفسیر قرطبی: ج 8 ص 66. تاریخ ابن خلدون: ج 2 ص 46. فتح الباری: ج 8 ص 21. معجم قبائل العرب: ج 3 ص 1232.

ابو مسعود عقبه بن عامر انصاری را در کوفه جانشین خویش قرار دادند.<sup>(1)</sup>

## 2. ورود حضرت مسلم علیه السلام به کوفه

در سال 60 هـ در چنین روزی حضرت مسلم علیه السلام وارد کوفه شدند.<sup>(2)</sup> مردم کوفه به خدمتش شتافتند، و نامه امام حسین علیه السلام را استماع کردند و هیجده هزار نفر با آن حضرت بیعت کردند. جناب مسلم علیه السلام نامه ای به امام حسین علیه السلام نوشت و بیعت کوفیان را اطلاع داد، و تشریف فرمائی آن جناب را به کوفه خواستار شد.

## 6 شوال

### 1. توقیع برای حسین بن روح

روز یکشنبه سال 305 هـ اولین توقیع امام عصر علیه السلام در دوران غیبت صغری، برای جناب حسین بن روح صادر شد.<sup>(3)</sup>

## 8 شوال

### 1. ویرانی قبور ائمه بقیع علیهم السلام

در این روز در سال 1343 (1344) هـ قبور ائمه بقیع علیهم السلام و نیز قبر حضرت حمزه علیه السلام در أحد به دست وهابیون تخریب شد.<sup>(4)</sup>

- 
1. بحار الانوار: ج 32 ص 421. تنمة المنتهی: ص 23. فیض العلام: ص 69. وقعة صفین: 131. مروج الذهب: ج 2 ص 384. تذكرة الخواص: ص 85.
  2. الشهید مسلم بن عقیل علیه السلام: ص 151. مستدرک سفینة البحار: ج 5 ص 214. فیض العلام: ص 69. فرسان الهیجاء: ج 2، ص 70. شرح احقاق الحق: ج 33 ص 649. قلائد النحور: ج شوال، ص 17. وقایع الشهور: ص 193.
  3. بحار الانوار: ج 51 ص 356. الغیبة (شیخ طوسی): ص 372. وقایع المشهور: ص 193.
  4. مستدرک سفینة البحار: ج 6 ص 66. رد عقائد الوهابیة: ص 22. الوهابیون و البیوت المرتفعة: ص 88.

علت و انگیزه تخریب این قبور مطهر در کتب مختلفی که بر ردّ عقائد ضالّه و هابیت تألیف شده، بیان گردیده است.

آنان اضافه بر قبور مطهر ائمه معصومین علیهم السلام، دیگر قبور را هم تخریب نمودند که عبارتند از: قبر منسوب به فاطمه زهرا علیها السلام، قبر مطهر فاطمه بنت اسد علیها السلام مادر امیرالمؤمنین علیه السلام، قبر مطهر حضرت ام البنین علیها السلام، قبر ابراهیم پسر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، قبر اسماعیل فرزند حضرت صادق علیه السلام، قبر دختران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، قبر حلیمه سعدیه مرضعه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، و قبور شهدای زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم.

و هابیان در سال 1343 هـ در مکه گنبدهای قبر حضرت عبدالمطلب علیه السلام، ابی طالب علیه السلام، خدیجه علیها السلام، و زادگاه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و فاطمه زهرا علیها السلام و «خیزران» عبادتگاه سری پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را با خاک یکسان کردند. در جدّه نیز قبر حوا و دیگر قبور را تخریب کردند.

در مدینه گنبد منور نبوی را به توپ بستند، ولی از ترس مسلمانان قبر شریف را تخریب نکردند. در شوال 1343 با تخریب قبور مطهر ائمه بقیع علیهم السلام اشیاء نفیس و با ارزش آن قبور مطهر را به یغما بردند. قبر حضرت حمزه علیه السلام و شهدای احد را با خاک یکسان کردند، و گنبد و مرقد حضرت عبدالله و آمنه پدر و مادر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، قبر اسماعیل پسر حضرت صادق علیه السلام و دیگر قبور را هم خراب کردند.

در همان سال به کربلای معلی حمله کردند، و ضریح مطهر را کردند و جواهرات و اشیاء نفیس حرم مطهر را که اکثراً از هدایای سلاطین و بسیار ارزشمند و گران بها بود، غارت کردند و قریب به 7000 نفر از علما، فضلا و سادات و مردم را کشتند. سپس به سمت نجف رفتند که موفق به غارت نشدند و شکست خورده برگشتند.<sup>(1)</sup>

---

1. کشف الارتیاب: ص 77. شهداء الفضیله (علامه امینی): ص 388. مدینه الحسین علیه السلام. خاطرات مستر همفر. مرآة الوهابیة. الدلیل علی الحرمین الشریفین. اخبار المدینه. منتخب التواریخ. هذه هی الوهابیة.

## 2. جنگ حمراء الاسد<sup>(1)</sup>

در این روز در سال 3 هـ جنگ حمراء الاسد اتفاق افتاد. «حمراء الاسد» نام مکانی در اطراف مدینه است.

### 14 سوال

#### 1. مرگ عبدالملک مروان

در سال 86 هـ عبدالملک بن مروان سفاک بخیل، در دمشق به هلاکت رسید<sup>(2)</sup>، و بعضی 15 سوال را ذکر کرده اند.<sup>(3)</sup> این در حالی بود که 21 سال و 6 ماه خلافت را غصب کرده بود. او پیش از سلطنت پیوسته ملازمت مسجد را داشت و تلاوت قرآن می نمود و او را حمامة المسجد می گفتند! وقتی خبر سلطنت به او رسید قرآن را بر هم نهاد و گفت: «سلام علیک هذا فراق بینی و بینک»: «خداحافظ، این آغاز جدایی بین من و توست».!!

بیماری او که سخت شد طبیب گفت: اگر آب بخورد می میرد. ولی تشنگی بر او غالب شد و از پسرش ولید آب طلبید. او گفت: اگر آب بیاشامی خواهی مرد! عبدالملک به دخترش التماس کرد که آب بدهد، اما ولید پسرش مانع شد. عبدالملک گفت: بگذار به من آب بدهند، وگرنه تو را از ولیعهدی خلع می کنم، ولید اجازه داد و عبدالملک آب خورد و مُرد.

---

1. مستدرک سفینه البحار: ج 6، ص 66 - 65. بنا بر قولی که جنگ اُحد را در هفتم سوال نقل کرده است.

2. تنمة المنتهی: ص 105. فیض العلام: ص 73. مستدرک سفینه البحار: ج 5، ص 216. تاریخ دمشق: ج 36 ص 164، 166.

3. قلائد النحور: ج سوال، ص 94. تاریخ طبری: ج 5 ص 211. طبقات الکبری: ج 5 ص 235. تاریخ دمشق: ج 37 ص 129.

از بزرگترین جنایات او به شهادت رساندن امام زین العابدین علیه السلام و مسلط کردن حجاج ثقفی بر شیعیان امیرالمؤمنین علیه السلام بود. (1)

## 15 سوال

### 1. جنگ احد و شهادت حضرت حمزه علیه السلام (2)

در سال 3 هـ در روز جنگ احد، حضرت سید الشهداء علیه السلام و 69 نفر از مسلمانان به شهادت رسیدند. (3) بعضی جنگ احد را در 7 (4) و 17 سوال نقل کرده اند. (5)

در این جنگ مسلمانان هزار نفر بودند که به نوشته عده ای سیصد نفر در بین راه برگشتند، و برای جنگ 700 نفر باقی ماند. کفار 3000 نفر بودند، و 2000 نفر و 4000 نفر و 5000 نفر هم گفته اند. تعداد کشته های کفار 22 یا 23 یا 28 نفر، و تعداد شهدا 70 نفر بود. در این روز دندان و پیشانی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را شکستند. (6)

### فداکاری های امیرالمؤمنین علیه السلام در احد

در این روز بر اثر فداکاری ها و شجاعت هایی که امیرالمؤمنین علیه السلام در دفاع از وجود شریف خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله و سلم و حفاظت از آن حضرت نشان داد جراحت های زیادی بر بدن

1. منتهی الامال: ج 2، ص 39. تتمه المنتهی: ص 106.
2. بحار الانوار: ج 20، ص 147 - 14. الصحیح من السیرة: ج 6.
3. مسار الشیعة: ص 16 - 15. بحار الانوار: ج 20، ص 18. توضیح المقاصد: ص 27. تقویم المحسنین: ص 12. مستدرک سفینة البحار: ج 5 ص 207. الموسوعة الکبری فی غزوات النبی الاعظم صلی الله علیه و آله و سلم: ج 2، ص 110. سیرة النبی صلی الله علیه و آله و سلم (ابن هشام): ج 3، ص 615. تاریخ طبری: ج 2 ص 189. البداية و النهایة: ج 4 ص 11.
4. بحار الانوار: ج 20 ص 125. التنبیة و الاشراف: ص 211.
5. بحار الانوار: ج 97 ص 168، 383. اختیارات: ص 39.
6. بحار الانوار: ج 20 ص 18، 31، 71، 74. امالی طوسی: ص 142.

مبارکش رسید. و تمامی کشته شدگان کفار، به دست امیرالمؤمنین علیه السلام بود و پیروزی دوباره و بازگشت مسلمانان به خاطر مقاومت و جنگ امیرالمؤمنین علیه السلام بود. (1) امام صادق علیه السلام می فرماید: «اصحاب پرچم در روز احد در لشکر کفار نه نفر بودند که امیرالمؤمنین علیه السلام همه آنها را کشت». (2) این در حالی بود که دیگران فرار کرده بودند، و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: یا علی، آیا می شنوی که از آسمان مدح تو را می کنند. یکی از ملائکه به نام رضوان می گوید: «لا سیف الا ذوالفقار و لا فتی الا علی». امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: از خوشحالی گریستم و خداوند سبحان را بر این نعمت حمد کردم. (3)

در این جنگ پیروزی در ابتداء از آن مسلمانان بود، ولی مقداری که به تعقیب دشمن رفتند و میدان خالی شد، بازگشتند و مشغول جمع غنائم شدند و اکثر نگهبانان مخالفت دستور پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نمودند، و محل نگهبانی خود را رها کردند و مانند بقیه مشغول جمع غنائم شدند.

خالد بن ولید - که از سر دسته های کفار در این جنگ بود - از همان قسمت با کفار حمله کردند. تعداد اندکی از نگهبانان دره که نرفته بودند شهید شدند و کفار از پشت سر به مسلمانان حمله کردند. فراریان کفار هم تا این وضع را دیدند باز گشتند و حمله به مسلمین شدت گرفت. جراحت های فراوانی بر بدن مبارک پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم رسید و شیطان فریاد بر آورد که محمد صلی الله علیه و آله و سلم کشته شده است! مسلمانان با شنیدن این ندا فرار کردند، و فقط چند نفری از وجود مبارک پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم محافظت می کردند که عبارت بودند از

1. ارشاد: ج 1، ص 90. کشف الیقین: ص 476. بحار الانوار: ج 20 ص 88. الصحيح من السیرة: ج 6 ص 148، 284.
2. ارشاد: ج 1 ص 88. بحار الانوار: ج 20 ص 87، 144. حلیة الابرار: ج 2 ص 431. الصحيح من السیرة: ج 6 ص 148. الغدير: ج 2 ص 59. اختصاص: ص 149. مناقب امیرالمؤمنین علیه السلام: ج 1 ص 495. شرح احقاق الحق: ج 5 ص 84، 284. غایة المرام: ج 5 ص 27. ذخائر العقبی: ص 68. مجمع الزوائد: ج 6 ص 113. تاریخ طبری: ج 2 ص 197. کنز العمال: ج 13 ص 143. جواهر المطالب: ج 1 ص 91. المعجم الكبير: ج 1 ص 318.
3. ارشاد: ج 1 ص 87. حلیة الابرار: ج 2 ص 430. اعلام الوری: ج 1 ص 378. بحار الانوار: ج 20 ص 73، 86. کشف الغمة: ج 1 ص 195.

امیرالمؤمنین علیه السلام و ابودجانه که شهید شد و زنی به نام نسیبه و انس بن نصر که تازه از مدینه رسیده بود.

### ابوبکر و عمر و عثمان در جنگ احد

عمر بن خطاب می گوید: در احد با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بیعت کرده بودیم بر اینکه کسی فرار نکند، و هر کس از ما که فرار کند ضال و گمراه است، و هر کس از ما کشته شود شهید است. <sup>(1)</sup>

احمد بن حنبل می گوید: ابوبکر و عمر در این جنگ فرار کردند. هنگامی که امیرالمؤمنین علیه السلام در تعقیب فراری ها بود، عمر در حالی که اشک چشمانش را پاک می کرد برگشت و به امیرالمؤمنین علیه السلام عرض کرد: مرا ببخشید!! امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «آیا تو نبودی که صدا زدی: محمد کشته شده است، به دین قبلی خود برگردید؟»!! عمر گفت: این کلام را ابوبکر گفته است! امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: شما و کسانی که از شما دو نفر پیروی کنند وارد جهنم می شوید.» در اینجا بود که این آیه نازل شد: (إِنَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنْكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ!) <sup>(2)</sup>

امام صادق علیه السلام می فرماید: در جنگ احد امیرالمؤمنین علیه السلام در حال دفاع از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بودند، و دیگر اصحاب فرار می کردند. آن حضرت همچون شیر غضبناک از قفای گریختگان رفت و اول به عمر بن خطاب رسید که به اتفاق عثمان و حارث بن حاطب و عده ای دیگر به سرعت فرار می کردند. حضرت فریاد بر آورد: ای جماعت، بیعت شکستید و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را تنها گذاشتید و به سوی جهنم می گریزید؟ عمر بن خطاب می گوید: علی را دیدم یا شمشیر پهنی که مرگ از آن می چکید و چشمانش از خشم مانند دو قدح خون بود، یا مانند دو کاسه روغنی که آتش در او

1. مناقب آل ابی طالب علیهم السلام: ج 2 ص 134. تفسیر قمی: ج 1 ص 114. بحار الانوار: ج 20، ص 54، 53، ج 41 ص 73. مدینه المعاجز: ج 2 ص 81.

2. سوره آل عمران: آیه 155. اثبات الهداة: ج 2، ص 365 - 364. الصراط المستقیم: ج 2 ص 59.

افروخته باشند می درخشید، و فهمیدم که اگر به ما برسد به یک حمله ما را خواهد کشت. این بود که جلو رفتم و عرض کردم: «یا اباالحسن، تو را به خدا سوگند می دهم که دست از ما برداری، که عرب را عادت است که گاهی می گریزد و گاهی حمله می کند. زمانی که حمله می کند تلافی گریختن را می نماید». پس آن حضرت ما را رها کرد؛ و به خدا قسم چنان ترسی از آن حضرت در دل من افتاد که تاکنون از دلم خارج نشده است. (1)

در این جنگ بر بدن مبارک امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام هنگام حمایت از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ 90 جراحت بر صورت، سر، سینه، شکم، دست و پای مبارک رسید. جبرئیل نازل شد و عرض کرد: «یا محمد، به خدا قسم این عمل علی بن ابی طالب مواسات است». پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «این بدان جهت است که من از اویم و او از من است. جبرئیل عرض کرد: و من از شما دو بزرگوارم». (2)

#### بانویی به نام نسبیه در جنگ احد

در این روز یکی از کسانی که جانفشانی کرد فرار نکرد، بلکه مانع از فرار دیگران نیز شد، بانویی به نام نسبیه دختر کعب بن مازنیه بود و به او امّ عماره می گفتند. او با شوهر و دو پسر خود در جنگ احد شرکت داشتند. نسبیه مشک آبی به دوش داشت و سقاییت لشکر اسلام را می نمود. هنگامی که موقعیت را چنان دید که مسلمین در حال فرار هستند، مشک را به کناری انداخت و خود را پیش روی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سپر کرد، به گونه ای که جراحات زیادی بر او وارد شد، که مداوای یکی از آنها تا یک سال بعد ادامه داشت.

1. مناقب آل طالب: ج 2 ص 134. تفسیر قمی: ج 1 ص 114. بحار الانوار: ج 20، ص 53 - 54، ج 41 ص 73. مدینه المعاجز: ج 2 ص 81. فلائذ النحور: ج شوال، ص 77.

2. الکافی: ج 8 ص 321. بحار الانوار: ج 20، ص 54، 69، 71، 108، 112، ج 31 ص 319. تفسیر قمی: ج 1 ص 116. خصال: ص 556.



این زن فداکار دست به شمشیر برد، و چنان ضربه ای بر ابن حمیه - که قصد کشتن پیامبر ﷺ را داشت - زد که او فرار کرد. عبدالله فرزند نسیبه خواست فرار کند که مانع او شد و او را تشویق به جنگ و دفاع از پیامبر ﷺ نمود و او قبول کرد. پیامبر ﷺ به نسیبه فرمود: «بارکَ اللَّهُ عَلَيْكَ يَا نَسِيبَةَ». در این حال پیامبر ﷺ دید یکی از مهاجرین فرار می کند در حالی که سپرش را به پشتش بسته است. آن حضرت فرمودند: «ای صاحب سپر، سپرت را بیانداز و خودت به جهنم برو». سپس آن حضرت به نسیبه فرمود: «سپر او را بردار». او آن را برداشت و مشغول جنگ با مشرکین شد. در این هنگام حضرت فرمود: «مقام نسیبه از مقام فلان و فلان و فلان افضل است»،<sup>(1)</sup> چه اینکه آنان فرار کردند.

### شهادت حضرت حمزه

در این روز جناب حمزه بن عبدالمطلب عَلَيْهِ السَّلَامُ عموی پیامبر ﷺ به شهادت رسید. آن حضرت برادر رضاعی پیامبر ﷺ بود، چون هر دو بزرگوار از زنی به نام «ثویبه» شیر خورده بودند.<sup>(2)</sup> آن حضرت مردی شجاع و با هیبت بود و در این جنگ به دست وحشی و به دستور هند همسر ابوسفیان کشته شد. هند به خاطر کشته شدن پدر و برادر و عمویش در جنگ بدر، ابتدا قصد نبش قبر مادر پیامبر ﷺ را داشت، ولی کفار قریش از ترس نبش قبور امواتشان مانع شدند. این بود که او وحشی را با وعده هائی به کشتن پیامبر ﷺ یا علی مرتضی عَلَيْهِ السَّلَامُ و یا حمزه تحریک کرد. وحشی گفت: «از کشتن پیامبر ﷺ و پسر عمویش علی عَلَيْهِ السَّلَامُ عاجزم، ولی برای کشتن حمزه عَلَيْهِ السَّلَامُ کمین می کنم».

1. بحار الانوار: ج 20، ص 54، 133. الصحيح من السيرة: ج 6 ص 205. شرح نهج البلاغة: ج 14 ص 266. طبقات الكبرى: ج 8 ص 413.  
2. بحار الانوار: ج 15، ص 281، 384. العدد القوية: ص 122. الصحيح من السيرة: ج 2 ص 71. شرح الاخبار: ج 3 ص 227. اسد الغابة: ج 1 ص 15.

او در میدان جنگ با نیزه ای بر سینه و یا شکم مبارک آن حضرت زد و آن حضرت را شهید کرد. وقتی خبر به هند دادند، آن خبیث دستور داد سینه آن حضرت را بشکافد و جگر مبارک آن حضرت را بیرون آورد. وقتی خواست به جگر حمزه دندان بزند دندان های نحسش کارگر نشد. همچنین هند با خنجری گوشها، بینی و... آن حضرت را جدا کرد و به گردن انداخت.

پیامبر پیامبر ﷺ هنگامی که حمزه را با آن وضع دیدند، گریستند و عبا مبارک را روی او کشیدند که خواهرش صفیه او را به آن حال نبیند و فرمودند: «یا عم رسول الله و اسد الله و اسد رسوله... یا فاعل الخیرات، کاشف الکربات...». امیرالمؤمنین و فاطمه زهرا علیهما السلام و صفیه و دیگران بر آن حضرت گریستند. (1) پیامبر پیامبر ﷺ بر بدن مبارک او نماز خوانده و او را در احد دفن نمودند. بعد از چهل سال که معاویه خواست نهری از احد عبور دهد با قبر حضرت حمزه برخورد نمود و سر بیلها به پای حمزه رسید و فوراً خون جاری شد!

حضرت رضا علیه السلام به نقل از رسول خدا پیامبر ﷺ فرمودند: «بهترین برادران من علی علیه السلام و بهترین عموهای من حمزه است.» (2)

## 2. رد الشمس

در این روز سال 7 یا 8 هـ بازگشت خورشید برای امیرالمؤمنین علیه السلام به وقوع پیوسته است. (3) به قولی این واقعه در 17 شوال بوده است. (4) بار دیگر در 6 شوال سال 36 هـ

1. حمزه سید الشهداء: ص 29 - 28. بحار الانوار: ج 20، ص 55. ذخائر العقبی: ص 181. ینابیع المودة: ج 2 ص 215.
2. عیون اخبار الرضا علیه السلام: ج 1، ص 66. بحار الانوار: ج 22 ص 274. ریاحین الشریعه: ج 4 ص 350. ینابیع المودة: ج 2 ص 92.
3. مصباح کفعمی: ج 2 ص 600. مستدرک سفینة البحار: ج 6 ص 66. قلائد النحور الشریعه: ج 4 ص 350. ینابیع المودة: ج 2 ص 92.
4. بحار الانوار: ج 95 ص 188، ج 97 ص 384. اختیارات: ص 39.

بازگشت خورشید برای آن حضرت اتفاق افتاده است. (1)

لازم به یادآوری است که رد الشمس برای امیرالمؤمنین علیه السلام دو بار اتفاق افتاده است: یکی در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله در نزدیکی مسجد قبا، و دیگری پس از رحلت آن حضرت در سرزمین بابل در نزدیکی حله. (2)

علامه امینی رحمته الله به تفصیل احادیث رد الشمس را به طرق مختلف و همچنین کسانی را که در باره رد الشمس کتاب تألیف کرده اند در الغدیر بیان فرموده است. (3)

### 3. جنگ بنی قینقاع

در این روز بعد از بیست ماه از هجرت نبوی غزوه بنی قینقاع واقع شد، و بنابر قولی این جنگ در صفر به وقوع پیوسته است. (4)

### 4. وفات حضرت عبدالعظیم علیه السلام

در سال 252 یا 255 هـ حضرت ابوالقاسم عبدالعظیم حسنی فرزند عبدالله بن علی بن حسن بن زید بن علی بن ابی طالب علیه السلام وفات یافته است. (5) ایشان از مشاهیر علما و از ثقات و فضلاء محدثین است که در زهد و ورع زبانزد خاص و عام بوده و از امام جواد و امام هادی علیهما السلام روایت نقل کرده است. کتاب خطب امیرالمؤمنین علیه السلام و کتاب الیوم و اللیله از آثار آن بزرگوار است. (6) جلالت و عظمت شأن

---

1. مستدرک سفینه البحار: ج 5، ص 212.

2. فیض العلام: ص 76.

3. الغدیر: ج 3، ص 141 - 126.

4. بحار الانوار: ج 20، ص 5. مناقب آل ابی طالب علیهم السلام: ج 1 ص 242. الصحیح من السیرة: ج 6 ص 59. التنبیه و الاشراف: ص 206.

5. الذریعه: ج 7 ص 169، 190، از نور الآفاق. مستدرکات علم رجال الحدیث: ج 4 ص 451 - 450. مستدرک سفینه البحار: ج 6 ص 66.

وقایع الشهور: ص 201. مراقد المعارف: ج 2 ص 52. سبل الرشاد الی اصحاب الامام الجواد علیه السلام: ج 1 ص 157.

6. سبل الرشاد الی اصحاب الامام الجواد علیه السلام: ص 157. مراقد المعارف: ج 2، ص 54.

آن بزرگوار از عرضه عقائدش خدمت امام زمانش حضرت هادی علیه السلام و تأیید آن حضرت در باره آنها به وضوح پیداست.<sup>(1)</sup>

آن حضرت به طور ناشناس وارد ری شد و از ترس بنی عباس در ساریبانان در خانه یکی از شیعیان زندگی می کرد.<sup>(2)</sup> تا هنگام وفات کسی متوجه نشد آن بزرگوار کیست، تا اینکه بعد از وفات خواستند آن بزرگوار را غسل دهند نوشته ای در لباس او یافتند که نسب شریف خود را در آن نوشته بود. مرقد مطهرش در شهر ری مشهور است.

پدر آن حضرت عبدالله مشهور به «عبدالله قافه» است. «قافه» نام مکانی بود که جناب عبدالله از طرف پدر بزرگوارش جناب حسن بن زید حاکم آنجا بود.

همسر حضرت عبدالعظیم، خدیجه دختر قاسم بن حسن بن زید بن حسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام است.<sup>(3)</sup> بعضی امامزاده قاسم شمال تهران را پدر خدیجه همسر حضرت عبدالعظیم می دانند.<sup>(4)</sup>

دختر آن حضرت سلمی است که حضرت عبدالعظیم علیه السلام او را به عقد محمد بن ابراهیم بن ابراهیم بن حسن بن زید بن حسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام در آورد و ثمره این ازدواج سه پسر به نامهای عبدالله و حسن و احمد بود.<sup>(5)</sup>

- 
1. امالی صدوق: ص 419. صفات الشیعة: ص 48. کفایة الاثر: ص 286. بحار الانوار: ج 3 ص 268، ج 36 ص 412، ج 66 ص 1.
  2. سبل الرشاد الی اصحاب الامام الجواد علیه السلام: ص 157. مراقد المعارف: ج 2، ص 54.
  3. المجدی فی انساب الطالبیین: ص 21. مستدرکات علم رجال الحدیث: ج 4 ص 451. ریاحین الشریعة: ج 4 ص 197.
  4. ریاحین الشریعة: ج 4، ص 197.
  5. عمدة الطالب: ص 97. مستدرکات علم رجال الحدیث: ج 6 ص 357. ریاحین الشریعة: ج 4، ص 332.

## 16 سوال

### 1. جنگ حمراء الاسد

در این روز در سال 3 هـ جنگ حمراء الاسد اتفاق افتاد. «حمراء الاسد» نام مکانی در اطراف مدینه است. بعد از جنگ احد و آمدن مسلمانان به مدینه، پیامبر برای آنکه مبادا قریش مراجعت کنند و به مدینه حمله نمایند امر نمود تا بلال ندا دهد: امر خداوند متعال است که باید آنان که در احد حاضر بوده اند و جراحت دیده اند به تعقیب دشمن بروند. اصحاب کار معالجه را رها کردند و لباس رزم پوشیدند. امیرالمؤمنین علیه السلام هم با اینکه بیشتر از 80 جراحت برداشته بود و بعضی آنقدر عمیق بود که فتیله داخل آن قرار داده می شد، لباس رزم پوشیدند و رسول خدا صلی الله علیه و آله در حالی که به او نگاه می کرد و می گریست پرچم را به آن حضرت داد و مسلمین حرکت کردند. بعد از تعقیب و تاخت بر کفار، مسلمانان سه روز در حمراء الاسد ماندند و آنگاه به مدینه مراجعت کردند.

(1)

## 17 سوال

### 1. جنگ خندق

در این روز در سال 5 هـ غزوه خندق (احزاب) و کشته شدن عمرو بن عبدود به

- 
1. بحار الانوار: ج 20 ص 146 - 1. الصحيح من السيرة: ج 5 ص 311-301. منتهی الآمال: ج 1 ص 64. موسوعة التاريخ الاسلامی: ج 2 ص 349. تاریخ طبری: ج 2 ص 212.
  2. بحار الانوار: ج 20 ص 281 - 186، ج 39 ص 7 - 1. کنز الفوائد: ص 137. الصحيح من السيرة: ج 9. فیض العلام: ص 76 - 77.

دست امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام به وقوع پیوست، و این جنگ در زمستان به وقوع پیوست. (1)  
 وقوع جنگ خندق را بعضی در 8 ذی القعدة (2) و بعضی در 15 شوال گفته اند، (3) و استبعادی ندارد که  
 شروع جنگ در 15 شوال باشد. همچنین به قولی غزوه خندق در سال 4 هـ اتفاق افتاده است. (4)  
 در این جنگ مسلمانان تعداد مسلمانان 3000 نفر و تعداد شهدای مسلمانان 6 نفر بود. تعداد کفار 10000  
 نفر بود ولی تعداد مقتولین کفار ذکر نشده است.

در این جنگ مسلمانان داخل مدینه در اطراف شهر خندقی کردند. مشرکین 25 روز مدینه را محاصره  
 کردند و از هر طرف که خواستند خندق بود. در اثنای این کار منافقین جسارتهای به پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نمودند و  
 عمرو بن عبدود مبارز طلبید ولی کسی جرأت نکرد. عمر بن خطاب از شجاعتهای عمرو سخن گفت، و در  
 مردم ایجاد ترس کرد.

عمر که از شجاعت عمرو به عبدود سخن می گفت و رعب و وحشتی در دل مسلمانان انداخته بود به عبد  
 الرحمن بن عوف و طرفدارانش گفت: «اگر عمرو بر ما چیره شود همه ما را خواهد کشت. بهترین راه این است  
 که محمد را دست بسته تحویل آنها دهیم؛ و خودمان به قوممان ملحق شویم»!! (5) اینجا بود که آیاتی از سوره  
 احزاب نازل شد!! (6)

1. فیض العلام: ص 77 - 76. قلائد النحور: ج شوال ص 107. وقائع الشهور: ص 202.
2. کشف الغمة: ج 1، ص 150. الموسوعة الكبرى فی غزوات النبی الاعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: ج 3، ص 58.
3. توضیح المقاصد: ص 29. مستدرک سفینة البحار: ج 6 ص 66. وقائع الشهور: ص 201.
4. بخاری: ج 4 ص 1504. البداية و النهایة: ج 3 ص 297، ج 4 ص 86. تفسیر قرطبی: ج 14 ص 128.
5. کتاب سلیم بن قیس هلالی رَضِيَ اللهُ عَنْهُ: ج 2 ص 701. تفسیر قمی: ج 2 ص 183، 188. بحار الانوار: ج 20 ص 225، 232، ج 30 ص 324، 332. المختصر: ص 58.

6. (إِذْ جَاءُوكُمْ مِنْ فَوْقِكُمْ وَمِنْ أَسْفَلَ مِنْكُمْ وَإِذْ زَاغَتِ الْأَبْصَارُ وَبَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ وَتَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونَا \* هُنَالِكَ ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ  
 وَزُلْزِلُوا زِلْزَالًا شَدِيدًا \* وَإِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا... \* يَحْسَبُونَ الْأَحْزَابَ لَمْ يَذْهَبُوا  
 وَإِنْ يَأْتِ الْأَحْزَابُ يَوَدُّوا لَوْ أَنَّهُمْ بَادُونَ فِي الْأَعْرَابِ يَسْأَلُونَ عَنْ أَنْبَائِكُمْ وَلَوْ كَانُوا فِيكُمْ مَا قَاتَلُوا إِلَّا قَلِيلًا).

در چنین شرایطی پیامبر ﷺ فرمود: «چه کسی به مبارزه عمرو می رود تا من بهشت را برایش ضمانت کنم؟» آیا دوستی هست که شر این دشمن را کفایت کند؟ آقا و مولایمان اسد الله الغالب علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود: «من به مبارزه او می روم». پیامبر ﷺ سکوت کردند، و تا سه بار این کلام را فرمودند، و هر سه بار امیرالمؤمنین علیه السلام برای مبارزه اعلام آمادگی نمودند.

آخر الأمر پیامبر ﷺ اجازه فرمودند و امیرالمؤمنین علیه السلام حرکت کردند. در این هنگام پیامبر ﷺ فرمود: «برز الایمان کله الی الشکر کله»<sup>(1)</sup> به تحقیق تمام اسلام در مقابل تمام کفر ایستاد.

بعد از آن که عمرو بن عبدود اسلام اختیار نکرد و دست از جنگ برنداشت، امیرالمؤمنین علیه السلام او را به یک ضربت از پا در آورد. در این حال صدای تکبیر مسلمین بلند شد و پیامبر ﷺ فرمود: «مبارزه علی بن ابی طالب علیه السلام در روز خندق از اعمال امت من تا روز قیامت افضل است»<sup>(2)</sup>.

1. کنز الفوائد: ص 137. بحار الانوار: ج 20 ص 215، 273، ج 39 ص 3، ج 41 ص 89. الطرائف: ص 60. مناقب آل ابی طالب علیه السلام: ج 3 ص 161. کشف الغمة: ج 1 ص 205. غایة المرام: ج 4 ص 274. رسائل المرتضی: ج 4 ص 118. اعلام الوری: ج 1 ص 381. شرح احقاق الحق: ج 6 ص 9، ج 16 ص 404. الصحیح من السیرة: ج 9 ص 334. شرح نهج البلاغة: ج 13 ص 261، 285، ج 19 ص 61. ینابیع المودة: ج 1 ص 281، 284.

2. الغدیر: ج 7 ص 206. مناقب آل ابی طالب علیه السلام: ج 3 ص 163. کشف الغمة: ج 1، ص 150. بحار الانوار: ج 20، ص 181 - 286، ج 41 ص 96. الطرائف: ص 514، 519. الصراط المستقیم: ج 2 ص 72. الصحیح من السیرة: ج 9 ص 358. شرح احقاق الحق: ج 6 ص 8 - 4، ج 16 ص 405 - 402. مستدرک حاکم: ج 3 ص 32. تاریخ بغداد: ج 13 ص 19. شواهد التنزیل: ج 2 ص 14. المناقب (خوارزمی): ص 107. الفردوس ابن شیرویه: ج 3 ص 455. مقتل الحسین علیه السلام (خوارزمی): ج 1 ص 78. ینابیع المودة: ج 1 ص 282، 284، 412. نزل الابرار: ص 76. کنز العمال: ج 11 ص 623. به عبارت دیگری هم نقل شده است: کشف الیقین: ص 83. مشارق انوار الیقین: ص 365. عوالی الثالی: ج 4 ص 86. الصحیح من السیرة: ج 9 ص 358. شرح تجوید: 408، 421. مجمع البیان: ج 8 ص 132. النجاة فی القیامة: ص 162. کنز الفوائد: ص 137. بحار الانوار: ج 20 ص 205، ج 39 ص 2. شرح احقاق الحق: ج 3 ص 228، ج 16 ص 405. نهاية العقول فخر رازی: ص 104. شرح المواقف: ص 371. شرح نهج البلاغة: ج 19 ص 61.

## 2. وفات اباصلت هروی

در این روز در سال 207 هـ ثقه جلیل اباصلت عبدالسلام بن صالح هروی که اهل هرات بود پس از آزادی از زندان مأمون از دنیا رفت.

اباصلت از اصحاب امام رضا علیه السلام و از خواص شیعیان بود، و کتاب «وفاه الرضا علیه السلام» تألیف او است. در ایران دو قبر منسوب به آن بزرگوار است: یکی در بیرون شهر مشهد، و دیگری در دروازه ری قم<sup>(2)</sup>، که قبر منسوب به او در قم طبق تحقیق اعتبار بیشتری دارد. بنا بر قولی دیگر وفات او در 24 شوال سال 236 هـ است.<sup>(3)</sup>

## 20 شوال

### 1. دستگیری امام کاظم علیه السلام

در این روز هارون ملعون به مسجد النبی صلی الله علیه و آله به ظاهر برای زیارت و در حقیقت برای دستگیر نمودن حضرت موسی بن جعفر علیه السلام آمد و آن حضرت را از مدینه با خود به حج برد، سپس به سمت بصره حرکت کرد و آن وجود مبارک را نزد عیسی بن جعفر زندانی کرد و بعد از یک سال آن بزرگوار را به بغداد نزد سندی بن شاهک فرستاد.<sup>(4)</sup>

## 25 شوال

### 1. شهادت امام صادق علیه السلام

امام صادق علیه السلام در سال 148 هـ در چنین روزی وفات یافت.<sup>(5)</sup> در شهادت حضرت،

1. مستدرک سفینه البحار: ج 5 ص 224. کرامات رضویه علیه السلام: ص 75.

2. مراقد المعارف: ج 1 ص 108 - 107.

3. تاریخ بغداد: ج 11 ص 52. تهذیب الکمال: ج 18 ص 81.

4. کافی: ج 1، ص 476. بحار الانوار: ج 48، ص 206. تاریخ قم: 199. وقائع الشهور: ص 203.

5. قلائد النحور: ج شوال، ص 139. جنات الخلود: ص 29. مستدرک سفینه البحار: ج 6، ص 66.



نیمه رجب<sup>(1)</sup> و نیمه شوال<sup>(2)</sup> و 25 رجب<sup>(3)</sup> را هم گفته اند. اکثر قریب به اتفاق شهادت آن حضرت را در ماه شوال می دانند.<sup>(4)</sup>

شهادت آن حضرت به سبب انگور زهر آلودی بود که منصور به آن حضرت خورانیید. مدت امامت آن حضرت 34 سال و عمر شریفشان 65 سال بود.

دوران امامت آن حضرت همزمان با هفت نفر از زمامداران غاصب بود که عبارتند از: هشام بن عبد الملک، ولید بن یزید بن عبد الملک، یزید بن ولید، ابراهیم بن ولید و مروان حمار از بنی امیّه و سفّاح و منصور دوانیقی از بنی عباس.

فرزندان آن حضرت هفت پسر و سه دخترند: حضرت موسی بن جعفر علیه السلام، اسماعیل، عبداللّه، محمّد دیباج، اسحاق، علی عریضی (علی بن جعفر مدفون در قم)، عباس، امّ فروه، اسماء، فاطمة.<sup>(5)</sup>

- 
1. تاج الموالید: ص 44. اعلام الوری: ج 1 ص 514. روضة الواعظین: ص 212. بحار الانوار: ج 47 ص 1، ج 97 ص 210، ج 99 ص 25.
  2. شرح احقاق الحق: ج 28، ص 507. مستدرک سفینه الحبار: ج 6 ص 66. بحار الانوار: ج 97 ص 210، ج 99 ص 25.
  3. جنات الخلود: ص 29.
  4. کافی: ج 1 ص 472. ارشاد: ج 2 ص 180. تهذیب الاحکام: ج 6 ص 78. تاج الموالید: ص 44. ینابیع الموده: ج 3 ص 160.
  5. مناقب آل ابی طالب علیهم السلام: ج 4، ص 280. بحار الانوار: ج 47 ص 241.



11 ذى القعدة الحرام



ماه ذی القعدة از یک سو با چند ولادت یاد آور سرور است، و از سوی دیگر با وقوع چند شهادت و اتفاق دیگر یادآور ایام حزن است. روزهای 1، 9، 11، 23، 26، 30 در بردارنده روزهای مهم این ماه است.

ولادت امام رضا علیه السلام، ولادت حضرت معصومه علیها السلام اخبار خوش این ماه اند که با ضمیمه مرگ اشعث بن قیس این سرور دو چندان می شود.

شهادت امام رضا و امام جواد علیهما السلام روزهای اندوه در این ماه است.

جنگ بدر صغری، جنگ بنی قریظه، صلح حدیبیه، حرکت پیامبر صلی الله علیه و آله برای حجه الوداع صفحات مهمی از تاریخ اسلام است.



## 1 ذو القعدة

### 1. ولادت حضرت معصومه علیها السلام

در این روز در سال 173 هـ دخت گرامی موسی بن جعفر علیها السلام، حضرت فاطمه معصومه علیها السلام به دنیا آمده است.<sup>(1)</sup>

پدر بزرگوار آن حضرت امام موسی بن جعفر علیها السلام، و مادر مکرمه آن حضرت جناب نجمه علیها السلام مادر امام رضا علیها السلام است. نام مبارکش فاطمه، لقب آن حضرت معصومه و در خانواده امام هفتم علیها السلام حضرت معصومه علیها السلام را «فاطمه کبری» می خواندند.<sup>(2)</sup>

شیخ صدوق از سعد بن سعد روایت کرده است که از امام رضا علیها السلام درباره فاطمه دختر موسی بن جعفر علیها السلام سؤال نمودم. امام رضا علیها السلام فرمودند: «هر کس او را زیارت کند بهشت برای اوست».<sup>(3)</sup> در روایتی دیگر امام رضا علیها السلام می فرمایند: «هر کس معصومه را در قم زیارت کند مانند کسی است که من را زیارت کرده است».<sup>(4)</sup> در روایت دیگری فرمودند: «هر کس او را در حالی که شناخت به حقش دارد زیارت کند بهشت بر او واجب می شود».<sup>(5)</sup> در روایت دیگر امام جواد علیها السلام می فرمایند: «هر کس عمه ام را در قم

- 
1. زندگانی حضرت معصومه علیها السلام و تاریخ قم: ص 34. مستدرک سفینه البحار: ج 8 ص 261. فاطمة بنت الامام موسی الکاظم علیها السلام: ص 14. وقائع الشهور: ص 212 به نقل از تقویم حاج اسماعیل نجم الممالک. تقویم الائمة علیها السلام: ص 79. وسیلة المعصومیة: ص 65. مستدرکات علم رجال الحدیث: ج 8 ص 594. صد و یک منبر (چاپ سنگی): ص 177.
  2. حیاة الست علیها السلام: ص 11. بحار الانوار: ج 48 ص 288، 303.
  3. عیون اخبار الرضا علیها السلام: ج 1 ص 299. کامل الزیارات: ص 536. بحار الانوار: ج 48 ص 316، ج 57 ص 228، ج 99 ص 26. ینابیع المودة: ج 3 ص 165.
  4. ناسخ التواریخ: ج 3 ص 68. الفاطمة المعصومة علیها السلام: ص 64. ریاحین الشریعة: ج 5 ص 35.
  5. بحار الانوار: ج 48 ص 317، ج 99 ص 266. مستدرک الوسائل: ج 10 ص 368. صحیفة الرضا علیها السلام: ص 236.

زیارت کند بهشت برای اوست».<sup>(1)</sup>

## 2. جنگ بدر صغری

در این روز در سال 4 هـ جنگ بدر صغری واقع شد، و به آن «بدر الموعده» و «بدر الثالثة» هم می گویند.<sup>(2)</sup>

## 3. مرگ اشعث بن قیس

در شب اول ذی القعدة سال 40 هـ اشعث بن قیس کندی به درکات جحیم شتافت.<sup>(3)</sup>

امام صادق علیه السلام می فرماید: «اشعث بن قیس در قتل امیرالمؤمنین علیه السلام شریک بود، و دخترش جعده امام مجتبی علیه السلام را مسموم کرد، و محمد پسرش در قتل امام حسین علیه السلام شریک بود».<sup>(4)</sup>

اشعث در سال دهم هجرت با جمعی از قبیله خود اسلام آورد، و بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله مرتد شد. ابوبکر او را دستگیر کرد و خواهر کورش را به شرط همسری به او داد. از این زن جعده و محمد به دنیا آمدند، که جعده قاتل امام حسن علیه السلام و محمد جزء لشکر عمر سعد در کربلا شد، و در دستگیری جناب مسلم بن عقیل علیه السلام نیز نقش بسزایی داشت.<sup>(5)</sup>

محمد بن اشعث در روز عاشورا به سبب جسارتی که به حضرت امام حسین علیه السلام کرد هنگامی که برای قضای حاجت به کناری رفته بود، عقرب او را نیش زد و در

---

1. کامل زیارت: ص 536. وسائل الشیعة: ج 14 ص 576. بحار الانوار: ج 48 ص 316، ج 99 ص 265. موسوعة الامام الجواد علیه السلام: ج 2 ص 12.

2. ناسخ التواریخ: جلد هجرت، ص 197. بحار الانوار: ج 20، ص 182. الصحيح من السیرة: ج 8 ص 364. طبقات الکبری: ج 2 ص 60.  
3. مستدرکات علم رجال الحدیث: ج 1، ص 688. تاریخ دمشق: ج 9 ص 144. اسد الغابة: ج 1 ص 98. الاصابة: ج 1 ص 240. تهذیب الكمال: ج 3 ص 294.

4. کافی: ج 8 ص 167. بحار الانوار: ج 42 ص 228، ج 44 ص 142، ج 45 ص 96.

5. ریاحین الشریعة: ج 3، ص 59. مستدرکات علم رجال الحدیث: ج 1، ص 688.



حالی که عورتش پیدا بود به آتش جهنم وارد شد. (1)

## 11 ذو القعدة

### 1. ولادت امام رضا علیه السلام

در روز پنجشنبه سال 148 هـ امام رضا علیه السلام در مدینه طیبه به دنیا آمد. (2) در ولادت آن حضرت 11 ذی الحجه (3) و 11 ربیع الاول نیز ذکر شده است. (4)

پدر آن حضرت موسی بن جعفر علیه السلام، و مادرشان امّ البنین نجمه علیها السلام (5) است. نام مبارکشان علی است، و کنیه آن حضرت ابوالحسن است، و کنیه خاصشان ابوعلی است.

القاب حضرت سراج الله، نور الهدی، قره عین المؤمنین، مکیده الملحدین، کفو الملک، کافی الخلق، رب السریر، رثاب التدبیر (به معنای مصلح)، فاضل، صابر، وفی، صدیق، رضی. (6)

هنگامی که آن حضرت به دنیا آمد پدرشان حضرت موسی بن جعفر علیه السلام دستور دادند فرزندشان را بیاورند.

- 
1. امالی صدوق: ص 221. بحار الانوار: ج 44، ص 317. مدینه المعاجز: ج 3 ص 475. العوالم: ج الامام الحسین علیه السلام: ص 166.
  2. اعلام الوری: ج 20، ص 40. تاج الموالید: ص 48. جلاء العیون: ص 544. فیض العلام: ص 90. بحار الانوار: ج 49، ص 3، 9، 10، ج 99 ص 43. روضة الواعظین: ص 236. انوار البهیة: ص 209.
  3. کشف الغمة: ج 2 ص 297. بحار الانوار: ج 49 ص 2. فیض العلام: ص 119.
  4. عیون اخبار الرضا علیه السلام: ج 2 ص 28. مناقب آل ابی طالب علیهم السلام: ج 4 ص 397. فیض العلام: ص 212. بحار الانوار: ج 49 ص 10، 304. کشف الغمة: ج 2 ص 297.
  5. اعلام الوری: ج 2، ص 40. بحار الانوار: ج 49، ص 10-6. ارشاد: ج 2، ص 246.
  6. مناقب آل ابی طالب علیه السلام: ج 4 ص 397. بحار الانوار: ج 49، ص 10.

آن حضرت را در پارچه سفیدی پیچیده و به خدمت پدر بردند. آن حضرت در گوش راست حضرت رضا علیه السلام اذان و در گوش چپ آن حضرت اقامه فرمود، و آب فرات به کام مبارک آن حضرت ریخت و سپس او را به مادر مکرمه اش نجمه علیها السلام برگردانیدند.<sup>(1)</sup>

## 12 ذوالقعدة

### 1. نامه حضرت مسلم به امام حسین علیه السلام

در این روز از سال 60 هجری حضرت مسلم علیه السلام 27 روز قبل از شهادتش نامه ای برای امام حسین علیه السلام نوشت و به آن حضرت خبر داد که اهل کوفه بر طاعت شما اجتماع نموده اند و منتظر آمدن شما هستند و در قسمتی از نامه چنین نوشتند: «18000 نفر با او بیعت کرده اند. هنگامی که نامه من به شما رسید در آمدن تعجیل کنید، و السلام علیک و رحمة الله و برکاته».

جناب مسلم علیه السلام به همراه نامه، نامه ای از اهل کوفه هم فرستادند که در قسمتی از آن چنین نوشته بودند: «یابن رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم در آمدن عجله کنید که در کوفه صد هزار شمشیر دارید. پس تاخیر نفرمایید».<sup>(2)</sup>

## 23 ذوالقعدة

### 1. شهادت امام رضا علیه السلام

بنابر قولی در این روز در سال 203 هـ حضرت رضا علیه السلام به شهادت رسیدند.<sup>(3)</sup>

- 
1. عیون اخبار الرضا علیه السلام: ج 2 ص 30. بحار الانوار: ج 49 ص 9.
  2. نفس المهموم: ص 84. مقتل الحسین علیه السلام: ص 72. ارشاد: ج 2 ص 71. بحار النوار: ج 44 ص 370. الشهدید مسلم بن عقیل علیه السلام: ص 87. وقایع المشهور: ص 213.
  3. مسار الشیعه: ص 16. العدد القویه: ص 275. بحار الانوار: ج 49 ص 293، ج 95 ص 198. فیض العلام: ص 97. تقویم المحسنین: ص 13.

سید بن طاووس علیه السلام در این باره می نویسد: در بعضی از مصنفات اصحاب عجم رضوان الله علیهم دیدم که مستحب است زیارت نمودن مولایمان امام رضا علیه السلام در روز 23 ذی القعدة - از دور یا نزدیک - به زیارات معروفه یا به چیزی مانند زیارت. <sup>(1)</sup>

## 2. جنگ بنی قریظه

در این روز در سال 4 هجری غزوه بنی قریظه به وقوع پیوست. مسلمانان 3000 نفر بودند و یک نفر به نام خلاد بن سوید شهید شد. کفار 900 نفر بودند که همه آنها کشته شدند. <sup>(2)</sup> بنابر قولی این جنگ در شوال به وقوع پیوسته است. <sup>(3)</sup>

## 25 ذو القعدة

### 1. حرکت امام رضا علیه السلام از مدینه به سوی مرو

در این روز در سال 200 هجری حضرت رضا علیه السلام از مدینه به سوی مرو حرکت کردند. <sup>(4)</sup> مامون رجاء بن ابی صحاک را برای آوردن حضرت علیه السلام مأمور کرد و به او دستور داد که حضرت را از راه اهواز بیاورد و از طریق کوفه و قم عبود ندهد. هنگامی که خواستند حضرت را به طرف خراسان حرکت دهند داخل مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شد تا با آن حضرت وداع کند و این کار را چند مرتبه انجام داد و هر بار کنار قبر شریف می رفتند و بر می گشتند صدای مبارک به گریه و ناله بلند بود. جلو رفتیم

1. اقبال: ج 2 ص 23. بحار الانوار: ج 99 ص 43.

الموسوعة الكبرى فی غزوات النبی الاعظم صلی الله علیه و آله و سلم: ج 3 ص 192. التنبیه و الاشراف: ص 217. طبقات الكبرى: ج 2 ص 74.

3. بحار الانوار: ج 19 ص 170. البداية و النهایة: ج 3 ص 296.

4. مستدرک سفینه البحار: ج 8 ص 556. وقائع الشهور: ص 217.

و سلام عرض کردم. حضرت عليه السلام فرمود: فلانی! مرا زیارت کن چه اینکه من از جوار جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به طرف خراسان می روم و در غربت می میرم و در جنب هارون دفن می شوم. من هم به طرف طوس حرکت کردم تا اینکه حضرت به شهادت رسیدند و در جنب هارون دفن شدند. <sup>(1)</sup>

حضرت رضا عليه السلام می فرمایند: هنگامی که خواستم از مدینه خارج شوم خانواده ام را جمع کردم و آنها را امر کردم که بر من گریه کنند به گونه ای که صدای آنان را بشنوم. بعد 12000 دینار بین آنان تقسیم کردم و گفتم: همانا من نزد زن و فرزندم باز نخواهم گشت. <sup>(2)</sup>

## 2. روز دحو الارض

یعنی روز پهن شدن زمین از خانه کعبه بر روی آب. شب و روز آن مبارک و با ارزش است که رحمت خدا در آن نازل می شود و قیام به عبادت در شب و روز آن اجرا بسیار دارد. <sup>(3)</sup>

حسن بن علی و شاء می گوید: من کودک بودم که با پدرم در خدمت حضرت رضا عليه السلام در شب 25 ماه ذی قعدة شام خوردیم. امام عليه السلام فرمود: امشب حضرت ابراهیم و حضرت عیسی علی نبینا و آله و علیهما السلام متولد شده اند و زمین از زیر کعبه پهن شده است، و ثواب های زیادی برای روزه آن ذکر فرمودند. <sup>(4)</sup>

1. عیون اخبار الرضا عليه السلام: ج 2 ص 217. بحار الانوار: ج 49 ص 117.

2. عیون اخبار الرضا عليه السلام: ج 1 ص 235. دلائل الامامة: ص 349. مدینه المعاجز: ج 7 ص 82، 179. بحار الانوار: ج 49 ص 52، 117.

3. مصباح المتهدد: ص 611. توضیح المقاصد: ص 28. وسائل الشیعة: ج 10 ص 449. اقبال ج 2 ص 30-22. مفاتیح الجنان.

4. من لا یحضره الفقیه: ج 2 ص 89. ثواب الاعمال: ص 79. بحار الانوار: ج 94 ص 122.

### 1. حرکت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم از مدینه برای حجه الوداع

در این روز در سال 10 هـ پیامبر ﷺ با اصحاب از مدینه برای حجه الوداع و غدیر حرکت کردند.<sup>(1)</sup> پیامبر ﷺ با غسل از مدینه خارج شدند در حالی که از روغنی مخصوص برای مو و صورت استفاده نموده بودند و دو لباس مخصوص احرام را همراه برداشتند. خروج آن حضرت در روز شنبه چهار یا پنج روز مانده به آخر ذی قعدة بود.

همسران پیامبر ﷺ و زنان وابسته همراه آن حضرت در هودج ها بودند. مخصوصاً حضرت صدیقه طاهره علیها السلام و اسماء و ام سلمه و نیز عایشه و حفصه حضور داشتند. اهل بیت آن حضرت و نیز مهاجر و انصار و مردم دیگر نیز ایشان را همراهی می کردند.<sup>(2)</sup>

با اینکه قبل از خروج پیامبر اکرم ﷺ از مدینه عده زیادی از مردم مدینه مبتلا به بیماری شده بودند و نتوانستند با آن حضرت به مراسم حج بروند، ولی با این حال تعداد همراهان پیامبر تنها از مدینه را تا 124 هزار نفر هم نقل کرده اند. با حساب تعداد کسانی که در مکه مقیم بودند یا از اطراف و اکناف در مراسم حج آن سال شرکت کرده بودند تعداد حاجیان بیش از این مقدار می شود، مانند کسانی که با امیرالمؤمنین از یمن آمدند و همچنین با ابوموسی و غیر ایشان در بازگشت از سفر به کاروان بزرگ حج ملحق شدند.<sup>(3)</sup>

---

1. کافی: ج 4، ص 248. الغدیر: ج 1 ص 9. تفسیر عیاشی: ج 1 ص 89. بحار الانوار: ج 21 ص 390، 395، ج 96 ص 88. السرائر: ج 3 ص 522. وسائل الشیعة: ج 13 ص 199. علل الشرائع: ج 2 ص 412. وقایع الشهور: ص 218. قلائد النحور: ذی القعدة، ص 272.  
 2. طبقات الکبری: ج 2 ص 173. امتاع الاسماع (مقریزی): ص 510. ارشاد الساری: ج 9 ص 426.  
 3. الغدیر: ج 1 ص 9، به نقل از السیرة الحلبیه: ج 3 ص 257. سیرة احمد زینی دحلان: ج 32 ص 143. تاریخ الخلفاء ابن جوزی ج 4. تذکره خواص الامة: ص 37. دائرة المعارف فرید و جدی: ج 3 ص 542.

## آغاز بیان ولایت در مراسم حج

در عرفات دستور الهی رسید که علم و ودائع انبیاء علیهم السلام را به امیرالمؤمنین علیه السلام تحویل دهند و امر ولایت او را به مردم تبلیغ نمایند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بسیار گریست به طوری که محاسن مبارک از اشک تر شد، و حضرت خواستند خداوند ایشان را از شر منافقین محافظت فرماید. <sup>(1)</sup>

در منا دو بار خطبه ایراد فرمودند که اشاره کلی به ولایت امیرالمؤمنین داشتند. در مسجد خیف بار دیگر جبرئیل نازل شد که خداوند می فرماید: «ولایت علی علیه السلام را به مردم برسان»، ولی وعده محافظت از شر دشمنان را بری آن حضرت نیاورد.

به «کُراع الغمیم» در نزدیکی جحفه که رسیدند باز جبرئیل نازل شد و این آیه را آورد: **(فَلَعَلَّكَ تَارِكٌ بَعْضُ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ وَضَائِقٌ بِهِ صَدْرُكَ)**. <sup>(2)</sup> «شاید تو ترک کننده باشی بعضی از اموری را که به تو وحی می شود، و سینه تو به خاطر آن گرفته باشد».

این بار هم در امر ولایت تاکید نمود، ولی آیه ای دال بر محافظت آن حضرت از شر دشمنان نیاورد.

## سفر ولایت

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مطالبی دال بر شر منافقین نسبت به امیرالمؤمنین به جبرئیل فرمود و بعد از آن کوچ نمودند. به غدیر خم که رسیدند اوایل روز بود. جبرئیل نازل شد و آیه 71 سوره مائده را آورد که شامل تاکید بر ابلاغ امر ولایت و در امان بودن حضرت از شر منافقین بود: **(يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ)** <sup>(3)</sup>. «ای پیامبر، تبلیغ کن به مردم آن امری را که درباره علی علیه السلام از جانب خدا بر تو فرستاده شد، و اگر این کار را انجام

1. بحار الانوار: ج 37 ص 127.

2. سوره هود: آیه 12.

3. سوره مائده: آیه 67.

ندهی رسالت الهی را تبلیغ نکرده ای، و خدا تو را از مردم حفظ می نماید؛ خداوند کافران را هدایت نم کردند».

## آخر ذو القعدة

### 1 - شهادت امام جواد علیه السلام

در این روز در سال 220 هـ امام جواد علیه السلام به زهر معتصم به شهادت رسیدند، و هنگام شهادت از سن مبارکشان 25 سال و سه ماه و 12 روز گذشته بود. <sup>(1)</sup> در شهادت آن حضرت 5 ذی القعدة <sup>(2)</sup>، 11 ذی القعدة <sup>(3)</sup>، 5 ذی الحجة سال 219 هـ <sup>(4)</sup>، 6 ذی الحجة <sup>(5)</sup>، آخر ذی الحجة هم گفته شده است. <sup>(6)</sup>

بعد از شهادت حضرت رضا علیه السلام، مأمون جواد الائمه علیه السلام را به بغداد طلبید و دخترش امّ الفضل را به آن حضرت تزویج نمود. پس از مدتی که آن حضرت از سوء معاشرت مأمون بسیار ناراحت بودند برای حج به مکه تشریف بردند. سپس به مدینه رفتند و در آنجا بودند تا مأمون به درک واصل شد و معتصم برادر او خلیفه شد.

- 
1. کافی: ج 1 ص 492. تهذیب الاحکام: ج 6 ص 90. ارشاد: ج 2، ص 295. اعلام الوری: ج 2، ص 106. توضیح المقاصد: ص 29.
  - کشف الغمة: ج 2، ص 370. روضة الواعظین: ص 243. مناقب آل ابی طالب علیه السلام: ج 4 ص 411. تاریخ قم: ص 200. بحار الانوار: ج 50 ص 1، 2، 7، 13، 15. قلائد النحور: ج ذی القعدة، ص 279. تنمة المنتهی: ص 300. فیض العلام: ص 103. ینابیع المودة: ج 3 ص 127.
  2. شرح احقاق الحق: ج 12، ص 416.
  3. بحار الانوار: ج 50 ص 15. الدروس الشرعية: ج 2 ص 15.
  4. بحار الانوار: ج 50، ص 11، 12. تاریخ قم: ص 200. کشف الغمة: ج 2 ص 345. تنمة المنتهی: ص 300. شرح احقاق الحق: ج 33 ص 873.
  5. کافی: ج 1 ص 497. تاریخ الائمه: ص 13. روضة الواعظین: ص 243. بحار الانوار: ج 50 ص 7، 12، 17. شرح احقاق الحق: ج 12 ص 414-416.
  6. کشف الغمة: ج 2 ص 345. بحار الانوار: ج 50 ص 11.

معتصم حسادت خاصی نسبت به آن حضرت داشت، و آن امام معصوم علیه السلام را به همراه امّ الفضل به بغداد احضار کرد. آن حضرت در حضور اکابر شیعه و ثقات اصحاب خود در مدینه امام هادی علیه السلام را امام بعد از خود معرفی کردند و ودایع امامت را تسلیم ایشان نمودند و در 28 محرم سال 220 هـ وارد بغداد شدند. (1) امّ الفضل به تحریک عمویش معتصم و به قولی جعفر بن مأمون، امام علیه السلام را در سن 25 سالگی مسموم کرد. (2)

فرزندان امام جواد علیه السلام این بزرگوار هستند: امام هادی علیه السلام، موسی مبرقع، ام کلثوم (3)، حکیمه، خدیجه (4)، أمّامه، فاطمه (5)، ابو احمد حسین، ابوموسی عمران، زینب، ام محمد، میمونه. (6)

### تتمه ذو القعدة

#### 1. صلح حدیبیه

در سال ششم هجرت در ماه ذی القعدة پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برای اعمال عمره قصد مکه فرمودند. (7) تعداد مسلمانان همراه با آن حضرت 1220 یا 400 نفر بودند، و برای قربانی 70 شتر به همراه خود بردند. آنان از مسجد شجره احرام بستند، و در یک منزلی مکه در محلی به نام حدیبیه بر سر چاهی توقف نمودند. آب چاه به اندک زمانی تمام شد و چون به آن حضرت خبر دادند، به معجزه نبوت آب چاه آن قدر زیاد شد که مثل چشمه می جوشید.

1. ارشاد: ج 2 ص 295. بحار الانوار: ج 50 ص 8.
2. خلاصه ای از قلاند النحور: ج ذی القعدة، ص 279.
3. تاریخ الائمه علیهم السلام ص 21.
4. تاریخ سامراء: ج 3 ص 302. تاج الموالید: ص 54.
5. ارشاد: ج 2 ص 295. بحار الانوار: ج 50 ص 8، 13.
6. منتهی الآمال: ج 2 ص 350، از «تحفة الازهار فی نسب ابناء الائمة الاطهار علیهم السلام» و «تاریخ قم».
7. کافی: ج 4 ص 252، ج 8 ص 322. بحار الانوار: ج 20 ص 324. البداية و النهاية: ج 4 ص 188. استعیاب: ج 4 ص 1917. التنبیه و الاشراف: ص 221.



کفار از حرکت با خبر گشته مانع ورود حضرت به مکه شدند. آن حضرت بیعتی دیگر به نام «بیعة رضوان» از اصحاب گرفتند. قرار شد آن حضرت سال بعد حج و عمره را قضا کنند و قراردادی بین مسلمین و کفار منعقد شد، که طبق شروطی تا ده سال جنگ بین آنان نباشد. گروهی از صحابه از این صلح دلتنگ شدند، و عمر بن خطاب گفت: «در نبوت محمد شک نکردم مانند روز حدیبیه»<sup>(1)</sup>، به پیامبر ﷺ می گفت: ما چگونه به این خواری گردن نهیم و به این مصاله رضایت دهیم!!

حضرت فرمودند: من پیامبر خدایم و کاری جز به حکم خداوند نمی کنم. عمر گفت: تو به ما گفتی به زیارت کعبه می رویم و عمره انجام می دهیم، پس چه شد؟ پیامبر ﷺ فرمود: آیا گفتم امسال این کار انجام می شود؟ عمر گفت: نه! فرمود: پس چرا مجادله می کنی...؟!

در بازگشت از حدیبیه سوره فتح بر آن حضرت نازل شد.<sup>(2)</sup>

---

1. التعجب (کراچی): ص 60 (141). مؤتمذ علماء بغداد: ص 133. مواقف الشيعة: ج 3 ص 108. المسترشد: ص 541-539. مکاتیب الرسول ﷺ: ج 3 ص 93. مناقب اهل البيت ﷺ: ص 337. دعوة الى سبيل المؤمنين: ص 106. فلک النجاة: ص 145. نیل الاوطار: ج 8 ص 200. فتح الباری: ج 55 ص 254. عمر بن خطاب: ص 70. المغازی (واقدي): ج 2 ص 606-607.

2. بحار الانوار: ج 20، ص 317، 316، 335، ج 18، ص 37، ج 86، ص 111. النص والاجتهاد: ص 181. منتهی الآمال: ج 1، ص 76. الدر المنثور: ج 6 ص 68، 74.



12 ذوالحجة الحرام



ماه ذی الحجه بسیار پر حادثه و پر خاطره است. روزهای ماندگاری از شیرین ترین روزهای تاریخ اهل بیت علیهم السلام، در کنار وقایعی جانسوز در این ماه جمع شده است.

روزهای 1، 5، 6، 7، 8، 9، 10، 11، 13، 14، 15، 18، 22، 24، 25، 27، و روز آخر این ماه حامل این اتفاقات هستند که آنها را مرور می کنیم.

عید غدیر، ولادت امام هادی علیه السلام، عید قربان، خلافت ظاهری امیرالمؤمنین علیه السلام، روز مباهله، روز خاتم بخشی امیرالمؤمنین علیه السلام، نزول سوره هل اتی ایام سرور شیعیان در این ماه است.

شهادت امام باقر علیه السلام، بردن امام کاظم علیه السلام به زندان بصره، شهادت حضرت مسلم و هانی در کوفه، شهادت عبداللّه محض و جمعی از آل حسن علیه السلام، شهادت میثم تمار، وفات علی بن جعفر علیه السلام روزهای حزن آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم در این ماه به شمار می آید.

مرگ پدر ابوبکر، مرگ هند مادر معاویه، قتل عمر، قتل عثمان، انقراض دولت هزار ماهه بنی امیه، مرگ منصور دوانیقی روزهایی است که برائت از دشمنان اهل بیت علیهم السلام را در دلها تجدید می کند.

روز عرفه، شق القمر، ازدواج امیرالمؤمنین و حضرت زهرا علیهما السلام، جنگ سویق، نامه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به پادشاهان بزرگ، بیعت عقبه، بخشیدن فدک به

حضرت زهرا علیها السلام، عزل ابوبکر از تبلیغ سوره براءت، روز سد ابواب به مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله، افشاء سر ولایت توسط عایشه، توطئه ترور امام حسین علیه السلام، دعوت عمومی حضرت مسلم علیه السلام در کوفه حرکت امام حسین علیه السلام از مکه به عراق، روز نوشتن دعای صباح، اولین نماز جمعه امیرالمؤمنین علیه السلام، آغاز نامه ها برای جنگ صفین، واقعه حرّه، خروج ابراهیم بن مالک اشتر برای جنگ با ابن زیاد، هر یک فرازهای مهم و بیاد ماندنی از تاریخ اسلام است.

## 1 ذی الحجہ

### 1. عزل ابوبکر از تبلیغ سوره براءت<sup>(1)</sup>

در این روز در سال نهم هجرت، ابوبکر از تبلیغ سوره براءت عزل شد. سپس پیامبر ﷺ امیرالمؤمنین را روانه فرمود که آیات براءت را از ابوبکر بگیرد و خود بر اهل مکه قرائت فرماید.<sup>(2)</sup>

آغاز ماجرا این بود که در سال 9 هـ پیامبر ﷺ ابوبکر را به مکه فرستاد تا آیات اوائل سوره براءت را بر کفار بخواند. پس از رفتن او جبرئیل نازل شد: «یا رسول الله، ادای این امر باید به دست شما یا به دست مردی که از شماست انجام شود». به روایت دیگر: «باید علی را از جانب تو تبلیغ کند».<sup>(3)</sup>

پیامبر ﷺ امیرالمؤمنین را که به منزله جانش بود معین کردند و فرمودند: شتاب کن و آیات را از ابوبکر بگیر و در موسم حج بر مردمان قرائت کن.

1. مناقب آل ابی طالب ﷺ: ج 2 ص 144. بحار الانوار: ج 21 ص 276 - 264، ج 30 ص 427 - 411، ج 35 ص 313 - 284. الغدير: ج 6 ص 338-350. غایة المرام: ج 5 ص 39-51. شرح احقاق الحق: ج 3 ص 427-440، ج 7 ص 419-426، ج 22 ص 436-409، ج 31 ص 35-44. مناقب امیرالمؤمنین علیه السلام: ج 1 ص 346، 484، 499، 474 - 471، ج 2 ص 23، 446. نهج الايمان: ص 246-251. مسند احمد: ج 1 ص 151، ج 3 ص 212، 283. سنن ترمذی: ج 4 ص 339. مستدرک حاکم: ج 3 ص 51. انساب الاشراف: ص 107، 155. مجمع الزوائد: ج 7 ص 29، ج 8 ص 239، 241. فتح الباری: ج 8 ص 242 - 239. مسند ابی یعلی: ج 5 ص 413. خصائص امیرالمؤمنین ﷺ (نسائی): ص 91. تاریخ طبری: ج 2 ص 383. تاریخ دمشق: ج 42 ص 117، 347-349. شواهد التنزیل: ج 1 ص 305-318. کنز العمال: ج 2 ص 432-417. الدر المنثور: ج 3 ص 209. المعجم الکبیر: ج 11 ص 315. الاحادیث المختارة: ج 6 ص 171. مسند الشاشی: ج 1 ص 126. المصنف (ابن ابی شیبة): ج 7 ص 506.
2. مصباح المجتهد: ص 613. توضیح المقاصد: ص 29. مصباح کفعمی: ج 2، ص 60. بحار الانوار: ج 35 ص 286، ج 97، ص 384. شرح احقاق الحق، ج 7 ص 422. اقبال: ج 2 ص 36. اختیارات: ص 39. فیض العلام: ص 106 - 107. منتخب التواریخ: ص 61. مستدرک سفینة البحار: ج 1 ص 315.
3. بحار الانوار: ج 21 ص 273، 274، ج 35 ص 295، ج 95 ص 190. دعائم الاسلام: ج 1 ص 340. تفسیر عیاشی: ج 2 ص 73. غایة المرام: ج 5 ص 48.

فرستادن امیر المؤمنین علیه السلام و بازگشت ابوبکر

آن حضرت ناقه عضاء (غضباء) را به امیر المؤمنین علیه السلام داد و آن حضرت همراه جابر بن عبدالله حرکت فرمود، و در روز دوم به ابی بکر رسید و آیات برائت را از وی گرفت و اختیار آمدن یا برگشتن را به خود او واگذار کرد.

ابوبکر به مدینه بازگشت و به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم عرض کرد: «مرا برای کاری لایق دانستی که دیگران مشتاق آن بودند، ولی مقداری که رفتم مرا معزول نمودی؟» حضرت فرمود: «من تو را معزول نساختم بلکه خدا تو را معزول ساخت.»

تبلیغ سوره برائت توسط امیر المؤمنین علیه السلام

امیر المؤمنین علیه السلام آیات را در سه روز در ایام تشریق منی که مجمع کفار و مشرکین بود و از بغض و عداوت علی علیه السلام آکنده بودند، هر صبح و شام همراه با فرمایشات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بر مردم قرائت می نمود و سپس به مدینه مراجعن فرمود.

از هنگامی که علی علیه السلام به مکه رفته بود، از فراق او آثار حزن بر صورت مبارک پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ظاهر گشته بود. صحابه با خود می گفتند: شاید خبر فوت آن حضرت از آسمان رسیده، یا از ما دلتنگ شده باشد. ابوذر رضی الله عنه نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دارای مقام و منزلتی بود و لذا او را نزد آن حضرت فرستادند. ابوذر کلمات اصحاب را عرضه داشت، و آن حضرت فرمود: «حزن و اندوه من برای مفارقت علی علیه السلام است.»

بازگشت امیر المؤمنین علیه السلام از تبلیغ برائت

ابوذر برای اطلاع از حال علی علیه السلام از مدینه به استقبال آن حضرت حرکت کرد، و در اثنای راه به امیر المؤمنین رسید و با آن حضرت دیدن کرد و عرض کرد: پدر و مادرم فدای شما باد، آهسته تشریف بیاورید تا من بیشتر بروم و بشارت آمدن شما را به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بدهم.



ابوذر به سرعت خود را به پیامبر ﷺ رسانید و آمدن علی ؑ را به پیامبر ﷺ بشارت داد. آن حضرت با اصحاب به استقبال علی ؑ آمدند و چون به آن جناب رسیدند، پیاده شده آن حضرت را در آغوش گرفتند و صورت مبارک خود را بر شانه علی ؑ گذاشتند و از شوق دیدار گریستند و امیرالمؤمنین ؑ نیز گریستند. پس پیامبر ﷺ به علی ؑ فرمود: «پدر و مادرم به قربانت، در مکه چه کردی؟» امیرالمؤمنین ؑ از آنچه انجام داده بود به آن حضرت خبر داد. <sup>(1)</sup>

مجلسی رحمته الله از تاریخ طبری نقل می فرماید: هنگامی که پیامبر ﷺ در سال ششم هجرت نظر مبارکش بر این قرار گرفت که به طرف مکه برای ادای عمره حرکت کند، عمر را طلبید و به او فرمود: به مکه برو و اشراف قریش را از حال ما با خبر کن. عمر گفت: من بر جانم از اشراف قریش می ترسم! <sup>(2)</sup>

## 2. آغاز نامه ها برای جنگ صفین

چون دو روز از ورود امیرالمؤمنین ؑ به صفین گذشت، در اول ذی حجه حضرت برای معاویه نامه نوشتند و او را موعظه فرمودند، ولی آخر الامر قرار بر این شد که روز اول صفر بعد از ماه حرام جنگ شروع شود و روز لول صفر جنگ شروع شد. <sup>(3)</sup> به نقلی ورود آن حضرت در 22 محرم بوده است. <sup>(4)</sup>

1. فیض العلام: ص 107.

2. بحار الانوار: ج 35 ص 287. اقبال: ج 2 ص 38. عین العبرة: ص 24. الصحيح من السیرة: ج 3 ص 185. مسند احمد: ج 4 ص 324. تاریخ طبری: ج 2 ص 278. سیرة النبی ﷺ (ابن هشام): ج 3 ص 780. البداية و النهایة: ج 4 ص 191. تفسیر ثعالبی: ج 5 ص 254. عمر بن الخطاب: ص 161.

3. توضیح المقاصد: ص 5. بحار الانوار: ج 32 ص 458. تنمة المنتهی: ص 24. وقعة صفین: ص 214. شرح نهج البلاغة: ج 4 ص 29. فتح الباری: ج 13 ص 75.

4. بحار الانوار: ج 32 ص 434. سفینة البحار: ج 3 ص 93. قلائد النحور: ج محرم و صفر، ص 303. شرح نهج البلاغة: ج 3 ص 215.

## 5 ذی الحجّه

### 1. جنگ سویق

در این ماه در سال 2 هـ غزوه سویق به وقوع پیوست. ابوسفیان بعد از واقعه بدر نذر کرد که با زنی نزدیکی نکند و روغن به خود نمالد تا انتقام خویش را از پیامبر ﷺ بگیرد. به این منظور همراه دویست نفر به عریض از نواحی مدینه رفتند و دو خانه و چندین نخل را آتش زدند و دو نفر از بزرگان انصار را در آنجا کشتند تا او به نذر خود عمل کرده باشد.

چون خبر به پیامبر ﷺ رسید ابولبابه را در مدینه گذاشته همراه با دویست نفر از مهاجرین و انصار و در رأس آنها امیرالمؤمنین علیؑ به سوی عریض حرکت کردند. ابوسفیان چون با خبر شد که پیامبر ﷺ با عجله به آنجا می آید، به لشکر خود دستور داد تا انبانهای سویق را که برای آذوقه با خود آورده بودند ریخته و سبکبار فرار کنند. مسلمانان وقتی رسیدند آنان گریخته بودند. لذا انبانهای سویق را برداشته مراجعت نمودند. به همین دلیل این غزوه را «ذات السویق» گویند. <sup>(1)</sup> قول دیگر در این باره 24 ذی القعدة <sup>(2)</sup> و 23 ذی الحجّه <sup>(3)</sup> است.

## 6 ذی الحجّه

### 1. ازدواج امیرالمؤمنین و حضرت زهرا علیهما السلام

در این روز در سال 2 هـ آقا و سرور ما خاتم الانبیاء ﷺ، امیرالمؤمنین علیؑ را به سیده

- 
1. مستدرک سفینه البحار: ج 5 ص 206، الصحيح من السیره: ج 6 ص 9، بحار الانوار: ج 20، ص 2 - 3، منتهی الآمال: ج 1 ص 58، موسوعة التاريخ الاسلامی: ج 2 ص 220، اعلام الوری: ج 1 ص 172، نور الابصار (شبلینجی): ج 1، ص 82، طبقات الكبرى: ج 2 ص 30، سبل الهدی و الرشاد: ج 4 ص 174.
  2. مستدرک سفینه البحار: ج 8 ص 556.
  3. تاریخ طبری: ج 2 ص 175.

نساء عالمیان فاطمه زهرا بتول عذراء عليها السلام تزویج فرمود. <sup>(1)</sup> این ماجرا بعد از رجوع از جنگ بدر در روز سه شنبه 6 ذی الحجة واقع شده است. <sup>(2)</sup>

امام صادق عليه السلام فرمود: «اگر خداوند متعال امیرالمؤمنین عليه السلام را خلق نمی کرد، در تمام زمین انسانی که کفو و شایسته همسری با حضرت فاطمه عليها السلام باشد یافت نمی شد؛ از آدم ابوالبشر و بعد از او». <sup>(3)</sup>

### خواستگاری از فاطمه عليها السلام

هنگامی که سن مبارک بتول عذراء حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا عليها السلام نه سال کامل شد، از اطراف و اکناف اهل مدینه و عظمای قبائل و رؤسای عشایر و صاحبان ثروت و مکننت به خواستگاری حضرت آمدند. عده ای از منافقین نیز این جرئت را به خود دادند که با کمال بی شرمی به خواستگاری آن حضرت بیایند. هنگام خواستگاری بعضی از آنها رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بسیار ناراحت شدند، و به عده ای از منافقین که اعتراض کردند، فرمودند: «من شما را رد نکردم، بلکه خدا شما را رد کرده و امر فاطمه عليها السلام از جانب خداوند متعال معین می شود». آنان غافل از این بودند که این گوهر گرانبها را خداوند در سایه عزت و حراست خود حفظ فرموده و او را در خور استعداد ابناء دنیا از ملوک و رعایا و ارباب فقر و غنا قرار نداده است؛ بلکه او را برای

1. مصباح المجتهد: ص 613. امالی طوسی: ص 43. مناقب آل ابی طالب عليهم السلام: ج 3 ص 398، 405. تنمة المنتهی: ص 137. بحار الانوار: ج 43، ص 6، 92، 96، 110. بشارة المصطفی صلی الله علیه و آله و سلم لشعبة المرتضى عليه السلام: ص 267. مصباح کفعمی: ج 2 ص 600. اللمعة البيضاء فی شرح خطبة الزهراء عليها السلام: ص 237.
2. امالی طوسی: ج 1، ص 42. بشارة المصطفی صلی الله علیه و آله و سلم: ص 267.
3. کافی: ج 1 ص 461. من لا یحضر الفقیه: ج 3 ص 393. امالی شیخ طوسی: ص 43. خصال: ص 414. تهذیب الاحکام: ج 7 ص 461. دلائل الامامة: ص 80. کشف الغمة: ج 1 ص 472. بحار الانوار: ج 43 ص 10، 97، 107. ج 100 ص 375. مناقب آل ابی طالب عليهم السلام: ج 3 ص 129. بشارة المصطفی: ص 267. امالی صدوق: ص 688. المحتضر: ص 126، 138. روضة الواعظین: ص 148. وسائل الشیعة: ج 20 ص 74.

وصی پیامبر ﷺ علی بن ابی طالب علیه السلام ذخیره فرموده است.<sup>(1)</sup>

از امام حسین علیه السلام روایت شده که فرمود: روزی حضرت رسول ﷺ در خانه امّ سلمه بود. فرشته ای با هیبت خاصی بر آن حضرت نازل شد که با لغات گوناگون که به یکدیگر شباهتی نداشت مشغول تسبیح و تقدیس خداوند بود. او عرض کرد: من صرصائلم. خداوند مرا نزد شما فرستاده که به شما بگویم: «نور را با نور تزویج کن». حضرت فرمود: «چه کسی را با چه کسی؟» گفت: «فاطمه را با علی بن ابی طالب». لذا پیامبر ﷺ فاطمه علیه السلام را در حضور جبرئیل و میکائیل و صرصائیل به عقد علی علیه السلام در آورد و این عقد در زمین بود.

در این هنگام پیامبر ﷺ به میان شانه های صرصائیل نگرست و دید نوشته است: «لا اله الا الله، محمد رسول الله، علی بن ابی طالب مقیم الحجة». فرمود: ای صرصائیل، از کی این جمله بین شانه های تو نوشته شده؟ گفت: دوازده هزار سال پیش از آنکه خداوند متعال دنیا را بیافریند.<sup>(2)</sup>

#### مراسم عروسی

هنگامی که حضرت فاطمه علیه السلام را در شب ازدواج به خانه ی علی علیه السلام می بردند، پیامبر ﷺ از جلو ایشان، برئیل در سمت راست و میکائیل در سمت چپ ایشان، و هفتاد هزار

---

1. عیون اخبار الرضا علیه السلام: ج 1 ص 64. کافی: ج 5 ص 568. عوالم العلوم: ج 11 ص 142-141. دلائل الامامة: ص 84، 90، 100، 143. بحار الانوار: ج 43، ص 41، 104، 111، 119، 120، 145، 214. ریاحین الشریعه: ج 1، ص 80. شرح احقاق الحق: ج 17 ص 83-94، ج 19 ص 123-147، ج 12 ص 471-494. شرح الاخبار: ج 2 ص 211، 376. ذخائر العقبی: ص 32-30، 136. ینابیع المودة: ج 2 ص 62-72، 122-125، 209، 314، 39. نظم درر السمطین: ص 186. معجم الکبیر: ج 3 ص 57، ج 10 ص 156، ج 22 ص 408. المناقب خوارزمی: ص 209، 336. تاریخ دمشق: ج 42 ص 125-131. کنز العمال: ج 11 ص 600، 606، ج 13 ص 684. اسد الغابة: ج 4 ص 42. مجمع الزوائد: ج 9 ص 204. روض الفائق: ص 256.

2. بحار الانوار: ج 43 ص 111، 123. مائة منقبة: ص 35. مناقب آل ابی طالب علیه السلام: ج 3 ص 398. مشق الغمة: ج 1 ص 352. المحتضر: ص 133. المناقب: (خوارزمی): ص 341.

فرشته پشت سر حضرتش حرکت می کردند و در آن حال خدا را تسبیح می گفتند و تقدیس می کردند، و این تقدیس و تسبیح آنها تا طلوع فجر ادامه داشت. (1)

جبرئیل زمام ناقه ای که آن حضرت را می بردند و اسرافیل رکاب و میکائیل دنبال آن را گرفته بود، و پیامبر ﷺ جامه های فاطمه علیها السلام را منظم می کرد، و هفتاد هزار ملک با دیگر فرشتگان تکبیر می گفتند، اما به حسب ظاهر سلمان زمام ناقه را گرفته بود و حمزه و عقیل و جعفر علیهم السلام از اهل بیت از قفای حضرت فاطمه علیها السلام و بنی هاشم با شمشیرهای کشیده می آمدند، و همسران پیامبر صلی الله علیه و آله از پیش روی می آمدند.

پیامبر صلی الله علیه و آله آنها را به مسجد طلبید و دست فاطمه علیها السلام را در دست علی علیه السلام نهاد و فرمود: «بارک الله فی ابنه رسول الله»، و نیز فرمود: «هذه ودیعی»، و بعد از مراسمی مخصوص، پیامبر صلی الله علیه و آله در حق آنها و نسل ایشان دعا کرد. سپس فرمود: «مرحباً ببحرین یلتقیان و نجمین یقترنان».

سپس پیامبر صلی الله علیه و آله از نزد ایشان بیرون آمد و چهار چوب در را گرفت و فرمود: «طهرکما الله و طهر نسلکما، انا سلم لمن سالمکما و حرب لمن حاربکما، أستودعکما الله و أستخلفه علیکما». (2)

آنگاه همه به منازل خود رفتند و از زنان جز اسماء کسی نزد فاطمه علیها السلام نماند، و این به خاطر وصیت حضرت خدیجه علیها السلام بود که هنگام وفات گریست و از اسماء عهد و پیمان گرفت که در شب عروسی حضرت فاطمه علیها السلام آن حضرت را تنها نگذارد. اسماء هم به عهد خود وفا کرد، و چون ماجرا را برای پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرد، آن حضرت به یاد خدیجه علیها السلام کرد و گریست و در حق اسماء دعا فرمود. (3)

---

1. مناقب آل ابی طالب علیهم السلام: ج 3 ص 402. اقبال: ج 3 ص 92. بحار الانوار: ج 43 ص 92، 115، 124. روضة الواعظین: ص 147. کشف الغمة: ج 1 ص 353. ذخائر العقبی: ص 32. تاریخ بغداد: ج 5 ص 211. ینابیع المودة: ج 2 ص 129. جزء الحمیری: ص 28. المناقب (خوارزمی): ص 342.

2. مناقب آل ابی طالب علیهم السلام: ج 3 ص 403. بحار الانوار: ج 43 ص 117-114. الخصائص الفاطمیة علیها السلام: ج 2 ص 343. المناقب (خوارزمی): ص 352.

3. کشف الغمة: ج 1 ص 366. کشف الیقین: ص 198. بحار الانوار: ج 43 ص 116، 138. الخصائص الفاطمیة علیها السلام: ج 2 ص 346 - 345. فیض العلام: ص 161.

در مقدار و نوع مهريه آن حضرت روايات مختلفی وارد شده است:

- يك لباس مشكي بلند و يك پوست گوسفند و مقداری عطر. (1)
- يك لباس نرم و ملايم و يك زره و زير اندازی از پوست قوچ. (2)
- يك لباس نرم و ملايم مشكي بلند و يك زره حَطْمِي. (3)
- چهار صد و هشتاد درهم. (4)
- چهار صد مثقال نقره. (5)
- پانصد درهم، كه علامه مجلسي و ابن آشوب رحمتهما الله می فرمایند: اصحّ اقوال همين قول است. (6)
- زره حَطْمِي كه ارزش آن سی درهم بود (7)
- درع حَطْمِي و پوست قوچ يا ميش. (8)
- يك شتر. (9)

- 
1. بحار الانوار: ج 43، ص 113. مناقب آل ابی طالب عليهم السلام: ج 3، ص 400.
  2. کافی: ج 5، ص 377. بحار الانوار: ج 43، ص 144. 3. کافی: ج 5، ص 378. بحار الانوار: ج 43، ص 144. وسائل الشیعه: ج 15، ص 251.
  4. مناقب آل ابی طالب عليهم السلام: ج 3، ص 399.
  - روضه الواعظین: ص 146. بحار الانوار: ج 43، ص 112، 113. كشف الغمه: ج 1، ص 368. ذخائر العقبی: ص 29. المناقب (ابن مغازلی): ص 350. الرياض النضرة: ج 2، ص 180. كنز العمال: ج 13، ص 684. مجمع الزوائد: ج 9، ص 175. طبقات الكبرى: ج 8، ص 19.
  5. بحار الانوار: ج 43، ص 112، 119. مناقب آل ابی طالب عليهم السلام: ج 3، ص 399. روضة الواعظین: ص 147. مكارم الاخلاق: ص 207. كشف الغمة: ج 1، ص 349. ذخائر العقبی: ص 30. ینابیع المودة: ج 2، ص 62، 65، 123. كفاية الطالب: ص 298. درر السمطين: ص 187. المناقب (خوارزمی): ص 336.
  6. دلائل الامامه: ص 18. مناقب آل ابی طالب عليهم السلام: ج 3، ص 399. روضة الواعظین: ص 148. ارشاد: ج 2، ص 284. بحار الانوار: ج 43، ص 112، ج 50، ص 76. الهدایة الكبرى: ص 115. مدینه المعاجز: ج 7، ص 351.
  7. قرب الاسناد: ص 173. کافی: ج 5، ص 377. تهذیب الاحكام: ج 6، ص 364. بحار الانوار: ج 43، ص 105. وسائل الشیعه: ج 21، ص 250.
  8. مناقب آل ابی طالب عليهم السلام: ج 3، ص 399. بحار الانوار: ج 43، ص 113. 9. افحام الاعداء و الخصوم: ص 47. اعلام النساء: ج 3، ص 1119. الثغور الباسمة: ص 30. طبقات الكبرى: ج 8، ص 19. كنز العمال: ج 16، ص 305.

- درع حَطْمِي. (1)

- یک پنجم زمین. پیامبر ﷺ فرمود: «در آسمان معین شده که مهریه آن حضرت ﷺ یک پنجم زمین است. پس هر که در زمین راه برود در حالی که با او و فرزندان دشمن باشد، قدم زدن او تا روز قیامت در زمین حرام است». (2)

امام باقر ﷺ فرمود: مهر فاطمه ﷺ یک پنجم دنیا و دو سوم بهشت است، و در زمین چهار نهر فرات، نیل، نهروان و بلخ برای حضرت فاطمه ﷺ است. خداوند به پیامبر ﷺ فرمود: «ای محمد، تو فاطمه را به پانصد درهم به ازدواج علی در آور تا سنتی در بین امت تو باشد». (4)

در روایت دیگر: «یک چهارم دنیا و بهشت و جهنم است، که دوستان خود را داخل بهشت می کند و دشمنان خود را به جهنم روانه می نماید». (5) در روایت دیگر مهریه آن حضرت نصف دنیا ذکر شده است. (6)

#### ولیمه عروسی

اثاث منزل و ولیمه عروسی حضرت زهرا ﷺ چنین بود که پیامبر ﷺ به

1. کافی: ج 5 ص 377. بحار الانوار: ج 43، ص 108. مناقب امیرالمؤمنین ﷺ: ج 2 ص 185، 212. طبقات الکبری: ج 8 ص 20، 22. مسند حمیدی: ج 1 ص 22. مسند احمد: ج 1 ص 80. سنن ابی داود: ج 1 ص 472. دلائل النبوة: ج 3 ص 160. الفقه الاکبر: ج 3 ص 6. اصابة: ج 8 ص 263. تاریخ دمشق: ج 42 ص 124.
2. بحار الانوار: ج 43، ص 113. مناقب آل ابی طالب ﷺ: ج 3 ص 400. الغدير: ج 2 ص 316. روضة الواعظین: ص 147. شرح احقاق الحق: ج 7 ص 279.
3. مناقب آل ابی طالب ﷺ: ج 3 ص 400. بحار الانوار: ج 43 ص 113. اللعة البيضاء: ص 257.
4. بحار الانوار: ج 43 ص 113. دلائل امامة: ص 92. مستدرک الوسائل: ج 15 ص 65. الهدایة الکبری: ص 378.
5. امالی طوسی: ص 668. مناقب آل ابی طالب ﷺ: ج 3 ص 400. بحار الانوار: ج 43 ص 105، 113. مجمع النورین: ص 34، 40.
6. دلائل الامامة: ص 92. نوادر المعجزات: 90. مدينة المعاجز: ج 2، ص 336. عیون المعجزات: ص 49.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «زره خود را بفروش». آن حضرت زره را فروخت و پول آن را خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آورد. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مقداری را جهت تهیه غذای عروسی به امّ سلمه دادند. بنابر بعضی روایات نصف از لوازم غذا را پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و نصف دیگر را امیرالمؤمنین علیه السلام تهیه نمودند.

### جهازیه حضرت زهرا علیه السلام

مقداری را هم به بلال و عمار دادند که از بازار لوازم خانه را خریداری کنند. یک پیراهن، یک عدد روسری، قطیفه سیاه خیبری یا عبای سیاه، پرده نازک پشمی، یک عدد حصیر از بافته های قریه هجر، آسیای دستی، یک عدد طشت مسی، مشک برای آب آوردن، کاسه ای سفالین، مشکی مخصوص خنک کردن آب، ابریقی که طرف بیرونش رنگ شده بود، کوزه ی سفالین، پوست گوسفند.<sup>(1)</sup>

امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: در آن شب که دختر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به خانه من آمد، بسترمان جز یک پوست گوسفند نبود.<sup>(2)</sup>

در جای دیگر از آن حضرت نقل شده که فرمود: من با فاطمه علیه السلام در حالی ازدواج کردم که جز یک پوست گوسفند چیزی نداشتیم که شب بر روی آن می خوابیدیم و روز علوفه شترمان را بر روی آن می ریختیم و خدمتگزاری در خانه نداشتیم.<sup>(3)</sup>

در روایتی دیگر می فرماید: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به خانه ما آمد در حالی که ما بر روی خود قطیفه ای انداخته بودیم که اگر از طول آن را به روی خود می کشیدیم، پهلوهایمان خالی

---

1. بیت الاحزان: ص 57.

2. مناقب آل ابی طالب علیهم السلام: ج 2 ص 12. بحار الانوار: ج 40 ص 35، 323، ج 43 ص 88. طبقات الکبری: ج 8 ص 22. تاریخ دمشق: ج 42 ص 376. سنن المصطفی صلی الله علیه و آله و سلم: ج 2 ص 538. المصنف (ابن ابی شیبّه): ج 8 ص 156. کنز العمال: ج 13 ص 179، 682. مسند ابی یعلی: ج 1 ص 363.

3. ذخائر العقبی: ص 35. طبقات الکبری: ج 8 ص 22. صفوة الصفوة (ابن جوزی): ج 2 ص 10. کنز العمال: ج 13 ص 682. تاریخ دمشق: ج 42 ص 376.



می شد و اگر از عرض می انداختیم سر و پاهایمان بدون روپوش می ماند.<sup>(1)</sup>

بعضی از اهل سنت نقل کرده اند: هنگامی که فاطمه علیها السلام به خانه علی علیه السلام رفت، در خانه آن حضرت چیزی جز ریگ یهن شده، کوزه سفالین، بالش و ظرفی برای آب نیافت.<sup>(2)</sup>

بنابر نقلی دیگر دو کوزه کوچک، ظرف مخصوص شیر که از چوب می تراشیدند، سبونی سبز رنگ که روغن یا آرد در آن می ریختند چهار بالش یا متکا یا پستی با رویه ای از پوست پر از گیاه خشک شده سبز رنگ، از اثاثیه منزل بود.<sup>(3)</sup>

### عروسی و شرکت کنندگان

در بعضی روایات آمده است که بعد از خرید 29 یا 30 روز بعد از خرید، امیرالمؤمنین علیه السلام صبر کرد تا اینکه جعفر و عقیل علیهما السلام به آن حضرت گفتند: از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بخواه که همسرت را به خانه بیاوری. بعضی از همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم گفتند: ما از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم خواهیم می کنیم که شما همسرت را بیاوری.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «ما انتظار داریم خود او بیاید و از ما درخواست کند». امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: عرض کردم «حیا مانع من می شود». پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اجازه مجلس عروسی و ولیمه را فرمودند، و به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: «هر کس را دوست داری دعوت کن». زنان به کار زنها و امیرالمؤمنین علیه السلام و عمار و بلال و چند نفر دیگر به کار مجلس مردها که در مسجد بود، می رسیدند.

اصحاب با هدایای خود در جشن عروسی آن دو نور الهی شرکت کردند، و از ولیمه عروسی که به دساور پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فراهم آمده بود، میل کردند. در آن مجلس 4000 نفر

1. ذخائر العقبی: ص 49، 106. فتح الباری: ج 11 ص 102. سنن نسائی: ج 5 ص 373. کنز العمال: ج 15 ص 449. امالی المحاملی: ص 172.

2. فاطمة الزهراء علیها السلام بهجة قلب المصطفى صلی الله علیه و آله و سلم: ص 477 (674)، از المناقب احمد بن حنبل (خطی).

3. بحار الانوار: ج 43، ص 94. امالی طوسی: ص 41. مناقب آل ابی طالب علیهم السلام: ج 3 ص 401. بیت الاحزان: ص 49. اللمعة البيضاء فی شرح خطبة الزهراء علیها السلام: ص 259.

از آن طعام خوردند و پیامبر ﷺ غذایی برای امیرالمؤمنین و فاطمه علیهما السلام فرستاد، در حالی که چیزی از آن غذا کم نشد و همچنان به جای ماند، با وجود اینکه سه روز از آن تناول می کردند.

شب با مراسمی مخصوص، حسب الامر پیامبر ﷺ آن دو بزرگوار را به حجره امّ سلمه آوردند. امّ سلمه می گوید: هنگامی که خورشید غروب کرد، پیامبر ﷺ فرمود: «فاطمه را بیاور». من رفتم و دست فاطمه علیها السلام را گرفته در حالی که لباسش بر زمین کشیده می شد و از خجالت و شرم عرق از چهره اش جاری بود، آن حضرت را نزد پدر بزرگوارش آوردم. هنگامی که خدمت آن حضرت رسید، از شدت خجالت پایش لغزید. پیامبر ﷺ فرمود: «خداوند تو را از لغزش های دنیا و آخرت ننگه دارد».

هنگامی که پیش روی آن حضرت قرار گرفت، چادر را از صورت فاطمه علیها السلام کنار زد تا علی علیها السلام چهره او را ببیند. سپس دست او را در دست علی علیها السلام قرار داد و این گونه بود که این زندگی نورانی آغاز شد.

### ثمره ازدواج نورانی

ثمره این ازدواج مبارک و نورانی و الهی پنج فرزند بود. دو امام معصوم علیهما السلام، آقا و مولایمان حضرت مجتبی علیهما السلام و سرور شهیدان حضرت اباعبدالله علیهما السلام، دو دختر حضرت عقيله بنی هاشم زینب کبری و جناب امّ کلثوم علیهما السلام و که این فرزندان در زمان حیات پیامبر ﷺ در مدت نه سال به دنیا آمدند. آخرین فرزند ایشان حضرت محسن علیها السلام بود که بعد از شهادت پیامبر ﷺ به مدت چند روز به وسیله ضربه های بین در و دیوار و کتک های منافقین و ظالمین به شهادت رسید. (2)

1. بحار الانوار: ج 43، ص 95-96، 114. امالی طوسی: ص 42. بیت الاحزان: ص 51. الخصائص الفاطمیه علیها السلام: ج 2 ص 351. اللعة البيضاء فی شرح خطبة الزهراء علیها السلام: ص 269.

2. دلائل الامامة طبری: ص 104، 134. تاریخ الائمة علیها السلام: ص 16.

حضرت فاطمه علیها السلام نه سال و 75 روز یا 95 روز در منزل امیرالمؤمنین علیه السلام زندگی کرد تا آنکه بعد از شهادت حضرت محسن علیه السلام به شهادت رسید.

### ازدواج آسمانی

بین ازدواج آن حضرات در آسمان و تزویج آنها در زمین چهل روز فاصله بود. <sup>(1)</sup> در اول یا ششم ذی الحجه <sup>(2)</sup> در حالی که طرف ایجاب عقد خداوند متعال و طرف قبول جبرئیل و خطبه خوان راحیل بود. شاهدان حاملان عرش و 70 هزار نفر از فرشتگان بودند. نثار کننده نقل این عروسی رضوان خزانه دار بهشت، و آنچه نثار شد درّ و یاقوت و مرجان، و حجله دار این زفاف اسماء یا ام ایمن بود و در نتیجه این ازدواج ائمه اطهار علیهم السلام. <sup>(3)</sup>

### اقوال در روز ازدواج حضرت

اقوال در ازدواج چنین است: عقد در صفر و ازدواج در ذی الحجه <sup>(4)</sup>، یا بعد از بازگشت از جنگ بدر <sup>(5)</sup>، عقد بعد از یک سال از هجرت و ازدواج بهد از آن نزدیک به یک سال <sup>(6)</sup>، عقد در ماه رمضان و ازدواج در ذی الحجه <sup>(7)</sup>، عقد در رجب قبل از جنگ بدر و ازدواج در ذی الحجه <sup>(8)</sup>، عقد در رجب و ازدواج بعد از بازگشت امیرالمؤمنین علیه السلام

1. دلائل الامامة: ص 93. بحار الانوار: ج 43 ص 110.
2. بحار الانوار: ج 43، ص 110. مصباح المتجهد: ص 613. مناقب آل ابی طالب علیهم السلام: ج 3 ص 398.
3. بحار الانوار: ج 43، ص 98، 99، 102، 107، 128. مناقب آل ابی طالب علیهم السلام: ج 2 ص 208. مجمع النورین: ص 43.
4. بحار الانوار: ج 19، ص 192. موسوعة التاريخ الاسلامی: ج 2 ص 97. الذریة الطاهرة: ص 63. ذخائر العقبی: ص 27. نظم در السمطين: ص 189.
5. بحار الانوار: ج 43 ص 9. مقاتل الطالبین: ص 30.
6. النغور الباسمة: ص 27. البدء و التاريخ: ج 5 ص 20.
7. كشف الغمة: ج 1 ص 364. بحار الانوار: ج 43 ص 136. الصحيح من السیرة: ج 5 ص 269. اللعمة البيضاء فی شرح خطبة الزهراء علیها السلام: ص 237. سبل السلام: ج 3 ص 149. تفسیر قرطبی: ج 14 ص 241.
8. نظم در السمطين: ص 189.

از بدر<sup>(1)</sup>، عقد در ربیع ذل اول و ازدواج هم در ربیع الاول<sup>(2)</sup>، عقد در اول ذی الحجه و ازدواج در ششم ذی الحجه بعد از جنگ بدر<sup>(3)</sup>، عقد در چند شب باقی مانده از صفر و ازدواج در ذی الحجه<sup>(4)</sup>، عقد در محرم و ازدواج در ذی الحجه<sup>(5)</sup>.

عقد در اول ذی الحجه سال دوم هجرت<sup>(6)</sup>، یا در 25 ذی الحجه<sup>(7)</sup>، یا سه روز مانده از ماه صفر سال 2 هـ<sup>(8)</sup>، یا در 15 رجب پنج ماه پس از هجرت.<sup>(9)</sup> ازدواج بعد از بازگشت از بدر در اوایل شوال یا در روز سه شنبه ذی الحجه<sup>(10)</sup>، یا در 19 ذی الحجه<sup>(11)</sup> یا در 21 محرم سال 3 هـ<sup>(12)</sup> یا دو روز مانده از ماه صفر؛ چهار ماه بعد از بدر.<sup>(13)</sup>

## 2. مرگ منصور دوانیقی

در این روز در سال 158 هـ منصور دوانیقی بخیل بی رحم، در سفر حج به هلاکت رسید و در حجون دفن شد.<sup>(14)</sup> منصور در بنی عباس شباهت تامی به هشام بن

- 
1. بحار الانوار: ج 19، ص 193. طبقات الكبرى: ج 8 ص 22. المنتخب من ذیل المذیل: ص 90. تاریخ دمشق: ج 3 ص 157. الاصابة: ج 8 ص 264.
  2. بحار الانوار: ج 19، ص 193.
  3. بحار الانوار: ج 43، ص 6. مناقب آل ابی طالب علیه السلام: ج 3 ص 405.
  4. بحار الانوار: ج 19، ص 192-193.
  5. شرح احقاق الحق: ج 10 ص 351. الشرف المؤبد: ص 55.
  6. مسار الشيعة: ص 17. مصباح المتجهد: ص 613. مناقب آل ابی طالب علیه السلام: ج 3 ص 398، 405. توضیح المقاصد: 29. اختیارات: 40. تقویم المحسنین: 13. فیض العلام: ص 106. مصباح کفعمی: ج 2 ص 600.
  7. بحار الانوار: ج 35 ص 261.
  8. تاریخ دمشق: ج 3 ص 128، ج 12 ص 128.
  9. مسار الشيعة: ص 35. مصباح المتجهد: ص 742. تقویم المحسنین: ص 17. اختیارات: ص 37. مصباح کفعمی: ج 2 ص 600. فیض العلام: ص 106.
  10. امالی طوسی: ص 43. بحار الانوار: ج 43 ص 97. وسائل الشيعة: ج 20 ص 240. فیض العلام: ص 109.
  11. تقویم المحسنین: ص 14. وقائع الشهور: ص 239.
  12. مسار الشيعة: ص 26. بحار الانوار: ج 95 ص 197.
  13. نظم درر المسطین: ص 189. مقتل الحسين علیه السلام (خوارزمی): ج 1 ص 128.
  14. تنمة المنتهى: ص 160. فیض العلام: ص 109. مستدرک سفینة البحار: ج 5، ص 220. تاریخ دمشق: ج 32 ص 347. تاریخ طبری: ج 6 ص 347.

عبد الملک در بنی امیّه داشت، و از او تقلید می نمود. او مردی خونریز بود، و بر خلاف برادرش سفاح عداوت و ظلم تمام نسبت به آل ابوطالب علیهم السلام داشت. از آن بزرگواران افراد زیادی را کشت و بزرگترین جنایت منصور به شهادت رساندن امام صادق علیه السلام بود. عبدالله محض و حسن مثلث و بسیاری از بنی الحسن را نیز او شهید کرد.

زمانی که در 6 ربیع الثانی 146 هـ شروع به ساختن شهر بغداد کرد، دستور داد سادات از اولاد حضرت زهرا علیها السلام را زنده زنده در ستون ها و دیوار ها قرار دهند و دیوار را روی آنها بنا کنند.<sup>(1)</sup> از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده است که فرمودند: برای جهنم هفت در است هر کدام مربوط به هفت فرعون است: نمرود بن کنعان فرعون حضرت ابراهیم علیه السلام «مصعب بن ولید فرعون موسی، ابوجهل بن هشام، اولی و دومی، یزید قاتل اولاد من، و مردی از نسل عباس که ملقب است به دوانیقی و نامش منصور است.»<sup>(2)</sup>

## 7 ذی الحجّه

### 1. شهادت امام باقر علیه السلام

در چنین روزی مصادف با دوشنبه، در سال 114 هـ امام باقر علیه السلام توسط هشام بن عبدالملک مسموم و شهید شد.<sup>(3)</sup> در شب شهادت به امام صادق علیه السلام فرمودند: «من امشب جهان را بدرود خواهم گفت. هم اکنون پدرم علی بن الحسین علیه السلام را دیدم که شربت گوارا نزد من آورد و نوشیدم و مرا به سرای جاوید و دیدار حق بشارت داد.» در روایت دیگری فرمودند: «ای فرزند گرامی، مگر نشیندی که حضرت علی بن

1. وقائع الشهور: ص 84.

2. بحار الانوار: ج 30 ص 419، ج 47 ص 309.

3. توضیح المقاصد: ص 29. الدروس الشرعیة: ج 2 ص 12. بحار الانوار: ج 46 ص 217، ج 97 ص 210. تثبیت الامامة: ص 70. فیض العلام: ص 110.

الحسین از پس دیوار مرا ندا کرد: «ای محمدِ بیا، زود باش که ما انتظار تو را می کشیم».<sup>(1)</sup>  
آن حضرت چندین روز و به قولی سه روز در حالت درد از سم به سر می بردند تا به شهادت رسیدند.  
فردای آن روز بدن مطهر و پاک آن دریای بیکران دانش خدائی را در خاک بقیع کنار مزار امام مجتبی و امام  
سجاد علیهما السلام به خاک سپردند.<sup>(2)</sup>

آن حضرت هشتصد درهم برای تعزیه و ماتم خود وصیت فرمود.<sup>(3)</sup> حضرت صادق علیه السلام فرمودند: پدرم  
فرمود: «ای جعفر، از مال من مقداری وقف کن برای ندبه کنندگان که ده سال در منی در موسم حج بر من  
گریه کنند، و مراسم ماتم را تجدید نمایند».<sup>(4)</sup>

آقا و مولایمان حضرت باقر علیه السلام در کربلا شرف حضور داشت. شب یازدهم، بازار کوفه، کنار سرهای  
مطهر، اسارت شام و مجلس یزید را دیده است و هر زمان که متذکر شهادت حسین بن علی علیهما السلام و اسارت  
عمه هایش می شد، اشک از چشم مبارکش مانند درّ جاری می گشت.

### 3. خطبه حضرت عباس علیه السلام در مکه

در این روز در سال 60 هـ یک روز قبل از خروج مولانا ابو عبدالله الحسین علیه السلام از مکه به کربل حضرت  
قمر بنی هاشم علیه السلام بر فراز خانه خدا رفت و خطبه ای قراءت ایراد فرمود. شروع خطبه چنین بود: حمد  
مخصوص پروردگاری است که این خانه را به قدم پدرم (امیرالمؤمنین علیه السلام) شرافت بخشید.

1. کافی: ج 1، ص 260. بصائر الدرجات: 502. بحار الانوار: ج 46 ص 213. مدینه المعاجز: ج 4 ص 437.

2. فیض العلام: ص 110-111. انوار البهیة: ص 69.

3. کافی: ج 3، ص 217. من لا یحضره الفقیه: ج 1 ص 128. وسائل الشیعة: ج 3 ص 238. بحار الانوار: ج 46 ص 215، ج 79 ص 72.

4. کافی: ج 5 ص 117. بحار الانوار: ج 46 ص 220. الغدیر: ج 2 ص 21.

سپس در عظمت و بزرگی و علوم مقام حضرت سید الشهداء علیه السلام و پیروی از آن حضرت، و اینکه اگر اجازه دهند همینجا مانند باز شکاری عصبانی در بین گنجشکان قرار می گرفتیم و تکلیف را روشن می کردم... در ادامه فرمودند: چه کسانی را از مرگ می ترسانید؟ کسانی که در کودکی مرگ بازیچه آنان بوده چه رسد به بزرگی...!

آنگاه فرمود: قریش خواستند رسول خدا صلی الله علیه و آله را به قتل برسانند ولی ممکن نبود چون امیرالمؤمنین علیه السلام بود. چطور می خواهید اباعبدالله الحسین علیه السلام را بکشد مادامی که من زنده هستم؟ بیایید مرا بکشید تا مرادتان حاصل شود.. در پایان فرمود: لعنت خدا بر شما و بر اجداد شما. <sup>(1)</sup>

### 3. بردن امام کاظم علیه السلام به زندان بصره

در این روز امام کاظم علیه السلام را در حالی که در غل و زنجیر بسته بودند، به بصره بردند و مدت یکسال نزد عیسی بن جعفر بن ابی جعفر منصور محبوس کردند و سپس حضرت را به بغداد بردند.

عیسی آن حضرت را در یکی از حجرات خانه خود که نزدیک به دیوانخانه بود محبوس کرد و مشغول فرح و سرور گردید. از یکی از کاتبان او که نصرانی بود نقل شده که می گفت: «این عبد صالح و بنده شایسته خود - یعنی موسی بن جعفر علیه السلام - در ایامی که در این خانه محبوس بود چیزهایی از لهُو و لعب شنید که گمان ندارم هر گز بر خاطر شریف آن حضرت خطور کرده باشد».

آقا و مولایمان حضرت کاظم علیه السلام مدت یکسال در بصره محبوس بودند، و بعد از یکسال آن حضرت را به بغداد بردند و نزد فضل بن ربیع حبس کردند.

1. خطیب کعبه، از علی اصغر یونسین، به نقل از مناقب السادة الكرام عین العارفين هندی.

2. عیون اخبار الرضا علیه السلام: ج 2 ص 82. الغیبة (شیخ طوسی): ص 29. الامام موسی بن جعفر علیه السلام فی بحار الانوار: ص 207، 219. فیض العلام: ص 111.

## 8 ذی الحجّه

### 1. توطئه ترور امام حسین علیه السلام

در این روز در سال 60 هجری به دستور یزید لعین سی نفر از شیاطین بنی امیه از شام برای دستگیری و یا کشتن امام حسین علیه السلام به بهانه حج وارد مکه شدند. (1)

### 2. دعوت عمومی حضرت مسلم علیه السلام در کوفه

در این روز در سال 60 هـ روز سه شنبه حضرت مسلم علیه السلام دعوت خود را برای امام حسین علیه السلام در کوفه آشکار کرد و از طرفی کوفیان نفاق خود را نمودار کردند. (2)

### 3. حرکت امام حسین علیه السلام از مکه به عراق

در این روز در سال 60 هـ امام حسین علیه السلام از مکه متوجه عراق شدند، و این قول مشهور بین محدثین و ارباب مقاتل است. (3) بنا بر قولی آن حضرت در روز نهم از مکه به طرف عراق حرکت فرمودند. (4)

## 9 ذی الحجّه

### 1. روز عرفه

در شب و روز عرفه (5) زیارت امام حسین علیه السلام مستحب است، چه اینکه خداوند ابتدا

---

1. بحار الانوار: ج 45 ص 99. لهوف: ص 127. وقائع الشهور: ص 225. قلائد النحور: ج ذی الحجّه، ص 375. فیض العلام: ص 113. ینابیع الموده: ج 3 ص 59.

2. ارشاد: ج 2، ص 66. اعلام الوری: ج 1، ص 445. مسار الشیعة: ص 17. بحار الانوار: ج 44، ص 363. فیض العلام: ص 112.

3. ارشاد: ج 2، ص 66. اعلام الوری: ج 1، ص 445. مسار الشیعة: ص 17. بحار الانوار: ج 44، ص 363. مقتل الحسین علیه السلام (ابی مخنف): ص 61. فیض العلام: ص 112.

4. بحار الانوار: ج 44، ص 366. اختیارات: ص 40. مروج الذهب: ج 3 ص 70.

5. مصباح المجتهد: ص 658. مسار الشیعة: ص 18. توضیح المقاصد: ص 30. مصباح کفعمی: ج 2، ص 600.



به زوار امام حسین علیه السلام نظر می کند زیرا همه حلال زاده اند، و بعد به زوار با معرفت خویش در عرفات نظر می کند. <sup>(1)</sup>

## 2. شهادت حضرت مسلم علیه السلام و هانی علیه السلام

در این روز در سال 60 هـ محمد بن کثیر و پسرش در کوفه به جرم مهمانداری و طرفداری از مسلم بن عقبه علیه السلام به شهادت رسیدند. در شب عرفه جناب مسلم بن عقبه علیه السلام به منزل طوعه رفتند. در روز عرفه سال 60 هـ که چهارشنبه بود جناب مسلم بن عقبه و هانی بن عروه را در کوفه شهید کردند. <sup>(2)</sup>

## خاندان حضرت مسلم علیه السلام

نام مبارکش مسلم و پدرش عقبه، و مادرش علیّه، و همسر آن حضرت رقیه دختر امیرالمؤمنین علیه السلام است. <sup>(3)</sup>

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «چشم مؤمنان بر او گریان است، و ملائکه مقرب الهی بر او درود می فرستند». سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم گریست تا اینکه اشک های چشم حضرت بر سینه مبارمش ریخت، و فرمود: به خدا شکایت میکنم از آنچه عترتم بعد از من می بینند. <sup>(4)</sup>

امام حسین علیه السلام هنگامی که آن حضرت را به سوی کوفه فرستادند، در قسمتی از نامه به اهل کوفه چنین فرمودند: «برادرم و پسر عمویم و فرد مورد اطمینان از اهل بیتم را نزد

---

1. کامل الزیارات: ص 317. من لا یحضره الفقیه: ج 2 ص 580. ثواب الاعلام: ص 90. تهذیب الاحکام: ج 6 ص 50. مصباح المجتهد: ص 658. وسائل الشیعه: ج 14 ص 462. مستدرک الوسائل: ج 10 ص 283. زاد المعاد: ص 223. بحار الانوار: ج 98 ص 85.  
2. ارشاد: ج 2 ص 66. اعلام الوری: ج 1، ص 445. مصباح کفعمی: ج 2، ص 600. بحار الانوار: ج 44، ص 363. الشهید مسلم بن عقبه علیه السلام: ص 151. مسار الشیعه: ص 18. فیض العلام: ص 115-113. اختیارات: ص 40. مروج الذهب: ج 3، ص 69 - 70.  
3. مراقد المعارف: ج 2، ص 307، 316. منتخب التواریخ: ص 292 - 293. فرسان الهیجاء: ج 1، ص 72، 62.  
4. امالی صدوق: ص 191. بحار الانوار: ج 22 ص 288، ج 44 ص 288. الشهید مسلم بن عقبه علیه السلام: ص 162.

شما فرستادم». هنگامی که امام حسین علیه السلام خبر شهادت آن حضرت و هانی را شنید، چند بار فرمود: «انا لله و انا اليه راجعون». سپس فرمود: «خیری در زندگی بعد از آنها نیست». از جمله وصایای آن حضرت به ابن سعد این بود که کسی را به نزد امام حسین علیه السلام نفرستد که آن حضرت به سوی کوفه نیاید.

### شهادت و دفن بدن حضرت مسلم علیه السلام

در غربت و مظلومیت آن حضرت همین بس که از پشت بام ها دسته های نی را آتش می زدند و بر سر آن حضرت می ریختند. همچنین زمانی که چشم ابن زیاد بر آن حضرت افتاد، زبان به جسارت امیرالمؤمنین و امام حسین علیه السلام و عقیل گشود. در بالای دار الاماره با لب تشنه سر از بدن نازنیش جدا کردند و بدنش را از بالای قصر به پائین انداختند. بعد از شهادت ریسمان به پای مبارکش بسته و در میان بازار کوفه می کشیدند. سپس بدن مبارکش را به دار زده و سر مطهرش را به دمشق فرستادند.

در دفن بدن مطهر دو نظر است: یکی اینکه جمعی از قبیله هانی آمدند و بدنهای مطهر مسلم بن عقیل و هانی را دفن کردند. <sup>(1)</sup> دیگر اینکه نیمه شب زوجه میثم تمار به همراهی چند نفر از جمله همسر هانی بن عروه، بدنها را در کنار مسجد اعظم کوفه دفن کردند. <sup>(2)</sup>

### هانی بن عروه

اما جناب هانی که پدرش عروه است، از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و از بزرگان و خواص شیعه و مخلصین در محبت امیرالمؤمنین علیه السلام بود، و در جنگ های صفین، جمل و نهروان در خدمت آن حضرت بود. <sup>(3)</sup>

1. مراقد المعارف: ج 2، ص 318. فرسان الهیجاء: ج 2، ص 106.

2. وسیلة الدارین فی انصار الحسین علیه السلام: ص 209، از ثعلبی.

3. مراقد المعارف: ج 2، ص 318، 359، 361. منتخب التواریخ: ص 294-295. فرسان الهیجاء: ج 2، ص 139-143. وسیلة الدارین فی انصار الحسین علیه السلام: ص 208-209.

جناب هانی بزرگ طایفه مذحج بود و در قبيله خود دارای نفوذ فراوانی بود. هنگامی که اهل کوفه عهد و پیمان خود را شکستند و بی وفائی خود را نسبت به اهل بیت علیهم السلام و مسلم بن عقیل ثابت کردند، جناب هانی بن عروه آن حضرت را پناه داد. پس از آن محمد بن اشعث حبیب جناب هانی و عده ای از شیعیان را دستگیر کرد.

بعد از شهادت مسلم بن عقیل و شکستن سر و بینی جناب هانی توسط ابن زیاد ملعون، آن خبیث دستور داد سر جناب هانی را در بازار گوسفند فروشان از بدنش جدا کردند و با طنابی که به پای آن بزرگوار بسته بودند همراه با بدن جناب مسلم بن عقیل علیه السلام در بازار کوفه روی زمین کشیدند و سپس به دار زدند، و سپس بدن هانی همراه با بدن مسلم دفن شد.

### 3. روز سد الابواب

در این روز به امر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم همه درهای منازل اصحاب به طرف مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بسته شد، جز در خانه امیرالمؤمنین علیه السلام که به دستور خاص الهی آن را نبستند. (1)

عده ای از اصحاب عرض کردند: یا رسول الله، چرا همه درب ها را جز در خانه علی علیه السلام بستید؟ حضرت فرمودند: «من تابع وحی پروردگار هستم» (2)، و در روایتی دیگر است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم خطبه ای ایراد فرمود و در ضمن آن فرمود: «ای مردم، خداوند متعال به موسی و هارون امر فرمود خانه هایی بنا کنند، و امر فرمود که جنب در آن خانه ها بیتوته نکند و زنها داخل آنها نشوند مگر هارون و ذریه هارون. علی بن ابی طالب علیه السلام برای من به منزله هارون است برای موسی. پس برای احدی حلال نیست

---

1. توضیح المقاصد: ص 30. بحار الانوار: ج 95، ص 188، ج 97، ص 384. مصباح کفعمی: ج 2، ص 600. وقایع المشهور: ص 226. تقویم المحسنین: ص 13. اختیارات: ص 40.

2. امالی صدوق: ص 143. بحار الانوار: ج 39، ص 35-19. الغدیر: ج 3، ص 202. مسند احمد: ج 4، ص 369. مستدرک حاکم: ج 3، ص 125. ینابیع الموده: ج 2، ص 169، 233، 398. المناقب (خوارزمی): ص 327. مجمع الزوائد: ج 9، ص 114. تاریخ دمشق: ج 42، ص 138. کنز العمال: ج 11، ص 598.

نزدیک زنان شود و یا با حالت جنابت داخل مسجد من شود مگر برای علی و ذریه علی علیه السلام». پیامبر صلی الله علیه و آله ایستادند و فرمودند: «عده ای رضایت قلبی ندارند که علی بن ابی طالب علیه السلام در همه وقت و هر حالتی ساکن مسجد باشد، در حالی که آنها بیرون شده اند و به خدا قسم که من آنها را بیرون نکرده ام و علی علیه السلام را من ساکن مسجد قرار نداده ام، بلکه خداوند آنها را بیرون نموده و علی علیه السلام را ساکن مسجد قرار داده است، و منزلت او نزد من مانند منزلت هارون نزد موسی علیه السلام است. سپس در فضائل علی علیه السلام کلماتی فرمودند، تا آنجا که فرمودند: «هر کس از این موضوع ناراحت است برود آنجا»، و اشاره به طرف شام کردند. <sup>(1)</sup>

## 10 ذی الحجه

### 1. عید قربان

روز عید اضحی است، و در این روز حجاج بیت الله الحرام برای رمی جمرات و قربانی کردن در منی به سر می برند. <sup>(2)</sup>

### 2. شهادت عبدالله محض و جمعی از آل حسن علیه السلام

در این روز در سال 145 هـ جناب عبدالله محض بن حسن مثنی بن امام حسن مجتبی علیه السلام در سن 57 سالگی همراه با جمعی از برادران و پسر عموهای خود در زندان

---

1. علل الشرایع: ج 1، ص 201. وسائل الشیعة: ج 2 ص 208. بحار الانوار: ج 25 ص 235، ج 39 ص 22. غایة المرام: ج 2 ص 114. مناقب آل ابی طالب علیه السلام: ج 2 ص 221. شرح احقاق الحق: ج 5 ص 540-587، ج 16 ص 374-332، ج 21 ص 257-243. الغدیر: ج 3 ص 215-202. نفحات الازهار: ج 18 ص 199. ینایع المودة: ج 1 ص 259. تذکرة الخواص ابن جوزی: ص 46. الدر المنثور: ج 3 ص 314. تاریخ دمشق: ج 42 ص 141.

2. توضیح المقاصد: ص 30. مسار الشیعة: ص 18.

منصور دوانیقی لعنه الله علیه به شهادت رسیدند. زندان آنان به گونه ای بود که روز و شب در آن مشخص نبود.

برادران عبدالله محض حسن و ابراهیم بودند، مادر این دو بزرگوار فاطمه بنت الحسین علیها السلام بود. فرزندان عموی عبدالله محض، یعقوب، اسحاق، ابوالحسن علی العابد، عباس و عبدالله بودند. بعضی از این بزرگواران مثل ابراهیم بن حسن زنده دفن شدند. بعضی دیگر هنگامی که داخل خانه بودند سقف را روی آنها خراب کرد و شهید شدند. مرقد آل حسن علیهم السلام در هاشمیه نزدیک بغداد است، که مشهور به قبور سبعة است. <sup>(1)</sup>

منصور به خاطر عداوت خاصی که با اهل بیت علیهم السلام داشت، مدتی قبل از شهادت آن بزرگواران، در سال 144 هـ دستور داد آل حسن علیهم السلام را با غل و زنجیر بر گردن و پا، بر مرکبهای چموش و بدون روانداز سوار کرده به ریزه ببرند. آنان را با این حال در مقابل آفتاب با بدن برهنه در مقابل منصور نگه داشتند. عبدالله محض خطاب به منصور فرمود: «آیا ما در روز بدر با اسرای شما چنین کردیم؟» این کلام بر منصور گران آمد و برخاست و رفت.

هنگامی که آن بزرگوار را با این حال از مدینه بیرون می بردند، امام صادق علیه السلام از پس پرده ای به آنان نگاه کرد و آنقدر گریست که اشک بر محاسن شریفش جاری شد و فرمود: «به خدا قسم بعد از این جماعت حرمتی برای خداوند حفظ نکرده اند.» <sup>(2)</sup>

---

1. مرآة المعارف: ج 2، ص 15. کتاب المعقبین من ولد الامام امیرالمؤمنین علیه السلام: ص 123 - 124. سفینة البحار: ج 5 ص 219.

2. مرآة المعارف: ج 2، ص 19. بحار الانوار: ج 47 ص 305. مقاتل الطالبین: ص 144، 149، 196، 205. تاریخ طبری: ج 6 ص 174.

### 3. نماز عید امام رضا علیه السلام در خراسان<sup>(1)</sup>

در این روز<sup>(2)</sup> یا در عید فطر<sup>(3)</sup> آقا و مولایمان حضرت ثامن الحجج علیه السلام به خواهش مأمون، در خراسان برای نماز عید تشریف فرما شدند. مأمون با دیدن ازدحام مردم برای شرکت در نماز به امامت حضرت، دستور داد از نیمه راه باز گردند، چرا که ترسید مردم بر او شورش کنند. در مراجعت از این نماز بود که حضرت رضا علیه السلام از خداوند تقاضای مرگ فرمود.

## 11 ذی الحجّه

### 1. روز نوشتن دعای صبح

در این روز در سال 25 هـ امیرالمؤمنین علیه السلام دعای شریف صبح را - که تعلیم پیامبر صلی الله علیه و آله بود - به دست مبارک خود نوشتند.<sup>(4)</sup>

### 2. منازل امام حسین علیه السلام تا کربلا: 1 «ابطح»، 2 «تنعیم»، 3 «صفاح»

در این روز حضرت امام حسین علیه السلام به منزل اول؛ ابطح رسیدند و یزید بن ثبیط بصری و چند نفر از فرزندان او به همراه جمعی از شیعیان به آن حضرت ملحق شدند. سپس حرکت نموده به منزل دوم یعنی «تنعیم» و بعد از آن به منزل سوم یعنی «صفاح» نزول اجلال فرمودند.<sup>(5)</sup>

---

1. کافی: ج 1 ص 489. عیون اخبار الرضا علیه السلام: ج 1 ص 161. بحار الانوار: ج 49 ص 134، ج 78 ص 360. مسند الامام الرضا علیه السلام: ج 1 ص 64.

2. قلاند النحور: ج ذی الحجّه، ص 383.

3. وقایع الشهور: ص 189.

4. بحار الانوار: ج 91، ص 247. مکاتیب الرسول صلی الله علیه و آله: ج 2 ص 190.

5. الامام الحسین علیه السلام و اصحابه: ج 1 ص 155-154.

## 12 ذی الحجّه

### 1. منازل امام حسین علیه السلام تا کربلا: 4 «وادی عقیق»

در این روز حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام به وادی عقیق رسیدند. (1)

## 13 ذی الحجّه

### 1. شق القمر

در شب 14 ذی الحجّه واقعه شق القمر به اعجاز پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در مکه رخ داد. (2) بعضی این واقعه را در شب 18 این ماه گفته اند. (3)

قریش از آن حضرت معجزه طلب کردند، و حضرت با انگشت اشاره به ماه کردند، و به قدرت الهی دو نیم شد و باز به هم پیوست، و آیه نازل شد: (اقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَ انْشَقَّ الْقَمَرُ). (4) ابوجهل گفت: «این سحر است! بفرستید از شهرهای دیگر هم بپرسند که آیا آنها هم دیدند که ماه دو نیم شد. چون از اهل شهرهای دیگر پرسیدند: آنها نیز خبر دادند که نیمی از ماه پشت خانه کعبه و نیمی بر کوه ابوقبیس افتاد. (5)

### 2. منازل امام حسین علیه السلام تا کربلا: 5 «وادی صفراء»

در این روز امام حسین علیه السلام به وادی «صفراء» رسیدند که سرزمینی بود دارای زراعت و نخل های فراوان. در این منزل مجّع و عبّاد و همراهانش به حضرت ملحق

1. الامام الحسین علیه السلام و اصحابه: ج 1 ص 158. مثير الاحزان: ص 42.

2. بحار الانوار: ج 17، ص 352. فیض العلام: ص 120.

3. وقائع الشهور: ص 231.

4. سوره قمر: آیه 1.

5. حق الیقین: ص 28. بحار الانوار: ج 17، ص 347-358. ریاحین الشریعة: ج 2 ص 357.

شدند و آن دو بزرگوار در کربلا شهید شدند. (1)

## 14 ذی الحجه

### 1. بخشیدن فدک به حضرت زهرا علیها السلام (2)

در این روز یا شب آن در سال هفتم هجرت، فدک به حضرت زهرا علیها السلام بخشیده شد، و حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم بر این بخشش شاهد گرفتند. (3) قول دیگر در این باره 15 رجب است. (4)

### فتح فدک

پس از فتح خیبر در سال هفتم هجرت، حدود چهار سال قبل از شهادت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم جبرئیل نازل شد، و دستور فتح فدک توسط پیامبر و امیرالمؤمنین علیه السلام را آورد. آن دو بزرگوار در تاریکی شب با اسلحه لازم به سرزمین فدک آمدند، و حسب دستور پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و سلم، امیرالمؤمنین علیه السلام بر کتف پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم قرار گرفت و آن حضرت برخاست و امیرالمؤمنین علیه السلام را با خود بلند کرد. به معجزه الهی مولی الموحدين علیه السلام در حالی که

1. الامام الحسين علیه السلام و اصحابه: ج 1 ص 158-159.

2. کافی: ج 1 ص 543. مناقب آل ابی طالب علیه السلام: ج 1 ص 186، 330. اللعنة البيضاء فی شرح خطبة الزهراء علیها السلام. احتجاج: ج 1 ص 119. بحار الانوار: ج 29 ص 215-105. المسترشد: ص 509-501. بیت الاحزان: ص 157 - 133. التعجب: ص 51 (128). الطرائف: ص 274 - 247. الصراط المستقیم: ج 2 ص 294 - 282. الغدير: ج 7 ص 197 - 191. غایة المرام: ج 3 ص 289-284. احقاق الحق: ص 228-223، 241، 306-297. شرح احقاق الحق: ج 10 ص 305-296، ج 25 ص 546-531، ج 33 ص 370-350. ماذا تقضون؟: ص 545. السيدة فاطمة الزهراء علیها السلام: ص 150 - 138. الدر المنثور: ج 4 ص 177. شرح نهج البلاغة: ج 16 ص 286-208. شواهد التنزیل: ج 1 ص 445-438 معجم البلدان: ج 4 ص 240-238.

3. بحار الانوار: ج 95، ص 189. مستدرک سفینه البحار: ج 2، ص 216. وقائع الشهور: ص 223.

4. مسار الشيعة: ص 35. مصباح المجتهد: ص 742. مصباح کفعمی: ج 2، ص 598.



شمشیر رسول الله ﷺ همراهش بود، از دیوار قلعه فدک بالا رفت و بالای دیوار صدای مبارکش را به اذان بلند کرد.

یهودیان فدک گمان کردند که مسلمین حمله کرده اند و روی دیوارها هستند. خواستند از در قلعه فرار کنند، ولی بیرون قلعه مقابل در آن پیامبر ﷺ را در برابر خود دیدند و از طرفی امیرالمؤمنین علیؑ پائین آمد و با آنان درگیر شد و 18 نفر از بزرگان آنان را کشتند، و بقیه تسلیم شدند.

زنان و فرزندان آنان را اسیر کردند و غنائم را همراه خود آوردند. امر بر این قرار گرفت که هر کس از اهل فدک مسلمان شود، خمس اموال او را بگیرند و هر کس بر دین خود باقی ماند همه اموالش را بگیرند. این گونه بود که بدون لشکرکشی و کوچکترین دخالت مسلمین قلعه فدک فتح شد. و طبق آیه مبارکه سوره حشر (1) سرزمین هایی که بدون لشکرکشی مسلمین فتح شود، حتی اگر اهل آنجا خودشان به عنوان تسلیم نزد پیامبر ﷺ بیایند، این مناطق و غنائم و اسرای آن ملک خاص حضرت است و مانند اموال شخصی خود می تواند هر تصمیمی در باره آنها بخواهد بگیرد، و مسلمین هیچ حقی در آنها ندارند.

#### اعطای فدک به فاطمه علیها السلام

بعد از این ماجرا جبرئیل نازل شد و این آیه را آورد: **(وَآتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ)**: «حق خویشان را به آنان بده» (2) پیامبر ﷺ پرسید: منظور چه کسانی هستند، و این حق کدام است؟ جبرئیل از طرف خداوند عرضه داشت: فدک را به فاطمه علیها السلام عطا کن. پیامبر ﷺ به حضرت زهرا علیها السلام فرمود: «خداوند فدک را برای پدرت فتح کرد و چون لشکر اسلام آن

1. سوره حشر: آیه 6 - 7: «مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْهُمْ فَمَا أَوْجَفْتُمْ عَلَيْهِ مِنْ خَيْلٍ وَلَا رِكَابٍ وَلَكِنَّ اللَّهَ يُسَلِّطُ رَسُولَهُ عَلَى مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (6) ما افاء الله على رسوله من اهل القرى فليله وللرسول ولذی القرى والیتامی والمساکین وابن السبیل کی لا یکون دولة بین الأغنیاء منکم وما آتاکم الرسول فخذوه وما نهاکم عنه فانتهوا واتقوا الله إن الله شدید العقاب (7)»
2. سوره اسراء: آیه 26.

را فتح نکرده مخصوص من است. خداوند دستور داده آن را به تو بدهم. از سوی دیگر مهریه مادرت حضرت خدیجه علیها السلام بر عهده پدرت مانده و پدرت در قبال مهریه مادرت و به دستور خداوند فدک را به تو عطا می کند. آن را برای خود و فرزندان بردار و مالک آن باش.»

حضرت زهرا علیها السلام عرض کرد: «تا شما زنده اید بر من و مال من صاحب اختیار هستید». پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: ترس آن را دارم که ناهلان تصرف نکردن تو را در زمان حیاتم، بهانه ای قرار دهند و بعد از من آن را از تو منع کنند. حضرت صدیقه علیها السلام عرض کرد: آن گونه که صلاح می دانید عمل کنید. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم امیرالمؤمنین علیه السلام را فرا خواند و فرمود: «سند فدک را به عنوان بخشوده و اعطائی پیامبر بنویس و ثبت کن». علی علیه السلام آن را نوشت و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و یکی از غلامان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و امّ ایمن شهادت دادند و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: امّ ایمن زنی از اهل بهشت است، و تا زمان حیات رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم وکلای حضرت زهرا علیها السلام در آن سرزمین بودند. (1)

#### درآمد فدک

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مردم را در منزل حضرت زهرا علیها السلام جمع نمود و به آنان خبر داد که فدک از آن فاطمه علیها السلام است و از درآمد فدک به عنوان اعطائی فاطمه علیها السلام بین مردم تقسیم کرد. درآمد فدک را سالیانه از هفتاد هزار سکه طلا تا صد و بیست هزار سکه نوشته اند. هر سال چشمان بسیاری از نیازمندان منتظر سر رسیدن درآمد فدک بود.

#### غصب فدک

بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مأموران ابوبکر به دستور او نماینده حضرت صدیقه علیها السلام را از فدک اخراج کردند و ملک آن را غصب نمودند و درآمد آن را به طور کامل برای مخارج حکومت غاصبانه خود صرف کردند.

1. کافی: ج 1 ص 543. مناقب آل ابی طالب علیهم السلام: ج 1 ص 187. بحار الانوار: ج 29، ص 110، 115، 118، ج 48 ص 157. نهج الحق و کشف الصدق: ص 357.

حضرت صدیقه علیها السلام همان نوشته و سند فدک را که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند و آن حضرت ثبت کرد، عیناً نزد ابوبکر آورد، ولی ابوبکر نه سند را قبول کرد و نه شاهدان را. <sup>(1)</sup>

بعد از 15 روز که از شهادت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم گذشته بود، حضرت صدیقه شهیده علیها السلام همراه با جمعی از زنان بنی هاشم به مسجد تشریف بردند و خطبه ای ایراد فرمودند که دریائی از معارف، حقایق بلاغت و فصاحت و شرایع اسلامی در آن است.

ابوبکر نامه ای دال بر بازگرداندن آن به حضرت نوشت، ولی هنگامی که فاطمه زهرا علیها السلام آن سند را در دست داشت و به منزل باز می گشت با عمر روبرو شد و او نوشته ابوبکر را با جسارت به ساحت ملکوتی حضرت از او گرفت.

## 2. افشاء سر ولایت توسط عایشه و حفصه <sup>(2)</sup>

در این روز در سال دهم هجرت در حجة الوداع پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به حفصه سَرِّی را بیان فرمود و به او تذکر داد که اگر این سر را با کسی بازگو کنی، لعنت خدا و ملائکه و تمامی مردم بر تو باد.

عایشه بلافاصله آن سر را به حفصه گفت. و هر کدام آن سر را به پدرانشان بازگو کردند، و ابوبکر هم عمر را در جریان قرار داد. کار به جایی رسید که آن چهار زن و مرد تصمیم گرفتند پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را مسموم کنند. <sup>(3)</sup>

1. بحار الانوار: ج 29 ص 105.

2. الغدير: ج 5 ص 342. تفسير قرطبي: ج 5 ص 172. مجمع الزوائد: ج 5 ص 178، ج 7 ص 126. الدر المنثور: ج 6 ص 240. المعجم الكبير: ج 12 ص 92. صحيح بخارى: ج 3 ص 106. طبقات الكبرى: ج 8 ص 184، 187، 190. تفسير الجلالين: ص 751. سنن الداقطنى: ج 4 ص 88.

جبرئیل پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم را با خبر کرد و آن حضرت آنها را از توطئه و افشاء سرّ خبر داد. سپس حفصه را طلاق دادند، ولی بعداً به اصرار بعضی رجوع فرمودند و آیات سوره تحریم نازل شد. (1) به قولی افشاء سر در دوازدهم این ماه واقع شده است. (2)

این دو زن چه کرده بودند که خداوند در سوره تحریم آنها را به زن نوح و لوط عليهما السلام تشبیه نموده است؟ (3) در آخر آیه 4 این سوره آمده است: اگر شما دو زن یاور هم شوید برای قتل آن حضرت، خداوند و جبرئیل و صالح المؤمنین - یعنی امیر المؤمنین عليه السلام - و ملائکه یاور پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم هستند. (4) «تظاهروا» در آیه شریفه خطاب به عایشه و حفصه است، و معنایش این است که آنان تعاون بر اذیت پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم نموده سرّ آن حضرت را فاش کردند و زنان آن حضرت را اذیت نمودند. عمر می گوید: مراد از این دو زن که در اذیت پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم هم پیمان بودند عایشه و حفصه است. (5)

### 3. منزل امام حسین عليه السلام تا کربلا: 6 «ذات عرق»

در این روز که دوشنبه بود، امام عليه السلام با اهل بیتش عليهم السلام به منزل ذات عرق رسیدند. (6)

1. «وَ إِذْ أَسْرَ النَّبِيُّ إِلَى بَعْضِ أَزْوَاجِهِ حَدِيثاً فَلَمَّا نَبَّأَتْ بِهِ وَأَظْهَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ عَرَفَ بَعْضَهُ وَأَعْرَضَ عَنْ بَعْضٍ فَلَمَّا نَبَّأَهَا بِهِ قَالَتْ مَنْ أَنْبَأَكَ هَذَا قَالَ نَبَّأَنِيَ الْعَلِيمُ الْخَبِيرُ إِنَّ تَوْبًا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَعَتْ قُلُوبُكُمْ وَإِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَ جِبْرِيلُ وَ صَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمَلَائِكَةُ بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ». (سوره تحریم: آیات 3 و 4).

2. وقائع الشهور: ص 229.

3. «ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَ امْرَأَتَ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحَيْنِ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئاً وَ قِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّٰخِلِينَ». (سوره تحریم: آیه 10). ریاحین الشریعة: ج 2، ص 382 - 383. به نقل از تفسیر خازن بغدادی، فخر رازی، زمخشری. بحار الانوار: ج 22، ص 228-232، ج 28 ص 97.

4. تفسیر برهان: ج 4، ص 352 - 353. بحار الانوار: ج 22، ص 232، 240، 500. ج 36 ص 27. الغدیر: ج 1 ص 394. غایة المرام: ج 4 ص 83. شرح احقاق الحق: ج 3؛ ج 14؛ ج 20؛ ج 30.

5. بحار الانوار: ج 4 ص 352-353. ریاحین الشریعة: ج 2 ص 382-383. به نقل از تفسیر خازن بغدادی، فخر رازی، زمخشری. صحیح بخاری: ج 6 ص 69، ج 7 ص 46. صحیح مسلم: ج 4 ص 189. مسند احمد: ج 1 ص 48. جامع البیان: ج 28 ص 207. مسند ابن راهویه: ج 4 ص 21. کنز العمال: ج 2 ص 533. طبقات الکبری: ج 8 ص 185. تفسیر قرطبی: ج 1 ص 26، ج 18 ص 189.

6. الامام الحسین عليه السلام و اصحابه: ج 1 ص 158.

## 1. ولادت امام هادی علیه السلام

امام هادی علیه السلام بنا بر مشهور در چنین روزی از سال 212 یا 214 هـ در قریه صریا نزدیکی مدینه به دنیا آمد. (1) ولادت آن بزرگوار در 27 جمادی الاخر (2) و 2 و 3 و 5 و 8 و 13 رجب (3) و 27 و 29 ذی الحجّه (4) هم نقل شده است.

نام مبارک آن حضرت «علی»، نام پدرشان جواد الائمه علیهم السلام، و نام مادر آن حضرت سمانه مغربیه معروف به سیده است.

کنیه شریفش ابوالحسن ثالث است. القاب حضرت: نجیب، مرتضی، هادی، تقی، عالم، فقیه، امین، مؤتمن، الطیب، عسکری، فقیه عسکری و ابن الرضا بود. (6)

## 2. منازل امام حسین علیه السلام تا کربلا: 7 «حاجر» (7)

در این روز که پنجشنبه بود، حضرت امام حسین به منزل «حاجر» رسیدند، (8) و در اینجا بود که برادر رضاعی خود عبدالله بن یقظر یا قیس بن مسهر را با نامه ای به سوی حضرت مسلم فرستاد که در قادسیه توسط حصین بن نمیر دستگیر شد. (9)

- 
1. کافی: ج 1 ص 497. تهذیب الاحکام: ج 6 ص 92. توضیح المقاصد: ص 30. ارشاد: ج 2 ص 298. اعلام الوری: ج 2، 109. فیض العلام: ص 121. بحار الانوار: ج 50، ص 116 - 117. مناقب آل ابی طالب علیهم السلام: ج 4، ص 433. تاریخ قم: ص 201. تاج الموالید: ص 55. روضة الواعظین: ص 246.
  2. مناقب آل ابی طالب علیهم السلام: ج 4، ص 433.
  3. بحار الانوار: ج 50 ص 114، 117، ج 99 ص 79. منتخب التواریخ: ص 789. تاریخ قم: ص 201. مناقب آل ابی طالب علیهم السلام: ج 4، ص 433. تقویم المحسنین: ص 17. اختیارات: ص 36.
  4. مصباح المتجهّد: ص 712. مسار الشیعة: ص 23. تاج الموالید: ص 55.
  5. کافی: ج 1 ص 498. مناقب آل ابی طالب علیهم السلام: ج 4، ص 433. ریاحین الشریعه: ج 3، ص 23.
  6. مناقب آل ابی طالب علیهم السلام: ج 4 ص 432. 7. «حاجر» غلط است.
  8. الامام الحسین و اصحابه: ج 1 ص 161.
  9. بحار الانوار: ج 44 ص 369. الارشاد: ج 2 ص 70. لهوف: ص 136. مثير الاحزان: ص 30.

## 16 ذی الحجہ

1. منازل امام حسین علیه السلام تا کربلا: 8 «فید»

در این روز حضرت امام حسین علیه السلام به منزل «فید» رسیدند. (1)

## 17 ذی الحجہ

1. منازل امام حسین علیه السلام تا کربلا: ج 9 «اجفر»

در این روز حضرت اباعبدالله الحسین به منزل «اجفر» که 36 فرسخی مکه بود رسیدند. (2)

## 18 ذی الحجہ

1 - عید غدیر

در این روز در سال دهم هجرت واقعه غدیر در بازگشت از حجة الوداع به وقوع پیوست (3)، و طی سه روز

- که کاروان صد و بیست هزار نفری حجاج در غدیر خم توقف

---

1. الامام الحسین علیه السلام و اصحابه: ج 1 ص 162.

2. الامام الحسین علیه السلام و اصحابه: ج 1 ص 163.

3. الغدير: ج 1 ص 10، 33، 231، 236، 268، 280، 286، 296، 392. کافی: ج 4 ص 149. توضیح المقاصد: ص 31. العدد القویة: ص

166. مصباح کفعمی: ج 2 ص 601. مناقب آل ابی طالب علیهم السلام: ج 3 ص 37. مصباح المجتهد: ص 754. بحار الانوار: ج 35 ص 150،

ج 37 ص 108، 150، 159، 189، ج 94 ص 110، ج 95 ص 189، 298. عیدالغدیر فی الاسلام علامه امینی. فیض العلام: ص 125.

تذکره الخواص: ص 37. تاریخ دمشق: ج 42 ص 233، 234. شواهد التنزیل: ج 1 ص 200، 203. ینایع المودة: ج 2 ص 283. تاریخ

بغداد: ج 8 ص 284.

داشتند - پیامبر ﷺ در بلندترین خطبه خود علی بن ابی طالب و یازده امام علیهم السلام بعد از او را به عنوان امامان مردم تا روز قیامت معرفی کردند و از همه آن جمعیت بیعت گرفتند.

### عید بزرگ آل محمد علیهم السلام

این روز بزرگترین عید آل محمد علیهم السلام به شمار می آید، چرا که واقعه ای مهم و عظیم بعد از زحمات انبیاء و اوصیاء و اولیاء است، و طی آن به دستور الهی اعلان عمومی به وصایت بلافضل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام شده است.

این روز عید مبارک آسمانی است.

روزی است که خداوند متعال حضرت ابراهیم علیه السلام را از آتش نجات داد.

روزی است که توبه حضرت آدم علیه السلام قبول شد.

روزی است که خداوند متعال حضرت موسی علیه السلام را بر ساحران غلبه داد.

روزی است که حضرت موسی علیه السلام در حضور امت خود یوشع بن نون را وصی خود گردانید.

روزی است که حضرت عیسی علیه السلام شمعون الصفا را جانشین خود گردانید.

روزی که حضرت سلیمان علیه السلام رعیت خود را بر جانشینی آصف بن برخیا گواه گرفت.

در این روز کشتی حضرت نوح علیه السلام روی زمین قرار گرفت. (2)

روز عقد اخوت بستن پیامبر ﷺ بین اصحابش است. (3)

در این روز پیامبران جانشینان خود را معین می نمودند، (4) و زیارت امیر المؤمنین علیه السلام در این روز وارد شده است. (5)

- 
1. مسار الشیعه: ص 22. الاقبال: ج 2 ص 265. وسائل الشیعه: ج 10 ص 445. فیض العلام: ص 125. زاد العماد: ص 267. تقویم المحسنین: ص 14.
  2. امالی صدوق: ص 190. بحار الانوار: ج 45 ص 203.
  3. مصباح کفعمی: ج 2، ص 125. تقویم المحسنین: ص 14. تقویم الاثمه علیهم السلام: ص 14.
  4. توضیح المقاصد: ص 32.
  5. بحار الانوار: ج 97، ص 358، 359، 372. فرحة الغری: ص 136.

## شرکت کنندگان در مراسم غدیر

ماجرای غدیر چنین بود که در روز شنبه، چهار یا پنج روز مانده به آخر ذی القعدة سال 10 هـ پیامبر ﷺ غسل نمودند و همراه با 120 هزار نفر از مسلمانان از مدینه خارج شدند.

در این سفر حضرت علیا مخدره صدیقه طاهره فاطمه زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ، امّ هانی خواهر امیر المؤمنین عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، فاطمه بنت حمزه امّ سلمه و سایر همسران پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از جمله عایشه و حفصه حضور داشتند. امیر المؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ هم از یمن با عده ای وارد مکه شدند. <sup>(1)</sup>

## دستور الهی برای مراسم غدیر

بعد از انجام اعمال حج دستور الهی رسید که علم و ودایع انبیاء را به امیر المؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ تحویل دهند و امر ولایت آن حضرت را به مردم تبلیغ نمایند.

پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بسیار گریست، به طوری که محاسن مبارکش از اشک تر شد. حضرت از خداوند خواستند که ایشان را از شر منافقین محافظت فرماید. <sup>(2)</sup> در منی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دوبار خطبه ایراد فرمودند، و اشاره کلی به ولایت امیر المؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمودند. در مسجد خیف جبرئیل نازل شد که خداوند می فرماید: «ولایت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ را به مردم برسان ولی وعده محافظت از شر دشمنان را برای آن حضرت نیاورد. در کُراع العُمَیم، بار دیگر جبرئیل نازل شد و این آیه را آورد که «فَلَعَلَّكَ تَارِكٌ بَعْضٌ مَّا يُوحَىٰ إِلَيْكَ، وَضَائِقٌ بِهِ صَدْرُكَ»: «شاید تو ترک کنی بعضی از اموری را که به تو وحی می شود و سینه تو به خاطر آن گرفته باشد». <sup>(3)</sup>

1. کافی: ج 4، ص 248. مناقب ابن شهر آشوب: ج 3، ص 25. الغدیر: ج 1 ص 9. طبقات الکبری: ج 3، ص 173. ارشاد الساری: ج 9، ص 426.

2. بحار الانوار: ج 37، ص 129-127.

3. سوره هود: آیه 12.



باز این بار هم امر ولایت مورد تأکید قرار گرفت، ولی آیه ای دال بر محافظت آن حضرت از شر دشمنان نیامد. پیامبر ﷺ مطالب منافین را به جبرئیل فرمود و کوچ کردند.

اوایل روز 18 ذی الحجه به غدیر خم رسیدند، و بار دیگر جبرئیل نازل شد و آیه 67 سوره مائده را آورد که شامل تبلیغ ولایت مولی الموالی امیر المؤمنین علیه السلام و در امان بودن آن حضرت از شر منافین بود: (يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ): «ای پیامبر تبلیغ کن به مردم آن امری را که در باره علی علیه السلام از جانب خدا بر تو فرستاده شد و اگر این کار را انجام ندهی رسالت الهی را تبلیغ نکرده ای، و خدا تو را از شر مردم حفظ می نماید. خداوند کافران را هدایت نمی کند».<sup>(1)</sup>

#### پیامبر ﷺ بر فراز منبر غدیر

قبل از ظهر، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بعد از دو رکعت نماز جماعت عید غدیر، بالای منبری - که زیر دو درخت کهنسال بود و توسط سلمان و ابوذر و مقداد و عمار ساخته شده بود - رفتند و امیر المؤمنین علیه السلام را بر فراز منبر یک پله پایین تر قرار دادند، در حالی که عده ای از منافقین مقابل منبر بودند.

بعد از بیان کلمات دُرربار خویش در توحید و صفات کمال حق تعالی و بیان قسمت عمده ای از احکام حلال و حرام دین خدا، گذشته عرب و زندگی و عقائد آنان و زحماتی که آن حضرت کشیده اند را بیان داشتند. سپس فرمودند: «بین قرآن و اهل بیت علیهم السلام اتصال ناگسستنی است و از یکدیگر جدا نمی شوند تا روز قیامت کنار حوض کوثر بر من وارد شوند.

---

1. سوره مائده: آیه 67.

سپس قسمتی از فضائل و مناقب امیر المؤمنین علیه السلام را بیان فرمودند، و در باره امامت و ولایت آن حضرت و اولادشان تا حضرت مهدی علیه السلام چند بار تأکید کردند. آنگاه فرمودند: بر من وحی شده است: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ...».

سپس فرمودند: ای مردم، من در تبلیغ آنچه خدا بر من نازل کرده کوتاهی نکردم و من سبب نزول این آیه را بیان می‌کنم. جبرئیل دوبار بر من نازل شد و از جانب خداوند متعال به من امر کرد که در این مکان به هر سفید و سیاهی از هر قبیله ای اعلام کنم که علی بن ابی طالب علیه السلام وصی و جانشین و امام بعد از من است. او بعد از خدا و رسولش ولی و صاحب شما و اولی بر همه شما از خود شماست. در این باره خداوند بر من آیه ای نازل نموده است. در این باره خداوند بر من آیه ای نازل نموده است: (إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ).<sup>(1)</sup>

سپس فرمودند: من از جبرئیل خواستم که از خداوند بخواهد مرا از تبلیغ این امر معذور بدارد، چون به کمی مؤمنین و زیادی منافقین و استهزاء کنندگان به اسلام آگاهم. آنگاه فرمودند: معاشر الناس و هو الامام المبين، روی بر مگردانید از ولایت او. فهو الذی یهدی الی الحق و یعمل به. اوست که هدایت به حق می‌کند و عمل به آن می‌نماید. او را فضیلت دهید که خدا او را فضیلت داده و او را قبول کنید که خداوند او را منصوب نموده است. ای مردم، او امام از طرف خداست. منکر ولایت او آمرزیده نخواهد شد و توبه اش قبول نمی‌شود. بعد از من افضل از همه، زنان و مردان علی علیه السلام است. ملعون و مورد غضب الهی است کسی که قول مرا رد کند و موافق آن نباشد. بدانید جبرئیل خبر داد که خداوند متعال می‌فرماید: هر کس با علی علیه السلام دشمنی کند و او را دوست نداشته باشد لعنت و غضب من بر او باد.

---

1. سوره مائده: آیه 55.

بعد فرمودند: خداوندا، تو شاهد باش. من رسالتم را ادا کردم. من رساندم آنچه فرموده بودی. من بر همگان واضح نمودم. آگاه باشید، غیر از برادرم علی بن ابی طالب عَلَيْهِ السَّلَامُ دیگری امیرالمؤمنین نیست. امارت مؤمنین بعد از من برای احدی جز علی بن ابی طالب عَلَيْهِ السَّلَامُ حلال نیست.

### معرفی علی بن ابی طالب عَلَيْهِ السَّلَامُ

در اینجا بازوی علی عَلَيْهِ السَّلَامُ را گرفتند و در همین حال علی عَلَيْهِ السَّلَامُ دستان مبارکش را به طرف آن حضرت بلند کرد. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ آن حضرت را بالا برد به حدی که پاهای مبارک حضرت تا سر زانوهای پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ رسید. سپس فرمود: «أَلَسْتُ أَوْلَىٰ بِكُمْ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ؟» همه گفتند: «اللهم بلی». فرمود: «هذا علی اخی و وصیی، من كنت مولاه فهذا علی مولاه و هو علی بن ابی طالب. هر کس که من مولی و صاحب اختیار او هستم این علی مولی و صاحب اختیار اوست. مکان و منزلت او مثل مکان و منزلت من نزد شماست. بار الها، دوست بدار هرکس او را دوست بدارد، و دشمن بدار هرکس او را دشمن بدارد، و کلماتی دیگر برای تأکید فرمان الهی و اقرار مردم بیان نمودند. سپس فرمودند: خبر غدیر را حاضرین به غتیبین و پدران به فرزندان تا روز قیامت برسانند.

### بیعت لسانی و عملی

همین که آن حضرت از منبر پائین آمدند، مردم با صدای بلند با زبان و دست بیعت کردند و پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می فرمود: «هَنْتُونِي هَنْتُونِي»<sup>(1)</sup> به من تبریک بگوئید.

بعد دستور دادند تا چادری جداگانه برای امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ زدند و فرمود: همه بروند و به آن حضرت سلام کنند و بگویند: «السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا امیرالمؤمنین». عمر آمد

---

1. الغدیر: ج 1، ص 274، 284، 375. مناقب آل ابی طالب عَلَيْهِمُ السَّلَامُ: ج 3 ص 45. شرح احقاق الحق: ج 2 ص 472. الروض النضیر فی معنی حدیث الغدیر: ص 87.

و سلام کرد و گفت: «بَخِ بِخِ يَابْنَ أَبِي طَالِبٍ، أَصْبَحْتَ مَوْلَايَ وَ مَوْلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ».<sup>(1)</sup>  
ابوبکر نیز در این تهنیت با عمر شریک بود.<sup>(2)</sup> بیعت سه روز طول کشید و در این سه روز نماز ظهر و عصر را با هم می خواندند. بعد از نماز بیعت تا غروب ادامه داشت، و نماز مغرب و عشاء را نیز با هم می خواندند.

### بیعت زنان

برای بیعت زنان، ظرف آبی زیر پرده ای قرار دادند، به طوری که نصف ظرف در طرفی و نصف دیگر آن در طرف دیگر پرده قرار داشت. یک طرف امیرالمؤمنین عليه السلام دست مبارک خود را داخل ظرف آب قرار داده بودند، و طرف دیگر زنها دست خود را می گذاشتند و ضمن تبریک می گفتند: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا امِيرَ الْمُؤْمِنِينَ». حضور حضرت صدیقه طاهره عليها السلام زینت بخش مراسم بود.

از سوی دیگر بیعت عایشه این سابقه او را در اذهان ثبت کرد تا روزی که جنگ جمل را برپا کرد، و در مقابل صاحب غدیر صف آرائی نمود و با خواری و ذلت از لشکر ولایت شکست خورد.<sup>(3)</sup>

بعد از اعلام ولایت در غدیر، جبرئیل نازل شد و این آیه را آورد: **(الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا)**<sup>(4)</sup>: «امروز برای شما دینتان را کامل نمودم و نعمتم را بر شما تمام نمودم و اسلام را به عنوان دین شما راضی شدم».

- 
1. الروضة في المعجزات و الفضائل: ص 129. بحار الانوار: ج 37، ص 38 ج 344. الامام علی فی آراء الخلفاء: ص 62. شرح احقاق الحق: ج 6 ص 469. بحار الانوار: شرح احقاق الحق الحق: ج 2، ج 6 ج 21، ج 30. الغدير: ج 1، این مطلب را از 60 منبع اهل سنت نقل کرده است. غاية المرام: ج 1 ص 268. خلاصة عبقات الانوار: ج 7، ج 8، ج 9. الامام علی فی آراء الخلفاء. تاریخ دمشق: ج 42.
  2. الغدير: ج 1 ص 11، 273، 281، 282، 303، 309، 354. فیض لعلام: ص 123، به نقل از دار قطنی و عاصمی.
  3. بحار الانوار: ج 21، ص 38. عوالم: ج 3/15، ص 309.
  4. سوره مائده: آیه 3.

## 2. قتل عثمان

در این روز در سال 35 هـ عثمان بن عفان بعد از محاصره خانه او توسط مسلمین، در سن 81 یا 90 سالگی به دست مردی از اهل مصر کشته شد. (1) عثمان را بعد از کشتن از خانه اش بیرون آوردند و در یکی از مزبله های مدینه انداختند. جسد او متغیر شد و از هم پاچید و سگ ها یکی از پاهایش را خوردند. (2) از ترس مهاجرین و انصار کسی او را دفن نمی کرد، تا بعد از سه روز با نیرنگ او را به مقبره یهودیان مدینه به نام «حُشّ کُوب» بردند که مزبله ای برای قضای حاجات یا مقبره یهودیان بود و دفن کردند. معاویه در دوران خلافتش خانه های بین این قبرستان و بقیع را خراب کرد، و آن را به قبرستان مسلمین متصل کرد! (3)

### خلافت غاصبانه عثمان

عثمان بعد از عمر بن خطاب به جای او نشست. عمر در زمان حیات خود بارها گفته بود که بعد از من خلافت از آن عثمان است (4)، ولی به ظاهر امر خلافت را به شوری گذاشت، و آن را به گونه ای پیش بینی کرد که سرانجامش خلافت عثمان شود.

### بدعت های عثمان

عثمان در ایامی که حکومت را به دست داشت خلفای بزرگی انجام داد:

1. منازلی وسیع و زیبا از سنگ و آجر و ساروج و درب هایی از چوب های هندی و

---

1. مسار الشیعه: ص 22 - 21. توضیح المقاصد: ص 32. العدد القویة: ص 166. مصباح کفعمی: ج 2، ص 601. بحار الانوار: ج 36 ص 493، ج 95، ص 189. منتخب التواریخ: ص 6. فیض العلام: 125. تاریخ الخلفاء: ص 162. اسد الغابة: ج 3 ص 382. مستدرک حاکم: ج 3 ص 96.

2. بحار الانوار: ج 31 ص 168. وقائع الشهور: ص 240، از الفتوح ابن اعثم کوفی: ج 1 ص 430.

3. مسار الشیعه: ص 21. بحار الانوار: ج 31 ص 167، 257. الغدیر: ج 9 ص 131، 213 - 208. فیض العلام: ص 125. مروج الذهب: ج 2 ص 341، 355. تهذیب الکمال: ج 19 ص 458. استیعاب: ج 3 ص 1048. شرح نهج البلاغة: ج 2 ص 158. تاریخ مدینه: ج 1 ص 112. معجم البلدان: ج 2 ص 262.

4. تاریخ دمشق: ج 39، ص 188 - 189. کنز العمال: ج 5 ص 736.

خوشبو و گران قیمت ساخت. باغ ها و زمین ها و چشمه های زیادی را مالک شد، و اموال بسیاری را در خزانه خود جمع آوری کرد. هنگامی که کشته شد صد و پنجاه هزار دینار و یک میلیون درهم نزد خازن او بود. اضافه بر زمین های اطراف حنین که صد هزار دینار قیمت داشت، و گاو و گوسفند و شتر فراوانی که از او بر جای مانده بود.<sup>(1)</sup>

2 - به گروهی چون عبدالرحمن بن عوف و زبیر بن عوام آن قدر مال و باغ و زمین داد که آنها هم خانه های سنگی و آجری و گچ کاری شده بنا کردند. فقط زبیر بعد از مرگ پنجاه هزار دینار، هزار غلام و هزار اسب از خود بر جای گذاشت.<sup>(2)</sup>

3 - عبیدالله بن عمر را به خاطر قتل سه مسلمان قصاص نکرد. بعد از دفن عمر بن خطاب، عبیدالله پسر عمر چون دسترسی به ابولؤلؤ پیدا نکرد، بر در خانه او دختر کوچکش را کشت. هرگز عجمی مسلمان و جفینه غلام سعد بن ابی وقاص را هم کشت، به جرم اینکه چند روز قبل از کشته شدن عمر آن دو نفر را دیده بود با فیروز در حال گفتگو هستند.

سعد وقاص عبیدالله بن عمر را زمین زد و شمشیرش را گرفت و به غلامانش دستور داد او را حبس کردند تا امر شوری تمام شود. عثمان که خلیفه شد، علی بن ابی طالب عَلَيْهِ السَّلَامُ و دیگران گفتند: «او را قصاص کن». عثمان او را آزاد کرد و گفت: دیروز پدرش کشته شده، امروز پسرش را بکشم؟ من به عنوان خلیفه مسلمین، عبیدالله را بخشیدم.<sup>(3)</sup>

4 - حکم بن ابی ال عاص پدر مروان را که دشمن خدا و رسول بود با احترام به مدینه آورد. او عموی عثمان بود که به عداوت با پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مشهور بود. حکم به

---

1. مروج الذهب: ج 2، ص 341.

2. مروج الذهب: ج 2، ص 341.

3. الغدير: ج 9، ص 260. دانستنیهای تاریخ: ج 3، ص 223.

خاطر جسارت هایی که به پیامبر ﷺ نموده بود، از طرف آن حضرت به طائف تبعید شد. بعد از شهادت پیامبر ﷺ ابوبکر و عمر شفاعت عثمان را برای حکم قبول نکردند. همین که حکومت به دست عثمان رسید، عموی خود حکم و مروان را با اطرافیان آنها به مدینه آورد و مخالفت صریح با امر پیامبر ﷺ نمود.

دیری نگذشت که به جای حکم، ابوذر را بعد از ضرب و شتم بسیار تبعید کرد. از سوی دیگر صد هزار درهم از اموال مسلمین را به حکم داد. همچنین خمس افریقیه را که صد هزار دینار بود و همه مسلمین در آن شریک بودند، با فدک به مروان داد! و نیز مروان را برای وزارت و کتابت اسرار خود انتخاب کرد و حال اینکه پیامبر ﷺ مروان و حکم را بارها لعنت فرموده بود. (1)

5. ولید بن عقبه را که پیامبر ﷺ فرموده بود: «اهل آتش است»، والی کوفه کرد. ولید مردی فاسق و شارب الخمر بود و شبی تا صبح با کنیزان و مغنیه ها مشروب خورد و صبح با همان حال به مسجد رفت و نماز صبح را چهار رکعت خواند و گفت: دوست دارید بیشتر بخوانم! او در حالتی که سجده را طول داده بود می گفت: «اشرب و اسقنی». (2)

#### قتل عثمان به دست مردم

آخر الامر تعداد زیادی از مردم کوفه و مصر و بصره به عنوان اعتراض نزد عثمان آمدند و چون او اوضاع را خطرناک دید با واسطه قرار دادن امیرالمؤمنین علیه السلام، وعده داد که به درخواست آنها عمل کند، و حکام را تعویض و حسن سیره و عدل را پیشه کند. اما هنگامی که معترضین به شهرهای خود باز می گشتند، بیک مخصوص عثمان را دیدند که از بیراهه می رود. او را گرفتند و نامه ای از طرف عثمان دیدند که به والی مصر نوشته است: به محض آمدن اینها، یکی را بکش، و دست دیگری را قطع کن... آنان

1. شفاء الصدور فی شرح زیارة العاشور: ج 1، ص 221.

2. بحار الانوار: ج 31 ص 153-155. الغدیر: ج 8 ص 120-122. تاریخ یعقوبی: ج 2 ص 165. مروج الذهب: ج 2، ص 343 - 344. الاصابة: ج 6 ص 481.

برگشتند و افراد زیادی در مسیر همراه آنها به مدینه آمدند و حدود پنجاه روز خانه او را محاصره کردند. عثمان در ایام محاصره، از امیرالمؤمنین علیه السلام آب طلبید. حضرت سه مشک آب سرد بردند، ولی آخر الامر معترضین به منزل او ریختند و مردی مصری عثمان را کشت. گرچه بنی هاشم مانع شدند، و بنا بر نقلی امام حسن علیه السلام جراحات مختصری برداشت و سر قنبر زخمی شد. <sup>(1)</sup>

### 3. خلافت ظاهری امیرالمؤمنین علیه السلام

در روز قتل عثمان در سال 35 هـ مردم با امیرالمؤمنین علیه السلام بیعت کردند. <sup>(2)</sup>

### 4. منازل امام حسین علیه السلام تا کربلا: 10 «خزیمیه»

در این روز امام به منزل «خزیمیه» رسیدند. <sup>(3)</sup> یک شب و یک روز در این منزل ماندند، و صبح هنگام حضرت زینب علیها السلام فرمود: برادر! دیشب صدایی شنیدم که گوینده ای می گفت:

الا يا عين فاحتفلى بجهد و من يبكي على الشهداء بعدى  
على قوم تسوقهم المنايا بمقدار الی انجاز وعد

امام به علیه السلام خواهرشان فرمودند: ای خواهر هر چه مقدر باشد انجام می شود. <sup>(4)</sup>

- 
1. الغدير: ج 9 ص 237-236. مروج الذهب: ج 2 ص 353. تاريخ دمشق: ج 39 ص 418. تاريخ المدينة: ج 4 ص 1304.
  2. مسار الشيعة: ص 22-21. بحار الانوار: ج 31 ص 493، ج 95 ص 194. فيض العلام: ص 25. تنمة المنتهى: ص 16. مستدرک سفينة البحار: ج 5 ص 212. تذكرة الخواص: ص 60.
  3. الامام الحسين علیه السلام و اصحابه: ج 1 ص 164.
  4. بحار الانوار: ج 44 ص 372. مناقب آل ابی طالب علیهم السلام: ج 4 ص 103. کلمات الامام الحسين علیه السلام: ص 342. لواعج الاشنان: ص 83.



## 20 ذی الحجّه

### 1. منازل امام حسین علیه السلام تا کربلا: 11 «شقوق»

در این روز امام حسین علیه السلام به منزل «شقوق» رسیدند، و گفته شده در اینجا بود که فرزدق امام حسین علیه السلام را ملاقات نمود. (1)

## 21 ذی الحجّه

### 1. منازل امام حسین علیه السلام تا کربلا: 12 «زرود»

در این روز حضرت به «زرود» رسیدند، (2) در این منزل زهیب بن قین بجلی امام حسین علیه السلام را ملاقات کرد. (3)

## 22 ذی الحجّه

### 1. شهادت میثم تمار

در این روز در سال 60 هـ میثم تمار به دلیل وفاداری به امام حسین علیه السلام به دست ابن زیاد به دار آویخته شد و به شهادت رسید. (4) تاریخ شهادت میثم 19 ذی الحجّه و روز عاشورا نیز نقل شده است. (5)

---

1. الامام الحسین علیه السلام و اصحابه: ج 1 ص 165-166.

2. الامام الحسین علیه السلام و اصحابه: ج 1 ص 166.

3. کلمات الامام الحسین علیه السلام: ص 342. مقتل الحسین علیه السلام (ابی مخنف): 73، 75. تاریخ طبری: ج 4 ص 298. اخبار الطوال: ص 246.

4. میثم التمار رضی الله عنه: ص 74. اعلام الوری: ج 1 ص 343. قلائد النحور: ج ذی الحجّه، ص 416. منتخب التواریخ: ص 131. مرآة المعارف: ج 2، ص 340. وقایع المشهور: ص 240.

5. مستدرک سفینه البحار: ج 5، ص 214.

ابوسالم میثم بن یحیی التمار عجمی، چون خرما فروش بود ملقب به «تمار» شد. از یاران و صحابی با وفا دوستان و شیعیان حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام بود، صاحب علم منایا و بلایا بود، و دارای علم تفسیر، و ایمانی کامل بود. او زاهد و عابد بود، و شب ها به قیام و روز ها را به روزه می گذراند. دارای بیانی فصیح بود و نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مقامی جلیل داشت.

هنگامی که قصد حج داشت ام سلمه به او گفت: خیلی از اوقات در دل شب رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به علی بن ابی طالب علیه السلام سفارش شما را می فرمود.

منزلت میثم در نزد امیرالمؤمنین علیه السلام مانند منزلت سلمان بود در نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بود. ابن زیاد ملعون این بزرگوار را به شهادت نرساند مگر به خاطر مصاحبت و ولای امیرالمؤمنین علیه السلام. آن حضرت نیز علاقه و افری به او داشت، حتی گاهی اوقات از مسجد جامع خارج شد و در مغازه میثم می نشست و با او صحبت می کرد. و گاهی که حضرت علیه السلام میثم را برای کاری فرستاد و برای میثم خرما می فروخت. <sup>(1)</sup>

میثم از امیرالمؤمنین و از امام حسن و امام حسین علم را فرا گرفته بود، تا اینکه آن بزرگوار را گرفتند و به دار زدند، با اینکه دست و پای او را قطع کرده بودند اما فضائل و مناقب امیرالمؤمنین علیه السلام را می گفت تا او را به شهادت رساندند.

7 نفر از خرما فروشان کوفه شبانه او را از دار پایین آورده، بدن او را در محلی فعلی قبر شریف دفن نمودند.

(2)

## 2. خروج ابراهیم بن مالک اشتر برای جنگ با ابن زیاد

هنگامی که کوفه را جناب مختار رضی الله عنه از قتلۀ سید الشهداء علیه السلام پاک کرد، در این روز

1. مناقب آل ابی طالب: ج 2 ص 367. میثم التمار: 19. بحار الانوار: ج 41 ص 268.
2. ارشاد: ج 1 ص 325-323. رجال کشی: ص 80، 83، 86. بحار الانوار: ج 41 ص 268، ج 42 ص 124، 138. اعیان الشیعة: ج 10 ص 198. نفس المهموم: ص 127. میثم التمار رضی الله عنه. سفینة البحار: ج 4 ص 337. اختیار معرفة الرجال: ج 1 ص 292. شرح نهج البلاغة: ج 2 ص 291-292.

ابراهیم بن مالک اشتر با 12000 یا به روایت ابن نما با کمتر از 20000 نفر برای جنگ با ابن زیاد از کوفه خارج شد و مختار به مشایعت او رفت.

لشکر ابراهیم تا کنار نهر خازر در پنج فرسخی موصل رفت، و آن مکان را لشکرگاه کرد. عبیدالله به موصل آمد و آنجا را با سی هزار یا هشتاد هزار سواره تصرف کرد و آماده جنگ با لشکر ابراهیم شدند.

شبی که فردایش جنگ شروع می شد، خواب به چشمان ابراهیم بن مالک نیامد و این کلمات را بارها برای لشکرش تکرار کرد: «ایها الناس، شمائید انصار دین و شیعه امیرالمؤمنین علیه السلام، و این است عبیدالله بن مرجانه قاتل حسین بن علی علیه السلام. این است که پسر فاطمه زهرا علیه السلام را از جرعه ای آب منع کرد در حالی که عیالات و اطفال او فریاد «العطش» می زدند. او بود که مانع شد که پسر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به جائی برود، و اطراف او را گرفتند تا با لب تشنه شهیدش کردند و عیالات او را مانند کنیزان بر شتران سوار کرده به شام بردند. به خدا قسم فرعونیان با بنی اسرائیل نکردند آنچه این ملاعین با ذریه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم کردند».

سپس ابراهیم دعا کرد که خداوند نصرت و پیروزی را نصیب ما فرماید، چون ما برای خونخواهی اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم غضب کرده ایم.

صبح قسمتهای مختلف لشکر و پرچم ها را بازدید نمود و جنگ آغاز شد. سرانجام بعد از چند روز جنگ، و فرار لشکر عبیدالله بن زیاد در روز عاشورای سال 67 هـ عبیدالله به دست ابراهیم بن مالک اشتر نخعی به درکات جهنم شتافت و سر او را برای مختار فرستادند.<sup>(1)</sup>

### 3. منازل امام حسین علیه السلام تا کربلا: 13 «تعلیبه»

در این روز امام حسین به همراه اهل بیت و اصحابشان به منزل «تعلیبه» رسیدند

1. بحار الانوار: ج 45، ص 384-380. فرسان الهیجاء: ج 2، ص 239-235. تاریخ طبری: ج 4 ص 548. البدایة و النهایة: ج 8 ص 307، 310.

که یکی از دهات مخروبه بود. <sup>(1)</sup> بنا بر نقلی در این منزل عبدالله بن سلیم و مذری بن مشهل که هر دو از بنی اسد بودند از مکه به طرف امام حسین می آمدند که کسی را ملاقات کردند که خبر از شهادت جناب مسلم و هانی داد. این دو نفر خبر شهادت جناب مسلم و هانی را در ثعلبیه به امام حسین دادند، امام چند بار فرمود: انا لله و انا الیه راجعون، صدای گریه و ناله بلند شد. <sup>(2)</sup> ولی مشهور این است که خبر در منزل زباله به حضرت علیه السلام رسیده است.

## 23 ذی الحجه

### 1. منازل امام حسین علیه السلام تا کربلا: 14 «زباله»

در این روز حضرت ابا عبدالله الحسین با اهل بیت و یاران خود به منزل «زباله» رسیدند. <sup>(3)</sup> شیخ مفید و علامه مجلسی رحمتهما الله می فرمایند: در این منزل خبر شهادت جناب مسلم بن عقیل و هانی و عبدالله بن یقظر به امام حسین رسید، و صدای گریه و ناله بلند شد و آنهایی که ایمان نداشتند از اطراف حضرت رفتند. <sup>(4)</sup>

## 24 ذی الحجه

### 1. روز مباحله

این روز از یک سو روز مباحله اهل بیت علیهم السلام با نصاری نجران است و از سوی دیگر نزول آیه تطهیر در شأن اهل بیت علیهم السلام. <sup>(5)</sup>

- 
1. الامام الحسین علیه السلام و اصحابه: ج 1 ص 166.
  2. ارشاد: ج 2 ص 74. بحار الانوار: ج 44 ص 373. کلمات الامام الحسین علیه السلام: ص 344. تاریخ طبری: ج 4 ص 299.
  3. الامام الحسین علیه السلام و اصحابه: ج 1 ص 172.
  4. ارشاد: ج 2 ص 75. بحار الانوار: ج 44 ص 373. مثير الاحزان: ص 32.
  5. مسار الشيعة: ص 23 - 22. العدد القوية: ص 307 - 308. مصباح كفعمي: ج 2، ص 601. توضیح المقاصد: ص 32. بحار الانوار: ج 21، ص 345، ج 78 ص 22، ج 95 ص 198، ج 97 ص 168، 210، 384. فیض العلام: ص 129 - 127. زاد المعاد: ص 287. تقویم المحسنين: ص 14. اختیارات: ص 40.

هنگامی که این آیه نازل شد پیامبر ﷺ علی و فاطمه و حسن و حسین را فرا خواند و فرمود: «اللهم هؤلاء اهلی (اهل بیته)» «بار الها اینان اهل من هستند». (1)

### نامه پیامبر ﷺ به نصارای نجران

در سال دهم هجری پیامبر ﷺ نامه ای به نصارای نجران فرستادند، به این مضمون که خداوند یکتا را عبادت کنند و مسلمان شوند، یا به مسلمین جزیه بدهند و به مذهب خود باشند وگرنه آماده جنگ باشند. بنی نجران در کلیسای بزرگ خود به مشورت پرداختند، عده ای مانند «سید» که از بزرگان قوم بود و «عاقب» که اسقف نجران بود مخالفت خود را با تسلیم در برابر خواسته پیامبر ﷺ اعلام کردند. در مقابل عده ای مانند «ابوحارثه» اسقف اعظم نجران که 120 سال عمر داشت و در باطن مسلمان بود با امر پیامبر ﷺ موافق بودند. بعد از دو روز مشورت قرار شد کتاب «جامعه» را که صفات پیامبر بعد از حضرت عیسی را ذکر کرده بود، و صحیفه حضرت شتت را بخوانند. در حضور جمع مسیحیان و فرستادگان پیامبر ﷺ فصلهای جامعه قرائت شد و با اذعان به آنچه در جامعه آمده بود تصمیم گرفتند هفتاد نفر از جمله سید و عاقب و ابوحارثه را برای تحقیق به مدینه بفرستند.

### نجرانیان در مدینه

آنان به مدینه آمدند و خدمت پیامبر ﷺ شرفیاب شدند. هرچه آن حضرت دلیل و

---

1. بحار الانوار: ج 35 ص 206-237، 265. مناقب امیرالمؤمنین: ج 1 ص 157، ج 2 ص 132، 152، 159، 162، 502. شرح احقاق الحق: ج 2، 3، 9، 14، 18، 22، 24، 30، 33. غایة المرام: ج 3 ص 230 - 173. مسند احمد: ج 1 ص 185، ج 4 ص 107، ج 6 ص 292، 304. مستدرک حاکم: ج 2 ص 416، ج 3 ص 108، 146، 147، 150. صحیح مسلم: ج 7 ص 121. شواهد التنزیل: ج 1 ص 1161، ج 2 ص 139-28. تاریخ دمشق: ج 13 ص 206-203، ج 14 ص 145-138، ج 42 ص 114-112. جامع البیان: ج 22 ص 12-10. تاریخ الخلفاء: ص 169.

برهان آورد آنان قبول نکردند و امر به مباحله واگذار شد. جبرئیل عَلَيْهِ السَّلَامُ نازل شد و این آیه را آورد: (فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ) <sup>(1)</sup> «اگر کسی با تو مجادله کند بعد از علمی که نزد تو آمده، بگو بیاید تا فرا خوانیم پسران خود و زنهای خود و کسی که به منزله جان ماست. آنگاه نفرین کنیم و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم».

لذا قرار بر مباحله شد و سید و عاقب به محل ارروی خود در خارج مدینه رفتند. آنان با یکدیگر مشورت کردند و بعضی از علمای آنها گفتند: «اگر فردا محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با اصحاب و جمعی کثیر برای مباحله حاضر شود این روش پادشاهان است و ترسی به خود راه ندهید. ولی اگر خواص اهل بیت خود را آورد این کار انبیاء است».

#### مراسم مباحله

روز دیگر هنگام بالا آمدن آفتاب، پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دست علی بن ابی طالب عَلَيْهِ السَّلَامُ را گرفت و از حجره بیرون آمد. امام حسن و امام حسین عَلَيْهِمَا السَّلَامُ را پیش رو روانه فرمود و حضرت صدیقه کبری فاطمه زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ از پشت سر آمدند، تا بین دو درختی که قبلاً تعیین شده بود رسیدند. قبلاً به دستور حضرت زیر آن دو درخت را جارو زدند، و به عنوان سایه بان عبا سیاهی بالای درخت قرار دادند. مسلمانان مدینه هم آمدند، بنی نجران هم با فرزندان خود آمدند. پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ کسی را نزد سید و عاقب فرستاد که ما آماده ایم.

اسقف با همراهان آمد و گفت: به چه کسانی با ما مباحله می کنید؟ پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «با بهترین اهل زمین و نیکوترین جهانیان نزد خداوند متعال زیرا که از طرف خداوند متعال امر شده ام که آنها را بیاورم»، و اشاره به آل عبا عَلَيْهِمُ السَّلَامُ فرمودند.

1. سوره آل عمران، آیه 61.

سید و عاقب و اسقف همین که چشمشان به پیامبر ﷺ و آل عبا علیهم السلام افتاد، وحشت کردند به حدی که چهره هایشان زرد شد. ابوحارث که میل به اسلام داشت فرصت را مغتنم شمرده، پا پیش گذاشت و دست سید و عاقب را گرفته پس کشید و آنها را نصیحت کرد و از عواقب این مباحله مطلع کرد و گفت: صفات او و اهل بیت او را در کتاب ها خوانده اید. این محمد ﷺ همان پیامبر است، مگر نمی بینید ابرهای سیاه را، و دگرگونی آفتاب را، و شاخه های درختان را که خم شده، و صدای مرغان، و دود سیاه اطراف و آثار زلزله را که در کوه ها نمودار شده است. آن بزرگواران منتظرند که دست به دعا بردارند. به خدا قسم اگر سخنی گویند از ما نشانی نمی ماند. برویم و با او صلح کنیم.

### پرهیز نجرانیان از مباحله

بنی نجران ابوحارث را فرستادند و او مسلمان شد و عرض کرد: مردم نجران پیشیمان شده اند. حضرت فرمود: اسلام بیاورند. گفت: قبول نمی کنند. فرمود: آماده جنگ باشند. گفت: قدرت این کار را ندارند، ولی حاضرند جزیه را قبول کنند.

پیامبر ﷺ به امیرالمؤمنین علیؑ فرمودند: «شرایط ذمه و مقدار آن را به آنها بگویید». بعد از معین نمودن جزیه و شرائط آن، امیرالمؤمنین علیؑ آنها را نزد پیامبر ﷺ آوردند، و پیامبر ﷺ فرمودند: «اگر با من و این جماعت اهل بیت من مباحله می نمودید، به صورت میمون و خوک می شدید و این وادی بر شما آتش می شد و یک سال نمی گذشت که تمامی نصاری نابود می شدند».<sup>(1)</sup>

---

1. اقبال: ج 2 ص 309-350. بحار الانوار: ج 21 ص 278، 281، 345. ج 35 ص 259، 261. تفسیر برهان: ج 1، ص 287 - 288. روضة الواعظین: ص 164. فائد النور: ج ذی الحجه، ص 427-438. تاریخ المدینه: ج 2 ص 582. الدر المنثور: ج 2 ص 39. جامع البیان: ج 3 ص 409.

## 2. روز خاتم بخشی<sup>(1)</sup>

در این روز امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ در مسجد پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ انگشتر خود را در حالت رکوع به سائل بخشید، و آیه مبارکه (إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ)<sup>(2)</sup> در شأن آن حضرت نازل شد.<sup>(3)</sup>

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ درباره معنای این آیه شریقع از پدرشان از جدشان عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل می کنند که فرمودند: (يَعْرِفُونَ نِعْمَتَ اللَّهِ ثُمَّ يُنْكِرُونَهَا)<sup>(4)</sup>: «نعمت خداوند را می شناسند و سپس آن را انکار می کنند». حضرت فرمودند: هنگامی که آیه مبارکه «انما وليكم الله...» نازل شد عده ای از اصحاب پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در مسجد مدینه جمع شدند. بعضی به بعض دیگر گفتند: در باره این آیه چه می گوئید؟ بعضی گفتند: اگر منکر این آیه بشویم سایر آیات را هم باید منکر شویم و اگر ایمان به این آیه بیاوریم و قبول کنیم برای ما ذلت است، زیرا علی بن ابی طالب عَلَيْهِ السَّلَامُ بر ما مسلط می شود. عده ای از منافقین گفتند: ما می دانیم که محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در آنچه می گوید صادق است. او را به ظاهر دوست داریم، ولی از علی عَلَيْهِ السَّلَامُ در آنچه امر می کند اطاعت نمی کنیم.

حضرت فرمودند: در این هنگام این آیه نازل شد: (يَعْرِفُونَ نِعْمَتَ اللَّهِ ثُمَّ يُنْكِرُونَهَا)، یعنی: ولایت علی بن ابی طالب عَلَيْهِ السَّلَامُ را می شناسند و حال اینکه اکثر آنها که آن را می شناسند نسبت به ولایت آن حضرت کافرند.<sup>(5)</sup>

1. قلائد النحور: ج ذی الحجه، ص 426. اکابر اهل سنت اتفاق دارند که آیه «انما وليكم الله...» در شأن امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ نازل شده است. مانند فخر رازی، محمد صدر عالم، ابن مردویه، خطیب بغدادی، ابن عساکر، محمد بن اسماعیل الامیر، ابن مغازلی، ابواللیث سمرقندی، سبط ابن جوزی، شهاب الدین احمد، ابن صباغ، ابونعیم، ملاعلی قوشجی، سمعانی، واقدی، بیهقی، نسائی، خوارزمی، طبری، کلبی، حموی و...

3. مسار الشیعة: ص 23. مصباح المجتهد: ص 703. السرائر: ج 1 ص 418. العدد القویة: ص 308. بحار الانوار: ج 35 ص 190، ج 95 ص 384. توضیح المقاصد: ص 32. اختیارات: ص 40. وقائع الشهور: ص 242. قلائد النحور: ج ذی الحجه، ص 426. انوار العلویة: ص 125.

5. کافی: ج 1 ص 427. بحار الانوار: ج 42 ص 63، ج 35 ص 191. تفسیر برهان: ج 1، ص 479. غایة المرام: ج 2 ص 15. تفسیر نور الثقلین: ج 1 ص 644.



بعضی از مخالفین گفته اند: برای کسی اتفاق نیفتاده که در یک زمان جمع بین دو عبادت مالی و بدنی بنماید مگر برای علی بن ابی طالب علیه السلام، و برای احدی نیامده از فضائل مثل آنچه برای علی علیه السلام آمده است.

### 3. منازل امام حسین علیه السلام تا کربلا: 15 «القاع»

در این روز امام حسین علیه السلام به منزل القاع رسیدند. (1)

## 25 ذی الحجه

### 1. نزول سوره هل اتی

در این روز سوره «هل اتی» در شأن امیر ال مؤمنین و فاطمه زهرا و امام حسن و امام حسین علیهم السلام نازل شده است. این مهم بعد از سه روز روزه آنان و اعطای افطارشان به مسکین و یتیم و اسیر بود که آن طعام بهشتی نازل شد. (2)

امام صادق علیه السلام فرمود: آن کاسه ای که طعام از بهشت آوردند و آن بزرگواران میل کردند نزد ماست و حضرت صاحب الامر علیه السلام آن را ظاهر خواهد کرد، و طعام بهشتی از آن تناول خواهند فرمود. (3)

### 2. اولین نماز جمعه امیر المؤمنین علیه السلام

این روز مقارن است با اولین جمعه ای که امیر المؤمنین علیه السلام بعد از بیعت مردم با آن حضرت نماز جمعه خواندند. (4)

- 
1. الامام الحسین علیه السلام و اصحابه: ج 1 ص 178.
  2. مسار الشيعة: ص 23، مصباح المتهدج: ص 712، العدد القویه: ص 315، مصباح کفعمی: ج 2، ص 601، توضیح المقاصد: ص 32، بحار الانوار: ج 35 ص 242، 255، ج 95 ص 199، ج 97 ص 210، تقویم المحسنین: ص 14، زاد المعاد: ص 301، اختیارات: ص 40، فیض العلام: ص 128.
  3. زاد المعاد: ص 304، بحار الانوار: ج 43 ص 31، 63.
  4. بحار الانوار: ج 32 ص 8، منتخب التواریخ: ص 159، تاریخ طبری: ج 3 ص 457، 468، الفتنة و وقعة الجمل: ص 95، 111، مستدرک حاکم: ج 3 ص 114.

### 3. منازل امام حسین علیه السلام تا کربلا: 16 «عقبه»

در این روز حضرت سید الشهداء علیه السلام به منزل عقبه رسیدند. <sup>(1)</sup> امام صادق علیه السلام می فرماید: هنگامی که حضرت علیه السلام بالای وادی عقبه آمدند به اصحاب فرمودند: «نمی بینم خود را مگر آنکه به دست دشمن کشته می شوم». عرض کردند: چرا یا ابا عبدالله؟ فرمود: «رؤیایی دیدم که سگ هایی چند بر من حمله می کنند و یکی از آن سگ ها که موذی ترین آنها بود سگی پیس بود». <sup>(2)</sup>

### 26 ذی الحجّه

### 3. منازل امام حسین علیه السلام تا کربلا: 17 «شراف»

در این روز حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام با اهل بیت و اصحاب به منزل «شراف» رسیدند. <sup>(3)</sup> این منزل دارای آب زیادی بود و امام علیه السلام به جوانان امر فرمودند که آب بردارند. از این منزل به بعد بود که عبدالله بن زیاد لشکر برای مانع شدن آن حضرت از ورود به کوفه فرستاد. <sup>(4)</sup>

### 27 ذی الحجّه

### 3. منازل امام حسین علیه السلام تا کربلا: 17 «ذو حُسم» <sup>(5)</sup>

در این روز امام حسین به منزل «ذو حُسم»، ذو حُسی، ذو خُشب، ذو جشمی

1. الامام الحسین علیه السلام و اصحابه: ج 1 ص 180.

2. کامل الزیارات: ص 157. بحار الانوار: ج 45 ص 3، 87.

3. الامام الحسین علیه السلام و اصحابه: ج 1 ص 181، 187.

4. ارشاد: ج 2 ص 76. بحار الانوار: ج 44 ص 375. مقتل الحسین: ص 81. تاریخ طبری: ج 4 ص 302.

5. نام این منزل را «ذو حُسی»، «ذو خُشب»، «ذو جشمی» نیز گفته اند.

رسیدند.<sup>(1)</sup> روز یکشنبه بود که امام علیه السلام امر فرمودند خیمه ها را بر پا کنند. در این هنگام لشکر حر بن یزید ریاحی با قریب هزار سرباز در گرمای ظهر رسیدند. امام علیه السلام به جوانانش دستود داد تا آنان را با اسب هایش سیراب کنند. جوانان و اصحاب همه را سیراب کردند و ظروف و طشت ها را پر آب می نمودند و نزد چهارپایان می بردند و صبر می کردند تا سه، چهار پنج بار سر از طشت بر می داشتند و سیراب که می شدند به نزد حیوان دیگر می بردند.<sup>(2)</sup>

### 1. مرگ مروان

در این روز در سال 133 هـ مروان بن محمد بن مروان بن حکم معروف به مروان حمار آخرین خلیفه بنی امیه کشته شد، و دولت هزار ماهه بنی امیه منقرض شد.<sup>(3)</sup>

بعد از قیام بنی عباس به ریاست سفاح، عبدالله بن علی عموی خویش را برای جنگ با مروان فرستاد. مروان به بوصیر که نواحی فیوم در مصر بود گریخته بود، در طول مسیر هر کس از بنی امیه را که می دیدند می کشتند. در کنار نهر اردن جماعت بسیاری را کشتند و روی آنها سفره انداختند و غذا خوردند. عبدالله عموی سفاح گفت: «هرچه انجام دهیم تلافی روز شهادت حسین بن علی علیه السلام نمی شود».

از آنجا عده ای را همراه با عامر بن اسماعیل برای دفع شر مروان فرستاد. در بوصیر مروان را در کلیسایی سر بریدند و زبان او را قطع کردند و زبانش را گربه ای خورد. جالب اینکه روز قبل مروان زبان غلامی را بریده بود و همان گربه خورده بود. سپس زن و بچه او را اسیر کرده نزد سفاح فرستادند. بعضی این واقعه را در 21 این ماه ذکر کرده اند<sup>(4)</sup> و عده ای در هفدهم.<sup>(5)</sup>

1. الامام الحسین علیه السلام و اصحابه: ج 1 ص 183.

2. ارشاد: ج 2 ص 80-70. بحار الانوار: ج 44 ص 376. نفس المهموم: ص 188. ذریعة النجاة: ص 59.

3. اقبال: ج 3 ص 115. تنمة المنتهی: ص 146. زاد المعاد: ص 304. فیض العلام: ص 131. وقائع الشهور: ص 243. التنبیه و الاشراف:

ص 283. تاریخ طبری: ج 6 ص 97.

4. جنات الخلود: ص 64. قلائد النحور: ج ذی الحجه، ص 413.

### 3. واقعه حرّه

در چهارشنبه، 27 ذی الحجه سال 63 هـ به وقوع پیوست، که تعبیر رواین سه روز به آخر ذی الحجه مانده 27 یا 28 است.<sup>(6)</sup>

در این روز بود که به امر یزید ملعون قتل و غارت اهل مدینه صورت گرفت و پس از کشتن بیش از 4000 نفر، مسرف (مسلم) بن عقبه اموال و زنان اهل مدینه را تا سه روز بر لشکر خود مباح کرد. این واقعه مشهور به واقعه حرّه است و دو ماه و نیم قبل از مرگ یزید ملعون اتفاق افتاده است.

### 4. وفات علی بن جعفر علیه السلام

در این روز در سال 210 هـ علی بن جعفر علیه السلام وفات کرد.<sup>(7)</sup> امامزاده جلیل القدر جناب علی بن جعفر الصادق علیه السلام سیدی بزرگوار، شدید الورع، کثیر الفضل و عالمی عامل و یکی از بزرگترین روایت موثق شمرده شده است. او امام صادق و حضرت موسی بن جعفر و امام رضا و حضرت جواد علیه السلام را درک نموده است. جناب علی بن جعفر علیه السلام از سایر برادران خود کوچکتر بود، و پس از فوت پدر بزرگوارش همواره ملازمت برادر خود حضرت موسی بن جعفر علیه السلام را اختیار کرده بود. معالم دین و احادیث بسیاری از آن حضرت اخذ نموده و روایت می کرد که از جمله آنها کتاب «مسائل علی بن جعفر» است. همچنین «مسائل الحلال و الحرام» و «المناسک» منسوب به آن بزرگوار است.<sup>(8)</sup>

5. بحار الانوار: ج 95 ص 357.

6. بحار الانوار: ج 18، ص 126 - 125. قلائد النحور: ج ذی الحجه، ص 448. فیض العلام: ص 132. تاریخ خلیفه بن خیاط: ص 192. تاریخ دمشق: ج 27 ص 19، ج 34 ص 287.

7. قلائد النحور: ج ذی الحجه، ص 448. سبیل الرشاد الی اصحاب الامام الجواد علیه السلام: ص 175.

8. سبیل الرشاد الی اصحاب الامام الجواد علیه السلام: ص 175.

## احترام علی بن جعفر علیه السلام به مقام امامت

محمد بن حسن عمار می گوید: مدت 2 سال در مدینه طیبه محضر علی بن جعفر علیه السلام را درک کرده احادیثی را که از برادر خود موسی بن جعفر علیه السلام اخذ نموده بود شنیده و می نوشتم. روزی خدمتش بودم که حضرت جواد علیه السلام وارد مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله شد. علی بن جعفر علیه السلام تا آن حضرت را دید از جای برخاست و بدون کفش و رداء به خدمتش شتافت و دست او را بوسید و او را تعظیم و تکریم نمود. آن حضرت فرمودند: عمو بنشین، خداوند تو را رحمت کند. علی بن جعفر علیه السلام فرمود: آقای من، چگونه بنشینم با اینکه شما ایستاده اید.

هنگامی که آن حضرت به او اجازه فرمودند، به جای خود باز گشت و در مجلس مشست. اصحابش او را سرزنش کردند که تو عموی پدر او هستی! چگونه با وی این سان معامله می کنی؟ علی بن جعفر علیه السلام فرمود: ساکت شوید! پس دست را بالا برد و محاسن خود را گرفت و فرمود: حق تعالی مرا با این محاسن اهلّیت امامت نداده، ولی این جوان را اهلّیت بخشیده و امامت را به او تفویض فرموده، با این حال چگونه فضل او را انکار کنم و چگونه به او احترام نگذارم. با اینکه من بنده او هستم؟<sup>(1)</sup>

از این روایت پیداست که آن جناب تا چه حدّی نسبت به امام زمان خود معرفت داشته و از جمله روایتی است که تمامی علماء رجال ایشان را ستایش بلیغ نموده اند.

### مسافرت های علی بن جعفر علیه السلام

مسکن آن جناب در قریه عریض در چهار میلی مدینه طیبه بوده است، و از این جهت به آن حضرت عریضی مدنی گویند، و فرزندان او را عریضیون می خوانند. نسل آن حضرت از چهار پسرش محمد و احمد و حسن و جعفر است.

1. کافی: ج 1 ص 322. بحار الانوار: ج 47 ص 266. سبل الرشاد الی اصحاب الامام الجواد علیه السلام: ص 179.

علی بن جعفر علیه السلام در عریض یا مدینه بود که اهل کوفه از ایشان درخواست کردند در کوفه نزول اجلال فرمایند. آن حضرت قبول فرموده و چندی در کوفه به نشر معالم دین و احادیث سید المرسلین و ائمه هدی علیهم السلام پرداخت. بعد از چندی مردم قم از ایشان خواستند به قم تشریف فرما شوند. آن بزرگوار از کوفه به قم مهاجرت فرمود و در قم ماند تا به رحمت الهی پیوست و در خارج قم نزدیک دروازه جنوبی (قدیم) دفن شد. در دو مکان دیگر قبری منسوبه ایشان وجود دارد: یکی در عریض یک فرسخی مدینه و دیگری در خارج شهر سمنان. <sup>(2)</sup>

مسعودی روز وفات آن حضرت را 27 ذی الحجه و سال وفات را 233 هـ و عمر آن حضرت را 72 سال می داند. <sup>(3)</sup>

## 28 ذی الحجه

### 1. منزل امام حسین علیه السلام تا کربلا: 19 «عذیب الهاجانات»

در این روز امام حسین به منزل «عذیب الهاجانات» رسیدند. در این منزل مجمّع و طرمّاح و نافع بنخ امام حسین ملحق شدند و حرّ بن یزید ریاحی قصد داشت آنها را بگیرد یا برگرداند که امام علیه السلام فرمودند: «آنها اصحاب من هستند»، و حرّ مانع نشد.

به قولی در این منزل بود که خبر شهادت قیس بن مسهرّ صیدوای را به آن حضرت علیه السلام دادند. <sup>(4)</sup>

1. اقتباس از کتابهای انوار المشعشعین، فصل الخطاب، عمدة الطالب: ج 1، تاریخ انجم فروزان، ریاض الانساب رجال کبیر، رجال کشی، منتخب التواریخ.

2. منتخب التواریخ: ص 226.

3. مروج الذهب: ج 4، ص 127.

4. الامام الحسین علیه السلام و اصحابه: ج 1 ص 185.

## 29 ذی الحجّه

### 1. منزل امام حسین علیه السلام تا کربلا: 19 «قطقطانیه»

در این روز حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام با اصحابشان به همراه لشکر حرّ به «قطقطانیه» رسیدند. (1)  
بنا بر روایتی امام صادق فرمود: هنگامی که در قطقطانیه نزول اجلال فرمودند چشم حضرت به خیمه ای بنا شده افتاد، و پرسید: این خیمه از آن کسیت؟ عرض کردند: از آن عبدالله بن حرّ جعفی است... (2) و گفته شده که در قصر مقاتل عبدالله بن حرّ الجعفی با امام ملاقات داشته است.

## آخر ذی الحجّه

### 1. مرگ پدر ابوبکر

در آخر سال 13 هـ ابوقحافه عثمان بن عامر، پدر ابوبکر، در سن 97، یا 99 یا 104 سالگی از دنیا رفت. ابوقحافه در روز فتح مکه اسلام آورد، و در زمان عمر، بعد از ششماه و چند روز از مرگ ابوبکر مُرد. (3)

### 2. مرگ هند جگرخوار

در سال 13 هـ در روز مرگ ابوقحافه، هند جگرخوار همسر ابوسفیان و مادر معاویه بدرکات جحیم شتافت. (4)

- 
1. الامام الحسین علیه السلام و اصحابه: ج 1 ص 186.
  2. امالی صدوق: ص 219. بحار الانوار: ج 44 ص 314.
  3. مستدرک سفینه البحار: ج 5، ص 210. التنبيه و الاشراف: ص 249. مروج الذهب مسعودی: ج 2، ص 307. طبقات الکبری: ج 3 ص 211. تاریخ طبری: ج 2 ص 617. تاریخ دمشق: ج 30 ص 461.
  4. تنمه المنتهی: ص 43. بحار الانوار: ج 18 ص 17. التنبيه و الاشراف: ص 249. اسد الغابة: ج 5 ص 563. فتح الباری: ج 9 ص 419. البداية و النهایة: ج 7 ص 60. استیعاب: ج 4 ص 1923.

هند به ظاهر همسر ابوسفیان و مادر معاویه و عتبه و یزید بود<sup>(1)</sup>، اما از صاحبان پرچم بود که مردها به او مراجعه می کردند، و میل زیادی به غلامان سیاه داشت، ولی هرگاه بچه سیاهی را می زائید او را می کشت. معاویه را به چهار کس نسبت می دهند: مسافر بن ابی عمرو، عماره بن ولید بن مغیره، عباس و صباح که این ملعون مغنی عماره بن ولید و جوانی خوش سیما بود و کارگری ابوسفیان می نمود. هند با او الفتی خاص داشت، و لذا علمای انساب عتبه بن ابی سفیان را هم از صباح می دانند. هنگامی که هند به معاویه بارور شد مایل نبود او را در خانه بزیاید. لذا کنار کوه اجیاد آمد و آنجا وضع حمل کرد و به این دلیل است که حسان می گوید:

لمن الصبی بجانب البطحاء فی التراب ملقی غیر ذی مهد<sup>(2)</sup>

فرزندی که در کنار بیابان مکه بدون گهواره روی زمین رها شده از آن کیست؟!!!!

*سوابق سوء خاندان معاویه با اسلام*

از این زن و شوهر و فرزندش معاویه و نوه اش یزید، اذیت ها و جسارت ها به پیامبر ﷺ و امیرالمؤمنین و امام حسن و امام حسین علیهم السلام رسیده که در کتب تاریخ و روایات به تفصیل ذکر شده است. از آن جمله در مسیر حرکت کفار قریش به طرف احد برای جنگ با پیامبر ﷺ، هند قصد داشت قبر مادر آن حضرت جناب آمنه بنت وهب علیها السلام را نبش کند و جسارت کند، چه اینکه پدر و مادر و عموی هند در بدر کشته شده بودند. ولی کفار قریش

1. تتمه المنتهی: ص 50. بحار الانوار: ج 20، ص 549. حمزه سید الشهداء علیه السلام: ص 26 - 28. منتخب التواریخ: ص 51.  
2. بحار الانوار: ج 33 ص 201. الغدیر: ج 10 ص 170. النصائح الکافیة لمن یتولّى معاویة: ص 144. تتمه المنتهی: ص 46-47. شرح نهج البلاغة ابن ابی الحدید: ج 1 ص 336.



مانع شدند و گفتند: «این رسم می شود و مرگان ما را هم این چنین می کنند». هند گفت: باید محمد یا علی یا حمزه را بکشم! این بود که وحشی را بر این کار گماشت و وعده هائی به او داد. وحشی گفت: «قادر به کشتن پیامبر و علی نیستم ولی برای حمزه کمین می کنم»، با این مقدمه بود که آن بزرگوار را حسب دستور هند ملعونه به شهادت رساند.

به دستور هند وحشی سینه مبارک حضرت حمزه علیه السلام را شکافت، و جگر آن بزرگوار را خارج کرد و مانند سنگ به دندان گرفت ولی جگر مانند سنگ نقره ای رنگ شد و دندانش کارگر نشد، و آن را روی زمین انداخت و از آن روز ملقب به «آکله الاکباد» شد. بعد خودش با خنجر گوش، بینی و... حضرت حمزه را برید و به گردن آویخت. با این جنایت، دل مبارک پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را آزد و آن حضرت و امیرالمؤمنین علیه السلام و فاطمه زهرا علیها السلام و صفیه عمع پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و خواهر حمزه و دیگران گریستند. با این همه جنایت، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اسلام هند و همسرش را - که با اکراه مسلمان شده بودند - پذیرفت.

ابن ابی الحدید: می گوید: هند با عده ای از زنهای قریش خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آمدند در حالی که نقاب زده بود و خود را پوشانده بود به خاطر کارهائی که بر ضد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم انجام داده بود، مخصوصاً شهادت جناب حمزه علیه السلام، و می ترسید که آن حضرت او را مؤاخذه فرماید.

حضرت عهد و پیمان از آنها گرفت که به خداوند متعال شرک نورزند و مطالبی دیگر را نیز شرط فرمود و آنها قبول کردند. هند کلامی گفت که معلوم شد همسر ابوسفیان است. حضرت فرمودند: آیا تو هندی؟ گفت بله و به ظاهر شهادتین را بر زبانش جاری نمود و تقاضای بخشش نمود. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: دیگر نباید زنا کنی. هند گفت: مگر زن حرّه زنا می کند؟ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: و نباید بیچه ها را بکشی! هند گفت: به جان

خودم سوگند من بچه ها را بزرگ کردم و شما آنها را در بدر کشتید. اینجا هم عمر چنان خنده ای کرد که بر پشت افتاد. (1)

### تتمه ذی الحجّه

#### ولادت با سعادت حضرت کاظم علیه السلام

بنا بر فرمایش امام حسن عسکری علیه السلام، حضرت موسی بن جعفر علیه السلام در ماه ذی الحجّه سال 127 هـ در «ابواء» بین مکه و مدینه بدنیا آمد. (2)

اسم شریف آن حضرت موسی و کنیه مشهورش ابوالحسن و ابوابراهیم است. القاب آن حضرت: کاظم و صابر و صالح و امین است، اما لقب مشهور آن حضرت همان کاظم است یعنی خاموش و فرو برنده خشم. (3) پدر بزرگوارش حضرت امام جعفر صادق علیه السلام و مادر آن حضرت علیا مخدره حمیده مصفاة است.

حضرت صادق علیه السلام فرموده اند: «حمیده» تصفیه شده از هر دنس و بدی مانند شمس طلا است، و پیوسته ملائکه او را حراست و پاسبانی می نمودند تا به من رسید؛ به سبب آن کرامتی که از حق تعالی است برای من و حجت بعد از من. (4)

کمال الدین شافعی درباره حضرت موسی بن جعفر علیه السلام می گوید: او است امام کبیر القدر، عظیم الشان، کثیر التهجد، مُجدّد در اجتهاد، مشهور به عبادت، مواظب بر

---

1. مجمع البیان: ج 9 ص 457. بحار الانوار: ج 21 ص 98. تاریخ طبری: ج 2 ص 338. تاریخ دمشق: ج 70 ص 181. طبقات الکبری: ج 8 ص 9، 237.

2. دلائل الامامة: ص 303.

3. تاریخ موالید الائمة علیهم السلام: ص 35. بحار الانوار: ج 48 ص 11.

4. کافی: ج 1 ص 477. دلائل الامامة: ص 308. بحار الانوار: ج 48 ص 6.

طاعات، مشهور به کرامات. شب را با سجده و قیام به روز می آورد، و روزی را با تصدق و صیام به آخر می رسانید، و سبب حلم بسیار و گذشتش از جرم تقصیرکنندگان در حقش «کاظم» خوانده شد. آن حضرت در مقاب کسی که به او بدی کرده بود احسان می کرد، و کسی را که به او جنایتی کرده مورد عفو قرار می داد. به جهت کثرت عبادتش «عبد صالح» نامیده شد و به «باب الحوائج الی الله» معروف شد، زیرا که هر کس متوسل به آن جناب شده به حاجت خود رسیده، کراماته تحار منها العقول.<sup>(1)</sup>

دلایل ولادت آن حضرت در ماه ذی الحجه:

1. روایت حضرت عسکری علیه السلام که فرموده اند: امام کاظم در ابواء بین مکه و مدینه در ماه ذی الحجه سال 127 هـ به دنیا آمدند.<sup>(2)</sup>

2. ابوبصیر نقل می کند در سالی که حضرت کاظم متولد شدند من در خدمت حضرت صادق علیه السلام به سفر حج رفتم (ماه ذی الحجه ایام حج) چون به منزل ابواء رسیدیم حضرت برای ما چاشت طلبید، و غذای بسیار و نیکو آوردند. در اثنای خوردن طعام پیکی از جانب «حمیده» عیال حضرت به خدمت آن حضرت آمد و عرض کرد که حمیده می گوید: فرمودید چون اثر ظاهر شد شما را خبر کنم... پس حضرت شاد و خوشحال برخاست و رفت و بعد از اندک زمانی شکفته و خندان برگشت، در حالی که آستین های خود را بالا زده بود. عرض کردیم: خداوند دهان شما را همیشه خندان و دل شما را شاد گرداند، حال حمیده چگونه است؟ حضرت فرمود: حقتعالی پسری به من عطا کرد که بهترین خلق خداست....<sup>(3)</sup>

3. منهال قصاب می گوید: در ایام حج از مکه به قصد تشرف به مدینه بیرون رفتم. هنگامی که به ابواء رسیدیم دیدم خداوند مولودی به حضرت صادق علیه السلام عطا فرموده

1. کشف الغمة: ج 2 ص 212. الانوار البهية: ص 179.

2. دلایل الامامة: ص 303.

3. کافی: ج 1 ص 385. المحاسن: ج 2 ص 314. بحار الانوار: ج 48 ص 3. بصائر الدرجات: ص 460.

است. من زودتر از آن حضرت به مدینه وارد شدم و آن حضرت یک روز بعد از من وارد شد و سه روز مردم را اطعام کرد.<sup>(1)</sup>

4. (اگر چه احتمالی بیشتر نیست): در 15 ماه ذی الحجه بنا بر مشهور ولادت حضرت هادی علیه السلام است، و حال اینکه از امام زمان علیه السلام این دعای شریف منقول است: اللهم اني أسئلك بالمولودين في رجب محمد بن علي الثاني وابنه علي بن محمد المنتجب...<sup>(2)</sup>

پس کلام امام عصر علیه السلام دلالت بر ولادت حضرت جواد و حضرت هادی علیه السلام در ماه رجب دارد، و بنا بر روایت ابن عیاش ولادت حضرت هادی علیه السلام در 2 یا 5 رجب واقع شده است.<sup>(3)</sup>

از طرفی کنیه مشهور امام کاظم علیه السلام ابوالحسن سپس ابوابراهیم است و کنیه امام هادی علیه السلام هم ابوالحسن است. شاید مطالبی که در مورد ولادت ابوالحسن علیه السلام در ذی الحجه ذکر شده مراد امام هادی علیه السلام نباشد، بلکه حضرت موسی بن جعفر علیه السلام باشد چرا که روایت ولادت حضرت کاظم علیه السلام در ذی الحجه و ولادت امام هادی علیه السلام در ماه رجب است.

#### 1. نامه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به پادشاهان بزرگ

در این ماه در سال 6 هـ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نامه هایی به عنوان دعوت به اسلام و یکتاپرستی به پادشاهان کشورهای مختلف نوشته، همراه با نمایندگانی برای آنها فرستادند.<sup>(4)</sup>

1. المحاسن: ج 2 ص 418. وسائل الشیعة: ج 21 ص 401. بحار الانوار: ج 48 ص 4. منتهی الآمال: ج 2 ص 183.

2. مصباح المجتهد: ص 805. بحار الانوار: ج 50، ص 14، 116، ج 95 ص 394. اقبال: ج 3 ص 215.

3. مصباح المجتهد: ص 804. بحار الانوار: ج 50 ص 116.

4. بحار الانوار: ج 20 ص 382. تاریخ طبری: ج 2 ص 288. البداية و النهاية: ج 4 ص 206، 298. مکاتیب الرسول صلی الله علیه و آله و سلم: ج 1 ص 182.

## 2. رحلت حضرت ابوذر رضی اللہ عنہ

در این ماه در سال 32 هـ جناب ابوذر رضی اللہ عنہ در روزه رحلت نمود. <sup>(1)</sup> او سوم یا چهارم یا به قولی پنجمین کسی بود که اسلام آورد و سپس به قبیله خود مراجعت نمود. لذا در بدر و احد و خندق حاضر نبود. بعد از این سه جنگ به خدمت پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم رسید و در کنار آن حضرت بود تا زمانی که رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم به شهادت رسید.

مکان و منزلت ابوذر نزد رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم زیاد از آن است که ذکر شود. پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم ابوذر را صدیق امت و شبیه عیسی بن مریم علیہ السلام در زهد می دانست. آنچه از اخبار خاصه و عامه استفاده می شود آن است که بعد از رتبه معصومین علیہم السلام در میان صحابه کسی به جلالت قدر و رفعت شأن سلمان فارسی و ابوذر غفاری و مقداد نبوده است.

امام کاظم علیہ السلام می فرماید: در روز قیامت منادی از جانب رب العزه ندا می کند: «کجايند حواریان و مخلصان محمد بن عبدالله صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم که بر طریقه آن حضرت مستقیم بودند و پیمان او را نشکستند؟» سلمان و ابوذر و مقداد برمی خیزند. <sup>(2)</sup>

هنگامی که عثمان خلافت را غصب کرد، ابوذر در مدینه بود، او در مسجد رسول خدا می نشست و مردم دورش را می گرفتند و حدیث در طعن عثمان می گفت. وقتی به عثمان خیر رسید که ابوذر درباره اش سخن می گوید و تغییر و تبدیل در سنت رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم را برای مردم بیان می کند او را به شام فرستادم. ابوذر در شام هم ساکت نماند و همان سخنان را در شام بازگو می کرد و مردم را به ولایت خلیفه برحق پیامبر حضرت امیرالمؤمنین فرا می خواند و مناقب آن حضرت را برای اهل شام بیان می کرد، به نحوی که بسیاری از ایشان را به تشیع مایل گردانید

1. الغدير: ج 8، ص 332. تنمة المنتهى: ص 15 البداية النهاية: ج 7، ص 185. تاريخ طبرى: ج 3 ص 354. تاريخ دمشق: ج 66 ص 217.

2. اختصاص: ص 61. بحار الانوار: ج 22 ص 342. نهج السعادة: ج 8 ص 128. الشيعة فى احاديث الفريقين: ص 518. الدرجات الرفيعة: ص 432.

معاویه احوال ابوذر را به عثمان گزارش داد. عثمان در پاسخ او نوشت که ابوذر را بر مرکبی تندرو همراه با راهنمایی تندخو با شتاب به سوی مدینه روانه کن. معاویه ابوذر را که پیرمردی لاغر و بلند قد بود به ترتیبی که عثمان گفته بود روانه مدینه کرد.

هنگامی که ابوذر به مدینه رسید از شدت راه و بی‌جهازی شتر، دو پایش خونی شده بود و با بدنی کبود بر عثمان وارد شد و عثمان به او جسارت‌ها کرد و به کسی که رسول خدا ﷺ او را راستگو خطاب نموده بود (1) نسبت کذب داد.

سرانجام دستور تبعید او را به ریزه صادر کرد. در ضمن گفت: ابوذر حق ندارد احکام دین را برای مردم بیان کند، و هنگام خروج از مدینه کسی حق ندارد او را همراهی یا با او تکلم کند.

این خبر به امیرالمؤمنین علیه السلام که رسید آن قدر گریست که محاسن شریفش از اشک چشم مبارک خیس شد و فرمود: «آیا با صحابی رسول خدا ﷺ و سلم چنین می‌کنند؟ انا لله و انا الیه راجعون!»

سپس حضرت همراه دو نور دیده خود امام حسن و امام حسین علیهما السلام و عقیل و عمار یاسر به مشایعت ابوذر رفتند و هنگامی که ابوذر امیرالمؤمنین علیه السلام را دید، به سوی آن حضرت علیه السلام رفت و دست مبارک آن حضرت را بوسید و گریست، سپس ابوذر گفت: من هرگاه شما و فرزندان شما را می‌بینم یادم از کلام رسول خدا در مورد شما می‌آید و نمی‌توانم گریه خود را نگه دارم. سپس هر یک با کلماتی ابوذر را دلداری می‌دادند، اگر چه مروان می‌خواست مانع شود ولی امیرالمؤمنین علیه السلام او را دور کردند.

به این صورت ابوذر به همراه خانواده خود به ریزه رفت، و در آنجا فرزندش و همسرش که دختر عموی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بود وفات کرده و به دخترش خبر از وفات خود داد که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در بازگشت از تبوک به او فرموده بود.

---

1. بحار الانوار: ج 22 ص 329، 398، 405، 427، ج 31 ص 177، 186، 271. الغدير: ج 8 ص 250، 294، 306، 312، 353. مستدرک حاکم: ج 3 ص 342، ج 4 ص 480. مسند احمد: ج 5 ص 197، ج 6 ص 442. طبقات الکبری: ج 4 ص 228. المصنف (ابن ابی شیبة): ج 7 ص 526، ج 8 ص 184.

بعد از رحلت ابوذر، کاروانی از عراق آمد و عبدالله بن مسعود بر او نماز خواند، و به دست مالک اشتر کفن و دفن شد. (1)

ابوذر از کسانی بود که ایام غضب خلافت امیرالمؤمنین عليه السلام، در مسجد در مقابل ابوبکر و مردم ایستاد و از امیرالمؤمنین عليه السلام دفاع کرد. (2)

### 3. مرگ ابوموسی اشعری

در ماه ذی الحجه سال 44 هـ (و به قولی سال 42 و یا 52) عبدالله بن قیس مشهور به ابوموسی اشعری به درک واصل شد. او بعد از هجرت، در سال های آخر عمر رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم به ظاهر اسلام آورد، و آن قدر در نفاق و همدلی با عمر مشهور بود که او را جزء حزب عمر شمرده اند.

ابوموسی در لیلۃ المبيت در شب هجرت و در لیلۃ العقبة در جنگ تبوک و نیز در بازگشت از غدیر در عقبه هرشی، جزء کسانی بود که قصد قتل پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم را داشتند و اقدام کردند، ولی خدا پیامبرش را حفظ کرد. (3)

- 
1. الغدير: ج 8 ص 308 - 292. منتخب التواريخ: ص 32. ابوذر غفاری: ص 30-40. منتهی الآمال: ج 1 ص 117-118. مراقدالمعارف: ج 1، ص 102 - 101. تاریخ دمشق: ج 66. ص 174-223. تاریخ یعقوبی: ج 2 ص 70. شرح نهج البلاغة: ج 3 ص 52، ج 8 ص 252. اسد الغابة: ج 1 ص 302، ج 5 ص 188.
  2. رجال برقی: ص 149-150. احتجاج: ج 1 ص 100. خصال: ص 463. بحار الانوار: ج 28 ص 196، 211. اليقين: ص 339. مواقف الشيعة: ج 1 ص 426، 434. اربعين قمی: ص 240. الدرجات الرفیعة: ص 237. نهج الايمان: ص 581. مجمع النورین: ص 86.
  3. الايضاح: ص 61. ارشاد القلوب: ج 2 ص 332. امالی طوسی: ص 182. خصال: ص 499. الهدایة الكبرى: ص 79. المسترشد: ص 597. بحار الانوار: ج 21 ص 223، ج 28 ص 100، ج 31 ص 632، ج 33 ص 306، ج 82 ص 276. الصراط المستقیم: ج 3 ص 44. مکاتیب الرسول صلى الله عليه وآله وسلم: ج 1 ص 602، ج 603، 604، 605، 607. سفینة البحار: ج 4 ص 671. الدرجات الرفیعة: ص 263، 286، 299. اختیارات: ص 17. انوار العلویة: ص 74. منتخب التواريخ: ص 63. اغتیبال النبى صلى الله عليه وآله وسلم: ص 75. كشف الهاویة: ص 289. الغارات: ج 2 ص 922. شرح نهج البلاغة: ج 13 ص 314-315، ج 14 ص 21. كنز العمال: ج 13 ص 608، ج 14 ص 86. تاریخ دمشق: ج 32 ص 93. استیعاب: ج 3 ص 980. المصنف (ابن ابی شیببة): ج 8 ص 588. مسند احمد: ج 5 ص 391. الكامل: ج 2 ص 362. صحیح مسلم: ج 8 ص 123. تفسیر ابن کثیر: ج 2 ص 387. تاریخ طبری: ج 3 ص 501.

او اولین کسی بود که به عمر «امیرالمؤمنین» خطاب کرد. عمر هم به خاطر اعتمادی که به ابوموسی داشت او را چهار سال والی بصره قرار داد، با اینکه بیش از یک سال کسی را در رأس کاری قرار نمی داد. ابوبکر به او مسئولیتی نداد و عثمان او را از حکومت بصره عزل کرد.

او در واقعه جمل مانع از رفتن مردم برای یاری امیرالمؤمنین علیه السلام می شد تا آنکه امام حسن علیه السلام آمده مردم را به یاری حضرت دعوت کردند و مردم هم اجابت نمودند.

سرانجام در ماجرای حکمین در دومه الجندل با عمروعاص تبانی کرده امیرالمؤمنین علیه السلام را از خلافت خلع کرد. بعد از آن از ترس اصحاب امیرالمؤمنین علیه السلام به مکه گریخت. <sup>(1)</sup>

#### 4. وفات زرارہ رضی اللہ عنہ

در این ماه در سال 148 هـ دو ماه بعد از شهادت آقا و مولایمان حضرت صادق علیه السلام جناب زرارہ بن اعین وفات کرد. او در روز شهادت امام صادق علیه السلام در بستر بیماری بود. <sup>(2)</sup> بعضی وفات زرارہ را در سال 150 هـ گفته اند. <sup>(3)</sup>

او از اصحاب امام باقر و امام صادق و امام کاظم علیہم السلام بود، و نزد آن بزرگواران دارای منزلت و مقام خاصی بود.

مردی فقیه، متکلم، شاعر و ادیب بود، و مشهور است که آن بزرگوار از اولین فقهای اصحاب ائمه علیہم السلام بود.

- 
1. بحار الانوار: ج 33 ص 297-324. منتخب التواریخ: ص 63، 166، 214. اغتیال النبی صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم: ص 78-72. تتمه المنتهی: ص 31.
  41. شرح نهج البلاغة (ابن ابی الحدید): ج 13 ص 315-303. تاریخ دمشق: ج 32 ص 100-14. تذکرة الحافظ: ج 1 ص 24.
  2. رجال کشی: ص 142. مسند زرارة بن اعین رضی اللہ عنہ: ص 24-23. معجم رجال الحدیث: ج 8 ص 228، 241.
  3. رجال کشی: ص 175. مسند زرارة بن اعین رضی اللہ عنہ: 26.



اسم آن بزرگوار عبد ربه، و لقب او زراره، و کنیه اش ابوالحسن و گاهی نیز ابوعلی خوانده می شود. پدرش اعین بن سنسن نام دارد. اولاد زراره حسن، حسین، رومی، عبید، عبدالله و یحیی هستند. او مردی خوش سیما و جسیم بود، که آثار عبادت از پیشانی او ظاهر بود و هیبتی خاص و نیکو داشت. مردم برای دیدن او جمع می شدند و انتظار می کشیدند، و گاهی چنان ازدحام بود که زراره به خانه باز می گشت.<sup>(1)</sup>

ابن ابی عمیر که از بزرگان شیعه است، می گوید: زمانی که از محضر جمیل بن درّاج رضی الله عنه استفاده می کردم به او گفتم: «چه نیکوست محضر تو و چه زینت دارد افاده از مجلس تو!» جمیل گفت: «اما به خدا قسم ما نزد زراره به منزله اطفال مکتبی هستیم، که نزد معلّم خود باشند».<sup>(2)</sup>

---

1. مسند زراره بن اعین رضی الله عنه: ص 29. الفوائد الرجالية: ج 1 ص 232. منتهی الامال: ج 2، ص 171.  
2. رجال کشی: ص 134. الکنی و الاقاب: ج 1 ص 283. معجم رجال الحديث: ج 8 ص 231. تهذیب المقال: ج 5 ص 14. منتهی الآمال: ج 2، ص 171.



## منابع

1. ابصار العين فى انصار الحسين عليه السلام، شيخ محمد سماوى، مكتبة بصيرتى، قم 1408 ق
2. ابوبكر بن ابى قحافة، على خليل
3. ابوذر الغفارى رضي الله عنه، كمال السيد، مؤسسه انصاريان، قم
4. ابوطالب عليه السلام حامى الرسول و ناصره، نجم الدين شرف عسكرى، الآداب، نجف الأشرف
5. الاتحاف بحب الأشراف، شبراوى شافعى
6. اثبات الوصية، مسعودى، دار الأضواء، قم، بيروت
7. اثبات الهداة، محمد بن حسن حر عاملى
8. اجساد جاويدان، على اكبر مهدى پور، مطبوعات حازق، 1377 ش
9. الآحاد و المثانى، ابن ابى عاصم، دار الدراية، رياض، 1411 ق
10. الأحاديث المختارة، ابى عبدالله حنبلى مقدسى، مكتبة النهضة الحديثة، مكة، 1410 ق
11. الاحتجاج، شيخ طبرسى، انتشارات دار النعمان، نجف اشرف، 1386 ق
12. احقاق الحق وازهاق الباطل، قاضى نور الله حسينى شوشترى مرعشى
13. الأحكام، ابن حزم اندلسى، ناشر: زكريا على يوسف، مطبعة العاصمة، قاهره

14. احكام القرآن، جصاص، دار الكتب العلمية، بيروت، 1415 ق
15. احياء علوم الدين، ابو حامد محمد غزالي
16. الأخبار الطوال، دينوري، دار احياء الكتب العربية، 1960 م
17. اختران تابناك، ذبيح الله محلاتي، انتشارات اسلامية، ج 1: 1349 ش، ج 2: 1361 ش
18. الاختصاص، شيخ مفيد، النشر الاسلامي، قم 1418 ق، مكتبة بصيرتي، قم
19. اختيارات، علامه مجلسي، كتابفروشي اسلامية، تهران، الثالثة
20. اختيار معرفة الرجال، شيخ طوسي، مؤسسه آل البيت، 1404 ق
21. الأخلاق الحسينية عليه السلام، جعفر البياتي، نشر انوار الهدى، 1418 ق
22. الأربعين، شيخ ماحوزي، تحقيق سيد مهدي رجائي، 1417 ق
23. الأربعين، محمد طاهر قمى شيرازي، ناشر: محقق، 1418 ق
24. الارشاد، شيخ مفيد، مؤسسه آل البيت عليه السلام، قم 1416 ق
25. ارشاد الساري شرح صحيح البخاري، احمد قسطلاني، دار صادر، بيروت 1403 ق
26. ارشاد القلوب، حسن بن ابي الحسن ديلمى، انتشارات الشريف الرضى، قم، 1412 ق
27. از مدينه تا مدينه، سيد محمد جواد ذهني تهراني، نشر پيام حق، تهران 1379 ش
28. ازواج النبي صلى الله عليه وآله وسلم و بناته، نجاح طائي، دار الهدى لا حياء التراث، بيروت 1422 ق
29. اسباب نزول الآيات، واحدي نيشابوري، مؤسسه الحلبي و شركائه، قاهره 1388 ق
30. الاستغاثة في بدع ثلاثة، ابي القاسم علي بن احمد كوفي
31. الاستيعاب، ابن عبد البر، دار الجيل، بيروت 1412 ق
32. اسد الغابة في معرفة الصحابة، ابن الأثير، اسماعيليان، تهران 1380 ق
33. اسرار الامامة، عماد الدين الطبري، آستان قدس رضوي، مشهد
34. اسرار الشهادة، ملا آقا دربندی، انتشارات اعلمي، تهران ذوى القربى، قم
35. الأسرار الفاطمية عليها السلام، محمد فاضل مسعودي، مؤسسه زائر، قم، 1420 ق
36. اسرار فدك، محمد باقر انصاري وسيد حسين رجائي، نشر الهادي، قم 1375 ش
37. اسعاف الراغبين، محمد بن صبان مصرى، در حاشيه نور الأبصار، مصر
38. آسياب تبرى، سيد مجتبي عسيري 39. الاصابة، ابن حجر عسقلاني، دار الكتب العلمية، 1415 ق
40. اضواء على السنة المحمدية صلى الله عليه وآله وسلم، محمود ابو رية، دار الكتاب الاسلامي

41. اضاء على الصحيحين، شيخ محمد صادق نجمي، مؤسس المعارف الاسلامية، قم 1419 ق
42. الاعتقادات، شيخ صدوق
43. الأعلام، خير الدين زركلي، دار العلم للملايين، بيروت
44. اعلام النساء، عمر رضا كحالة، مؤسس الرسالة، بيروت
45. اعلام النساء، المؤمنات، محمد حسون، ام علي مشكور، دار الأسوة، 1411 ق
46. اعلام الوري، امين الاسلام طبرسي، مؤسس آل البيت عليه السلام، قم 1417 ق
47. اعيان الشيعة، سيد محسن امين عاملي، دارالتعارف للمطبوعات، بيروت 1406 ق
48. اغتيال ابي بكر، نجاح طائي، دار الهدى للتراث، بيروت 1419 ق
49. اغتيال النبي صلى الله عليه وآله وسلم، نجاح طائي، دار الهدى للتراث، بيروت 1419 ق
50. آفتاب كعبه، محمد باقر انصاري، نشر مولود كعبه، قم 1376
51. افحام الأعداء والخصوم، سيد ناصر حسين موسوي هندي، مكتبة نينوى الحديثة، تهران
52. الاقبال بالأعمال الحسنة، سيد ابن طاووس، مكتب الأعلام الاسلامي، 1414، دار الكتب الاسلامية، تهران
53. الزام النواصب، شيخ مفلح بن حسين بن راشد، 1420 ق
54. القاب الرسول وعترته عليه السلام، بعض قدماء محدثين، ضمن مجموعه نفسية، قم 1396 ق
55. الأم، محمد بن ارديس شافعي، دار الفكر، بيروت 1403 ق
56. الامامة و السياسة، ابن قتيبة، انتشارات الشريف الرضي، قم، 1413 ق، تحقيق شيري
57. ام البنين سيدة نساء العرب، سيد مهدي سويج، المكتبة الحيدرية، قم 1377 ش
58. الأمالي، شيخ صدوق، مؤسس بعثت، قم 1417 ق
59. الأمالي، شيخ مفيد، مؤسس النشر الاسلامي، قم
60. الأمالي، ابي جعفر محمد بن حسن طوسي، دار الثقافة، قم 1414 ق
61. امالي المحاملي، حسين بن اسماعيل ضبي محاملي، المكتبة الاسلامية دار ابن القيم، اردن، 1412 ق
62. الامام حسن العسكري عليه السلام، حاج حسين الشاكري، الهادي، قم 1420 ق
63. الامام الحسين عليه السلام في احاديث الفريقين، سيد علي محمد ابطحي، ناشر: المؤلف، 1418 ق
64. الامام الحسين عليه السلام و اصحابه عليه السلام، فضل علي قزويني، مطبعة باقري، قم

65. الامامة و التبصرة من الحيرة، والد شيخ صدوق، مدرسة الامام المهدي عليه السلام، قم
66. الامام على عليه السلام فى آراء الخلفاء، شيخ مهدي فقيه ايماني، مؤسسه المعارف الاسلاميه، قم 1420 ق
67. الامام على عليه السلام من حبه عنوان الصحيفه، شيخ احمد رحمانى همدانى، منير، تهران 1417 ق
68. الامام موسى بن جعفر عليه السلام فى بحار الأنوار، سيد على اشرف، المكتبة الحيدريه، قم 1425
69. الامام المهدي عليه السلام من المهد الى اللحد، سيد محمد كاظم قزويني، بيروت
70. الامام الهادي عليه السلام، حاج حسين شاكري، ناشر: المؤلف، قم 1419 ق
71. الامام الهادي عليه السلام من المهد الى اللحد، سيد محمد كاظم قزويني، قم، مركز مشر آثار شيعه
72. امتاع الاسماع، مقريزي، دار الكتب العلميه، بيروت، 1420 ق
73. الأنساب، عبدالكريم بن محمد سمعاني، دار الجنان، بيروت، 1408 ق
74. انساب الأشراف، بلاذري، مؤسسه اعلمى، بيروت 1394 ش
75. انصار الحسين عليه السلام، محمد مهدي شمس الدين، الدار الاسلاميه، 1401 ق
76. الأنوار البهيه، محدث قمى، مؤسسه النشر الاسلامى، قم 1417 ق
77. الأنوار الساطعه من العذراء الطاهره خديجه بنت خويلد عليها السلام، شيخ غالب سيلوى، ناشر: مؤلف، 1421 ق 78
78. انوار الشهاده، محمد حسن يزدى
79. الأنوار العلويه، شيخ جعفر نقدى، المطبعة الحيدريه، نجف اشرف 1381 ق
80. انوار المشعشين، شيخ محمد على نائينى، كتابخانه آيه الله مرعشى، قم 1381
81. الأنوار النعمانيه، سيد نعمه الله جزائرى، مطبعة شركت چاپ، تبريز
82. الايضاح، فضل بن شاذان ازدى نيشابورى، تحقيق سيد جلال الدين حسينى
83. ايمان ابى طالب عليه السلام، علامه امينى
84. اين دفن النبى صلى الله عليه وآله وسلم، محمد على برو مؤسسه نشر اسلامى، قم
85. بحار الأنوار، علامه مجلسى، مؤسسه الوفاء، بيروت 1403 ق
86. البدايه و النهايه، ابن كثير، دار احياء التراث العربى، بيروت 1408 ق
87. البدء والتاريخ، مطهر بن طاهر مقدسى، دار صدار، بيروت
88. البرهان فى تفسير القرآن، سيد هاشم بحرانى، اسماعيليان، قم
89. بشاره المصطفى صلى الله عليه وآله وسلم، ابو جعفر محمد طبرى امامى، مكتبة حيدريه، نجف اشرف 1383 ق

90. بصائر الدرجات، بوجعفر محمد بن حسن بن فروخ صفار، مؤسسه اعلمى، 1362 ش
91. بلاغات النساء، ابن طيفور، مكتبة بصيرتى، قم
92. البلد الأمين، كفعمى، مكتبة الصدوق، تهران
93. بنات النبى ﷺ ام ربائبه، سيد جعفر مرتضى عاملى
94. بيت الأحران، محدث قمى، دار الحكمة، قم 1412 ق
95. بيت الأحران، عبدالخالق بن عبد الرحيم يزدى، چاپ سنگى
96. تاج العروس من جواهر القاموس، محمد مرتضى زبيدى، مكتبة الحياة، بيروت
97. تاج الموالي، علامه طبرسى، ضمن مجموعة نفسية، مكتبة بصيرتى، قم 1396 ق
98. تاريخ الأئمة عليهم السلام، عدة من علماء الشيعة، مكتبة بصيرتى، قم 1396 ق
99. تاريخ الاسلام، ذهبى، دار الكتاب العربى، بيروت
100. تاريخ الأمم و الملوك، محمد بن جرير طبرى، مؤسسه اعلمى، بيروت
101. تاريخ ابن خلدون، ابن خلدون، دار احياء التراث العربى، بيروت
102. تاريخ بغداد، خطيب بغدادى، دار الكتاب العربى، بيروت
103. تاريخ تشيع در ايران، رسول جعفریان 104. تاريخ الخلفاء، سيوطى، دار القلم، بيروت
105. تاريخ خليفة بن خياط، خليفة بن خياط عصفرى، دار الفكر، بيروت 1414 ق
106. تاريخ الخميس، حسين دياربكرى، مؤسسه شعبان، بيروت، مصر 1383 ق
107. تاريخ سامراء، ذبيح الله محلاتى، اسلامية، 1388 ق، انتشارات الشريف الرضى، قم 1426 ق
108. التاريخ الصغير، بخارى، دار المعرفة، بيروت 1406 ق
109. تاريخ العلوم عند العرب، بيروت 1390 ق
110. تاريخ قم، حسن بن على بن حسن قمى، انتشارات توس، تهران 1361 ش
111. تاريخ المدينة، ابن شبة نميرى، دار الفكر، قم 1410 ق
112. تاريخ مدينة دمشق، ابن عساكر، دار الفكر، 1415 ق
113. تاريخ اليعقوبى، احمد بن ابى يعقوب، مؤسسه نشر فرهنگ اهل بيت عليهم السلام، قم
114. تأويل الآيات الظاهرة، سيد شرف الدين على حسينى، مطبعة امير، قم 1407 ق
115. تنمة المختصر فى اخبار البشر، ابن الوردى، دار المعرفة، بيروت
116. تنمة المنتهى، محدث قمى، داورى، قم 1397 ق

117. تثبيت الامامة، هادى يحيى بن حسين زيدى يمنى، دار الامام السجاد عليه السلام، بيروت 1419 ق
118. تحرير الأحكام، علامه حلى، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، چاپ سنگى
119. تحفة الأبرار فى مناقب الأئمة الأطهار عليهم السلام، عماد الدين الطبرى، مشر ميراث مكتوب
120. تحفة الأحوذى، مباركپورى، دارالكتب العلمية، بيروت 1410 ق
121. تحفة الزائر، علامه مجلسى، چاپ سنگى، تهران
122. التحفة العسجدية، يحيى بن حسين بن قاسم، ابو ايمن للطباعة، صنعاء، اليمن
123. تحقيق دربارہ اول اربعين سيد الشهداء عليهم السلام، سيد محمد على قاضى طباطبائى، بنياد قاضى طباطبائى، 1368 ش
124. تدريب الراوى، عبدالرحمان سيوطى، مكتبة الرياض الحديثة، رياض
125. تدوين القرآن، على كورانى، دار القرآن الكريم، قم، 1418 ق
126. تذكرة الحفاظ، ذهبى، مكتبة الحرم المكى، دار احياء التراث العربى
127. تذكرة الخواص، سبط ابن جوزى، انتشارات الشريف الرضى، قم 1418 ق
128. تذكرة الشهداء (المترجم)، ملا حبيب الله كاشانى، ترجمة سيد على اشرف، نشر مدين، قم 1426 ق
129. تذكرة الفقهاء، علامه حلى، مكتبة الرضوية لاحياء آثار الجعفرية
130. تراجم اعلام النساء، محمد حسين اعلمى، حائرى، بيروت مؤسسه اعلمى، 1407 ق
131. ترجمة الامام الحسين عليه السلام من تاريخ دمشق، ابن عساکر، مؤسسه محمودى، بيروت 1398 ق
132. ترجمة الامام الحسن عليه السلام من طبقات ابن سعد، سيد عبدالعزيز طباطبائى، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم، 1416 ق
133. ترجمة الامام الحسين عليه السلام من طبقات ابن سعد، سيد عبدالعزيز، طباطبائى، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم، 1416 ق
134. تشييد المطاعن، سيد محمد قلى موسى نيشابورى كنتورى، چاپ سنگى
135. التعجب من اغلاط العامة، ابى الفتح كراجكى، مكتبة المصطفوى، قم 1410 ق، طبع و تخريج: فارس حسون كريم
136. تعجيل المنفعة، ابن حجر عسقلانى، دار الكتاب العربى، بيروت
137. التعديل و التجريح لمن خرج عنه البخارى، سليمان الباحى



138. تفسى الثعالبى (الجواهر الحسان)، عبد الرحمان ثعالبى مالكى، دار احياء التراث العربى، بيروت 1418 ق
139. تفسير الجلالين، جلال الدين محلى، جلال الدين سيوطى، دار المعرفة، بيروت
140. تفسير الصافى، فيض كاشانى، مكتبة الصدر، تهران، 1416 ق
141. تفسير العياشى، محدث جليل ابو انضر محمد بن مسعود بن عياشى، مكتبة العلمية الاسلامية، تهران
142. تفسير فرات، ابوالقاسم فرات بن ابراهيم كوفى، وزارت ارشاد اسلامى، 1410 ق
143. تفسير القرآن العظيم، ابن كثير دمشقى، دار المعرفة، بيروت 1412 ق
144. تفسير القرطبى (الجامع لأحكام القرآن)، محمد بن احمد القرطبى، دار احياء التراث العربى، بيروت 1405 ق
145. تفسير القمى، ابوالحسن على بن ابراهيم قمى، مؤسسه دار الكتاب، قم 1404 ق
146. التفسير الكبير، فخر رازى
147. تفسير كنز الدقائق، ميرزا محمد مشهدى قمى، مؤسسه نشر اسلامى، قم 1407 ق
148. تفسير نور الثقلين، حوىزى، مؤسسه اسماعيليان، قم 1412 ق
149. التفضيل، ابو الفتح كراچكى، مؤسسه اهل البيت عليه السلام، بنياد بعثت، تهران، 1403 ق
150. تقريب التهذيب، ابن حجر عسقلانى، دار المكتبة العلمية، بيروت 1415 ق
151. تقريب المعارف، ابوالصلاح حلبى، تحقيق: شيخ فارس تبريزيان، ناشر: محقق
152. تقويم الأئمة عليه السلام يا روز شمار دينى، محمد رضا شريعت زاده طالقانى، تاريخ الكتابة 26 رجب 1381 ق
153. تقويم المحسنين، فيض كاشانى، چاپ سنگى
154. تقويم الواعظين، سيد حسن مير حافظ، نشر الف، 1416 ق
155. تلخيص الحبير، ابن حجر عسقلانى، دار الفكر، بيروت
156. التمهيد، ابن عبدالبر، وزارة الاوقاف و الشؤون الاسلامية، مغرب 1387 ق
157. التنبيه و الاشراف، مسعودى
158. تنقيح المقال، علامه شيخ عبدالله مامقانى، المكتبة المرتضوية، نجف 1352 ق، انتشارت جهان، تهران
159. تنوير الحوالك، جلال الدين سيوطى، دار الكتب العلمية، بيروت 1418

160. تهذيب الاحكام، ابو جعفر طوسي، دار الكتب الاسلامية، تهران 1365 ش
161. تهذيب الاسماء، محبى الدين نوري، دار الفكر، بيروت 1996 م
162. تهذيب التهذيب، ابن حجر عسقلاني، دار الفكر، 1404 ق
163. تهذيب الكمال، ابو الحجاج مزي، مؤسسه الرسالة، بغداد 1406 ق
164. تهذيب المقال فى تنفيح كتاب الرجال، سيد محمد على موحد ابطحي، قم 1412 ق
165. التوحيد، شيخ صدوق، مكتبة الصدوق، 1398 ق، نشر اسلامي، قم 1387 ق
166. توضيح المقاصد، شيخ بهاء الدين عاملي، ضمن مجموعه نفيسه، مكتبة بصيرتي، قم 1396 ق
167. الثاقب فى المناقب، ابن حمزة طوسي، مؤسسه انصاريان، قم 1412 ق
168. الثغور الباسمة، جلال الدين، سيوطي، مركز الدراسات الاسلامية، بيروت 1408 ق
169. الثقات، ابن حبان تميمي، مؤسسه الكتب الثقافية، حيدر آباد دكن، هند، 1393 ق
170. ثمار القلوب، ثعالبي
171. ثمرات الأعواد، سيد على بن الحسين هاشمي، انتشارات شريف رضى، قم
172. ثمرات الحياة، سيد محمد امامي اصفهاني، مؤسسه افتخاريان، مطبعة علمية، قم 1383 ق
173. ثواب الأعمال، شيخ صدوق، انتشارات شريف رضى، قم 1386 ش
174. جامع احاديث الشيعة، با اشراف آية الله بروجردي، العلمية، قم 1399 ق
175. جامع الأحاديث الكبير، سيوطي، دار الفكر، بيروت
176. جامع الأخبار، منسوب به شيخ صدوق
177. جامع الأصول من احاديث الرسول ﷺ، ابن اثير، دار احياء التراث العربى، بيروت
178. جامع البيان، طبرى، دار الفكر، بيروت 1415 ق
179. جامع الشتات، محمد اسماعيليان خواجهوئي، تحقيق سيد مهدي الرجائي، 1418 ق
180. الجامع الصغير، سيوطي، دار الفكر، بيروت 1401 ق
181. جزء الحميرى، على بن محمد حميرى، دار طحاوى، رياض 1413 ق
182. جلاء العيون، علامه مجلسي، انتشارات علميه اسلاميه
183. الجمل، شيخ مفيد، مكتبة داوري، قم
184. جنات الخلود، خاتون آبادي، مكتبة ادبية، تهران 1378 ق
185. الجنة العاصمة، ميرجهاني، مكتبة صدر، تهران

186. جواهر التاريخ، على كرواين، دار الهدى، قم 1425 ق
187. الجواهر السنوية فى الأحاديث القدسية، محمد بن حر عاملى، مكتبة المفيد، قم
188. جواهر الكلام، شيخ محمد حسن نجفى، دار الكتب الاسلامية، تهران 1367 ش
189. جواهر المطالب فى مناقب الامام على بن ابى طالب عليه السلام، محمد بن احمد شافعى، احياء الثقافة الاسلامية، قم 1415

ق

190. الجواهر النقى، عماد الدين ماردينى، دار الفكر
191. حاشية الدسوقى، محمد بن عرفه دسوقى، دار احياء الكتب العربية
192. حبيب السير، غياث الدين خواندمير
193. الحدائق الناضرة، شيخ يوسف بحراني، مؤسسه النشر الاسلامى، قم
194. حديفة الرضوية، شيخ محمد حسن هروى (اديب هروى)
195. حديفة الشيعة، مقدس اردبيلى، انتشارات گلى، تهران 1377 ش
196. الحسين عليه السلام، خير الله طلفاح، داذ العروبة، بغداد
197. الحسين عليه السلام، على جلال حسيني، المطبعة السلفية، قاهره 1349 ق
198. حضرت رقيه عليها السلام، شيخ على فلسفى
199. حضرت رقيه عليها السلام چاوش كربلا پاسدار ولايت، سيد مجتبى موسوى زنجانرودى، مؤسسه شاکر، 1376 ش
200. حق اليقين، علامه محمد باقر مجلسى، الاسلامية، تهران 1357 ش
201. حلية الابرار، علامه سيد هاشم بحراني، مؤسسه المعارف الاسلامية، قم 1411 ق، العلمية، قم
202. حلية الاولياء، ابونعيم اصفهانى، دار الكتاب العربى، بيروت 1405 ق
203. حمزة سيد الشهداء عليه السلام، كمال السيد، انصاريان، قم
204. حياة الامام الحسين عليه السلام، باقر شريف قرشى، ناشر الادب، نجف اشرف، 1394 ق
205. حيات الحيوان، دميرى
206. حياة الست عليها السلام، مهدي منصورى، صحفى، قم
207. حياة القاسم بن الامام الكاظم عليه السلام، محمد على ناصرى بحراني، نجف اشرف، 1391 ق
208. خاتمة مستدرک الوسائل، محدث نورى، مؤسسه آل البيت، قم 1415 ق
209. الخرائج و الجرائح، قطب الدين راوندى، مؤسسه الامام المهدي، قم

210. خصائص الأئمة عليهم السلام، شريف رضى، مجمع البحوث الاسلامية، آستان قدس رضى، مشهد 1406 ق
211. خصائص اميرالمؤمنين عليه السلام، نسائي، مكتبة نينوى الحديثة
212. الخصائص الزينية عليه السلام، سيد نور الدين جزائرى، مطبعة مهين، 1401 ق، مسجد مقدس جمكران، 1383 ق
213. الخصائص العباسية عليه السلام، محمد ابراهيم كلباسى النجفى، المكتبة الحيدرية، قم 1378 ش
214. الخصائص الفاطمية عليه السلام، للشيخ محمد باقر كجورى (ترجمة سيد على اشرف)، انتشارات الشريف الرضى، قم 1380

ش

215. خصائص الوحي المبين، شمس الدين يحيى بن الحسن (ابن البطريق)، دار القرآن الكريم، قم 1417 ق
216. الخصال، شيخ صدوق، مؤسسه النشر الاسلامى، قم 1403 ق
217. الخطط المقرزية (المواعظ و الاعتبار)، مقرزى، مكتبة المثنى، دار صادر، بغداد، بيروت
218. خطيب كعبة، على اصغر يونسىان، انتشارات منير، تهران 1423 ق
219. خلاصة الأقوال، علامه حلى، المكتبة الحيدرية، نجف 1381 ق
220. خلاصة عبقات الأنوار، سيد حامد نقوى، (تخليص ميلانى)، مؤسسه البعثة، قم 1406 ق
221. الخلافة المغتصبة، ادريس حسينى مغربى
222. خلفيات كتاب مأساة الزهراء عليها السلام، سيد جعفر مرتضى عاملى، دار السيرة، بيروت
223. دائرة المعارف، فريد وجدى
224. دائرة المعارف الاسلامية الشيعية، سيد حسن الأمين، دار التعارف، بيروت
225. دائرة المعارف تشيع، ج 8، نشر شهيد سعيد محبى، 1379 ش
226. دارالسلام، شيخ محمود عراقى، ناشر: ايران نكين
227. الدر المنثور، سيوطى، دار الفكر بيروت، (مطبعة الفتح، جده) 1365 ق
228. الدرجات الرفيعة، سيد على خان، مكتبة بصيرتى، قم 1397 ق
229. الدروس الشرعية، شهيد اول، مؤسسه النشر الاسلامى، قم 1412 ق
230. دريائى سخن، سقازاده تبريزى
231. دعائم الاسلام، قاضى نعمان مغربى، در المعارف، قاهره، 1383 ق

232. دعوة الى سبيل المؤمنين، طارق زين العابدين، مجمع البحوث الاسلامية، آستان مقدس قدس رضوى، مشهد 1418 ق
233. دلائل الامامة، ابوجعفر محمد بن جرير طبرى امامى، مؤسسه البعثة، قم 1413 ق، مكتبة الحيدرية، نجف 1383
234. دلائل النبوة، اصبهانى، دار طبية، رياض 1409 ق
235. الدمعة الساكبة، محمد باقر بن عبدالكريم، مكتبة العلوم العامة، منامه 1409 ق
236. الديباج على صحيح مسلم، عبدالرحمان سيوطى، دار ابن عفان، سعودى 1416 ق
237. ذخائر العقبي، احمد بن عبدالله طبرى، مكتبة القدسى، 1356 ق
238. الذرية الظاهرة، دو لابي، الدار السلفية، كويت 1407 ق
239. الذريعة الى تصانيف الشيعة، علامه آقا بزرگ طهرانى، دار الأضواء، بيروت 1403 ق
240. ذريعة النجاة فى مقتل الحسين، ميرزا رفيع گرمردى، چاپ سنگى، تبريز، 1302 ق
241. ذكر اخبار اصبهان، ابونعيم اصبهانى، المطبعة بربل 1934 م
242. ذوب النضار، ابن نما حلى، مؤسسه النشر الاسلامى، قم 1416 ق
243. ربيع الأبرار ونصوص الأخبار، زمخشري، انتشارات رضيرى، قم، 1410 ق
244. رجال البرقى، شيخ ابوجعفر احمد بن خالد برقى، مؤسسه قيوم، قم
245. رجال صحيح البخارى، احمد بن محمد بخارى كلاباذى، دار المعرفة، بيروت 1407 ق
246. رجال الطوسى، شيخ طوسى، مؤسسه النشر الاسلامى، قم 1415 ق
247. رجال الكشى، شيخ كشى، دانشگاه مشهد، مشهد 1348 ش
248. رجال مسلم، ابن منجويه اصفهانى، دار المعرفة، بيروت 1407 ق
249. رجال النجاشى، شيخ ابوالعباس احمد بن على نجاشى، مؤسسه النشر الاسلامى، قم 1416 ق
250. رحلة ابن بطوطة، محمد بن ابراهيم اللواتى، دار بيروتريال بيروت 1405
251. رد عقائد الوهابية، شيخ محمد جواد بلاغى
252. رسائل المرتضى، شريف سيد مرتضى، دار القرآن، قم 1405 ق
253. رسالة حول حديث نحن معاشر الأنبياء لانورث، شيخ مفيد، دار المفيد، بيروت 1414 ق
254. رسالة حول خبر مارية، شيه مفيد، دار المفيد، بيروت 1414 ق
255. الرسالة السعدية، علامه حلى، كتابخانه آية الله مرعشى نجفى، قم 1410 ق

256. رسالة فيروزية، ميرزا عبدالله افندی، نسخه عكسی مركز احياء التراث الاسلامی، قم
257. روضات النجات، ميرزا محمد باقر موسوی خوانساری، اسماعيليان، قم
258. روضة الصفا، محمد بن سيد برهان الدين خاوند شاه معروف «مير خواند»
259. الروضة في المعجزات والفضائل، يکی از علمای شيعه، چاپ سنگی در آخر علل الشرائع
260. روضة المتقين في شرح من لا يحضره الفقيه، محمد تقی مجلسی، المؤسسة الاسلامية الثقافية كوشانپور، قم 1406 ق
261. روضة الواعظين، فتال نيشابوری، انتشارت الرضى، قم 1386 ق
262. الروض الفائق، شعيب بن عبدالله حريفيش
263. الروض النضير في معنى حديث الغدير، فارس حسون كريم، مؤسسه امير المؤمنين عليه السلام، قم 141 ق
264. رياض الشريعة، ذبيح الله محلاتي، دار الكتاب الاسلامية، تهران
265. رياض الأنساب ومجمع الألقاب، معروف «بخر الأنساب»، چاپ سنگی
266. رياض العلماء وحياض الفضلاء، ميرزا عبدالله افندی، كتابخانه آية الله مرعشى، قم 1410 ق
267. رياض القدس، صدر الدين واعظ قزوینی، الاسلامية، 1376 ش
268. رياض المصائب، سيد محمد مهدی بن سيد محمد جعفر، چاپ سنگی
269. الرياض النضرة، محب طبری، دار الكتب العلمية، بيروت، المكتبة القيمة، قاهره
270. زاد المسير، ابن جوزی، دار الفكر، بيروت 1407 ق
271. زاد المعاد، علامه محمد باقر مجلسی، چاپ سنگی، تهران
272. زندگانی چهارده معصوم عليهم السلام، عماد زاده
273. زندگانی سيدة نفيسة عليها السلام (گوهر خاندان رسالت)، عزيز الله عطاردی، انتشارات عطارد، 1373 ش
274. زندگانی كريمه اهل بيت عليهم السلام، على اكبر مهدی پور، نشر حاذق، 1380 ش
275. زينب الكبرى عليها السلام، شيخ جعفر نقدی، المكتبة الحيدرية، قم 1378 ش
276. سبعة من السلف، فيروزآبادی، دار الهجرة، قم 1375 ش
277. سبل الرشاد الى اصحاب الامام الجواد عليه السلام، عبد الحسين شبستري، المكتبة التاريخية، قم 1421 ق
278. سبل السلام، محمد كحلاني صنعاني، مكتبة مصطفى البابی الحلبي، مصر 1379 ق

279. سبل الهدى و الرشاد، محمد بن يوسف شامى، دار الكتب العلمية، بيروت 1414 ق
280. سبل النجاة فى تنمة المراجعات، شيخ حسين راضى
281. ستاره درخشان شام حضرت رقيه عليها السلام، على ربانى خدخالى، انتشارات مكتب الحسين عليه السلام، 1426 ق
282. سحاب رحمت، عباس اسماعيلى يزدى، مسجد جمكران، قم 1377 ق
283. السرائر، ابن ادريس حلى، مؤسسه النشر الاسلامى، قم 1410 ق
284. سر السلسة العلوية، ابونصر بخارى، انتشارات شريف الرضى، قم 1413 ق
285. سر العالمين، ابو حامد غزالى
286. سعيد بن جبير، كمال السيد، مؤسسه انصاريان، قم
287. سفينة البحار، محدث قمى، مجمع البحوث الاسلامية آستان قدس رضوى، مشهد 1416 ق
288. سفينة النجاة، فاضل سرايى تنكابنى، ناشر محقق، قم 1419 ق
289. السقيفة ام الفتن، دكتور جواد جعفر خليلى، ارشاد بيروت - لندن
290. السقيفة وفدك، جوهرى، شركة الكتبى، بيروت 1413 ق
291. سعد السعود، سيد ابن طاووس، انتشارات رضى، قم 1363 ش
292. سلمان بن الاسلام، كمال السيد انتشارات انصاريان، قم
293. سنن ابن ماجة، محمد بن يزيد قزوينى (ابن ماجة)، دار الفكر، بيروت
294. سنن ابى داود، سليمان بن ائعث سجستانى، دار الفكر، بيروت، 1410 ق
295. سنن البيهقى (السنن الكبرى)، ابوبكر احمد بيهقى، دار الفكر، بيروت
296. سنن الترمذى، محمد بن عيسى ترمذى، دار الفكر، بيروت 1403 ق
297. سنن الدارقطنى، ابن عمر دارقطنى بغدادى، دار المعرفة، بيروت 1386 ق
298. السنن الكبرى، نسائى، دار الكتب العلمية، بيروت 1411 ق
299. سنن المصطفى صلى الله عليه وآله وسلم، ابن ماجة قزوينى
300. سوگنامه آل محمد صلى الله عليه وآله وسلم، محمد مهدى اشتهااردى، 1372 ش
301. السيدة زينب الكبرى عليها السلام، من المهد الى اللحد، سيد محمد كاظم قزوينى، معهد العترة
302. سير اعلام النبلاء، زهيبى، مؤسسه الرسالة، بيروت 1413 ق
303. سيرة الأئمة الاثنى عشر، هشام معروف حسنى، دار التعارف، دار القلم، 1397 ق

304. السيرة الحلبية، على بن برهان الدين حلي، دار الفكر، بيروت
305. السيدة زينب الكبرى عليها السلام، علامه سيد محمد كاظم قزويني، دار الايمان، قم
306. السيدة سكينه عليها السلام، سيد عبد الرزاق موسى مكرم، انتشارات شريف رضى، قم 1371 ش
307. سيرة النبي صلى الله عليه وآله وسلم، ابي عبدالله مطلبى، تهذيب: ابن هشام، مكتبة محمد على صبيح واولاده، مصر 1383 ق
308. السيرة النبوية صلى الله عليه وآله وسلم، ابن كثير، دار المعرفة، بيروت 1396 ق
309. السيرة النبوية صلى الله عليه وآله وسلم، احمد زيني دحلان، دار احياء التراث العربى، بيروت 1416 ق
310. السيف و السياسة، صالح وردانى، دار الجسام، قاهره 1415 ق
311. شاخه طوبى، محدث نورى، نسخه عكسى
312. الشافى فى الامامة، سيد مرتضى، مؤسسه اسماعيليان، قم 1410 ق
313. شهباه پيشاور، سلطان الواعظين شيرازى، عطر ياس، 1386 ش
314. شجرة طوبى، شيخ مهدي حائرى، مازندراني، شريف رضى، قم 1374 ش، المكتبة الحيدرية، 1385
315. شرح احقاق الحق وازهاق الباطل، آية الله مرعشى نجفى، انتشارات كتابخانه آية الله مرعشى نجفى، قم
316. شرح الأخبار فى فضائل الأئمة الأطهار عليهم السلام، قاضى نعمان مغربى، مؤسسه النشر الاسلامى، قم
317. شرح اصول الكافى، مولى محمد صالح مازندراني
318. شرح التجريد، علامه حلى، تحقيق زنجاني، نشر شكورى، 1373 ق
319. شرح الزرقانى و على موطأ، محمد بن عبد باقى زرقانى، دار الكتب العلمية، بيروت 1411 ق
320. شرح زندگانی و شهادت حضرت سلطانعلی بن محمد باقر عليهما السلام، عبد الرسول مدنی كاشانى، مرسل، كاشان 1376

ش

321. شرح الشفاء، خفاجى
322. شرح القصائد العلويات السبع، ابن ابى الحديد
323. شرح مسلم، نووى، دار الكتاب العربى، بيروت 1407 ق
324. شرح معانى الآثار، عبد الملك بن سلمة ازدي، دار الكتب العلمية، 1416 ق
325. شرح المواقف، قاضى عضد الدين ايجى، مطبعة السعادة، مصر 1325 ق
326. شرح نهج البلاغة، ابن ابى الحديد، مكتبة آية الله مرعشى نجفى، قم 1404 ق



327. الشرف المؤيد، نبهاني، بيروت 1409
328. الشفا بتعريف حقوق المصطفى ﷺ، قاضي عياض يحصبي، دار الفكر، بيروت 1409 ق
329. شفاء الصدور في شرح زيارة العاشور، ابوالفضل تهراني، مطبعة امير المؤمنين، 1370 ق
330. شواده التنزيل لقواعد التفضيل في آيات النازلة في اهل البيت، حاكم حسكاني، مجمع احياء الثقافة الاسلامية، 1411
- ق
331. شهداء الفضيلة، علامه اميني
332. الشهيد مسلم بن عقيل، سيد عبدالرزاق موسوي مكرم، مؤسسه بعثت، تهران 1407 ق
333. الشيعة في احاديث الفريقين، سيد مرتضى موحد ابطحي، ناشر: مؤلف، 1416 ق
334. صبح الأعشى، قلقشندري، دار الكتاب، قاهره، 1333 ق
335. صحيح البخارى، بخارى، دار الفكر، بيروت 1401 ق، دار الطباعة العامرة باستانبول
336. صحيح ابن حبان، علاء الدين بن بلبان فارسى، مؤسسه الرسالة، بيروت 1414 ق
337. صحيح مسلم، مسلم قشيري نيسابورى، دار الفكر، بيروت
338. الصحيح من سيرة النبي الأعظم ﷺ، سيد جعفر مرتضى عاملى، دار الهادى، بيروت 1415 ق
339. صحيفة الامام الحسن عليه السلام، جواد قيومى اصفهانى، مؤسسه النشر الاسلامى، قم
340. صد و يك منبر، حاج امين الواعظين اردبيلي، چاپ سنگى
341. الصراط المستقيم الى مستحقى التقديم، على بن يونس عاملى، المكتبة المرتضوية لاحياء الآثار الجعفرية
342. صفات الشيعة، شيخ صدوق، نشر عابدى، تهران
343. صفة المنافق، جعفر بن محمد فريابى، دار الخلفاء، كويت 1405 ق
344. صفوة الصفوة، ابن جوزى، دار المعرفة، بيروت 1399 ق
345. الصوارم المهركة في جواب الصواعق المحرقة، قاضى نورالله تسترى، مطبعة نهضت، تهران 1367 ق
346. الصواعق المحرقة، ابن حجر عسقلانى، ط عبداللطيف، مصر
347. طبقات الحفاظ، سيوطى، دار الكتب العلمية، بيروت، 1403 ق
348. الطبقات الكبرى، ابى عبدالله ابن سعد بصرى، دار صادر، بيروت 1388 ق
349. طبقات المحدثين باصبهان، عبدالله بن محمد، مؤسسه الرسالة، بيروت 1412 ق
350. الطرائف، سيد على بن طاووس، چاپ خيام، 1399 ق

351. الطراز المذهب فى احوال ام المصائب زينب، عباسقلى خان سيهر، اسلامية، تهران
352. طريق الارشاد (ضمن الرسائل الاعتقادية)، خاجوئى، دار الكتاب الاسلامى، قم
353. عبدالله بن سبأ، سيد مرتضى عسكرى، نشر توحيد، 1413 ق
354. العبقري الحسان فى احوال مولانا صاحب الزمان عليه السلام، شيخ على اكبر نهاوندى، كتابفروشى دبستانى، تهران
355. العدد القوية، على بن يوسف بن مطهر حلى، كتابخانه آية الله مرعشى، نجفى، قم 1408 ق
356. العروة الوثقى، سيد محمد كاظم يزدى، مؤسسة اعلمى، بيروت 1409 ق
357. العقد الفريد، ابن عبد ربه، دار الكتاب العربى، بيروت، مكتبة النهضة المصرية
358. عقيلة بنى هاشم، سيد على هاشم، المكتبة الحيدرية، قم 1377 ش
359. العقيلة و الفواطم عليهن السلام، حاج حسين شاكرى، ناشر: المؤلف، قم
360. علل الدارقطنى، ابن عمر دار قطنى بغدادى، دار طيبة، رياض 1405 ق
361. علل الشرائع، شيخ صدوق، انتشارات شريف رضى، قم 1379 ش، مكتبة الحيدرية، نجف اشرف 1386 ق
362. على الأكبر عليه السلام، سيد عبد الرزاق موسى مكرم، انتشارات شريف رضى، قم 1372 ش
363. على عليه السلام وليد الكعبة، محمد على اردوبادى، انتشارات بعثت، قم 1417 ق
364. العمدة، ابن بطريق، مؤسسه النشر الاسلامى، قم 1407
365. عمدة الطالب فى انساب آل ابى طالب عليه السلام، جمال الدين ابن عنبة، المكتبة الحيدرية، نجف اشرف، 1380 ق
366. عمدة القارى، عينى، دار احياء التراث العربى، بيروت
367. (من حياة الخليفة) عمر بن الخطاب، عبد الرحمان احمد بكرى، ارشاد، بيروت، لندن
368. عوالم العلوم (فاطمة الزهراء عليها السلام)، شيخ عبدالله بحراني، مدرسة الامام المهدي عليه السلام، قم
369. عوالم العلوم (الامام الحسين عليه السلام)، شيه عبدالله بحراني، مدرسة الامام المهدي عليه السلام، قم 1407 ق
370. عوالى اللثالى، ابن ابى الجمهور، مطبعة سيد الشهداء عليه السلام، قم 1403
371. عون المعبود شرح سنن ابى داود، محمد شمس الحق عظيم آبادى، دار الكتب العلمية، بيروت 1415 ق
372. عيد الغدير فى الاسلام، علامه امينى

- 373 عين العبرة فى غبن العترة، سيد احمد آل طاووس، دار الشهاب، قم
374. عيون الأثر، ابن سيد الناس، مؤسسه عز الدين، بيروت 1406 ق
375. عيون اخبار الرضا عليه السلام، شيخ صدوق، مؤسسه اعلمى بيروت، 1404 ق. حيدريه، نجف اشرف 1390 ق
376. عيون المعجزات، حسين بن عبد الوهاب، حيدريه نجف اشرف 1369 ق
377. الغارات، ابراهيم بن محمد ثقفى كوفى، مطبعة بهمن، بتحقيق سيد جلال الدين محدث
378. غاية المرام وحجة الخصام فى تعيين الامام من طريق الخاص والعام، سيد هاشم بحراني، تحقيق سيد على عاشور
379. الغدير، علامه امينى، دار الكتاب العربى، بيروت 1397 ق، دار الكتب الاسلاميه، تهران 1374 ش
380. الغيبة، محمد بن ابراهيم نعمانى، مكتبة الصدوق، تهران
381. الغيبة، شيخ طوسى، مؤسسه المعارف الاسلاميه، قم 1411 ق
382. الفائق فى غريب الحديث، زمخشرى، دار الكتب العلميه، بيروت 1417 ق
383. فاطمة بنت الامام موسى الكاظم عليه السلام، محمد هادى امينى، المطبعة المهديه، 1405 ق
384. فاطمة الزهراء عليها السلام، بهجة قلب المصطفى صلى الله عليه وآله وسلم، احمد رحمانى همدانى، انتشارات بدر، 1373 ش
385. فاطمة المعصومة، محمد على معلم
386. فتح البارى، ابن حجر عسقلانى، دار المعرفة، بيروت
387. فتح القدير، شوكانى، الناشر: عالم الكتب
388. الفتنة ووقعة الجمل، سيف بن عمر ضبى اسدى، دار النفايس، بيروت 1391 ق
389. الفتوح، ابو محمد بن اعثم كوفى، دار الندوة الجديدة
390. فتوح البلدان، احمد بن يحيى بلاذرى، مكتبة النهضة المصرية، قاهره 1379 ق
391. فذك فى التاريخ، سيد محمد باقر صدر، مركز الغدير، قم 1415 ق
392. فرائد السمطين، ابراهيم بن مجد جوينى، مؤسسه محمودى، بيروت
393. فرج المهموم، سيد ابن طاووس، انتشارات رضى، قم، 1363 ش
394. فرحة الغرى فى تعيين قبر اميرالمؤمنين على عليه السلام، سيد بن طاووس، مركز الغدير، قم 1419 ق
395. الفردوس بمأثور الخطاب، شيرويه بن شهردار ديلمى، دار الكتب العلميه، بيروت، 1986 م

396. فُرسان الهَبِجاء، ذبيح الله محلاتي، مركز نشر كتاب، تهران 1390 ق
397. فصل الخطاب في تاريخه قتل بن عمر بن الخطاب، شيخ ابو الحسين انصاري
398. الفصول المختارة، شيخ مفيد، دار المفيد، بيروت 1414 ق
399. الصفول المهمة، علي بن محمد مالكي، المكتبة الحيدرية، نجف اشرف، 1381 ق
400. الفضائل، شاذان بن جبرئيل قمي، حيدريره، نجف اشرف 1381 ق
401. فضائل اميرالمؤمنين عليه السلام (ابن عقدة الكوفي)، جمع و ترتيب: عبدالرزاق محمد حسين فيض الدين
402. فضائل الصحابة، نسائي، دار الكتب العلمية، بيروت
403. فضائل زيارة الحسين عليه السلام، ابو عبدالله محمد بن علي شجري، كتابخانه آية الله مرعشي، قم 1403 ق
404. الفقه الأكبر في التوحيد، ابوحنيفه، مكتب قباء، بغداد 1990 م
405. فقه الرضا عليه السلام، منسوب به امام رضا عليه السلام، كنگره جهاني امام رضا عليه السلام، مشهد 1406 ق
406. فلك النجاة، علي محمد فتح الدين حنفي، مؤسسه دار السلام، 1418 ق
407. فهرست ابن نديم، ابن نديم بغدادى، تحقيق: رضا تجدد
408. الفوائد الرجالية (رجال السيد بحر العلوم)، سيد محمد مهدي بحر العلوم، مكتبة الصادق، تهران 1363 ش
409. فيض العلام، محدث قمي، مركز نشر كتاب، قم 1375 ش
410. فيض التقدير شرح الجامع الصغير، محمد عبدالرؤوف مناوى، دار الكتب العلمية، بيروت 1415 ق
411. قاموس الرجال، شيخ محمد تقى شوشترى، مركز نشر كتاب، تهران
412. قرب الأسناد، ابوالعباس عبدالله حميرى قمي، مؤسسه الهادى، قم 1418 ق
413. قصص الأنبياء، قطب الدين راوندى، مؤسسه الهادى، 1418 ق
414. قلائد النحور، ذبيح الله محلاتي، انتشارات كتابخانه صدر
415. قمر بنى هاشم عليه السلام، سيد عبدالرزاق المقرم، المطبعة الحيدرية، نجف اشرف 1369 ق
416. قمقام زخار، قرهاد ميرزا، الاسلاميه، تهران
417. الكاشف في معرفة من له رواية في كتب الستة، ذهبى، مؤسسه علوم القرآن، مطبعة دار القبلة، 1413 ق

418. الكافئة فى ابطال توبة الخاطئة، شيخ مفيد، دار المفيد، بيروت 1414 ق
419. الكافى، ثقة الاسلام كلينى، دار الكتب الاسلامية، تهران 1388 ق
420. كامل بهائى، عماد الدين طبرى، مصطفوى، تهران
421. الكامل فى التاريخ، ابن اثير، دار صادر، بيروت، 1402 ق
422. كامل الزيارات، ابن قولويه، مؤسسه نشر الفقاهة، قم 1417 ق
423. الكامل فى ضعفاء الرجال، عبدالله بن عدى جرجانى، دار الفكر، بيروت 1409 ق
424. كتاب الله و اهل بيت عليه السلام فى حديث الثقلين، مدرسة الامام باقر العلوم عليه السلام، قم، نشر دليل ما
425. كتاب الأم، شافعى، دار الفكر، بيروت، 1400 ق
426. كتاب سليم بن قيس الهلالي، تحقيق محمد باقر انصارى، مؤسسه الهادى، قم 1415 ق
427. كتاب المحبر، محمد بن حبيب بغدادى، مكتبة الدائرة، 1361 ق
428. كتاب المعقبين من ولد الامام اميرالمؤمنين عليه السلام، كتابخانه مرعشى، قم
429. كتاب المنن (لطائف المنن)، عبدالوهاب شعرانى
430. كذبوا على الشيعة، محمد رضى رضى
431. كرامات رضوية، شيخ على اكبر مروج الاسلام، انتشارات ولايت (جعفرى)، مشهد
432. كشف الارتياح فى اتباع محمد بن عبدالوهاب، السيد محسن امين، مكتبة الحرمين، قم، 1382 ق
433. كشف الخفاء ومزيل الألباس، اسماعيل عجلونى، دار الكتب العلمية، بيروت 1408 ق
434. كشف الغمة، ابوالحسن اربلى، مكتبة بنى هاشميرال تبريز 1381 ق
435. كشف المحجة لثمرة المهجة، سيد رضى الدين على بن طاووس، حيدرية، نجف اشرف 1370 ق
436. كشف المراد، علامه حسن يوسف حلى، مكتبة مصطفوى، قم
437. كشف الهاوية (در تاريخ و وقائع ايام حكومت معاويه)، شيخ ذبيح الله محلاتى، مركز نشر كتاب، تهران 1385 ق
438. كشف اليقين، علامه حلى، تحقيق حسين درگاهى، 1411 ق
439. كفاية الاثر فى النص على الأئمة الاثني عشر عليه السلام، خزاز قمى رازى، انتشارات بيدار، قم 1401 ق
440. كفاية الطالب، كنجى شافعى، دار احياء تراث اهل البيت عليه السلام، تهران، 1404

441. كفاية الموحدين، سيد اسماعيل طبرسى نوري، العلمية الاسلامية، تهران
442. موسوعة كلمات الامام الحسين عليه السلام، مؤلف: معهد تحقيقات باقر العلوم، دار المعروف، قم، الثالثة 1416 ق
443. كمال الدين، شيخ الصدوق، مؤسسه النشر الاسلامي، قم، 1416 ق
444. كنز العمال، متقى هندی، مؤسسه الرسالة، بيروت
445. الكنز المدفون و الفلك المحشون، سيوطي
446. كوكب دري، شيخ مهدي مازندراني، المكتبة الحيدرية، نجف اشرف 1374 ق
447. كنز الفوائد، ابو الفتح محمد بن علي كراجكي، مكتبة مصطفوي، قم 1410 ق
448. الكنى و الألقاب، محدث قمى
449. گوهر خاندان امامت يا زندگانى السيدة نفسية، عزيز الله عطارد، نشر عطارد، تهران 1373 ش
450. لسان العرب، ابن منظور، نشر ادب حوزة، قم 1405
451. لسان الميزان، عسقلاني، مؤسسه اعلمى، بيروت، 1390 ق
452. لطائف المعارف، ثعالبي، دار احياء الكتب العربية، بيروت
453. اللعمة البيضاء فى شرح خطبة الزهراء عليها السلام، محمد على قراچه داغى تبريزي، نشر الهادي عليه السلام، قم، 1418 ق
454. لواعج الأشجان فى مقتل الحسين عليه السلام، سيد محسن امين، مكتبة بصيرتى، قم
455. اللهوف، سيد ابن طاووس، دار الأسوة، قم، 1417 ق
456. مؤتمر علماء بغداد، مقاتل بن عطية، دار الكتب الاسلامية، تهران، 1377 ش
457. مائة منقبة، شيخ محمد بن احمد حسن بن شاذان قمى، مدرسة الامام المهدي عليه السلام، قم 1407 ق
458. مآثر الانافة فى معالم الخلافة، فلقشندى، كويت، بيروت
459. ماذا تقضون؟، شيخ قاسم اسلامى، تهران
460. مأساة الزهراء عليها السلام، سيد جعفر مرتضى عاملى، دار السيرة، بيروت، 1417 ق
461. المبسوط، شمس الدين سرخسى، دار المعرفة، بيروت 1406 ق
462. مبكى العيون، محمد حسين گيلانى شيرازى
463. مثالب العرب، كلبى، دار الهدى، بيروت، لندن

464. مثالب النواصب، ابن شهر آشوب مازندراني
465. مثير الأحران، ابن نما حلي، مكتبة الحيدرية، نجف اشرف، 1369 ق
466. المجازات النبوية، شريف رضى، مكتبة بصيرتى، قم
467. مجالس المؤمنين، قاضى نور الله شوشترى، دار الكتب الاسلامية، تهران
468. المجدى فى انساب الطالبين، على بن محمد علوى نسابه، كتابخانه آية الله مرعشى، قم، 1409 ق
469. مجلة تراثنا، مؤسسه آل البيت لا حياء التراث، قم، 1405 ق
470. مجمع البيان، امين الاسلام طبرسى، مؤسسه اعلمى، بيروت، 1415 ق
471. مجمع الزوائد، هيثمى، دار الكتب العلمية، بيروت 1408 ق
472. مجمع النورين وملتقى البحرين، ابو الحسن مرندى
473. المجموع فى شرح المهذوب، نووى، دار الفكر
474. المحاسن، ابوجعفر احمد بن محمد خالد برقى، دار الكتب الاسلامية، تهران
475. المحاسن و المساوى، بيهقى، مكتبة النهضة، مصر
476. محاضرات فى الاعتقادات، سيد على ميلانى، قم، 1421 ق
477. محاضرة الأوائل، علاء الدين سكتوارى
478. المحتضر، حسن بن سليمان حلى، المطبعة الحيدرية، 1370 ق
479. المحلى، ابن حزم اندلسى، دار الفكر، بيروت
480. المختار الثقفى، كمال سيد، مؤسسه انصاريان، قم 1417 ق
481. مختصر بصائر الدرجات، حسن بن سليمان حلى، المطبعة الحيدرية، نجف اشرف، 1370 ق
482. مختصر تاريخ دمشق، ابن منظور، دار الفكر، بيروت
483. المدونة الكبرى، مالك بن انس، السعادة، مصر
484. مدينة الحسين عليه السلام، سيد محمد حسن مصطفى آل كليد دار، تهران، 1368 ق
485. مدينة المعاجز، سيد هاشم حسيني بحرانى، مؤسسه المعارف الاسلامية، قم، 1413 ق
486. المراجعات، سيد عبدالحسين شرف الدين، الجمعية الاسلامية، 1402 ق
487. مرآة العقول، محمد باقر مجلسى، دار الكتب الاسلامية، تهران، 1404 ق
488. مراقد المعارف، محمد حرز الدين، مكتبة سعيد بن جبير، قم، 1371 ش

489. مروج الذهب، مسعودى، دارالفكر، بيروت
490. المزار، شيخ مفيد، مدرسة الامام المهدي، قم
491. المزار، شيخ محمد مشهدي، نشر القيوم، قم، 1419 ق
492. مسائل علي بن جعفر عليه السلام، علي بن امام جعفر الصادق، كنگره جهانى امام رضا، 1409 ق، قم
493. مسار الشيعة، شيخ مفيد، ضمن مجموعه نفيسه، مكتبة بصيرتى، قم 1396 و دار المفيد، بيروت، 1414 ق
494. المسانيد، محمد حياة بلتستانى باكستانى
495. المستجاد، علامه حلى (ضمن مجموعة نفسية)، مكتبة بصيرتى، قم 1396 ق
496. مستدركات علم رجال الحديث، علامه شيخ على نمازى شاهرودى، 1421 ق
497. مستدرک سفينة البحار، علامه نمازى شاهرودى، مؤسسه النشر الاسلامى، قم 1419 ق
498. المستدرک على الصحيحين، حاكم نيشابورى، دار المعرفة، بيروت 1406 ق
499. مستدرک الوسائل، محدث نورى، مؤسسه آل البيت لاحياء التراث، قم، 1408 ق
500. المسترشد فى امامة اميرالمؤمنين عليه السلام، محمد بن جرير طبرى امامى، مؤسسه الثقافة الاسلامية
501. مستمسك العروة الوثقى، سيد محسن حكيم، كتابخانه آية الله مرعشى، قم، 1404 ق
502. مسند ابن راهويه، اسحاق بن ابراهيم حنظلى، مكتبة الايمان، مدينه منوره، 1412 ق
503. مسند ابى عوانة، ابو عوانة اسفرائينى، دار المعرفة، بيروت، 1998 م
504. مسند ابى يعلى الموصلى، احمد تميمى، دار المأمون للتراث، دمشق
505. مسند احمد بن حنبل، احمد بن حنبل؛ دار صادر، بيروت
506. مسند الامام الرضا عليه السلام، شيخ عزيز الله عطارد، كنگره جهانى امام رضا، مشهد 1406 ق
507. مسند البزار، ابوبكر بزار، مؤسسه علوم القرآن - مكتبة العلوم والحكم، بيروت، مدينه، 1409 ق
508. مسند الحميدى، عبدالله بن زبير حميدى، دار الكتب العلمية، بيروت، 1409 ق، مكتبة المتنبى، قاهره
509. مسند زرارة بن اعين، بشير محمدى، مؤسسه النشر الاسلامى، قم 1413 ق
510. مسند الشاشى، ميثم بن كليب شاشى، مكتبة العلوم والحكم، مدينه 1410 ق



511. مشارف انوار اليقين فى حقائق اسرار امير المؤمنين عليه السلام، حافظ رجب برسى، انتشارات شريف رضى، 1422 ق
512. مشاهير علماء الأماصر، ابن حبان، بيروت، 1411 ق
513. مصائب رسول الله صلى الله عليه وسلم، شيخ محمود شريفى، انتشارات مكتبه حيدريره، قم، 1380 ش
514. مصارع الشهداء ومقاتل السعداء، سلمان آل عصفور، مجمع احياء الثقافة الاسلاميه، قم 1422 ق
515. المصباح، كفعمى، منشورات رضى، قم
516. مصباح البلاغة (مستدرک نهج البلاغة)، سيد ميرجهانى، 1388 ق
517. مصباح الحرمين، مولى عبد الجبار شكوتى
518. مصباح الزائر، سيد ابن طاووس، مؤسسہ آل البيت عليه السلام، قم
519. مصباح المتهدج، شيخ طوسى، تصحيح و نشر: اسماعيل الأنصارى، قم
520. المصنف، ابن ابى شيبة، دار الفكر، 1409 ق
521. المصنف، عبدالرزاق، صنعانى، مجلس علمى
522. مطالب السؤل فى مناقب الرسول صلى الله عليه وسلم، محمد بن طلحة شافعى، نجف اشرف
523. معالى السبطين، شيخ محمد مهدى حائرى مازندرانى، انتشارات شريف رضى، قم 1367 ش
524. المعارف، ابن قتيبة دينورى، دار احياء التراث، بيروت
525. معالم الزلفى، سيد هاشم بحراني، مؤسسہ انصاريان، قم، 1424 ق
526. معالم المدرستين، سيد مرتضى عسكرى، مؤسسہ نعمان، بيروت 1410 ق
527. معانى الأخبار، شيخ صدوق، النشر الاسلامى، قم 1361 ش
528. معجم احاديث الامام المهدي عليه السلام، شيخ على كوراني، مؤسسہ المعارف الاسلاميه، قم، 1411 ق
529. معجم البلدان، شهاب الدين ياقوت حمودى، دار احياء التراث العربى، بيروت 1399 ق
530. معجم رجال الحديث، سيد ابوالقاسم خوئى، الخامسة 1413 ق
531. معجم الرجال والحديث، محمد حياة انصارى
532. معجم قبائل العرب، عمر رضا كحالة، دار العلم للملايين، بيروت، 1388 ق
533. المعجم الكبير، طبرانى، مكتبة ابن تيمية، قاهره، الثانية، مطبعة دار احياء التراث العربى

534. معرفة الثقات، احمد عجلي، مكتبة الدار، مدينه، 1405 ق
535. المعصومة عليها السلام، محمد على معلم، قم، 1402 ق
536. المعقبين من ولد الامام اميرالمؤمنين عليه السلام، ابوالحسين يحيى بن حسن علوى، كتابخانه آية الله مرعشى، قم، 1422 ق
537. المعيار و الموازنة، ابو جعفر اسكافى، تحقيق « محمد باقر محمودى
538. المغازى، محمد بن عمر بن واقد واقدى
539. مفاتيح الجنان، محدث قمى
540. مقاتل الطالبين، ابوالفرج اصفهاني، المكتبة الحيدرية، نجف اشرف، دار الكتاب قم، 1385 ق
541. المقنعة، شيخ مفيد، مؤسسه النشر الاسلامى، قم، 1410 ق
542. مقتل الحسين عليه السلام، ابومحنف لوط بن يحيى ازدى غامدى، كتابخانه آية الله مرعشى، 1398 ق
543. مقتل الحسين عليه السلام، خوارزمى، دار انوار الهدى، قم، 1418 ق
544. مقتل الحسين عليه السلام أو حديث كربلاء، مرحوم سيد عبدالرزاق المقرم، انتشارات شريف رضى، قم
545. مقتل و مصرع العباس عليه السلام، بحراني، انتشارات شريف رضى، قم، 1411 ق
546. مقدمة فتح البارى، ابن حجر عسقلانى، دار احياء التراث العربى، بيروت، 1408 ق
547. مكاتيب الرسول صلى الله عليه وآله وسلم، على بن حسينعلى احمدى ميانجى، دار الحديث، قم، 1419 ق
548. مكيال المكارم، شيخ محمد تقى موسى اصفهاني، مدرسة الامام المهدي، قم، 1404 ق
549. المناقب، خوارزمى، تهران، مؤسسه النشر الاسلامى، قم، 1411 ق
550. الملل و النحل، شهرستاني، مصطفى البابى الحلبي، قاهره، تحقيق گيلانى
551. مناظرات فى العقائد والأحكام، عبدالله الحسن، دليل ما، 1421 ق
552. مناقب آل ابى طالب عليهم السلام، ابو جعفر ابن شهر آشوب، ذوى القربى، 1379 ش
553. مناقب الامام على بن ابى طالب عليه السلام، ابن المغازلى، المكتبة الاسلامية، تهران 1394 ق
554. مناقب الامام اميرالمؤمنين عليه السلام، محمد بن سليمان كوفى، مجمع احياء الثقافة الاسلامية، قم، 1412 ق
555. مناقب اهل البيت عليهم السلام، مولى حيدر على بن محمد شيروانى، مؤسسه النشر الاسلامى، قم، 1414 ق

556. المنتخب، شيخ فخر لدين طريحي، مكتبة الحيدرية، نجف اشرف 1385 ق
557. منتخب التواريخ، ملا هاشم خراساني، الاسلامية، تهران 1376 ش
558. المنتخب من ذيل المذيل، محمد بن جرير طبري، مؤسسه اعلمي، بيروت
559. من لا يحضره الفقيه (الفقيه)، شيخ صدوق، مؤسسه النشر الاسلامي، قم 1404 ق
560. منتهى الآمال، محدث قمي، الاسلامية، تهران 1338 ش
561. منتقى الجمان في الأحاديث الصحاح و الحسنان، حسن بن زين الدين، مؤسسه النشر الاسلامي، قم، 1403 ق
562. منهاج الكرامة، علامه حلي، مؤسسه عاشورا، مشهد، نشر تاسوعا قم
563. موارد الظمان الى زوائد ابن حبان، هيثمي، دار الكتب العلمية، بيروت
564. مواقف الشيعة، علي بن حسين علي احمدى الميانجي، مؤسسه النشر الاسلامي، قم، 1416 ق
565. موسوعة الامام الجواد عليه السلام، مؤسسه ولي العصر، قم 1419 ق
566. موسوعة الامام علي بن ابي طالب عليه السلام، محمد ريشهري، دار الحديث، قم 1421 ق
567. موسوعة التاريخ الاسلامي، محمد هادي يوسفى غروي، مجمع الفكر الاسلامي، قم، 1417 ق
568. الموسوعة الكبرى عن فاطمة الزهراء عليها السلام، حاج اسماعيل انصاري زنجاني، نشر دليل ما، قم
569. الموسوعة الكبرى في غزوات النبي الأعظم صلى الله عليه وآله وسلم، محمد محسن فقيه، مؤسسه الفقيه، 1417 ق
570. (موسوعة) كلمات الامام الحسين عليه السلام، پژوهشكده باقر العلوم عليه السلام، انتشارات اسوه، قم 1425 ق
571. الموطأ، مالك بن انس، دار احياء التراث العربي، بيروت، 1406 ق
572. مولد العلماء ووفياتهم، ابن زبر ربيعي، دار العاصمة، رياض، 1410 ق
573. مهج الدعوات، سيد علي بن طاووس، دار الذخائر، قم 1411 ق
574. المهدي عليه السلام، سيد صدر الدين صدر، دار الزهراء عليها السلام، بيروت 1978 م
575. المهدي المنتظر عليه السلام، محمد حسن آل ياسين، المكتب العالمي، بيروت
576. مهيج الأحران، حسن بن محمد علي يزدي، الاسلامية، تهران
577. ميثم التمار، شيخ محمد حسين مظفر، المكتبة الحيدرية، النجف 1385 ق
578. ميزان الاعتدال، ذهبي، دار المعرفة، بيروت، 1382 ق
579. ناسخ التواريخ، عباسقلي خان سيهر، الاسلامية، تهران

580. النجاة فى القيامة فى تحقيق امر الامامة، علامه ميثم بن على بحرانى، مجمع فكر اسلامى، قم، 1417 ق
581. نزل الأبرار بما صح من مناقب اهل البيت الأطهار، بدخشانى حارثى، مكتبة الامام اميرالمؤمنين عليه السلام، 1403 ق
582. نزهة المجالس، صفورى شافعى، مكتبة مصطفى محمد، مصر
583. النصائح الكافية لمن يتولى معاوية، سيد محمد بن عقيل العلوى، دار الثقافة، قم، 1412 ق
584. نصب الراية، جمال الدين زيعلى، دار الحديث، قاهره، 1415 ق
585. النص على اميرالمؤمنين عليه السلام، سيد على عاشور
586. النص والاجتهاد، سيد عبدالحسين شرف الدين، الناشر: ابومجتبى، مطبعة سيد الشهداء، 1404 ق
587. نظم درر السمطين، محمد بن يوسف زرندى حنفى، (مكتبة الامام اميرالمؤمنين العامية) 1377 ق، مكتبة نينوى، تهران
588. نفائح العلام، مروج الاسلام، آستان قدس رضوى، 1373 ش
589. نفحات الأزهار فى خلاصة عبقات الأنوار، سيد على ميلانى، الناشر: مؤلف، قم، 1414 ق
590. نفحات اللاهوت، محقق كركى، مكتبة نينوى الحديثية، تهران
591. نفس الرحمن فى فضائل سلمان رضي الله عنه، ميرزا حسين نورى، مؤسسه الآفاق، 1411 ق
592. نفس المهموم، شيخ عباس قمى، مكتبة بصيرتى، قم، 1405 ق
593. نقد الرجال، سيد مصطفى تفريشى، مؤسسه آل البيت عليه السلام، قم، 1418 ق
594. نهاية العقول فى دراية الأصول، فخر رازى
595. النهاية فى غريب الحديث، ابن اثير، مؤسسه اسماعيليان، قم، 1364 ق
596. نهج الايمان، على بن يوسف بن جبر، مجتمع امام هادى عليه السلام مشهد، 1418 ق
597. نهج البلاغة، شريف رضى
598. نهج الحق، علامه حلى، مؤسسه دار الهجرة، قم
599. نهج السعادة فى مستدرک نهج البلاغة، محمد باقر محمودى، دار التعارف للمطبوعات، بيروت، 1396 ق
600. نوائب الدهور، سيد مير جهانى، مكتبة الصدر، تهران
601. نوادر المعجزات، ابوجعفر محمد بن جرير طبرى، مدرسة الامام المهدي عليه السلام، قم، 1410 ق

602. نور الآفاق، جواد بن مهدي مازندراني، چاپ سنگي
603. نور الأبصار في مواليد الأئمة الأطهار عليهم السلام، جمع من العلماء، شريف رضى، قم، 1413 ق
604. نور الأبصار، شبلنجي شافعي، المطبعة اليوسفية، قاهره
605. نور العين في مشهد الحسين عليه السلام، ابو اسحاق اسفرايني، المنار، تونس
606. نور العين في المشى الى زيارة قبر الحسين عليه السلام، محمد حسن اصطهباناتي، دار الميزان، بيروت، 1425 ق
607. نيل الأوطار، محمد بن علي شوكانى، دار الجليل، بيروت 1973 م
608. الوافى، فيض كاشانى، مكتبة الامام اميرالمؤمنين عليه السلام، اصفهان، 1406 ق
609. الوافى بالوفيات، صلاح الدين مقدسى، 1401 ق
610. وسائل الشيعة، شيخ حر عاملي، مؤسس آل البيت عليهم السلام لا حياء التراث، قم، 1414 ق
611. وسيلة الدارين، موسى زنجاني، مؤسس اعلمى، بيروت 1402 ق
612. وسيلة المعصومية، ميرزا ابوطالب بيوك حسيني تبريزي، مكتبة السعادة، تهران 1402 ق
613. وصول الأخيار الى اصول الأخبار، شيخ عبد الصمد عاملي، مجمع الذخائر الاسلامية، قم 1401 ق
614. وضوء النبى، سيد على شهرستاني، ستاره قم، 1415 ق
615. السيدة فاطمة الزهراء عليها السلام، محمد بيومى مهران، سفير، اصفهان، 1418 ق
616. وفيات الأئمة عليهم السلام، من علماء البحرين و القطيف، دار البلاغة، بيروت، 1412 ق
617. وفيات الأعيان، ابن خلكان، دار الثقافة، بيروت
618. وقائع الأيام، خيابانى، مكتبة قرشى، تبريز
619. وقائع الشهور، مجتهد بيرجندى، اخوان كتابجى، تهران 1352 ق
620. وقائع عاشوراء يا نهضت حسين عليه السلام، سيد محمد صدرائى اشكورى
621. الوقائع والحوادث، محمد باقر ملبوبى، مكتبة فرد، قم 1341 ش
622. وقعة الجمل، ضامر بن شدقم حسيني، الناشر: سيد تحسين آل شبيب موسى، 1420 ق
623. وقعة صفين، نصر بن مزاحم منقرى، المؤسسة العربية الحديثة، 1382 ق
624. وليد الكعبة، لحسينى جلالى، المكتبة الحيدرية، قم
625. الوهابيون والبيوت المرتفعة، شيخ محمد على همدانى سنقرى، 1418 ق
626. الهجوم على بيت فاطمة عليها السلام، عبدالزهراء مهدي، برگ رضوان، قم، 1425 ق

627. الهداية الكبرى، حسين بن حمدان خصيبي، مؤسسه البلاغ، بيروت، 1411 ق
628. هدية الأحاب، شيخ عباس قمي
629. هذه هي الوهابية، محمد جواد مغنیه
630. هكذا رأيت الوهابيين، عبدالله محمد، مكتبة السعادة، تهران، 1402 ق
631. اليقين باختصاص مولانا علي عليه السلام بامرة المؤمنين، سيد علي بن طاووس حسيني، مؤسسه دار الكتاب، قم، 1413 ق
632. ينابيع المودة لذوى القربى، قندوزى حنفى، دار الأسوة، قم، 1416 ق

## فهرست

11	..... 1. محرم الحرام	11
15	..... 1 محرم	15
15	..... 1. آغاز ایام حسینی	15
15	..... 2 - ماجرای شعب ابی طالب <small>علیه السلام</small> (2)	15
16	..... 3 - جنگ ذات الرقاع	16
17	..... 4. اولین جمع آوری زکات	17
17	..... 5. منازل امام حسین <small>علیه السلام</small> تا کربلا: 21 «قصر مقاتل»	17
17	..... 6. کلام عاشورایی امام رضا <small>علیه السلام</small> (4)	17
18	..... 2 محرم	18
18	..... 1. ورود امام حسین <small>علیه السلام</small> به کربلا	18
19	..... 2. نامه امام حسین <small>علیه السلام</small> برای اهل کوفه	19
19	..... 3 محرم	19
19	..... 1. ورود عمر بن سعد به کربلا	19
20	..... 4 محرم	20
20	..... 1. فتوای شریح قاضی به قتل امام حسین <small>علیه السلام</small>	20
20	..... 5 محرم	20
20	..... 1. ورود حصین بن نمیر به کربلا	20

6	محرم	20
1	- یاری طلبیدن حبیب بن مظاهر از بنی اسد	20
2	بازار آهنگران کوفه	21
3	تراکم لشکر یزید در کربلا	21
7	محرم	21
1	ملاقات امام حسین <small>علیه السلام</small> با ابن سعد	21
2	منع آب از امام حسین <small>علیه السلام</small>	22
8	محرم	22
1	قحط آب در خیمه های حسینی	22
9	محرم (تاسوعا)	22
1	محاصره خیمه ها در کربلا	22
2	- آمدن امان نامه برای فرزندان امّ البنین <small>علیها السلام</small>	23
3	- درخواست تأخیر جنگ از سوی امام حسین <small>علیه السلام</small>	23
4	- آمدن لشکر تازه نفس به کربلا	23
5	خطابه امام حسین <small>علیه السلام</small> برای اصحابش	24
شب عاشورا		24
1	سخنان امام <small>علیه السلام</small> با اهل بیت و اصحابش	24
2	سخنان زینب کبری <small>علیها السلام</small> با امام حسین <small>علیه السلام</small>	24
10	محرم (عاشورا)	25
1	شهادت امام حسین <small>علیه السلام</small>	25
2	شهادت حبیب بن مظاهر اسدی کوفی. <sup>(3)</sup>	26
3	شهادت مسلم بن عوسجه. <sup>(4)</sup>	26
4	شهادت حر بن یزید رباحی.	26
5	شهادت جون مولی ابی ذر الغفاری. <sup>(5)</sup>	26
6	شهادت همسر وهب، به دست رستم غلام شمر. <sup>(6)</sup>	26
7	شهادت شبیه ترین مردم به رسول خدا <small>صلی الله علیه و آله و سلم</small> ، علی اکبر <small>علیه السلام</small> فرزند بزرگ سید الشهداء <small>علیه السلام</small>	26
8	شهادت قاسم بن الحسن <small>علیه السلام</small> . <sup>(1)</sup>	27



9. شهادت عبدالله بن الحسن علیه السلام ..... 27
10. شهادت قمر منیر بنی هاشم حضرت عباس بن علی بن ابی طالب علیه السلام ..... 27
11. شهادت مولانا الرضیع باب الحوائج علی اصغر علیه السلام ..... 27
12. آمدن ذوالجناح با یال و کاکل خونین ..... 27
13. ماتم و ناله و گریه پردگیان حرم ..... 27
14. غارت اموال از خیام امام حسین علیه السلام ..... 27
15. فرار فاطمیات و علویات در بیابانها ..... 27
16. غارت کردن لباس و زره و... از بدن مطهر شهدای کربلا ..... 27
17. جدا شدن سرهای مطهر امام حسین علیه السلام و اهل بیت و اصحاب آن حضرت ..... 27
18. به آتش کشیدن خیمه های آل الله، فرزندان رسول خدا و علی مرتضی و فاطمه زهراء علیها السلام ..... 27
19. شهادت دختران کوچک در کنار خیمه ها ..... 27
20. گریه و ماتم بر سید الشهداء علیهم السلام ..... 27
21. رأس مطهر امام حسین علیه السلام در کوفه ..... 28
22. خونین شدن ریشه هر گیاهی که از زمین می کشیدند، از مصیبت عظمای آن روز. <sup>(3)</sup> ..... 28
23. قتل ابن زیاد ..... 28
24. قیام حضرت مهدی علیه السلام ..... 29
25. وفات ام سلمه ..... 29
- شب یازدهم محرم ..... 32
1. شام غریبان کربلا ..... 32
2. سر امام حسین علیه السلام در تنور خولی ..... 33
- 11 محرم ..... 34
1. حرکت کاروان اسرا از کربلا ..... 34
2. تشکیل مجلس ابن زیاد ..... 34
3. حرکت اهل بیت امام حسین علیه السلام به سوی کوفه ..... 34
- 12 محرم ..... 35
1. دفن شهدای کربلا ..... 35
2. ورود اهل بیت علیهم السلام به کوفه ..... 35

36	3. روز شهادت حضرت سجّاد <small>علیه السلام</small> .....
36	13 محرم .....
36	1. اسرای اهل بیت <small>علیهم السلام</small> در مجلس ابن زیاد <sup>(3)</sup> .....
37	2. اسرای اهل بیت <small>علیهم السلام</small> در زندان کوفه .....
37	3. خبر شهادت امام حسین <small>علیه السلام</small> در مدینه و شام .....
37	4. شهادت عبدالله بن عقیف .....
38	15 محرم .....
38	1. فرستادن سرهای مطهر شهدا به سوی شام .....
38	19 محرم .....
38	1. حرکت کاروان کربلا به سوی شام .....
38	20 محرم .....
38	1. دفن بدن جون در کربلا .....
40	23 محرم .....
40	1. ویران نمودن حرم عسکرین <small>علیهم السلام</small> .....
41	25 محرم .....
41	1. شهادت امام سجّاد <small>علیه السلام</small> .....
42	26 محرم .....
42	1. شهادت علی بن الحسین المثلث .....
43	28 محرم .....
43	1. وفات حذیفه بن یمان .....
45	2. تبعید امام جواد <small>علیه السلام</small> به بغداد .....
45	3. ورود اسرای اهل بیت <small>علیهم السلام</small> به بعلبک .....
45	29 محرم .....
45	1. رسیدن کاروان اسرا به شام .....
46	تتمه محرم .....
46	1. نوشتن صحیفه ملعونه .....
46	2. وفات ام المؤمنین ماریه قبطیه رضوان الله علیها .....

49	.....	2. صفر الخیر
53	.....	1 صفر
53	.....	1. وارد کردن سر مطهر امام حسین <small>علیه السلام</small> به شام
53	.....	2. ورود اهل بیت <small>علیهم السلام</small> به شام <sup>(2)</sup>
54	.....	3. شروع جنگ صفین <sup>(2)</sup>
55	.....	2 صفر
55	.....	1. مجلس یزید
55	.....	2. شهادت زید بن علی بن ابی طالب <small>علیه السلام</small>
56	.....	5 صفر
56	.....	1. شهادت حضرت رقیه <small>علیها السلام</small>
57	.....	7 صفر
57	.....	1. شهادت امام مجتبی <small>علیه السلام</small>
58	.....	نسب شریف آن حضرت <small>علیه السلام</small>
58	.....	بعضی از صفات آن حضرت <small>علیه السلام</small>
59	.....	عمر شریف آن حضرت <small>علیه السلام</small>
59	.....	شهادت آن حضرت <small>علیه السلام</small>
61	.....	8 صفر
61	.....	1. وفات حضرت سلمان <small>رضی الله عنه</small>
62	.....	9 صفر
62	.....	1. شهادت عمار و خزیمه <small>رضی الله عنهما</small>
63	.....	2. جنگ نهروان
63	.....	11 صفر
63	.....	1. لیلہ الهیر در جنگ صفین
64	.....	12 صفر
64	.....	1. حکمین در صفین

66	14 صفر
66	1. شهادت محمد بن ابی بکر
67	15 صفر
67	1. ابتدای بیماری ﷺ (3)
67	17 صفر
67	1. شهادت امام رضا ﷺ
68	20 صفر (اربعین)
68	1. اربعین سیدالشهداء ﷺ
68	2. زیارت جابر از کربلا
68	3. بازگشت اهل بیت ﷺ به کربلا
69	4. ملحق شدن رأس مطهر امام حسین ﷺ به بدن مطهر
69	24 صفر
69	1. طلب کتف توسط ﷺ
75	25 صفر
75	1. دستور پیامبر ﷺ به پیروزی از ثقلین
75	26 صفر
75	1. تجهیز لشکر اسامه (2)
76	28 صفر
76	1. شهادت رسول خدا ﷺ
77	وصایای پیامبر ﷺ
77	غسل و نماز بر بدن ﷺ
78	دفن بدن مبارک ﷺ
78	خلاصه ای از زندگی ﷺ
79	2. آغاز امامت امیر المؤمنین ﷺ
80	3. آغاز غصب خلافت
80	4. اجباری مردم بر بیعت کردن (2)
80	5. شهادت امام حسن مجتبی ﷺ

81	..... مسمومیت حضرت
81	..... تشییع جنازه حضرت
83	..... آخر صفر
83	..... 1. شهادت امام رضا <small>علیه السلام</small>
84	..... آزارهای مأمون نسبت به حضرت
84	..... دفن بدن مبارک حضرت
87	..... 3 ربیع الاول
90	..... 1 ربیع الاول
90	..... 1. دفن بدن مطهر <small>صلی الله علیه و آله</small>
92	..... 2. ليله المييت
93	..... 3. هجرت <small>صلی الله علیه و آله</small>
93	..... 4. ابتدای وضع تاریخ هجری قمری
94	..... 5. هجوم به خانه وحی
95	..... 5. مسمومیت امام عسکری <small>علیه السلام</small>
96	..... 3 ربیع الاول
96	..... 1. احتجاج سلمان فارسی <small>رضی الله عنه</small> بر مردم
97	..... 2. تخریب کعبه توسط یزید
97	..... 5 ربیع الاول
97	..... 1. وفات حضرت سکینه <small>علیه السلام</small>
98	..... 8 ربیع الاول
98	..... 1. شهادت امام عسکری <small>علیه السلام</small>
100	..... 9 ربیع الاول
100	..... 1. آغاز امامت حضرت ولی عصر <small>علیه السلام</small>

101	2. قتل عمر بن خطاب
101	ماجرای قتل عمر
102	عمر در بستر مرگ
103	بدعت عمر برای آینده خلافت
104	شورای بعد از مرگ عمر
107	3. قتل عمر بن سعد
107	10 ربیع الاول
107	1. ازدواج ﷺ با حضرت خدیجه <small>ع</small>
109	2. مرگ داود بن علی حاکم ظالم مدینه
110	3. مرگ مالک بن انس
110	4. اولین روز خلافت غاصبانه معاویه
110	12 ربیع الاول
110	1. ورود پیامبر <small>ﷺ</small> به مدینه
111	2. انقراض بنی امیه
111	3. مرگ معتصم عباسی
112	4. مرگ احمد بن حنبل
112	14 ربیع الاول
112	1. مرگ یزید بن معاویه
114	2. مرگ موسی خلیفه عباسی
115	17 ربیع الاول
115	1- ولادت پیامبر <small>ﷺ</small>
116	معجزات ولادت حضرت
117	خصوصیات حضرت
117	معجزات حضرت
118	2. ولادت امام صادق <small>ع</small>
119	22 ربیع الاول
119	1. جنگ بنی النضیر

119.....	23 ربيع الاول.....
119.....	1. ورود حضرت معصومه <small>عليها السلام</small> به قم.....
120.....	25 ربيع الاول.....
120.....	1. جنگ دومه الجندل.....
121.....	2. صلح امام حسن <small>عليها السلام</small> .....
122.....	تتمه اين ماه.....
122.....	1. زيارت رسول خدا <small>صلى الله عليه وآله</small> قبر مادرش را.....
122.....	2. غارت خيمه امام حسن <small>عليها السلام</small> .....
123.....	4. ربيع الثانى.....
127.....	1 ربيع الثانى.....
127.....	1. قيام توابين.....
128.....	2. شهادت امام باقر <small>عليها السلام</small> .....
128.....	3 ربيع الثانى.....
128.....	1. سفر امام حسن عسكرى <small>عليها السلام</small> به جرجان.....
130.....	4 ربيع الثانى.....
130.....	1. ولادت حضرت عبدالعظيم حسنى <small>عليها السلام</small> .....
130.....	6 ربيع الثانى.....
130.....	1. مرگ هشام بن عبدالملك.....
131.....	8 ربيع الثانى.....
131.....	1. ولادت امام حسن عسكرى <small>عليها السلام</small> .....
132.....	2. شهادت حضرت صديقه طاهره <small>عليها السلام</small> (3).....
132.....	10 ربيع الثانى.....
132.....	1. وفات حضرت معصومه <small>عليها السلام</small> .....

- 134..... 2. حمله روس به حریم سلطان طوس علیه السلام .....
- 134..... 12 ربیع الثانی .....
- 134..... 1. آغاز وجوب نماز .....
- 135..... 13 ربیع الثانی .....
- 135..... 1. شهادت حضرت زهرا علیها السلام .....
- 135..... 14 ربیع الثانی .....
- 135..... 1. قیام مختار اللهم (2) .....
- 137..... 22 ربیع الثانی .....
- 137..... 1. وفات موسی مبرقع .....
- 138..... 25 ربیع الثانی .....
- 138..... 1. خلع معاویه بن یزید خود را از خلافت .....
- 139..... آخر ربیع الثانی .....
- 139..... 1. مرگ خالد بن ولید .....
- 143..... 5 جمادی الاول .....
- 147..... 5 جمادی الاولی .....
- 147..... 1. ولادت حضرت زینب علیها السلام .....
- 148..... ماجرای ولادت حضرت .....
- 149..... 6 جمادی الاولی .....
- 149..... 1. جنگ موته (2) .....
- 149..... شهادت سه فرمانده .....
- 150..... سوابق جعفر .....
- 151..... 10 جمادی الاولی .....
- 151..... 1. جنگ جمل .....



153	2. تحویل پیراهن امام حسین <small>علیه السلام</small> به حضرت زینب <small>علیها السلام</small> .....
153	13 جمادی الاولى .....
153	1. شهادت حضرت زهرا <small>علیها السلام</small> .....
154	22 جمادی الاولى .....
154	1. وفات جناب قاسم بن موسی بن جعفر <small>علیهما السلام</small> .....
155	27 جمادی الاولى .....
155	1. وفات جناب عبد المطلب <small>علیه السلام</small> <sup>(1)</sup> .....
155	2. تخریب دو گلدسته حرم عسکریین <small>علیهما السلام</small> .....
156	آخر جمادی الاولى .....
156	1. وفات محمد بن عثمان عمری <small>رضی الله عنه</small> .....
157	6 جمادی الثانی .....
161	3 جمادی الثانی .....
161	1. شهادت حضرت زهرا <small>علیها السلام</small> <sup>(1)</sup> .....
162	روزهای حزن فاطمه <small>علیها السلام</small> .....
163	مدینه در شهادت فاطمه <small>علیها السلام</small> .....
164	اقوال در شهادت حضرت زهرا <small>علیها السلام</small> .....
168	4 جمادی الثانی .....
168	1. مرگ هارون الرشید .....
168	12 جمادی الثانی .....
168	1. حرکت به سوی خیبر .....
168	13 جمادی الثانی .....
168	1. وفات حضرت امّ البنین <small>علیها السلام</small> .....

169.....	19 جمادى الثانى
169.....	1. ازدواج حضرت عبدالله و آمنه <small>عليهما السلام</small>
170.....	20 جمادى الثانى
170.....	1. ولادت حضرت زهرا <small>عليها السلام</small>
170.....	انعقاد نطفه فاطمه <small>عليها السلام</small>
172.....	دوران باردارى خديجه <small>عليها السلام</small>
173.....	فاطمه <small>عليها السلام</small> به دنيا آمد
174.....	22 جمادى الثانى
174.....	1. مرگ ابوبكر
176.....	27 جمادى الثانى
176.....	1 - شهادت سلطان على بن محمد الباقر <small>عليهما السلام</small>
177.....	28 جمادى الثانى
177.....	1. سپردن <small>عليه السلام</small> به حليمه سعيديه
177.....	29 جمادى الثانى
177.....	1. وفات حضرت ام كلثوم <small>عليها السلام</small>
178.....	2. وفات حضرت سيّد محمد فرزند امام هادى <small>عليهما السلام</small> (2)
179.....	تتمه اين ماه
179.....	1. جنگ ذات السلاسل
179.....	2. نزول آيه تطهير
180.....	3. شهادت ابراهيم بن مالك اشتر
181.....	7 رجب المرجب
185.....	1 رجب
185.....	1. زيارت امام حسين <small>عليهما السلام</small>
185.....	2. ولادت امام باقر <small>عليهما السلام</small>

186.....	2 رجب
186.....	1. ولادت امام علی النقی <small>علیه السلام</small>
186.....	3 رجب
186.....	1. شهادت امام هادی <small>علیه السلام</small>
188.....	5 رجب
188.....	1. شهادت ابن سکیت <small>رضی الله عنه</small>
188.....	علت شهادت
189.....	7 رجب
189.....	1. طلب امام رضا <small>علیه السلام</small> برای ولایتعهدی
189.....	10 رجب
189.....	1 - ولادت امام جواد <small>علیه السلام</small>
190.....	2 - ولادت حضرت علی اصغر <small>علیه السلام</small>
191.....	12 رجب
191.....	1. مرگ معاویه
191.....	نسب معاویه
193.....	حکومت معاویه در شام
193.....	دشمنی معاویه با امیر المؤمنین <small>علیه السلام</small>
194.....	ماجرای مرگ معاویه
194.....	2. ورود امیر المؤمنین <small>علیه السلام</small> به کوفه
195.....	13 رجب
195.....	1. ولادت امیر المؤمنین <small>علیه السلام</small>
195.....	لقاب امیر المؤمنین <small>علیه السلام</small>
197.....	والدین امیر المؤمنین <small>علیه السلام</small>
198.....	نور امیر المؤمنین <small>علیه السلام</small> در اصلاب پدران
198.....	محل ولادت امیر المؤمنین <small>علیه السلام</small>
199.....	پیشگویی از ولادت امیر المؤمنین <small>علیه السلام</small>
200.....	انعقاد نطفه امیر المؤمنین <small>علیه السلام</small>

201	.....	مادر امیر المؤمنین <small>علیه السلام</small> در کعبه
202	.....	روز ولادت امیر المؤمنین <small>علیه السلام</small>
203	.....	سخنان امیر المؤمنین <small>علیه السلام</small> پس از ولادت
204	.....	سه روز در کعبه
204	.....	طلوع نور علی <small>علیه السلام</small> در آغوش پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small>
206	.....	کودکی علی <small>علیه السلام</small> با پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small>
206	.....	15 رجب
206	.....	1. زیارت امام حسین <small>علیه السلام</small>
207	.....	2. وفات حضرت زینب <small>علیه السلام</small>
207	.....	نام گذاری حضرت:
208	.....	3. تغییر قبله
208	.....	4. خروج از شعب ابی طالب <small>علیه السلام</small>
208	.....	5. شهادت امام صادق <small>علیه السلام</small>
209	.....	16 رجب
209	.....	1. خروج فاطمه بنت اسد <small>علیه السلام</small> از کعبه
209	.....	17 رجب
209	.....	1. مرگ مأمون
209	.....	18 رجب
209	.....	1. وفات ابراهیم فرزند پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small>
210	.....	2. اول خلافت شوم یزید
210	.....	19 رجب
210	.....	1. مرگ معتمد عباسی
211	.....	21 رجب
211	.....	1. شهادت حضرت زهرا <small>علیه السلام</small>
211	.....	22 رجب
211	.....	1. فرار ابوبکر در جنگ خیبر

212.....	23 رجب.....
212.....	1. حمله به امام مجتبی <small>علیه السلام</small> در مدائن.....
213.....	2. مسموم شدن موسی بن جعفر <small>علیه السلام</small> .....
213.....	3. فرار عمر در جنگ خیبر.....
213.....	24 رجب.....
213.....	1. فتح خیبر به دست امیر المؤمنین <small>علیه السلام</small> (4).....
214.....	انتخاب علی <small>علیه السلام</small> برای فتح خیبر.....
215.....	میدان جنگ خیبر:.....
215.....	2. بازگشت جعفر طیار از حبشه.....
216.....	25 رجب.....
216.....	1. شهادت موسی بن جعفر <small>علیه السلام</small> .....
216.....	خلفای ظالم در دوران امامت حضرت:.....
217.....	غسل و تدفین حضرت:.....
217.....	26 رجب.....
217.....	1. وفات حضرت ابوطالب <small>علیه السلام</small> .....
218.....	نسب حضرت ابوطالب <small>علیه السلام</small> .....
218.....	ایمان حضرت ابوطالب <small>علیه السلام</small> .....
220.....	پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> در وفات ابوطالب <small>علیه السلام</small> .....
221.....	27 رجب.....
221.....	1. بعثت پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> .....
224.....	28 رجب.....
224.....	1. خروج امام حسین <small>علیه السلام</small> از مدینه به سوی مکه.....
225.....	2. اولین اقامه نماز در اسلام.....
225.....	آخر رجب.....
225.....	1. مرگ ابوحنیفه.....
225.....	2. مرگ شافعی.....
226.....	3. غزوه نخله.....

226.....	تتمه رجب .....
226.....	1. هجرت مسلمانان به حبشه .....
226.....	2. وفات نجاشی پادشاه حبشه .....
226.....	3. شهادت مالک اشتر نخعی .....
229.....	8 شعبان المعظم .....
233.....	2 شعبان .....
233.....	1. آغاز وجوب روزه .....
233.....	2. مرگ معتز عباسی .....
233.....	3 شعبان .....
233.....	1. ولادت امام حسین <small>علیه السلام</small> .....
234.....	القاب امام حسین <small>علیه السلام</small> .....
235.....	پیامبر پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> در ولادت امام حسین <small>علیه السلام</small> .....
235.....	دوران زندگی امام حسین <small>علیه السلام</small> .....
236.....	2. ورود امام حسین <small>علیه السلام</small> به مکه .....
237.....	4 شعبان .....
237.....	1. ولادت حضرت عباس <small>علیه السلام</small> .....
238.....	5 شعبان .....
238.....	1. ولادت امام زین العابدین <small>علیه السلام</small> .....
240.....	9 شعبان .....
240.....	1. عقیقه برای امام حسین <small>علیه السلام</small> .....
240.....	10 شعبان .....
240.....	1. توقیع امام زمان <small>علیه السلام</small> برای شیعیان .....

240.....	11 شعبان.....
240.....	1. ولادت حضرت علی اکبر <small>علیه السلام</small> .....
241.....	15 شعبان.....
241.....	1. ولادت حضرت بقیه الله الاعظم صلوات الله عليه.....
242.....	ماجرای شب ولادت.....
243.....	امام زمان <small>علیه السلام</small> در آغوش پدر.....
244.....	القاب امام زمان <small>علیه السلام</small> .....
244.....	اوصاف امام زمان <small>علیه السلام</small> .....
245.....	مادر امام زمان <small>علیه السلام</small> .....
246.....	ایام پس از ولادت امام زمان <small>علیه السلام</small> .....
246.....	غیبت صغری:.....
251.....	پایان غیبت صغری:.....
252.....	وظائف زمان غیبت کبری:.....
253.....	2. وفات علی بن محمد سمری نائب امام زمان <small>علیه السلام</small> .....
253.....	18 شعبان.....
253.....	1. وفات حسین بن روح نوبختی نایب امام زمان <small>علیه السلام</small> .....
254.....	19 شعبان.....
254.....	1. جنگ بنی المصطلق.....
254.....	تتمه شعبان.....
254.....	1. مرگ حفصه.....
256.....	2. جنگ پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> با بنی سعد.....
256.....	3. شهادت سعید بن جبیر.....
257.....	4. مرگ مغیره بن شعبه.....

259.....	9 رمضان المبارک
263.....	1 ماه رمضان.....
263.....	1. ولا يتعهدى امام رضا <small>عليه السلام</small> .....
263.....	2. احتجاج ابي بن كعب بر ابوبكر.....
264.....	3. مرگ مروان.....
265.....	4. جنگ تبوک <sup>(3)</sup> .....
267.....	5. وفات حضرت نفیسه <small>عليها السلام</small> .....
268.....	3 ماه رمضان.....
268.....	1. شهادت حضرت زهرا <small>عليها السلام</small> .....
268.....	4 ماه رمضان.....
268.....	1. مرگ زياد بن ابيه.....
270.....	6 ماه رمضان.....
270.....	1. ضرب سکه به نام امام رضا <small>عليه السلام</small> .....
271.....	10 ماه رمضان.....
271.....	1. آمدن نامه های اهل کوفه برای امام حسين <small>عليه السلام</small> .....
271.....	2. وفات حضرت خديجه <small>عليها السلام</small> .....
273.....	12 ماه رمضان.....
273.....	1. مراسم عقد اخوت.....
274.....	13 ماه رمضان.....
274.....	1. مرگ حجاج ثقفی.....
275.....	14 ماه رمضان.....
275.....	1. شهادت مختار <small>رضي الله عنه</small> .....
276.....	15 ماه رمضان.....
276.....	1. ولادت امام حسن مجتبی <small>عليه السلام</small> .....
277.....	2. حرکت حضرت مسلم <small>عليه السلام</small> به سمت کوفه.....
277.....	16 ماه رمضان.....
277.....	1. ورود محمد بن ابی بکر به مصر.....



278.....	17 ماه رمضان
278.....	1. معراج پیامبر ﷺ
279.....	2. جنگ بدر
281.....	3. قتل عایشه
282.....	4. وفات پسر برادر ابولؤلؤ ﷺ
283.....	اشاره ای به احوال ابولؤلؤ ﷺ
283.....	مذهب آن بزرگوار
284.....	قتل هرمزان، جفینه، دختر ابولؤلؤ (لؤلؤة)، پسر و همسر ابولؤلؤ
285.....	ابولؤلؤ ﷺ در مدینه
286.....	قبر شریف آن بزرگوار در کاشان
286.....	5. بنای مسجد جمکران
286.....	19 ماه رمضان
286.....	1. ضربت خوردن امیر المؤمنین ع
288.....	20 ماه رمضان
288.....	1. فتح مکه
290.....	21 ماه رمضان
290.....	1. شهادت امیر المؤمنین ع
293.....	2. بیعت با امام مجتبی ع
293.....	3. قتل ابن ملجم
294.....	23 ماه رمضان
294.....	1. نزول قرآن
294.....	24 ماه رمضان
294.....	1. مرگ ابولهب
294.....	تتمه ماه رمضان
294.....	1. بدعت نماز تراویح توسط عمر
295.....	2. دعای باران توسط پیامبر ﷺ

297.....	10 شوال المکرّم
301.....	1 شوال
301.....	1. عید فطر
301.....	2. مرگ عمرو بن عاص
302.....	3. جنگ قرقره الکدر
303.....	3 شوال
303.....	1. قتل متوکل
305.....	4 شوال
305.....	1. جنگ حنین
305.....	5 شوال
305.....	1. حرکت به سوی جنگ صفین
306.....	2. ورود حضرت مسلم <small>عَلَيْهِ السَّلَام</small> به کوفه
306.....	6 شوال
306.....	1. توقیع برای حسین بن روح
306.....	8 شوال
306.....	1. ویرانی قبور ائمه بقیع <small>عَلَيْهِمُ السَّلَام</small>
308.....	2. جنگ حمراء الاسد <sup>(1)</sup>
308.....	14 شوال
308.....	1. مرگ عبدالملک مروان
309.....	15 شوال
309.....	1. جنگ احد و شهادت حضرت حمزه <small>عَلَيْهِ السَّلَام</small> <sup>(2)</sup>
309.....	فداکاری های امیر المؤمنین <small>عَلَيْهِ السَّلَام</small> در احد
311.....	ابوبکر و عمر و عثمان در جنگ احد
312.....	بانویی به نام نسبیّه در جنگ احد
313.....	شهادت حضرت حمزه

- 314.....2. رد الشمس
- 315.....3. جنگ بنی قینقاع
- 315.....4. وفات حضرت عبدالعظیم علیه السلام
- 317.....16 شوال
- 317.....1. جنگ حمراء الاسد
- 317.....17 شوال
- 317.....1. جنگ خندق
- 320.....2. وفات اباصلت هروی
- 320.....20 شوال
- 320.....1. دستگیری امام کاظم علیه السلام
- 320.....25 شوال
- 320.....1. شهادت امام صادق علیه السلام
- 323.....11 ذی القعدة الحرام
- 327.....1 ذو القعدة
- 327.....1. ولادت حضرت معصومه علیها السلام
- 328.....2. جنگ بدر صغری
- 328.....3. مرگ اشعث بن قیس
- 329.....11 ذو القعدة
- 329.....1. ولادت امام رضا علیه السلام
- 330.....12 ذوالقعدة
- 330.....1. نامه حضرت مسلم به امام حسین علیه السلام
- 330.....23 ذو القعدة
- 330.....1. شهادت امام رضا علیه السلام

2. جنگ بنی قریظه ..... 331
- 25 ذو القعدة ..... 331
1. حرکت امام رضا علیه السلام از مدینه به سوی مرو ..... 331
2. روز دحو الارض ..... 332
- 26 ذو القعدة ..... 333
1. حرکت پیامبر صلی الله علیه و آله از مدینه برای حجه الوداع ..... 333
- آغاز بیان ولایت در مراسم حج ..... 334
- سفر ولایت ..... 334
- آخر ذو القعدة ..... 335
- 1 - شهادت امام جواد علیه السلام ..... 335
- تتمه ذو القعدة ..... 336
1. صلح حدیبیه ..... 336
- 12 ذوالحجة الحرام ..... 339
- 1 ذی الحجه ..... 343
1. عزل ابوبکر از تبلیغ سوره براءت <sup>(1)</sup> ..... 343
- فرستادن امیر المؤمنین علیه السلام و بازگشت ابوبکر ..... 344
- تبلیغ سوره براءت توسط امیر المؤمنین علیه السلام ..... 344
- بازگشت امیر المؤمنین علیه السلام از تبلیغ براءت ..... 344
2. آغاز نامه ها برای جنگ صفین ..... 345
- 5 ذی الحجه ..... 346
1. جنگ سویق ..... 346
- 6 ذی الحجه ..... 346
1. ازدواج امیر المؤمنین و حضرت زهرا علیهما السلام ..... 346

347	..... خواستگاری از فاطمه <small>علیها السلام</small>
348	..... مراسم عروسی
350	..... مهریه حضرت زهرا <small>علیها السلام</small>
351	..... ولیمه عروسی
352	..... جهازیه حضرت زهرا <small>علیها السلام</small>
353	..... عروسی و شرکت کنندگان
354	..... ثمره ازدواج نورانی
355	..... ازدواج آسمانی
355	..... اقوال در روز ازدواج حضرت
356	..... 2. مرگ منصور دوانیقی
357	..... 7 ذی الحجه
357	..... 1. شهادت امام باقر <small>علیه السلام</small>
358	..... 3. خطبه حضرت عباس علیه السلام در مکه
359	..... 3. بردن امام کاظم <small>علیه السلام</small> به زندان بصره
360	..... 8 ذی الحجه
360	..... 1. توطئه ترور امام حسین <small>علیه السلام</small>
360	..... 2. دعوت عمومی حضرت مسلم <small>علیه السلام</small> در کوفه
360	..... 3. حرکت امام حسین <small>علیه السلام</small> از مکه به عراق
360	..... 9 ذی الحجه
360	..... 1. روز عرفه
361	..... 2. شهادت حضرت مسلم <small>علیه السلام</small> و هانی <small>رضی الله عنه</small>
361	..... خاندان حضرت مسلم <small>علیه السلام</small>
362	..... شهادت و دفن بدن حضرت مسلم <small>علیه السلام</small>
362	..... هانی بن عروه
363	..... 3. روز سد الابواب
364	..... 10 ذی الحجه
364	..... 1. عید قربان

- 364..... 2. شهادت عبدالله محض و جمعی از آل حسن علیهم السلام.....
- 366..... 3. نماز عید امام رضا علیه السلام در خراسان (1).....
- 366..... 11 ذی الحجه.....
- 366..... 1. روز نوشتن دعای صباح.....
- 366..... 2. منازل امام حسین علیه السلام تا کربلا: 1 «ابطح»، 2 «تنعیم»، 3 «صفاح».....
- 367..... 12 ذی الحجه.....
- 367..... 1. منازل امام حسین علیه السلام تا کربلا: 4 «وادی عقیق».....
- 367..... 13 ذی الحجه.....
- 367..... 1. شق القمر.....
- 368..... 14 ذی الحجه.....
- 368..... 1. بخشیدن فدک به حضرت زهرا علیها السلام (2).....
- 368..... فتح فدک.....
- 369..... اعطای فدک به فاطمه علیها السلام.....
- 370..... درآمد فدک.....
- 370..... غضب فدک.....
- 371..... 2. افشاء سر ولایت توسط عایشه و حفصه (2).....
- 372..... 3. منزل امام حسین علیه السلام تا کربلا: 6 «ذات عرق».....
- 373..... 15 ذی الحجه.....
- 373..... 1. ولادت امام هادی علیه السلام.....
- 373..... 2. منازل امام حسین علیه السلام تا کربلا: 7 «حاجر» (7).....
- 374..... 16 ذی الحجه.....
- 374..... 1. منازل امام حسین علیه السلام تا کربلا: 8 «فید».....
- 374..... 17 ذی الحجه.....
- 374..... 1. منازل امام حسین علیه السلام تا کربلا: ج 9 «اجفر».....
- 374..... 18 ذی الحجه.....
- 374..... 1 - عید غدیر.....

375	عید بزرگ آل محمد ﷺ
376	شرکت کنندگان در مراسم غدیر
376	دستور الهی برای مراسم غدیر
377	پیامبر ﷺ بر فراز منبر غدیر
379	معرفی علی بن ابی طالب ﷺ
379	بیعت لسانی و عملی
380	بیعت زنان
381	2. قتل عثمان
381	خلافت غاصبانه عثمان
381	بدعت های عثمان
383	قتل عثمان به دست مردم
384	3. خلافت ظاهری امیر المؤمنین ﷺ
384	4. منازل امام حسین ﷺ تا کربلا: 10 «خزیمیه»
385	20 ذی الحجه
385	1. منازل امام حسین ﷺ تا کربلا: 11 «شقوق»
385	21 ذی الحجه
385	1. منازل امام حسین ﷺ تا کربلا: 12 «زرود»
385	22 ذی الحجه
385	1. شهادت میثم تمار
386	2. خروج ابراهیم بن مالک اشتر برای جنگ با این زیاد
387	3. منازل امام حسین ﷺ تا کربلا: 13 «ثعلبیه»
388	1. منازل امام حسین ﷺ تا کربلا: 14 «زباله»
388	24 ذی الحجه
388	1. روز مباهله
389	نامه پیامبر ﷺ به نصاری نجران
389	نجرانیان در مدینه

390	..... مراسم مباحله
391	..... پرهیز نجرانیان از مباحله
392	..... 2. روز خاتم بخشی (1)
393	..... 3. منازل امام حسین <small>علیه السلام</small> تا کربلا: 15 «القاع»
393	..... 25 ذی الحجه
393	..... 1. نزول سوره هل اتی
393	..... 2. اولین نماز جمعه امیر المؤمنین <small>علیه السلام</small>
394	..... 3. منازل امام حسین <small>علیه السلام</small> تا کربلا: 16 «عقبه»
394	..... 26 ذی الحجه
394	..... 3. منازل امام حسین <small>علیه السلام</small> تا کربلا: 17 «شراف»
394	..... 27 ذی الحجه
394	..... 3. منازل امام حسین <small>علیه السلام</small> تا کربلا: 17 «ذو حُسم» (5)
395	..... 1. مرگ مروان
396	..... 3. واقعه حرّه
396	..... 4. وفات علی بن جعفر <small>علیه السلام</small>
397	..... احترام علی بن جعفر <small>علیه السلام</small> به مقام امامت
397	..... مسافرت های علی بن جعفر <small>علیه السلام</small>
398	..... 28 ذی الحجه
398	..... 1. منزل امام حسین <small>علیه السلام</small> تا کربلا: 19 «عذیب الهجانات»
399	..... 29 ذی الحجه
399	..... 1. منزل امام حسین <small>علیه السلام</small> تا کربلا: 19 «قطقطانیه»
399	..... آخر ذی الحجه
399	..... 1. مرگ پدر ابوبکر
399	..... 2. مرگ هند جگر خوار
400	..... سوابق سوء خاندان معاویه با اسلام
402	..... تتمه ذی الحجه
402	..... ولادت با سعادت حضرت کاظم <small>علیه السلام</small>



1. نامه پیامبر ﷺ به پادشاهان بزرگ ..... 404
2. رحلت حضرت ابوذر رضی الله عنه ..... 405
3. مرگ ابوموسی اشعری ..... 407
4. وفات زرارہ رضی الله عنه ..... 408